

خراسان
(۲)



۱۶۱

جغرافیای تاریخی شیروان

تألیف:

محمد اسماعیل مقیمی



خراسان این خفله زرخیز و پهناور، دروازه شرقی سرزمین افسانه‌ها، سرزمینی که قرن‌ها جولانگاه سم ستوران جهانگشایان، گردنکشان، زورورزان و زراندوزان بود، از آن روز تقدس یافت که خاکش افتخار شرف امانت گرفتن پیکر مطهر سلاله‌ای از دودمان نبی اکرم (ص) را یافت. آنگاه که بدین شرف نایل آمد، گردنکشان، چکمه برگردن و پای پیاده روی به سویش نهادند. سرزمین آرزوی زورگویان اهل دنیا، سرزمین آرزوی مشتاقان اهل ایمان، اهل صفا و اخلاص شد. هر ساله بیش از ده میلیون زائر، مشتاق، حاجتمند و آرزومند، خاکش را سرمه چشمان خویش می‌سازند و با آتش وضوی اخلاص می‌گیرند و میوه‌هایش را میوه‌های بهشت می‌دانند و هوایش را شفا بخش و مرگ در جاده‌هایش را شهادت در راه رسیدن به معشوق می‌شمرد.

این سرزمین عشق و محبت، این سرزمین علم و عمل تشیع، این میعادگاه زائر و جهانگرد، این سرزمین عبادت و تجارت این مرکز فیروزه، زعفران، زرشک، میوه، شکر، گردو، خرما و برنج و قالی، این سرزمین فارس، کرد، ترک، ترکمن، شاهسون، بلوچ، عرب و هزاره، این سرزمین کویر بیابان برهوت، جنگل سرسبز، دشتهای هموار، کوههای بلند که وسعتش $\frac{1}{3}$ خاک میهن اسلامی و جمعیتش $\frac{1}{3}$ ملت مسلمان ایران است هنوز از بسیاری از ابعاد طبیعی و انسانی ناشناخته مانده است.

تشکیلات گسترده آستان قدس رضوی که اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی و گسترش علم و شناساندن تاریخ و جغرافیای سرزمینهای اسلامی و ایران عزیز را وجهه همت خود قرار داده است، تلاشی گسترده را در راه شناساندن خراسان آغاز کرد. با هماهنگی بین مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد جمعی از علمای مخلص و علاقه‌مند تحقیق درباره خراسان را به عهده گرفتند که کتاب حاضر بخشی از آن کار گسترده است امید می‌رود که مورد قبول حق تعالی واقع گردد و علاقه‌مندان را مفید افتد. با آرزوی توفیق برای مسئولان و دست اندرکاران مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی که در این راه پیشگام بودند و پرتلاش.

من توفیق

دکتر محمد حسین پاپلی یزدی



۱۶۱

جغرافیای تاریخی شیروان

فارس

۱	۰۱۰
۵	۲۱

۲۹۱۳۳۱

جغرافیائی ریاضی سیروان

تألف:
محمد اسماعیل مقتدی



مقیمی ، محمد اسماعیل

جغرافیای تاریخی شیروان / تألیف محمد اسماعیل مقیمی . - مشهد :
آستان قدس رضوی ، معاونت فرهنگی ، ۱۳۷۰ .
۵۷۱ ص . : محور ، نقشه .
کتابنامه .

۱ . شیروان - جغرافیای تاریخی .
۲ . شیروان - تاریخ .
الف . عنوان .

۹۵۵/۸۲۳

DSR ۲۰۹۷ / ی ۸۶



مشخصات

نام کتاب : جغرافیای تاریخی شیروان

تألیف : محمد اسماعیل مقیمی

ناشر : معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار : نوبت اول ۱۳۷۰

امور فنی و چاپ : مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است

سیاس بیکران برخداوند منان که نعمت خویش را بر ملت بزرگ ایران تمام کرد و
 اورا توان بخشید تا هویت اسلامی و انسانی خود را باز یابد.
 درود فراوان بر پیامبر بزرگوار اسلام «ص» و امامان «ع» و صالحان و شهیدان و
 دانشمندان، که زندگانی و مرگشان در طول قرن‌ها، همواره اندیشه و کردار انسانها را بارور
 کرده است.

به برکت جمهوری اسلامی ایران و در سایه امام علی بن موسی الرضا «ع»، آستان
 قدس رضوی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تحولی شگرف به خود دیده است.
 بخش عظیمی از این تحول را فعالیتهای پژوهشی و فرهنگی در عرصه‌های گوناگون
 تشکیل می‌دهد که در قالب نهادهایی چند شکل گرفته است: نهادهایی جوان و
 کمسال، اما پویانده و پرتلاش، که با همکاری عده‌ای از پژوهشگران متعهد و دلسوز
 به کار تحقیق، تالیف و نشر مشغولند.

معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی بر آن است تا ضمن پرداختن به وظیفه خطیر
 هماهنگی فعالیتهای پژوهشی، علمی و هنری مؤسسه‌های یاد شده، مجموعه‌ای از
 استعداد های علمی و فرهنگی پراکنده در استان پهناور خراسان را گرد هم آورد و همه
 پژوهشگرانی را که می‌کوشند تا در خدمت اعتلای فرهنگ اسلامی و استقلال و
 سازندگی کشور فرار گیرند، در حد توان خویش یاری دهد.

امید آن که با یاری و همراهی همه دست اندرکاران و مسئولان فرهنگی کشور و نیز
 با مساعدت و راهنمایی تولیت معظم آستان قدس رضوی، خراسان، این سرزمین با برکت
 و فرهنگ پرور، پناهگاه شیفتگان معرفت و علاقه‌مندان به فرهنگ ناب اسلامی شود و
 جایگاه رفیع و واقعی خویش را باز یابد.

معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی



فهرست مطالب کتاب

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
پیشگفتار	۹	دختر حاکم شیروان	۴۷
مقدمه	۱۵	شیروان در زمان جانشینان نادر	۴۹
موقعیت و حدود جغرافیایی شهرستان		شیروان در زمان قاجاریه	۵۰
شیروان	۱۸	حکومت خودمختار رضاقلیخان و به	
وجه تسمیه شیروان	۲۰	توپ بستن شیروان	۵۳
		شیروان در زمان محمدشاه قاجار	۵۴
بخش اول: جغرافیای تاریخی شیروان	۲۳	شیروان در زمان ناصرالدین شاه	۵۷
جغرافیای تاریخی شهرستان شیروان	۲۴	شعر اول ناصرالدین شاه به شیروان	۵۷
سیری بروقايع تاریخی شیروان از		شعر دوم ناصرالدین شاه به شیروان	۵۸
روزگاران باستان تا طلوع اسلام	۳۱	آمدن سامخان ایلخانی حاکم مقتدر از	
طلوع اسلام و شیروان	۳۵	تهران	۶۲
شیروان بعد از اسلام تا مغول	۳۶	تاریخچه شهر قدیم شیروان	۶۵
جنگ در حلوا چشمه شیروان	۳۹		
شیروان در زمان صفویه	۴۰	بخش دوم: جغرافیای طبیعی شیروان	۶۹
فرمان شاه عباس اول برای سادات قریه		پستی و بلندی	۷۰
سکه شیروان	۴۲	۱ - شیروان و کوهستانهای شمالی	
شیروان مرکز حکومت ایلخانی	۴۳	استان خراسان	۷۰
آمدن شاه عباس به شیروان	۴۴	۲ - زمین شناسی شیروان	۷۴
شیروان در زمان افشایه	۴۵	گزارش کوتاهی از چینه شناسی	
شاه طهماسب صفوی و نادر خواستگار		کوههای شیروان	۷۸

۱۶۱	کتابخانه	۱ - شرح مختصری از ژوراسیک،
۱۶۲	آمارچه می گوید	۷۸ کرتاسه و ترشیری کل منطقه
۱۶۵	لهجه و گویش مردم شیروان	۲ - چینه شناسی کوههای جنوبی
	وکلائی مردم شیروان در مجلس شورای	شیروان
۱۷۴	ملی و اسلامی	۸۱
	نگرشی کوتاه بر تاریخ گذشته و حال	۸۵ کپه داغ
۱۷۶	ادارات شیروان	۸۶ تشکیلات منطقه کپه داغ
	(فرمانداری، شهرداری، شهربانی،	۸۷ پوشش گیاهی شیروان
۱۷۶	قره سوران، مخابرات، بهداشت، دارایی)	جانوران منطقه
۱۸۹	مساجد و هیأت‌های عزاداری شیروان	۹۱ معادن شیروان
۱۹۴	علما و روحانیون شیروان	۹۳ رودخانه‌های شیروان
		۹۶ آب و هوای شیروان
		۹۸ ییلاقهای شیروان
۲۰۳	بخش چهارم - اوضاع اقتصادی شیروان	۱۰۰ غارهای شیروان
۲۰۴	کشاورزی شیروان	
۲۰۵	محصولات عمده شیروان	بخش سوم: جغرافیای انسانی شیروان
۲۰۹	دامداری و دامپروری	۱۰۳ اوضاع اجتماعی شهرستان شیروان
۲۱۱	عشایر کوچرو شیروان	۱۰۴ مساحت و جمعیت شهرستان شیروان
۲۱۵	صنایع و کارخانه‌های شیروان	۱۰۶ نگاهی گذرا به جمعیت شهری شیروان
۲۱۸	کارخانه قند، اسفنج و الیاف شیروان	۱۰۶ محلات معروف شیروان
۲۱۹	نیروگاهها و کارخانه‌های دیگر	۱۲۶ نژاد و تیره مردم شیروان
۲۲۰	صنایع دستی	۱۳۱ زبان مردم شیروان
۲۲۱	تجارت	۱۳۵ نگرشی بر جمعیت شهر شیروان
	راهها و وسایل ارتباطی شهرستان	۱۳۶ بررسی مسائل کلی نیروی انسانی و
۲۲۲	شیروان	اشتغال شیروان
	موقوفات آستان قدس رضوی در شهرستان	۱۴۴ شیروان شهر مهاجرپذیر
۲۲۳	شیروان	۱۴۵ تاریخچه فرهنگ شیروان
	بخش پنجم: آثار و بناهای تاریخی	۱۵۱ دانشسرای تربیت معلم شیروان
۲۲۷	شیروان	۱۵۴ دانشگاه آزاد شیروان
۲۲۸	مقبره امامزاده حمزه ابن موسی الرضا(ع)	۱۵۸ آموزشکده کشاورزی شیروان
		۱۵۹ مدرسه علمیه حضرت آیه الله العظمی حکیم

- ۲۷۴ داوری و فنون کشتی با چوخه
- ۲۷۶ کشتی با چوخه
- بخش هفتم: وقایع و حوادث تاریخی
- ۲۸۳ شیروان
- ۲۸۴ جنگ بین الملل اول و وقایع شیروان
- ۲۸۵ واقعه لهاک خان سالار در شیروان
- ۲۹۰ خلع سلاح ژاندارمری شیروان و قوچان
- توسط فرج الله خان نگهبان
- ۲۹۰ واقعه کتلل محمدتقی خان پسیان و
- شیروان
- ۲۹۳ جنگ نیروی فرج الله خان نگهبان با
- قوای ژاندرم
- ۲۹۶ سرگذشت یک سر
- ۳۰۰ واقعه خداوردی سردار
- ۳۰۱ جنگ جهانی دوم و شیروان
- ۳۰۵ واقعه فرج بیگ (فرج الله خان بیچرانلو)
- ۳۰۸ حکام محلی شیروان
- ۳۱۳ لشکرکشی سرهنگ بیگلری
- جنگ امیرحسین خان نگهبان و
- علی خان بیک بیچرانلو
- ۳۱۴ جنگ در مرکز شهر
- ۳۱۶ درگیری در دنفره (مظهر قنات)
- ۳۱۸ وقایع دوران پهلوی
- ۳۱۹ آخرین حمله ترکمنها به منطقه شیروان
- ۳۲۰ انقلاب اسلامی و شیروان
- ۳۲۷ اولین شهدای شیروان
- ۳۳۰ نماز جمعه شیروان
- ۳۳۱ تسخیر و تخلیه شهربانی
- ۳۳۲
- ۲۳۱ مقبره امامزاده محمدرضا (ع)
- ۲۳۳ مقبره تیموری شیروان
- ۲۳۶ برج و باروی تیموری
- ۲۳۸ قصبه ای تاریخی در روستای هنامه شیروان
- ۲۴۱ قزل قلعه
- ۲۴۲ آثار قدیمی و بقاع متبرکه شیروان
- بخش ششم: دانشمندان، عرفا،
- نویسندگان، شاعران و هنرمندان
- ۲۴۷ باباتوکل جلیانی
- ۲۴۸ ابوالحسن علی بن احمد نسوی زیدری،
- ملاسعد الدین تفتازانی،
- خواجه نورالدین محمد نسوی زیدری،
- سعد بن حسام الدین بن سعد تفتازانی
- میرزا محمد شیروانی، امیر شمس الدین
- محمد بن امیر نظام الدین،
- شیخ رشید الدین محمد بید اوزی،
- میردرویش حسن زیارتی
- ۲۵۶ شاعران: مجنون، قدرت الله شریفی،
- محمد بن حسین ظهیران
- خوشنویسان: محمد باقر خوشنویس،
- ۲۶۰ ملا محمد زواری، شاهرخ خان،
- حاج شیخ ابراهیم واعظی، قربانعلی
- رحیمی، مرتضی بقالان، مجتبی بقالان
- نقاشان و طراحان: استاد ملا مقیم،
- ۲۶۷ مهندس حسینقلی هویدایی
- آهنگسازان، بازیگران تأثر و فیلمسازان
- ۲۶۷ پهلوانی و ورزش
- ۲۶۹ گود زورخانه در شیروان
- ۲۶۹ کشتی با چوخه در شیروان
- ۲۷۱

۳۸۳	روستای بُرُزلی - برزو	۳۳۴	تشکیل کمیته انقلاب اسلامی
۳۸۵	روستای بزآباد	۳۳۴	جنگ تحمیلی
۳۸۷	روستای بلقان علیا		
۳۸۹	روستای بوانلو	۳۳۷	بخش هشتم: آداب و رسوم محلی شیروان
۳۹۰	روستای بی بهره	۳۴۰	مراسم خواستگاری
۳۹۱	روستای بیره زینل بیک	۳۴۵	غذاها و آشپزهای نذری مردم شیروان
۳۹۱	روستای بیک	۳۴۹	مراسم خلقه گلدی
۳۹۳	روستای بیگان - پالکانلو سفلا	۳۴۹	چچمه خلد گلپ ده
۳۹۴	روستای پیرشهید	۳۵۰	دیگر معتقدات مردم
۳۹۵	روستای پیرودانلو - تبریان	۳۵۰	طب سنتی مردم شیروان
۳۹۶	روستای تفتازان	۳۵۴	ضرب المثلها
۳۹۷	روستای تنسوان	۳۵۵	انواع غذاها و غذاهای محلی
۳۹۹	روستای توپکانلو	۳۵۷	بازیهای محلی
۴۰۰	روستای توده	۳۵۸	بخشهای شیروان
۴۰۱	روستای توکور		بخش نهم - نظری بر جغرافیای
۴۰۲	روستای جنگاه	۳۵۹	روستایی شیروان
۴۰۳	روستای چارقالدی	۳۶۰	موقعیت جغرافیایی روستاها
۴۰۴	روستای چپانلو	۳۶۶	روستای آلاخ
۴۰۶	روستای چشمه دوزان - چوکانلو	۳۶۷	روستای استخری (اسطخری)
۴۰۷	روستای حسین آباد	۳۶۹	روستای آلاشلو
۴۰۹	روستای حصار دوین	۳۷۰	روستای الله آباد
۴۰۹	روستای حلواچشمه	۳۷۲	روستای امیرآباد
۴۱۱	روستای خانحصار - خاتلق	۳۷۳	روستای امیرانلو - امیرخان
۴۱۴	روستای خرسکانلو (پسکوه)	۳۷۵	روستای اوغاز تازه
۴۱۴	روستای خلجلو	۳۷۶	روستای اوغاز کهنه
۴۱۵	روستای خیرآباد	۳۷۸	روستای باداملق
۴۱۶	روستای دده خان	۳۷۹	روستای باغ
۴۱۸	روستای دوآب - دوآلو	۳۸۰	روستای باغان
۴۱۸	روستای دوین	۳۸۲	روستای برج
۴۲۰	روستای رباط	۳۸۲	روستای بُرُزلی آباد

۴۶۲	روستای قلعه زو	۴۲۱	روستای رزمقان
۴۶۴	روستای قلهدک سفلا	۴۲۳	روستای رشوانلو- رضا آباد غربی
۴۶۴	روستای قولانلو	۴۲۴	روستای زو
۴۶۵	روستای کاکلی	۴۲۵	روستای زوارم
۴۶۶	روستای کالتمانلو	۴۲۹	روستای زورتانلو
	روستای کلاته - نظرعلی - کلاته	۴۳۰	روستای زیارت
۴۶۷	نظر محمد	۴۳۳	روستای زیدر
۴۶۹	روستای کلاته هندی - کورکانلو علیا و سفلا	۴۳۵	روستای زیندانلو
۴۷۰	روستای کوسه	۴۳۶	روستای سرانی
۴۷۱	روستای گدوکانلو- گرزو	۴۳۷	روستای سرچشمه
۴۷۲	روستای گرماب	۴۳۸	روستای سرخ زو
۴۷۳	روستای گلیان	۴۳۹	روستای سرداب - سردارآباد
۴۷۷	روستای گنج آباد	۴۴۰	روستای سکه
۴۷۹	روستای گوگلی - لوجلی	۴۴۲	روستای سنجد
۴۸۰	روستای محمد دورانلو	۴۴۴	روستای سولدی
۴۸۱	روستای محمد علی خان - مشهد طوقی	۴۴۵	روستای سیل سپرانلو
۴۸۵	روستای ملا باقر	۴۴۷	روستای شرکانلو
۴۸۵	روستای ملوانلو- منصوران	۴۴۸	روستای شکرانلو
۴۸۸	روستای میلانلو علیا	۴۴۹	روستای شناق علیا
۴۸۸	روستای نامانلو	۴۵۰	روستای شوق آباد
۴۹۱	روستای نقد و - ورقی	۴۵۰	روستای شیخ امیرانلو
۴۹۳	روستای ورگ	۴۵۲	روستای شیرآباد
۴۹۵	روستای هُنامه	۴۵۲	روستای عبدآباد
۴۹۷	روستای ینگه قلعه علیا	۴۵۳	روستای علیخان قلعه
		۴۵۴	روستای فیروزه
۵۰۲	مآخذ و منابع	۴۵۵	روستای فیض آباد- قُز
۵۰۷	عکسها و اسناد	۴۵۷	روستای قزل حصار- قلعجق
۵۵۴	نقشه شهرستان شیروان	۴۵۹	روستای قلعه بیک
		۴۶۰	روستای قلعه حسن
۵۵۵	فهرست اعلام (اشخاص، ایلات، اماکن)	۴۶۱	روستای قلعه چه (قلعهچه)

پیشگفتار

دیدن دایرة المعارف بزرگ جغرافیای ایران همیشه یکی از آرزوهای این جانب بخصوص از دوران دانشجویی بوده وهست و مدام در این فکر بوده ام که برای تحقق این آرزوچه باید کرد؟ از آن زمان تا کنون کارهای زیادی در این باره شده است ولی باید اعتراف کنم هنوز هم با همه تلاشهایی که می شود تا تحقق این آرزو راه درازی درپیش است.

هنگامی که «مجله تحقیقات جغرافیایی» پا گرفت وبه یاری خدا با استقبال علاقه مندان مواجه شد. تقریباً بارقه امیدی برای تحقق آن آرزوها در دلها تابید. در این بین افراد زیادی بنده را در عملی کردن آن آرزوها تشویق کردند از جمله و در رأس آنها استاد ارجمندم جناب آقای دکتر عباس سعیدی رضوانی.

در زمان تصدی مدیریت گروه جغرافیای دانشگاه مشهد متوجه شدم که عملی کردن آن اهداف و آرزوها مقدمات و امکانات و همکاریانی می طلبد و کار باید پله به پله دنبال شود. چه تدوین دایرة المعارف جغرافیایی ایران آن هم بدون فراهم آوردن مقدمات، سنگ بزرگی است علامت نزدن. پس چه باید کرد؟ پس از مدتها به این نتیجه رسیدم که بالاخره باید از یک گوشه مملکت شروع کرد. البته باید برای این کار نیرو فراهم کرد. ولی بهترین راه این است که از همه نیروهای علاقه مند، چه دانشگاهی و چه غیر دانشگاهی، یاری خواست.

این نکته را باید متذکر شوم که این افکار و اهداف در ذهن بسیاری از افراد بوده وهست و افرادی هم قبلاً در حد توان در این باره اقدام کرده و اثرهایی هم به چاپ رسانده اند ولی کاش همه آنها یکی می شدند و کار را یکسره می کردند.

به هر حال، فکر کردم حال که در خراسان هستیم بهتر است از این ناحیه شروع کنیم، لذا با اغتنام فرصت از مدیریت گروه جغرافیا درسهایی در مورد خراسان به همکاران دانشگاهی پیشنهاد کردم که بالاخره در گروه تصویب شد. درسهایی چون: جغرافیای طبیعی خراسان، جغرافیای اقتصادی خراسان. جغرافیای روستایی خراسان. مهاجرت‌های روستایی در خراسان، جغرافیای شهری و بالاخره جغرافیای تاریخی خراسان.

وقتی مواد درسی تصویب و کلاسهای مربوطه دایر شد امیدوار شدم که بالاخره به دلیل نیاز علمی و درسی هم که شده، روزی «دایرةالمعارف جغرافیای خراسان» تدوین خواهد شد.

در مورد خراسان نیز باید متذکر شوم که تاکنون تحقیقات زیادی توسط اشخاص، شرکت‌های مشاوره‌ای، مؤسسات و ادارات دولتی و سازمان برنامه انجام شده و استادان مختلفی چون آقایان: دکتر عباس سعیدی رضوانی، دکتر محمد حسن گنجی، دکتر ابراهیم شکورزاده و محققانی چون آقایان: عبدالحمید مولوی، محمد تقی دانش پژوه، تقی بینش، رمضانعلی شاکری و دهها و بلکه صدها تن دیگر، در این زمینه کارهای ارزنده و خوبی انجام داده‌اند، اما یک مسأله وجود دارد و آن این است که تحقیقات این عزیزان دانشمند اولاً بدون هماهنگی آنها با یکدیگر و نه بر اساس یک هدف و برنامه مشترک و در زمانهای متفاوت انجام شده است و ثانیاً متأسفانه برخی از آنها بنابه دلایلی پس از چندی کار را ادامه نداده‌اند. بنابراین لازم بود تا کاری جمعی و هماهنگ و همزمان حول یک محور مشترک انجام شود.

اعضای محترم گروه جغرافیای دانشگاه مشهد که ابتدا با شک و تردید به پیشنهاد نگارنده مبنی بر تدریس جغرافیای ناحیه‌ای خراسان، می نگریستند، کم کم آن چنان علاقه مند شدند که آمادگی خود را برای یک کار دسته جمعی در مورد خراسان و انتشار یک سری کتاب در باره شهرستانهای آن، اعلام کردند. لذا با توکل به خدا در پی تهیه مقدمات کار برآمدیم. بخش اعظم امکانات بالقوه کار در تشکیلات وسیع و گسترده فرهنگی آستان قدس رضوی وجود داشت اما استفاده از آنها خود محتاج تلاش و پیگیری بود.

خوشبختانه، آقای دکتر عباس سعیدی رضوانی مدیر عامل محترم مؤسسه چاپ و

انتشارات آستان قدس رضوی که خود از پیشکسوتان و علاقه‌مندان این مسأله بودند و عمری را در شناسایی و شناساندن خراسان صرف کرده‌اند مسأله را پیگیری و کارها را سر و سامان دادند.

عده‌ای از دبیران محترم آموزش و پرورش و محققان غیردانشگاهی نیز که برخی از آنها بدون اطلاع از جریان طرح مشغول کار تحقیق بودند، با اطلاع از آن ابراز علاقه کردند. و به این ترتیب همکاری بین مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، گروه جغرافیای دانشگاه مشهد، گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و عده‌ای از محققان آزاد برای تهیه و تدوین کتب مربوط به جغرافیای شهرستانهای خراسان آغاز و قراردادهای لازم بین محققان و مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی منعقد شد که فهرست آنها در انتهای همین گفتار آمده است.

از جمله افرادی که برحسب علاقه شخصی مشغول تحقیق و تفحص درباره خراسان بودند، دانشمند محترم آقای محمد رضا خسروی از قضات دادگستری مشهد و از محققان پاره وقت گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی هستند. ایشان تحقیقی بسیار ارزنده درباره «جغرافیای تاریخی ولایت زاوه»^۱ و کار شایسته‌ای درباره «کلات نادری»^۲ داشتند که به وسیله مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسید و با استقبال شایانی مواجه شد.

کارهای خوب آقای خسروی این اعتقاد را در ما راسختر کرد که برای تدوین دایرةالمعارف جغرافیای خراسان استفاده و استعانت از همه نیروهای علاقه‌مند امری است ضروری و حتمی.

در این اثنا دبیر فاضل و علاقه‌مند شیروانی، آقای محمد اسماعیل مقیمی برای ارائه و چاپ تحقیقی جامع در باره شهرستان شیروان که خود انجام داده بودند، به راهنمایی همکار ارجمند آقای دکتر رحمانی فضلی به این جانب مراجعه کردند. با ملاحظه کار گسترده آقای مقیمی شادی و شغف نگارنده دوچندان شد. چه می‌دیدم که در این خطه علاقه‌مندانی وجود دارند که بدون هیچ گونه انتظاری مشغول تحقیق و

۱ - خسروی، محمد رضا، جغرافیای تاریخی ولایت زاوه. با همکاری گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی. چاپ مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی سال ۱۳۶۶، ص ۴۷۰.

۲ - خسروی، محمد رضا، کلات نادری، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۶۷، ص ۹۵.

کارند. پیشنهاد چاپ این اثر پس از مطالعه، به معاونت محترم فرهنگی آستان قدس رضوی داده شد و خوشبختانه مورد موافقت قرار گرفت.

کار آقای مقیمی چنان گسترده و جامع بود که چاپ آن وقت و سرمایه، بویژه کاغذ زیادی می طلبید ولی ما که نمی خواستیم در آغاز راه با مسأله چنان برخورد کنیم که به علت هزینه زیاد در آینده با مشکل مواجه شویم علی رغم میل باطنی خود، از مؤلف محترم تقاضا کردم تا بخشهایی از اثر را به امید آن که در چاپهای بعدی آورده شود فعلاً حذف کنند. این کار با راهنمایی آقای دکتر عباس سعیدی رضوانی و آقای دکتر رحمانی فضلی که خود اهل شیروان است و علاقه وافری هم به چاپ کل اثر داشت انجام شد. ویرایش علمی اثر را آقای دکتر حاتمی نژاد بر عهده گرفتند و اکنون این اثر که در حقیقت می تواند سومین بخش از دایرةالمعارف جغرافیای خراسان (پس از «جغرافیای تاریخی ولایت زاوه» و «کلات نادری») باشد در پیش روی شماست.

مطالب این اثر با پلانی که مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس برای جغرافیای شهرستانهای خراسان تهیه کرده است و قرار است «دایرةالمعارف» موصوف بر مبنای آن تدوین شود، مطابقت ندارد. حتی ممکن است کسانی باطرح و تدوین بخشهایی از این اثر باشیوه موجود موافق نباشند و یا به هر حال هرکس نظری دارد. ولی من چاپ این اثر را به سهم خود به فال نیک گرفتم چرا که تهیه و تدوین آن برای ما غیر منتظره بود و درست زمانی که در جستجوی افراد مجرب و علاقه مند برای طرح مورد نظرمان بودیم، دبیری علاقه مند و اهل عمل حدود ۸۰۰ هشتصد صفحه مطلب تحقیقی با خط خوانا و آماده چاپ در اختیارمان گذاشت و این برای ما جای بسی خوشحالی است.

شهرستان شیروان که در این اثر مورد مطالعه قرار گرفته است، از موقعیتی استثنایی در شمال خراسان برخوردار است. غالب مردم مقیم این شهرستان را ترکها و کردها و فارسها تشکیل می دهند، البته اقوام دیگری نیز در آن جا زیست می کنند. این آمیزه قومی، فرهنگی با استعدادهای انسانی و شرایط طبیعی معتدل (آب و هوای مناسب، ریزشهای جوی نسبتاً خوب، حدود ۳۵۰ میلی متر در سال، زمینهای حاصلخیز، مراتع خوب و ...) و موقعیت مناسب به علت قرار گرفتن بر سر راه ارتباطی

مهم مشهد تهران، وجود تأسیسات صنعتی از جمله کارخانه قند و... زمینه‌های مناسبی را برای فعالیتهای گسترده کشاورزی، دامپروری و صنعتی فراهم آورده است. امید است که در آینده نزدیک با برنامه ریزیهای صحیح و مشارکت دولت و مردم شاهد رونق و پیشرفت بیشتر این خطه زرخیز استان خراسان و کشورمان باشیم.

از آقای محمد اسماعیل مقیمی که با تدوین و تالیف این اثر در حقیقت گامی بزرگ و سودمند در معرفی این ناحیه به مسئولان و مردم کشور و همشهریان خود برداشته اند سپاسگزاریم و توفیق روز افزون ایشان را از خداوند متعال خواهانیم و امیدواریم که تشکیلات گسترده علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی نیز در انجام خدمات و فعالیتهایش بیش از پیش موفق باشد.

در انتها از خداوند متعال می‌خواهیم که اسباب و وسایل لازم برای تحقق آرزوی تمامی علاقه‌مندان به این علم که همانا تدوین «دایرةالمعارف بزرگ جغرافیای ایران» است، را در اختیار تلاشگران و خادمان به علم قرار دهد و مطمئنیم که این کار با اتکال بر ذات حق و توسل به حضرت رضا(ع) و همکاری تمامی محققان و علاقه‌مندان، شدنی و ممکن است. به امید آن روز.

محمد حسین پابلی یزدی

مشهد مقدس ۱۳۶۹/۵/۶

فهرست آثاری که در مورد «دائرة المعارف جغرافیای خراسان» منتشر خواهد شد.

- ۱- آب خراسان
- ۲- خاک خراسان
- ۳- اقلیم خراسان
- ۴- مرفولوژی خراسان
- ۵- جغرافیای اقتصادی خراسان
- ۶- جغرافیای انسانی خراسان
- ۷- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی اسفراین
- ۸- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی بجنورد
- ۹- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی بیرجند
- ۱۰- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی تایباد
- ۱۱- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی تربت جام و باخترز
- ۱۲- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی خواف و زوزن
- ۱۳- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی درگز
- ۱۴- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی سبزوار
- ۱۵- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی طبس
- ۱۶- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی فردوس
- ۱۷- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی قاین
- ۱۸- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی قوچان
- ۱۹- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی گناباد
- ۲۰- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی کاشمر
- ۲۱- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی مشهد
- ۲۲- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی نهبندان
- ۲۳- جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی نیشابور

مقدمه

اساس کار و تحقیق در کتاب «جغرافیای تاریخی شیروان» کتب تاریخی، دایرةالمعارفها، اسناد تاریخی و سیاسی، شجره نامه ها، سالنامه ها، جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی، ضرب المثلها و عقاید و نظرات مردمی است که در حوادث و وقایع شیروان به نحوی شاهدان عینی بوده اند. همچنین مسافرت به اکثر روستاها و بررسی نوع خاک، آب، زبان، نژاد، ایل، کتیبه ها، سنگ قبرها، اسناد و متون تاریخی و بناهای قدیمی و تاریخی در طول بیش از ده سال می باشد که عده ای از همکاران فرهنگی و همشهریان اهل علم و ادب و مطالعه و تحقیق با توجه به رشته تخصصی خودشان در موارد مختلف مرا یاری کرده اند. نگارنده در تالیف و نگارش این کتاب بیش از همه بزرگواران و اندیشمندان مرهون راهنماییهای جناب آقای دکتر عباس سعیدی رضوانی و جناب آقای دکتر محمد حسین پاپلی یزدی و جناب آقای دکتر عبدالرضا رحمانی فضلای استادان محترم دانشگاه فردوسی مشهد می باشد که در پیشبرد کارها و تحقیقاتش بسیار مؤثر بوده است.

هرگز ادعایی ندارم که تحقیقاتم کامل و خالی از اشکال است. اما تا آن جا که مقدور بوده است در نوشتن مطالبی مستند و مستدل و با پرسش از افرادی بصیر و مطلع و بی غرض سعی نموده ام و بررسی بیشتر با «مشاهده» که یکی از بهترین روشهای تحقیق می باشد. انجام پذیرفته است. مع ذالک امروزه چه بسیار عقاید و طرز فکرها و مسائل و حقایق در لابلای ابرهای تیره اغراض شخصی، قبیله ای، نژادی، قومی، اقتصادی و سیاسی و ملی گرایی و... پنهان شده است. قدمت تاریخی شیروان به زمانهای بسیار دور حتی قبل از میلاد مسیح و زمان زرتشتیان می رسد از معدود مناطقی

است که تاریخ مدوّنی ندارد. کتاب جغرافیای تاریخی شیروان مجموعه‌ای از جغرافیا و تاریخ این شهر قدیمی است و هدف از نگارش و تالیف آن آشنایی خوانندگان با سرزمین و مردمی است که طبق نوشته دیاکونوف محقق و نویسنده روسی اولین امپراتوری مقتدر پارتها «یوئه- چری» به نام «کوشانیان» در این منطقه به وجود آمده و قسمتی از شهرستان شیروان جزء ایالت نسا یکی از شهرهای قبل از اسلام خراسان بزرگ می‌باشد که سهمی عمده در تاریخ خراسان داشته است. من امیدوارم دیگر اندیشمندان و پژوهشگران با پیگیری و بررسی در زوایای مختلف آن، مطالب کاملتر و پرمحتواتری به دست آورند.

در خاتمه گفتار از آقای دکتر حسین حاتمی نژاد که ویراستاری محتوایی این کتاب را به عهده داشته‌اند سپاسگزار است، همچنین از معاونت محترم فرهنگی آستان قدس رضوی که نشر این کتاب را عهده دار شده و مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس به چاپ آن پرداخته‌اند تشکر می‌نماید و از همه خوانندگان گرامی تقاضا دارد هر گونه لغزش و خطا که به نظرشان می‌رسد تذکر دهند و با نقد و بررسی نویسنده را یاری نمایند.

محمد اسماعیل - مقیمی



نقشه شماره ۱ نقشه استان خراسان با تفکیک شهرستان
موقعیت جغرافیایی شیروان در استان خراسان

کلیات

موقعیت و حدود جغرافیای شهرستان شیروان

شهرستان شیروان طبق تقسیمات وزارت کشوری یکی از شهرستانهای استان خراسان است که از طرف شمال به مرز ایران و اتحاد جماهیر شوروی و از طرف جنوب به شهرستان اسفراین، از خاور به شهرستان قوچان و از باختر به شهرستان بجنورد محدود می شود. فاصله مرکز شهرستان شیروان تا مشهد مرکز استان خراسان ۱۸۸ کیلومتر است. شهر شیروان با توجه به موقعیت جغرافیایی در ۳۷ درجه و ۲۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی و ۵۷ درجه و ۵۴ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد^۲ و با تهران ۲۷ دقیقه و ۹ ثانیه اختلاف افق دارد.

شیروان در ارتفاع ۱۰۶۰ متری^۳ از سطح دریا در یک چاله ناودیدی وسیع بین کوههای کُپه داغ و آلا داغ واقع است. شهرستان شیروان از شهرهای مرتفع شمال خراسان و از نظر طبیعی ناحیه ای کوهستانی می باشد. بلندترین ارتفاعات آن در شمال کُپه داغ^۴ (کپت داغ ۲۹۶۵ متر)^۵ و کوه گلیل (گلول ۲۶۲۵ متر)^۶ و در جنوب، کوه شاه جهان

۱ - موقعیت و حدود جغرافیایی شیروان با توجه به تصمیم جدید وزارت کشور در سال ۱۳۶۵ با احتساب چهاردهستان (قوشخانه، جریستان، بیجرانلو، اوغان) و چندین روستا از دهستان فاروج قوچان و سه آبادی از بجنورد که به حوزه فرمانداری شیروان اضافه شده نگارش یافته است.

۲ - عباس جعفری، شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، گیتاشناسی، ص ۱۱.

۳ - گیتاشناسی کشورها (جغرافیای طبیعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی)، انتشارات گیتاشناسی، سال ۱۳۶۲، ص ۶۳؛ ارتفاع شهر شیروان در کتاب جغرافیای استان خراسان ۱۰۵۰ متر و در کتاب شناسنامه جغرافیای طبیعی ۱۱۶۰ متر قید گردیده است.

۴ - Kopet - Dagh

۵ - احمد معرفت، کوهها و غارهای ایران، ۱۳۵۲، ص ۲۸۵؛ در کتاب شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران ارتفاع

کپت داغ ۲۹۴۹ متر قید شده است.

۶ - همان، ص ۲۸۵.

۳۰۳۲ متر^۷ از سطح دریا می باشد. ارتفاعات شیروان و جنس زمینهای آن مربوط به دوران دوم و اوایل دوران سوم زمین شناسی است. و هنوز آن چنان که باید زمینهای آن تکامل کافی پیدا نکرده است^۸. و در بعضی از مناطق عوامل کوهزایی خفیفی خود نمایی می کند. ارتفاعات کپه داغ و آلا داغ شیروان را به صورت دره ای در غرب محدود کرده اند و از طرف شرق به طرف دشت از یکدیگر باز می شوند از نظر آب و هوایی با توجه به قرار گرفتن در تحت تأثیر بادهای سرد شمالی^۹ و ارتفاع مکان و رطوبت حاصله از دریای خزر که در جهت دره های حاصله بوسیله رودخانه اترک به این ناحیه نفوذ می یابند. شیروان آب و هوایی کوهستانی با زمستانهای سرد. خشک و آرام دارد، که جبهه های کم فشاری که منشاء آنها در مدیترانه شرقی است از شدت سردی هوا می کاهد ولی در هر حال بارندگیهای مهم مربوط به همین جبهه هاست. درجه حرارت متوسط دی ماه که سردترین ماه سال را تشکیل می دهد ۲- درجه سانتی گراد است. کمترین درجه حرارت نیز که معمولاً در همین ماه و خیلی بندرت در آذرماه است به ۲۰- درجه سانتی گراد می رسد^{۱۰}.

گرم شدن هوا در بهار در منطقه شیروان نسبت به سایر مناطق خراسان شمالی آهسته تر صورت می گیرد زیرا در فروردین ماه متوسط درجه حرارت ماهیانه به ۱۰ درجه سانتی گراد می رسد. تیرماه گرمترین ماه سال را تشکیل می دهد. درجه حرارت متوسط ماهیانه آن ۶/۲۰+ درجه سانتی گراد است و همچنین بیشترین درجه حرارت این منطقه از ۳۸+ درجه سانتی گراد تجاوز نمی کند^{۱۱}. در منطقه شیروان بر خلاف سایر مناطق خراسان زمستان مهمترین فصل بارندگی را تشکیل نمی دهد. زیرا در این فصل ۴/۸۶ میلی متر بارندگی (۳۱٪ درصد) و در بهار با ۸/۹۰ میلی متر (۳۲/۸٪ درصد) و در پاییز با ۸/۸۶ میلی متر (۳۱٪ درصد) بارندگی سالانه را تشکیل می دهند. مقدار بارندگی متوسط سالانه منطقه شیروان در حدود ۲۷۸ میلی متر می باشد^{۱۲}. بادهایی که عموماً منطقه شیروان را تحت تأثیر

۷- بلندترین کوه رشته آلا داغ

۸- جابجایی و ریزش و حرکت خفیف کوههای مجاور شورک زیارت شیروان و هشتمرخ را می توان دلیلی بر آن دانست.

۹- آب و هوای شیروان در زمستانها تحت تأثیر آنتی سیکلون سیبری قرار می گیرد.

۱۰- مرکز آمار سازمان برنامه و بودجه، آمارنامه خراسان، سال ۱۳۶۵/ش.

۱۱- این بررسی در رابطه با داده های ایستگاه هواشناسی شیروان واقع در خیابان سه یک آب انجام گرفته است.

۱۲- باران سالانه در ارتفاعات هزار مسجد، بینالود، گیتداغ ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلی متر است. جغرافیای مفصل ایران،

تألیف دکتر ربیعی، ص ۷۰.

قرار می دهند، بادهای صحراهای شوروی هستند که بیشتر در جهت شمال شرقی - جنوب غربی می وزند که در زمستان بادهای سرد و خشک می باشند و در فصل گرما نیز گرم و خشک هستند و در شیروان به باد آیش معروفند و باعث خشکی گیاهان و زمینهای زراعی در فصل گرما می شوند و همچنین بادهای ملایم و مرطوب در جهت غربی - شرقی از طرف دریای مازندران می وزند که در محل به بادِ دولان معروف است و به علت وجود رطوبت موجب سبزی و خرمی گیاهان می گردد^{۱۳}.

وجه تسمیه شیروان

در مورد نامگذاری شیروان و این که اصولاً چرا به این آبادی «شیروان» گفته می شود، عقاید و نظریاتی وجود دارد که به ذکر سه مورد آن اشاره می شود.

۱- نام شیروان منسوب به نقش شیری است که شکل و شمایل آن در دامنه شمالی کوه اغزقاپوقلی^{۱۴} که در امتداد شرقی کوه قراول چنگه^{۱۵} مشاهده می گردد. این دو کوه در نزدیکی و جنوب شهر شیروان واقع و کلاً به شیر کوه نیز معروف است. سنگهای تشکیل دهنده شکل شیر با دیگر سنگهای کوه اغزقاپوقلی، از نظر جنس، نوع و رنگ متفاوت است و هر بیننده ای این وجه تمایز «شکل شیر» را به وضوح مشاهده می کند.

۲- نام شیروان منسوب به شیر بانانی بوده است که در قرون گذشته در جنگلهای منطقه شیروان به شکار و نگهداری شیر اشتغال داشته اند. البته وجود درختان اُرسی (سرو کوهی) در حال حاضر به صورت تک درخت در دامنه های کوههای شیروان این موضوع را تأیید می کند. چون شیروان از نظر معنا «مركب از شیر + وان» است که وان مساوی بان می باشد یعنی نگاهبان شیرها^{۱۶}. (عکس ۱)

۱۳- در هنگام لقاح و گل دادن گیاهانی مانند گندم و جو در صورتی که بادهای شدید آیش بوزد محصول تا ۱/۴ کاهش می یابد.

اداره کشاورزی شیروان.

۱۴- Aghze - Ghapaghleh

۱۵- Gharavol - Chingah در دامنه جنوبی کوه قراول چنگه شیروان آثار و بناهای قدیمی مشاهده می گردد که مربوط به دوره سلجوقیان می باشد که پایگاه سواران و قراولچیان بوده که آثار مکشوفه این موضوع را به اثبات می رساند.

۱۶- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۳۱، ص ۱۹۱.



کوه اغزقاپوق لی و باغهای چلو^{۱۷} که شکل و شمایل شیربه وضوح در آن مشاهده می‌گردد و وجه تسمیه (نام شیروان) منسوب به این کوه می‌باشد. عکس شماره ۱

۳- در منطقه شیروان به علت وفور باغهای انگور و تهیه کشمش که یکی از محصولات عمده باغداران محسوب می‌شود در سابق ساختن شیرۀ خوراکی از انگور^{۱۸} در تمام باغها مرسوم بود برای این منظور احداث محل خاصی به نام شیرۀ خانه لازم بود که این شیرۀ خانه‌های انگوری قسمتی به اسم چُرُخ^{۱۹} داشت که در زیر آن ناودان^{۲۰} قرار می‌گرفت

۱۷- چهل آب.

۱۸- در سالهای اخیر به علت بالا بودن مزد کارگران و زحمت زیاد. باغداران شیروان کمتر به ساختن شیرۀ انگور مبادرت می‌ورزند.

۱۹- چُرُخ Chorokh قسمتی از شیرۀ خانه انگوری است که خوشه‌های انگور را در آن جا ریخته و کارگران با پای برهنه روی خوشه‌ها می‌روند تا دانه‌های انگور له شده و آب آن از تفاله جدا گردد.

۲۰- ناودان آب انگور را بوسیله صافی از چُرُخ به ظروف دیگر منتقل می‌کند تا شیرۀ تورباخ سریعتر باعث رسوب ناخالصیه‌ها گردد.

انگورها داخل چُرُخ ریخته می شد و روی آن خاک مخصوص شیرۀ انگور (شیرۀ تورپاخ) می ریختند و با پا زدن کارگرها انگورها را له می کردند که آب حاصل از انگور بوسیله ناودان به ظرفهای مخصوصی وارد می شد و پس از ته نشین شدن آب انگور زلال شده را با حرارت دادن در ظروف چدنی در روی دشت^{۲۱} و جوشاندن، آن را به انواع شیرۀ خوراکی تبدیل می کردند و چون سقف این شیرخانه های انگوری در باغها از چوب و گل و برای مقاومت بیشتر در برابر برف و باران به صورت شیروانی ساخته می شد. عده ای از معمرین این بناهای شیروانی گونه را وجه تسمیۀ شیروان می دانند.

البته با توجّه به متون و اسناد تاریخی و قبور زرتشتی و آثار قدیمی که در بخش جغرافیای تاریخی بطور مشروح به آن اشاره خواهد شد، شیروان یکی از آبادیهای قدیمی خراسان و وجه تسمیۀ آن همان نقش شیر سنگی در دامنه کوه اغزقاپوق لی شیروان است^{۲۲}.

۲۱- دشت اصطلاحاً به اجاق مخصوصی گفته می شود که چدن بر روی آن قرار می گیرد.

۲۲- نقش شیر برای تمام افرادی که از طریق جاده آسفالت به شیروان وارد می شوند کاملاً قابل تشخیص است.

جغرافیای تاریخی شهرستان شیروان

بخش اول

جغرافیای تاریخی شهرستان شیروان

بررسی و مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که اقوام پارت در ناحیه شیروان زندگی و حکومت می‌کرده‌اند و قبور زرتشتی در اقصا نقاط منطقه از جمله در قسمت جنوب و جنوب شرقی تپه نارین شیروان- تپه نارین را اصطلاحاً تپه نادری می‌گویند- وجود داشته و سوابق تاریخی همین تپه نادری به هزاره پنجم و چهارم قبل از میلاد می‌رسد و از این تپه‌ها بیشتر به صورت ارک بلد و بویژه با روشن کردن آتش در روی آن به عنوان یک وسیله مخابراتی استفاده می‌کرده‌اند^{۲۳} و آثار قبور زرتشتی در روستاهای دوین، گلیان، زیارت، منصوران، هنامه و... هنوز هم به چشم می‌خورد و با وجود این آثار قدیمی و اشیای مکشوفه در این منطقه، شهرستان شیروان را می‌توان در ردیف یکی از شهرهای قدیمی استان خراسان قرار داد.

ایزیدور خارا کسی (Isidore de Charax) مورخ یونانی در قرن اول پیش از میلاد در کتاب استاتمس پارتیک (Stathmes - Parthiques) درباره هجده ایالت پارتی می‌نویسد: «در سال ۱۳۷ یا ۱۳۸ قبل از میلاد در زمان میترادات (مهرداد) پادشاه اشکانی کشور به دو قسمت علیا و سفلا تقسیم می‌گشت و دروازه‌های خزر حد فاصل بین آن بود که از هجده ایالت به شرح زیر تشکیل می‌شد که یکی از آن ایالتها (ایالت شماره یازده) آستاونه (astavene) یا آستابنه Astabene ناحیه‌ای بوده که اکنون شامل سیملجان، بجنورد، شیروان و قوچان می‌شود و یکی از شهرهای مهم آن استوا یا خبوشان فعلی

۲۳- تپه ارک شیروان با شماره ثبت تاریخی ۷۰۳ در سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران مربوط به هزاره پنجم و چهارم قبل از میلاد اسلامی است. نصرت‌الله مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، سال ۱۳۴۹/ش، فرهنگ و هنر، ص ۳۲۰.

است^{۲۴}» ناحیه شیروان را پولی بیوس^{۲۵} مورخ قدیم یونانی نیز محل زندگی و حکومت قوم پارت دانسته است^{۲۶}.

آسااک. این اسم که بعضی آساک هم گفته اند. نام شهری بوده از دهستان یا از کوهستانهای خراسان شمالی که در عهد قدیم همان جا پارت نامیده می شد و بانی آن اشک اول است^{۲۷}.

آساک را با این که نمی توان شهر قدیم شیروان دانست ولی کاوش و تحقیق در تپه گبرخانه شیروان مربوط به دوره اشکانیان و ساسانیان با ثبت تاریخی شماره ۶۹۸ در سازمان ملی حفاظت آثار باستانی^{۲۸} و همچنین آثار قدیمی در روستاهای گلیان (جلیان). گیلارد. گیلال) و روستای هنامه شیروان می تواند کمک زیادی به محل اصلی شهر تاریخی آساک بنماید. چون اکثر محققان محل شهر باستانی آساک را در ناحیه شمال خراسان در حد فاصل بجنورد و شیروان و خوشان ذکر کرده اند و بطور دقیق محل آن مشخص نگردیده است.

اعتماد السلطنه می نویسد: «عقیده نگارنده بر آنست که دهستان یاقوت و سرزمینی که طایفه داهی (داهه) در آن می زیسته اند شامل بر بجنورد (بوزنجر) و شیروان و قوچان (خیوشان) و دره گز تا طوس بوده است^{۲۹}». در کتاب ایران در عهد باستان نوشته دکتر محمد جواد مشکور چند شهر از جمله شیروان در قسمت علیای رود اترک به عنوان پایتخت اشکانیان ذکر شده است.

استرابون جغرافیدان و مورخ یونانی می نویسد: «ارشک^{۳۰} با طایفه خود در دره رود اترک می زیست^{۳۱}». دکتر محمد جواد مشکور: چنانکه اشاره کردیم نام پارت یا خراسان

۲۴- دکتر محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، ج ۱، تاریخ سیاسی، انتشارات دانشرای عالی، شماره ۴۶،

سال ۱۳۵۰، ص ۱۴۵.

۲۵- Polybius

۲۶- همانجا، ص ۱۴۵

۲۷- محمد حسن بن حاجب الدوله علی (اعتماد السلطنه) مقدم، درالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان، ج ۳، ص ۳۶.

۲۸- نصرت الله مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، سال ۱۳۴۹/ش، فرهنگ و هنر، ص ۳۲۰.

۲۹- اعتماد السلطنه، درالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان، تهران، ۱۳۰۸/ق، ص ۱۳۸

۳۰- ارشک. سردودمان پادشاهان اشکانی و پسر فری بابیت (پدر دوست) است.

۳۱- استرابون (کتاب ۱۱ فصل ۹ بند ۲) دکتر محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، ج ۱، ص ۱۰۷.

امروزی در سنگنبشته‌های داریوش بزرگ آمده و ذکر آن کتیبه‌ها دلیل روشنی است که آن ناحیه (خراسان) پیش از داریوش در جزو ایالات پادشاهی کوروش بزرگ هم بوده است. نام ایالت پارت در سنگنبشته بزرگ داریوش در بیستون بصورت «پرتوه» آمده است.^{۳۲}

نلسون دوبواز می نویسد: «اندر اگوراس که از قبل انطیوکوس دوم بر پارت حکومت می‌کرد در این کشمکش مقتول گردید و ظاهراً ارساسیس در شهری بنام آساک که در نزدیکی کوچان در وادی رود اترک واقع بود تاج شاهی بر سر نهاد».^{۳۳}

در این تاریخ (۲۵۰ قبل از میلاد پس از تشکیل دولت اشکانی) قبیله پارتی (پارنی) تمام دره رود اترک و سرزمین نسا را در دست داشتند. این ناحیه بعدها به نام آستوانه خوانده شد^{۳۴} که دکتر مشکور این ناحیه را شامل شهرهای شمالی خراسان از آن جمله شیروان ذکر می‌کند.

دیاکونوف محقق شوروی. معتقد است: امپراتوری مقتدر (یوئه-چری) که در تاریخ به نام کوشانیان خوانده می‌شود در دشت آستوانه تأسیس شده است^{۳۵}. آستوانه یکی از ساتراپی‌های هجده گانه دوره اشکانی بوده و شهر شیروان را نیز شامل است. «پس از مرگ آنتیوخوس کبیر دولت یونانی باختر سربرداشته بسوی مغرب حمله آورد و ایالت استائونه (آستوانه) را از پارت انتزاع کرد. دولت باختر از سرزمینهایی که از پارت گرفته بود در دوساتراپی یکی تپوریا در قسمت علیای رود اترک و دیگری تراکسیانه در دره کشف رود تشکیل داد و تنها پارت برای فریادانی باقی ماند»^{۳۶}.

تیرداد که نامش در کتابهای یونانی تیریداتس^{۳۷} آمده (سال ۲۴۸ قبل از میلاد) در قریه‌ای نزدیک کوهستان در آستائونه..... تاجگذاری کرد^{۳۸}. زیرا «آذربزین مهر» که یکی از سه آتشکده بزرگ و مقدس زرتشتی بود و مخصوص دهقانان ساخته شده بود در خراسان قرار داشت و اشکانیان می‌خواستند علاقه خودشان را به زرتشتیان و دهقانان نشان

۳۲- همانجا، ص ۱۰۳.

۳۳- نلسون دوبواز تاریخ سیاسی پارت اشکانیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲/ش، ص ۸.

۳۴- دکتر محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳۵- دیاکونوف، اشکانیان، ترجمه کشاورز کریم، ص ۳۲.

۳۶- دکتر محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳۷- Tiridates

۳۸- دکتر محمد جواد مشکور، همان، ج ۱، ص ۱۱۸.

دهند با توجه به قبور فراوان زرتشتی در نقاط مختلف شهرستان شیروان بویژه در جنوب تپه نارین (ارک) و روستاهای گلیان، منصوران، هنامه، زیارت و دوین- که مؤلف کتاب مطلع الشمس نیز به آن اشاره نموده- اگر شهرستان شیروان بیشتر مورد بررسی و کاوش قرار گیرد بسیاری از واقعیتهای در مورد حکومت اشکانیان برای محققان روشن خواهد شد.

آرتور کریستن سن: ... آتش جاودانی شهر آساک در ایالت آستائوین^{۳۹} که ارشک مؤسس سلسله اشکانی در حضور آن به تخت شاهی نشست نسبتی با آتشکده آذربیزین مهر دارد. زیرا مکان این آتش در عهد ساسانیان نزدیک شهر آساک بوده است^{۴۰}.

مؤلف حبیب السیری نویسد: «اکثر ولایات خراسان در زمان خلافت عثمان در سال سی و یکم هجرت وسیله مسلمانان فتح شده است^{۴۱}».

مؤلف تاریخ نیشابور می نویسد: ولایت خبوشان و آنرا استوا گفتندی تا حد نسا و تا اسفراین و ولایت طوس و ارغیان حد آنست. قرای کثیره کبیره معموره دارد منابع و مراتع و مزارع بسیار دارد^{۴۲}.

در کتابهای تاریخی از خبوشان به عنوانهای مختلف اسم برده شده مانند الکاء^{۴۳} خبوشان، دره خبوشان، ولایت خبوشان، محالات خبوشان و... که وقایع جغرافیای تاریخی آن در بر گیرنده اتفاقات تاریخی شهرستان شیروان نیز می گردد بطوری که در زمان حکومت شاه عباس صفوی، شیروان مرکز حکومت ناحیه شمال خراسان بود مؤلف گنج دانش می نویسد: «... قراخان پسر مهرباب بیگ بن شاهقلی سلطان که دلیل^{۴۴} اگر اچمشگزک^{۴۵} و ایلخانی این طایفه بر این نواحی (شمال خراسان) استیلا یافت و شیروان را یورت قرار داده تمام چهل هزار اکراد چمشگزک را که زعفرانلو و شادلو و کاوانلو و عمارلو و قراچورلو باشند در یورتهای شیروان و قوچان و بجنورد و مضافات ساکن ساخت. چنانکه از چناران علیا تا چناران سفلی که در حوالی بجنورد است به زعفرانلو اختصاص یافت و از چناران سفلی تا

Astaouene - ۳۹

۴۰ - آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۱۸۸.

۴۱ - غیاث الدین خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام ۱۳۳۳، ج ۱، ص ۵۰۴.

۴۲ - الحاکم ابوعبدالله نیشابوری، تاریخ نیشابور، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۹، ص ۱۴۰.

۴۳ - مرزو بوم، کشور، میهن، زمین. فرهنگ معین

۴۴ - دلیل یعنی رهبر ۶ - ایل بزرگ گُرد

۴۵ - ایل بزرگ گُرد

سملقان یورت شادلو شد و کاوانلورا به سمت مشهد مقدس انداختند باین معنی که از اول خاک چلای خانه که در شمال مشهد مقدس واقع است تا قلعه یوسف خان که در چهار فرسخی شمال قوچان است امتداد دارد یورت طایفه جانی قربانی شد و کوه شمال چشمه گل اسب معروف به چشمه گیلان که کوه عمارت نام دارد و یک طرف آن کلات و دره گز است و سمت دیگر جلگه ای که خط راه قوچان به مشهد در آن واقع است مسکن کاوانلو شد. خلاصه طوایف مزبوره در محالات مذکور بماندند از طوایف گرایلی در اصفهان خراسان جماعت بغایری حالا در بام و صفی آباد مسکن دارند^{۴۶}.

بلده شیروان شهر دوم قوچان است ولی بر حسب بنا (قدمت شهر) شهر اول است زیرا که قبل از آبادی شهر قوچان این بلد (شیروان) مسکن آبا و اجداد رضا قلی ایلخانی بوده. امروزه این شهر را هزار و پانصد خانوار مسکون است و دور او قلعه ای است که از روی قاعده هندسی و به هیأت هشت غیر منظم ساخته شده و خندق و خاکریز محکم دارد و در درون قلعه در مکانی که مرتفعتر از سایر امکنه شهر است ارک بلد (روی تپه ارک) واقع شده است که او را نیز برج و باره محکم بوده که اکنون رو به انهدام و ویرانی گذاشته است^{۴۷}.

صنیع الدوله می نویسد: «اما شهر شیروان^{۴۸} قصبه بزرگست که تقریباً هزار و پانصد خانوار سکنه دارد مشتمل بر چهل برج که فاصله بروج مختلف است یعنی از شصت ذرع الی صد ذرع می باشد و دوره بروج از چهل ذرع الی هفده ذرع و ارتفاع بروج از شش الی هشت ذرع است. دور حصار خندقی^{۴۹} بوده که حالا آثار آن پدیدار می باشد. شهر شیروان دو دروازه دارد. دروازه قوچان که رو به مشرقست و دروازه ارک که رو به قبله بازمی شود و یک حمام آباد و یک حمام خراب در شیروان هست با چهار مسجد و یک حسینیه که حالا خراب است یک یخچال دیوانی و سه یخچال رعیتی و صد و پنجاه باب دکان بزازی و عطاری و بقالی و صباغی و نعلبندی و کفش دوزی و خیاطی دارد. طرف مغرب شهر در داخله بلد تپه ایست^{۵۰} مصنوعی که نارین قلعه بلد بوده ارتفاع تپه از سطح شهر بیست و پنج

۴۶ - محمد تقی خان بن محمد هادیخان (حکیم)، گنج دانش، تهران، ۱۳۰۵، ص ۳۷۰.

۴۷ - علی نقی بن اسماعیل، سفرنامه خراسان، سال ۱۲۸۴/ق، شنبه دوم ربیع الثانی، ص ۳۳۵-۳۳۸.

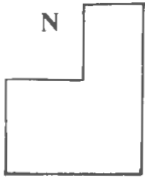
۴۸ - منظور کهنه شهر شیروان است.

۴۹ - آثار خندق را در حال حاضر نیز می توانید در انتهای خیابان پیشآهنگی (جهاد) ببینید.

۵۰ - تپه ارک

ذرع و قطریه از بالا از طرفی صد قدم و از طرف دیگر هشتاد قدم می باشد از عجایب آنکه در هر آبادی که از این قبیل تپه یافت شود در انتهای غربی آبادیست^{۵۱}».

وضع شهر (شیروان) ابتدا مربع مستطیل بوده و استطاله^{۵۲} آن از مشرق به مغرب و بعدها در طرف شمال در نصف کمتر از طول شهر قدری افزوده شده است و اینک شهر شیروان بدین شکل است^{۵۳}.



آثار برجها و دیوارهای شهر قدیم شیروان که تعداد ۴۰ برج و دو دروازه بزرگ و خندقهایی که دور تا دور شهر به عمق ۵ تا ۷ متر حفر شده بود. ارتفاع برجها ۶ تا ۸ متر می رسد. عکس شماره ۲

۵۱ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۳.

۵۲ - دراز شدن. فرهنگ معین.

۵۳ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ج ۱، ص ۱۴۳.

لُرد کُرن سیاستمدار معروف انگلیسی که در سال ۱۸۸۹ میلادی (۱۳۰۷ قمری) به ایران سفر کرده است در مورد نحوه حکومت در شمال خراسان می نویسد: نسب نامه خاندان ایلخانی به شرح زیر است اولین رئیس خانواده که مدرک آن در دست است محمد حسین بود که اواخر قرن گذشته در شیروان حکومت می کرد پس از او امیر گناخان^{۵۴} در اوایل قرن حاضر به قوچان آمد و بارها با ترکمنها در افتاد^{۵۵}.

اعتماد السلطنه می نویسد: امیر حسین خان در زمان حیات خود از بزرگترین امرای طراز اول خراسان بود و بطور موروثی حکومت شیروان و قوچان را داشت ... یکشنبه ۲۵ شعبان ۱۳۰۸ قمری صاحب دیوان باجه شمه مرصع و شجاع الدوله با شمشیر مرصع شرفیاب شده بودند و مدتی با شاه خلوت کرده بودند^{۵۶}.

جلیان (گلیان) شهر بزرگی بوده و هفت حمام داشته و آثاری از آن حمامها باقیست در بعضی از قبایله ها و اسناد قدیمه بجنورد و مانه و سملقان حتی اسفراین را از توابع جلیان می نوشته اند و گلیان جزو اعمال شیروان است^{۵۷}.

خواندمیر می نویسد: لشکریان میرزا یادگار محمد نخست به گرگان حمله کرده و با شکست دادن لشکریان امیر شیخ زاهد طارمی به طرف سملقان و اسفراین یکی از ولایت جلیان حمله نمودند که با مقاومت ناصرالدین عبدالخالق و امیر مبارزین ولی بیگ و میرزا کیچیک مواجه می شود^{۵۸}.

شهر یا قصبه خرابی که در بالای سر مشهد طرقي (شیروان) دیده می شود که کمتر از بجنورد نبوده و طوری خراب شده که می توان گفت زیاده از دویست سیصد سالست که رو بانهدام گذشته ... این آبادی موسوم به مشهد طرقي بوده و در زمان نادرشاه هفتصد خانوار بومی و، بعضی خانوار غرابا داشته^{۵۹}.....

در یک جمع بندی کلی با توجه به آثار قدیمی موجود و منابع و مآخذی که ذکر شد و

۵۴ - منظور امیر گونه خان است.

۵۵ - رمضانعلی شاکری، ترکنامه، مؤسسه امیرکبیر ۱۳۶۵/ش، ص ۴۳؛ نقل از ایران و قضیه ایرانی کرزن جرج

ناتانل

۵۶ - اعتماد السلطنه، یادداشت های روزانه، ج ۱ ص ۳۹۱.

۵۷ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ج ۱، ص ۱۴۳.

۵۸ - غیاث الدین خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۵۸۱.

۵۹ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ج ۱، ص ۱۳۹.

طبق نقل قول معمرین آبادی اولیه شهر شیروان در قرون گذشته در غرب شهر قدیم^{۶۰} شیروان یعنی در محله «گون بات^{۶۱}» قرار داشته است و قبل از زمان صفویه مرکزیت شهر از نظر جغرافیایی طبق اسناد و سفرنامه ها به اطراف نارین تپه (ارگ^{۶۲}) یعنی محل فعلی شهر قدیم (کهنه شهر) که متصل به گون بات و خوشه گاه^{۶۳} است تغییر مکان پیدا می کند. طبق نوشته مورخان در زمان صفویه و افشاریه، شیروان به یکی از مرکز عمده تصمیم گیری در شمال خراسان تبدیل می شود که وسعت شهر و برج و باروها و خندقهای اطراف و وقایع تاریخی، جنگها و درگیریهای آن دلیلی بر این مدعاست^{۶۴}. (نقشه ۲)

در ۱۲ اردی بهشت ماه سال ۱۳۰۸ شمسی بر اثر وقوع زلزله^{۶۵}، شیروان (شهر قدیم^{۶۶}) ویران و پس از چند سال شهر جدیدی با رعایت اصول شهرسازی در شرق و شمال شرقی آن احداث می شود که به علت قرار گرفتن در مسیر جاده اصلی تهران- مشهد، ایجاد کارخانه های بزرگ قند، الیاف، اسفنج، نیروگاه بزرگ گازی و... به یکی از شهرهای فعال در سطح استان خراسان تبدیل می گردد.

سیری بر وقایع تاریخی شیروان از روزگاران باستان تا طلوع اسلام.

نام پارت یا خراسان امروزی در سنگ نبشته داریوش بزرگ آمده و ذکر آن نام در آن کتیبه ها دلیل روشنی است که آن ناحیه (خراسان) پیش از داریوش در جزو ایالات

۶۰ - طبق نوشته میرزا براتعلی شیروانی در کتاب خطی تاریخ شهر قدیم شیروان (ناسخ التواریخ شیروان) ص ۲۱ محل اولیه شهر شیروان در اطراف منصوران ذکر شده است و با وجود قبور زردشتی و تپه های دست ریز نگارنده آثاری بر وجود شهر و حتی قصه ای بزرگ در این قسمت مشاهده نکردم.

۶۱ - کلمه ای ترکی و به معنی «غروب خورشید» است که معمولاً به غرب آبادی گفته می شود.

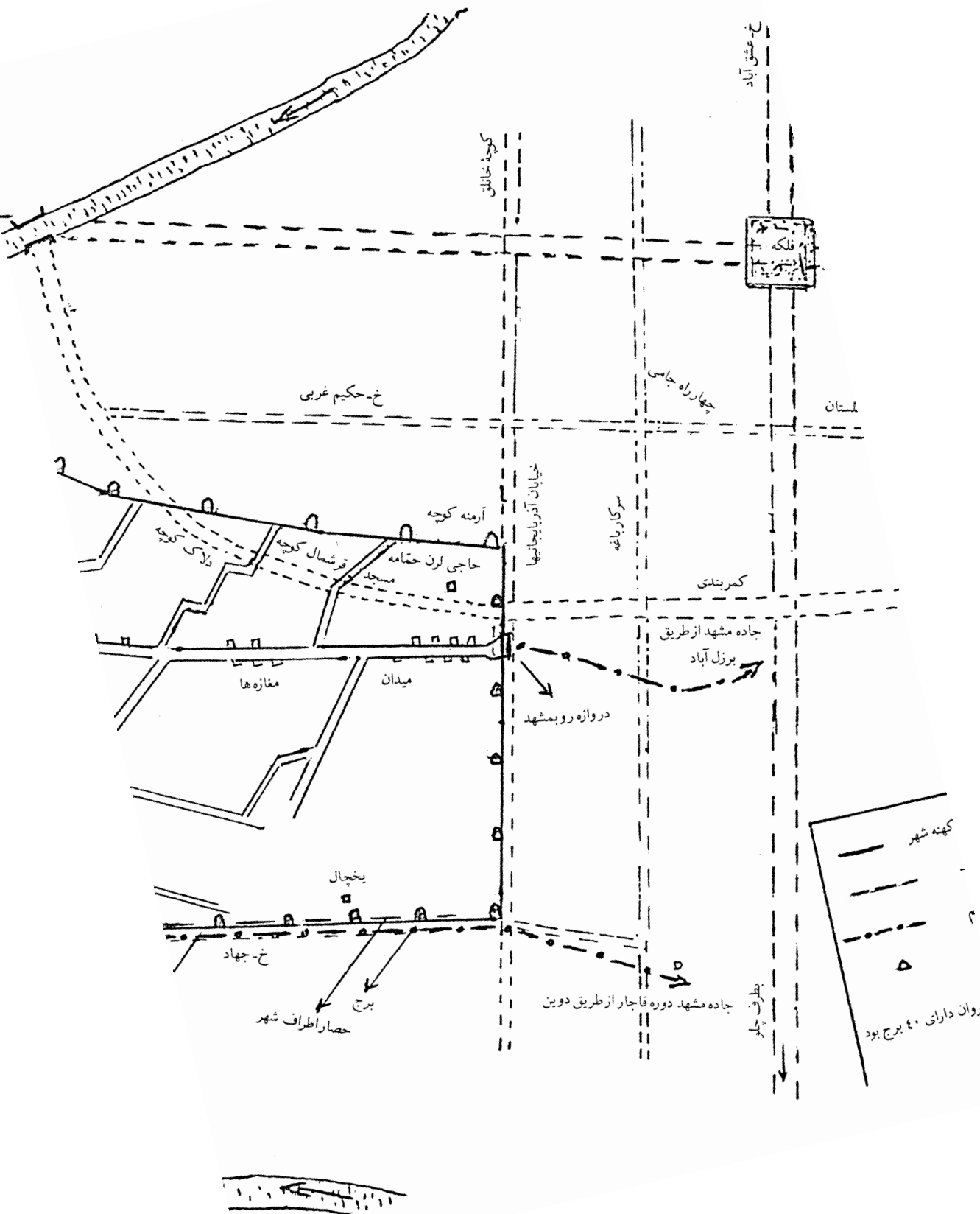
۶۲ - با ثبت تاریخی شماره ۷۰۳ در سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران مربوط به هزاره پنجم و چهارم قبل از میلاد (نقل از بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران نوشته نصرت الله مشکوتی، ص ۳۲۰).

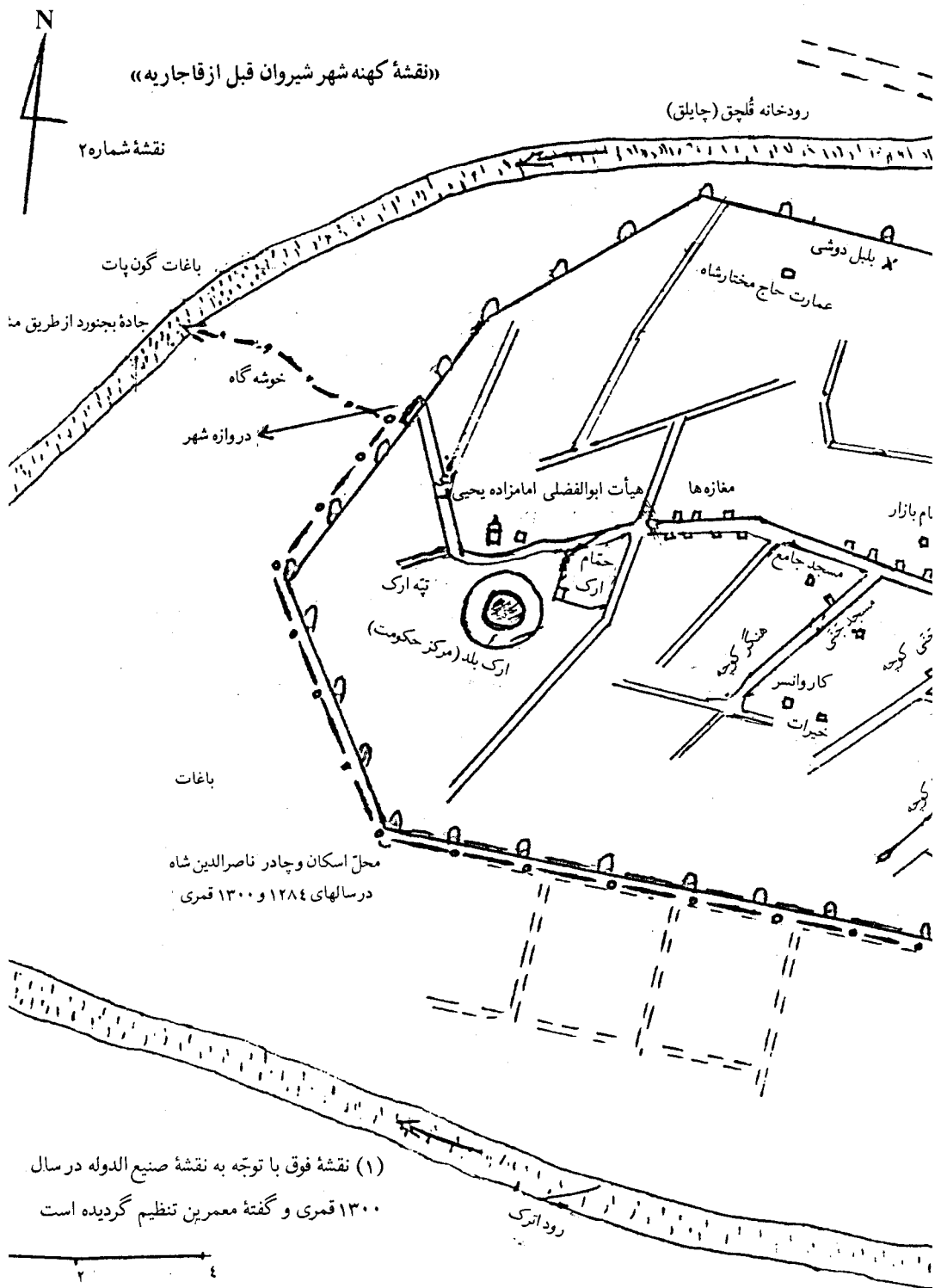
۶۳ - خوشه گاه یا قوچ گاه محله ای بین گون بات و شهر قدیم و گون بات لغتی ترکی و به معنی غروب خورشید است.

۶۴ - رک: روضة الصفا و مطلع الشمس، ۴۸۲.

۶۵ - شناسنامه شهرستانهای ایران، ص ۳۵۴.

۶۶ - نقشه (کروکی) شماره ۲ و عکس شماره ۳.





«نقشه کهنه شهر شیروان قبل از قاجاریه»

نقشه شماره ۲

رودخانه قلچق (چایلق)

بابل دوشی

عمارت حاج مختار شاه

باغات گون پات

جاده بجنورد از طریق منا

خوشه گاه

دروازه شهر

هیأت ابوالفضل امامزاده یحیی

مقارنه ها

امام بازار

مسجد جامع

پتہ ارک

حمام

ارک بلد (مرکز حکومت)

مسجد یحیی

کاروانسرا

خیابان

باغات

محل اسکان و چادر ناصرالدین شاه
در سالهای ۱۲۸۴ و ۱۳۰۰ قمری

(۱) نقشه فوق با توجه به نقشه صنیع الدوله در سال

۱۳۰۰ قمری و گفته معمرین تنظیم گردیده است

هر دو سانتی متر معادل ۱۰۰ متر است



نمای شهر قدیم شیروان «قسمت شرقی تپه ارک». عکس شماره ۳

پادشاهی کوروش بزرگ هم بوده است^{۶۷}».

«ایزیدورخارا کسی وپولی بیوس مورخین قدیم یونانی: در زمان مهرداد پادشاه اشکانی، کشور به هیجده ایالات تقسیم می شد که نام یکی از ایالات آستابنه نام داشت که شامل سیملجان و بجنورد و شیروان و قوچان فعلی بود^{۶۸}».

در حدود ۲۵۰ قبل از میلاد پرتیان به نسا، که در دره اترک واقع بود، وارد گردید. این ناحیه بعداً استاونه خوانده شد و یکی از ایالات پارت گشت. پرتیان در سال ۲۴۷ ق. م. در شهر آساآک، ارشاک (اشک) را به پادشاهی خویش برگزیدند و این انتخاب را اعلام کردند^{۶۹}» «رویدادها سرانجام موجودیت و استقلال دولت پارت را تثبیت کردند...»

۶۷ - محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، ج ۱، ۱۳۴۶/ش، ص ۱۰۴.

۶۸ - همانجا، ص ۱۴۵.

۶۹ - رمضانعلی شاکری، اترکنامه، ص ۲۱؛ به نقل از تاریخ ایران و ممالک همجوار آن.

پارت ها که به قبایل کوچ نشین به نام آپاسیاک متکی بودند، توانستند بر شاه سلوکیه پیروز شوند و آرشاک خود را شاه خواند و در شهر آساک تاجگذاری با شکوهی برپا کرد و به افتخار این پیروزی در معبد محلی آتش «جاوید» برافروخته شد.^{۷۰}

«سکاها طایفه ای آریایی نژاد بودند که در سرزمین قسمت شمالی سیحون سکونت داشتند و در زمان فرهاد دوم پادشاه اشکانی قسمت های شمالی ایران را غارت کردند و آن پادشاه در جنگ با آنها کشته شد^{۷۱} (۱۲۵ ق.م). بطور کلی تاریخ قبل از اسلام سرزمین و مردم شیروان بطور دقیق و واضح در تواریخ ذکر نشده است. اما با توجه به قبور زرتشتی و آثار و ابنیه تاریخی در اقصا نقاط شهرستان شیروان بویژه شهریا قصبه ای که به علت فرسایش کوه در هنامه شیروان از زیر خاک و سنگ قد برافراشته است و اشاره به آبادیهای نسا، تفتازان و آستوانه که با حدود و موقعیت شیروان فعلی تطبیق می کند و همچنین تحقیق و کاوش در آثار باقیمانده شهرها یا آبادیهای که نزدیک روستاهای سولدی، مشهد طرقي، زیدر، گلیان، باغان و تپه گبرخانه شیروان^{۷۲}، می تواند بر وقایع تاریخی شیروان در روزگاران ماقبل تاریخ کمک شایان توجهی بکند.

طلوع اسلام و شیروان

شهرهای استان خراسان طبق نوشته اکثر مورخان در زمان خلافت عثمان به دست مسلمانان فتح گردید و مردم آن اسلام آوردند در منتظم ناصری می نویسد: «شهرهای خراسان بین سالهای ۳۱ و ۳۲ هجری قمری در زمان خلافت عثمان به دست مسلمانان فتح شده است»^{۷۳}.

در خلافت عثمان بسال ۳۱ هجری نیز یکی از سرداران او بنام عبدالله بن عامر قسمتهای دیگر را فتح کرد و خراسان یکی از ولایت مهم اسلامی گردید^{۷۴}. با توجه به

۷۰- گ. آ. کاشنکلو، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، ص ۱۳۴.

۷۱- حسن عمید، فرهنگ جغرافیا و تاریخ، انتشارات جاویدان ۱۳۴۶/ش، ص ۵۰۶.

۷۲- تپه گبرخانه شیروان با ثبت تاریخی ۶۹۸ مربوط به زمان ساسانیان و اشکانیان است. بناهای تاریخی و اماکن

باستانی ایران، ص ۳۲۰.

۷۳- محمد حسن خان صنیع الدوله، منتظم ناصری، ج ۱، ۱۳۰۰/ق دارالترجمه خاصه همایونی، ص ۲۱.

۷۴- حسن عمید، فرهنگ جغرافیا و تاریخ، ص ۳۹۰.

مطالب بدست آمده و موقعیت جغرافیایی شیروان، مردم منطقه شیروان در سال ۳۱ هجری و در زمان خلافت عثمان اسلام آوردند.^{۷۵}

شیروان در بعد از اسلام تا مغول

پس از پیروزی اسلام در سال ۳۱ هجری بر نواحی خراسان^{۷۶}، چندین قیام^{۷۷} و حکومت^{۷۸} در این نواحی به وجود آمد، بطوری که در زمان آخرین پادشاه سلسله سامانی عبدالملک دوم پسر نوح خراسانی به دست محمود غزنوی فتح و سلسله سامانیان منقرض گردید (سال ۳۸۹ قمری^{۷۹}). با این که در زمان حکومت طاهریان، صفاریان و سامانیان تا غزنویان ذکر از نام شیروان و شهرهای مجاور آن نشده است اما قراین زیادی وجود دارد که شیروان در این دوره به صورت قصبه ای وجود داشته است. یکی از دلایل آن وجود سنگ قبور در گورستان قدیمی شهر شیروان است که تاریخ آن با زمان حکومت این سلسله ها مطابقت دارد^{۸۰} و همچنین آثار کشف شده مربوط به این دوره مانند ظروف سفالی و مسین و قلمدان زرکوب به تاریخ ۳۰۱ هجری قمری که از حفاریهای کوه چخماق شیروان به دست آمده است^{۸۱}. اما با توجه به بنای مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) شیروان که از آثار مربوط به

۷۵- در حبیب السیر ذکر شده: قسمتی از خراسان در سال ۱۸ هجرت یعنی در زمان خلافت عمر فتح شده است.

۷۶- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۱۵۵، و تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ص ۱۷۸.

۷۷- قیام سنباد مغ به کین خواهی خون ابو مسلم خراسانی و قیام استاد سیس و... تاریخ ایران از زمان باستان تا

امروز، ص ۱۹۰.

۷۸- حکومت های طاهریان، صفاریان، سامانیان و...، فرهنگ جغرافیا و تاریخ، ۱۳۴۶/ش، ص ۹۵۵.

۷۹- خواندمیر، حبیب السیر و محمد جواد مشکور، شاهنشاهی کهن ایران ص ۴۲؛ حسن عمید، فرهنگ جغرافیا و

تاریخ، ص ۴۸۹.

۸۰- سنگ قبری به تاریخ ۲۴۷ هجری قمری به رنگ سیاه و سنگ دیگری به تاریخ ۳۱۵ هجری قمری است.

۸۱- یکی از معمرین شیروان که قلمدان زرین به تاریخ ۳۰۱ هجری قمری را شخصاً از حفاری کوه چخماق شیروان کشف کرده است در تابستان سال ۵۶ می گفت: «در سال ۱۳۲۰/ش به علت هجوم قوای روسیه به ایران از جمله شهر شیروان عده بسیاری از مردم موقتاً به باغات چلو و ارتفاعات کوه های جنوبی شیروان مانند قراول چنگه و «اقزی قاپاق لی» کوچ کردند و به علت بیکاری و طبق یک روایت قدیمی که کوه چخماق را محل خزاین یکی از سلاطین می دانستند حفاری می کردند. من نیز به اتفاق دو برادر و عمویم در این حفاریها وسایل عتیقه زیاد و این قلمدان زرین را از آنجا به دست آورده ام» البته در مورد ابنیه قدیمی واقع در بالای کوه چخماق شیروان مطالب زیادی گفته می شود و تا چند سال پیش نیز کاوشهایی انجام می گرفت که بجز مورد ذکر شده دلایل و مدارک موثق وجود ندارد و از کاوشهای رسمی نیز تا به حال گزارشی ارائه نگردیده است.

دوره غزنویان می باشد. تمام مطلعین و معمرین معتقدند که پس از فتح شهرهای خراسان توسط سلطان محمود غزنوی و لشکرکشی او به هندوستان که به نام اسلام و جهاد به این کار مبادرت می کرد و همچنین مسیر لشکرکشیها در نقشه قلمرو غزنویان، در بازگشت از مسیر راه مشهد طرقي^{۸۲} شیروان مدت یک شبانه روز در حد فاصل ورگ- رزمغان^{۸۳} توقف کرده اند بطوری که این محل را هنوز در شیروان تخت سلطان محمود می نامند^{۸۴}.

در زمان مسعود غزنوی، طغرل بیک سلجوقی با عده ای زیاد از لشکریان ترک سلجوقی از رود جیحون عبور کردند و در منطقه خراسان از جمله ناحیه شیروان^{۸۵} سکنا گزیدند و در مدت کوتاهی به قدرت رسیدند و بنای مخالفت با سلطان مسعود غزنوی را گذاشتند و شمال خراسان را به تصرف خود در آوردند و ادعای حکومت و سلطنت نمودند. سلطان مسعود غزنوی سپاهی را به سرداری «بکتغدی» برای مقابله با طغرل بیک و چغری بیک فرستاد که در این جنگ سپاه غزنویان شکست خورد (سنه سبع و عشرين و اربعمائه) و طغرل بیک بر تمام نواحی خراسان استیلا یافت^{۸۶}.

خوارزمشاهیان که از سال ۴۹۱ تا ۶۲۸ قمری فرمانروایی داشته اند در زمان سلطان محمد خوارزمشاه قدرت و نفوذ خود را در سایر نقاط ایران مانند خراسان گسترش دادند، اما از نظر تاریخی رابطه شیروان در دوره خوارزمشاهیان مربوط می شود به بقعه امامزاده سلطان محمد رضا (ع) مشهد طرقي شیروان «..... چون سلطان محمود خوارزمی خواب دید که امامزاده در اینجا^{۸۷} مدفونست به بعضی علامات محل را معلوم کرده و این بقعه را ساخته و

۸۲ - راه قدیم مشهد از آنجا عبور می کرد و فعلاً نیز دو روستا به نام مشهد طرقي علیا و سفلا در فاصله ۲۴ کیلومتری شهر شیروان در همان مسیر وجود دارد.

۸۳ - ورگ و رزمغان دو روستا از دهستان گلیان شیروان و به ترتیب در فاصله ۱۱ و ۱۲ کیلومتری شهر واقعند.

۸۴ - از تشریفات و تزیین و بستن اطاک بر پشت فیلهای به غنیمت گرفته شده و دبدبه لشکریان و سرداران سلطان محمود که به زیارت امام رضا (ع) مشرف می شدند مطالب و نوشته های دست خط فراوانی است که به همین مقدار بسنده می کنیم.

۸۵ - قدمت آثار باقیمانده روستای قدیمی سولدی شیروان طبق نظریه محققان ایتالیایی که در سال ۱۳۵۶/ش در منطقه شیروان کاوشهایی داشته اند مربوط به زمان سلجوقیان است.

۸۶ - حبیب السیر. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز. فرهنگ جغرافیا و تاریخ

۸۷ - منظور صنیع الدوله که در سال ۱۳۰۰ قمری از آنجا بازدید کرده است مقبره امامزاده سلطان محمد رضا (ع) واقع در روستای مشهدی طرقي شیروان می باشد.

املاک زیاد بر آن وقف نموده و فرمان آن پادشاه و فرامین سلاطین صفویه در باب بقعه و موقوفات آن و تولیت امامزاده موجود است^{۸۸}).

«در زمان چنگیزخان بعثت انقراض دولت قراختاییان که سدی بین ممالک اسلامی و مناطق تحت سکونت مغولان بود موجب شد سلطان محمد خوارزمشاه با چنگیز همسایه شود. ارتباط این دو در اوایل دوستانه بود ولی چون حاکم غایرخان- حاکم اترارپانصد بازرگان مغولی را به طمع اموال آنان کُشت ... چنگیز به ایران حمله کرد و سلطان محمد خوارزمشاه هیچ جا مقاومت نکرد و پای به فرار نهاد و خود را به جزیره آبسکون رساند و چندی بعد در گذشت. پیش از مرگ پسر رشید خود جلال الدین را ولیعهد خویش کرده بود^{۸۹}».

«جلال الدین خوارزمشاه بر گروهی از مغولان غلبه کرد اما دو پسر دیگر سلطان محمد در حدود قوچان به دست مغولان افتادند و به قتل رسیدند^{۹۰}».

جلال الدین خوارزمشاه بعد از تصرف آذوغه و اسلحه و اسبان مغول، سواران خود را برای رسیدن به نیشابور مهیا نمود، به عجله خود را به آن شهر رساند ولی دو برادر او که خود را تا ولایت استوا^{۹۱} رسانده به چنگ دسته ای از تاتار افتادند. هر دو ایشان را کشتند و جواهر و نفایس بس گرانمایی را که همراه داشتند در ضبط آوردند^{۹۲}».

«... تولی پسر چنگیز که مأمور فتح خراسان شده بود با دو نفر از سرداران معروف خود بنام جبه نویان و سویدای بهادر با سپاهی عظیم و غارتگر بجانب خراسان روانه شدند و کلیه شهرهای خراسان مرو، نیشابور، نسا، ابیورد، تفتازان و ... قتل و غارت کردند ... در سال ۶۱۸ قمری سویدای به طوس رفته خلقی بی نهایت بکشت و از طوس به رادکان شتافته مرغزار و جریان انهار آن ولایت او را خوش آمد بنابر آن متعرض رادکانیان نشد اما در خبوشان، شیروان و اسفراین قصور راست کرد».

نورالدین محمد زیدری نسوی می نویسد: «من بدین هنگام در قلعه خویش «خرندر»^{۹۳} بودم و آن جایگاه از امهات قلاع خراسان باشد ... که موج دریای فتنه عالمیگر

۸۸ - محمد حسن خان، صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۰.

۸۹ - دکتر محمد جواد، مشکور، شاهنشاهی کهن ایران، ص ۵۳-۵۴.

۹۰ - همانجا، ص ۵۵.

۹۱ - ناحیه ای شامل شیروان. قوچان. بجنورد نقل از کتاب پارتیها یا پهلویان قدیم.

۹۲ - عباس، اقبال آشتیانی تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، ج ۱، ص ۵۰.

۹۳ - «خرندر» به احتمال زیاد قرن دریا قرندر تفتازان است.

گشت من در آن محل که واسطه بلدان و مرکز آبادی و عمران بود گریزگاه گرفتاران و پناه بیمناکان بودم. خداوندان حشمت و نام آوران اصحاب نعمت پیاده و برهنه بدان سوی می گریختند و من به اندازه توان، جامه و دربايست آنان آماده می کردم و از پایمردی دریغ نمی داشتم. آنگاه ایشان را به نزدیک بقية السیف کسانشان می فرستادم. القصه حال تاتار چنین بود تا سراسر خراسان را پایکوب ساختند^{۹۴}.

«امیر تیمور گورگانی بعد از فتح هرات و انتخاب جانشین. امیر جهانشاه را به سبزوار می فرستد و خود امیر با لشکری بسوی اسفراین از ولایت جلیان^{۹۵} می رود و پس از چند روز فرمان حمله داده حصار شهر ویران و در اندک مدتی اسفراین به تصرف در می آید^{۹۶}». در زمان تیموریان جنگی خونین دیگر در ناحیه گلیان شیروان اتفاق افتاده است که خواندمیر می نویسد: در سال ۸۷۴ هجری قمری جنگی خونین در ناحیه جلیان بین قوای میرزا یادگار محمد و لشکریان خاقان منصور در می گیرد که در این جنگ ابتدا میرزا یادگار محمد پیروز می شود اما در نهایت خاقان منصور او را شکست می دهد^{۹۷}.

جنگ در حلوا چشمه شیروان

جنگ در منطقه حلوا چشمه شیروان- مؤلف حبیب السیر درباره این جنگ که در سال ۹۰۶ هجری قمری و در زمان گورکانیان بین ابوالمحسن میرزا و محمد محسن میرزا از یک سوی و میرزا سلطان ابوسعید گورگان (خاقان منصور) از سوی دیگر اتفاق می افتد، می نویسد: «... باین ترتیب هر دو سپاه روی به رزم گاه شتافت و در دشت حلوا چشمه تقارب فریقین به تلافی انجامید و دلیران روز پیکار در هم آویخته کام جان جمعی از جوانان به سبب تجرع جام نا خوشگوار مرگ تلخ گردید، پیکان تیر دیده دوز چشمه چشمه خون از فواره دل ها روان ساخت و شعله سنان سینه سوزجان مهوشان را در محاق احتراق انداخت، شمشیر آبدار از خون خوبان شیرین گفتار جویی جاری گردانیده و نیزه ثعبان کردار نخل

۹۴- رمضانعلی، شاکری اترکنامه، ص ۱۰۲، به نقل از سیره جلال الدین.

۹۵- جلیان همان گلیان حاکم نشین پایین ولایت بود که در بعضی از قبایله ها و اسناد قدیمه... حتی اسفراین را از توابع جلیان می نوشته اند نقل از مطلع الشمس.

۹۶- نظام الدین، شامی ظفرنامه (در تاریخ سلطنت تیمور)، قرن نهم هجری.

۹۷- حبیب السیر، ج ۴، مطلع السعدین.

قامت دلیران کبک رفتار را از پای در آورده برخاک هلاک خوابانید.
 ز تیغ خون نشان و خنجر تیز ز پیکان خدنگ فتنه انگیز
 چنان خون ریختند اهل تهور که حلوا چشمه شد جویی زخون پر
 در این جنگ خونین ابوالمحسن میرزا و محمد محسن میرزا شکست سختی می خوردند و
 فرار می کنند.

در سنه ۹۰۶ هجری سپاه خاقان جمجاه کیفیت واقعه را شنودند تیغ انتقام از نیام
 کشیده بار دیگر روی به معرکه آوردند و شاهزادگان را تعاقب نموده سالمأ غانماً مراجعت
 کردند. خاقان منصور لوازم محامد پادشاه غفور مرعی داشته صدقات و نذوریه مستحقان
 رسانید و در باره جماعتی که در آن محاربه آثار دلاوری ظاهر کرده بودند انعامات فرموده،
 فتحنامه ها به اطراف بلاد خراسان روان گردانید^{۹۸} و^{۹۹}.

شیروان در زمان صفویه

شیروان از زمان سلسله صفویان به بعد دارای تاریخی بسیار پربار و مدون است که
 نمونه هایی از وقایع مهم آن بدین گونه است بار تولد محقق روسی در باره کوچانیدن اکراد به
 شمال خراسان می نویسد: شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت و تاز تراکمه و ازبکان
 تصمیم بدان گرفت که اکراد جنگجورا از ولایت غربی بدین سامان کوچ دهد... کوچ دادن
 اکراد از تاخت و تاز تراکمه جلوگیری نکرد. این دو حریف لایق هم بودند هیچ یک از
 طرفین نمی توانست به فتح قطعی نایل شود. کردها فقط می توانستند مزارع اتک راتارومار
 کرده و انتقام تاخت و تاز تراکمه را از این راه بکشند^{۱۰۰}.

«پس از آنکه شاه عباس اول هرات، مرو، مهنه، چهچهه، باورد، نسا و... غیره را که
 در خط آخال است از تصرف اوزبک خارج ساخت شاهقلی سلطان را لقب امیرالامرای داد

۹۸ - خواندمیر، حبیب السیر، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۴۶.

۹۹ - آثار برج و باروی حلواچشمه قدمت این روستا را به اثبات می رساند. نگارنده در تابستان سال ۱۳۶۰/ش برای
 پیگیری این واقعه تاریخی به حلواچشمه رفتم. عزیرالله کریمزاده یکی از خوانین و معمرین و دامداران حلواچشمه در این
 رابطه می گفت: طبق گفته بزرگان ما، در زمان تیموریان در این منطقه جنگی رخ داده است که دوازده هزار نفر کشته
 شده اند بطوری که آب چشمه روستا از خون کشته شدگان رنگین گردیده است.

۱۰۰ - و استاد بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۱۴۲.

و در خط آخال گذاشت و چهل هزار نفر خانوار از اکراد چشمگزرک را که دوسالی در ورآمین آلکا داشتند کوچانیده در ناحیه مذکوره سکنی داد که جلو او زیک را داشته باشند^{۱۰۱}». «در سلطنت شاه سلطان حسین که امور دولت مختل گردید اکراد آخال نشین از تاخت و تاز ارگنجی و بخارایی شوریده روی به کوه معلقهای سخت گذاشتند و آن زمان ولایت قوچان و شیروان و بجنورد و سملقان مسکن طوایف گرایلی بود^{۱۰۲}. اکراد برای اینکه یورتی به جهت خود بدست آزند بنای زد و خورد را با طایفه گرایلی گذاشتند و در اندک زمانی آنها را از محالات مزبوره خارج ساختند. قراخان پسر مهرباب بیگ بن شاهقلی سلطان که دلیل اکراد چشمگزرک و ایلخانی این طایفه بود بر این نواحی استیلا یافت و شیروان را یورت قرار داده تمام چهل هزار خانوار اکراد چشمگزرک را که زعفرانلو و شادلو و کاوانلو و عمارلو و قراچورلو باشند در یورتهای قوچان و شیروان و بجنورد و مضافات ساکن ساخت، چنانکه از چناران علیا تا چناران سفلی که در حوالی بجنورد است به زعفرانلو اختصاص یافت و از چناران سفلی تا سملقان، یورت شادلو شد و کاوانلو را به سمت مقدس انداختند... از طوایف گرایلی در اصقاع^{۱۰۳} خراسان جماعت بغایری حالا در بام صفی آباد مسکن دارند^{۱۰۴}». شاه عباس در سال ۱۰۱۸ قمری برای سادات روستای سکه شیروان فرمانی در رابطه با تخفیف سهم پادشاه از رعیت صادر کرده است که صنیع الدوله به نقل از کتاب هفت اقلیم احمدامین رازی می نویسد:

«در قریه سکه از توابع خبوشان ساداتی از عهد صفویه به چهار صد از این پیش سکنی داشته اند و مالک کلاته طاهرآباد و جمال آباد بوده اند و هستند در این سال ۱۳۲۶ خانوارند، این جماعت را تژاداً (شجره) بموجب ملفوفه نسب نامه ای که در نهصد و بیست و اند سال پیش نگاشته شده است به شیخ نجم الدین کبری می رسد و از آن سید بزرگوار و پیرعالیمقدار به امامزاده علی اصغر بن علی بن الحسین علیه السلام می پیوندند. پادشاهان صفویه در حق

۱۰۱ - محمد تقی خان حکیم گنج دانش، تهران ۱۳۰۵/ق، ص ۳۷۴.

۱۰۲ - گرایلی ها بنابر مسطورات تواریخ صحیحه از قبایل بزرگ معتبر و با مغول همسایه بودند و حتی از لحاظ مذهب و تژاد و زبان با آنها منسوب بوده اند ولیکن از جهت تمدن بر مغولهای چنگیزخانی تقدم داشته اند زیرا شهر قراقرم پایتخت اونک خان پادشاه گرایلی بوده و قبل از آنکه مغولها آنجا را متصرف شوند وضع شهر مدنیت داشته است. نقل از مطلع الشمس.

۱۰۳ - ناحیه، فرهنگ عمید

۱۰۴ - محمد تقی خان، حکیم گنج دانش، ص ۳۷۵.

این سلسله (سادات سکه شیروان) رعایتی مخصوص مبذول می داشته اند و نقد و جنس کلاتات ثلاثه ۱۰۵ را که مالک بوده اند تخفیف داده اند و فرمانی در این باب از شاه عباس اول و دیگری شاه سلیمان بن شاه عباس داشتند. به نظر رسید و علی عزهما منقول افتاد بر نهجی که در ذیل آن صفحه ثبت گردیده ۱۰۶».

فرمان شاه عباس اول برای سادات قریه سکه شیروان

بسم الله تعالى شأنه العزيز - حکم محکم اقدس شاهنشاهی شد. آنکه عالیجاهان شوکت و جلالت دستگاہان فخامت و مناعت اکتناه مجدت و نجدت همراهان مقربان اعلیحضرت قدر قدرت خاقان والیان خراسان به التفات بلانهایات شاهنشاهی مفتخر و سرافراز بوده. بدانند که شجرة السیاده میرزا عبدالمقدم بن میرزا جمال الدین العلومی حسینی ساکن سکه از توابع ملک خبوشان (شیروان ۱۰۷) ملحوظ و مقبول نظر مبارک اقدس شاهنشاهی گردیده در باب ملک موروثی او که عبارت از چهار سهم از مدار هشت سهم قنات طاهرآباد و چهار سهم از مدار هشت سهم قنات جمال آباد و دو سهم از مدار شش سهم قنات بی بی حنیفه بوده باشد همگی و تمامی را رقم قضا شیم تخفیفی ابدی برای خشنودی خدا و رسول خدا و ائمه هدی التفات فرمودیم البته عالیجاهان مستوفیان ممالک خراسان مضمون کرامات مرحمت مشحون فرمان قضا توأمان مبارک را در دفاتر خلودیه خود ثبت و ضبط نموده و سهامات قنات ثلاثه موقوفه را من سنه الحال الا سنوات الاستقبال علی الدوام از اخراجات نقد و جنس و دیوان اقدس شاهنشاهی خارج و معاف دانسته و از نصرت خیرالتاصرین هر سلطانی از سلاطین که در اوج سریر فلک رفعت ایرانی فرمانفرمایی و کامرانی فرمایند بر آنها هم لازم و واجب است که برای خشنودی خدا و رسول خدا و ائمه طاهرین از مصدر عنایات اقدس ارفع همایون شاهنشاهی بر نتایج اولاد سلاله الا طیب و الانجاب رقم تخفیفی التفات فرموده باشند هر آینه باعث ازدیاد عمر و اقتدار سلطانی خواهد

۱۰۵ - منظور سه کلاته: طاهرآباد، جمال آباد و بی بی حنیفه روستای سکه است.

۱۰۶ - محمد حسن خان، صنیع الدوله مطلع الشمس، ص ۱۵۹.

۱۰۷ - شیروان پایین ولایت خبوشان بود.

بود البته حسب المقرر معمول و مرتب داشته و در عهده شناسند. تحریراً به تاریخ شهر رمضان المبارک هزار و هیجده قمری.

همگی و تمامی را رقم قضا شیم
 من سنة الحال الى سنوات الاستقبال
 شکل مهرمسدس است.
 سجع مهر اینست السلطنه لله
 از عنایات کرامات لطیف لطف گر
 کرد نصب عباس تاج خسروانی رابه مر
 در نوشتن این فرمان هر جا که به اسم سلطان رسیده همان قلم را که در دست داشته
 است به آب طلا زده در رنگ کلماتی که از پادشاه تعبیر می‌کند سواد مداد و صفت ذهب با
 هم آمیخته و معلوم است^{۱۰۷}»

در سال ۱۱۱۶ قمری در حدود ۹۸ سال بعد از فرمان شاه عباس اول. فرمان دیگری از
 طرف شاه سلیمان صفوی^{۱۰۸} به نام میرزا محمد شریف از سادات روستای سکه شیروان
 صادر شده است که متن فرمان چندان تفاوتی با فرمان شاه عباس ندارد.

شیروان مرکز حکومت ایلخانی

شاه عباس در زمان حیات پدرش به سال ۹۹۶ قمری که حکومت خراسان را به عهده
 داشته از خراسان به قزوین رفت و بر تخت سلطنت نشست و پدرش ناچار سلطنت را به او
 واگذار کرد. او در این تاریخ ۱۸ سال بیشتر نداشت و اوضاع ایران بسیار آشفته بود. سپاهیان
 عثمانی به ایران تجاوز می‌کردند و از بکان نیز در شمال خراسان و در نواحی قوچان، شیروان،
 درگز، بجنورد و اسفراین به قتل و غارت مشغول بودند. بطوری که محمد کاظم مؤلف عالم
 آرای نادری می‌نویسد: ... مخفی نماند چون در ایام جلوس شاه عباس صفوی که بلاد
 خراسان از لوٹ وجود عبدالمؤمن خان ازبک سترده ممالک موروثی را که چندین سال در
 تصرف مخالفان بود به عنایت الهی استرداد نمود. به خیال آن افتاد که چون ... طایفه ازبکیه
 دست تسلط در زمین خراسان به هم می‌رسانند اولی این است که جمعی از ایلات و
 احشامات آذربایجان کوچانیده در نواحی بلاد خراسان سکنی دهد که با طوایف ازبکیه
 نقیض بوده شاید بدان امورات ضبط و نسق خراسان مضبوط گردد^{۱۰۹}». این اقدام عملی

۱۰۷ - محمد حسن خان، صنع الدولة مطلع الشمس، ص ۱۶۱: (هفت اقلیم، محمد امین رازی، ج ۲).

۱۰۸ - شاه سلیمان پسر شاه عباس دوم و پدر شاه سلطان حسین بود.

۱۰۹ - محمد کاظم، مروی عالم آرای عباسی مسکو ۱۹۶۰، ص ۴ الف.

می شود و تعداد ۴۵۰۰ خانوار آذربایجانی و سی هزار خانوار کرد به نواحی شمال خراسان کوچانده می شوند. مؤلف گنج دانش می نویسد: قراخان پسر مهرباب بیک بن شاهقلی سلطان که دلیل اکراد چمشگزک و ایلخانی این طایفه بود بر این نواحی استیلا یافت و شیروان را بورت قرارداد^{۱۱۰}».

دائرة المعارف انگلیسی: «... جمعیت آن (شیروان و قوچان) مرکب از طوایف زعفرانلو و کردها در حدود صد هزار نفر است. این طوایف از نسل ایلهایی هستند که شاه عباس اول در قرن هفدهم میلادی آنها را در آنجا مستقر ساخت از این جمعیت سه هزار خانوار بنام نومادیها چادر نشین هستند. در تمام این ناحیه از خراسان که دو شهر عمده شیروان و قوچان در آن قرار دارند. غلات زیاد به عمل می آید. غیر از دو شهر نامبرده قلاع و قصبات متعددی نیز در این منطقه وجود دارد^{۱۱۱}».

لرد کرزن: نسب نامه خاندان ایلخانی به شرح زیر است. اولین رئیس خانواده که مدرک آن در دست محمد حسین بود که اواخر قرن ۱۸ میلادی در شیروان حکومت می کرد. پسر او امیر گناخان در اوایل قرن حاضر به قوچان آمد و بارها با ترکمنها در افتاد^{۱۱۲}» با توجه به مطالب کتب تاریخی^{۱۱۳} مسلم است که شیروان در زمان صفویه مرکز حکومت ایلخانی شمال خراسان بوده و یکی از مراکز عمده تصمیم گیری بین سالهای ۹۹۶ تا ۱۱۳۵ قمری و حتی بعد از آن محسوب می شده است. حکومت شاهقلی سلطان^{۱۱۴} در سال ۹۹۸ قمری به فرمان شاه عباس و یوسف سلطان^{۱۱۵} به سال ۱۰۳۷ قمری در شیروان تأییدی بر این موضوع است^{۱۱۶}

آمدن شاه عباس به شیروان

شاه عباس در طی سلطنت چندین ساله خود بارها به خراسان که دائماً مورد

۱۱۰- محمد تقی خان، حکیم گنج دانش، تهران ۱۳۰۵، ص ۳۷۰.

۱۱۱- دائرة المعارف انگلیسی، چاپ بریتانیا، ج ۱۳، ص ۹۲۶.

۱۱۲- رمضانعلی، شاکری اترکنامه، ص ۴۳؛ به نقل از نوشته های لرد کرزن سیاستمدار معروف انگلیسی در سال

۱۸۸۹/م.

۱۱۳- عالم آرای عباسی، روضة الصفا، مطلع الشمس، گنج دانش، عالم آرای نادری و دایرة المعارف

انگلیسی، ج ۱۳.

۱۱۴ و ۱۱۵- اسکندربیک، ترکمان تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳، ص ۱۰۸۸.

۱۱۶- رک: به قسمت حکام محلی شیروان در همین کتاب.

دست اندازی و تاخت و تاز اقوام مختلف بود و همچنین شیروان مرکز حکومت ایلخانی - آمده است که تاریخ دقیق آن مشخص نیست. اما در سال ۱۰۰۷ قمری که خان ازبک «عبدالمؤمن خان» در خراسان فوت می شود از قزوین به مشهد می آید^{۱۱۷} و سپس به صدور احکام برای حکام منطقه خراسان اقدام می کند و از طریق چناران. خبوشان. شیروان و بجنورد به مازندران می رود او مدت یک شبانه روز در شیروان اردو می زند و محل اسکان خود شاه، عمارت بالای تپه نارین (تپه ارک) بوده است و روز بعد با سیاحت و شکار به مازندران می رود. و در سال ۱۰۱۸ قمری نیز به شیروان می آید و فرمانی کتبی برای سادات قریه سکه شیروان صادر می کند^{۱۱۸}. در سال ۱۰۱۵ قمری نیز یکی از دلاورمردان ناحیه شیروان به نام علی بیک زاخوری به کمک شاه عباس می شتابد بطوری که مؤلف عالم آرای عباسی می نویسد: «روستای زاخورانلو که اکنون مردمش به شیروان کوچیده اند در بالای تپه ای در شمال هونامه (هنامه) قرار دارد. علی بیک زاخوری در سال ۱۰۱۵ هجری در جنگ داغستان به یاری شاه عباس رسید^{۱۱۹}» در این جنگ قشون شاه عباس پیروزی می شود و علی بیک زاخوری یکی از سرداران این جنگ به عنوان حاکم منطقه شمالی شیروان برگزیده می شود و مدتها حکومت می کند^{۱۲۰}.

شیروان در زمان افشاریه

نادر شاه افشار فرزند امامقلی در سال ۱۱۰۰ قمری در دستگرد درگز متولد شد. او ابتدا ندرقلی نامیده می شود و در سن ۱۷ سالگی با مادرش به دست ازبکها اسیر شد و پس از چهار سال از جنگ آنها فرار کرد و چندی بعد به ملک محمود سیستانی که خراسان را به تصرف در آورده بود پیوست و از طرف وی مأمور دفع ازبکان گردید و آنها را شکست داد. اقا به علت کدورتی که از ملک محمود پیدا کرد او را ترک گفت و در خراسان به تاخت و تاز پرداخت و سه هزار قشون دور خود جمع کرد و کلات و ایبورد و نیشابور و مشهد را گرفت

۱۱۷ - نقل از کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی. باستانی پاریزی

۱۱۸ - صورت فرمان شاه عباس در همین کتاب به نقل از مطلع الشمس، ص ۱۶۱؛ نوشته شده است.

۱۱۹ - اسکندربیک، ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ص ۷۳۸.

۱۲۰ - از سرنوشت علی بیک زاخوری مطالبی در کتب تاریخی دیده نمی شود.

اما بنابر مصلحت^{۱۲۱} و همچنین قدرت سام بیک پسر قراخان که ایل خان^{۱۲۲} منطقه و در شیروان حکم می راند از حمله به شیروان و قوچان و بجنورد خود داری کرد. چون خبر فتوحات وی به شاه طهماسب رسید او رابه خدمت خود خواند و لقب «طهماسب قلی خان» به او داد و حکومت خراسان و سیستان و مازندران رابه وی وا گذاشت. نادر ابتدا افغانها و سپس عثمانیها را شکست داد ولی شاه طهماسب در جنگ دیگری در ایروان از سپاهیان عثمانی شکست خورد و معاهده ای با احمد پاشا منعقد ساخت که گنجه و تفلیس و ایروان و نخجوان و داغستان را به عثمانیها بدهد. نادر به محض اطلاع پیغام می دهد که معاهده لغو است و شاه طهماسب صفوی را از سلطنت خلع کرد و طفل چند ماهه او را به نام شاه عباس سوم به پادشاهی برداشت و خود زمام امور را در دست گرفت و پس از مدتی که فتوحات زیادی نمود در روز ۲۴ شوال ۱۱۴۸ قمری بر تخت سلطنت جلوس کرد و تاج بر سر نهاد^{۱۲۴} و پسر خود رضاقلی میرزا را فرمانروای خراسان کرد اما در زمان نادر بجز خواستگاری او از دختر حاکم شیروان^{۱۲۳} (سام بیک)، قشون نادر به سرکردگی ابراهیم خان حمله ای به آبادی مشهد طرقی^{۱۲۵} کرده است بطوری که مرحوم میرزا براتعلی شیروانی می نویسد: «مردم آبادی بزرگ مشهد طرقی که اکنون خراب است و تات زبان هستند. چون حکومت نادر را قبول نداشتند. قشون نادر به سرکردگی ابراهیم خان به آنجا حمله کرد. ابتدا اعلان می کنند آبادی مشدرقی تخلیه و پس از یک یا دو روز حمله کرده عده ای را می کشند و آبادی را تماماً تخریب می کنند»^{۱۲۶}. از این آبادی صنع الدوله نیز در سال ۱۳۰۰ قمری بازدید و مطالبی نوشته است اما به حمله نادر اشاره نکرده و وسعت شهر (مشهد طرقی) را بزرگتر از بجنورد دانسته است^{۱۲۷}.

۱۲۱ - سام بیک از شاه طهماسب حمایت می کرد و از طرفی نادر خواستگار دختر ایلخان بود (نقل از عالم آرای نادری).

۱۲۲ - محمد حسن خان صنع الدوله مطلع الشمس، ج ۱، ص ۱۵۷.

۱۲۳ - محمد کاظم عالم آرای نلدری، ص ۱۲۱.

۱۲۴ - از خراسان سام خان بعنوان نماینده ایلخانی در این مراسم حضور داشت (نقل از یادداشت های ابراهام گاتوگی گوس، ص ۳۳)

۱۲۵ - واقع در شمال مقبره امامزاده محمدرضا (ع) مشهد طرقی شیروان

۱۲۶ - میرزا براتعلی شیروانی ناسخ التواریخ یا تاریخ قدیم شیروان: دستخط؛ ص ۱۱۱

۱۲۷ - صنع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۳۹.

شاه طهماسب صفوی و نادر خواستگار دختر حاکم شیروان^{۱۲۸}

این دو بر سر ازدواج با دختر سام بیک ایلخانی که در شیروان مسکون بود رقابت می‌کردند که این امر به کشته شدن عده زیادی از مردم بی‌گناه منطقه شیروان، قوچان، بجنورد، درگز و مشهد منجر می‌گردد. نادر قصدش از این وصلت بیشتر تحکیم قدرت خود در منطقه ایلاتی شمال خراسان بود و شاه طهماسب^{۱۲۹} هم که عقلش را در چشم و گوشش نهاده و کشورداری را به فراموشی سپرده بود به وسوسه اطرافیان بی سیاست بویژه خان قاجار و این که اگر نادر با دختر سام بیک ازدواج کند ممکن است خطری برای شاه باشد و تعریف و تمجید از جمال و رفتار دختر که او را فقط شایسته ازدواج با شاه قلمداد کرده بودند به این ازدواج رغبت داشت. شاه طهماسب با اطلاع از قصد نادر به خواستگاری دختر می‌فرستد. اما چون در مسئله ازدواج از قدیم الایام قضا و قدر بی تأثیر نبوده است. جریانهایی به وقوع می‌پیوندد که سام بیک و دخترش در برابر دو خواستگار پس از مدتی بحث و تبادل نظر نادر را بر شاه طهماسب ترجیح می‌دهند و علت هم آن بوده که: هنگامی که شاه طهماسب از استرآباد و از طریق بجنورد، شیروان و قوچان به مشهد می‌رود در بجنورد مورد استقبال بسیار گرم نجفقلی بیک حاکم مقتدر بجنورد قرار می‌گیرد. در هنگام حرکت شاه به طرف شیروان چون خان قاجار حریفی برای خود می‌بیند به مرور نظر شاه را نسبت به نجفقلی بیک، با اخبار و اکاذیب، بدبین می‌کند بطوری که در عرض چند روز نجفقلی بیک را از طرفداران ملک محمود سیستانی دشمن سرسخت شاه طهماسب معرفی می‌کند و شاه هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بلافاصله بدون تعمق فرمان قتل او را صادر می‌کند و حکم هم بلافاصله وسیله خان قاجار و همه کاره شاه به مرحله اجرا در می‌آید^{۱۳۰}. نادر از این جریان نهایت استفاده را می‌برد و با پشتیبانی از حاکم ایلات منطقه شمال خراسان و ضمن دلجویی از آنها بار دیگر به خواستگاری دختر سام بیک می‌فرستد. حکام ایلات با توجه به حرکت نا آگاهانه شاه

۱۲۸ - در این قضایا بیشتر از کتب نامه عالم آرای نادری. محمد کاظم، زندگی پرماجرای نادر. دکتر میمنی نژاد، حرکت تاریخی کرد به خراسان، کلیم الله توخدی استفاده شده است که به صورت نقل به معنی و در پاره‌ای عبارت نقل به قول است. لذا از ذکر صفحات مورد استفاده خودداری می‌گردد.

۱۲۹ - شاه طهماسب دوم

۱۳۰ - البته مردم بجنورد پس از اجرای حکم به مبارزه برمی‌خیزند اما در برابر قشون شاه عده‌ای کشته می‌شوند و شکست می‌خورند.

طه‌ماسب در کشتن نجفقلی بیک مشورت می‌کنند و به نادر جواب مثبت می‌دهند. شاه طه‌ماسب از جریان مطلع می‌شود و بلافاصله عده‌ای از درباریان را با هدایای گرانقیمت برای خواستگاری مجدد دختر سام‌بیک اعزام می‌دارد. دوباره سام‌بیک با حکام ایلات به جلسه و مشورت می‌نشیند و در این گردهمایی چون طبق بعضی از سنتهای غلط گذشته معمولاً دختر را حق شاه می‌دانستند با توجه به این که قبلاً به نادر نیز قول ازدواج داده شده بود مع ذلک رأی بر می‌گردد و این بار قول ازدواج به شاه طه‌ماسب داده می‌شود و پس از مقدمات کار تصمیم می‌گیرند که دختر را از شیروان به قوچان ببرند و بساط عروسی راه بیفتد. نادر زمانی که متوجه می‌شود تصمیم عوض شده است بلافاصله نیرویی از قوای خود را در نزدیکی قوچان مستقر و علناً مخالفت خود را اعلام و از آوردن دختر از شیروان به قوچان جلوگیری می‌کند. شاه طه‌ماسب نیز با عده‌ای از قشون برای مراسم عروسی در خارج شهر قوچان اردو می‌زند. شاه طه‌ماسب در یکی از شبها برای مشورت وارد قوچان می‌شود که این خبر به نادر می‌رسد و به اردوی شاه طه‌ماسب حمله می‌کند و در غیاب شاه تمام افراد و قشون اردو را مجبور می‌کند تا به مشهد بروند و قوچان را نیز محاصره می‌کند. شاه طه‌ماسب در این اثنا سواران کرد را به جنگ نادر می‌فرستد «... از اصل قلعه بیرون آمده در مقابل لشکر صاحبقران صف جدال و قتال آراسته نواب کشورستان نیز در آن روز بقدر یک هزار نفر را سواره نگهداشته همه غازیان را پیاده نموده اول توپخانه را آتش داده و دوم زنبورکخانه را و بعد از آن تفنگچیان قدرانداز را به انداختن تیر و تفنگ امر فرموده و جماعت اکراد که لاف‌های گزاف در خدمت اشرف زده بودند که فردا گریبان صاحبقران (نادر) را گرفته به درگاه جهانگشا حاضر خواهیم نمود... تن نامداران اکراد از ضرب گلوله بی بنیاد مشبک نما گردیده و سرودست نوجوانان چون خار مغیلان بر بالای هم ریخته ۱۳۱ در این جنگ عده زیادی به قتل می‌رسند و عده‌ای از سواران ایلات مأمور می‌شوند دختر سام‌بیک را از شیروان به قوچان بیاورند تا مراسم عروسی با شاه طه‌ماسب انجام بگیرد» «فادر شبانه در میان برف و کولاک و سرمای شدید قوچان یک هزار نفر از سواران زبده خود را به سر راه شیروان فرستاد و آنها با سیصد تن از سواران کرد که عازم شیروان بودند مواجه شده آنها را مغلوب و متواری نمودند ۱۳۲». نادر دستور داد گودال عمیقی کنده اسیران را به داخل آن سرازیر نمودند» -

۱۳۱ - محمد کاظم، نامه عالم آرای نادری، ج ۱، ص ۱۱۵

۱۳۲ - کلیم الله توحیدی، حرکت تاریخی کرد، ج ۱، ص ۱۰۴-۵. همانجا، ص ۱۰۵

با چندین بار جنگ و گریز و کشت و کشتار با وساطت بزرگان و معتمدین از خونریزی بیشتر جلوگیری به عمل آمد و تصمیم نهایی به اوایل بهار همان سال موکول گردید. سام بیک چون در تمام این درگیریها به اراده خلل ناپذیر نادر واقف می شود و بی لیاقتی شاه طهماسب هم به اثبات می رسد، با جلب رضایت شاه قول ازدواج رسماً به اطلاع نادر می رسد و نادر نیز فوراً متولی حرم امام رضا علیه السلام را با عده ای از اعیان و اشراف برای مراسم عروسی روانه می کند که فرستادگان نادر وارد شیروان می شوند و و چند شبانه روز در روی تپه ارک شیروان جشن برقرار می گردد تا مراسم سنتی عروسی انجام شود. بطوری که مؤلف عالم آرای نادری می نویسد: جهیزیه عروس. دختر سام بیک که از شیروان به مشهد برده می شد عبارت بود از: یکصد نفر کنیزان آفتاب سیما و غلامان قمر طلعت یوسف لقا و یک هزار و دویست رأس اسب و یکصد و بیست هزار گوسفند و چهار صد جمازه کوه پیکر که بار آنها تماماً جهاز و اسباب دختر بود^{۱۳۳}...». نادر که مدت یک سال ذکر و خیرش شیروان جایگاه دختر مورد علاقه اش بود. هنگامی که از آوردن عروس به نزدیک مشهد مطلع می شود با عده ای از اعیان و اشراف رسماً به استقبال عروس می آید و دختر سام بیک حاکم شیروان و ایلخان بزرگ بعدی خراسان شرعاً به همسری نادر، شاه آینده ایران، در می آید و چندین شبانه روز مراسم عروسی در مشهد برگزار می گردد و از این تاریخ به بعد چون نادر داماد سام بیک می شود موقعیت حکام و خانهای منطقه شمال خراسان مستحکم تر می شود محمد حسین خان برادر زن نادر و پسر سام بیک در سال ۱۱۴۸ قمری از نادر شاه لقب ایلخانی می گیرد^{۱۳۴}.

شیروان در زمان جانشینان نادر شاه

پس از کشته شدن نادر شاه طی یک سلسله درگیریها بالاخره علی شاه برادرزاده نادر شاه با نام عادل شاه به پادشاهی می رسد و محمد حسن قاجار رئیس طایفه آشاقه باش در استرآباد قدرت از دست رفته خود را با همکاری و درایت جیران (زن سیاستمدار محمد حسن خان) دوباره به دست می آورد و عادل شاه از قدرت دوباره محمد حسن خان به وحشت می افتد و با مکحول کردن سه برادر خود با سپاهی مجهز از مشهد و از طریق قوچان و شیروان و بجنورد به استرآباد می رود. در جنگی که در می گیرد عادل شاه شکست می خورد و محمد حسن خان

۱۳۳ - محمد کاظم، ناهه عالم آرای نادری، ص ۱۲۴.

۱۳۴ - رمضانعلی شاکری، اثرکناهی، ص ۵۹.

قاجار (پدر آغا محمد خان قاجار) جبران را حاکم استرآباد می‌کند و از طریق گنبد به طرف مشهد حرکت می‌کند تا گردهای شمال خراسان را که از پادشاهی شاهرخ میرزا (نوه نادر شاه افشار) حمایت می‌کردند با خود همدست کند. رؤسای کرد منطقه شیروان دعوت و همدستی با محمد حسن خان قاجار را برای حمله به مشهد به شرطی می‌پذیرند که شاهرخ میرزا نوه نابینای نادر شاه به تخت سلطنت برسد. در زمانی که محمد حسن خان در میان ایلات شیروان و قوچان مشغول جمع آوری نیرو بود حاکم طبس نیز بوسیله نامه ای اعلام آمادگی می‌کند و در نتیجه قشون محمد حسن خان قاجار و سواران جنگی شیروان و قوای حاکم طبس به مشهد حمله می‌برند و پس از برکناری شاه سلیمان ثانی که خود را بعد از عادلشاه پادشاه خوانده بود شاهرخ میرزا را به سلطنت می‌رسانند^{۱۳۵}.

شیروان در زمان قاجاریه

در سال ۱۲۱۰ قمری آغا محمد خان قاجار برای رفتن به مشهد و تثبیت قدرت از شیروان عبور می‌کند و امیر گونه خان حاکم شیروان نسبت به آغا محمد خان اعلام وفاداری می‌کند «آغا محمد خان قاجار با قشون و ساز و برگ فراوان برای زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام از طرف بجنورد به شیروان وارد شد. طوری که دنباله قشونش دیده نمی‌شد. امیر گونه خان ایلخانی شیروان و قوچان با بیش از ۳۰۰ سوار جنگی در مقابل دروازه ارک نسبت به او احترامات زیاد کرد و آغا محمد خان بدون متوقف شدن به طرف قوچان حرکت کرد^{۱۳۶} ژان گوره می‌نویسد: «آغا محمد خان قاجار بعد از این که از استرآباد مراجعت کرد به سوی مشهد به راه افتاد و به هر نسبت که به مشهد نزدیک می‌گردید. امرای شمالی خراسان و حتی آنهايي که حوزه امارتشان در راه آغا محمد خان قاجار نبود به او ملحق می‌گردیدند. اللهیارخان قلیچی حاکم سبزوار پانزده فرسنگ آغا محمد خان قاجار را استقبال کرد و خود و سوارانش را در اختیار وی قرار داد و با خواجه قاجار به مشهد رفت امیر گونه خان زعفرانلو ایلخانی با این که در راه آغا محمد خان نبود با دویست سوار به موکب خواجه قاجار ملحق گردید ابراهیم خان شادلو حاکم اسفراین با این که در راه آغا محمد خان قاجار نبود با پنجاه سوار خود را به موکب خواجه قاجار رسانید ممش خان زعفرانلو حاکم چناران و

۱۳۵- ژان گوره، خواجه تاجدار.

۱۳۶- میرزا براتعلی شیروانی، ناسخ التواریخ یا تاریخ قدیم شیروان، دستخط ص ۲۲۸.

جعفرخان بیک حاکم نیشابور و دیگر حکام و امرای شمالی خراسان هریک با عده‌ای از سواران به اردوی خواجه قاجار ملحق شدند^{۱۳۷}. پس از خاتمه کار خراسان بار دیگر آغا محمد خان به قصد پس گرفتن ایالاتی که روسها گرفته بودند به قفقاز باز گشت ولی در این جا بدست سه تن از پیشخدمتان محرم خود کشته شد (۲۱ ذی الحجه ۱۲۱۱) (۱۳۸).

مؤلف ناسخ التواریخ در زمان فتحعلی شاه قاجار در ذکر طغیان فتح خان افغان و خانهای خراسان می نویسد: «... فتح خان افغان... با لشکری انبوه با توپخانه و زنبورکخانه به آهنگ تسخیر خراسان از هرات بیرون شد و محمد رحیم خان فرمانگذار خوارزم نیز با مردان رزم آزمای تا اراضی سرخس تاختن کرد از خوانین خراسان محمد خان قرایی (حاکم تربت حیدریه) و ابراهیم خان هزاره به لشکرگاه فتح خان افغان پیوستند و رضا قلی خان زعفرانلو (حاکم شیروان و قوچان) و نجفقلی خان شادلو (حاکم بجنورد) و بیگلرخان چاپشلو و سعادتقلی خان بغیرلو در حصارهای خویش استوار نشستند و نگران شدند تا هر که را نصرت یار شود، بدو یار شوند^{۱۳۹}». در این جنگ خان افغان شکست می خورد و فتحعلی شاه به شاهزاده شجاع السلطنه فرمان می دهد که از محاصره تربت حیدریه دست برندارند و شاهزاده محمد تقی میرزا بجنورد را محاصره می کند تا نجفقلی خان شادلو را دستگیر کند و خود فتحعلی شاه با لشکری زیاد از راه جاجرم قصد سفر به مشهد را می کند و پس از عبور از اسفراین و شیروان در نزدیکی قوچان اردو می زند. «... در آنجا معروض افتاد که محمد رحیم خان خوارزمی چون سفر پادشاه را به ارض خراسان بدانست چنان هراسناک شد که بنه و آغردن را بجا گذاشته شتاب زده به جانب خوارزم شتافت لاجرم شاهزاده محمد تقی میرزا به محاصره بزونجر (بجنورد) پرداخت و کار بر نجفقلی خان شادلو تنگ شد حاکم بجنورد برادرش محراب خان و شرف خان و بیست تن از خویشاوندان و جماعتی از علما و سادات را به نزدیک شاهزاده محمد میرزا فرستاد و او را در حضرت پادشاه به شفاعت برانگیخت. شاهزاده آن جماعت را بدرگاه پادشاه گسیل ساخت و به خواستگاری او گناه ایشان معفو گشت^{۱۴۰}» ... اما رضا قلی خان زعفرانلو (حاکم شیروان و قوچان) به استمداد محمدخان

۱۳۷ - ژان گوره فرانسوی، خواجه تاجدار، ج ۲، ص ۲۹۶.

۱۳۸ - محمد جواد مشکور، شاهنشاهی کهن ایران، ص ۸۰.

۱۳۹ - میرزا محمدتقی سپهر، تاریخ قاجار، ج ۱، از مجلدات ناسخ التواریخ، چاپ سنگی، ص ۱۵۸.

۱۴۰ - میرزا محمدتقی سپهر، تاریخ قاجار، ج ۱، ص ۱۵۸.

قرایی راه تربت پیش گرفت و چون تربت (حیدریه) را محصور یافت باز شتافت لاجرم شهریار تاجدار فرمان داد که حسن خان قاجار قزوینی و عیسی خان امیر آخور باده هزارپاده و سواره به منقلای سپاه به طرف خبوشان بیرون شدند و خود فتحعلی شاه دو شنبه ۱۶ رمضان ۱۲۳۳ قمری کوچ داده در ظاهر قلعه خبوشان را لشکرگاه کرد ... وقتی رضا قلی خان از اراضی تربت باز شتافت و از این جوش و جنبش آگاه شد، دست نیافت که به حصار خبوشان در رود، عظیم به ترسید و اهمال و ائفال خود را ریخته به شیروان که در ده فرسنگی خبوشانست گریخت چون این خبر در لشکرگاه سمرشد فرمان رفت تا شاهزاده محمد تقی میرزا از کنار بزونجرد (بجنورد) برخاسته و در ظاهر شیروان نشیند و راه آمد و شد بر قلعه گیان شیروان ببندد^{۱۴۱}».

میرخواند می نویسد: «چون رضا قلی خان به قلعه شیروان متحصن گشت ... دریا دریا لشکر را بر گرد شیروان محیط یافت متزلزل شده به حضور جناب صدر اعظم^{۱۴۲} مستدعی آمد، لهذا جناب صدارت و میرزا فضل الله مستوفی علی آبادی و میرزا محمد رضا قزوینی از گرد خبوشان ده فرسنگ طی کرده به قلعه شیروان که به متانت و رصانت حصار ایروان بود رفتند رضا قلی خان با پانصد نفر جزایرچی به استقبال آمده و اذن سواری گرفت و به قلعه باز آمدند و هشت روز ایام توقف و گفتگو تطویل یافت و رضا قلی خان به اتفاق جناب صدارت به اردو نیامد. حاجی آقا بزرگ لاهیجی منجم باشی نیز بعد از صدراعظم بدانجا (شیروان) رفته به صحبت او نیز حاصلی نداد. و باجناب صدارت شبی در اردوی شاهزاده محمد تقی میرزا بماندند و به اردوی بزرگ شاهنشاهی روی نهادند و در هنگام عبور جناب صدارت ازحوالی خبوشان تفنگی به جانب صدر رها کردند و از این جسارت دریای غضب دوزخ لهب حضرت شاهنشاه بهشت روی فرشته خوی. به تموج^{۱۴۳} در آمد^{۱۴۴}».

«روز هشتم شوال ۱۲۳۳ قمری شجاع السلطنه (پسر فتحعلیشاه قاجار) نیز یک تنه به قلعه شیروان در آمد و یک شب نبود و هر چه دانست و توانست به فرمود. این همه سخن حکمت آمیز که حدت شمشر نیز داشت در دل رضا قلی خان راه نکرد و روز بعد رضا قلی

۱۴۱ - میرزا محمد تقی سپهر، تاریخ قاجار، ج ۱، از مجلدات ناسخ التواریخ، ص ۱۵۹

۱۴۲ - میرزا شفیع

۱۴۳ - موج دار شدن، فرهنگ عمید ۴۱۵

۱۴۴ - میرخواند، روضة الصفا، ج ۹، ص ۵۶۹.

خان را بجای گذاشته راه برداشت بعد از ورود او به درگاه، آتش خشم پادشاه افروخته گشت^{۱۴۵}.

حکومت خود مختار رضا قلی خان و به توپ بستن شیروان

مهدی بامداد مؤلف کتاب شرح حال رجال ایران می نویسد: رضا قلی خان پسر امیر گونه خان زعفرانلو حکمران شیروان و قوچان از امرای بزرگ خوانین خیلی قوی و مقتدر خراسان بوده که در مدت حکومت محمد ولی میرزا در خراسان با وی جداً مخالف و چند بار جنگ نمود تا اینکه در سال ۱۲۳۱ قمری حسنعلی میرزا شجاع السلطنه به جای برادر ضلّبی خود والی خراسان شد و تمام خوانین و امراء خراسان از جمله رضا قلی خان حاکم شیروان و قوچان از وی تمکین و اطاعت کرده و به نزد وی آمدند. در صورتی که قبلاً از آمدن به نزد محمد میرزا جداً استیحاّش داشتند، رضا قلی خان در سال ۱۲۴۵ قمری همین کار را نیز با حسین خان سردار که حکومت و سرداری خراسان را از سال ۱۲۴۳ تا ۱۲۴۵ قمری داشت مخالفت و ضدیت شدید خود را بکار برد تا اینکه موفق به عزل و نصب احمد علی میرزا پسر نوزدهم فتحعلیشاه گردید، در سال ۱۲۳۳ قمری که فتح خان وزیر مدبّر و متهور شاه محمود باسی هزار سوار مرکب از افغان و هزاره برای گرفتن مشهد از هرات عزیمت نمود، چون قبلاً بوسیله ارسال رسل و رسایل با امرا و خوانین خراسان سازش کرده بود، بواسطه عزیمت او در هر گوشه و کنار خراسان غوغا و انقلاب برخاست، با این که شجاع السلطنه غائله فتح خان را به کلی خاتمه دادند، مع ذالک خود فتحعلیشاه نیز در این سال به سمت خراسان رهسپار گردید و ابتدا در بام صفی آباد برای مطیع کردن سعادتقلی بغایری حکمران سبزوار و برادرش مرتضی قلیخان که دم از یاغیگری می زد، توقف و هر دو برادر پس از محاصره و تصرف قلعه بام در مقابل سپاه فتحعلیشاه اطاعت کردند و پس از آن شاه به دفع رضا قلی خان زعفرانلو و مطیع کردن او پرداخت، رضا قلی خان قلعه داری کرد و بعد قوچان را واگذار نموده به شیروان رفت و به میرزا محمد شفیع صدراعظم متوسل شد، میرزا محمد شفیع با میرزا رضا قزوینی منشی و میرزا فضل الله علی آبادی مازندرانی مستوفی و میرزا فضل الله خاوری شیرازی برای استمالت و اطمینان دادن به او به شیروان رفتند ولی با همه این

تفصیل رضا قلی خان مطمئن نگردیده و به نزد فتحعلیشاه نیامد و صدراعظم و همراهان بی نیل به مقصود از شیروان باز گشتند. فتحعلیشاه بواسطه این عمل و عدم اطاعت حکمران شیروان سخت خشمگین شده حکم یورش به قلعه جات تاراج و احشام وی داد و بواسطه این عملیات خسارات زیادی به رضا قلی خان وارد آمد سرانجام ناچار واسطه‌هایی برای شفاعت برانگیخت و مایه زیادی گذاشت تا اینکه مورد عفو شاه واقع شد و خودش از آمدن نزد شاه امتناع ورزید^{۱۴۶}... تا اینکه رضا قلی خان شرحی به فتحعلیشاه نوشته و در آنجا تذکر داده در صورتی که یکی از شاهزادگان به جای حسین خان سردار به حکومت فرستاده شود همگی از وی اطاعت خواهند نمود فتحعلیشاه نیز احمد علی میرزا پسر نوزدهم خود را به حکومت خراسان تعیین و حسین خان سردار را به تهران احضار نمود خوانین خراسان بالاخص رضا قلی خان حاکم مقتدر شیروان بطوری که تعهد کرده بودند از شاهزاده اطاعت کرده به نزد وی آمدند... در سال ۱۲۴۷ قمری پس از ورود عباس میرزا نایب السلطنه به مشهد اکثر خوانین و امرای خراسان از اطراف و اکناف به نزد وی آمدند، رضا قلی خان ایلخانی زعفرانلو و یکی دو نفر دیگر نیامدند. عباس میرزا نایب السلطنه قلاع و سنگرهای مستحکم او را یکی پس از دیگری به غلبه گرفت و سرانجام رضا قلی خان تسلیم و توقیف گردید و پسرش سامخان به جای پدر ایلخانی شد پس از این که رضا قلی خان تسلیم شد او را تحت الحفظ از قوچان به مشهد آورده در ارگ زندانی نمودند ... در ماه اول سال ۱۳۴۹ قمری نایب السلطنه امرا و خوانین خراسان و غیره را با خود به تهران برد، رضا قلی خان و محمد خان قرائی به آذربایجان فرستاد شدند رضا قلی خان بواسطه صدمات و لطمات وارد بر او در میانج ناخوش شده درگذشت^{۱۴۷}.

شیروان در زمان محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ هجری)

در زمان محمد شاه قاجار شیروان یکی از مناطق مهم درگیریهای حکام محلی بود که به ذکر دو واقعه تاریخی آن اشاره می شود.

۱۴۶ - در این هنگام توپخانه قوای فتحعلیشاه مبادرت به حمله می کند اما مردم شیروان با مستقر شدن در برجها و بستن آب به داخل خندقها مقاومت می کنند و با این که عده ای کشته می شوند اما قوای فتحعلیشاه به علت مقاومت مردم نمی توانند وارد شهر شیروان شوند برای اطلاع بیشتر در این مورد مراجعه کنید به روضة الصفا، ج ۹، صفحات ۵۶۹ به بعد.

۱۴۷ - مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۲۵ و ۲۶.

جنگ خونین حکام شیروان و بجنورد: حسن خان سالار و جعفر قلیخان شادلو، بنای مخالفت را با محمد شاه قاجار می‌گذارند و با قوای محلی خود ابتدا قلعه کلات را که در مستحکمی بود فتح می‌کنند و سیصد خانوار از اهالی بجنورد را برای نگهداری و حراست به آن جا گسیل می‌دارند و با سپاهی زیاد به طرف سبزوار و جوین حمله ور می‌شوند، چون این خبر به محمد شاه قاجار می‌رسد با مشورت حاجی میرزا آقاسی، ابراهیم خان سرتیپ سلماسی را با دو عراده توپ و دو فوج سرباز برای مقابله با جعفر قلیخان و سالار به سبزوار و جوین می‌فرستد که جنگی خونین بین قوای دولتی و قوای محلی در می‌گیرد که عده‌ای کشته و زخمی می‌شوند و چون حمزه میرزا حشمت الدوله با قشونی زیاد به کمک قوای دولتی می‌آید. جعفر قلیخان و سالار با قوای باقیمانده به بجنورد عقب نشینی می‌کنند، عده‌ای از مردم بجنورد به دلیل ترس از قوای دولتی از حمایت آنان خود داری می‌کنند و در نتیجه جعفر قلیخان و سالار با قوای خود به دشت ترکمان می‌روند تا با تجدید قوا به بجنورد که حاکم آن سرتیپ محمد علی خان ماکوئی بود حمله کنند. جعفر قلیخان در دشت ترکمان با جلب نظر قراوغلان تصمیم می‌گیرد از ظلم و ستم محمد علی خان ماکوئی نسبت به مردم بجنورد استفاده کند و در موعد مقرر با قوای محلی خود به بجنورد نزدیک می‌شود و با اطلاع و حمایت قبلی عده‌ای از مردم که از زورگوییهای حاکم انتصابی شاه قاجار به تنگ آمده بودند حمله نهایی را شروع می‌کند محمد علی خان ماکوئی کشته می‌شود و بجنورد به تسخیر جعفر قلیخان در می‌آید. چون این خبر در مشهد به شاهزاده حمزه میرزا می‌رسد. شاهزاده نامه‌ای برای یزدان وردی خان حاکم برکنار شده شیروان و قوچان می‌فرستد و با دلجویی از او می‌خواهد تا با قوای دولتی همکاری و به بجنورد حمله کند و جعفر قلیخان را که با محمد شاه قاجار مخالفت می‌کند، مقتول نماید^{۱۴۸}، یزدان وردی خان با جمع‌آوری قوای محلی و دعوت از سران ایلات محلی و همچنین دو فوج سرباز و عراده توپ به سرکردگی محمد ولیخان قاجار که از مشهد به کمک یزدان وردی خان آمده بود، با سنگر بندی^{۱۴۹} در فواصل مختلف به بجنورد حمله می‌کنند جعفر قلیخان شادلو حاکم بجنورد به دلیل جلوگیری از کشتار زیاد به آقخال فرار می‌کند مع الوصف عده‌ای کشته می‌شوند و بسیاری از مردم بجنورد از ترس به کوه و بیابان پناه می‌برند چون این واقعه در زمستان سال

۱۴۸ - دو حاکم محلی طبق دسیسه دولت رودر روی یکدیگر می‌ایستند.

۱۴۹ - آثار بعضی از سنگرها هنوز هم در کنار جاده شیروان به بجنورد دیده می‌شود.

۱۲۶۳ قمری به وقوع می‌پیوندد و همان شب هوا بشدت سرد و برف فوق العاده سنگینی می‌بارد کمتر کسی از فراریان به کوه و بیابان جان سالم بدر می‌برند، پس از شکست حاکم بجنورد شاهزاده حمزه میرزا برای مدتی در بجنورد مستقر می‌شود و جعفر قلیخان یکبار دیگر با دو هزار سواره جنگی از آقخال به بجنورد حمله می‌کند با این که در این جنگ محمدولی خان قاجار کشته می‌شود اما نتیجه‌ای حاصل نمی‌گردد^{۱۴۹}.

«روز پنجم ذیحجه الحرام سال ۱۲۶۴ قمری بر حسب فرمان محمد شاه قاجار، شاهزاده سلطان مراد میرزا از دارالخلافه تهران بیرون شد تا به نظم مملکت خراسان پردازد^{۱۵۰}... سام‌خان ایلخانی و حاکم شیروان و قوچان نامه‌ای به شاهزاده می‌نویسد و آمادگی خود را اعلام و با ششصد نفر قوای مسلح به شاهزاده حسام السلطنه می‌پیوندند. جعفر قلیخان و قتیکه می‌بیند سام‌خان با قشون دولتی همکاری می‌کند، همین موضوع را مستمسک قرار داده و به تلافی شکست از حاکم سابق شیروان (یزدان وردی‌خان) برادر خودش حیدر قلیخان را برای این که زهرچشمی به سام‌خان حاکم شیروان نشان دهد با عده زیادی از سواران جنگی ترکمن و شادلو به شیروان حمله می‌کند، اما چون در شیروان با مقاومت مواجه می‌شود به روستای زیارت در ۶ کیلومتری شمال غربی شهر حمله می‌برد. در این جنگ خونین مردم روستای زیارت شیروان با عده‌ای کم تا آخرین رمق به مبارزه می‌پردازند و حتی زنان نیز وارد این نبرد نا برابر می‌شوند با اینکه قوای حیدرقلی‌خان از نفرات بیشتر و امکانات بهتری برخوردار بود در مدت جنگ عده‌ای از طرفین کشته می‌شوند و با تخریب برجها و حصار روستای زیارت و کوبیدن خانه‌های مسکونی دویست نفر از مردم روستای زیارت را اسیر و به بجنورد می‌برند که بلافاصله با اقدام حاکم شیروان که در اسفراین و در خدمت حسام السلطنه بود اسرای زیارت آزاد و... با دخالت شاهزاده حسام السلطنه جعفر قلیخان و حیدر قلیخان به دارالخلافه تهران می‌روند و این عصیان خاتمه می‌پذیرد^{۱۵۱}».

«سام‌خان ایلخانی که حاکم شیروان و قوچان بودند دارای نشان سرتیپی مرصع که

۱۴۹ - با استفاده از ناسخ التواریخ، ج ۲، چاپ سنگی، صص ۴۶۲-۴۶۳؛ و تاریخ قاجار، جلد ۲، صص ۴۵۸ تا

۴۶۴.

۱۵۰ - قوای حسام السلطنه عبارت بودند از: «چهار هزار و سیصد و سیزده نفر پیاده و سه هزار و بیست نفر سواره هیچده

عراده توپ و یک هزار بار قورخانه» ناسخ التواریخ، ج ۳، صص ۵۲۶

۱۵۱ - ناسخ التواریخ، ج ۳، (تاریخ قاجار)، صص ۵۲۶ تا ۵۲۹

یکی از مهمترین نشانهای دوره قاجار است. برای وی ارسال گردیده بود ۱۵۲.»

شیروان در زمان ناصرالدین شاه

در زمان ناصرالدین شاه قاجار که پنجاه سال بر اریکه سلطنت نشسته و بر ملت ایران حکم می راند. وقایع تاریخی مهمی در خراسان بویژه در شیروان که یکی از مراکز عمده حکومت ایلخانی بود به وقوع پیوست که مهمترین آنها دو بار مسافرت ناصرالدین شاه به شیروان و جنگ حکام محلی و قرارداد فیروزه با کشور شوروی است، که در این موارد مطالب و اسناد بسیاری به قلم خود ناصرالدین شاه در سفرنامه خراسان و صنایع الدوله و دیگر مورخین نوشته شده است که علاوه بر تاریخی بودن مسأله دارای اهمیت جغرافیایی نیز می باشد.

سفر اول ناصرالدین شاه به شیروان

«روز شنبه دوم ربیع الثانی سال ۱۲۸۴ قمری به رسم هر روزه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بعد از حمام سوار شده مسافتی از راه را سواره با وزرا صحبت کنان طی فرموده بعد به کالسکه نشستند و در یک فرسنگی شیروان در کنار جاده در مکانی سبز و خرم از برای نهار فرود آمدند و بعد از نهار مجدداً به کالسکه نشسته به شیروان تشریف فرما شدند ۱۵۳ در حوالی شهر شیروان امیر گونه خان برادر شجاع الدوله که حاکم شیروان است با اعیان و علما و تمام خلق بلد به زیارت رکاب مبارک مشرف گشته مورد مراجع ملوکانه آمدند و حضرت شاهنشاه در باغی که مخیم سرپرده های همایونی بود شرف ورود ارزنی داشتند ۱۵۴... روز یکشنبه سوم ربیع الثانی ناصرالدین شاه یک ساعت بدسته مانده سوار شده تپه مرتفعی را که در مقابل شیروان بود منظور نظر ملوکانه فرموده و به بالای تپه که موسوم به چخماق است رفته ساعتی با دوربین به ساحت شهر و قراء مزارع اطراف شیروان نظر افکندند بعد از تفرج و مشاهده حالت این شهر از تپه به زیر آمده به کالسکه نشستند و چهار ساعت از

۱۵۲ - به نقل از روضه الصفا ناصری

۱۵۳ - «در این سفر مهدعلیا مادر و عزت الدوله خواهر و عده ای از زن های شاه در شش کالسکه شش اسبه و عده ای سواره با توپخانه و نقاره خانه و زنبورکخانه و بعضی از شاهزادگان و عمله جات (ندیمان) و رجال و اعیان و مستوفیان همراه شاه بودند» به نقل از تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، عبدالله مستوفی.

۱۵۴ - این باغ در قسمت جنوبی تپه ارک شیروان قرار داشت.

روز برآمده تشریف فرمای منزل شدند نهار را در سراپرده میل فرموده اندک زمانی استراحت فرموده و محمد حسن خان محقق^{۱۵۵} بعرض کتاب تاریخ روضة الصفا مشغول گشت، چهار ساعت به غروب مانده انقلابی شدید حادث شده رعد و برق و طوفانی در هوا پدید شد. سرکار اقدس همایون از خواب بر خواسته ساعتی در چمنی که سراپرده همایون بر آن واقع بود تفرج فرموده و بعد از نماز و صرف چای به حرم خانه مبارکه تشریف فرما شدند، شب بعد از شام حکیم باشی و دیگران به حضور مبارک احضار شدند. حکیم باشی از روزنامجات فرانسوی به عرض می رساند و شاهنشاه خود بنفس نفیس همایونی ترجمه می فرمودند تا پنج ساعت از شب بگذشت مقربان دربار رخصت انصراف یافتند و سرکار همایون در آرامگاه خسروانی براحت مشغول گشتند، هوای این منزل در نهایت سرد و ملایم بود به نحوی که شخص محتاج به بالاپوش خز و سنجاب می شد. از شیروان به عبدالآباد سه فرسنگ است و راه تا یکفرسنگ مایل به جنوب و پس از آن مجدداً مایل به مغرب می گردد و تمام این مسافت از دو طرف درّه و ماهور است تا از مزرعه مشدرقی گذشته گردنه پدید آید که قریه زورم و عبدالآباد در سمت غربی آن و به فاصله اندکی واقع است و اردوی همایونی در فاصله این دو قریه در چمنی که در درّه عریضی است واقع شده بود^{۱۵۷} رشته جبال از دو سمت درین راه بسیار نزدیک است و دهات واقعه در سمت راست و چپ جاده بدین موجب است. سمت شمالی حسین آباد. توده سمت جنوبی تن سوان. رزمغان. بزآباد زورم، مزرعه مشدرقی که در وسط جاده واقع است قلعه خراب و چهل خانوار سکنه دارد و سه درخت و امامزاده دارد موسوم به سلطان محمد که بنا بر معروف برادر حضرت امام ثامن علیه السلام است^{۱۵۸}».

سفر دوم ناصرالدین شاه به شیروان

در ماه رمضان ۱۳۰۰ قمری ناصرالدین شاه برای دومین بار از طریق بجنورد و روستای عبدالآباد به شیروان می آید و وقایع این سفر را به قلم خودش به شرح زیر می نویسد: «... چهار شنبه ۲۶ رمضان بکالسه نشسته راندم به دره افتادیم که طرفین آن تپه های خاکی و

۱۵۵ - محمد حسن خان صنع الدوله. اعتماد السلطنه

۱۵۶ - منظور مزرعه مشهد طرقی است که در زمان قاجاریه راه شیروان. بجنورد از آن جا می گذشت.

۱۵۷ - نزدیک روستای فعلی شیرآباد شیروان.

۱۵۸ - علی نقی بن اسماعیل، سفرنامه ناصرالدین شاه، سال ۱۲۸۴/ق.

کوههای مختصری داشت، دست چپ مزرعه سر راه بود موسوم به شورجه^{۱۵۹} که قلعه کوچک و چهارپنج خانوار رعیت داشت. یک درخت بید کوچکی هم داشت کبک و تیهوی زیادی امروز در عرض راه دیده شد، قدری که از شورجه دور شدیم طرف دست راست در جلگه دهی پیدا بود که اسمش را آب دوه (عبدآباد) می گفتند، از همین جا گردنه بود اگرچه سنگ و پرتگاه نداشت ولی رفتن کالسکه اشکال داشت از آنجا سوار اسب شدیم همه جا دیگر تا گردنه پست و بلندی است، از گردنه که بالا آمدیم دره بزآباد پیدا است که همین جا منزل است. سمت دست راست ده زوارم بزآباد است، زهر همین دوده در انتهای دره عبدآباد که منزل امروز است واقعست. زوارم دهیست بسیار معتبر دارای سیصد خانوار رعیت، باغات بسیار دارد. رودخانه آبی از دره زوارم جاریست که تمام زراعت و محصول این ده از این آب سیراب می شود. متصل زوارم ده بزآباد است. آنجا هم ده خوب آبادی است. زیر این ده سمت چپ ده عبدآباد است و اردو در وسط این سه ده واقعست ... پنجشنبه ۲۷ رمضان، برای تماشای ده زورم شجاع الدوله و ابراهیم خان نایب جلو افتاد بودند نیم فرسنگی که راندیم به اول بوستان و باغات زوارم افتادیم، باغات و بوستانهای زیاد دارد بقدر چهارپنج سنگ آب از ده جاریست باغاتش انواع اشجار دارد بخصوص درختهای گردو که خیلی بزرگ و قویست، اما وضع باغاتش مثل جنگل است. همه جا از سایه درخت می رفتیم تا رسیدیم به آبادی و عمارت، ده آباد معتبری دارد شجاع الدوله در دست چپ باغی را نشان داد که چشمه دارد^{۱۶۰} پیاده شده داخل باغ شدیم، باغ پر درختی بود حوض آب صفایی داشت که چشمه از میان همان می جوشید ماهی سیاه زیادی داشت آفتاب گردان زدند نهار خوردیم بعد از نهار برخاسته پیاده قدری راه رفته از آب دره که میان ده بود گذشتیم. آن طرف خانه مرتضی بیک پسر مین باشی بود که از طایفه ترک هستند، خود مرتضی بیک نایب زوارم است و مین باشی پدرش حاکم شیروان است، خانه باروچی بود مثل همان باغی که نهار خوردیم چشمه آب ماهی داری وسط حیاطش داشت^{۱۶۱} قدری ایستاده تماشا

۱۵۹ - روستای شورجه همان شورک عبدآباد است.

۱۶۰ - باغ مذکور می بایستی باغ معروف شاهپورخان نگهبان باشد که نگارنده مدت دوسال به عنوان آموزگار دبستان بزرگمهر زوارم در عمارت خان سکنا داشتم اما ورثه مرحوم مجیدخان حمیدی و لشکری که اهل زوارم و از بستگان شاهپورخان می باشند از قول بزرگان خود می گویند باغ مورد نظر باغ چهار حوض مجیدخان حمیدی است.

۱۶۱ - چشمه مذکور نیز در غرب درمانگاه واقع است و آب لوله کشی زوارم از این چشمه تأمین می گردد

کرده بعد سوار شده رانیدیم به طرف بالای ده از آبادی خارج شده هر چه رفتیم آب و باغات و درختان باصفا و سبزه زارهای خوب بود کم کم این دره تنگ می شد، توی سبزه زاری که بعضی اشجار هم داشت فرمودیم آفتاب گردان زدند^{۱۶۲} مرتضی بیک قلعه بیکی عرض می کرد از این دره بقدر نیم فرسنگی که بالا می رود آبشاریست و اشجار هم دارد (منظور چشمه اوچ دوشی یا آبشار نزدیک یخدان در راه میهن است) از همین تنگه که بالا می رود به تخت میرزا^{*} می رسد و از آنجا به روئین و اسفراین راه است. اینجاها میوه جات خوب از قبیل شاه توت و انگور و سیب قرمز بسیار ممتاز و فندق و غیره دارد. میرزا محمد خان پیشخدمت تا آبشاری که شجاع الدوله! عرض می کرد رفته و برگشته بود عرض میکرد راهش بد است خلاصه این ده خیلی ده معتبر نیست. عصر مراجعت کرده همه جا از سر کوه رفتیم به منزل.

جمعه ۲۸ رمضان ۱۳۰۰ قمری. امروز باید رفت به شیروان از اینجا تا شیروان دو فرسخ و نیم راه است اما قریب سه فرسخ راه رفتیم تفصیل این اجمال آن که دیروز در مراجعت از ده زوارم بعضی از بلدها عرض کردند دهی است در پشت همین کوه زوارم موسوم به گیلارد که ده بسیار با صفای پر آب خویست و از اینجا تا آنجا دو فرسخ و از آنجا هم تا منزل شیروان دو فرسخ است. که روی هم رفته یک فرسخ از راه معمول دورتر است و این یکفرسخ دوری راه به عبور از این ده با صفا ارزش دارد. این بود که امروز صبح وقت سواری تمام اهالی اردو و سواران زیادی را با رکن الدوله و مستشارالملک و غیره را مرخص کردیم که از راه معمول بمنزل بروند با این که جمعیت مردم و غلام و سوار را مرخص کردیم باز جمعیت زیادی از عملة خلوت و غیره و بقدر یکصد نفر هم سوار و غلام در رکاب بودند. از منزل که سوار شدیم مستقیماً رو به ده زوارم آمده تا رسیدیم بجاده که از بغله کوه میرفت از بغله رو بالا رانده تا به سطح مرتفعی رسیدیم از منزل تا اینجا یکفرسخ تمام راه بود این بلندی هم یک سر جلگه است پست و بلندی مختصری دارد. زراعت دیمی هم در غالب این اراضی کرده بودند از اینجا هر چه می رانیم آثاری از ده گیلارد (گیلان) پیدا نیست، مسافت زیادی که طی شد به دره تنگی افتادیم که سرازیر و سربالا و سنگلاخ و بعضی جاها خاک بود خلاصه بقدر پنج ساعت راه رفته تا به کوهی رسیدیم که بالای آن قلعه داشت. از

۱۶۲ - حدود باغات مرحوم حاج امین زوارمی و حاج عبدالله خلیلی.

۵ - تخت میرزا یکی از ییلاقات جنوبی شیروان واقع در دامنه کوه شاهجهان می باشد.

۱۶۳ - قلعه موسی خان حصار پهلوانلو.

شجاع الدوله پرسیدیم ده کجاست عرض کرد زیر همین کوه و قلعه در توی دره واقعست، نزدیک به ده رسیدیم بعضی از جاها آب کمی دیده شد ممت دست چپ این دره که معبر ما بود کوه سنگی سختی دیده شد که کبک و فره زیادی داشت ما پیاپی کوه رفته پیاده شدیم تفنگ ساچمه زنی را گرفته دو فره بزرگ دویده رفتند زیر سنگ، بعد از زیر آن سنگ در آمده رفتند در سایه سنگی دیگر که هر دو نمایان بودند و از پیش ما تا جای آنها مسافت زیادی بود که سوارها همه عرض می کردند تفنگ نیندازید، ما تفنگ را بلند کرده انداختیم به هر دو خورد یکی جابجا افتاد یکی دیگر هم پرواز کرده قدری آن طرف تر افتاد بسیار خوب زدم خیلی دور بود هیچ گمان نمی کردم که تیر تفنگ بآنجا برسد... به اول آبادی گیلارد (گلیان) ده توی دره در بغله کوهی واقعست دو قلعه بالای ده از قدیم ساخته اند یکی این طرف دره دیگری آنطرف، بسیار قلعه های محکم بزرگ کهنه ایست، از توی ده عبور کردیم معبر از وسط ده است از خانه های ده گذشته داخل رودخانه شدیم که از وسط دره می گذرد و بقدر هفت هشت سنگ آب سرد گوارایی دارد که از چشمه های متعدد ترکیب شده است باغ خوبی هم بود که زمینش همه چمن داشت، آفتاب گردان زدند نهار خوردیم صنیع الدوله روزنامه اورپ خواندند ۵/۵۰۰ به غرب مانده سوار شده از توی رودخانه همه جا سرازیر از سایه درختها گذشتیم، درختهای گردوی بسیار بزرگ دارد مسافت زیادی طی کرده تا به آخر دره رسیدیم باغات زیاد دارد اما باغات اینجا به صفا و انبوهی باغات زوارم نیست. خلاصه رسیدیم به ده رزمقان که وقف بر حضرت رضا علیه السلام است. ایلات سويدانلوی زعفرانلو در این ده و صحرای محوطه آن منزل و سیاه چادر دارند که زمستان و تابستان راتوی چادر می نشینند و فصل ییلاق را در همین صحرا به سر می برند در ده هیچ منزل نمی کنند خانوار و سکنه این ده (رزمقان) کم بود تقریباً بقدر سی خانوار رعیت داشت... داخل جاده شیروان که شده و قدری رانیدیم دست راست دهی دیده شد که اسمش «تناس وان» است چشمه آبی دارد که فاضل آبش به شیروان می رود و از زیر دست این ده الی شیروان همه جا تک تک و قطعه قطعه باغ و آبادیست یک ساعت و نیم به غروب مانده وارد منزل شدیم. شیروان همان شهر قدیمیست جمعیت زیادی از آخوند و ملا و سادات و کسبه از شهر شیروان سر راه آمده بودند معلوم است سکنه زیادی دارد سرپرده مارا توی باغ انگوری همانجا که هیجده سال قبل در سفر سابق چادر زده بودند زده اند ۱۶۴».

ناصرالدین شاه در شیروان صدور غله به شوروی را ممنوع می‌کند اعتمادالسلطنه در این مورد می‌نویسد: شنبه ۲۹ رمضان ۱۳۰۰ قمری، منزل برزل آباد سه فرسخ است صبح زود بیدار شده داخل شهر شیروان شدم، انکشاف کامل نمودم باقاضی آنجا ملاقات نمودم بعد نزدیک سراپرده همایونی به منزل امین السلطان رفتم. انتظار حرکت موکب مسعود را داشتم شاه بیرون تشریف آوردند قدری سوار شدند در رکاب بودم بعد کالسکه نشستند یک فرسخی ناهار افتادند در سرناهار بودم تاریخ آل عثمان عرض شد بعضی احکام به امین السلطان تازه فرمودند که به رکن الدوله ابلاغ کند که خیلی عجیب بود منجمله حکم شد از قوچان، شیروان و بجنورد من بعد حمل غله بخاک روس نشود. ندانستم چرا این حکم را فرمودند در صورتی که سالی متجاوز از دویست هزار تومان منفعت رعیت ایران است. از کجا معلوم است این حکم مجرا شود، جز اینکه عداوت تازه برای خود شاه ایجاد کردند که در موقع روسها ضرر وارد خواهند آورد. شاه همه چیز دارد جز پلتیک، وزرا هیچ چیز ندارند علی الخصوص پلتیک، ارتفاع این منزل (شیروان) با طهران یکی است ۱۶۵».

آمدن سام خان ایلخانی حاکم مقتدر از تهران

«سام خان ایلخانی پسر رضا قلیخان زعفرانلو و ابوالفیض خان برادر او بر حسب فرمان مأمور به توقف طهران بود یک روز بعد از وفات شاهنشاه غازی، سام خان با خویش اندیشید که اگر همچنان متوقف طهران باشم تا شاهنشاه ایران ناصرالدین از آذربایجان فراز آید بر تخت ملک جای کند! کارداران دولت چنان خواهند دانست که من محبوساً درین شهر بوده‌ام لاجرم تا زنده باشم رهایی نخواهم یافت، پس صواب آنست که به شهر خراسان! سفر کنم و تقدیم خدمتی کرده پیاپی خویش باز آیم تا عقیدت کارداران حضرت در صدق نیت من صامی گردد، لاجرم ابوالفیض خان را برداشته از بیرون قصر محمدیه راه برگرفت و شش روز تا کنار سبزوآر براند در آنجا فتنه خراسان و استیلای سالار را در آن مملکت اصفا نمود و بیم کرد مبادا بدست مردم سالار گرفتار شود سخن در انداخت که شاهنشاه غازی رخت از جهان بیرون برد و اینک من نزدیک سالار این خبر بمژده خواهم بُرد جماعتی از دیده بانان سالار که حاضر بودند و اخذ و حبس سام خان را در خاطر داشتند به اتفاق سام

خان راه برگرفتند تا زودتر این مژده به سالار رسانند^{۱۶۶}... فرار متهورانهٔ سام خان از حصار جاجرم.

«در عرض راه سام خان فرار کرده به طرف محمد حسن خان نردینی حاکم جاجرم راه برگرفت تا روزی چند بر آساید و اعداد کار فرماید و ندانسته بود که محمد حسن خان را که از قبل حکومت جاجرم داشت، وسیلهٔ جعفر قلیخان شادلو از حکومت برکنار و به جانب نردین فرار داده و اموالش را ببرند، چون سام خان بدان اراضی رسید و پرسش حال محمد حسن خان را کرد یک تن از مردم آن محال او را اغلو طه داده به درون قلعه دلالت کرد. سام خان و ابوالفیض خان و یک تن ملازم او چون به درون قلعه (جاجرم) شدند، جرستهٔ قلعه در به بستند و سنگی از پس در استوار کردند و بیدرنگ آن کس که ملازم سام خان بود از اسب بزیر آوردند و به اخذ سلب و ثروت او مشغول شدند و جماعتی قصد سام خان کردند، حاکم شیروان عنان بگردانید و تفنگ خویش را بمیان آن مردم گشاده داد تا از طریق دروازه به یک سوی گریختند و اسب بر جهانند و همچنان از پشت اسب دست فرا برده علاقه دروازه را بکشید، چنانکه سنگ را جنبش داد و در فراز شد. پس به اتفاق برادر خود ابوالفیض خان اسب بر جهانند و تا نردین شتابزده براند و بعد از ورود به نردین دوازده روز در خانهٔ محمد حسن خان اقامت کرد تا از کار خراسان بینشی حاصل کند و در آنجا مکشوف افتاد که قبایل زعفرانلو با یزدان وردی خان برادر سام خان طریق اطاعت و انقیاد سپرده اند و دست تصرف امیر اصلا ن خان پسر سالار را از شیروان و قوچان باز داشته اند و نیز معلوم شد که سلیمان آقای جوینی به فرمودهٔ سالار محال جاجرم را فرو گرفته و همچنان حیدر قلیخان حکومت اسفراین یافته و با سپاهی از مشهد تا اسفراین شتافته و بدان سراسر است که هم از آن محال احتشادی کند و بوزنجر (بجنورد) را فرو گیرد و در این هنگام کاظم خان خلیج با دو عراده توپ و فوج خلیج در بوزنجر متوقف بود بالجمله سام خان ایلخانی از پشت و روی این امور آگاهی یافت از نردین برنشسته از محال جاجرم راه بگردانید تا مبادا گرفتار شود و از بامداد تا نیمه شب سی و پنج فرسنگ راه بریده به کنار اراضی اسفراین آمد و از آنجا بمیان قبیلهٔ میلانلو^{۱۶۷} که از جمله جماعت زعفرانلو است در رفت و این هنگام آسوده خاطر شد.

۱۶۶- ناسخ التواریخ، جلد ۳، چاپ سنگی، ص ۵۲۲.

۱۶۷- میلانلو یکی از ایلات کرمانج است که عده‌ای از آنها بین کوهستانهای حدفاصل شیروان- اسفراین سکنا

پس آدینه محمد را از میان خود اختیار کرده پنهانی روانه بوزنجره کرد و مکتوبی به کاظم خان خلیج فرستاد که ازین گروه چریک که با حیدرقلیخان انجمن شده بیم مکن و او را مردانه به مدافعت باش که چندان که از مرد و مرکب و علف و آذوقه بکار باشد به سوی تو حمل میدهم. کاظم خان پاسخ فرستاد که خاطر خویش را از قبل من مشوش مدار که هرگز لشکر من از جنگ سیرنشوند و آذوقه شش ماهه نیز حاضر دارم اگر توانی تقدیم خدمتی از بهر حمزه میرزا می کن که درارک شهر (مشهد) محصور و متحصص است پس سام خان از آنجا به شیروان آمد و لشکری فراهم کرده به قوچان درآمد و چون سلیمان خان دره جزی با سالار پیوستگی نداشت کس فرستاد او را به قوچان دعوت کرد و سلیمان خان اجابت نموده با مردم خویش به جانب قوچان تاخت... از آنجا نیز یک منزل بسوی مشهد پیش رانده رسولی به نزدیک حمزه میرزا (حاکم مشهد) فرستادند و پیام دادند که اینک گوش بر فرمانیم و بهر چه گویی چنانیم^{۱۶۸}». حمزه میرزا حاکم مشهد برای سام خان پیام می فرستد از جانب من آسوده باش حیدرقلیخان حاکم اسفراین چند روزی کاظم خان خلیج حاکم دولتی بجنورد را در محاصره قرار داد و با نیرنگ و حيله او را طرفدار سالار نمود بطوری که کاظم خان و حیدرقلیخان با فوج خلیج و دو عراده توپ و سپاهی از قبایل شادلو به طرفداری سالار در حال حرکت به طرف شیروان می شود، سام خان ایلخانی بلافاصله با لشکر آماده خود از علی آباد قوچان حرکت می کند و به شیروان می رسد و قوای حیدرقلیخان و کاظم خان خلیج را به محاصره می اندازد، به نحوی که حتی تهیه آب خوردن نیز برای آنها مشکل می شود سام خان پس از محاصره برای کاظم خان پیام می فرستد که شادلوها با دولت مخالفت می کنند. تو بهتر است به ما پیوندی و گرنه ما با شما وارد پیکار می شویم و اجازه نمی دهیم از ملک شیروان عبور کنی، چون موقعیت دشواری پیش می آید... «حیدرقلیخان به جانب بجنورد عقب می نشیند و کاظم خان خلیج هم با شرایطی به قوای سام خان می پیوندد تا به مشهد رفته و حمایت خودشان را از دولت اعلام کنند^{۱۶۹} کاظم خان در شیروان از سام خان می خواهد اگر از سالار (محمد حسن خان) حمایت کند حکومت مشهد را سالار به او می سپارد اما سام خان به وعده های او توجهی نمی کند و مخالفت خود را اعلام می دارد و حتی به لشکر

۱۶۸- ناسخ التواریخ، ج ۳، چاپ سنگی، ص ۵۲۳.

۱۶۹- آئوزیارتی، در جنگ ایلخان (سام خان) و سرتیپ خان خلیج دو عراده توپ خلیج را تخریب و آتشبار آن را

تخریب می کند به سنه ۱۵ ذیحجه الحرام ۱۲۶۴ قمری (نقل از حاشیه کتاب معراج السیاده کتابخانه عمومی شیروان)

سالار که به فرماندهی بیگلربیگی محمد باقرخان قصد عبور از شیروان و قوچان را داشت اجازه نمی دهد و یزدان وردی خان را با لشکری آماده رو در روی لشکر سالار قرار می دهد. اما محمد باقرخان این درگیری را صلاح نمی داند و لشکر سالار عقب نشینی می کند مع ذالک لشکر پیاده سروایت که از سالار حمایت می کرد به وسیله افراد یزدان وردی خان تارومار می گردد^{۱۷۰}».

تاریخچه شهر قدیم شیروان

وسعت و حدود شهر قدیم شیروان محدود است از طرف شمال به شعبه رودخانه اترک^{۱۷۱} و انتهای سرکار باغی^{۱۷۲} و از طرف جنوب به باغ آستی و شعبه اصلی رودخانه اترک^{۱۷۳} و گورستان قدیمی و از طرف شرق تا دروازه مشهد و از طرف غرب دروازه بجنورد^{۱۷۴} (ارک) شهر قدیم که در شیروان به کهنه شهر معروف است تعداد ۴۰ برج و دو دروازه بزرگ داشت^{۱۷۴} که فاصله برجها در مطلع الشمس بین ۶۰ الی ۱۰۰ ذرع ذکر شده است^{۱۷۶}. محیط برجها نیز با توجه به موقعیت آنها بین ۲۵ تا ۵۰ متر است، ارتفاع برجها ۶ تا ۹ متر می باشد. اطراف شهر قدیم را که به شکل چند ضلعی غیر منتظم بود حصار کشی کرده و خندقهایی به عمق ۵ تا ۷ متر حفر نموده بودند^{۱۷۷} که در موقع حمله دشمن تنها راه ورود به شهر دو دروازه ارک و مشهد بود که بشدت حفاظت می شده است. دروازه ارک که به طرف جنوب (قبله) گشوده می شد در قسمت شمال غربی تپه ارک در فاصله ۲۵۰ متری غرب بقعه امامزاده غیبی قرار دارد و آثار آن فعلاً موجود است و دروازه مشهد در حدود چهار

۱۷۰ - میرزا براتعلی شیروانی، ناسخ التواریخ یا تاریخ شیروان، دستخط ص ۳۰۹.

۱۷۱ - معروف به چایلق که فعلاً این رودخانه از وسط شهر فعلی شیروان عبور می کند.

۱۷۲ - معروف به باغ سرکار شجاع الدوله حدود فعلی خیابان جامی.

۱۷۳ - در شیروان به قره کال معروف است.

۱۷۴ - حدود خوشه گاه یا دروازه ارک.

۱۷۵ - آثار برجها و دروازه ها هنوز هم مشاهده می گردد.

۱۷۶ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۳.

۱۷۷ - نمونه این خندقها را در انتهای خیابان جهاد می توانید ببینید.

راه خیابان مآلیه (آذربایجانیه) و کمربندی و در قسمت ضلع شمال شرقی پارک جنگلی^{۱۷۸} قرار داشت که این دروازه و برجهای اطراف آن برای احداث پارک مسطح شد. شهر قدیم شیروان را از نظر وسعت با توجه به تعداد برجها و میانگین فواصل آنها می توان بین ۸۰ تا ۶۰ هکتار محاسبه کرد. شهر قدیم مانند اکثر شهرهای قدیمی ایران فاقد خیابان وسیع و مستقیم بود، کلاً از چند کوچه بزرگ و کوچک و دو میدان تشکیل می شد. وسیعترین و بلندترین کوچه شهر قدیم با نگاره هایی که بوسیله تخته سنگها در محل آب انبار معروف به کهنه حوض انبار مشخص است در حدود ۵/۷۰ متر پهنا و ۷۵۰ تا ۸۰۰ متر درازا دارد که در قسمت وسط اندکی انحنا داشت. مسیر این کوچه اصلی شهر شرقی - غربی بود و دو دروازه شهر قدیم را به هم متصل می کرد. درها چوبی و فوق العاده بلند بودند. تپه ارک در قسمت غربی شهر مرکز قدرت تصمیم گیری بود که عمارت حاکم در روی آن احداث شده بود و برج و باروی محکم داشت. آب قنات میرک آباد شیروان بوسیله لوله های سفالین به بالای تپه برده می شد که هنوز هم لوله های سفالین در دو قسمت شمالی و جنوبی تپه ارک دیده می شود. که احتمالاً از لوله شمالی آب به بالای تپه برده می شد. و از لوله دیگر به عنوان فاضل آب استفاده می گردیده است (این موضوع با توجه به ارتفاع تپه و مظهر قنات میرک آباد امکان پذیر است) ناصرالدین شاه در سفر اول خود به شیروان می نویسد: در درون قلعه شیروان در مکانی که مرتفع تر از سایر امکنه شهر است ارک بلد واقع شده است که او را نیز برج و باره محکم بوده که اکنون رو به انهدام و ویرانی گذاشته است^{۱۸۰}. محلات معروف شهر قدیم شیروان عبارتند از: ۱- جنای کوچه^{۱۸۱} ۲- دلاک محله (ذُلّی محله) ۳- رنگرز کوچه ۴- قرشمال کوچه ۵- آرمنی کوچه ۶- سرکار کوچه ۷- ارک ۸- قپان محله ۹- آشاوان محله ۱۰- هَنگر محله (آهنگر محله و نعلبندی) ۱۱- سرکار باغی ۱۲- شاه مختار محله ۱۳- بلبل دوشی ۱۴- خان محله ۱۵- یخدان محله ۱۶- سید محله ۱۷- ینگی شهر. محلات قدیم. با توجه به مشاغل ساکنین نامگذاری می شده است. مساجد شهر قدیم عبارتند از ۱- جامع

۱۷۸- پارک جنگلی بر روی قسمتی از خرابه های شهر قدیم ایجاد شده است.

۱۷۹- این کوچه که بازار شیروان محسوب می شد سنگ فرش بود و جوی آبی از وسط آن عبور می کرد.

۱۸۰- ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، شنبه دوم ربیع الثانی سال ۱۲۸۴ قمری، ص ۷۵.

۱۸۱- جَنک کوچه و جنی کوچه هم گفته می شود که احتمالاً جنت کوچه بوده که به مرور به جنی تبدیل شده

مسجد ۲- ارک مسجد ۳- جنای مسجد ۴- تازه مسجد ۵- بازار مسجد ۶- مسجد یزدیها که در مساجد جامع و جنای نماز جماعت اقامه می شد.

حمامهای شهر قدیم عبارت بودند از: ۱- حمام ارک ۲- حمام حاجی ها ۱۸۲ ۳- حمام بازار ۴- حمام خان ۵- حمام کوچک بازار شهر قدیم شیروان یک صد و هفتاد در بند دکان داشت که دارای مشاغل بزاز، بقالی، عطاری، صباغی، آهنگری، خیاطی و کفاشی و... بود. تجار، سلف خررها و قپان داران معمولاً در کاروانسراها حجره داشتند. تعداد یخچالهای کهنه شهر که در محل به آن یخدان می گویند ۱۸۳ پنج یخچال بود که یکی مخصوص حاکم شهر به نام یخدان دیوانی و چهار یخدان دیگر رعیتی بود. ساختمان و شکل منازل مسکونی در شهر قدیم شیروان: اکثر منازل از گِل و چوب و سنگ و آجر ساخته می شد که با توجه به اختلاف طبقاتی و فرم سنتی آن منازل خوانین و اعیان دارای اتاقهای متعدد شاه نشین، کانه تنابی، اندرون، خانه چوبی فراشخانه و... بود و اصطبل و خدمه مربوطه در محل دیگری نزدیک به منزل قرار داشت ولی فرم خانه های مسکونی اکثر مردم معمولاً از دو اتاق در طرفین با پستویک ایوان تشکیل می شد که در محل به (ایکی کله بیر تنابی) معروف بود. تزئینات داخل اتاقها بسیار جالب و دیدنی بود. چون دورتادور اتاقها را طاق و طاقما و رف ۱۸۴ می ساختند در قسمت بالا یا وسط اتاق در داخل دیوار اجاق بسیار جالبی با تزئین خاص ساخته می شد که برای گرم کردن اتاق و مصارف دیگر مورد استفاده قرار می گرفت ۱۸۵. برای روشنایی در شب ابتدا از پی سوز استفاده می شد که در مواقع آمدن مهمان، فتیله ها زیاد می شد تا روشنایی بیشتر شود بعداً چراغهای نفتی مانند: فانوس، لامپا و زنبوری جایگزین پی سوز گردید. شبها از طرف فراشان و شبگردهای خان در بعضی از معابر فانوس آویزان می شد. شهر قدیم شیروان دارای یک کاروانسرای بزرگ قافله انداز بود

۱۸۲- حاجی ترین حمامه

۱۸۳- یخچال گودالی استوانه ای به شعاع ۳ تا ۵ متر و به عمق ۶ تا ۱۰ متر است که روی این گودال هم گنبدی که به ارتفاع ۶ تا ۸ متر از گِل و چوب ساخته شده است. در زمستان حوضچه های اطراف یخچال را بخصوص در شبها آب می بندند و پس از یخ بستن آن را می شکنند و وسیله چنگکهای ویژه یخها را داخل یخچال می ریزند تا یخچال کاملاً از یخ انباشته می شود و در ورودی کوچک یخچال نیز کاه گل می گردد. سپس در اواخر بهار و تابستان از یخهای ذخیره شده استفاده می شود.

۱۸۴- طاقچه باریک و بلند، ص ۱۶۶۲، فرهنگ معین.

۱۸۵- نمونه هایی از این منازل قدیمی و اجاقها هنوز هم در شهر قدیم شیروان با دیوارهای قتلور موجود است.

که در قسمت غربی پارک جنگلی فعلی قرار داشت که علاوه بر نگهداری چهارپایان و داد و ستد کالا و محصولات کشاورزی و دامی در اطراف کاروانسرا اتاقهایی ساخته بودند که به عنوان مسافرخانه مورد استفاده قرار می‌گرفت. آب آشامیدنی شهر قدیم بوسیله قناتها که در آب انبارها ذخیره می‌شد تأمین می‌گردید.

جغرافیای طبیعی شیروان

بخش دوم

جغرافیای طبیعی شیروان

پستی و بلندی

برای بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق پستی و بلندی شیروان از نظر: تکامل، نوع و جنس خاک و سنگ و کوههای منطقه، این بخش را در دو مرحله مورد مطالعه قرار می دهیم^۱.

۱ - شیروان و کوهستانهای شمالی استان خراسان.

کوهستانهای شمالی خراسان دنباله سلسله جبال البرز هستند که در حد فاصل دشتهای پست ترکستان شوروی و سواحل شرقی دریای خزر واقع شده است. موقعیت جغرافیایی کوهستانهای شمالی خراسان که شیروان در یکی از دره های آن واقع شده است برخلاف کوههای غربی دریای مازندران است که رودخانه ها با امتداد جنوبی و شمالی توده البرز را به قسمتهای مجزا و مشخص تقسیم نموده. در این قسمت عوارض متعدد، توده های غیر متجانس را تشکیل می دهند که بعضی واحدهای آن مانند بلخان بزرگ و بلخان کوچک بطور منفرد از مجموعه عوارض جدا افتاده و در ساحل شرقی دریای خزر تشکیل مرتفعات مستقلی داده اند و بعضی مانند رشته های باریک «کپتداغ» و کوران داغ عوارض ممتدی را تشکیل می دهند و در منطقه مرزی ایران به قره داغ می پیوندند و امتداد آن دو در مشرق به هزار مسجد و کلات نادری متصل می شود. ساختمان زمین در منطقه کوهستانی شیروان هنوز مراحل تکامل خود را به پایان نرسانده و تحولات درونی سبب زمین لرزه هایی در این منطقه می شود^۲. خط مشخص زلزله در آن بلخان بزرگ - کپتداغ است که از زیر دریای خزر

۱ - با استفاده از جغرافیای طبیعی ایران (کوهستانهای شمالی خراسان) - کوهها و غارهای ایران - پایان نامه کوههای شیروان. براتعلی شادفر دبیر دبیرستانهای شیروان کارشناس زمین شناسی و تحقیقات محلی نگارنده.

۲ - در این رابطه آقای مجید مختاری دبیر دبیرستانهای شیروان کارشناس زمین شناسی در رابطه با زمین لغزندگی

روستای هشت‌مرخ که در پای دامنه کوه شاهجهان و در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شیروان واقع است مقاله‌ای تحقیقی به شرح زیر تنظیم کرده‌اند:

الف - زمین‌شناسی ناحیه از نظر سن (Age) طبق نقشه سازمان زمین‌شناسی بین دوره ژوراسیک (Jurassic) و کرتاسه (Cretaceous) است. ولی طبق بازدید آقای دکتر علی اصغر آریایی استاد محترم دانشگاه مشهد ناحیه لغزندگی (هشت‌مرخ) مربوط به تشکیلات شورپه می باشد (کرتاسه زیرین Lower - cretaceous). جنس لایه‌های رسوبی بیشتر آهکی و ماری که درصد آن در لایه‌ها گاهی درصد آهک بیشتر و گاهی درصد مارن بیشتر می شود و گاهی متناوباً لایه‌های رسی هم پیدا می شود و یک لایه ژپسم (CaSO₄, 2H₂O - Gypsum) دیده می شود.

ب - علل لغزندگی

- ۱ - وجود لایه‌های رس نفوذناپذیر در زیر لایه‌های آهکی و ماری؛
- ۲ - وجود لایه‌های ماری شدید کم مقاوم که بشدت در آنها شکستگی ایجاد می شود؛
- ۳ - بروز زلزله‌های مداوم که بر شدت لغزندگی می افزاید؛
- ۴ - هم جهت بودن شیب لغزندگی و شیب لایه‌ها و شیب حرکت آبهای درون لایه‌ها به طرف دره؛
- ۵ - بارندگی شدید در اوایل بهار در تمام سالها؛
- ۶ - دخالت انسان و تغییر شکل منطقه (Morphology) جهت کشاورزی. (عکس شماره ۴)



حرکت و ریزش کوه هشت مرخ بهار سال ۱۳۶۶ عکس شماره ۴

به خط زلزله قفقاز متصل می شود و دنباله آن در حوالی مرز ایران به حدود گیفان ۷۰ کیلومتری شمال غربی شیروان می رسد که یکی از مراکز مهم انتشار زلزله خراسان به شمار می آید. خط سرحدی ایران و شوروی این رشته کوه را بطور مایل رو به جنوب شرقی قطع می کند مرتفعات اصلی را در جنوب یعنی در خاک ایران قرار می دهد مرتفعات مزبور توده منبسطی را در شمال خراسان تشکیل می دهند و با آن که امتدادهای مختلف در آنها می توان تشخیص داد، ولی جهت عمومی آنها از شمال غربی با انحراف ملایمی به جنوب شرقی است. ارتفاع خط الرأسها که در شمال غربی کم و به زحمت به هزار متر می رسد از تمایل جهت کوهستانها متابعت و در جنوب شرقی از ۳۰۰۰ متر تجاوز می کند.

رود اترک^۳ و کشف رود که در دو جهت متضاد ولی در امتداد یکدیگر، اولی رو به مغرب و دومی رو به مشرق و جنوب شرقی جریان دارد این دو رود دره هایی در مسیر خود باز کرده و دو رشته از ارتفاعات را از یکدیگر مجزا می سازند.

رشته اول که در حقیقت دنباله جنوبی مرتفعات سابق الذکر می باشد که توده ای خروجی است که از جنوب شرقی تکائف یافته و دارای رشته های تنگ و فشرده می شود که ارتفاع آن از کوههای الله اکبر رو به افزایش می رود بطوری که در توده بازالتی هزار مسجد به ۳۲۰۰ متر^۴ می رسد.

رشته دوم که از جنوب دره اترک شروع می شود و به موازات رشته اول رو به جنوب شرقی امتداد می یابد پیوستگی رشته اول را ندارد و قلل آن از یکدیگر جدا افتاده و فلاتهای مرتفع توده های کوهستانی را از یکدیگر تفکیک می نماید. مهمترین رشته های کوهستانی این دسته آلا داغ^۵ در جنوب بجنورد و بینالود^۶ در شمال شرقی نیشابور می باشد. در بین این دو رشته دو دره اصلی و تعداد زیادی دره های فرعی که با حفر رگه ها و شعبه های رودخانه اترک و کشف رود عوارض پست این سرزمین را به وجود می آورند، دیده می شوند. (نقشه شماره ۳)

در مناطق کوهستانی شیروان خشکی هوای شرق مازندران و نفوذ عوامل اقلیمی قاره از

۳ - به رود اترک در شیروان «قره کال» می گویند.

۴ - جغرافیای استان خراسان، چاپ و نشر ایران (ضمیمه جغرافیای ایران)، ص ۳.

۵ - ارتفاع آلا داغ ۲۶۷۰ متر است (کوه سالوک).

۶ - ارتفاع بینالود ۳۲۱۱ متر است.

طرف شمال تأثیر عوامل فرسایش را تضعیف می‌کند و رودخانه‌ها بواسطه کمی مقدار آب و ضعف بارندگی مجاری خود را زیاد به عمق برده^۷، و در سطح دره‌های وسیع که در فلاتها احداث می‌گردد - و در حقیقت جلگه‌هایی هستند که گاه ارتفاع آنها به ۱۳۰۰ متر می‌رسد - گسترش می‌یابند. این دره‌ها عموماً حاصلخیزند و شهرهای مهم استان مانند بجنورد، شیروان، قوچان، چناران و مشهد در آنها انبساط یافته‌اند. در جنوب این دو رشته ارتفاع فلات کاهش می‌یابد و جلگه مرتفعی گسترده می‌شود که جویبارهای متعددی که از دامنه جنوبی آلا داغ و بینالود سرچشمه می‌گیرند و پس از بهم پیوستن، دره رود «قره‌سو»^۸ را به کویر نمک باز می‌کنند. جلگه مزبور در جنوب، کمی مرتفع می‌شود و یک رشته مرتفعات مقطع مانند کوه جغتای و جوین اسفراین و دنباله آنها به طرف مشرق جبال سبزوار و نیشابور فلاتهای مرتفع خراسان را از حوضه پست کویر نمک مجزا کرده است. امتداد این کوهستانها به سیاه کوه در شمال کاشمر می‌رسد و با دربر گرفتن کوهستانهای خشک «باخرز» و «خواف» به دشت می‌رسد. کوههای معروف محلی شیروان عبارتند از: گنج خور، گلیل، زکریا، تنبل، کیچی داغ دلانچه، مسگر، رضا، آخاص، امام حاضر، شیرگاه، قره‌چنگ، سنجریک، قنبر، پتله‌گاه چاهک، قلعه زو، بیگان، رضاآباد، اوچ قارداش، قراول چنگه، شوخری، تخت میرزا و گلپان که همگی محل ییلاق عشایر دامدار است.

۲ - زمین شناسی شیروان

شهرستان شیروان با مساحت $3978/2$ کیلومتر مربع^۹ در دره رود اترک بین دو رشته کوه کپه‌داغ در شمال و آلا داغ در جنوب قرار گرفته است. البته این دو رشته کوه پس از کوههای هزار مسجد در شمال و بینالود در جنوب که نرسیده به قوچان^{۱۰} از طرف شرق پایان می‌یابند شروع می‌شوند و پس از گذشتن از شیروان و بجنورد در جلگه آشاخانه پایان می‌یابند که دنباله برجستگیهای بلخان کوچک و بزرگ در ترکستان شوروی است که با رشته‌های موازی به صورت قوسهایی با انحنا شمالی در آمده‌اند این کوهها از طاق‌دیسها و ناودیسهای

۷ - رود زوارم، رود قلچق و رود گلپان دارای دره‌های بسیار عمیق می‌باشند.

۸ - قره‌سو ترکی است یعنی آب سیاه.

۹ - مساحت مذکور بعد از اضافه شدن دهستانهای قوشخانه، جیرستان، بیجرانلو، اوغاز به حوزه فرمانداری شیروان است.

۱۰ - حدود ۲۰ کیلومتری شرق قوچان که در این منطقه همیشه باد می‌وزد و در زمستانها کولاک است.

موازی و متعددی تشکیل شده‌اند که از مشرق شیروان به سوی شرق دشت پهناوری آن را به دو کوهستان متمایز تقسیم کرده است که شهرهای شیروان و قوچان و مشهد در این دشت قرار دارند در ساختمان کوهستانهای شمالی آهکهای اواخر دوران دومی سهم فراوان دارند^{۱۱} و چون شهرهای شمالی خراسان بین دو رشته کوه کپه داغ و الاداغ قرار گرفته‌اند و بر روی مواد رسوبی رود اترک قرار دارند طبیعی است که از نظر جنس خاک مشابه و یا از نوع خاکهایی باشد که از فرسایش سنگهای تشکیل دهنده کوههای مذکور حاصل شده است و در عمل هم، چنین است. از نظر زمین شناسی ناحیه کپه داغ که در برگیرنده شیروان نیز می باشد تفاوتهایی با البرز دارد و تشابه رسوبگذاری بین زاگرس و کپه داغ بیشتر است. بطوری که در هر دو ناحیه رسوبهایی به ضخامت تقریبی ۶۰۰۰ متر از دوره ژوراسیک تا الیگوسن بدون وقفه رسوبگذاری ادامه داشته و این رسوبها به صورت هم شیب برجای گذاشته شده و ضخامت آنها در ناحیه کپه داغ بخصوص بیشتر از زاگرس است و حرکتهای خشکی زایی در اواخر دوره کرتاسه در تمام ناحیه عمومیت ندارد لذا باعث قطع رسوبگذاری نشده است. کوههای ناحیه شمالی شیروان در دوره پالئوسن به علت کنار رفتن دریا، از آب خارج شده ولی چین خوردگی صورت نگرفته است و در دوره انوسن مجدداً دریا پیشروی کرده است. چون رسوبات البرز و ایران مرکزی در کپه داغ دیده نمی شود و از نظر چین خوردگی کپه داغ کاملاً شبیه زاگرس و دارای چینهای نامتقارن است و هر دو از آخرین حرکات کوهزایی آلپ هستند که کپه داغ به فلات توران منتهی می شود.

تشکیلات ژوراسیک در ناحیه ارتفاعات شیروان (کپه داغ) اکثر شامل مقداری مارن آهکهای تیره و شیل که همراه فسیل «آمونیت» است. روی تشکیلات دوره ژوراسیک، تشکیلات دوره کرتاسه همراه با عمل خشکی زایی ناحیه ای، در بعضی جاها رسوبات گچی دیده می شود. در اوایل دوران سوم زمین شناسی هم کماکان به علت عدم تغییر عمق دریا عمل رسوبگذاری ادامه داشته و جنس رسوبات این دوران بیشتر مارن، شیل و ماسه سنگ است با بعضی از رخساره های رسوبگذاری خشکی زایی مانند رسوبات گچی و نمکی. حال با توجه به مقدمه کلی و فشرده ای که در مورد رسوبگذاری کپه داغ داشتیم به بررسی رسوبات و خاک و سنگهای ناحیه شیروان می پردازیم. البته با توجه به این

رسوبگذاری عمومی قید شده در کلیه نواحی شمالی خراسان که به نام عمومی کپه داغ معروف است دیده می شود چون این نواحی از نظر ذخایر نفتی دارای اهمیت است به تجزیه و تحلیل آن می پردازیم. شیروان که بر روی رسوبات فرسایش یافته رسوبات چین خورده بوسیله رودهای مختلف قرار دارد از نظر ترکیب، تفاوتی با طبقات این ناحیه ندارد. به همین دلیل بسته به این که هر شاخه رود اترک از چه ناحیه ای سرچشمه می گیرد مواد رسوبگذاری شده آن متفاوت است از جمله شاخه اصلی رود اترک که از ناحیه تبرک و ایک (نزدیک رادکان و درگز) سرچشمه می گیرد، و همراه خود مواد تخریب شده از لایه های تیره رنگ آهک و مارن و ماسه سنگ حمل می کند همین رود اترک در شیروان «قره کال» نامیده می شود که از قسمت جنوبی شهر شیروان عبور می کند در حالی که شاخه فرعی دیگر رود اترک که از نواحی گلیان و ملا باقر^{۱۲} به سوی روستای پیر شهید و سپس شیروان می آید به دلیل سرچشمه گرفتن از زمینهایی با سنگهای آهکی و مارن روشن و ماسه سنگهای قرمز به نام «قرمزکال» نامیده می شود و شاخه دیگری رودی که از شمال شیروان به نام چایلق وارد اترک می شود^{۱۳} و خود از بهم پیوستن دوشاخه قلجق و اوغاز به وجود می آید اکثر دارای رسوبات تیره مشابه قره کال (شعبه اصلی اترک) است. در ناحیه شیروان می توان رسوبات شیل قلمی را بویژه در دامنه های شمالی پتله گاه، به فراوانی و وضوح دید. رسوبات ماسه سنگی و رسی را در حد فاصل بین روستای قلجق تا ناحیه روستای خانلق و رسوبات آهکی و مارنی را بیشتر در دره اوغاز می توان دید و رسوبات خشکی زایی مانند گچ را در تپه های شمال شیروان بالا تر از منبع بزرگ آب شهر^{۱۴} به طرف غرب و در روستای باغان اطراف کلاته. اما از نظر جنس رسوبات و خاک در نواحی مختلف شیروان خاکهایی با ترکیبات متفاوت دیده می شود. مثلاً در زمینهای زیارت و باغ رضوان^{۱۵} بیشتر خاکها حاصل از فرسایش با ترکیبات آهکی تیره رنگ با کمی رُس است که مقدار رُس در خاک زیارت بیشتر از باغ رضوان است.

با این که زمینهای هر دو ناحیه برای ایجاد تاکستان مساعد است ولی زمینهای زیارت

۱۲ - سرچشمه ین رود روستای اصطخری است.

۱۳ - این شعبه اترک از وسط شهر شیروان عبور می کند.

۱۴ - منبع آب شهر واقع در روی تپه خانلق.

۱۵ - باغ رضوان در سابق محل ییلاق ایلخانی شیروان بود.



به دلیل رُس فراوان در خاک به آب کمتری نیاز دارد و حاصلخیزی آن بیشتر است. چون رُس علاوه بر نگهداری آب قدرت نگهداری یونهای K (پتاسیم) و Na (سدیم) و Ca (کلسیم) و... را نیز دارد. در ناحیه روستاهای دوین و باغان به علت فراوان بودن شن و ماسه در بافت آهکی، خاک بیشتر برای کشت درختان مناسب است و کاشتن گیاهانی مانند سیب زمینی بازدهی خوبی دارد. البته در پایین تر از هنامه وجود رسوبات خشکی را مانند گچ و املاح دیگر و همچنین در تپه خاقلق و کلاته باغان باعث شده که بعضی از نواحی خشک برای آبهای زیر زمینی غیر قابل نفوذ باشند و به زمینهای غیر حاصلخیز تبدیل گردند، که این ویژگی از ناحیه قره باغ باغان به سوی غرب تا روستای «سه یک آب» کمتر می شود و در عوض به مقدار رُس و آهک خاک افزوده می گردد، که اگر آب به حد لازم وجود داشته باشد زمینهای این ناحیه بسیار حاصلخیزتر از نواحی اوغاز و غیره است. البته بیشتر خاک زمینهای شیروان تحت تأثیر طغیان رودخانه های مختلف از نظر حاصلخیزی فرق می کند. در ناحیه شیروان بعضی گسلهای کوچک هم دیده می شود که باعث کمی آب در یک طرف گسل نسبت به طرف دیگر است. مانند ناحیه باغان که غرب قره باغ پر آب و شرق آن از نظر سفره های زیر زمینی فقیر است، این وضعیت در ناحیه بین منصوران زیارت و جنوب خاقلق نیز مشاهده می گردد.

بطور کلی تکامل ژنتیکی خاکهای منطقه شیروان که بیشتر آنها روی نهشته های جدید قرار گرفته اند را می توان بر اساس طبقه بندی خاک زایی اوبر^{۱۶} به صورت زیر طبقه بندی کرد. الف- خاکهای کم تکامل یافته (گروه غیر آب و هوایی) تحت گروه خاکهای آبرفتی و کوه^{۱۷} رفتی که تقریباً کلیه خاکهای منطقه شیروان را تشکیل می دهد.

ب- خاکهای نمکدار، که ساختمان آنها تخریب نیافته و در گروه خاکهای شور قرار دارند این خاکها در مجاورت کارخانه قند شیروان (زمینهای روستای حسین آباد، منصوران، زیارت، رضا آباد، توده و بیگان) روی نهشته های رُسی که خواص ورتیک دارند قرار گرفته اند و بشدت شورند و خاصیت قلیایی متوسطی نیز به همراه دارند، ساختمان این خاکها بوسیله خشک شدن و مرطوب شدن متوالی، دائماً تکامل پیدا می کند و گیاهان طبیعی منطقه در زمینهای زیر کشت به علت این که زمینها بدون آیش مورد استفاده قرار گرفته اند و

همچنین شیب کم و فرسایش جزئی و تراکم جمعیت و غیره از بین رفته اند و ساختمان اولیه و تخلخل خاکها نیز مستقیماً تحت تأثیر نوع گیاهان کشت شده قرار گرفته است. در منطقه شیروان عامل محدود کننده بهره برداری از خاکها معمولاً خود خاک نیست، زیرا در این مناطق نسبت به مناطق دیگر خراسان که مورد مطالعه قرار گرفته اند، خاک خوب زیاده‌تری وجود دارد. ولی در این منطقه نیز مانند سایر مناطق خراسان کمی بارندگی، زراعت دیم را محدود ساخته و از طرف دیگر کمبود آب آبیاری نیز مانع گسترش زراعت در تمام خاکهای قابل آبیاری شده است.

جزوه شرح مختصری از منوگرافی شهرستان شیروان: «باتوجه به نقشه توپوگرافی زمین شناسی و کوهها، شیروان بین دو رشته هزارمسجد و کپتداغ در شمال و آلاداغ در جنوب قرار گرفته است. هزارمسجد و کپتداغ دارای گسل‌های متعدد و طاق‌دیس‌های فراوان است، اما فعالیت‌های شدید آتشفشانی و روراندگی کمتر دیده می‌شود، کلاً رسوبی و تشکیلات ماسه سنگ، دولومیت^{۱۸}، مارن، شیل و آهک‌های مزوزوئیک آن بیشتر است و عوامل فرسایش در تغییر شکل آن نقش عمده داشته است بطوری که این فرسایش را در کوههای مسگر و تنبل روستاهای سرداب و سرانی شیروان به راحتی می‌توان مشاهده کرد. وجود سنگهای متخلخل و پوشیده از لایه‌های رسوبی غیر قابل نفوذ بهترین موقعیت را برای ایجاد ذخایر نفت و گاز را در کوههای شمالی شیروان به وجود آورده است.

کوههای جنوبی شیروان که دربرگیرنده ارتفاعات تخت میرزا، زوارم و شاه جهان می‌باشد بیشتر دارای سنگهایی از نوع ماسه سنگ، گرانیت، شیس، دولومیت و آهک است^{۱۹}»

گزارش کوتاهی از چینه شناسی کوههای شیروان^{۲۰}

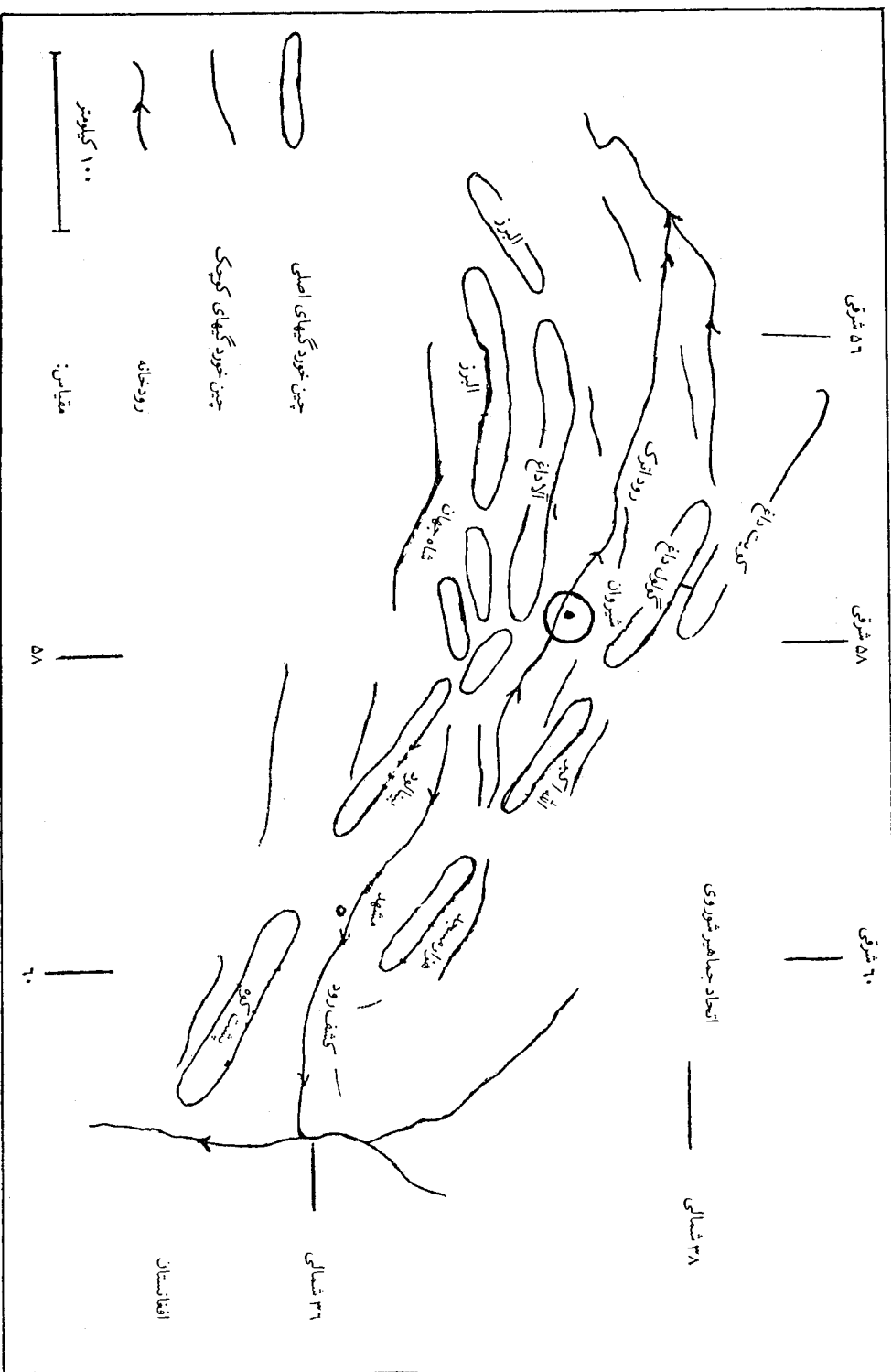
۱- شرح مختصری از ژوراسیک، کرتاسه و ترشیری کل منطقه.

الف- تشکیلات شورپه ژوراسیک بالایی که داغ و هزارمسجد: حوضه رسوبی

۱۸- [Mg Ca(CO₃)₂]

۱۹- شرح مختصری از منوگرافی شهرستان شیروان، بخش اوضاع طبیعی شیروان، ص ۸؛ «فرمانداری شیروان»

۲۰- نوشته آقای مجید مختاری کارشناس زمین شناسی و دبیر دبیرستانهای شیروان (رساله کارشناسی نویسنده)



چین خورد گیهای شمال خراسان و موقعیت شیروان

کُپه داغ - هزار مسجد که در سراسر شمال خراسان گسترش یافته است، یک حوضه رسوبی کم عمق دریاست که به صورت دگر شیب بر روی سنگهای قدیمی تر دیده می شود^{۲۱}. جنس بیشتر رسوبات در این قسمت ابتدا لایه های شیلی و ماسه سنگ با سیمان آهکی است که توسط لایه های مارن شیلی دنبال می شود و در نهایت رسوبات توده ای آهکی ضخیم ایجاد می گردد، در پایان دوره ژوراسیک، پس روی دریا شروع می شود زیرا رسوبات آواری قرمز رنگ (کنگلوئرا) گاهی همراه با لایه های گچی مشاهده می گردد.

ب- تشکیلات (سازند) کرتاسه: بر روی رسوبات شورپچه، تشکیلات کرتاسه به صورت یک دگر شیب با ضخامت ۵۰۰۰ متر به شرح زیر قرار گرفته است.

۱۰۰ متر شامل آهک و کمی ماسه سنگ → تشکیلات کلات → ۷ «جدیدترین»
۱۰۰-۱۰۰۰ متر شامل شیل بیشتر سنگ خاکستری → تشکیلات آب تلخ → ۶
سبز

۵۰۰-۱۵۰۰۰ متر شامل مارن و شیل روشن → تشکیلات آبدراز → ۵
۲۰۰-۷۰۰ متر شامل شیل و ماسه سنگ که → تشکیلات آتامیر → ۴
گلوکونیستی است

۱۰۰-۲۰۰۰ متر شامل شیل بیشتر سنگ سیاه رنگ → تشکیلات سنگانه → ۳
۱۰۰-۵۰۰ متر شامل مارن، شیل خاکستری و → تشکیلات سرچشمه → ۲
مقداری آهکی

۵۰-۷۰۰ متر شامل سنگ آهک → تشکیلات تیرگان → ۱ قدیم ترین

ج- تشکیلات (سازند) ترشیری:

۱۵۰۰-۲۴۰۰ متر شامل: شیل خاکستری متمایل → تشکیلات خانگیران → ۳ جدیدترین،
به سبز- دریا کم عمق (الیگوسن زیرین)

۳۵۰ متر شامل: آهک چاکی اتوسن زیرین → تشکیلات چهل کمان → ۲

۳۰۰ متر شامل: ماسه سنگ (همراه با لایه گچی → تشکیلات پستلیق → ۱ قدیم ترین
قرمز رنگ)

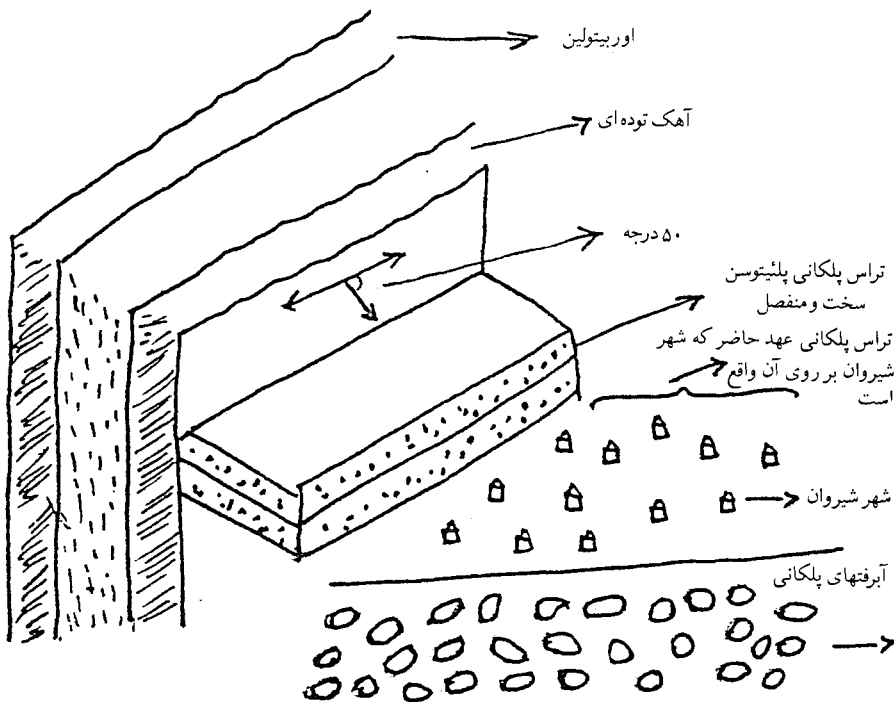
۲۱- این دگر شیب در آق در بند توضیح دیده می شود.

۲ - چینه شناسی کوههای جنوبی شیروان

الف. آبرفت‌های پلکانی شهر شیروان: شیروان بر روی آبرفت‌های پلکانی دوره چهارم واقع شده که قطر این آبرفت‌ها در حدود ۲۰۰ متری باشد و به علت نفوذ پذیری باعث تشکیل سفره زیرزمینی آب در منطقه عمومی کهنه قوچان، فاروج و شیروان شده است این تراس‌های پلکانی که رسوبات آبرفتی منفصل دارد بر روی تشکیلات شورپچه، ژوراسیک و رسوبات شیل نفوذ ناپذیر قرار گرفته و همین شیل نفوذ ناپذیر و رسوبات آبرفتی روین باعث ایجاد سفره آب زیرزمینی شده است. در غرب کارخانه قند آبرفت تقریباً وجود ندارد و فقط شیل‌های زیرین شورپچه رخنمون می‌نماید. در ابتدای شیرکوه (قراول چنگه) کنار راه چلو، آثار تراس‌های آبرفتی قدیمی تر (پلیستوسن) به صورت قله سنگ‌های خیلی درشت مدور و ماسه سنگ ریز دارای لایه بندی تدریجی (Graded - Bedding) است و سیمان ضعیف آهکی به صورت شبه کنگلومرا در آمده است. این آبرفت‌های قدیمی به صورت افقی در کنار لایه‌های مایل آهکی توده اوربیتولین دار شیرکوه قرار دارد، ولی تراس‌های جدید (عهد حاضر هولوسن) که رسوبات این آبرفت در دشت شیروان قرار دارد، شامل رسوبات منفصلی است که در جهت خلاف تراس بالا تر - به علت وجود سیمان در بین دانه‌ها بسیار مستحکمتر است - قرار دارد. آبرفت‌های پلکانی جدید توسط دو رودخانه که یکی از قسمت شمال شرقی (رودخانه چایلق) و دیگری از قسمت جنوبی (رودخانه اترک) شهر شیروان جاری می‌شوند و در حد فاصل (شیروان - گرزو) باهم تلاقی می‌کنند، تشکیل گردیده که شهر شیروان بر روی آن قرار دارد.

ب - چینه شناسی رسوبات شیرکوه (قراول چنگه) شیروان: شیرکوه (قراول چنگه) با شیب ۵۰ درجه شمالی و در امتداد شمال شمال شرقی - جنوب و جنوب غربی قرار دارد که دارای فسیل‌های خار پوست، دو کفه‌ای‌های رینکولا و میکروفسیل اربیتولین است و رسوبات این کوه بیشتر آهکی توده‌ای ماسه‌ای، مارن شیل و ماسه سنگ است (مربوط به پایه کرتاسه).

ج - چینه شناسی کوه شاه جهان: قله شاه جهان بیشتر دارای تشکیلات دوره ژوراسیک بالایی است و جنس رسوبات در قسمت زیرین شیل‌های سبزرنگ و بر روی آن توده آهکی ضخیم لایه دولومیتی و گاهی آهک‌های نازک لایه مارنی قرار دارد و در



شکل نظری رسوبات شیروان

ارتفاعات بالا، لایه‌های مارنی نازک که آثار میکروچین‌ها در آن مشاهده می‌گردد. توده بازالتی یال شمال قلعه شاه جهان دارای دو نوع تشکیلات است یک نوع بازالت‌های سیاه رنگ توده‌ای بدون تخلخل و نوع دیگر آتشفشانهای سیاه رنگ تخلخل دار.

۳- چینه‌شناسی کوههای شمالی شیروان (نقشه شماره ۴)

الف. تشکیلات شورپیچه ژوراسیک بالایی: این تشکیلات بیشتر در نزدیک شهر شیروان و در اطراف روستاهای زیارت و بیگان و سیساب مشاهده می‌گردد.

ب. تشکیلات کرتاسه: بیشتر رسوبگذاری مربوط به این دوره است. از ابتدای شهر شیروان تا مرز شوروی این تشکیلات توسعه یافته است و شامل: تیرگان، سرچشمه، سنگانه، آتامیر، آبدراز، آب تلخ و کلات می‌باشد که فسیلهای آمونیت، خار پوست، دوکفه‌ایهای

اگزوژیرا، پکتن و رینگولا و دو کفه ای اینوسراموس^{۲۲} دیده می شود. لازم به توضیح است که تمام این تشکیلات در قلعه زوشیروان به نحو بسیار جالب رخنمون کرده که از نظر مطالعه بسیار مهم و تپیک و دارای تمام مشخصات چینه شناسی و تکنونیک می باشد.

ج. تشکیلات ترشیری: رسوبات این تشکیلات در منطقه قلعه زوشیروان به صورت پستلیق و چهل کمانه و خانگیران است که از نظر ساختمان زمین شناسی منطقه فوق به صورت یک ناودیس پلانچدار (شیب محور چین به طرف شرق) می باشد. شیب طرفین لایه ۵۰ درجه است و در بعضی مناطق گسلهای امتدادی باعث چشمه هایی گردیده است. تشکیلات پستلیق بر روی مارن های کرتاسه بالایی واقع شده و شامل سه قسمت در منطقه قلعه زوشیروان می باشد.

اول - منطقه کم عمق ساحلی که بیشتر از رسوبات پوسته شکسته صدفهای دو کفه ای همراه با آهک سیمانه شده است.

دوم - لایه آهکی ماسه ای که در صد آهک بیشتری دارد و مقدار زیادی در مقابل هوا زدگی مقاومت کرده است.

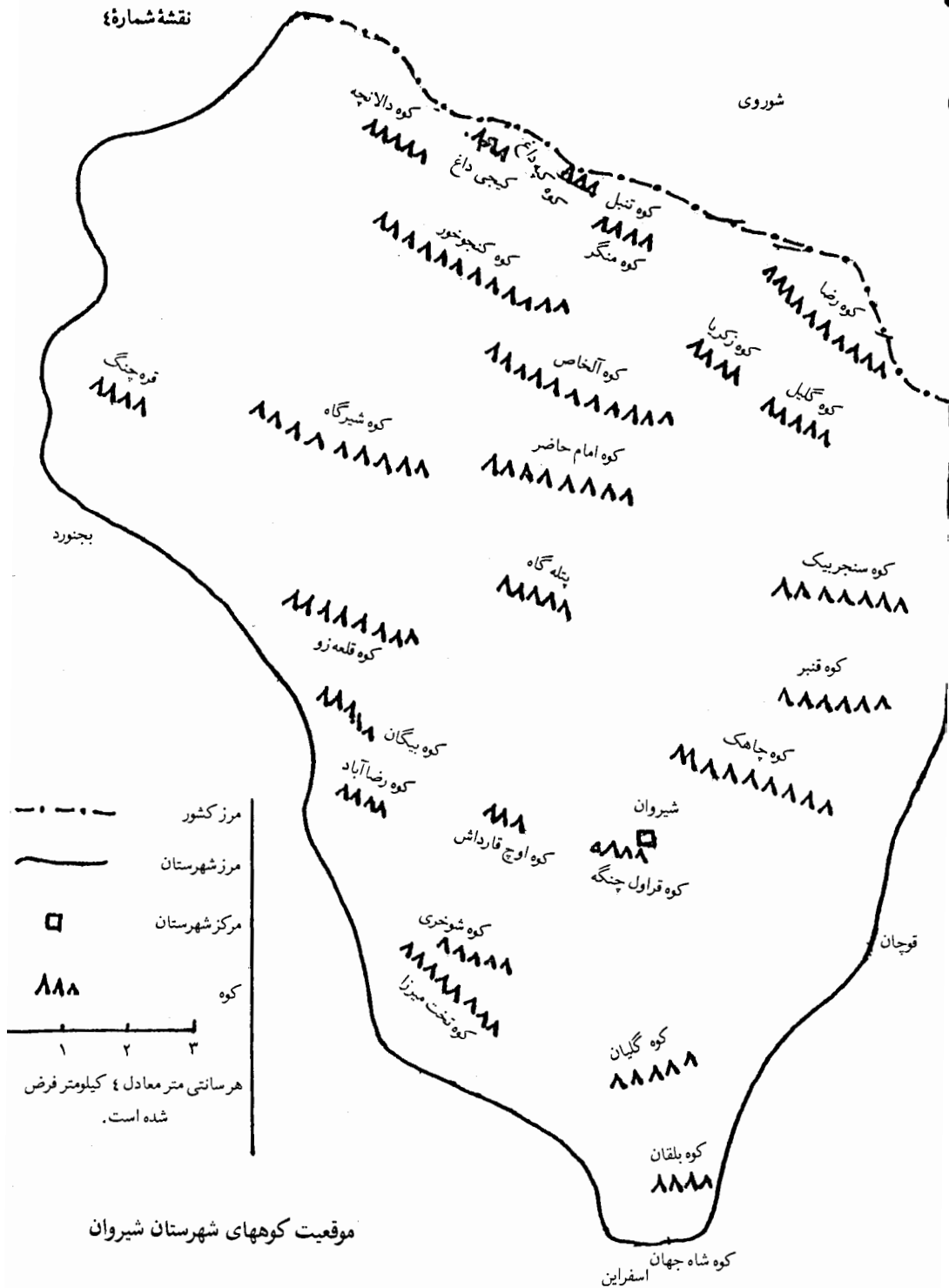
سوم - لایه ماسه ای با سیمان زیاد مارنی که درصد رُس زیادی دارد و کاملاً هوازده شده که خاکهای قرمز رنگ قابل کشت منطقه چوکانلو، قلعه زو، شورک و زیارت را به وجود آورده است.

دانه های ماسه موجود در زیر میکروسکپ گرد شدگی ندارد و این نشان دهنده محیط ساحلی دریاست و دانه ها معمولاً روشن هستند و از هر ۲۰ عدد ماسه یک یا دو عدد کانی تیره هماتیت دارد که به صورت تکه های بزرگ و کوچک غیر مدور و پهن دیده می شوند که همین هماتیت ها باعث رنگ قرمز این تشکیلات در منطقه شده است.

چهل کمانه - ابتدا با مقداری لایه مارنی نمکدار است که باعث شوری آب در قسمت شمال شورک زیارت گردیده است و بر روی آن لایه گچ سفید رنگ و سپس ماسه ساحلی که آثار چینه بندی متقاطع (Cross - Bedding) وجود دارد و بر روی آن ماسه سنگهای آهکی با مقدار زیادی فسیل شکمپا قرار گرفته است. خانگیران نیز شامل لایه های نازک آهکی است.

۲۲ - در منطقه روستای قلعه زو از این نوع فسیل فراوان است.

نقشه شماره ۴



کُپّه داغ (COPET - DAGH)

«یکی دیگر از واحدهای زمین شناسی با اختصاصات ساختمانی متفاوت از سایر نقاط ایران کُپّه داغ است که در منتهی الیه شمال شرق ایران قرار دارد. از نظر زمین شناسی تفاوت فاحشی بین این قسمت و البرز مشاهده می شود. یکی از دلایلی که موجب جدا بودن حوضه کُپّه داغ از البرز ذکر گردیده است. بالا آمدگی ها یا بالازدگی های (Uplift) قدیمی جنوب دریاچه خزر مربوط به پر کامبرین است. به نظر می رسد که این بالازدگی ها همیشه این دو حوضه رسوبی را از هم جدا می نموده است. از نظر حوضه رسوبی، کُپّه داغ وضع تقریباً مشابهی با حوضه رسوبی زاگرس و طبق مطالعات زمین شناسان شرکت ملی نفت ایران رسوبات ممتد دریایی در این حوضه تا حدود ۶۰۰۰ متر ضخامت از ژوراسیک تا الیگوسن بطور هم شیب در آن، تشکیل گردیده است. در مقایسه با رسوبات زاگرس ضخامت رسوبات کُپّه داغ در فاصله زمانی ژوراسیک - الیگوسن بیشتر از زاگرس می باشد. مطالعات انجام شده نشان می دهد که حوضه کُپّه داغ به صورت یک تراف (Trough) رسوبی در تریاس بالایی به وجود آمده، رسوبات قاره ای رتیک - لیاسیک (Rhaetic) (Liassic) تبدیل به رسوبات کاملاً دریایی در لیاس بالایی گردیده است. رسوبات دریایی تا اواخر کرتاسه ادامه داشته، فقط حرکات ملایم خشکی زایی در اواخر ژوراسیک و اوایل کرتاسه به وقوع پیوسته هیچ گاه وقفه قابل ملاحظه ای در رسوبگذاری این حوضه بخصوص در قسمتهای عمیق ایجاد نشده است. در پالئوسن به علت پستی دریا قسمت اعظم ناحیه از آب خارج شده است، اما چین خوردگی محسوسی مشاهده نمی شود. یک فرونشینی ناحیه ای موجب پیشروی مجدد دریای ائوسن در ناحیه کُپّه داغ گردیده است. تشکیلات ضخیم و لکانیکی که در ائوسن البرز و ایران وجود دارد در کُپّه داغ دیده نمی شود چین خوردگی این ناحیه شباهت زیادی به زاگرس داشته و از چین های نامتقارن تشکیل می شود که مانند زاگرس از آخرین حرکات کوهزایی آلپ نتیجه شده است. روند کلی این چین ها شمال غربی جنوب شرقی است. کُپّه داغ در ایران معروف شمالی ترین آثار کوهزایی آلپی است که از شمال به فلات توران در آسیای مرکزی منتهی

می شود^{۲۳} بطور کلی حوضه رسوبی کپه داغ در دوره ژوراسیک دارای رسوبات مشابهی نظیر البرز می باشد لیکن ازدوره کرتاسه به بعد دارای ویژگیهای مخصوص به خود می باشد. «در کپه داغ مرکزی- غربی رسوبات جوان تراز تشکیلات خانگیران درناودیس های شیخ، تکل کوه، آتامیر، جوزک و جاجرم تشکیل شده اند. تا به امروزه حد بین البرز و کپه داغ در نشریات زمین شناسی کم و بیش منطبق بر گسل خورخوداست. در البرز شرقی تنها رسوبات آهکی کرتاسه (تشکیلات تیرگان و کلات) گسترش یافته و ضخامت کم رسوبات کرتاسه باعث تظاهر طبقات قدیمتر که اغلب آهکی هستند شده است. در حالی که در کپه داغ رسوبات ضخیم شیلی و مارنی کرتاسه سبب پیدایش مرفولوژی متفاوتی با البرز شده که شاید عامل مؤثری در مرز بندی گذشته بوده است^{۲۴}».

تشکیلات منطقه کپه داغ

الف. تشکیلات ژوراسیک. این تشکیلات شامل: ۱- تشکیلات کشف رود ۲- تشکیلات چمن بید ۳- تشکیلات مزدوران است. نام تشکیلات کشف رود از رودخانه ای که در جنوب شرقی کپه داغ جاری است گرفته شده است لیتولوژی آن شامل ماسه سنگ و شیل های سیلتی و رُسی است که در قسمت زیرین دره کشف رود در جنوب شرقی کپه داغ مشاهده می گردد. تشکیلات مزدوران بطور هم شیب روی این تشکیلات را می پوشاند. از فسیلهای تشکیلات کشف رود می توان گونه (Posidonia. of . Bronni) را که متعلق به تور آرسین (Toarcian) است نام برد. تشکیلات کشف رود با کنگلومرای قاعده ای و با دگر شیبی زاویه ای روی سکانس ضخیمی از شیل های زغالی ماسه سنگ- توف- کنگلومرا و آهک محتوای آمونیت های تریاس که هنوز نامگذاری نشده اند قرار دارد که سری اخیر به تریاس شمال افغانستان نسبت داده می شود.

تشکیلات چمن بید که نام آن از دهکده چمن بید واقع در غرب کپه داغ گرفته شده است و لیتولوژی این تشکیلات شامل مارن و آهک های نازک لایه تیره، (Bituminas) آمونیت دار است که در غرب کپه داغ به چشم می خورد در ناحیه تپ (کلاتری ۱۹۶۹) این تشکیلات نزدیک به ۲۰۰۰ متر ضخامت دارد و روی تشکیلات شیلی با ژوسین که

۲۳- خسرو خسروتهرانی، چینه شناسی پرکامبرین پالئوزوئیک، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۵۱.

۲۴- همان، ص ۱۵۲.

نامگذاری نشده است قرار دارند و از بالا به آهکهای ضخیم لایه ژوراسیک بالایی مربوط به تشکیلات مزدوران می رسد در شرق کپه داغ (افشار- حرب ۱۹۶۹) «تشکیلات چمن بید از آهکهای نازک لایه تیره است که بطور جانبی و به سمت بالا به آهکهای ماسیف و دولومیت‌های تشکیلات مزدوران تبدیل می شود. سن تشکیلات چمن بید از باتونین تا آکسفوردین است که تقریباً با تشکیلات دلیچای و قسمت زیرین تشکیلات لاردر البرز مرکزی و همچنین با تشکیلات بغمشاه و قسمت زیرین تشکیلات قلعه دختر در ناحیه طبس معادل است.

تشکیلات مزدوران نامش از گذر مزدوران واقع در قسمت شرقی کپه داغ گرفته شده است مقطع اصلی که قریب ۵۰۰ متر ضخامت دارد در گذر مزدوران بطور دگرشیبی روی تشکیلات کشف رود قرار گرفته و روی آن را لایه قرمز تخریبی تشکیلات شوریه می پوشاند. تشکیلات مزدوران از آهک و دولومیت است که قسمتهایی از آن به ماسه سنگ تبدیل می گردد. همچنین شوریه نیز در تشکیلات مزدوران دیده می شود. فسیلهای تشکیلات مزدوران سن آن را به آکسفوردین کمبریجین نسبت می دهد. این تشکیلات از نظر چینه شناسی قابل مقایسه با تشکیلات لاردر کوههای البرز و آهک اسفندیار در ناحیه طبس می باشد^{۲۵}.

پوشش گیاهی شیروان

پوشش گیاهی هر منطقه با آب و هوا و میزان بارندگی و کوههای آن ناحیه ارتباط مستقیم دارد. چون وضعیت آب و هوا تعیین کننده پوشش گیاهی و امکانات زیستی هر محیط است. میزان بارندگی در کوههای شمالی شیروان در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلی متر در سال می باشد و کوههای جنوبی شیروان نیز به استثنای کوه شاه جهان^{۲۶} که میزان بارندگی آن از ۵۰۰ میلی متر هم بالاتر است دارای همین مقدار باران سالانه می باشد و پوشش گیاهی

۲۵- همان؛ ص ۱۴۴.

۲۶- ارتفاع قله کوه شاهجهان ۳۳۵۰ متر از سطح دریا، جغرافیای استان خراسان، ص ۳ و ۳۰۳۲ متر از سطح دریا،

شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران.

منطقه شیروان شامل گیاهان علفی یک یا چند ساله است و درخت و درختچه بسیار کم است و اکثر در ارتفاعات دیده می شود که بارندگی نسبتاً فراوانی دارد. بطور کلی پوشش گیاهی منطقه شهرستان شیروان را می توان به سه دسته تقسیم کرد.

۱- گیاهان درختی ۲- گیاهان درختچه ای ۳- گیاهان بوته ای

گیاهان درختی منطقه شیروان به چند گونه خاص محدود است که بیشترین نوع آن را درختی به نام سرو کوهی که در زبان محلی به آن آرچه و نوع قطع شده آن تراشه نامیده می شود و درختان پراکنده دیگری مانند بادام و انجیر و گردو به مقدار کم در منطقه پراکنده است. مثلاً گردوهای منفرد در زو^{۲۷} روستای مشهد طرقي یا انجیرهای پراکنده و بادام و گردو در دره زوارم که دلیل کمی این گیاهان «گردو، بادام و انجیر» به خاطر این است که این گیاهان برگ پهن محسوب می شوند و قدرت تبخیر آب زیاد دارند که با کمی بارندگی در منطقه شیروان سازگاری ندارند، لذا فقط در مناطق نسبتاً پر آب و به صورت خیلی کم دیده می شوند که در اصل تعداد آنها انگشت شمار است و از بقایای پوشش گیاهی در سابق می باشند اما بادام با این که برگهای نسبتاً پهن دارد ولی فراوانی نسبی آن نسبت به گردو و انجیر به این خاطر است که اولاً به آب کمتری احتیاج دارد چون پوشش کوتیکولی برگ در این گیاه مانع از تبخیر بیشتر می شود به همین دلیل در بعضی از دره های مناطق کوهستانی به نسبت فراوان است. درختان سرو کوهی یا اُرسی که در اکثر مناطق کوهستانی شیروان با توجه به شرایط اقلیمی به صورت تک درختی و پراکنده یا چند درخت مجتمع و حتی در گونه ای از مکانها مانند ناحیه گلیل و کوههای سرداب و سرانی به صورت جنگلهای کم پشت یا تنک سرو کوهی درآمده اند دارای دلایل زیر می باشد اولاً قابلیت انحنای بیشتر این گیاه که می تواند بارندگی برفی در نواحی کوهستانی را تحمل کند و شاخه های آن زیر سنگینی برف خم شده و نشکند^{۲۸} ثانیاً در فلسی بودن برگهای درخت سرو کوهی است که باعث می شود سطح تبخیر تا حد امکان کاهش پیدا کند در نتیجه گیاه در روزهای گرم آب زیادی را از دست نمی دهد ثالثاً مقاومت درخت سرو کوهی در مقابل سرما زیاد است که باعث بقای این گیاه درختی در ناحیه شیروان گردیده است. کلیه پوشش گیاهی درختی و بعضی از گیاهان از تیره بلوط که نمونه های آنها به صورت منفرد در دره های کوهستانی

۲۷- زو یعنی دره

۲۸- درخت بادام در شرایط مذکور بلافاصله می شکند.

شیروان از جمله درهٔ اوج قارداش حسین آباد یا ارتفاعات رضا آباد و بیگان وجود دارد تماماً بقایای پوشش گیاهی درختی است که به نسبت فراوانتر در گذشته مناطق شیروان را دربر گرفته بودند بخصوص قبل از پایان آخرین عصر یخبندان سراسری جهان و بعد از آن یعنی حدود ۳۰۰۰۰ سال قبل اما بعداً در عصر بین یخبندان فعلی به دلیل کاهش نسبی میزان بارندگی و فصل سرما از پوشش گیاهی مناطق کم باران مانند شیروان هم کاسته شد. البته در این جریان نقش انسان را نیز از لحاظ قطع و تخریب، نمی توان از نظر دور داشت مثلاً در اطراف بقاع متبرکه که عده ای از زمانهای قدیم قطع درختان را جایز نمی دانستند چند درختی هنوز موجود است مانند معصوم زاده های شرکانلو، بوانلو، قدمگاه ایوب^{۲۹} یا درختان معروف به «سرفه» و یا درختان نظر کرده پتله گاه^{۳۰} و درختان عزیز بین قلجق و شیخ امیرانلو و یا درختان بین دوانلو و پالکانلوی سفلا^{۳۱} و غیره. البته درختان نظر کرده یا عزیز که در اقصا نقاط منطقه شیروان و دیگر مناطق دیده می شوند هیچ گونه ارتباطی به دین مبین اسلام ندارد بلکه ریشه در آیین مهرپرستی ایرانیان اولیه قبل از زرتشت و سپس آمیخته شدن آن با آیین زرتشت دارد که نسل به نسل منتقل شده است. اخیراً چون از قطع بی رویه درختان در مناطق جلوگیری می شود، درختچه های سروکوهی زیادی در کوههای یقی باغان بوضوح دیده می شوند. پوشش درختی منطقه شیروان تا حد زیادی با جنگلهای غرب کشور مطابقت دارد.

اما پوشش دسته دوم که به صورت درختچه است در نواحی کوهستانی و دره ها و ارتفاعات، نسبت به پوشش درختی فراوانتر است. مثلاً درختچه های ناحیه شیروان بیشتر از گونه های خاصی مانند زرشک که از گونه مجاور آلاله است و درختچه های دیگری از خانواده شمشاد و غیره. البته مقدار درختچه زرشک بیشتر از خانواده شمشاد و شلمان است و دلیل آنها برگهای نسبتاً پهن و تبخیر آب و مرغوب بودن چوب آن می باشد که در تولید زغال، مورد استفاده قرار می گیرد در صورتی که زرشک به دلیل مقاومت و تبدیل عده ای از برگهایش به خار و سطح تبخیر کم آب و نامرغوبیت چوب آن است.

پوشش گیاهی درختچه ای شیروان نیز به علت قطع بی رویه در اکثر نقاط بطور

۲۹ - حدفاصل روستاهای سرداب و سرائی.

۳۰ - در محل کرت داره می گویند.

۳۱ - از پایان نامه براتملی شادفر کارشناس زمین شناسی.

یکنواخت پراکنده نیست مثلاً دامنه شمالی و غربی و شرقی کوه پتله گاه تقریباً لخت، در صورتی که دامنه جنوبی همین کوه دارای پوشش گیاهی درختچه‌ای نسبتاً خوب است.

پوشش دسته سوم که دربرگیرنده گیاهان علفی و بوته‌ای می‌شود. چون منطقه شیروان اصولاً جزو مناطق مرتعی ایران محسوب می‌گردد پوشش گیاهی ویژه‌ای دارد که به علت چرای بی‌رویه دام و عدم توجه مسئولان این ناحیه در اکثر مناطق تقریباً به یک پوشش بیابانی مبدل شده فقط هنوز ناحیه گلیل^{۳۲}، سرداب و سرانی، تخت میرزا و کوههای شاهجهان پوشش مرتعی وجود دارد که آنهم با رویه فعلی و ازدیاد دام، درآینده نزدیک رو به نابودی خواهد رفت. اما این پوشش گیاهی «بوته‌ای و علفی» در شیروان متنوع است بطوری که می‌توان گیاهانی از دولپه‌ایها و تک‌لپه‌ایها و باز دانه گان گرفته تا انواع مختلف دیگر گیاهی که خواص دارویی و صنعتی و علوفه‌ای دارند در بین گیاهان مشاهده کرد. مثلاً گیاهان علفی که خاصیت دارویی و صنعتی دارند عبارتند از: شقایق وحشی (لقمان)، بابونه (کفلمه)، درمنه ترکی، گون یک پایه، بومادران گاوزبان، علف گربه و...

امروزه ارزش گون شیروان از نظر تولید کتیرا و آغوزه اهمیت بسزایی دارد که در ارتفاعات بین بیابان و مرتع زیاد دیده می‌شوند. از درمنه ترکی و بابونه به صورت (کفلمه) برای ناراحتیهای دستگاه گوارش استفاده می‌شود و از شیرین بیان و چوب شیرین درغذای محلی ماست جوش استفاده می‌کنند از شقایق وحشی، تریاک فاروق می‌گیرند که با بررسیهای داروشناسی در ترک اعتیاد خاصیت درمانی دارد. از گاوزبان، کاکوتی (آنوخ) و علف گربه به صورت دم کرده برای تقویت قلب و ... استفاده می‌شود این گیاهان به علت بو و اسانس بوسیله حیوانات و چرای دام در شرف نابودی است البته بجز موارد فوق گیاهان دیگری نیز مانند: زردآلوی کوهی و سیب کوهی و یا گیاهی از خانواده (افدرا) به نام هوم که در منطقه بسیار فراوان است که در ظاهر هم بی‌برگ به نظر می‌رسد اما برگهای پولک مانند دارد که در ناحیه شیروان به نام شویشک نامیده می‌شود که برای رنگ آمیزی مشک (تلم) از آن استفاده می‌شود. این گیاه (هوم) در فلات ایران قدمتی طولانی دارد و گیاهی مقدس در مذهب زرتشت محسوب می‌شود که شیره آن سکرآور است.



بوشش گیاهی کوههای شمالی شیروان «کوه تنبل روستای سرانی»
این مراتع به علت چرای بیش از حد دام در حال تخریب است. عکس شماره ۵

جانوران منطقه

جانوران هر منطقه تحت تأثیر عوامل مختلف طبیعی محیط می باشد که با توجه به موقعیت شیروان انواع مختلف جانوران از جانوران نیمه بیابانی و خزندگان تا جانوران درنده مانند: پلنگ^{۳۳}، گرگ، روباه، شغال در نواحی کوهستانی شیروان دیده می شود و همچنین گراز، خرگوش، آهو، کل، بزکوهی و... و پرندگان بیشتر از خانواده کبوتران، گنجشکان، کلاغان، انواع کبک و تیهو، خفاش و قوش سانان و عقاب سانان و کرکس و از پرندگان

۳۳- یکی از شکارچیان معروف شیروان در سال ۱۳۶۳/ش خود شاهد دو پلنگ عظیم الجثه در کوههای شمالی شیروان بوده و به علت ممنوعیت شکار از تیراندازی خودداری می نماید.

آشنا با آب در منطقه شیروان کمتر دیده می شود و اگر وجود هم داشته باشد مهاجرند مانند لک لک، دُرنا، مرغابی و... از دوزیستان فقط قورباغه و وزغ دیده می شود از خزندگان از انواع مارمولک غیر سمی مانند کورمارتا مارمولک دُم کن که در مواقع خطر دُم خود را قطع می کند تا فرار کند و از ماران، مارهای آبی بی سم گرفته تا مارهای سمی که معروفترین آن مار افعی^{۳۴} است.

در ذیل به ذکر نام جانورانی که معمولاً در منطقه شیروان وجود دارند اشاره می شود: غازوحشی و چلچله (مهاجر)، قمری، موسی کوتقی، بلدرچین، تُرقی، باقرقره، بلبل، کلاغ سبز، شانه سر، کبوتر چاهی، زاغ سیاه، نُخلی تَی (مهاجر)، خرگوش، خوک، موش صحرائی.

معادن شیروان

معادن و ذخایر زیر زمینی شیروان دقیقاً مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته، ولی تا آن جا که مطالعاتی انجام پذیرفته است. معادن شیروان به شرح زیر می باشد. ۱- معدن سنگ آهک، شیروان دارای یک معدن سنگ آهک شناسایی شده در روستای توده (۲۲ کیلومتری جنوب غربی شیروان) است که در حدود ۵۰۰۰/۰۰۰ تن ذخیره سنگ آهک دارد و در حال حاضر نیز فعال است و سالانه ۲۰۰۰۰ تن سنگ آهک خام تولید می شود^{۳۵}. ۲- معدن شن و ماسه خانلق. ذخیره معدن حدود ۱/۶۰۰۰۰۰ تن ۳- معدن شن و ماسه رودخانه اترک و رودخانه تنسوان. علاوه بر معادن فوق معادن گچ معمولی و گچ قلم نیز در قسمت شمال شرقی شیروان مشاهده می گردد. معادن مس نیز با توجه به کوره های قدیمی و سنگهای ذوب شده که اصطلاحاً به معادن شدادی موسوم است در نواحی گلیان، بلقان و کنج خور وجود دارد^{۳۶}.

۳۴- در درّه های قلعه زو و چوکانلو مار افعی زیاد دیده می شود.

۳۵- در روستاهای دوین، بیگان و زیارت نیز معادن آهک موجود است.

۳۶- معادن شدادی اصطلاحاً به محلهایی اطلاق می گردد که آثاری از کوره و سنگهای ذوب شده براق در آن محل پراکنده است و این گونه مکانها نشان دهنده معادن و ذوب مس در آن منطقه محسوب می شود که در نواحی گلیان و بلقان و کوههای کنج خور شیروان نمونه زیادی دیده می شود و احتمال مس در این نواحی خیلی زیاد است و کارشناسان معادن در این مورد هنوز در حال مطالعه و بررسی هستند.

رودخانه‌های شیروان

۱- رودخانه اترک: این رودخانه معروف خراسان از قسمت جنوبی شهر شیروان می‌گذرد و سرچشمه آن کوههای نزدیک درگز و رادکان و از حوضه آبریزیدک و تبرک می‌باشد که دارای بستری تنگ و گود است که پس از گذشتن از جلگه قوچان و فاروج به شیروان می‌رسد و با مشروب ساختن قسمت کمی از آبادیهای شیروان و به هم پیوستن با رودخانه‌های محلی به طرف بجنورد جاری می‌شود و سپس وارد منطقه گرگان می‌شود و مرز ایران و شوروی را تشکیل می‌دهد. «این رودخانه در (چات) با رودخانه دیگری موسوم به سومباد به هم می‌پیوندد و با شیبی ملایم به دریای خزر می‌ریزد. رود اترک دارای آبی گل‌آلود و تیره و سواحل آن مشجر و مسطح است. ولی در ناحیه گرگان به دره‌های عمیق و پر پیچ و خم و در بعضی نقاط مانند «چاتلی اولوم» پست و باتلاقی شده در نزدیکیهای خلیج حسینقلی با تشکیل دلتاهایی بر سطح زمین پخش می‌شود و به دریای خزر می‌ریزد^{۳۷}. رود اترک که طول آن ۵۳۰ کیلومتر^{۳۸} است پس از عبور از شیروان در ناحیه حسین‌آباد و کارخانه قند^{۳۹} دارای چشمه‌های کوچکی است که دارای آب همیشگی است ولی در قسمت شهر شیروان معمولاً تابستانها خشک و یا کم آب است.

۲- رودخانه هنامه: سرچشمه این رودخانه کوههای شمالی شیروان مانند آرموتلی اوغاز، کوه‌قبر (قمو)، پتله‌گاه و کوه سنجر بیک می‌باشد که از وسط روستای قدیمی هنامه جریان دارد و پس از مشروب کردن مزارع و باغهای مسیر رودخانه در انتها به رودخانه اترک می‌پیوندد^{۴۰}. رود هنامه در بیشتر از ایام سال دارای آب می‌باشد.

۳- رودخانه قلچق: سرچشمه این رودخانه پرآب که در سمت شمال شهر شیروان و مسیر آن از شمال به جنوب می‌باشد از کوههای زکریا، گلیل، دامنه جنوبی کوههای سرداب

۳۷- منصور گرگانی، اقتصاد گرگان و گنبد و دشت، تهران، صفی‌عیشاه، ۱۳۵۰/ش، ص ۱۹.

۳۸- گیتاشناسی کشورها، انتشارات گیتاشناسی، تهران، ۱۳۶۲/ش، ص ۶۱.

۳۹- فاضل‌آب کارخانه قند شیروان در هنگام بهره‌برداری کارخانه باعث آلودگی آب این رود می‌گردد.

۴۰- قبل از پیوستن به رود اترک با رودخانه قلچق یکی می‌شود.

و سرانی و کوه پتله گاه و سنجریک است. آب این رودخانه پس از مشروب کردن مزارع روستاهای قلجق و فیروزه و محمد علی خان به نسبت $\frac{۱}{۳}$ زمینهای موسوم به سه یک آب شیروان و $\frac{۲}{۳}$ بقیه زمینهای روستاهای زیارت و منصوران را مشروب می سازد این رودخانه در انتها به نام رودخانه چایلق از وسط شهر شیروان عبور می کند و به اترک می پیوندد. آب رودخانه قلجق نسبت به تمام رودخانه های محلی شیروان پر آب است و ماهی رودخانه ای زیادی نیز دارد با توجه به میزان آب این رود مطالعاتی طولانی برای احداث سد انجام گرفته^{۴۱} که مقدمات احداث آن در محلی^{۴۲} بالاتر از روستای قلجق فراهم گردیده است (محدوده برزو^{۴۳}).

۴ - رودخانه زوارم: سرچشمه این رودخانه از کوههای جهان ارغیان موسوم به تخت میرزا می باشد و آب دره های ییلاقی شخری و میم لی نیز به آن اضافه می شود. البته در مسیر آن که از جنوب به شمال است چشمه های متعددی وجود دارد لذا رودخانه زوارم زاینده و پر آب است و پس از آبیاری باغها و کشتزارهای روستاهای زوارم، شیرآباد، ورقی، عبدآباد و توده در نزدیکی کارخانه قند شیروان به اترک می پیوندد.

۵ - رودخانه گلیان: سرچشمه این رودخانه از کوههای استخری، شاه جهان، برزلی و دره تشقی می باشد که رشته استخری و گلیان دارای آب همیشگی است. این رودخانه پس از مشروب کردن روستاهای استخری، گلیان، ملا باقر، رزمغان، تنسوان و پیر شهید و چلودر جنوب شهر شیروان به شعبه اصلی رودخانه اترک می پیوندد^{۴۴}.

۶ - رودخانه قوشخانه: این رودخانه دارای شعبات کوچک متعددی است و جهت آن از شرق به غرب و پس از مشروب کردن زمینهای مزروعی دهستان قوشخانه شیروان به طرف بجنورد ادامه می یابد. بجز رودخانه های مذکور رودهای فصلی کوچکی نیز در منطقه شیروان وجود دارد که در مواقع بارندگی موجب جاری شدن سیل و باعث ضرر و زیان می شوند و چون میزان آب آنها کم است از ذکرشان خودداری می شود. (نقشه شماره ۵)

۴۱ - طبق پرونده موجود این طرح از زمان پهلوی اول مورد مطالعه و تحقیق است.

۴۲ - نزدیک شیخ امیرانلو

۴۳ - دبی سیلابی این رودخانه بطور متوسط (۱۵۰-۲۰۰) متر مکعب در ثانیه و دبی عادی آن (۲/۵-۳) متر مکعب در

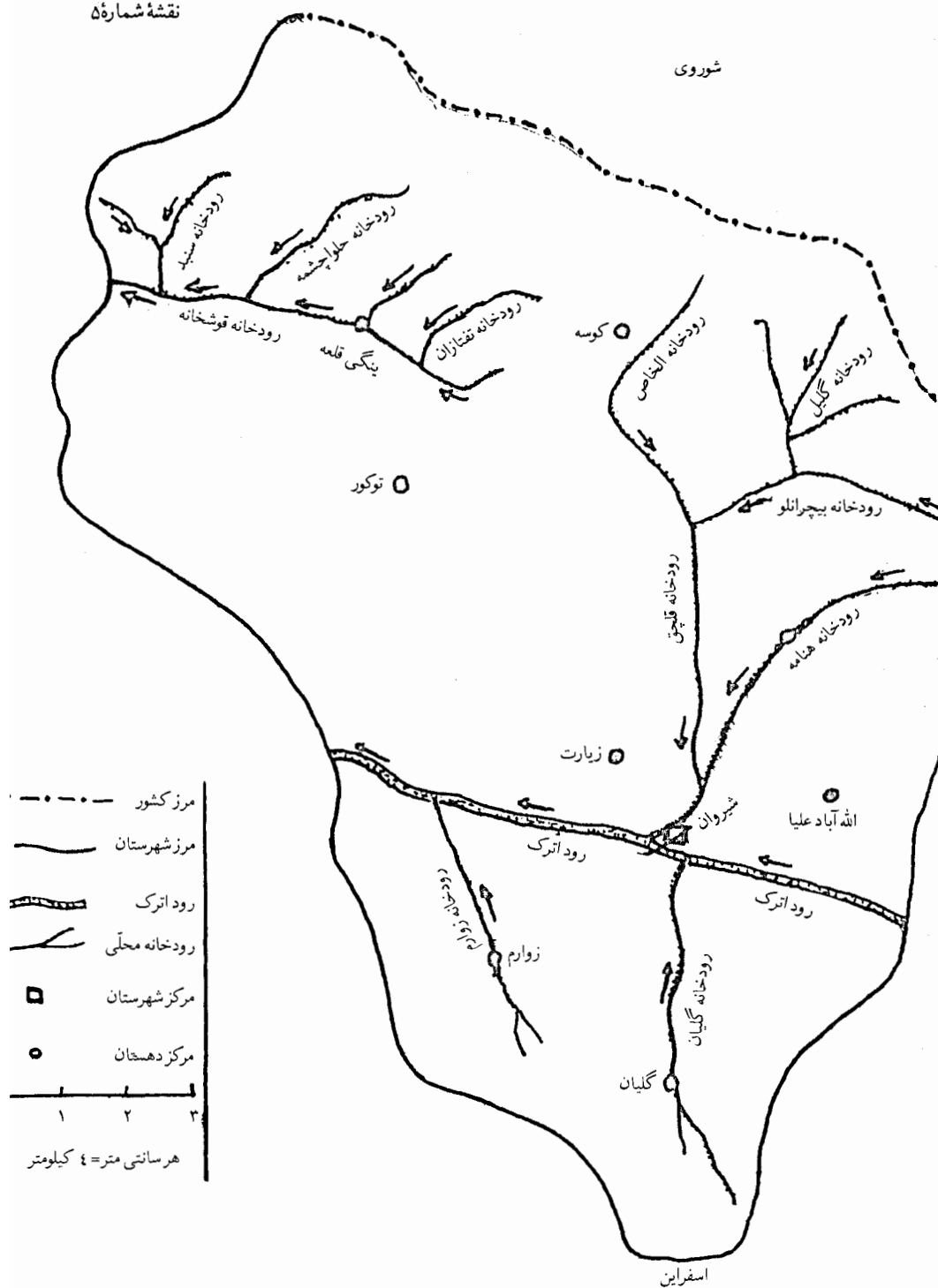
ثانیه است.

۴۴ - آب این رودخانه برای پرورش ماهی قزل آلا مناسب است.

(موقعیت رودخانه های شیروان)

۱

نقشه شماره ۵



آب و هوای شیروان

آب و هوای هر منطقه ارتباط مستقیمی با عرض جغرافیایی، بارش، ارتفاع زمین، بادهای، جهت کوهها، دریاها و دشتها و مناطق پست و پوشش گیاهی اطراف آن دارد. شهرستان شیروان بطور کلی منطقه ای کوهستانی و دارای آب و هوایی نسبتاً سرد در زمستان و گرم و معتدل در تابستان است^{۴۵}

منطقه شیروان را چندین توده هوایی تحت تأثیر قرار می دهد که مهمترین آنها عبارتند

از:

۱- توده هوایی سرد آنتی سیکلون^{۴۶} سیبری که معمولاً از طریق شوروی (شمال شیروان) و کوههای ذوالفقار وارد منطقه شیروان می شود و باعث سرمای شدید اواخر زمستان می گردد بطوری که برودت هوا را در شیروان تا ۲۶- درجه سانتی گراد زیر صفر می برد و هوا را خشک، سرد و آرام نگه می دارد.

۲- توده هوایی متشکل در مدار ۳۰ درجه اقیانوس اطلس که از طریق اروپای شمالی و عبور از روی دریای سیاه و دریای خزر و دریافت رطوبت زیاد، از قسمت شمال وارد منطقه شیروان می شود که این توده هوایی، سرد و مرطوب بوده و باعث بارش برفهای سنگین در زمستان می شود^{۴۷}.

۳- وجود بیابانهای خشک و کوهستانهای بیابانی کشور پاکستان و دشتهای جنوبی کشور افغانستان در فصل تابستان مرکز کم فشاری را ایجاد می کند که جابجایی هوا باعث وزش باد از سمت شمال شرقی در ناحیه شمالی خراسان می گردد که این باد در شیروان به آیش^{۴۸} معروف است.

۴۵- اختلاف دمای حداکثر در تابستان و زمستان ۵۸ درجه سانتی گراد است.

۴۶- آنتی سیکلون ها توده هایی هوایی هستند که معمولاً در زیر موج بلند (سیستم هوایی سطوح بالای جو) تشکیل می شوند.

۴۷- این توده هوایی بوسیله سیستمهای فشار منطقه مدیترانه کنترل می گردد.

۴۸- باد آیش معمولاً در خرداد و تیرماه می وزد که بادی گرم و خشک است و باعث ضرر و زیان برای کشاورزان می گردد.

۴ - توده هوایی مازندران که از طریق دره‌های حاصله بوسیله رود اترک، شیروان را تحت تأثیر قرار می‌دهد که باعث بارندگی و همچنین وزش باد شمال غربی - جنوب شرقی به نام دولان می‌گردد که به علت وجود رطوبت موجب سرسبزی و خرمی گیاهان در بهار و تابستان می‌شود.

۵ - توده هوایی کم فشاری که منشأ اصلی آن در مدیترانه شرقی است و معمولاً خراسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد که البته در منطقه شیروان از شدت آن کاسته می‌شود اما به هر حال یکی از جبهه‌های بارش در این منطقه محسوب می‌شود. بطور کلی در شیروان سرما و یخبندان از آبان ماه آغاز و تا اوایل اردیبهشت ماه ادامه می‌یابد و با توجه به عرض جغرافیایی و ارتفاع مکان و دوری از دریا بارندگی آن کم، و بیشتر بارندگی سالانه در ارتفاعات و کوهستانها بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلی متر است. درجه حرارت متوسط دی ماه در شیروان که سردترین ماه سال را تشکیل می‌دهد ۲- درجه سانتی گراد می‌باشد، درجه حرارت حداقل نیز که معمولاً در همین ماه و خیلی بندرت در آذر ماه است به ۲۰- درجه سانتی گراد می‌رسد، گرم شدن هوا در بهار در منطقه شیروان نسبت به سایر مناطق خراسان که تا کنون مورد مطالعه قرار گرفته است آهسته تر صورت می‌گیرد، زیرا در فروردین ماه متوسط درجه حرارت ماهانه به ۱۰+ درجه سانتی گراد می‌رسد، تیر ماه در شیروان گرمترین ماه سال را تشکیل می‌دهد درجه متوسط ماهیانه آن ۲۰/۶+ درجه سانتی گراد بوده و همچنین بالاترین درجه حرارت این منطقه از ۳۸+ درجه سانتی گراد تجاوز نمی‌کند. در منطقه شیروان بر خلاف سایر مناطق خراسان، زمستان مهمترین فصل بارندگی را تشکیل نمی‌دهد. زیرا این فصل ۸۶/۴ میلی متر بارندگی (۳۱٪ درصد) بهار با ۹۰/۸ میلی متر بارندگی (۳۲/۸٪ درصد) پاییز با ۸۶/۸ میلی متر (۳۱٪ درصد) بارندگی سالانه را تشکیل می‌دهد. بنابر این ملاحظه می‌شود که نه تنها در این منطقه بارش زیادتری نسبت به سایر مناطق خراسان می‌بارد (مقدار بارندگی متوسط سالانه منطقه شیروان در حدود ۲۷۸ میلی متر می‌باشد) بلکه پراکندگی آن نیز منظمتر است^{۴۹}

۴۹ - به همین جهت کشت غلات نیم دیم - غالباً مزارع در مناطقی قرار دارند که در آنها جریان آبهای منظمی ناشی از بارندگی وجود دارد. در این منطقه زیاد دیده می‌شود. ضمناً بیشتر مطالب آب و هوای شیروان از پایان نامه مهندس علی بهاروند اهل هشتر طوالش به نام «سیستمهای هوایی منطقه شمال خراسان» که بنا به درخواست نگارنده با آشنایی قبلی که با ایشان داشتم - در سال ۱۳۶۰ نگارش یافته، اقتباس گردیده است.

ییلاقهای شیروان

شهرستان شیروان به علت موقعیت خاص جغرافیایی و کوهستانی بودن منطقه و دره‌های پر آب در بعضی از نقاط دارای ییلاقهای بسیار خوش آب و هوا و دیدنی است که مهمترین آنها به شرح زیر است.

۱- ییلاق زوارم: این منطقه ییلاقی که در فاصله ۲۸ کیلومتری جنوب غربی شیروان قرار دارد، از ابتدای ورود به دره زوارم تا کوههای تخت میرزا و شوخری ادامه می‌یابد. این ییلاق یکی از مناسبترین مناطق آب و هوایی را به طول بیش از ۲۵ کیلومتر در سطح استان خراسان به وجود می‌آورد که به صورت بکر و دست نخورده باقی مانده است. ییلاق دیدنی زوارم دارای چشمه سارهای متعدد، آبشارها، حوضهای سنگی- که معمولاً چشمه از درون آنها می‌جوشد- و درختان سر به فلک کشیده چنار، سپیدار، گردو، گیلان، گلابی، بادام و دیگر درختهاست. دره‌های متعدد و پر آب زوارم با مناظر طبیعی زیبا و چشم اندازهای روحپرور و جانفزا نظر هر بیننده دوستدار طبیعت را مجذوب می‌کند. ییلاق زوارم تا روستا دارای راه شوسه ماشین رو است و در تابستانها بویژه اردی بهشت و خرداد علاقه‌مندان کوه و صحرا و ییلاق دیگر شهرها را برای استراحت به طرف خود جلب می‌کند.

۲- ییلاق اوغاز: این منطقه ییلاقی در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شرق شیروان قرار دارد. رودخانه کهنه اوغاز و باغهای پر درخت اطراف رودخانه و همچنین مناظر طبیعی روستا تا سرچشمه‌ها و گردش آب در لابلای دره‌های حفر شده به علت جریان دائمی آب و آبشارهای کوچک طبیعی و آب سرد و گوارا و درختان سرو کوهی و مراتع سرسبز و خرم و دو چشمه معروف بکان و فاطمه خانم و دیگر زیباییهای طبیعت به هر تازه واردی جان دوباره می‌بخشد البته اگر مناطق ییلاقی و دیدنی بوانلو، اُاشلو و چپانلورا نیز به آن اضافه کنیم دیدار از این مناطق ییلاقی خاطره برانگیز و به یاد ماندنی خواهد شد.

۳- ییلاق گلیل نامانلو: این ییلاق در نوار مرزی ایران- شوروی و در فاصله ۷۰ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد. هوای سرد در تابستان ۵۰ مراتع و جنگل این منطقه

که یکی از ییلاقهای عشایر دامدار شیروان می باشد از خصوصیات ویژه ای برخوردار است که در دیگر ییلاقهای شیروان کمتر مشاهده می گردد. ییلاق گلیل علاوه بر آب و هوای سرد یکی از شکارگاههای طبیعی شیروان از نظر قوچ و بز کوهی محسوب می شود و ادامه آن به طرف غرب به ییلاق جنگلی سرانی با درختان سروکوهی فشرده و چشمه سارهای پر آب و زومعروف فیروزه منتهی می گردد. در یکی از قلّه های مرتفع این ییلاق مقبره زکریا واقع است و پوشاک گرم در تابستان یکی از وسایل ضروری است.

۴- ییلاق گلیان و استخری: این منطقه ییلاقی دربرگیرنده گلیان، حصار پهلوانلو و استخری تا دامنه های کوه شاهجهان می باشد که درّه های پر آب و درخت و تماشایی گلیان و چشمه سارهای حصار پهلوانلو و آبشار بزرگ و دیدنی ۲۰ متری استخری که از لابلای درختان سربفلک کشیده درّه استخری به داخل رودخانه می ریزد و همچنین غارها و آثار باقیمانده حصار موسی خان و سنگرهای خداوردی سردار و مقبره بابا توکل ریاضیدان بزرگ و



درّه سرسبز و پر آب گلیان. عکس شماره ۶

امیر شمس الدین محمد و مرکز پرورش ماهی بر جاذبه و زیبایی این ییلاق می افزاید^{۵۱} فاصله تا مرکز شهر ۲۴ کیلومتر دارای راه شوسه مناسب ماشین رو است. از دیگر ییلاقهای شیروان می توان از یقی باغان، شیخ امیرانلو، قلیج، بیجرانلو و سولدی نام برد.

غارهای شیروان

غار پوستین دوز: یکی از غارهای معروف منطقه شیروان است که در ۶ کیلومتری شمال شرقی روستای لوجلی (Lojli) واقع شده و فاصله اش از مرکز شهرستان ۳۲ کیلومتر و در شمال غرب شیروان در دامنه کوههای امام حاضر قرار دارد. ارتفاع غار از سطح دریا حدود ۱۲۰۰ متر و از سطح روستای لوجلی حدود ۱۵۰ متر است. وجه تسمیه آن نیز از روستای متروکه پوستین دوز در ۳ کیلومتری شرق غار گرفته شده است، این غار با دهانه ای نسبتاً بزرگ و گنبدی شکل به عرض ۴ متر و ارتفاع ۳ متر به دروازه ای شبیه است که رو به قبله (جنوب غربی) باز می شود، نوع و جنس غار پوستین دوز آهکی است و تولد قندیلهای نوظهور از جوان بودن غار حکایت می کند. درون غار مرطوب و خاک آن زرد است به نحوی که غار نوردان پس از خارج شدن از غار کاملاً زرد زعفرانی جلوه می کنند^{۵۲}. ساختمان غار در ابتدا شبیه تونل نسبتاً بزرگی به ابعاد تقریبی ۱۰×۱۰ متر و ارتفاع ۶ متر است که بعداً به سه شعبه اصلی تقسیم می گردد که درست در مقابل در ورودی غار قرار دارند، یکی از شعبات که در سمت راست بقیه قرار دارد. راه اصلی غار را تشکیل می دهد و آن دو راه دیگر پس از حدود ۱۵ متر ادامه مسیر بسته می شود. در ادامه راه اصلی پس از عبور از راههای پریچ و خم و باریک و سرازیرها که اگر مسیر حرکت در داخل غار علامت گذاری و بخصوص طناب کشی نشده باشد، انسان به سختی می تواند راهش را پیدا کند، به هر حال پس از عبور از این قسمت به محلی از غار می رسیم که حتماً می بایستی سینه خیز حرکت کرد البته فاصله دهانه غار تا قسمت مذکور ۶۰ متر می باشد پس از عبور از منطقه سینه خیز که ۴ متر طول دارد و افراد تنومند نمی توانند از این قسمت عبور نمایند به محوطه ای نسبتاً بزرگ به ابعاد ۱۰×۳ متر

۵۱ - عکس شماره ۶

۵۲ - به علت تماس غارنوردان با دیوارهای غار

ارتفاع تقریبی ۴ الی ۷ متر به شکل یک شکاف می‌رسیم که انتهای این شکاف به حفره‌های باریک و پرپیچ و خم که بیشتر به سمت بالا تمایل دارند ختم می‌شود و این جا پایان غار محسوب می‌شود و اما راه دیگری نیز برای بازگشت وجود دارد که به عبور از ۴ متر منطقه سینه خیز احتیاج ندارد منتهی کمی مشکل و فنی است و آن بدین صورت است که در قسمت آخر غار در سمت چپ دیواره‌ای در حدود ۶ متر وجود دارد که در انتهای دیوار حفره‌ای است که می‌بایستی از دیواره صعود کرد، خوشبختانه در مسیر دیواره ۶ متری دو گیره محکم به شکل پستان‌بُر بطور واژگون در ۵ متری رشد کرده است که چیزی جز دو استالاکمیت نیست و می‌توان به کمک آنها صعود کرده و مسیر حفره را به صورت خمیده طی نمود و با تمایل به سمت چپ مسیر راه را ادامه داد و از جلو منطقه سینه خیز سرازیر شد، در کل غار پوستین دوز با وجود انشعابهای فراوان و حفره‌های به هم پیوسته و پیچ در پیچ، غار مورد را راه گم می‌کند و برای افراد نا وارد و غیرفنی باز دید از این غار بدون راهنما و نخ کشی دشوار و خطرناک است. طول مفید غار ۱۲۰ متر و زمان بازدید ۲ ساعت می‌باشد، مبدأ حرکت برای رسیدن به غار خیابان بیژن (کوچه خاتلق) شیروان، کرایه هرنفر با مینی بوس تا روستای لوجلی ۱۵۰ ریال و کل زمان رفت و برگشت و بازدید یک روز است.^{۵۳}

۲- غار کافر قلعه: این غار همان گونه که از اسمش پیداست، غاری مسکونی است و در زمانهای گذشته از آن به عنوان پناهگاه استفاده می‌شده است، چون در اطراف آن آثاری از سنگ چین و دیوارهای سنگی به چشم می‌خورد و در راستای این غار در پای کوه (جنوب غار) گورستان قدیمی کوچکی قرار دارد که مسکونی بودن آن را به اثبات می‌رساند. غار کافر قلعه در ارتفاع ۵۰ متری سطح دره در ۵ کیلومتری جنوب غربی روستای گلیان در قسمت راست دره وسیعی که راه بُر زلی از آن می‌گذرد واقع است و دهانه غار عمودی به سمت زمین و به صورت شکافی سنگی می‌باشد که پس از ۳ متر به کف غار و به منطقه تقریباً وسیعی به ابعاد ۶ × ۸ متر با ارتفاع ۱/۵ متر که انسان ناچار است خمیده راه برود، می‌رسد که مسیر آن در جهت شرق و شمال شرقی به طول ۱۲ الی ۱۶ متر ادامه دارد و ظاهراً به اتمام می‌رسد، اما طبق اظهار مطلعین دهانه غار در این قسمت مسدود شده است زیرا

۵۳- با استفاده از اطلاعات فنی علیرضا خادم مرتبی درجه یک کوهنوردی.

سابق بر این در قسمت مسدود شده چاهی به عمق ۴ متر وجود داشته که به سمت شرق منتهی می شد و دارای سالنهای و فضاهای وسیعی بود و حتی اجناس عتیقه و کتابهای خطی نیز از این غار به دست آمده است، نکته جالب توجه این که در مدت بازدید از این غار یک جمجمه انسان و یک تکه سنگ سیاه تراشیده شده به دست آمد. غار مذکور در صورت درست بودن روایت روستاییان غار جالبی خواهد بود ولی در غیر این صورت دیدنی و جالب نیست. در گلیان غار دیگری نیز وجود دارد که به علت وصل شدن فاضل آب منازل به غار غیر قابل بازدید است.

روستای استخری (اسطرخی) شیروان هم دارای غاری کوچک اما دیدنی می باشد که در کنار آبشار بلند روستا واقع شده است

جغرافیای انسانی شیروان

بخش سوم

اوضاع اجتماعی شهرستان شیروان

مساحت و جمعیت شهرستان شیروان

طبق آمارنامه استان خراسان در سال ۱۳۶۵ شمسی مساحت شهرستان شیروان ۲۲۷۹ کیلومتر مربع^۱ و جمعیت آن ۹۸۹۶۰ نفر است^۲ که ۵۰۹۳۴ نفر در مرکز شهر و بقیه در روستا زندگی می‌کنند و تراکم نسبی جمعیت ۴۳/۴ نفر در هر کیلومتر مربع است^۳. شهرستان شیروان از دهستانهای ۱- حومه ۲- تکمران ۳- دوین ۴- زوارم ۵- زیارت ۶- شیخ امیرانلو ۷- قلچق ۸- گلیان تشکیل می‌شد. اما در اواخر سال ۱۳۶۵ شمسی با توجه به موقعیت بعضی از قراء و دهستانهای حوزه فرمانداری سه شهرستان شیروان، قوچان و بجنورد تغییراتی عمده در تقسیمات و مساحت شهرستان شیروان صورت گرفت که بر اساس تصویب نامه شماره ۱۱۶۰۹۶/ت ۸۵۲ هیأت دولت^۴ تقسیمات جدید روستایی شهرستان شیروان پس از ادغام بعضی از دهستانها و قراء دارای ۸ دهستان جدید به شرح زیر گردید.

۱- دهستان تکمران (مرکز: توکور) از ادغام دو دهستان سابق تکمران و شیخ امیرانلو.

۲- دهستان جیرستان (مرکز: کوسه) شامل دهستان سابق جیرستان قوچان به اضافه

۱- سازمان برنامه و بودجه، آمارنامه خراسان سال ۱۳۶۵، ص ۷ (مساحت مذکور بدون احتساب دهستانهای اوغاز، بیچرانلو، جیرستان و قوشخانه می باشد).

۲- همانجا، ص ۷.

۳- جمعیت نسبی ۴۳/۴ نفر بر اساس مساحت ۲۲۷۹ کیلومتر مربع محاسبه شده است در صورتی که مساحت فعلی شهرستان شیروان بالغ بر ۳۹۷۸ کیلومتر است.

۴- در اجرای ماده ۲ و ۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و به استناد تصویب نامه ۱۱۶۰۹۶/ت ۸۵۲ مورخ ۶۶/۱۰/۱۴ هیأت محترم دولت که در تاریخ $\frac{۱۴/۳۹۴۷}{۶۷/۲/۲۴}$ ابلاغ شده است.

چندین روستا از دهستان سابق بیچرانلو

۳ - دهستان حومه (مرکز: الله آباد علیا^۵) از ادغام دهستانهای سابق دوین و حومه و چندین روستا از دهستان مایوان قوچان

۴ - دهستان زوارم (مرکز: زوارم) شامل دهستان سابق زوارم^۶ و سه آبادی از قراء شهرستان بجنورد.

۵ - دهستان زیارت (مرکز: زیارت) شامل دهستان سابق زیارت به اضافه چندین روستا از دهستانهای سابق قلجق و زوارم^۷.

۶ - دهستان سبیکانلو (مرکز: هنامه) شامل دهستانهای اوغاز قوچان و بیچرانلو و قلجق شیروان.

۷ - دهستان قوشخانه (مرکز: ینگى قلعه علیا) شامل دهستان سابق قوشخانه باجگیران قوچان به استثنای دو روستای ایزمان علیا و سفلا که به حوزه فرمانداری بجنورد واگذار شده است.

۸ - دهستان گلیان (مرکز: گلیان) شامل دهستان سابق گلیان به اضافه چندین روستا از دهستان سابق حومه. با احتساب جمعیت روستاهای جدید که به حوزه فرمانداری شهرستان شیروان اضافه شده است. جمعیت شهرستان شیروان بالغ بر ۱۳۰۳۱۲ نفر می شود که ۵۰۹۳۴ نفر در شهر و ۷۹۳۷۸ نفر در روستاها زندگی می کنند^۸.

طرح جدید تقسیمات شهرستان شیروان که مورد تصویب قرار گرفته است شامل دو بخش مرکزی و سرحد است که بخش سرحد شیروان در برگیرنده دهستانهای تکمران، جیرستان، و قوشخانه می باشد و مرکز بخش سرحد لوجلی است. مساحت فعلی شهرستان شیروان ۳۹۸۷/۲ کیلومتر مربع است و با کشور شوروی حدود ۷۵ کیلومتر مرز مشترک دارد.

۵ - فرمانداری شهرستان شیروان برای مرکز دهستان حومه، روستای امیرآباد را پیشنهاد نمود که مورد تصویب قرار گرفته است.

۶ - چند روستای زوارم در تغییرات جدید به دهستان زیارت اضافه گردیده است.

۷ - ترک که سابقاً جزو دهستان زیارت شیروان بود به حوزه فرمانداری بجنورد ضمیمه گردیده است.

۸ - شناسنامه شیروان، ص ۱۰.

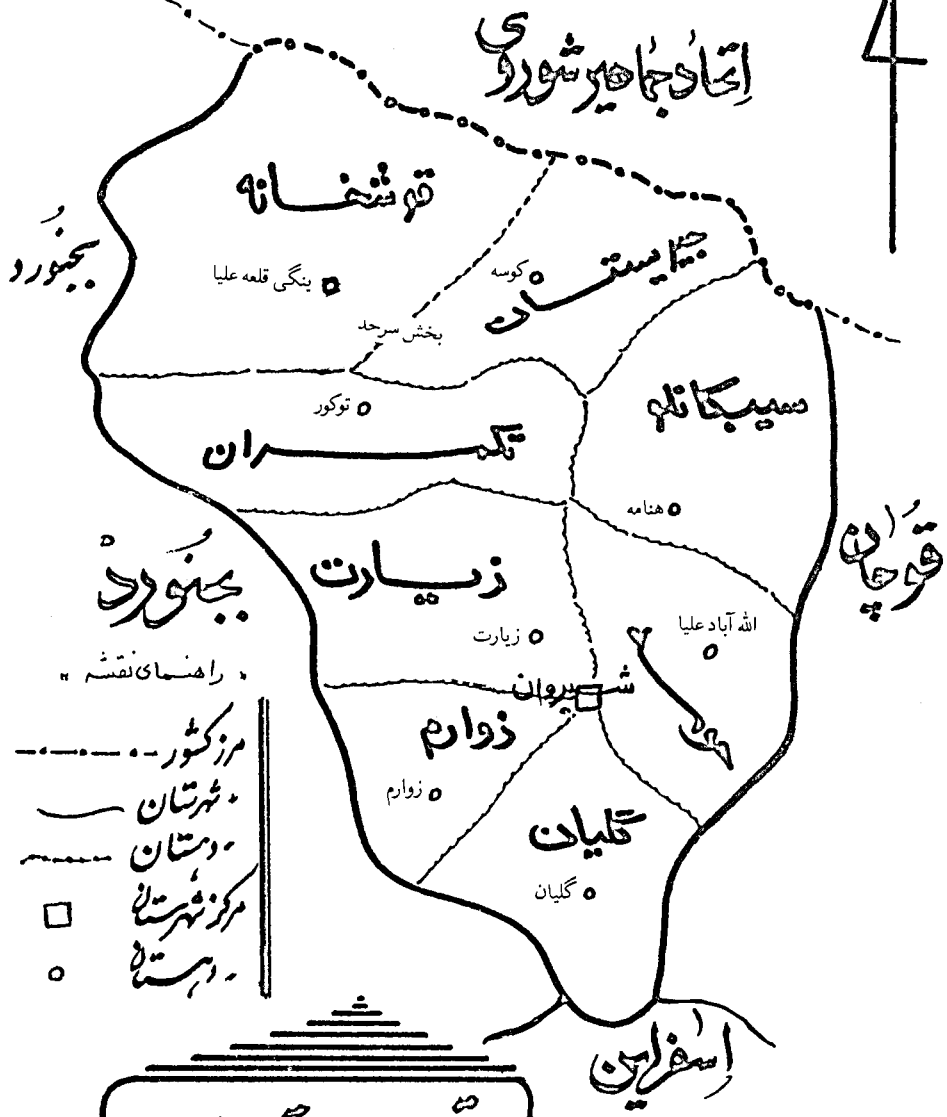
تقسیمات و تعداد خانوار و جمعیت شهرستان شیروان

نام	تعداد آبادی			خانوار	جمعیت (نفر)
	جمع	دارای سکنه	خالی از سکنه		
۱ شهرستان شیروان	۲۴۸	۱۷۸	۷۰	۲۶۳۲۷	۱۳۰۳۱۲
۲ بخش مرکزی	۱۶۸	۱۰۴	۶۴	۱۰۵۵۶	۵۲۹۲۲
۳ بخش سرحد	۷۹	۷۳	۶	۴۹۸۶	۲۶۴۵۶
۴ دهستان تکمران	۲۸	۲۵	۳	۱۳۸۷	۷۳۰۶
۵ دهستان جیرستان	۲۱	۱۸	۳	۱۱۶۱	۶۰۱۴
۶ دهستان حومه	۶۰	۲۷	۳۳	۲۲۹۴	۱۱۵۲۳
۷ دهستان زوارم	۱۶	۱۰	۶	۱۶۲۴	۸۴۱۹
۸ دهستان زیارت	۳۵	۱۷	۱۸	۲۳۵۰	۱۲۱۸۲
۹ دهستان سبیکانلو	۳۳	۲۹	۴	۱۹۷۷	۹۳۱۹
۱۰ دهستان قوشخانه	۳۰	۳۰	-	۲۴۳۸	۱۳۱۳۶
۱۱ دهستان گلیان	۲۴	۲۱	۳	۲۳۱۱	۱۱۴۷۹

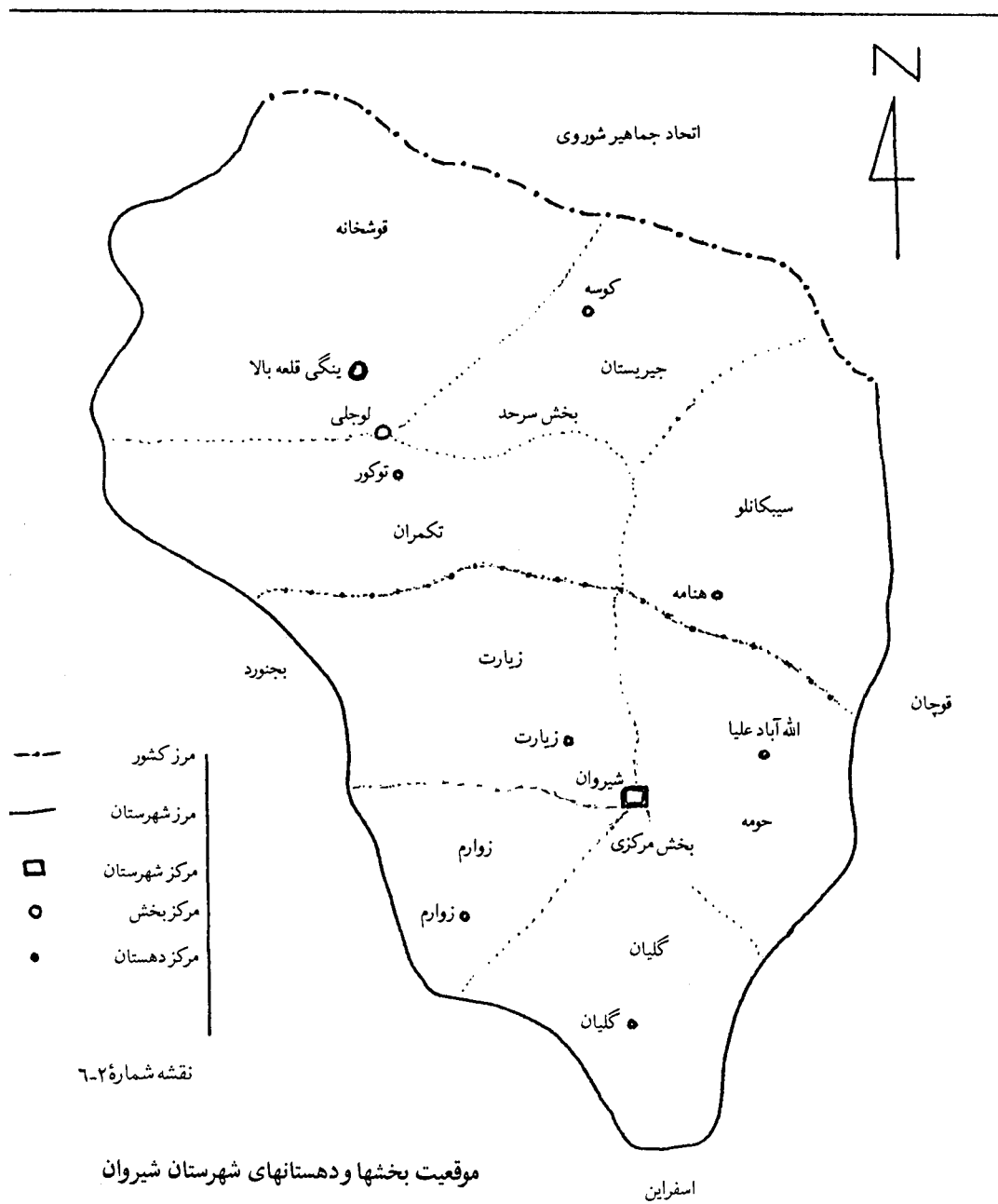
نگاهی گذرا به جغرافیای شهری شیروان

وضع عمومی شیروان: بعد از زلزله اردی بهشت ماه سال ۱۳۰۸ شمسی که شهر قدیم (کهنه شهر^{۱۱}) تقریباً نیمه ویران و ضایعات و خسارت مالی و جانی بر مردم وارد می‌گردد، طبق معمول عده‌ای از خدا بی خبر که معمولاً منتظر چنین حوادث ناگواری هستند تا مردم رنج‌دیده را چپاول و مال اندوزی نمایند و به طریقی کیسه‌های خودشان را انباشته و بر فقر و بیچارگی و رنج و مشقت دیگران لبخند بزنند به اقدامات رذیلانه مشغول می‌شوند، استاندار وقت خراسان وارد شهر زلزله زده شیروان می‌شود تا به اصطلاح خرابیها را بازدید و نسبت به

۱۱ - شهر قدیم شیروان در قسمت جنوب غربی شهر فعلی واقع است.



موقعیت و مسائلی
شهرستان مشروک



روستاهای دهستان تکمران شیروان. مرکز توکور (Tokoor)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان مُحلی
۱	آسیاب حیدر علی	Assiab- H	۳	۱۵	۴۰	کُردی
۲	آسیاب شیخ امیرانلو	Assiab- Sh	۴	۱۷	۳۶	کُردی
۳	بیره زینل بیک	Bireh Zeinal Beek	۴۶	۲۱۹	۵۵	کُردی
۴	برج	Borj	۱۲	۶۲	۴۰	کُردی
۵	برزو	Borzoo	۲۵	۱۵۵	۳۷	کُردی
۶	بیک	Beek	۹۶	۵۱۲	۳۰	کُردی
۷	توکور	Tokoor	۱۳۷	۷۷۳	۳۲	کُردی
۸	توپکانلو	Topkanlue	۱۳۳	۷۳۱	۳۶	کُردی
۹	تخته سو	Takhteh- Sue	۳	۱۴	۳۸	کُردی
۱۰	چشمه دوزان	Cheshmeh-Duzan	۶۱	۲۲۰	۴۵	کُردی
۱۱	چوکانلو	Chokanlue	۱۰۷	۶۰۰	۴۸	کُردی
۱۲	خدر	Kheder.	۱۷	۱۰۵	۳۸	کُردی
۱۳	دوله دانلو «گوگلی»	Dolehdanlue	۱۰	۵۸	۴۰	کُردی
۱۴	سردارآباد (ظفرآباد)	Sardar-Abad	۵۵	۲۵۱	۵۰	کُردی
۱۵	سرخ زو	Sorkh-Zow	۶۷	۳۳۷	۵۲	کُردی
۱۶	شیخ امیرانلو ^۱	Shikh-Amiranlue	۵۹	۳۲۱	۴۰	کُردی
۱۷	علیخان قلعه	Ali-Khan-Qaleh	۸۳	۳۳۶	۴۶	کُردی
۱۸	قوری دربند	coridarband	۵۵	۲۸۷	۵۰	کُردی
۱۹	قولانلو علیا	Golanlue - o	۶۰	۳۴۰	۳۰	کُردی
۲۰	قولانلوسفلی	Qolanlue-s	۷۶	۳۷۸	۳۰	کُردی
۲۱	قوردانلو	Qordanlue	۸۶	۵۳۲	۳۸	کُردی
۲۲	کلاته توپکانلو	K-Topkanlue	۱۹	۱۱۷	۴۶	کُردی
۲۳	کارمتین	Kar-Matin	-	-	-	کُردی
۲۴	کلاته حسین آباد	K-Hosseini-Abad	۳	۱۴	۳۲	کُردی
۲۵	کلاته شفتیک	K-Sheftik	-	-	-	کُردی
۲۶	گوگلی	Gogli	۶۲	۳۳۷	۳۵	کُردی
۲۷	گُم گوسفند		-	-	-	کُردی
۲۸	لوجلی	Lujali	۱۰۸	۵۴۵	۳۲	کُردی

روستاهای دهستان جیرستان شیروان مرکز کوسه (Kusseh)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۱	آلخاص	Alkhass	۹۳	۵۴۴	۵۰	کردی-ترکی
۲	پالکانلوبالا	Palkanlue-Bala	۴۶	۲۷۲	۴۶	کردی-ترکی
۳	پالکانلویابین	Palkanlue- Paen	۶۹	۳۶۷	۴۵	کردی-ترکی
۴	پاسگاه ژاندارمری گلول		-	-	-	کردی-ترکی
۵	تخت	Takht	۲۴	۱۲۵	۵۴	کردی-ترکی
۶	چرمه	Charmeh	۱۹	۷۸	۵۴	کردی-ترکی
۷	قالتمانلو	Qaltemanlue	۲۹	۹۴	۵۴	کردی-ترکی
۸	دوله دانلو	Dolehdanlue	۲	۹	۴۳	کردی-ترکی
۹	زیندانلو	Zeinadanlue	۴۶	۲۴۰	۶۰	کردی-ترکی
۱۰	سیل سپرانلوعلیا	Seilseperanlue -o	۴۳	۲۲۸	۵۵	کردی-ترکی
۱۱	سیل سپرانلوسفلی	Seilseperanlue-s	۳۸	۱۴۹	۵۴	کردی-ترکی
۱۲	کورکانلوعلیا	Korkanlue-o	۴۴	۲۶۳	۴۷	کردی-ترکی
۱۳	کوسه	Kusseh	۱۵۸	۷۸۱	۵۰	ترکی
۱۴	میلانلوعلیا	Milanlue-o	۷۴	۳۹۱	۵۶	کردی
۱۵	میلانلوسفلی	Milanlue-s	۱۶	۸۴	۵۳	کردی
۱۶	ملوانلو	Malvanlue	۷۸	۳۵۸	۵۶	کردی
۱۷	مقبره زکریا	Maqbareh-Zakarya	-	-	-	-
۱۸	مزرعه گلول		-	-	-	-
۱۹	نامانلو	Namanlue	۱۹۸	۱۱۲۸	۶۵	کردی
۲۰	نظرعلی	Nazar-Ali	۱۱۴	۵۱۲	۵۴	کردی
۲۱	نظرمحمد	Nazar-Mohammad	۷۸	۳۹۱	۵۴	کردی

روستا‌های دهستان حومه شیروان مرکز الله آباد علیا (Allah - Abad - Olya)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۲۸	فرخ آباد	Farrok- Abad	-	-	-	-
۲۹	قلندرآباد		-	-	-	-
۳۰	قره باغ	Qarh-Baq	-	-	-	-
۳۱	قشلاق	Qeshlaq	-	-	-	-
۳۲	کلاته سیف قلی	Kalateh-Seifqli	-	-	-	-
۳۳	کلاته سیدعلی	Kalateh- Seidali	۴	۱۹	-	-
۳۴	کلاته هندی	Kalateh- Hendi	۲۴	۱۲۱	۲۲	-
۳۵	کلاته ترکها	Kalateh- Torkha	-	-	-	-
۳۶	کلاته ایگده	Kalateh Igdeh	-	-	-	-
۳۷	کلاته حسین خان	Kalateh Hossein- Kh	۵	۲۶	-	-
۳۸	کلاته شفتیک	Kalateh Sheftik	-	-	-	-
۳۹	گنج آباد دوین	Ganj- Abad- Devin	۲۹۵	۱۵۲۶	۱۷	ترکی کردی
۴۰	مهرآباد	Mehr- Abad	۵	۱۶	۱۶	فارسی
۴۱	مرغزار	Marq- Zar	۳۴	۲۰۰	-	کردی
۴۲	محمد آباد دوین	Mohammad- Abad- D	۷۱	۱۳۴	۱۸	ترکی- کردی
۴۳	محمد آباد مایوان	Mohammad- Abad- M	-	-	-	-
۴۴	مزرعه اشراقی		-	-	-	-
۴۵	مزرعه اکبری		-	-	-	-
۴۶	مزرعه پروانه		-	-	-	-
۴۷	مزرعه کاظمیان		-	-	-	-
۴۸	مزرعه سید آباد		-	-	-	-
۴۹	مزرعه سیدی		-	-	-	-
۵۰	مزرعه شیروانی		-	-	-	-
۵۱	مزرعه نظام خواه		-	-	-	-
۵۲	مزرعه قربان نژاد		-	-	-	-
۵۳	مزرعه محمودیان		-	-	-	-
۵۴	مزرعه هاشمی		-	-	-	-
۵۵	مزرعه هاشمیان		-	-	-	-
۵۶	مزرعه ملک پور		-	-	-	-

روستاهاى دهستان حومه شیروان مرکز الله آباد عليا (Allah - Abad - Olya)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۱	آق سلخ	Aq-Salkh	۴	۲۵	۱۹	ترکی
۲	الله آباد عليا	Allah-Abad-olya	۲۱۰	۱۰۲۷	۱۲	ترکی
۳	الله آباد سفلی	Allah- Abad- Sofla	۴۸	۲۲۳	۱۱	ترکی
۴	امیرآباد	Amir-Abad	۶۳	۳۰۹	۵	ترکی
۵	احمد آباد	Ahmad- Abad- A	-	-	-	-
۶	انبار شرکت گاز	-	-	-	-	-
۷	باغان	Baqan	۱۷۸	۹۱۰	۲۰	ترکی
۸	برزل آباد	Borzol- Abad	۱۷۴	۷۹۳	۱۶	فارسی
۹	بابا خوشگلدی	Baba- Khosh- Galdi	-	-	-	-
۱۰	توکلی شکرانلو	Tavakoli-Shokranlue	۱۶	۶۱	۲۰	کردی
۱۱	چلو	Chalo	۴۷	۲۱۰	۱	ترکی
۱۲	حصار دوین	Hessar- Devin	۱۳۴	۵۸۲	۲۴	کردی
۱۳	حصار سه یک آب	Hessar- Seh- Yak- Ab	۸۲	۴۳۹	۲	ترکی-فارسی
۱۴	حامد آباد	Hamed- Abad	-	-	-	-
۱۵	خرم آباد	Khoram- Abad	۳۱	۱۳۸	۲۱	کردی
۱۶	خانحصار (یا سرآباد)	Khanhessar	۶۱	۳۴۱	۲۵	کردی
۱۷	دوین ^{۱۰}	Devin	۲۸۲	۱۵۶۸	۱۸	ترکی
۱۸	رضا آباد غربی	Reza- Abad- Qarbi	۱۰۲	۴۸۳	۲۱	کردی
۱۹	رحیم آباد باغان	Rahim- Abad- B	-	-	-	-
۲۰	سکه	Sokeh	۱۴۵	۶۷۵	۱۵	ترکی
۲۱	سه یک آب	Seh- Yak- Ab	۶۹	۴۹۰	۲	فارسی
۲۲	سرچشمه	Sar- Cheshmeh-d	۱۱۷	۵۴۷	۲۵	کردی
۲۳	شوق آباد	Shoq- Abad	۲۱	۱۰۸	۲۲	کردی
۲۴	شوریک قوینانو	Shorek- Q	-	-	-	-
۲۵	شوریک دوین	Shorek- D	-	-	-	-
۲۶	عباس آباد	Abas- Abad	-	-	-	-
۲۷	فیض آباد	Feiz- Abad	۷۲	۳۳۴	۲۱	فارسی

۱۰ - جمعیت دوین بدون احتساب جمعیت آبادیهای کنج آباد و محمدآباد محاسبه شده است.

روستاهای دهستان حومه شیروان مرکز الله آباد علیا (Allah- Abad- Olya)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۵۷	مسعود آباد		-	-	-	-
۵۸	نیروگاه گازی		-	-	-	-
۵۹	بقی باغان		-	-	-	-
۶۰	دامداری کشت و صنعت		۴	۲۸	-	-

روستاهای دهستان زوارم شیروان مرکز زوارم (Zoeram)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۱	باداملق	Badamleq	۱۷۲	۱۰۰۸	۳۲	کردی
۲	تخت میرزا	Takhte- Mirza	-	-	۴۰	-
۳	حسین آباد	Hossein-Abad	۳۴۴	۱۷۹۵	۱۲	ترکی
۴	حیدر آباد	Heidar- Abad	-	-	-	-
۵	خادمی	Khademi - z	۲۰	۱۱۲	۳۲	کردی
۶	زوارم	Zoeram	۳۹۴	۱۹۸۴	۲۸	ترکی
۷	شیرآباد	Shir- Abad	۲۴	۱۱۱	۲۰	کردی
۸	شوریک	Shorek- A	۱۲۶	۶۱۱	۲۵	کردی
۹	عبدآباد	Abd- Abad	۱۹۹	۱۰۴۹	۲۲	ترکی
۱۰	بزآباد (فجرآباد)	Boz- Abad	۲۵۲	۱۲۴۶	۳۲	کردی
۱۱	قزل حصار	Qezel- Hesar	۳۱	۱۶۹	۲۸	کردی
۱۲	کلاته بُندار	Kalateh- Bondar	-	-	-	-
۱۳	کلاته شوخری	Kalateh Shokhri	-	-	-	-
۱۴	کلاته میم لی	Kalateh Meimle	-	-	-	-
۱۵	کلاته چقرالنگ	Kalateh-Choqrolang	-	-	-	-
۱۶	ورقی	Varaqi	۶۲	۳۳۴	۲۰	کردی

روستاهای دهستان زیارت شیروان مرکز زیارت (Ziarat)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۱	اسلام آباد	Islam-Abad	۲۳۸	۱۱۵۵	۱۳	فارسی-ترکی
۲	امان آباد	Aman- Abad	۱۴	۷۵	۶	فارسی-ترکی
۳	بیگان	Beigan	۱۳۸	۷۲۹	۱۵	کردی
۴	پیلان	-	-	-	-	-
۵	پلیس راه ژاندارمری	-	-	-	-	-
۶	توده	Tudeh	۲۰۹	۱۰۵۴	۱۸	کردی
۷	حسن زو	Hassan- Zow	-	-	-	-
۸	حصار موسی بیک	-	-	-	-	-
۹	خانلق (خالق آباد)	Khanloq	۴۵۰	۲۳۷۸	۳	ترکی
۱۰	خطاب	Khatab	۶۸	۳۴۲	۲۴	کردی
۱۱	دامداری کشت و صنعت	-	-	-	-	-
۱۲	دلبرچه	-	-	-	-	-
۱۳	رضا آباد	Reza- Abad	۶۲	۲۸۴	۱۸	کردی
۱۴	زیارت	Ziarat	۷۵۳	۳۹۲۰	۹	ترکی
۱۵	شوریک	Shorek	۹	۴۴	۲۰	کردی
۱۶	شهرک شوریک	Sh- Shorek	۱۲	۵۳	۱۸	کردی
۱۷	عمارلو	-	-	-	-	-
۱۸	فیروزه	Firužeh	۳۵	۱۹۵	۲۱	ترکی
۱۹	فیروز آباد	Firuz- Abad	-	-	-	-
۲۰	قلجق	Qoljeq	۶۱	۳۲۷	۲۰	کردی
۲۱	قلعه زو	Qaleh- Zow	۱۷	۸۳	۲۴	کردی
۲۲	قشلاق کاره	Qeshlaq - k	-	-	-	-
۲۳	کارخانه قند	Kar- Khaneh- Qand	۱۵۶	۸۷۱	۱۳	فارسی-ترکی
۲۴	کلاته سیف قلی	K- Seifqoli	-	-	-	-
۲۵	کلاته شفتیک	K- Sheftik	-	-	-	-

روستاهای دهستان زیارت شیروان مرکز زیارت (Ziarat)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۲۶	کلاته صادق زاده	K- Sheftik	-	-	-	-
۲۷	کل حوض	K- Sheftik	-	-	-	-
۲۸	گره زو	Gareh- Zoo	۵۹	۲۹۵	۴	کردی- ترکی
۲۹	منصوران	Mansuran	۳۸	۲۲۳	۱۰	فارسی
۳۰	محمد آباد (محمد علیخان)	Mohammad- Abad	۳۱	۱۵۴	۱۰	کردی
۳۱	مرز خطاب	-	-	-	-	-
۳۲	مزرعه صادق زاده	-	-	-	-	-
۳۳	مزرعه کتابداری	-	-	-	-	-
۳۴	مزرعه مظلوم	-	-	-	-	-
۳۵	میرزاییک تذکار	-	-	-	-	-

روستاهای دهستان سیکانلو شیروان مرکز هنامه (Honameh)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۱	آسیاب جبار	Assiab- Jabbar	۳	۱۵	۴۲	کردی
۲	الاشلو	Olashlue	۴۹	۲۳۴	۴۰	کردی
۳	اوغاز تازه	Oqaz- Tazeh	۱۸۴	۷۹۴	۴۰	ترکی- کردی
۴	اوغاز کهنه	Oqaz- Kohneh	۱۸۶	۸۰۷	۴۵	ترکی
۵	بوانلو	Bowanlue	۲۰۳	۹۳۸	۴۱	کردی
۶	بی بهره	Be- Bahreh	۱۲۱	۵۸۲	۳۲	کردی
۷	پیرو دانلو	Pirodanlue	۴۱	۱۹۵	۴۱	کردی
۸	ترانلو	Toranlue	۸۹	۴۳۲	۴۴	کردی

روستاهای دهستان سبک‌کانلو شیروان مرکز هُنامه (Honameh)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۹	خلا جَلُو	Khallajluea	۶۸	۳۱۴	۴۲	کردی
۱۰	خرسکانلو (پسکوه)	Khersskanlue	۳۸	۱۷۷	۲۴	کردی
۱۱	چپانلو	Chappanlue	۶۴	۳۱۶	۴۴	کردی
۱۲	چارقالدی	Char- Qaldi	-	-	-	کردی
۱۳	حمزه کانلوسفلی	Hamzeh- Kanlue- s	۱۹	۸۹	۳۸	کردی
۱۴	دوآب	Doab	۶۱	۲۹۲	۴۰	کردی
۱۵	ذاکرانلو	Zakeranlue	-	-	-	کردی
۱۶	رشوانلو	Rashvanlue	۵۳	۲۵۲	۴۴	کردی
۱۷	زورتانلو	Zortanlue	۸۱	۳۹۱	۳۴	کردی
۱۸	دولو	Dolo	۳۴	۱۶۷	۴۶	کردی
۱۹	شرکانلو	Sharkanlue	۴۱	۲۱۰	۴۸	کردی
۲۰	شکرانلو	Shokranlue	۴۳	۲۲۰	۴۷	کردی
۲۱	قلعه بیگ	Qaleh- Beig	۱۲۳	۵۹۷	۴۲	کردی
۲۲	قلعه حسن	Qaleh- Hassan	۱۰۷	۵۱۴	۴۰	کردی
۲۳	قلعه چه	Qaleh- Cheh	۹۸	۴۹۸	۱۲	کردی- ترکی
۲۴	کلاته بالی	Kalateh- Bali	۴۸	۲۳۱	۴۶	کردی
۲۵	کلاته بابا	Kalateh- Baba	-	-	-	-
۲۶	کلاته نصرالله زعفرانلو	Kalateh- N. Zafaranlue	-	-	-	-
۲۷	کورکانلو سفلی	Korkanlue- S	۲۷	۱۳۱	۳۶	کردی
۲۸	قوچ قلعه	Quch- Qaleh	۵	۲۷	۵۰	کردی
۲۹	گدو کانلو (زیرکوه)	Gadukanlue	۶۹	۳۴۱	۲۳	کردی
۳۰	محمد دورانلو	Mohammad- Doranlue	۳۰	۱۴۵	۴۷	کردی
۳۱	نقده	Naqdo	۴۲	۲۱۹	۴۵	کردی
۳۲	ولو	Valo	۱۰	۴۳	۴۷	کردی
۳۳	هُنامه	Honameh	۱۳۸	۶۴۶	۱۸	کردی

روستاهای دهستان قوشخانه شیروان مرکزی قلعہ علیا (Yengeh - Qaleh - Olya)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۱	آق قلعہ	Aq- Qaleh	۳۵	۱۸۳	۵۵	ترکی
۲	امیریہ (امیرخان)	Amirkhan	۹	۵۴	۵۴	ترکی
۳	باغ	Baq	۹۲	۴۹۴	۵۵	ترکی
۴	بُززان علیا	Borzlan- Olya	۱۰۴	۶۵۷	۶۱	کردی-ترکی
۵	بُززان سفلی	Borzlan- Sofla	۳۳	۱۹۲	۶۱	کردی-ترکی
۶	پیره	Pireh	۴۶	۲۴۸	۵۶	کردی
۷	تفتازان	Taftazan	۶۶	۳۸۱	۵۴	ترکی
۸	جنگاه	jangah	۴۱	۲۲۱	۶۰	کردی-ترکی
۹	چورچوری	Churchuri	۷۹	۴۰۱	۶۸	ترکی
۱۰	حصار قوشخانه	Hessar- Q	۶۱	۳۲۷	۵۴	کردی-ترکی
۱۱	حلوا چشمه	Halva Cheshmeh	۸۷	۴۵۲	۵۸	ترکی
۱۲	خیر آباد	Kheir - Abad	۱۰۲	۴۹۸	۶۸	ترکی
۱۳	دده خان	Dadahkhan	۴۱	۲۸۲	۵۴	کردی
۱۴	رباط	Robat	۲۳۷	۳۵۴	۷۲	ترکی
۱۵	زو	Zow	۴۲	۲۵۳	۵۰	ترکی
۱۶	زیدر	Zidar	۱۷۹	۷۹۴	۶۲	ترکی
۱۷	سولدی	Sovaldi	۱۹۷	۱۵۶	۴۲	ترکی
۱۸	سرداب	Sardab	۸۵	۴۵۱	۷۵	کردی
۱۹	سرانی	Sarani	۷۹	۳۶۹	۷۹	کردی
۲۰	سنجد	Senjed	۱۴۳	۷۹۱	۶۵	ترکی
۲۱	شناقی علیا	Shanaqi- O	۳۲	۱۳۱	۶۰	ترکی
۲۲	شناقی سفلی	Shanaqi- S	۸۶	۴۹۱	۶۴	ترکی
۲۳	علیمحمد	Alimohammad	۸۲	۴۶۸	۵۷	کردی
۲۴	قَپَر	Qoppoz	۷۴	۳۸۹	۵۸	کردی
۲۵	قلهک علیا	Qolhak- O	۶۹	۳۵۷	۵۶	ترکی
۲۶	قلهک سفلی	Qolhak- S	۶۲	۲۹۴	۵۸	ترکی
۲۷	کاکلی	Kakoli	۶۸	۳۳۹	۵۷	کردی
۲۸	کلاته زمان	Kalatch- Zaman	۳۷	۱۶۲	۷۰	کردی
۲۹	ینگِی قلعہ علیا	Yengeh- Qaleh- O	۱۳۲	۷۷۲	۵۰	کردی
۳۰	ینگِی قلعہ سفلی	Yengeh- Qaleh- S	۳۸	۱۷۵	۵۱	ترکی

روستاهای گلیان مرکز گلیان (Gelyan)

ردیف	نام روستا	لاتین	خانوار	جمعیت	فاصله تا شهر به کیلومتر	زبان محلی
۱	اسطخری (استخری)	Estakhri	۲۲۳	۱۰۹۹	۲۸	ترکی
۲	امیرانلو	Amiranlue	۱۷	۵۹	۴۴	کردی
۳	امامزاده مشهدطرقی	Imamzadeh- M	۴	۱۹	۲۰	فارسی
۴	بُرزلی	Borzeli	۱۹۳	۸۸۹	۳۵	فارسی
۵	بلقان علیا	Bolqan- Olya	۱۴۲	۷۲۳	۳۳	کردی
۶	بلقان سفلی	Bolqan- Sofla	۵۵	۲۱۰	۳۳	کردی
۷	پیر شهید	Pir- Shahid	۱۴۵	۸۸۶	۵	کردی-ترکی
۸	تبریان	Tabarian	۱۱۷	۵۶۰	۴۰	کردی
۹	تبکانلو	Tabkanlue	-	-	-	-
۱۰	تنسوان	Tanasowan	۷۱	۳۵۴	۷	کردی-ترکی
۱۱	حصار پهلوانلو	Hessar- Pahlevanlue	۱۸۹	۹۸۹	۲۴	کردی
۱۲	خادمی	Khademi- G	۸	۳۸	۴۰	کردی
۱۳	رزمغان	Razmeqan	۱۸۸	۹۶۰	۱۲	کردی
۱۴	سنگ چین	Sang- Chin	۷۲	۲۹۲	۲۱	کردی
۱۵	قشلاق پامیر	Qeshlaq- Pamir	۴۹	۲۴۷	۳۶	کردی
۱۶	قوینانلو	Qoinanlue	۲۴	۱۲۷	۳۶	کردی
۱۷	گرماب	Garmab	۴۹	۲۴۷	۳۶	کردی
۱۸	کلاته گندآب	Kalateh- Gandab	-	-	-	-
۱۹	گلیان	Gelyan	۲۵۰	۱۱۴۴	۲۳	فارسی
۲۰	مشهد طرقی علیا	Mashhad- Tarqi-O	۱۱۷	۵۸۴	۲۴	فارسی
۲۱	مشهد طرقی سفلی	Mashhad- Tarqi- S	۱۴۲	۷۱۱	۲۴	فارسی
۲۲	ملا باقر	Molla- Baqer	۱۷۴	۹۲۹	۱۸	فارسی
۲۳	مزرعه ولایت	-	-	-	-	-
۲۴	ورگ	Varg	۱۳۱	۶۵۹	۱۱	فارسی

ترمیم خرابیها اقدام نماید، که طبق روال همیشگی مأموریتی تشریفاتی بوده است، در این موقعیت خطر عده‌ای از مردم خیر اندیش متوجه می‌شوند که از مرکز استان و دولت وقت برای مردم مصیبت زده شیروان کاری اساسی صورت نخواهد گرفت و چپاولگران نیز مشغول جمع‌آوری ارزاق عمومی هستند در نتیجه خودشان مستقیماً وارد عمل می‌شوند و با ایجاد ستادی به کمک همشهریان می‌آیند و در اندک مدتی به وضع اسف‌بار آن زمان اندکی سرو سامان می‌دهند، بطوری که برای تهیه نان مصرفی مردم گندم را با قیمت بالا می‌خرند و نان را با قیمت عادلانه در اختیار مردم قرار می‌دهند مردم به مرور زندگی عادی خود را تا اندازه‌ای به دست می‌آورند و از آن حالت بحرانی خارج و متوجه می‌شوند که در شرایط فعلی تعمیر و ایجاد ساختمان بر روی خرابه‌های شهر ممکن نیست. لذا ضمن تماس با مرکز، چند نفر کارشناس شهرسازی از مشهد اعزام می‌شود و پس از بررسیهای لازم بالاخره تصمیم می‌گیرند بنای شهر جدید شیروان از محل سابق به قسمت شمال شرقی شهر قدیم انتقال یابد که پس از بررسیهای لازم محل فعلی میدان انقلاب (فلکه یا باغ ملی سابق) را به عنوان مرکز شهر انتخاب می‌کنند چون با توجه به شیب زمین آب قناتها از قسمت شمال شهر تا میدان اصلی آن طوری جریان و منشعب می‌شد که تمام خیابانهای جدیدالاحداث را در بر می‌گرفت^{۱۲} پس از تعیین میدان اصلی شهر به ابعاد ۱۰۰×۱۰۰ متر چهار خیابان عریض^{۱۳} به اسامی خیابانهای: مشهد، خیابان بازار یا تهران، سبزواری و عشق آباد به ترتیب در چهار جهت خط کشی و جوی کنی می‌گردد و نقشه فعلی شهر شیروان به مرحله اجرا در می‌آید و خیابانهای دیگری نیز از این چهار خیابان اصلی منشعب می‌شود که هنوز هم اسکلت اصلی شهر به همین وضع می‌باشد و از مسؤولین ادارات دولتی خواسته می‌شود که محل مناسبی را در شهر جدید برای ساختمان اداره‌های دولتی انتخاب کنند و چون در آن زمان زمین ارزش چندانی نداشت هر مسؤول دولتی به تناسب، قسمتی زمین در حاشیه میدان و خیابانهای اصلی برای احداث بنای ساختمان اداره خود تعیین می‌کنند که بلافاصله سند مالکیت صادر می‌شد. اولین بناهایی که در شهر شیروان احداث شده، عبارتند از:

۱- آب انبار^{۱۴} در ضلع شمالی میدان انقلاب که کلاً از آجر ساخته شده بود و آب

۱۲- چون هنوز از شبکه‌های لوله کشی آب خبری نبود و آب مصرفی مردم بوسیله قنات تأمین می‌گردید.

۱۳- عده‌ای از مردم به عریض و طویل بودن خیابانهای شیروان اعتراض می‌کردند!

۱۴- آب انبار یکی از بناهای سنتی ایرانیان است که برای ذخیره آب آشامیدنی احداث می‌شد، در شیروان آب

آشامیدنی مردم را تا سال ۱۳۴۲ تأمین می‌کرد.

۲ - مسجد جامع در قسمت شمال میدان شهر و حاشیه خیابان عشق آباد^{۱۵}.

۳ - مدرسه دولتی نوشیروان در قسمت شمال شرقی میدان اصلی شهر که در وسط زمینی بابعاد ۷۰×۱۰۰ متر احداث می‌گردد. که دارای دو در ورودی بزرگ، دو سالن و ۱۲ کلاس درس بود^{۱۶}.

۴ - ساختمان فرمانداری در قسمت شمال شرقی میدان و حاشیه خیابان مشهد (سند مالکیت آن به نام شهرداری است).

۵ - حمام دولتی که دارای دو نمرة خصوصی و گرمابه بزرگ عمومی بود^{۱۷}.

و به مرور ساختمان شهربانی در ضلع شمالی و اداره آمار در قسمت جنوب غربی و تلگرافخانه در قسمت جنوبی میدان احداث گردید و مردم نیز با انتخاب زمین و احداث ساختمان و باغها در حاشیه خیابانها باعث توسعه شهر جدید شدند در ابتدا زمینها به صورت رایگان در اختیار متقاضیان قرار می‌گرفت ولی به مرور در هنگام ثبت مالکیت زمین، مبلغ ناچیزی از مردم دریافت می‌شد. روشنایی در شبها طبق معمول کهنه شهر بوسیله چراغهای فانوس بود که در معابر آویزان می‌کردند، به علت هجوم مردم به شهر جدید باغهای بزرگ شهر قدیم از آن جمله باغ سرکار شجاع الدوله (سرکار باغه) که در حد فاصل شهر قدیم و جدید قرار داشت و وسعت آن از انتهای خیابان تلفن خانه قدیم (جامی جنوبی) تا منازل حاج شیخ ملا محمد زاهدی و حاجی طالبی ها امتداد داشت به قطعات متعدد تقسیم و به منازل مسکونی تبدیل شد، در سال ۱۳۱۲ شمسی بودجه ای برای احداث بیمارستان شیروان از طریق مشهد ارسال می‌شود و مسئولین شهر تازه متوجه می‌شوند که محلی برای بنای بیمارستان پیش بینی نکرده اند معتمدان محلی پس از مشورت از مرحوم

قات معین یا آسیاب را هر هفته ای یکبار معمولاً شبها در منبع بزرگ این آب انبار ذخیره می‌کردند و برای برداشت آب می‌بایستی در حدود ۲۴ پله از داخل تونلی که با آجر بطرز زیبایی طاق (ضربی) زده شده بود به پایین می‌رفتند تا به شیر برداشت آب می‌رسیدی که معمولاً این کار توسط آب کشها انجام می‌گرفت.

۱۵ - مسجد جامع رضوی فعلی شیروان در محل همان مسجد قدیمی احداث شده است.

۱۶ - در حال حاضر مدرسه راهنمایی است و قسمتی از آن در اختیار بسیج و آزمایشگاه مرکزی قرار دارد.

۱۷ - ساختمان سازمان اداری و درمانگاه هلال احمر بر روی این بنای قدیمی احداث شده است. حمام دولتی شیروان در اوایل روزهای دوشنبه و پرتة زنان بود که عدم اطلاع عده ای از مردم و مراجعه مردها به حمام در روزهای دوشنبه صحنه های مضحکی را به وجود می‌آورد.

حاج شیر محمد^{۱۸} (حاجی شیرو) می‌خواهند منزل مسکونی و باغهای ملکی خودش را برای احداث بیمارستان در اختیار دولت قرار دهد که نامبرده نیز موافقت می‌کند و ساختمان بزرگ و مجهز بیمارستان شاهرضای شیروان احداث می‌گردد، این بیمارستان هنوز هم جوابگوی قسمتی از نیازمندیهای بیماران است^{۱۹}. شیروان از سال ۱۳۳۹ شمسی به بعد با ایجاد کارخانه قند و به وجود آمدن مشاغل مختلف و احتیاج به نیروی کار و زمین نسبتاً ارزان گسترش و توسعه فزاینده‌ای پیدا کرده است.

در این جا اشاره‌ای گذرا به ساختار شهر شیروان می‌شود تا مقایسه‌ای باشد برای آیندگان و تصمیمهای متخذه (سال ۱۳۶۷ شمسی).

خیابان امام رضا (ع)^{۲۰}: از میدان انقلاب در مسیر شرق منشعب و با عبور از چهارراه شفا و میدان قدس و سه راه کمربندی، چهارراه دانش، چهارراه فلسطین (سه یک آب) و سه راه خانه‌های سازمانی تا کارخانه‌های الیاف و اسفنج و نیروگاه ادامه می‌یابد و به جاده شیروان - مشهد منتهی می‌شود. این خیابان به صورت بلوار و وسط خیابان چمن و درختکاری گردیده است. از خیابان مشهد بیش از ۱۷ خیابان بزرگ منشعب می‌گردد که مهمترین آنها عبارتند از خیابانهای: شفا (شمالی و جنوبی) خیتام، ورزش، فردوسی، کمربندی، دانش، فهمیده، پاسداران، فلسطین و... و در مسیر آن ادارات^{۲۱} و مؤسسات زیر قرار دارند: فرمانداری و بخشدار، بانک صادرات، دفتر و منزل مسکونی امام جمعه، بیمارستان ۱۵ خرداد، درمانگاه بهداری، اورژانس بانک مسکن، سازمان اصناف، گرمابه گلها، سالن سر پوشیده ورزشی، میعادگاه بزرگ نماز جمعه، اداره تعاون و امور روستاها باشگاه ورزشی کشتی و گود زورخانه باستانی، اداره تربیت بدنی، داروخانه دکتر زیرک، شهرداری، دبیرستان دخترانه زینبیه اداره امور اقتصاد و دارایی، شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان پارک و کتابخانه کودک، پمپ بنزین، اداره بهداری اداره پست، سندیکای کامیونداران، پایگاه سپاه پاسداران، چاپخانه، اداره برق، کارخانه‌های الیاف و اسفنج، ساختمان جدید

۱۸ - حاج شیر محمد پدر بزرگ نگارنده بود که ۶۵۰۰ متر مربع از باغها و منزل مسکونی خودش را به رایگان در اختیار دولت قرار می‌دهد.

۱۹ - با توجه به جمعیت فعلی شیروان یکی از نیازهای اساسی مردم بیمارستان است.

۲۰ - اسامی سابق: خیابان شاهرضا - خیابان مشهد

۲۱ - ادارات و مؤسساتی که سند مالکیت دارند ذکر می‌شود.



خیابان امام خمینی شیروان عکس ۵-۱

فرمانداری، نیروگاه گازی و چندین دبستان و مدرسه راهنمایی و مغازه‌های متعدد و ساختمان نیمه تمام بیمارستان ۷۵ تختخوابی.

خیابان امام خمینی ۲۲: این خیابان از میدان انقلاب در مسیر غرب منشعب می‌شود و با عبور از چهارراه جامی، چهارراه کوچه خانلق (آذربایجانیه) و پل و چهارراه چنگل آباد



خیابان امام رضا (ع) شیروان عکس ۲-۵

و شهرک تا استادیوم بزرگ ورزشی شیروان ادامه دارد، این خیابان مرکز اصلی داد و ستد و امور بازرگانی و اجتماعی و اقتصادی مردم شهر و روستاهاست و ترافیک آن روزها نسبتاً سنگین است و با این که جاده کمربندی نیز احداث شده است اما به علت عدم مطالعه و بررسی در مسیر آن مشکلی را حل نکرده است بطوری که در حال حاضر خیابان کمربندی یکی از خیابانهای پر ترافیک و مسأله ساز است. از خیابان امام خمینی، خیابانهای متعددی انشعبا یافته است که معروفترین آنها عبارتند از: جامی شمالی، جامی جنوبی (تلفن خانه سابق)، آذربایجانیه، کوچه خانلق (مرکز اصلی معاملات روستائیان) کمربندی، چنگل آباد، گونبات، شهرک و خیابان جدید الاحداث ... ادارات و مؤسسات مهم این خیابان به قرار زیر است: بانک ملی، پاساژ قدس، داروخانه اطمینان، دفتر خانه های ثبت اسناد و املاک و عقد و طلاق، گرمابه بازار، مطب پزشکان، داروخانه رضا (شاهرضا)، بانک سپه، مسجد توکلی (یزدی ها)، کتابخانه عمومی، بانک تجارت، بانک صادرات

(استان) بانک تهران (ملّت)، داروخانه رضا رحمانی، ساختمان هیأت متحده حسینی، شرکت‌های مسافربری میدانهای میوه، سراهای تجار شهر. نمایندگی و کارگاه ایران خودرو، اداره راه و ترابری، سندیکای کامیونداران، شرکت مسافربری مینی بوس داران، شرکت و نمایندگی گاز مایع و مسیر اصلی مغازه‌ها، زرگری‌ها و فروشگاههای پوشاک و غیره.

خیابان سعدی^{۲۳}: مسیر این خیابان شمالی-جنوبی است و از میدان انقلاب شروع و تا باغهای چلو و دامنه‌های کوه «اغزقاپوق لی» و «قراول چنگه» امتداد می‌یابد. این خیابان از چهارراه گلستان، و چهارراه کمربندی و چهارراه ۲۰ متری هاشمی عبور می‌کند و خیابان‌هایی که از آن منشعب می‌شوند عبارتند از: آیه‌الله حکیم، گلستان، مسجد صاحب الزمان (عج)، کمربندی دبیرستان شریعتی و خیابان ۲۰ متری هاشمی و چندین خیابان دیگر و ادارات و مؤسسات این خیابان عبارتند از: بانک فرهنگیان (ملّت) شرکت تعاونی مصرف کارکنان دولت، شرکت تعاونی سپاه و بسیج، مسجد صاحب الزمان، بنیاد ۱۵ خرداد، گرمابه عمومی و خصوصی کاظمی، گروهان ژاندارمری، پاسگاه مرکزی ژاندارمری، شرکت تعاونی مصرف اسلامی، آتش نشانی شهرداری و چندین باب دبستان، مدرسه راهنمایی و دبیرستان^{۲۴}، گورستان قدیمی شهر، ۴ واحد مرکز تجاری و دو طرف خیابان دارای فروشگاههای متعدد است. این خیابان نیز یکی از مراکز عمده معاملات تجاری شیروان محسوب می‌شود چون در مسیر راه تمام روستاهای جنوبی شهرستان شیروان قرار دارد.

خیابان کاشانی^{۲۵}: این خیابان از میدان انقلاب شروع و به طرف شمال امتداد دارد، و به رودخانه قلجق (چایلق) و باغهای حصارچه ختم می‌شود. خیابانهای عمده آن عبارت است از: ابن سینا، جنت، معین، نوریان و خیابانهای ساحلی و حصارچه و ادارات و مؤسسات آن به قرار زیر است: مسجد بزرگ جامع رضوی، اداره شهربانی شیروان، گرمابه سعیدی، اداره مخابرات و مرکز تلفن خودکار ۲۰۰۰ شماره‌ای، ترابری و متوفیات شهرداری، موزائیک سازی، منابع آب شهر، چاههای عمیق شهرداری، دیوار ساحلی رودخانه و پل فلزی. **خیابان کمربندی^{۲۶}:** این خیابان که بدون مطالعه و بررسی لازم و با عرض نسبتاً کم به

۲۳ - اسامی سابق: سبزوار و اخیراً به خرمشهر تبدیل شده است.

۲۴ - بیشترین مدارس آموزش و پرورش شیروان در انتهای این خیابان قرار دارد

۲۵ - اسامی سابق: عشق آباد، گلشن، نادری

۲۶ - اسامی سابق: مهدوی، مسعودی، ابوذرغفاری، سلمان فارسی (عکس شماره ۶)

صورت نیم دایره‌ای ناقص از خیابان امام رضا روبروی پارک کودک منشعب و پس از عبور از مناطق پر جمعیت به پل بزرگ شهر که بر روی رودخانه چایلق بسته شده است ختم می‌شود که در قسمت جنوبی شهر کشیده شده است، خیابان مذکور در حال حاضریکی از شلوغ‌ترین خیابانهای شیروان است که از ۸ چهارراه می‌گذرد و بیش از سی خیابان از آن منشعب می‌گردد که مهمترین آنها عبارتند از: خیابانهای سلمان، فردوسی، گلستان، فروغی، خیام، مولوی، جامی جنوبی، کشتارگاه، جهاد، آذربایجانیه، امامزاده غیبی و... ادارات و مؤسسات مهم این خیابان نیز شامل: اداره ثبت املاک، اداره راهنمایی و رانندگی، اداره آموزش و پرورش، امور تربیتی و تربیت بدنی آموزشگاهها، گرمابه عمومی و خصوصی کشاورز، دادگستری، کارخانه کشمش و یخ سازی، کودکان، نوانخانه، گرمابه ولی عصر، دبیرستانهای سمیه و کاشانی و مدارس راهنمایی امیرکبیر و چندین باب دبستان، مقبره امامزاده غیبی، ساختمان بزرگ هیأت متحده ابوالفضل، سالن سر پوشیده



خیابان کمر بندی شیروان عکس شماره ۶

ورزشی آموزشگاهها، استادیوم ورزشی آموزش و پرورش، بنگاههای معاملات ملکی و اتومبیل و کارگاههای صنعتی است.

محلات معروف شیروان

شهر شیروان با توجه به بافت قدیمی آن دارای محلاتی است که بیشتر به آن نام شناخته می شوند تا اسامی جدید، معروفترین این محلات عبارتند از:

محله حصارچه: این محله در قسمت شمال و شمال غربی مرکز شیروان و در حاشیه غربی رودخانه چایلق قرار دارد که از محلات قدیمی شهر است و عامل اصلی به وجود آمدن آن در سابق قنات شیروان بوده که از این مسیر جاری می شده است. بیشتر منازل حصارچه به باغها منتهی می شود، تا سال ۱۳۱۵ شمسی محله حصارچه فقط شامل باغهای میمی بود و عده ای از باغداران در فصل برداشت محصول به آنجا کوچ می کردند و در اواخر پاییز به شهر بر می گشتند ولی با احداث دوپل در انتهای خیابان کاشانی و ابتدای خیابان خائلق (جاده سابق شیروان- بجنورد) و افزایش جمعیت، ابتدا مالکان محل به احداث منازل مسکونی مبادرت کردند و بعداً هجوم دیگر شهروندان به این محله آغاز شد، در مسیر قنات شیروان در سابق دو آسیاب (آبی) وجود داشت که بوسیله آب همین قنات کار می کرد و آرد مصرفی مردم را تأمین می کرد^{۲۷} که امروزه آسیاب پایین، درست در وسط خیابان حصارچه قرار گرفته است و آثاری از آن دیده نمی شود، مردم حصارچه معمولاً به زبان ترکی محلی تکلم می کنند و در برگزاری جشنها و عیدها هنوز هم تمام آداب و رسوم و سنتهای بسیار قدیمی را حفظ کرده اند، بطوری که در جشن عروسی، مراسم داماد سلطانی، حنابندان، سیب زدن و پایتختی بطور سنتی همراه با رقصهای محلی (چوب) به مرحله اجرا در می آید، مردم حصارچه افرادی زحمتکش، پرکار و مهربان هستند.

محله ارک: این محله قدیمی ترین قسمت شهر شیروان محسوب می شود که امروزه در جنوب غربی مرکز شهر و در اطراف تپه ارک و امامزاده غیبی قرار گرفته است، وضع

۲۷- این قنات هنوز هم احیاست و آب مصرفی باغداران همان محل را تأمین می کند.

کوچه ها و معابر آن هنوز دارای بافت سابق است و آثار برجها و دروازه معروف ارک مشاهده می شود، مردم ارک از بومیان سابق هستند و به زبان ترکی صحبت می کنند و از ویژگیهای ساکنان این محله احترام به بزرگترها و کمک و همکاری نسبت به یکدیگر و امور خیریه می باشد، ارکی ها در برگزاری اعیاد دینی و مجالس سوگواری و ختنه سوران و ازدواج و برگزاری کشتی با چوخه و بازیهای محلی هنوز هم سنتهای قدیمی را که در مواردی بسیار دیدنی و عرفانی است حفظ کرده اند، گذشته از خصوصیات اخلاقی ارکیها، افراد سالخورده این محله می توانند به عنوان یک دایرةالمعارف خاطرات گذشته شیروان مانند: جنگها، حکومتهای خانخانی، درگیریهای قومی، پیروزیها، شکستها و اتفاقات تلخ و شیرین را با جزئیات آن در اختیار شما قرار دهند، در این محله قدیمی تپه ارک، مقبره امامزاده غیبی و ساختمان بزرگ هیأت متحده ابوالفضل قدیمی ترین هیأت عزاداری شیروان واقع است.

محله شهرک: این محله در قسمت انتهایی شمال غرب مرکز شهر قرار دارد و از محلات جدید شهر است^{۲۸} تا سال ۱۳۴۵ حتی یک خانوار در آن جا سکنا نداشت و بیشتر به عنوان زمین مزروعی مورد استفاده قرار می گرفت در سال ۱۳۵۲ شمسی با احداث ۲۴۰ دستگاه خانه مسکونی از طریق استانداری خراسان و ایجاد پارک و فضای سبز و خیابانهای متعدد در اندک مدتی جمعیت زیادی را جذب و تعداد خانه های مسکونی نیز افزایش یافت، مردم شهرک از طبقات مختلف تشکیل یافته بطوری که از مسؤولان ادارات شهری گرفته تا روستاییان مهاجر و بعضی از بومیان قدیمی در این محله زندگی می کنند، این محله دارای ادارات و مؤسسات زیر است: هنرستان فنی صنعتی، آموزشگاه حرفه ای، ندامتگاه، اداره مرکزی شرکت ملی گاز شیروان گرمابه های خورشیدی و وحدت، مهد کودک بهزیستی، کوی مسؤولان ادارات و چندین دبستان و مدرسه راهنمایی و دانشگاه آزاد اسلامی و...

محله کهنه شهر: باقیمانده شهر قدیم شیروان است که در جنوب غربی مرکز شهر واقع می باشد، این محله روزگاری مرکز تصمیم گیریهای منطقه شمال خراسان بود که به علت زلزله سال ۱۳۰۸ شمسی قسمت زیادی از آن تخریب شد اما به مرور ساختمانهای جدیدی بر محلات شهر قدیم (جَنک کوچه، قپان محله، دلاک محله، آرمه کوچه، قرشمال کوچه رنگرز کوچه و بلبل دوشی و مختار شاه) احداث گردید و وصف این هنوز اتاقهای منازل

۲۸ - در قسمت غربی این محله، بناست شهرک بزرگی از طریق سازمان زمین شهری احداث گردد.

قدیمی شهر با طاقچه‌ها و رف‌های متعدد و اجاق دیواری قدمت این محله را در اذهان تداعی می‌کند، منازل آذریهای خوش سلیقه نیز در این محله به نام خیابان ترکها قرار داشت که هنوز هم عده‌ای در همان محل سابق ساکنند، مردم این محل همان بومیان قدیمی شیروان هستند که به زبان ترکی محلی صحبت می‌کنند و به اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم سنتی بسیار پای بندند. و بیشتر باغدار و کشاورزند و در عید نوروز مراسم جلوس عید را برگزار می‌کنند.

محله چنگل آباد^{۲۹}: این محله بین شهرک طالقانی و حصارچه و در حاشیه شمالی جاده شیروان- بجنورد قرار دارد و منطقه سیدآباد (زیبا شهر) را نیز در بر می‌گیرد. بافت خانه‌سازی در این محله هم دارای منازل و خانه‌های گلی و هم ساختمانهای جدیدالاحداث می‌باشد، مردم ساکن در چنگل آباد را بجز عده‌ای معدودی که از مالکان بومی شیروان هستند بقیه را روستاییان مهاجر تشکیل می‌دهند، که به علت مشکلات زندگی در روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند و با احداث ساختمان به زندگی شهری مشغولند این محله دارای یک خیابان اصلی است که در مسیر جنوب به شمال امتداد دارد و چندین خیابان فرعی بزرگ و کوچک و کوچه‌های متعدد از آن منشعب می‌گردد و چون چنگل آباد در مسیر راه روستاهای شمالی شیروان مانند: دهستانهای تکمران، جیرستان، قوشخانه، سبکانلو و شیخ امیرانلو... واقع شده از مراکز پررفت آمد و شلوغ محسوب می‌شود^{۳۰}، در بعضی از نقاط آن هنوز تاکستانهایی دیده می‌شود که از گزند شهرسازی در امان مانده است و اخیراً از طرف شهرداری در دامنه شمالی این محله (اطراف منبع آب) درختکاری و فضای سبز ایجاد شده است. این محله از طرف شمال به دامنه کوه کم شیبی به نام تپه خانلق می‌رسد و یکی از قطبهای کارگری فصلی را تشکیل می‌دهد.

محله جهاد^{۳۱}: محله جهاد در قسمت جنوب و جنوب شرقی تپه ارک و در مسیر سابق راه شیروان به مشهد در عهد قاجاریه و کنار برجها و خندقهای شهر قدیم شیروان واقع شده است که از طرف شمال به خیابان جهاد (پیشاهنگی سابق) و اداره بهزیستی (سازمان زنان

۲۹- در مورد وجه تسمیه چنگل آباد مردم معتقدند چون زمین این محل برای کشاورزی مساعد نبود، هنگامی که از کشاورزان سؤال می‌شد، محصول امسال چگونه است؟ جواب می‌دادند یک چنگل (یک مشت) که به مرور به چنگل آباد تبدیل شده است.

۳۰- وجود دو کارخانه اسفالت و دو کارگاه شن شویی و مرغداریهای متعدد در نزدیکی چنگل آباد یکی دیگر از عوامل ترافیک در این محله می‌باشد.

۳۱- به زمینهای کشوری هم معروف است.

سابق) و از طرف جنوب به رودخانه اترک (قاره کال) و زمینهای کشاورزی و از طرف شرق به خیابان کشتارگاه و از طرف غرب به باغهای «باغ آستی» محدود است این محله تا سال ۱۳۵۱ شمسی بیش از چندین خانوار سکنه نداشت ولی در حال حاضر دارای چندین خیابان اسفالت و کوچه‌های متعدد می باشد که اکثر ساکنان آن را مهاجران و دامداران و عشایر تشکیل می دهند و یکی از محلات فوق العاده پر جمعیت شیروان است. در این محله: اداره بهزیستی، جهاد سازندگی، سالن سرپوشیده ورزشی، استادیوم ورزشی، استخر شنا، کشتارگاه، مهد کودک، مسجد و دبستان و ... قرار دارد.

محله سه یک آب ۳۲: این محله در قسمت شمال شرقی مرکز شهر قرار دارد و حدود آن از طرف شرق به زمینهای کشاورزی و کارخانه‌های الیاف و اسفنج و از طرف غرب به رودخانه چایلق و از طرف شمال به زمینهای مزروعی و از طرف جنوب به خیابان اصلی امام رضا (ع) محدود می گردد. تا سال ۱۳۴۰ شمسی جمعیت سه یک آب به ۵۰ خانوار نمی رسید که بیشتر آنها در مسیر راه شوسه سابق شیروان به قوچان در خانه‌های گنبدی شکل که مخصوص ایل خاوریهاست زندگی می کردند و از شهر نیز فاصله داشتند اما در طی چند سال این محله از دو طرف به سرعت گسترش یافت و ساختمانهای احداث شده به شهر ارتباط پیدا کرد بطوری که در حال حاضر مدرسه راهنمایی ۲۲ بهمن و شاهد و چندین دبستان، اداره کشاورزی، انبارهای اداره کشاورزی و تعاون روستایی، تأسیسات گاز شهر و هواشناسی، کوی پلیس، درمانگاه بهداشتی و ... این محله را به یکی از مراکز اصلی شهر تبدیل کرده است، ساکنان بومی سه یک آب از ایل خاوری هستند و به زبان فارسی صحبت می کنند خاوریها مردمی بسیار زحمتکش و راستگومی باشند و اغلب دارای مشاغل کشاورزی هستند.

محله گون بات ۳۳: این محله در اکثر شهرهایی که دارای قدمت تاریخی و ترک زبانند وجود دارد و معمولاً به قسمت غرب شهر اطلاق می شود، بافت خانه سازی در این محل معمولاً به سبک قدیم و فاقد خیابان یا کوچه‌های مستقیم است، با توجه به آثار و نشانه‌هایی که در این محله وجود دارد عده ای از معمرین محلی معتقدند شهر قدیم شیروان ابتدا در این قسمت مرکزیت داشته و به مرور زمان به طرف خوشه گاه و ارک تغییر مکان یافته است.

۳۲- چون آب از آب رودخانه چایلق سهمیه کشاورزان این منطقه می باشد و به بربر قلعه نیز معروف است.

۳۳- کلمه ای ترکی و به معنی غروب خورشید است.

مردم گون‌بات نیز به زبان ترکی محلی سخن می‌گویند این محله از طرف جنوب به رودخانه چایلق و از طرف شمال با چنگل آباد ارتباط دارد.

محله دانش: این محله از شمال به خیابان امام رضا (ع) و از جنوب به رودخانه اترک و از طرف شرق به کوی کارمندان دولت و کارگران و از طرف غرب به خیابان کمربندی محدود می‌گردد. محله دانش شیروان از محلات پرجمعیت و دارای خیابانهای عریض و طویل و ساختمان‌های نسبتاً مدرن می‌باشد که ساکنان آن را کسبه، رؤسای ادارات، کارمندان دولت، کارگران کارخانه‌ها و مردم عادی تشکیل می‌دهند، منازل قسمت شمالی دانش بیشتر از آجر و آهن و سنگ مرمر و بازیربنایی زیاد ساخته شده در صورتی که هرچه به طرف جنوب و حاشیه رودخانه اترک پیش رویم از وسعت ساختمانها و نوع مصالح بکار رفته کاسته می‌شود. ساکنان قسمت جنوبی دانش و خیابان هاشمی معمولاً در معرض خطر سیل رودخانه اترک می‌باشند بطوری که سیل سال ۱۳۵۴ شمسی باعث خرابی منازل و



خیابان بیژن (خانلق) مرکز اصلی اقتصاد شهر و روستا. عکس شماره ۵-۳

زیانهای برای مردم این قسمت گردید با این که سیل بندی خاکی برای جلوگیری از خطر سیل کشیده شده است مع الوصف می بایستی اقدامی اساسی برای حاشیه نشینان رودخانه اترک (قره کال) به عمل آید. (نقشه ۶۳).

نژاد و تیره مردم شیروان

بررسی و تحقیق نژاد و تیره مردم شیروان که از نظر موقعیت مکانی در خراسان شمالی قرار دارد، با توجه به مهاجرتها، جنگها، کوچها و اختلاط نژاد و تاخت و تاز اقوام مختلف در طول قرون گذشته نه تنها از توان نگارنده خارج است بلکه به علت پیچیدگی مسأله برای هر نژاد شناس ماهر و زبده ای نیز مشکل خواهد بود تا بطور دقیق پاسخگوی آن باشد. آقای دکتر عباس سعیدی رضوانی استاد دانشگاه مشهد بر این باور است که: در خراسان شمالی ۳۴ در سطحی حدود ۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع تقریباً تمام گروههای قومی موجود در ایران زندگی می کنند^{۳۵}. با این جمله کوتاه مشخص می شود که مطالعه در این مورد با چه دشواریهایی مواجه است، اما چون نژاد و تیره مردم شیروان نمی تواند از نژاد مردم شمال خراسان مستثنا باشد با مراجعه به مآخذی که در این مورد تحقیقاتی انجام داده اند تا حد امکان به بررسی اجمالی آن می پردازیم.

دکتر محمد جواد مشکور می نویسد: «ایالات پارت در کتیبه های داریوش با خراسان امروز تطبیق می کند». استرابون جغرافی نویس معروف یونانی که در سال ۵۰ قبل از میلاد به دنیا آمده است در کتاب جغرافیای خود جلد ۱۱، فصل ۹، بند ۳ می نویسد که: «پارتی ها از قوم داهه بودند و مردم داهه در آغاز در کنار دریای آرف کنونی نشیمن داشتند و سپس از آنجا کوچیده بسوی خوارزم رفته و نیز از گرگان گذشته به خراسان مهاجرت کردند^{۳۶}». به

۳۴ - منظور از خراسان شمالی تمام حوضه آبریز کشف رود و حوضه آبریز آن بخش از رودخانه اترک که در خراسان واقع است و تمام دامنه های شمالی کوههای کپه داغ می باشد.

۳۵ - دکتر عباس سعیدی رضوانی، «نگاهی به ویژگیهای انسانی خراسان» مجموعه سخنرانی نخستین سمینار مسائل ناحیه ای ایران، مشهد: ۱۳۵۴/ش.

۳۶ - دکتر محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، ج ۱، ص ۹۹.

عقیده بعضی پارت قدیم همان درّه خراسان است و ابتدای آن از فولاد محله هزار جریب آغاز و به بند فریمان هرات منتهی می شود، داهه ها در روزگار اسکندر مقدونی در صحراهای میان آمودریا و سیر دریا^{۳۷} به ییلاق و قشلاق می پرداختند، از پایان سده چهارم پیش از میلاد پارتیها از دیگر قبیله های داهه جدا شده به سوی مغرب و دریای خزر به راه افتادند، ایشان در سر راه خود شهر اسکندریه را در مرغیان و هراکلید را در آریا (هرات) ویران ساختند، این شهر دیگر باره به دست آنتیو^{۳۸} خوس اول تجدید بنا گردید و به نام آنتیو^{۳۹} خا و آخانیا^{۴۰} تغییر نام داد^{۴۱}. اعتماد السلطنه می نویسد: عقیده نگارنده بر آنست که دهستان یاقوت و سرزمینی که طایفه داهی در آن می زیسته اند شامل بر بجنورد، شیروان، و قوچان و دره گز تا طوس بوده است^{۴۲}». «تارن^{۴۳} عقیده دارد که قوم داهه قبایل مختلفی بودند که تیره های اصلی ایشان ایرانی نژاد بوده و به زبان ایرانی شمالی که نزدیک به زبان سغدی بود سخن می گفتند^{۴۴}».

یوستی نوس مورخ معروف رومی می نویسد. «پارتی از مردم سکایی بودند و لفظ پارت به زبان سکایی به معنی تبعید است، از مجموع این اقوال چنین نتیجه گرفته می شود که پارتی ها از آریاهای ایرانی بودند و به یکی از زبانهای ایرانی که پارتی یا پهلوی باشد گفتگو می کردند^{۴۵}».

یاقوت حموی جغرافیدان و مورخ معروف اسلام در عهد مغول که اصلاً یونانی است می نویسد: «محل زندگی قوم سکاها (اسکیت) را سرزمینهای مازندران و خوارزم ذکر کرده اند که محققین فعلی این نواحی را با حدود بجنورد، شیروان و قوچان و ... تطبیق می کنند^{۴۶}».

مشیرالدوله در مورد نژاد مردم شمال شرقی خراسان می نویسد: در مورد نژاد پارت ها

۳۷ - آمودریا همان رود جیحون و سیر دریا همان رود سیحون است که در ترکستان شوروی جریان دارند.

38 - Antiochus 39 - Antiochia 40 - Achaia

۴۱ - محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، ص ۱۰۰

۴۲ - اعتماد السلطنه، در التیجان فی تاریخ بنی الاشکان، ج ۱، ص ۱۸۹.

43 - Taren

۴۴ - محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، ج ۱، ص ۱۰۱.

۴۵ - همانجا نقل از کتاب ۴۱ بند ۱ یوستی نوس

۴۶ - شهاب الدین یاقوت حموی، معجم البلدان.

مذتهای بین مورخین اختلاف نظر وجود داشت بطوری که عده‌ای از مورخین مردم خراسان را از نژاد آریایی و عده‌ای از نژاد مغولی و چینی (گرائیت ایللی) و بعضی هم از اختلاط هر دو نژاد می‌دانستند اما پس از مطالعات دقیق معلوم گردید نژاد مردم خراسان فعلی آریایی است^{۴۷}. سعید نفیسی مؤلف تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران می‌نویسد: «قبل از اسلام اختلاط قبایل ترک و آریایی در شمال شرقی خراسان دیده می‌شود، بهر حال هم نژاد ترکان و هم نژاد مغولان در آخرین نظریه محققین نژادشناس هند و اروپایی یا آریایی مشخص شده است^{۴۸}. بار تولد، مستشرق روسی می‌نویسد: «... جبال خراسان که امروز سرحد بین ایران و روسیه است و در عهد قدیم و هکذا در قرون وسطی^۱ سکنه واحه‌های واقع در امتداد دامنه‌های جبال را ایرانیان تشکیل می‌دادند، ولی بدیهی است که واحه‌های مزبور بواسطه موقعیت جغرافیایی خود ناچار می‌بایستی غالباً مورد حملات متعدد کوچ نشینان ترک واقع شده و به تصرف آنان درآید، از همین تاریخ این سرزمین ترکی آتک و یا بطور اصح اتیاک که بمعنای ولایت دامنه، کوهپایه است نامیده شد^{۴۹}».

صنیع الدوله می‌نویسد: «در سلطنت سلطان حسین که امور دولت مختل گردید، اکراد آخال نشین از تاخت و تاز ارگنجی و بخارایی شوریده روی بکوه و معقلهای سخت گذاشتند و آن زمان ولایت شیروان و بجنورد و قوچان و سملقان مسکن طایفه گرایلی بود، اکراد برای اینکه یورتری به جهت خود بدست آرند بنای زد و خورد را با طایفه گرایلی گذاشتند و در اندک مدتی آنها را از محالات مزبور خارج ساختند... و بر این نواحی استیلا یافتند و شیروان را یورت قرار داده تمام چهل هزار خانوار اکراد چمشگزک را که زعفرانلو و شادلو و کاوانلو و عمارلو و قراچورلو باشند، در یورتهای قوچان و شیروان و بجنورد و مضافات ساکن ساختند^{۵۰}».

«قسمتی از عشیره ترک افشار در زمان شاه اسمعیل اول به مرز خراسان و دشت اتک و مرو کوچ داده شد^{۵۱}» بطور کلی «به علت آنکه خراسان شمالی دروازه ایران به طرف

۴۷ - مشیرالدوله، تاریخ ایران.

۴۸ - سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی سیاسی ایران، ص ۶.

۴۹ - بار تولد، استاد و تذکره جغرافیای تاریخی ایران به نقل از ترکنامه، شاکری، ص ۲۸۲،

۵۰ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۵۷

۵۱ - تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، ص ۲۸۷

آسیای مرکزی و سرزمینهای ماوراءالنهر و ترکستان بوده، از مهاجمان و مسافران شرقی هر گروهی که به ایران حمله می‌کرده و یا وارد ایران می‌شده، بخشی از جمعیت خود را در این سرزمین ساکن می‌کرده است و یا خود ساکن می‌شده‌اند، انواع گروههای ترک، که وقتی به ریشه تاریخی آنها باز می‌گردیم، برخی متعلق به دوره غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانیان و تیموریان می‌باشند از این گروه‌ها. بنابر این ریشه عده‌ای از ترکان خراسان چون ترکان گرایلی، جانی قربانی و غیره مربوط به قبل از دوران صفویه هستند.^{۵۲} و همچنین اختلاط شدید قبایل و مهاجرت اولیه آریائی‌ها در قبل از میلاد و کوچانیدن اکراد در زمان شاه اسماعیل و شاه عباس اول و ساکنین اولیه شیروان که گرائیت ایللی^{۵۳} بودند و مهاجرت مهنی‌ها^{۵۴} و قارشی قیزی‌ها^{۵۵} و آذری‌ها^{۵۶} در یک جمع بندی کلی، می‌توان نتیجه گرفت که اصل نژاد مردم شیروان چه ترک و چه گُرد^{۵۷} و چه فارس مانند دیگر مردم خراسان شمالی «آریایی» است «خوشبختانه مسأله نژاد و تیره در جوامع اسلامی برخلاف برخی از کشورهای غیر اسلامی امر حل شده‌ای است، زیرا طبق آیین مقدس اسلام رنگ و نژاد (چون فارس، ترک، کرد و عرب) در برتری هیچ قوم و ملتی مؤثر نیست و به مصداق آیه کریمه قرآن «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ^{۵۸}» آنچه حاکی از شایستگی یک ملت است میزان ایمان و تقوای آن قوم و ملت است^{۵۹}».

۵۲ - دکتر محمد حسین پاپلی یزدی. مقاله «نقشه‌پراکندگی زبانها در روستاهای شمال خراسان» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۱۰ ص ۲۶

۵۳ - گرایلی یا گرائیت ایللی از ساکنین اولیه شیروان بودند که قبل از اسلام دارای دین مسیحی و با زرتشتیان در این منطقه زندگی می‌کردند (نقل از تاریخ ایران و مطلع الشمس).

۵۴ - مهنی‌های شیروان که در روستای الله آباد شیروان زندگی می‌کنند در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه و طبق قرار داد ننگین آخال بین ایران و شوروی به این منطقه آمده‌اند نژاد و زبان این طایفه ترکی است، تاریخ شیروان، ص ۴۱۱.

۵۵ - طایفه قارشی قیزی‌ها که در روستاهای بزرگ زوارم و اسطرخی شیروان زندگی می‌کنند پس از حمله مغول از طریق بخارا به آذربایجان رفته و در زمان شاه اسماعیل صفوی به منطقه شیروان انتقال یافته و به زبان ترکی تکلم می‌کنند.

۵۶ - آذری‌های شیروان در دوره قاجاریه و بعد از تغییر حکومت در شوروی بیشتر از آذربایجان به این منطقه آمدند و عده بسیار کمی نیز از عشق آباد و قره‌باغ. (نقل از تاریخ شیروان دستخط میرزا براتعلی شیروانی ص ۴۱۱)

۵۷ - ترک و گُرد هر دو ایرانی و نژادشان آریایی است (نقل از کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او تألیف رشید یاسمی، ص ۷).

۵۸ - بدرستی که گرامی‌ترین شما نزد پروردگار پرهیزکارترین شماست (سوره حجرات، آیه ۱۳)

۵۹ - رمضانعلی شاکری اترک‌نامه، ص ۲۸۳.

زبان مردم شیروان

مقاله علمی، تحقیقی آقای دکتر محمد حسین پاپلی یزدی استاد دانشگاه مشهد به نام «نقشه پراکندگی زبانها در روستاهای شمال خراسان» در فصلنامه تحقیقات جغرافیائی شماره ۱۰، نگارنده را از تحقیق درباره زبان مردم شیروان که از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار است بی نیاز کرد و آنچه در ذیل مطالعه می‌کنید از این مقاله ارزشمند اقتباس شده است.

«۱- در کمتر نقطه‌ای از جهان در سطحی چنین کوچک (خراسان شمالی، که در برگرفته شیروان نیز می‌گردد) به این چنین مخلوطی از اقوام و زبانها و لهجه‌های متفاوت برخورد می‌کنیم.

۲- در حال حاضر این اقوام با همه تفاوتها و ویژگیهای قومی- زبانی و فرهنگی و علی‌رغم داشتن تاریخی آشفته و گاه خون‌آلود با هم به آرامش و مسالمت زندگی می‌کنند.

۳- این زندگی مسالمت آمیز و در آمیختگی قومی- فرهنگی در بین اقوام و زبانهای مختلف در شمال خراسان و ویژگی بزرگ انسانی این ناحیه است»^{۶۰}.

مردم شهر شیروان معمولاً به زبان ترکی محلی (بومی) که قدمت اقامت آنها به چندین قرن پیش می‌رسد تکلم می‌کنند اما زبان روستایان شیروان از ترکیب خاصی برخوردار است، مثلاً مردم روستاهای زوارم، بزآباد و مشهد طرقي که به ترتیب در فواصل ۲ و ۸ کیلومتری یکدیگر قرار گرفته‌اند، زوارمی‌ها: ترکی، بزآبادی‌ها: کردی و مشهد طرقي‌ها: فارسی صحبت می‌کنند و یا قراء اسطرخی، پهلوانلو و گلیان که هر سه در مسیر یک دره واقع شده‌اند و جزو یک دهستان هستند به ترتیب: ترکی، کردی و فارسی تکلم می‌کنند و هیچ‌گونه اختلافی نیز با هم ندارند. «این آرامش بسادگی به دست نیامده است. برخی از این گروهها در طول قرون با هم به زد و خورد مشغول بوده‌اند. داستان ترکمن تازی و بر خوردهای میان کردها و ترکمنها و سایر اقوام خراسان مسأله‌ای است که تا حد زیادی شناخته شده است»^{۶۱}. در رابطه با اختلاف قومی- زبانی و فرهنگی آقای دکتر پاپلی یزدی

۶۰- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی ص ۲۴.

۶۱- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، مقاله «نقشه پراکندگی زبانها در روستاهای شمال خراسان» فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، ص ۲۵.

تحقیقی در دو روستای نوار مرزی دهستان قوشخانه شیروان انجام داده‌اند که بسیاری از واقعیتها را در این مورد مشخص می‌کند^{۶۲} به هر حال با توجه به آماری که در سال ۱۳۶۵ شمسی انجام گرفته است و در «شناسنامه شهرستان شیروان» ثبت است مردم شهرستان شیروان به سه زبان ترکی، کردی و فارسی و با درصد ۴۹/۲٪ ترکی^{۶۳} ۳۶/۶٪ کردی^{۶۴} و ۱۴/۲٪ فارسی تکلم می‌کنند.

نگرشی بر جمعیت شهر شیروان

افزایش سریع جمعیت شهر شیروان را در دهه گذشته می‌توان ناشی از مرکزیت شهری

۶۲ - «در مرداد ۱۳۶۷ مسافرتی به روستاهای خیرآباد، سرداب سرانی از روستاهای مرزی شهرستان شیروان داشتیم. در روستای سرداب بخشی از مردم به «غریبه‌ها» مشهورند. معلوم شد که در حدود سال ۱۳۱۲ شخصی به نام محمد معروف به محمدتات از اهالی سیزوار به این روستا آمده است. این شخص در روستای سرداب اسکان یافته و همسری از مردم روستا اختیار کرده است. فرزندان این شخص که در این روستا بزرگ شده‌اند نیز از همین محل همسراختیار کرده‌اند و فرزندان آنها نیز برخی ازدواج کرده‌اند و امروز صاحب فرزند هستند با وجود گذشت بیش از ۵۵ سال و ازدواجهای مکرر نوه‌ها و نواده‌های محمدتات که از طرف مادر همگی ریشه در این روستای کرد زبان دارند (بسیاری از نواده‌های زیرسی سال محمدتات حتی فارسی نمی‌دانستند) به عنوان غریبه نامیده می‌شوند. فرزندان محمدتات به علت پشتکار و تلاش امروزه جزو افراد ثروتمند ده هستند. ولی هنوز وقتی در مدرسه و یا کوچه بین بچه‌ها دعوا می‌شود، بچه‌های غریبه‌ها در یک دسته‌اند غیر غریبه‌ها در دسته متقابل. حتی دایه‌ها کمتر در صف خواهرزاده‌های خود که جزو غریبه‌ها محسوب می‌شوند قرار می‌گیرند، آنها ترجیح می‌دهند با کسانی باشند که وابستگی فامیلی دورتری دارند. ولی از نظر قومی و زبانی از یک ریشه‌اند، هرگاه بین افراد بزرگ بر سر آب و ملک و دام دعوايي باشد غریبه‌ها باید روی افراد پدری خود حساب کنند و نه روی اقوام و فامیل مادری خود، البته روزبه روز از شدت وحدت این دوگانگی کاسته می‌شود. ولی آیا باید چند مدت و چند نسل دیگر صبر کرد تا دیگر کسی در این روستا غریبه نباشد، آیا در آینده غریبه در این روستا مفهوم اصلی خود را از دست نخواهد داد و به صورت طایفه‌ای مستقل تجلی نخواهد کرد؟ در روستای خیرآباد که در ۶ کیلومتری این روستا واقع است و ترک زبان است افراد کردی که در روستا ساکن هستند جزو غریبه‌ها محسوب می‌شوند و تقریباً همین ماجرا وجود دارد» نقل از مقاله: «نقشه‌پراکنندگی زبانها در روستاهای شمال خراسان» دکتر محمد حسین پاپلی یزدی استاد دانشگاه فردوسی مشهد فصلنامه تحقیقات جغرافیائی شماره ۱۰، ص ۳۰ و ۳۱ لازم به توضیح است که در این مسافرت تحقیقی آقایان دکتر علی اصغر آریائی و دکتر رضا رحمانی فضلی اساتید دانشگاه مشهد و عده‌ای از دانشجویان رشته جغرافیا و نگارنده نیز در معیت اساتید بودیم.

۶۳ - شامل ترکی بومی، آذری، قارشی قیزی، مهنی و افشاری و گرایلی می‌باشند

۶۴ - زبان کرم‌انجی

و جذابیت مهاجرپذیری^{۶۵} شهر شیروان و برهم خوردن توازن اقتصادی- جمعیتی در منطقه دانست. نتایج بررسی و مقایسه داده‌های سرشماریهای سالهای ۶۵ و ۵۵-۱۳۴۵ و آمارتهیه شده^{۶۶} تحولات جمعیت شهری شیروان حاکی از ازدیاد نرخ رشد طبیعی همراه با فراوانی مهاجرت به سوی این شهر است. علل اصلی آن افزایش مهاجرت وسیع روستاییان و ایلات منطقه به شهر شیروان و از طرفی دیگر در رابطه اقماری قرار گرفتن شیروان نسبت به شهرهای بزرگ و متوسط منطقه مانند: مشهد، بجنورد، اسفراین، قوچان و درگز می باشد، پیش بینی دقیق روند مهاجرتی آینده بسیار دشوار است چرا که این مهاجرتها بطور کلی تابع بسیاری از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خدماتی و غیره می باشد که بطور دقیق این عوامل شناسایی نشده و در نتیجه زمان و مکان تأثیرات آن هم شناخته شده نیست، ولی در صورت اجرای برنامه‌های عمرانی و توجه و حمایت از ساختهای اقتصادی مبدأ مهاجرت در سطح منطقه را می توان با اطمینان زیادی گمان برکاهش درون کوچی داد. در صورت نبودن و یا به هر حال به اجرا در نیامدن چنین برنامه‌هایی در سطح منطقه، فشار مهاجرت روستاییان منطقه به شهر شیروان شدت خواهد یافت و همچنین تمرکززدایی شهرهای بزرگ و متوسط^{۶۷} به سوی شیروان، باعث افزایش جمعیت خواهد شد.

این دو عامل در صورتی که متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت را بالا نبرد، همین نرخ بالای فعلی باعث افزایش سریع جمعیت شهر خواهد شد، ساختهای تولیدی و خدماتی شهر شیروان امکان توسعه همپای چنین رشد جمعیتی را ندارد و تراکم جمعیت نیاز به مسکن^{۶۸} و سایر خدمات شهری را افزایش خواهد داد. نیاز به مسکن که یکی از نتایج تراکم جمعیت است، ساختمان سازی را رونق خواهد داد و این مسأله باعث ترقی قیمت زمین در شهر شده و در نتیجه زمینهای کشاورزی و باغهای اطراف شهر به قصد تبدیل به زمینهای مورد استفاده مسکونی از بین خواهند رفت و بدین ترتیب به امکانات تولیدی فعلی شهر شیروان نیز صدمه و

۶۵ - ایجاد کارخانه‌های قند، الیاف، اسفنج و ... و احتیاج به نیروی کار، امکانات رفاهی شهر، عدم امکانات در روستاها، مشاغل کاذب پر درآمد و ...

۶۶ - جدول شماره (الف)

۶۷ - این امر خود ناشی از اشباع جمعیتی در شهرهای بزرگ و متوسط می باشد.

۶۸ - در این رابطه واحد زمین شهری شیروان، اقداماتی را به منظور احداث شهرکی بزرگ در قسمت شمال غربی شهر انجام می دهد که نتیجه اش جذب روستاییان تولید کننده به شهر خواهد بود.

آسیب وارد خواهد آمد، باغها و زمینهای مزروعی واقع در شمال و شمال غربی و شرق شهر در صورت عدم برنامه ریزی مورد تهدید این موج خانه سازی بی رویه قرار خواهند گرفت، تراکم جمعیت و رشد بی رویه آن مسأله توزیع و توسعه خدمات شهری را نیز با مشکلات زیادی روبرو خواهد کرد، موارد ذکر شده لزوم یک کنترل همه جانبه جمعیت شهر شیروان را تأکید می نماید با توجه به مطالب فوق الذکر برای پیش بینی جمعیت ده ساله آینده شهر شیروان سه فرض اتخاذ شده است.

فرض اول: جمعیت ۱۰ ساله آینده شهر شیروان در رابطه با همین نرخ رشد یعنی ۱۳/۶۱ محاسبه شده است.

فرض دوم: جمعیت در رابطه با یک کنترل دراز مدت با نرخ رشد ۷/۶۳ درصد محاسبه گردیده است.

فرض سوم: جمعیت در رابطه با یک کنترل کوتاه مدت با نرخ رشد ۵/۰۵ درصد محاسبه شده است.^{۶۹} (نمودار ۱)

تناسب جمعیت در سطح شهرستان به کل استان ۷۰

جدول ب

مساحت (درصد)	جمعیت (درصد)	
۱۰۰	۱۰۰	کل استان خراسان
۷٪	۱/۹۴	شهرستان شیروان

جدول الف

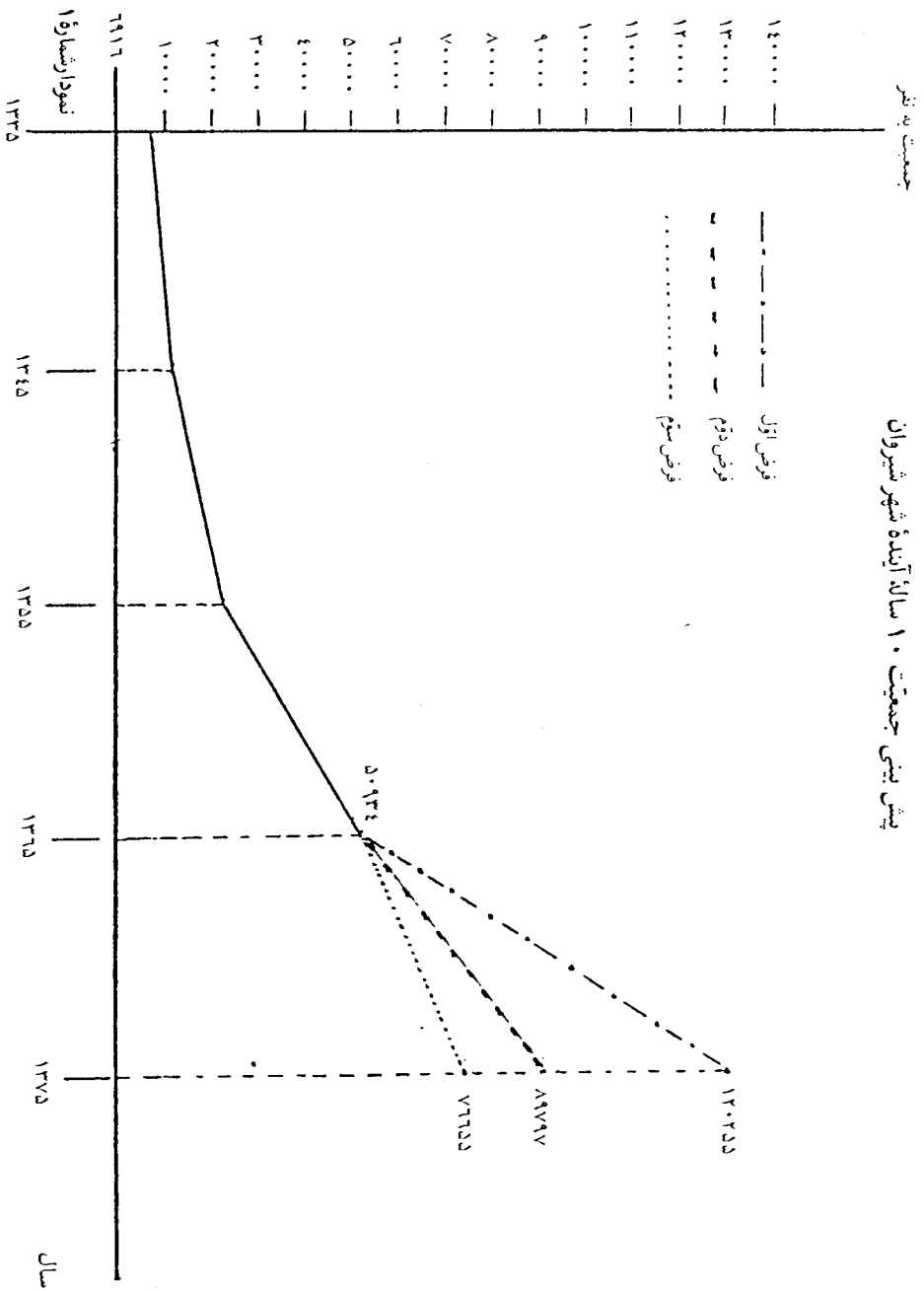
سال	جمعیت شهر	نرخ رشد
۱۳۳۵	۶۹۱۶ نفر	
۱۳۴۵	۱۰۵۱۰	۵/۱۹
۱۳۵۵	۲۱۵۶۸	۱۰/۵۲
۱۳۶۵	۵۰۹۳۴	۱۳/۶۱

بطوری که ملاحظه می شود. شهرستان شیروان به مراتب بیش از سهم سطحی خود در استان خراسان جمعیت پذیرفته است و شهر شیروان از این لحاظ از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است بطوری که بعد از شهر مشهد بالا ترین نسبت شهرنشینی را در استان داشته است.

۶۹ - محاسبات آتی جمعیت شهر شیروان بر مبنای فرض دوم یعنی ۸۹۷۹۷/ نفر در سال ۱۳۷۵ بیشتر به واقعیت

نزدیکتر است.

۷۰ - جدول ب بر اساس مساحت ۲۲۷۹ کیلومترمربع تنظیم گردیده است.



در باره تحول جمعیت در حوزه شهرستان شیروان پاره ای از اطلاعات جمعیتی در شهر و مناطق روستایی شیروان به این قرار است.

جدول شماره ۳

نرخ رشد جمعیت	سال ۱۳۵۵			سال ۱۳۴۵			
	بعد خانوار	خانوار	جمعیت	بعد خانوار	خانوار	جمعیت	
۱۳۴۵ - ۱۳۵۵							شهرستان
۳/۷۷	۴/۸۴	۱۳۰۷۶۰	۶۳۲۸۱	۴/۷۷	۹۶۳۱	۴۵۹۴۰	
۱/۷۷	۴/۹۶	۸۴۰۹	۴۱۷۱۳	۴/۸	۷۳۸۵	۳۵۴۳۰	مناطق روستایی
۱۰/۵۲	۴/۶۲	۴۶۶۷	۲۱۵۶۸	۴/۶۸	۲۲۴۶	۱۰۵۱۰	شهر

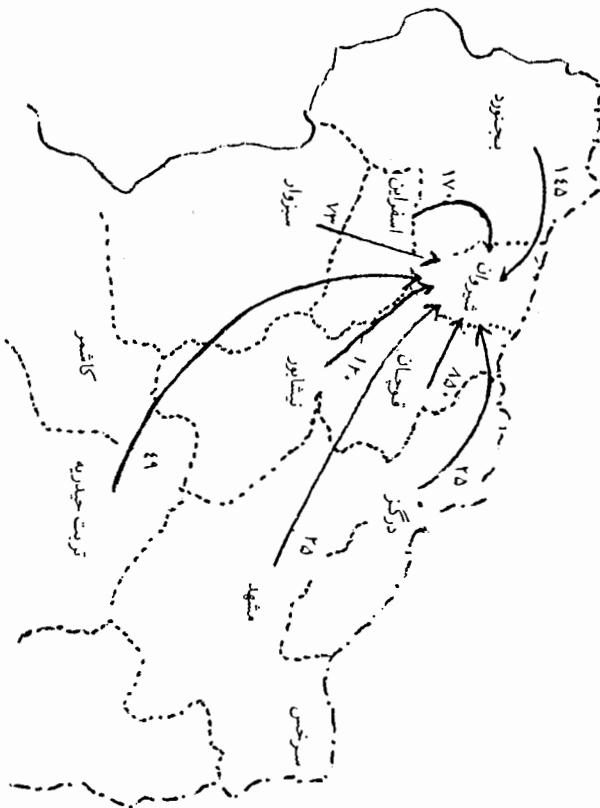
همان طوری که ملاحظه می شود طی دهه ۵۵-۱۳۴۵ محدوده شهرستان شیروان رشد جمعیتی ۳/۷۷ درصد در سال (کمی بالاتر از رشد طبیعی کل کشور) داشته و مناطق روستایی طی همین دوره رشدی معادل ۱/۷۷ درصد در سال که می تواند نشانه مهاجر فرستی روستاها باشد. افزایش غیر عادی جمعیت شهر شیروان (جدول الف) به گونه ای بوده است که جمعیت شهر از ۶۹۱۶ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۰۹۳۴ نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است.^{۷۱} و همواره نیز حالت فزاینده ای داشته است که بطور مشخص ریشه در مهاجرپذیری شهر دارد. با مراجعه به آمار جمعیت روستایی شیروان بجز سه دهستان زوارم، زیارت و گلیان سایر دهستانهای شیروان مهاجرت فرست هستند بخصوص این که بیشتر این افراد را عشایر و دامداران تشکیل می دهند. از خارج از حوزه شهرستان شیروان هم عده ای به شیروان مهاجرت کرده اند که نمودار منشأ جغرافیایی آنها مشخص شده است. (نقشه ۶)

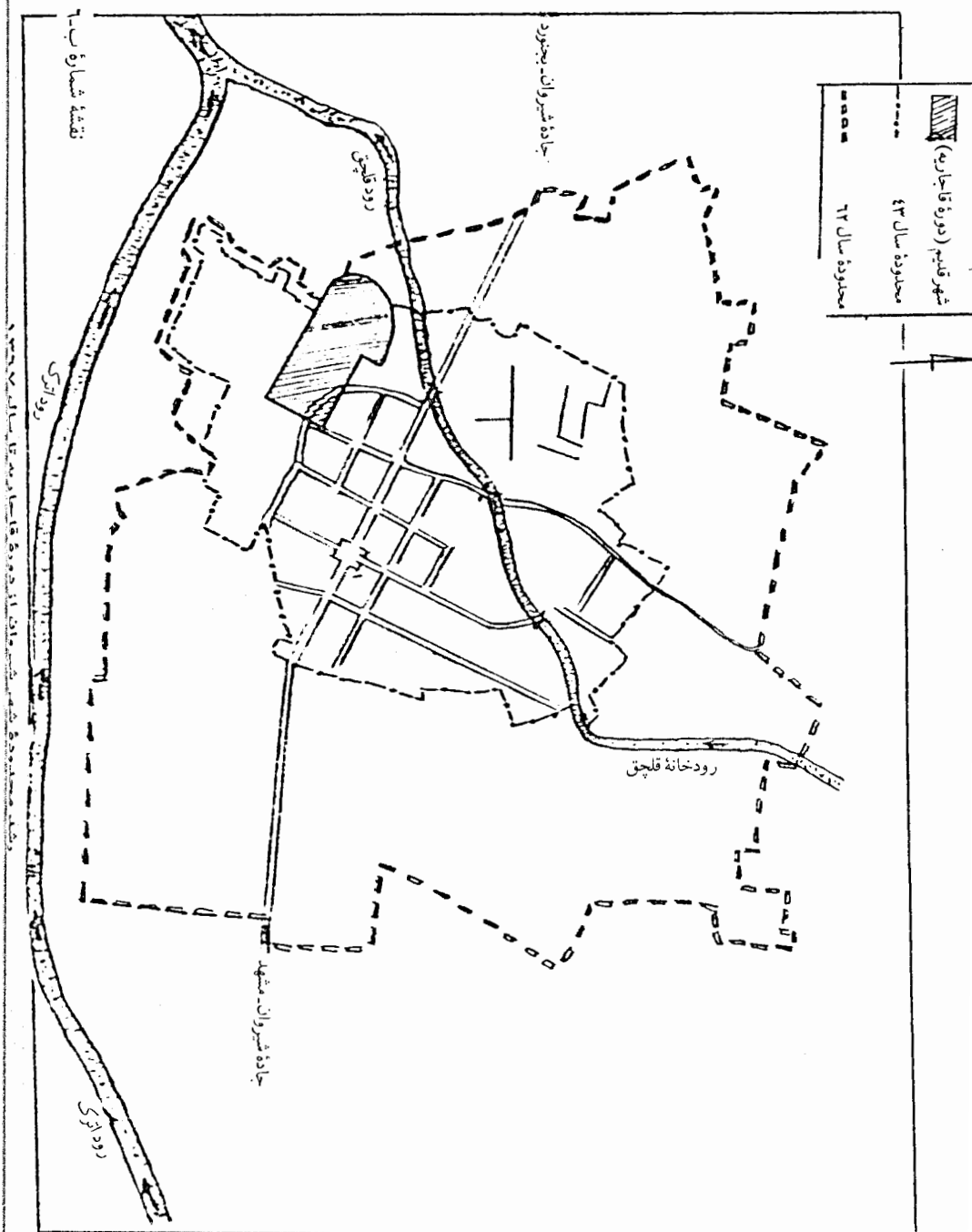
۷۱ - جمعیت شهر شیروان: در آمارنامه خراسان سال ۱۳۶۵، ص ۹ و شناسنامه شهرستان شیروان، ص ۱۰، ۵۰۹۳۲/ نفر ذکر گردیده و برابر گروه تقسیمات کشوری استانداری / ۴۶۶۰ نفر که به علت رشد طبیعی و غیر طبیعی (اضافه شدن چند دهستان به حوزه فرمانداری شیروان) مبنای جمعیت شهر / ۵۰۹۳۲ نفر در سال ۱۳۶۵ که به واقعیت نزدیکتر است محاسبه شده است (طبق آمار غیر رسمی توزیع کوپن شهری، جمعیت شهر شیروان در اواخر سال ۱۳۶۸ شمسی / ۶۴۷۲۰ آمار داده شده است).

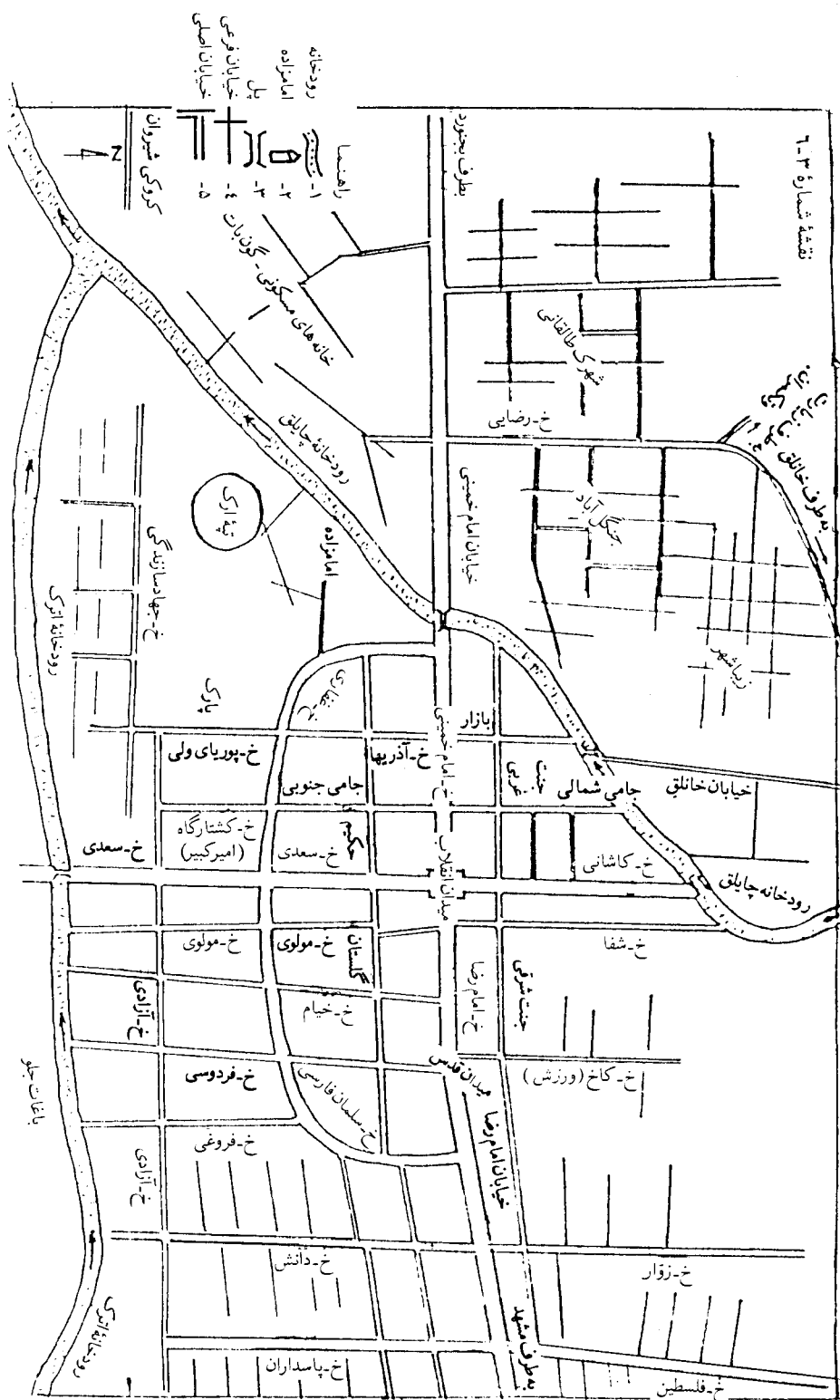
نمودار زمینه جغرافیایی مهاجرین به شهر شیروان (خارج از حوزه شهرستان)



درصد	تعداد	کل
۱۰۰	۱۶۵۰	فوجان
۵۱/۵۰	۸۵۰	اسفراین
۱۰/۳	۱۷۰	بجنورد
۸/۸	۱۴۵	نیشابور
۷/۳	۱۲۰	سبزوار
۴/۴	۷۳	مشهد
۱/۵	۲۵	دوگر
۲	۴۹	تربت حیدریه
۱۱/۷	۱۹۳	سایر







بررسی مسائل کلی نیروی انسانی و اشتغال شهرستان شیروان^{۷۲}

۱- خانواده و جمعیت شهر

بر اساس طرح آماری سال ۷۳۱۳۶۱ تعداد خانواده‌های مناطق شهری شیروان شامل ۸۵۸۱ خانوار و ۳۸۰۰۱ نفر جمعیت بوده است، بالاترین درصد بُعد خانوار را خانوارهای ۲ نفره تشکیل می‌دهند و میانگین بُعد خانوار شهری برابر ۴/۴ نفر بوده است. از کل جمعیت شهری تعداد ۱۹۴۵۸ نفر مرد و ۱۸۵۴۳ نفر زن بوده و به این ترتیب در برابر هریک صد نفر زن ۱۰۴/۹ نفر مرد وجود داشته است.

طبق آمار موجود از کل جمعیت شهرستان شیروان ۴۳/۷ درصد در گروه سنی تا ۱۴ ساله، ۵۳/۶ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله و ۲/۷ درصد در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر قرار دارند.

۲- محل تولد و مهاجرت

از کل جمعیت مناطق شهری شیروان ۷۹/۳ درصد متولدین همین شهرستان ۱۶/۴ درصد متولدین شهرستانهای دیگر این استان و ۳/۶ درصد را متولدین سایر استانهای کشور تشکیل می‌دهند و ۰/۱ درصد از جمعیت این شهرستان نیز متولدین خارج کشور^{۷۴} بوده‌اند.

۳- سواد و تحصیلات مردم شیروان

جمعیت ۶ ساله و بالاتر مناطق شهری شهرستان شیروان شامل ۳۰۳۵۵ نفر است که از این تعداد ۲۰۹۸۸ نفر (۶۹/۱ درصد) غیر محصل و ۹۳۶۷ نفر (۳۰/۹ درصد) محصل بوده‌اند. از کل جمعیت ۶ ساله و بالاتر غیر محصل تعداد ۷۲۶۳ نفر (۳۴/۶ درصد) با سواد و ۱۳۶۶۲ نفر (۶۵/۱ درصد) بی سواد بوده‌اند^{۷۵}. نسبت با سواد برای مردان ۶ ساله و

۷۲- از نتایج طرح آماری، معاونت طرح و برنامه، نشریه ۱۷.

۷۳- این بررسی بر اساس طرح آماری سال ۱۳۶۱ انجام گرفته است.

۷۴- اکثر متولد کشور شوروی هستند.

۷۵- ۳٪ وضع سواد خود را اعلام نکرده‌اند.

بالا تر غیر محصل معادل ۴۸/۳ درصد و برای زنان ۲۲ درصد است.

۴- وضع کار در شیروان

بر اساس طرح آماری در نیمه اول سال ۱۳۶۱ شمسی از کل جمعیت شیروان ۲۱/۵ درصد شاغل ۴/۲ درصد بیکار ۰/۳ درصد باز نرفته ۲۳/۳ درصد زنان خانه دار ۲۴/۶ درصد محصل ۲۴/۷ درصد طفل و کمتر از یک درصد در گروه کارآموزی می باشند (۰/۴ اظهار نشده).

۵- اشتغال در شیروان

از کل جمعیت مناطق شهری شهرستان شیروان ۸۱۷۳ نفر (۲۱/۵ درصد جمعیت) شاغل بوده اند که از این تعداد ۷۳۴۸ نفر (۸۹/۹ درصد) مرد و ۸۲۵ نفر (۱۰/۱ درصد) را زن تشکیل می دهد.

۶- بیکاری در شیروان

در نیمه اول سال ۱۳۶۱ تعداد بیکاران مناطق شهری این شهرستان برابر ۱۶۰۹ نفر (۴/۲ درصد کل جمعیت) بوده که از این تعداد ۶۷۸ نفر بیکاران قبلاً شاغل و ۹۳۱ نفر بیکاران قبلاً غیر شاغل یا متقاضیان جدید کار بوده اند، همچنین از کل بیکاران ۸۷/۲ درصد مرد و ۱۲/۸ درصد را زن تشکیل می دهند^{۷۶} (جدول شماره ۲) جدول توزیع درصد شاغلین بر حسب گروههای عمده شغلی شیروان شماره ۲

شیروان شهر مهاجر پذیر

طبق آماری که انتشار یافته شهر شیروان یکی از مراکز عمده مهاجر پذیر در دهساله اخیر در سطح ایران بوده است، بطوری که جمعیت ۲۱۵۶۸ نفری آن در سال ۱۳۵۵ شمسی

۷۶- با استفاده از نشریه شماره ۱۷ معاونت طرح و برنامه «بررسی مسائل نیروی انسانی و اشتغال».

زن	مرد	شاغلین		گروههای عمده شغلی در شیروان
		درصد	تعداد	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۸۱۷۳	جمع
۵۴/۲	۹	۱۳/۵	۱۱۰۶	کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی
-	۰/۱	۰/۱	۷	مدیران و کارمندان عالیرتبه اداری
۳/۸	۳/۹	۴	۳۲۲	کارمندان اداری و دفتری
۰/۷	۷/۹	۷/۲	۵۸۷	فروشندهگان و کارکنان بازرگانی
۶/۹	۸/۸	۸/۶	۷۰۳	کارکنان امور خدماتی
۲/۸	۱۸/۷	۱۷/۱	۱۳۹۶	کشاورزان، دامداران، جنگلداران
۲۷/۵	۳۸	۳۶/۹	۳۰۱۹	کارگران مشاغل تولیدی و حمل و نقل
۴/۱	۱۳/۶	۱۲/۶	۱۰۳۳	کارکنان در مشاغل گروه بندی نشده

به ۵۰۹۳۴ نفر در سال ۱۳۶۵ شمسی^{۷۷} و ۶۵۴۵۰ نفر در سال ۱۳۶۸ افزایش یافته است که بیشتر این جمعیت مهاجر از روستاها به شهر سرازیر شده اند و اکثر دارای مشاغل دامداری و عشایری و در مرحله دوم کشاورز بوده اند. «برای اولین بار در تاریخ ایران جمعیت شهرنشین از جمعیت مناطق روستایی فراتر رفته است»^{۷۸} علل مهاجرپذیری شهر شیروان را در یک جمع بندی کلی می توان به شرح زیر خلاصه کرد.

- ۱- ایجاد کارخانه های تولیدی بزرگ: قند، الیاف، اسفنج و کشت و صنعت که احتیاج به نیروی انسانی بویژه کارگران فصلی دارد.
- ۲- از بین رفتن مراتع دامی به علت چرای بیش از ظرفیت.
- ۳- مکانیزه شدن کشاورزی در روستاها که به کارگر کمتری نیاز است.
- ۴- بیکاری در روستاها به علت ازدیاد جمعیت.

۷۷- آمارنامه خراسان، ص ۹.

۷۸- دکتر بیرنارد هورکاد، دکتر محمود طالقانی، مقاله جمعیت ایران در ۱۳۶۵، فصل نامه تحقیقات جغرافیائی

شماره ۱۰، ص ۲۱۴.

(جدول ۳)

جمعیت دانشجو در مؤسسات آموزش عالی شهرستان شیروان (مناطق شهری) ۱۳۶۱

رشته تحصیلی دانشجو	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتر	جمع
پزشکی عمومی و پزشکی تخصصی	-	-	-	۱	۱
اقتصاد و رشته های اختصاصی مربوطه	-	۱	-	-	۱
جغرافیا و رشته های اختصاصی مربوطه	-	۱	-	-	۱
حسابداری و رشته های اختصاصی مربوطه	-	۱	-	-	۱
خدمات اجتماعی، بازرگانی، نظامی و انتظامی	-	۱	-	-	۱
زبان و ادبیات فارسی	-	۱	-	-	۱
ادیان و عرفان، فرهنگ و تمدن اسلامی	-	۱	-	-	۱
زبان و ادبیات خارجی	۱	-	-	-	۱
الهیات، فلسفه و حکمت اسلامی	۹	۱	-	-	۱۰
علوم تربیتی	۲	۲	-	-	۴
علوم کامپیوتر	-	۲	-	-	۲
ریاضیات و رشته های اختصاصی مربوطه	-	۱	-	-	۱
کشاورزی	-	۲	-	-	۲
دامپزشکی و رشته های اختصاصی مربوطه	-	-	-	۱	۱
دامپروری، دامداری، مرغداری	-	۱	-	-	۱
الکترونیک، الکترومکانیک و الکترونیک	-	۲	-	-	۲
صنایع فلزی و ذوب فلز، مهندس صنایع	-	۱	-	-	۱
راه و ساختمان و رشته های مربوطه	۱	-	-	-	۱
اظهار نشده	۱	۱۳	۱	-	۱۶
جمع	۱۵ نفر	۳۲ نفر	۱ نفر	۲ نفر	۵۰ نفر

۱- جدول ۵/۴ «بررسی مسائل کلی نیروی انسانی و اشتغال» در نیمه اول سال ۱۳۶۱/ش، نشریه ۱۷، معاونت طرح، ص ۲۳.

(جدول ۴)

توزیع درصد جمعیت بر حسب وضع کار شیروان در سال ۱۳۶۱

وضع کار	مرد وزن		مرد	زن
	تعداد	درصد		
شاغل	۸۱۷۳	۲۱/۵	۳۷/۸	۴/۵
بیکار	۱۶۰۹	۴/۲	۷/۲	۱/۱
بازنشسته	۱۲۶	۰/۳	۰/۶	*
خانه دار	۸۸۳۶	۲۳/۳	-	۴۷/۷
محصل	۹۳۶۷	۲۴/۶	۲۷/۹	۲۱/۲
طفل	۹۳۷۱	۲۴/۷	۲۴/۱	۲۵/۲
سایره	۳۶۸	۱	۱/۷	۰/۳
اظهار نشده	۱۵۱	۰/۴	۰/۷	۰۰
جمع	۳۸۰۰۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

* شامل کار آموز نیز می باشد.

** درصد کمتر از ۰/۱ می باشد.

(جدول ۵)

توزیع درصد محصلین بر حسب دوره های تحصیلی شیروان در سال ۱۳۶۱

جنس	جمعیت محصل		ابتدایی	راهنمایی	متوسطه و دانشسرا	عالی	اظهار نشده
	تعداد	درصد					
مرد وزن	۹۳۶۷	۱۰۰	۵۷/۳	۲۵/۰	۱۷/۲	۰/۵	*
مرد	۵۴۳۱	۱۰۰	۵۶/۳	۲۵/۲	۱۷/۷	۰/۸	-
زن	۳۹۳۶	۱۰۰	۵۸/۶	۲۴/۴	۱۶/۴	۰/۲	۰۰۰۰

۱- جدول ج «بررسی مسائل کلی نیروی انسانی و اشتغال» در نیمه اول ۱۳۶۱، نشریه ۱۷، معاونت

طرح، ص ۵.

۵- اعتیاد که دو عامل اصلی آن بیکاری و فقر اقتصادی و فرهنگی است و فراوانی مشاغل کاذب در شهر.

۶- ایجاد بناها و ساختمانهای جدید در شهر و احتیاج به کارگر روزمزد.

۷- واگذاری زمین جهت خانه سازی در شهر از طرف اداره زمین شهری.

۸- عدم توجه به زندگی دامداران و عشایر و کشاورزان در رابطه با امکانات رفاهی.

۹- تبدیل زندگی کوچ نشینی (ایلی) به یکجا نشینی.

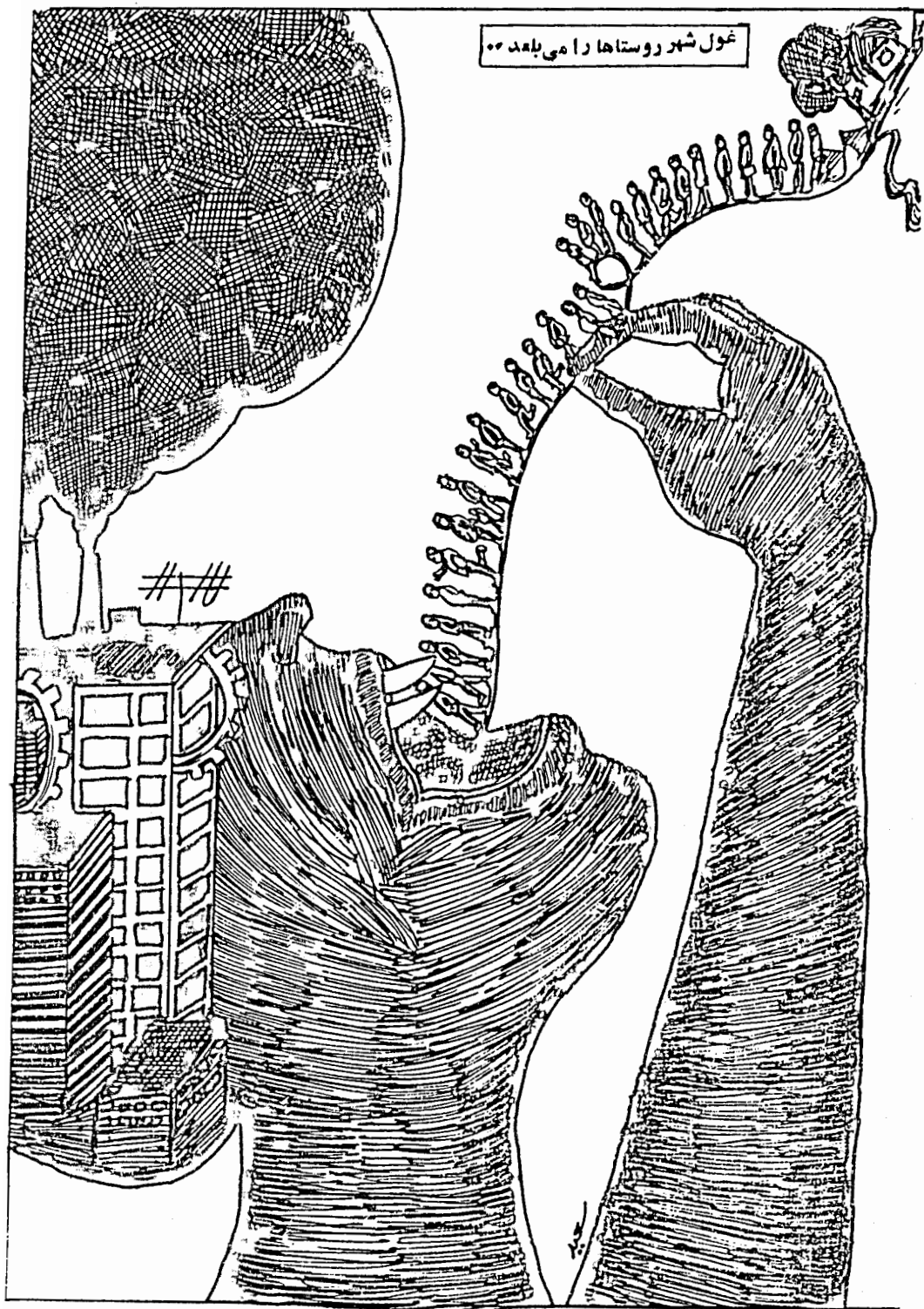
۱۰- رفاه و تسهیلات بیشتر در شهر و ...

هریک از این موارد احتیاج به بررسی، تحقیق و مطالعه دقیق علمی توسط کارشناسان مربوطه دارد تا علل این مهاجرتها را که چرا قشر تولید کننده روستایی زندگی کارگری روزمزد و مشاغل کاذب شهری را به زندگی طبیعی و مستقل خود در روستا را به عنوان یک دامدار یا کشاورز ترجیح می دهد. در همین رابطه و در بعد و سبتری مقاله محققانه «گذراز کوچ نشینی به رمه گردانی» آقای دکتر محمد حسین پاپلی یزدی استاد محترم دانشگاه مشهد می تواند راهگشای بسیاری از این مسائل باشد، ایشان عواملی را در این مورد مطرح کرده اند «بطور کلی عوامل مختلفی از قبیل ملی شدن مراتع، شخم زدنهای بی رویه مراتع، افزایش تعداد دام ها بویژه دام روستائیان، کمبود علوفه دامی و گرانی آن، از هم پاشیدگی نظام ایلی، وارد شدن اقتصاد عشایری در اقتصاد پولی کشور، وجود واسطه ها، کشش و جاذبه شهرها، نبودن امکانات رفاهی در ریلها و قشلاقها، سواد آموزی جوانان عشایری در شهرها و عدم بازگشت آنها به زندگی عشایری، کمبود نیروی انسانی خبره از قبیل چوپان، کمبود داروهای دامی خشکسالی های پیایی و عدم اطمینان در سرمایه گذاری های کشاورزی بعد از اصلاحات ارضی رژیم گذشته موجب شتاب بیشتر در امر یکجا نشینی در شهرها شده است»^{۷۹}.

در بین دهستانهای شهرستان شیروان بجز دو دهستان زیارت و زوارم بقیه حالت مهاجرت فرستی داشته اند، برای نمونه روستای امیرانلو از توابع دهستان گلیان شیروان در سرشماری سال ۱۳۵۵ دارای ۲۸۰ نفر سکنه بود ولی امروزه خالی از سکنه است و فقط چند خانواری به صورت فصلی در آنجا زندگی می کنند.

۷۹- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، «گذراز کوچ نشینی به رمه گردانی» ذخائر انقلاب، شماره دوم، بهار ۶۷،

غول شهر روستاها را می بلعد ..



نگارنده معتقد است علل و انگیزه رشد نامتعادل جمعیت شهر شیروان در چند ساله اخیر و آینده حتماً می بایستی مورد مطالعه و تحقیق قرار بگیرد تا برنامه ریزیهای برای نیاز شهروندان به عمل آید که در آینده از نظر امکانات خدماتی و رفاهی با مشکل مواجه نگردد.

تاریخچه فرهنگ شیروان

اولین مدرسه دولتی شیروان در سال ۱۲۹۵ شمسی تأسیس شد^{۸۰}. قبل از افتتاح این مدرسه، محل کسب علم و دانش به سه مکتبخانه اختصاص داشت که طبق معمول توسط ملاها: مرحوم حاج ملا عبدالله، مرحوم حاج ملا محمد و مرحوم میرزا علی آخوند و مرحوم غلامرضا آخوند اداره می شد.

اگر ما در مورد سیر فرهنگ اندکی به عقب برگردیم. متوجه می شویم تا ۲۰۰ سال پیش اکثر علما، دانشمندان مخترعان و نویسندگان و شعرا و بطور کلی طبقه باسواد از قشر روحانیون و ملاها در کشورهای اسلامی و کشیشها و رهبران مذهبی سایر ادیان در جوامع غیر اسلامی بوده اند.

در شیروان نیز تحصیلات قدیمه در مکتبخانه ها انجام می گرفت و ملاها، اولین مشعلداران علم و دانش، با روش ویژه ای الفبای فارسی و عربی و در نهایت قرآن مجید را به شاگردان خود آموزش می دادند، البته عده ای که از استعداد و امکانات بیشتری برخوردار بودند به یادگیری قواعد زبان فارسی و عربی و صرف و نحو و غیره می پرداختند و در بعضی از مکتبخانه ها خط (خوشنویسی) تعلیم داده می شد^{۸۱} و عده کمی از شاگردان نخبه به حوزه های علمیه می رفتند تا به عنوان طلبه تحصیلات خودشان را کامل کنند.

به هر حال طبق آمار^{۸۲} اولین دبستان دولتی شیروان به نام دبستان ذکور شیروان در پاییز سال ۱۲۹۵ شمسی در مجاور آب انبار شهر قدیم شیروان (کهنه شهر) و جنب مسجد یزدیها به معلمی مرحوم رمضانعلی خان کیمیائی افتتاح شد که او به تنهایی کفالت و

۸۰ - میرزا براتعلی شیروانی، تاریخ شیروان (ناسخ التواریخ) دستخط، ص ۳۸۵.

۸۱ - مرحوم حاج ملا عبدالله از خط بسیار زیبایی برخوردار بود (معمربین محلی)

۸۲ - اسناد موجود در اداره کل آموزش و پرورش خراسان

مدیریت و معلّمی را بعهدہ داشت، تعداد دانش آموزان این دبستان ۲۷ نفر بودند و حقوق رمضانعلی خان کیمیایی ۱۸۰ ریال بود. نظافت مدرسه توسط فراشهای خان (حاکم شیروان) انجام می شد. در سال ۱۲۹۶ شمسی دبستان ذکور شیروان از محل مذکور به منزل سابق مرحوم خادم جنب نوانخانه فعلی واقع در خیابان کمر بندی روبروی ژاندارمری نقل مکان داده شد و مرحوم حسن خان معتمدی نیز به عنوان آموزگار در مرکز (مشهد) استخدام و در شیروان مشغول تدریس می شود. در آمار از (محمد مهدی) نامی نیز به عنوان مستخدم نام برده شده است، حقوق مرحوم حسن خان معتمدی ۱۴۰ ریال و حقوق محمد مهدی ۶۰ ریال و تعداد دانش آموزان ۴۹ ذکر گردیده است. در سال ۱۲۹۷ شمسی که مسوولیت فرهنگ شیروان به عهده مرحوم میرزا علی خان جلالی بود، منزل مرحوم تقوی به مبلغ دو بیست تومان به منظور ایجاد مدرسه خریداری شد که محل آن در کوچه مالیه^{۸۳} و در کناریکی از برجهای شهر قدیم قرار داشت^{۸۴} و به همت مائور محمودخان، مرحوم آقاشعبان بیدقی و مرحوم شیخ عبدالعظیم و کمک مالی مردم بازسازی و به صورت دبستان چهار کلاسه آماده و افتتاح گردید. (جدول ۶)

(جدول ۶)

آمار کارکنان و دانش آموزان شیروان در سال ۱۲۹۷ شمسی

نام مدرسه	تعداد	جمع دانش آموزان	کلاسها			
			اول	دوم	سوم	چهارم
ذکور شیروان	۱	۱۲۸ نفر	۳۵ نفر	۳۳ نفر	۳۲ نفر	۲۸ نفر
اناث	۱	۱۴ نفر	۱۴ نفر	-	-	-

اولین دبستان دخترانه شیروان در سال ۱۲۹۷ شمسی تأسیس گردید که ربابه- ابراهیم

۸۳- کوچه آذربایجانها

۸۴- محل فعلی دبستان محمد عابدی

۸۵- برای تعیین و سنجش سطح سواد و معلومات دانش آموزان قبلاً امتحان به عمل می آمد و با توجه به معلومات هر دانش آموز به ترتیب درپایه های اول تا چهارم قرار می گرفته اند.

زاده سعادت معروف به شازده خانم به عنوان اولین آموزگار زن استخدام و مشغول به کار شد، تعداد دانش آموزان تنها کلاس دخترانه ۱۴ نفر و حقوق ماهیانه مشارالیها ۱۴۰ ریال بود (جدول شماره ۷)

(جدول ۷)

سمت و میزان حقوق کارکنان فرهنگ شیروان در سال ۱۲۹۷ شمسی

ردیف	اسامی	سمت	حقوق ماهیانه
۱	میرزا علی خان جلالی	کفیل فرهنگ و آموزگار کلاس چهارم	۲۸۰/- ریال
۲	سید صدر زنجانی	آموزگار کلاس سوم	۲۴۰/- ریال
۳	داداش صبور قه‌چه داغی *	آموزگار کلاس دوم	۱۸۰/- ریال
۴	حبیب الله زمانیان روحانی	آموزگار کلاس اول	۱۶۰/- ریال
۵	عبدالعلی گنج بخش (عمو عبدول) مستخدم		۸۰/- ریال

ه داداش صبور قه‌چه داغی معروف به قُجه رئیس مدتی کفالت فرهنگ شیروان را نیز به عهده داشته است.

تأسیس اولین دبیرستان^{۸۶} پسرانه شیروان مربوط به سال ۱۳۳۲ شمسی می شود که ابتدا به صورت سیکل اول و سپس سیکل دوم (رشته طبیعی) نیز تا اخذ دیپلم تدریس می شد. ریاست دبیرستان در ابتدا به عهده کفالت فرهنگ شیروان و در اواخر به عهده مختار رجب زاده بود و اسم اولین دبیرستان پسرانه شیروان «رازی» بود^{۸۷}.

اولین دبیرستان دخترانه شیروان نیز در سال ۱۳۳۲ شمسی به سرپرستی خانم بهرامی تأسیس شده در خاتمه به خاطریاد بود پیشگامان و بنیانگذاران فرهنگ شیروان اسامی معلمان قدیمی شهرمان را ذکر می کنیم.

۱ - رمضانعلی خان کیمیائی ۲- میرزا حسن خان معتمدی ۳- فتح الله خان سعادتیار

۸۶ - دبیرستان در نظام قدیم دارای دو دوره ۳ ساله به نام سیکل اول (عمومی) و سیکل دوم شامل رشته های طبیعی -

ادبی و ریاضی بود

۸۷ - نام زکریا رازی بعداً تبدیل به آریامهر و فعلاً دکتر علی شریعتی است.

۴- میرزا علی خان جلالی ۵- سید صدرزنجانی ۶- یعقوبعلی یزدی ۷- شاهچراغی ۸- داداش
 صبور قره‌چه داغی ۹- میرزا محمد علی خان دهناد ۱۰- حبیب‌الله زمانیان روحانی ۱۱- محمد
 حسن سعادتیار ۱۲- ربابۀ ابراهیم زاده معروف به شازده خانم ۱۳- زهرا کسرائی ۱۴- سید
 عبدالله هاشمی ۱۵- محولاتی ۱۶- شیخ غلامرضا احمدی ۱۷- رخشا ۱۸- زهرا رضاپور
 ۱۹- تقویان ۲۰- حسین هاتفی ۲۱- محمد رضا ناظمی ۲۲- محمد سالیانی ۲۳- محمد جابانی
 ۲۴- برات بابازاده ۲۵- علیرضا حق پناه ۲۶- سعادتقلی حق پناه ۲۷- رحیم عطائی ۲۸- کیمیا
 شکری ۲۹- محبوب ۳۰- ابراهیم میلانی ۳۱- معاونی ۳۲- محمد حسن حافظیان ۳۳- مختار
 رجب‌زاده ۳۴- خاکشور ۳۵- محمدی ۳۶- مرتضوی ۳۷- مقصود ۳۸- اکبر میلانی تژاد ۳۹- رضا
 ظریف ۴۰- میرشاهی و...

(جدول ۸)

آمار کودکانها، دبستانها، مدارس راهنمایی، دبیرستانها و مدارس فنی شهرستان
 شیروان در سال ۶۸-۱۳۶۷

ردیف	آموزشگاه	شهر	روستا	جمع	تعداد دانش آموزان		
					شهر	روستا	جمع
۱	کودکستان	۲	-	۲	۸۹۸۸	-	۲۰۳۹۶
۲	دبستان	۲۳	۱۳۴	۱۵۷	۴۷۸۰	۱۱۴۰۸	۶۷۴۱
۳	راهنمایی	۸	۱۶	۲۴	۲۷۸۰	۱۹۶۱	۲۷۸۰
۴	دبیرستان	۴	-	۴	۳۳۳	-	۳۳۳
۵	هنرستان	۱	-	۱	۱۰۰	-	۱۰۰
۶	دانشسرای تربیت معلم	۱	-	۱			

دانشسرای تربیت معلم شیروان

دانشسرای تربیت معلم شهرستان شیروان به نام آیه‌الله مدرس در سال ۱۳۶۶ شمسی با

(جدول ۹)

آمار کارکنان آموزش و پرورش شهرستان شیروان در سال ۱۳۶۵

ردیف	رده‌های آموزشی	شهر		روستا		جمع		حق التدریس
		کارمند	خدمتگزار	کارمند	خدمتگزار	کارمند	خدمتگزار	
۱	کادر اداری	۵۳	۱۶	-	-	۵۳	۱۶	-
۲	کودکستان	۸	۳	-	-	۸	۳	-
۳	ابتدایی	۳۳۳	۴۷	۴۲۱	۱۸	۷۵۴	۶۵	۴۸
۴	راهنمایی	۱۵۰	۲۰	۶۸	۱۱	۲۱۸	۳۱	۱۸
۵	دبیرستان	۸۵	۱۲	-	-	۸۵	۱۲	۱
۶	هنرستان	۳۶	۵	-	-	۳۶	۵	-

۶۵ نفر دانش آموز معلّم، شروع به کار نمود و در سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷ نیز با قبول ۴۵ نفر دانش آموز معلّم به کار خود ادامه می دهد. مدرسان دانشسرا تماماً از دبیران آموزش و پرورش تأمین می شوند و دانش آموزان دانشسرای تربیت معلّم بطور شبانه روزی از کلیه امکانات برخوردارند و ماهیانه مبلغ ۶۱۰۰ ریال نیز تا اتمام تحصیلات دریافت می دارند.

رؤسای اداره آموزش و پرورش شهرستان شیروان
از سال ۱۲۹۵ تا ۱۳۶۸ شمسی.

- ۱- رمضانعلی خان کیمیائی ۲- میرزا حسن خان معتمدی ۳- میرزا علی خان جلالی
- ۴- فتح الله خان سعادتیار ۵- داداش صبور قره چه داغی معروف به قُجه رئیس ۶- میرزا علی خان دهناد ۷- رحیمی ۸- دهقان ۹- کامل ۱۰- کامکار ۱۱- کاظمی ۱۲- رجبی ۱۳- فرجاد
- ۱۴- نادری ۱۵- صادق اقبالی ۱۶- فیروز کوهی ۱۷- بهروز بهادری ۱۸- حسین لاهوتی
- اشکوری ۱۹- محمد علی بدیلی ۲۰- محمد حسین خواجهوی ۲۱- محمد حسن فدائیان

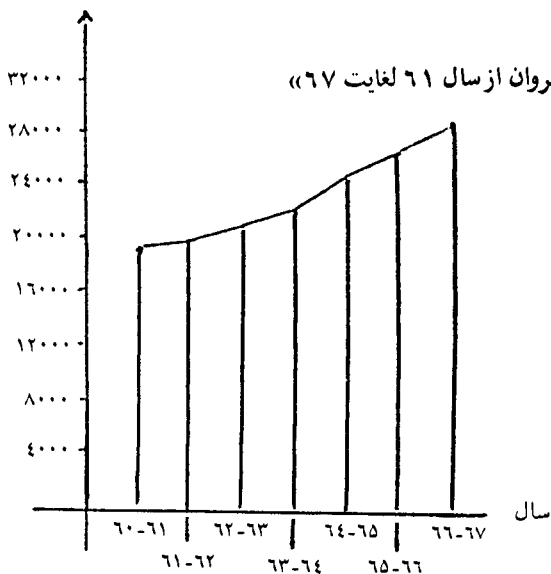
(جدول ۱۰)

خلاصه آمار کلی آموزشگاههای آموزش و پرورش شهرستان شیروان
از سال ۶۱ تا ۱۳۶۷*

سال تحصیلی	تعداد دانش آموزان	تعداد کارکنان		
		رسمی	حق التدریسی	جمع
۶۱-۱۳۶۰	۱۹۲۹۲ نفر	۱۰۲۷ نفر	۸۸ نفر	۱۱۱۵ نفر
۶۲-۱۳۶۱	۱۹۸۶۱	۱۱۷۴	۳۶	۱۲۱۰
۶۳-۱۳۶۲	۲۱۲۱۱	۱۱۷۷	۹۷	۱۲۷۴
۶۴-۱۳۶۳	۲۲۴۳۴	۱۲۱۴	۷۶	۱۲۹۰
۶۵-۱۳۶۴	۲۴۸۷۳	۱۲۸۶	۶۸	۱۳۵۴
۶۶-۱۳۶۵	۲۶۰۹۴	۱۲۹۲	۶۷	۱۳۵۹
۶۷-۱۳۶۶	۲۸۶۵۲	۱۲۸۰	۶۱	۱۳۴۱

* بدون احتساب دهستانهای جدید

تعداد دانش آموزان

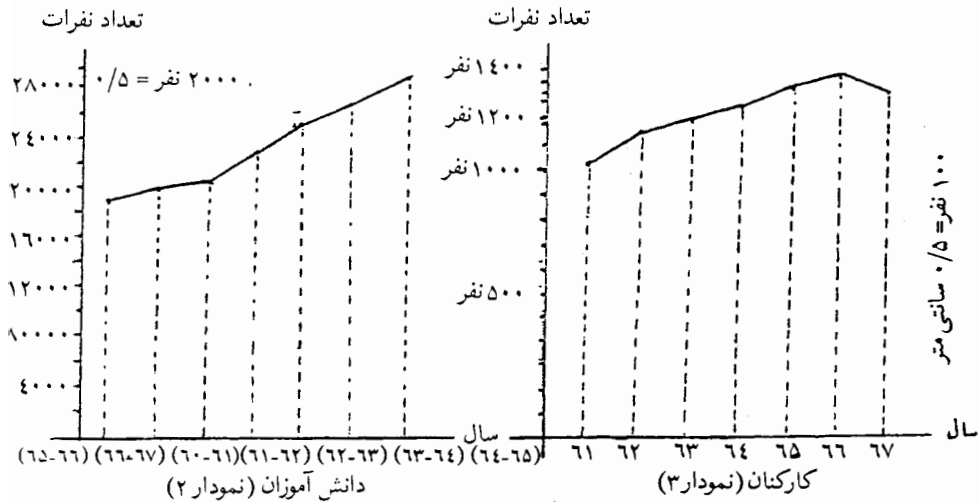


(جدول ۱۱)

نتایج کلی امتحانات مقاطع تحصیلی شهرستان شیروان در ۵ ساله (۶۶-۱۳۶۱)

مقطع تحصیلی	کل دانش آموزان	درصد قبولی	سال تحصیلی
ابتدایی	۱۳۱۰۹	۷۶/۸۴	۱۳۶۱-۶۲
راهنمایی	۳۲۱۳	۶۶/۹۸	۱۳۶۱-۶۲
متوسطه	۱۲۰۸	۷۸/۸۹	۱۳۶۱-۶۲
هنرستان	۱۹۴	۹۰/۷۳	۱۳۶۱-۶۲
ابتدایی	۱۳۳۷۲	۷۹/۱۴	۱۳۶۲-۶۳
راهنمایی	۳۳۲۱	۶۷/۵۴	۱۳۶۲-۶۳
متوسطه	۱۲۳۹	۷۸/۶۹	۱۳۶۲-۶۳
هنرستان	۲۱۶	۶۷/۵۹	۱۳۶۲-۶۳
ابتدایی	۱۵۴۲۹	۸۳/۹۰	۱۳۶۳-۶۴
راهنمایی	۳۷۷۴	۶۵/۹۰	۱۳۶۳-۶۴
متوسطه	۱۲۹۸	۸۲/۷۴	۱۳۶۳-۶۴
هنرستان	۲۵۴	۸۷/۰	۱۳۶۳-۶۴
ابتدایی	۱۶۷۳۷	۸۰/۹۹	۱۳۶۴-۶۵
راهنمایی	۴۲۲۳	۷۰/۱۳	۱۳۶۴-۶۵
متوسطه	۱۵۶۹	۸۱/۱۹	۱۳۶۴-۶۵
هنرستان	۲۶۰	۸۸/۰۷	۱۳۶۴-۶۵
ابتدایی	۱۷۲۸۴	۸۷	۱۳۶۵-۶۶
راهنمایی	۴۹۳۱	۷۴	۱۳۶۵-۶۶
متوسطه	۲۰۵۲	۸۵	۱۳۶۵-۶۶
هنرستان	۲۹۵	۸۷	۱۳۶۵-۶۶

نمودار کلی کارکنان و دانش آموزان آموزش و پرورش شهرستان شیروان از سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۰



۲۲- محمد رضا پوررضا ۲۳- محمد مهدی دیباج ۲۴- حسین قلعه نوعی ۲۵- محمد حسین
رضا بخشی ۲۶- عباس صاحب نسق ۲۷- مسلم بشارتی

دانشگاه آزاد شیروان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان در سال ۱۳۶۶ شمسی با ۱۸۰ نفر دانشجو در سه رشته

۱- ادبیات «کارشناسی»

۲- فرهنگ معارف اسلامی «کارشناسی»

۳- کشاورزی (امور زراعی) «کاردانی»

رسماً شروع به کار نمود که در حال حاضر استادان آن از طریق دانشگاه مشهد و مدرسین شیروانی تأمین می‌گردد. برای احداث بنای دانشگاه شیروان قطعه زمین مناسبی از طرف مالکان در اختیار مسئولان قرار داده شده که با خودیاری و کمکهای مردمی در شرف احداث است، فعلاً امکانات آموزش و پرورش مانند هنرستان صنعتی و آزمایشگاه مرکزی در اختیار دانشجویان قرار دارد. و محل استراحت و خوابگاه استادان اعزامی از مشهد ساختمان

دفتر دانشگاه آزاد می باشد^{۸۸}.

آموزشکده کشاورزی شیروان

این آموزشکده وابسته به دانشکده کشاورزی فردوسی مشهد است که دارای ۲۰۰ هکتار زمین مزروعی در حد فاصل شیروان- کارخانه قند و در حاشیه جاده اسفalte می باشد که به تناوب گندم، جو چغندر قند و یونجه کشت می گردد. ساختمان و تأسیسات آموزشکده نیز در حال احداث است و از سال تحصیلی آینده به پذیرش دانشجو در رشته کشاورزی (کاردانی) از طریق کنکور سراسری مبادرت خواهد کرد.

مدرسه علمیه حضرت آیه الله حکیم

مدرسه علمیه شیروان از محل وجوهات شرعی و کمک مردم متدین شیروان در خیابان حکیم غربی در زمینی وسیع بنا گردیده است که در بدو تأسیس متولی آن حجة الاسلام والمسلمین حاج احمد شهرستانی و زمین مدرسه کلاً وقف حاج امیر حسین خان نگهبان بوده است. هیأت امنای مدرسه علمیه شیروان در هنگام تأسیس (سال ۱۳۸۷ هجری قمری) را حاج تقی سعیدی، حاج جواد هاشمیان و حاج محمد ابراهیم پور به عهده داشتند^{۸۹}. مدرسه علمیه آیه الله حکیم شیروان در ۱۵ شعبان سال ۱۳۸۹ قمری مطابق با سال ۱۳۴۸ شمسی در فرخنده سالروز ولادت یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) طی مراسم با شکوهی رسماً گشایش یافت. در روز افتتاح مدرسه به پنج نفر از طلاب دینی که قبلاً مقدمات را فرا گرفته بودند لباس روحانیت (عمامه، عبا و...) پوشانده شد که اسامی اولین طلاب عبارت بودند ۱- محمد جمالی ۲- سید هاشم شهرستانی ۳- حسین معلم ۴- احمد

۸۸ - دانشگاه آزاد- واحد شیروان در حال حاضر (۱۳۶۸/ش) دارای ۴۰۱ نفر دانشجو است و برای ترم اول مهرماه ۶۸ تعداد ۱۲۰ نفر دانشجو در رشته های کارشناسی فرهنگ معارف اسلامی و ادبیات فارسی می پذیرد که جمعاً تعداد دانشجویان این دانشگاه بالغ بر ۵۲۱ نفر می گردد.

۸۹ - مهندس ایرانی نژاد و مرحوم حاج حسین علی شبیری و حاج عباس سعیدی به عنوان معمار بر بنای اولیه مدرسه علمیه نظارت داشتند.

عباس نژاد ۵- سید اکبر طاهری که در حال حاضر اکثر آنها دارای مشاغل مهم و منشأ خدمات می باشند.

ساختمان مدرسه علمیه دارای سه صحن است که صحن اول آن درحاشیه خیابان شامل: در اصلی مدرسه، کتابخانه، مسجد، دفتر متولی، اتاق خادم، سالن اجتماعات، اتاق مدرسان و مضیف خانه و صحن دوم که قسمت اصلی بنا یعنی محل تدریس و بیتوته طلاب می باشد که وسیعتر از دو صحن دیگر است و مشتمل بر دو طبقه ساختمان در دو ضلع غربی و جنوبی می باشد که صحن حیاط بطرز زیبایی درختکاری و حوض بزرگ چند ضلعی در وسط آن قرار دارد.

صحن سوم آن شامل: آشپزخانه، وضوخانه، حمام، سالن غذاخوری، دستشویی و رختشویی است.^{۹۰} تا قبل از انقلاب اسلامی مدرسان و استادان مدرسه علمیه را حجج اسلام آقایان حاج احمد شهرستانی، حاج آقا حائری، حاج شیخ محمد شیخ زاده و حاج آقا صدرزاده و... به عهده داشتند که مقدمات را تا صمدیه به طلاب تدریس می کردند، در آغاز کار مدرسه علمیه به هر نفر از طلاب ماهیانه بین مبلغ ۴۰ تا ۸۰ تومان شهریه پرداخت می کرد و مخارج خوراک و پوشاک نیز از طریق وجوهات تأمین می گردید و طلابی که علاوه بر یادگیری دروس مربوط می توانستند ۵۰۰ حدیث یا یک جزء قرآن را حفظ نمایند یکدست لباس روحانیت و مسافرت به مشهد و وجه نقد دریافت می داشتند.

پس از پیروزی انقلاب جمهوری اسلامی و توجه به امور حوزه های علمیه در سراسر کشور مدرسه علمیه شیروان نیز طبق ضوابط و مقررات خاصی در امور درسی طلاب و سایر موارد تحول و تکامل بیشتری یافت، بطوری که از سال ۱۳۶۴ شمسی ساختمان مدرسه توسعه زیادی یافته و در دو ضلع غربی و جنوبی صحن دوم، طبقه دیگری بر بنای اول آن احداث گردیده و صحن سوم کلاً تجدید بنا شده و تأسیسات آن کامل گردیده است (عکس شماره ۸) و در امور تدریس طلاب دگرگونی هایی انجام یافته است که طلاب با شرایط و ضوابط خاص و امتحانات دقیق مورد پذیرش قرار می گیرند.

مدرسه علمیه آیه الله حکیم در شرایط فعلی زیر نظر مستقیم حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا حسینی امام جمعه شیروان و مدیریت حجة الاسلام والمسلمین حاج علی ناهیدی

۹۰ - اطلاعات مربوط به بنای مدرسه علمیه مربوط به سال ۱۳۶۶ شمسی است.

اداره می شود و علما و مدرسین و اساتید فعلی نیز عبارتند از:

حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا حسینی رشته اخلاق و تفسیر

حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا ناهیدی رشته ادبیات

حجة الاسلام والمسلمین حاج محمد چمنی رشته لمعتین

حجة الاسلام والمسلمین حاج غلامعلی موحدی رشته لمعتین^{۹۱}

طلاب مدرسه علمیه شیروان پس از اتمام مقدمات با تأیید علما و مدرسین به حوزه های علمیه شهرهای مشهد و قم معرفی می شوند تا دوره های تکمیلی خود را در محضر دیگر اساتید حوزه و علمای دینی فرا گیرند.

تعداد طلاب مدرسه علمیه شیروان در حال حاضر ۸۰ نفر است^{۹۲}.

مدرسه علمیه شیروان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تا به حال سه شهید طلبه تقدیم انقلاب اسلامی نموده است ۱- شهید طلبه محسن جعفری ۲- شهید طلبه محمد باقر محمدی ۳- شهید طلبه نور محمد حبی پور، همچنین ۳ نفر از طلاب به اسامی محمد علی رحیمی علی چالاک و حسین رحیمی مفقودالاثر و اسیر هستند.

مکتب الزهرا (ع) یکی دیگر از اقدامات حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا حسینی امام جمعه شیروان می باشد که تعداد ۳۰ نفر از خواهران با شرایط ویژه ای مشغول فراگیری دروس دینی و طلبگی در مدرسه علمیه می باشند که مواد درسی خواهران مکتب الزهرا (ع) بیشتر اخلاق و ادبیات است.

کتابخانه

کتابخانه عمومی شیروان در هشتم اردی بهشت ماه سال ۱۳۴۸ شمسی با ۳۱۵ جلد کتاب و با مسئولیت آقای علی نامجو در محلی استیجاری تأسیس و شروع به کار نمود.

در سال ۱۳۵۱ شمسی با ایجاد ساختمان جدیدی واقع در خیابان جامی شمالی که زمین آن را عده ای از افراد خیر^{۹۳} به رایگان در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار داده بودند،

۹۱- استادانی نیز از حوزه های علمیه قم و مشهد بنا به مناسبت هایی موقتاً در مدرسه علمیه شیروان تدریس می نمایند.

۹۲- آمار سال ۱۳۶۵

۹۳- مرحوم حاج محمد علی نوریان، مرحوم عبدالعظیم اسلامی، مرحوم علی خان بیگ بیجرانلو و مرحوم شیخ حسین تعین.



مدرسه علمیه حضرت آیه الله العظمیٰ حکیم شیروان عکس شماره ۸.

کتابخانه به محل جدید انتقال یافت و در حال حاضر (۱۳۶۷ شمسی) این کتابخانه دارای ۱۰۸۵۹ جلد کتاب و ۵۲۴ نفر عضو رسمی دارد و روزانه ۱۱۰ نفر به کتابخانه مراجعه می‌کنند که با توجه به جمعیت شیروان، افراد اهل مطالعه و کتابخوان بسیار کم است. البته کتابخانه عمومی شیروان دارای فعالیتهای فرهنگی، هنری «تئاتر، خوشنویسی، شعر و ادبیات، سینما، طراحی و نقاشی و حفاظت آثار باستانی و سمعی و بصری» نیز می‌باشد.

آمار چه می‌گوید

شناخت و آگاهی اولین گام هر اقدام و زمینه‌ساز پیشرفت هر عملی است و آنگاه که حرکت بلند مدت باشد شناخت دقیق امکانات برای تلفیق و برنامه‌ریزی از جمله

ضروریات است، یگانه ابزار رسیدن به این شناخت، آگاهی از آمارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... می باشد.

منابع آب و ماشین آلات کشاورزی ۱۳۶۵ ^{۱۵}		سطح زیر کشت سالانه محصولات شهرستان شیروان ^{۱۶} در سال ۱۳۶۵	
واحد	نوع	هکتار	نوع محصول
۴۲ رشته	قنات دایر	۲۵۰۰	گندم آبی
۶۱ رشته	قنات بایر	۱۰۰۰۰	گندم دیم
۱۲۵ حلقه	چاه عمیق	۲۰۰۰	جو آبی
۳۸ حلقه	چاه نیمه عمیق	۵۰۰۰	جو دیم
۱۳۰ رشته	چشمه دائمی	۳۰۳۲	چغندر قند
۳۵ رشته	چشمه فصلی	۶۴۰	حبوبات
۴ رشته	رودخانه دائمی	۲۱۰۰۰	باغهای میوه
۲ رشته	رودخانه فصلی	۱۰۰۰	سیب درختی
۱۴۴۰ دستگاه	تراکتور	۴۱۹۴	اشجار
۱۷۰ دستگاه	موتور پمپ	۴۲۱۰	تاکستان انگور
۲۴۲ دستگاه	دستگاه دروگر	۲۰۰	جالیز
۷ دستگاه	کمباین	۵۷۵	سبزیجات
		۱۸۱۰	علوفه
عملکرد و تولید زراعت سالانه شیروان ^{۱۷} ۱۳۶۵		تعداد کشتارانواع دام ^{۱۸} ۱۳۶۵	
وزن	نوع	تعداد	نوع
۹۲۵۰ تن	گندم	۱۲۲۰۴ رأس	گوسفند و بره
۴۷۵۰ تن	جو	۸۱۲۵ رأس	بُر و بزغاله
۹۰۰۰۳ تن	چغندر قند	۸۹۹ رأس	گاو و گوساله
۲۰۰ تن	حبوبات	۶۵ نفر	شتر
۷۵۹۰ تن	سبزیجات		
۲۱۹۵۰ تن	نیاتات علوفه ای		
۲۲۸۰	جالیزی		

واقعۀ ولادت ثبت شده در سال ۱۳۶۵ شهرستان شیروان^{۹۸}

مناطق روستایی		مناطق شهری		مجموع متولدین دختر و پسر
پسر	دختر	پسر	دختر	
۱۵۵۷	۱۵۵۶	۱۷۰۵	۱۷۴۷	۶۵۶۵

ازدواج و طلاق ثبت شده در سال ۱۳۶۵ شهرستان شیروان

طلاق			ازدواج		
روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع
-	۱۴۰	۱۴۰	-	۱۰۶۰	۱۰۶۰

متوفیات سال ۶۵

مناطق روستایی		مناطق شهری		جمع
مرد	زن	مرد	زن	مرد و زن
۱۱۷	۸۸	۳۷۱	۱۱۰	۷۴۶

تعداد کلاس، سواد آموزان و کارکنان نهضت سوادآموزی شیروان ۱۳۶۵

تعداد کلاس تشکیل شده		سواد آموز مقدماتی		سواد آموز تکمیلی		جمع	تعداد کارکنان	
مقدماتی	تکمیلی	جمع	خواهر	برادر	خواهر	برادر	آموزشیار	کادر
۱۶۸	۳۶۰	۲۵۶۷	۵۴۴	۱۸۱۱	۴۹۰	۵۴۱۲	۱۵۶	۱۳

معلمان و مربیان ورزش شهرستان شیروان ۱۳۶۵

معلم ورزش	مربی ورزش		داور	ناجی غریق
	مرد	زن		
۱۱	۵	۲۰	۶	—

مستضعفین تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی ۱۳۶۵

مستضعفین تحت پوشش		
خانوار	جمعیت	تعداد روستای تحت پوشش
۱۳۶۱	۵۰۶۰	۱۸۰

لهجه و گویش مردم شیروان

لهجه و گویش هر شهر یا جامعه علاوه بر ریشه اصلی زبان آن شهر، تحت تأثیر عواملی مانند مهاجرتها، ارتباطها، هجومها، همسایگان و نوع زندگی اقتصادی نیز قرار می گیرد. لهجه و گویش مردم شیروان دارای ریشه اصلی زبان ترکی است که ترکیبی از ترکی آذری به میزان بیشتر و ترکی افشاری، ترکمنی، گرائیلی، مغولی و مروی به مقدار کمتر می باشد و لغاتی از زبانهای کردی کرمانجی، روسی، فارسی، عربی، و حتی فرانسوی و انگلیسی هم وارد گویش مردم شیروان گردیده است، که از آن جمله می توان به واژه آغشغه (Aqeshqah) به معنی پنجره از زبان روسی، جبه از زبان عربی فکُل از زبان فرانسه، اروپالان یعنی هواپیما از زبان انگلیسی اشاره کرد.

در ترکی به لهجه مردم شیروان صدای «دال» تبدیل به «ی» می شود مانند گِدمَن را گِیه من تلفظ می کنند و صدای «آ» را «آا» تلفظ می کنند مانند قارداش را قاردَش و صدای «ب» را «واو» تلفظ می کنند مانند باغبان را باغ وان و صدای «ای» را «اِ» تلفظ می کنند

تأسیسات فرهنگی. درمانی، عمومی شیروان ۱۳۶۵

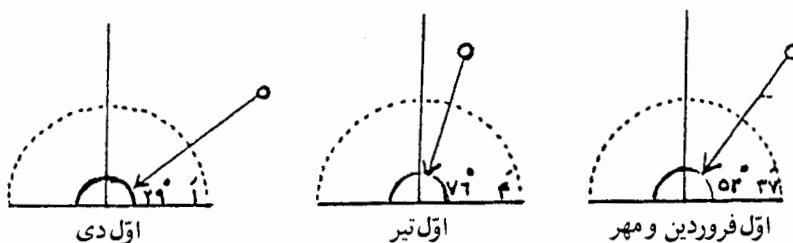
تعداد	نوع	تعداد	نوع
۱	کتابخانه عمومی	۱	دانشگاه
۱۰۷۵۹	تعداد کتابهای موجود	۱	تربیت معلم
۱۸۷۵	تلفن شهری	۱	هنرستان
۵	تلفن همگانی	۱	آموزشکده کشاورزی
۴	تلفن بین شهری	۱	آموزشگاه بهورزی
۹۸۲۶	مشترکین برق شهری	۱	آموزشگاه استثنائی
۵۸۳۵	مشترکین برق روستایی	۳	کودکستان
۴۳۸۰	مشترکین گاز شهری	۱۵۷	دبستان
۶۷۲۰	مشترکین آب شهری	۲۶	مدرسه راهنمایی
۱	استادیوم ورزشی	۴	دبیرستان
۳	سالن ورزشی	۱	بیمارستان
۲	زمین فوتبال	۳	درمانگاه شهری
۱	گودزورخانه (باستانی)	۵	درمانگاه روستایی
۲	زمین والیبال	۲۳	خانه بهداشت
۲	زمین بسکتبال	۱	آزمایشگاه
۱	استخرشنا	۱	رادیولوژی
۱	پارک کودک	۱	اورژانس
۱۸	شرکت تعاونی شهری	۱۹	پزشک عمومی
۱۴	شرکت تعاونی روستایی	۱	متخصص
۶	شرکت تعاونی کارگری	۳	دندانپزشک
۲۱۲	موقوفات	۴	کلینیک و تنظیم خانواده
۱۰۲۵	کارگاه قالببافی	۴	داروخانه
		۱	دارویی

تراکم نسبی جمعیت شهرستان شیروان^{۹۹}

سال	مساحت Km ²	جمعیت	تراکم نسبی
۱۳۴۵	۲۲۷۹	۴۵۹۴۰	۲۰/۱
۱۳۵۵	۲۲۷۹	۶۳۲۸۱	۲۷/۸
۱۳۶۵	۲۲۷۹	۹۸۹۶۰	۴۳/۴

میزان باسوادان ۶ سال به بالا ۱۳۶۵

شرح	تعداد خانوار	کل جمعیت	۶ ساله و بالاتر		
			باسواد	بی سواد	جمع
منطقه شهری	۱۰۰۶۲	۵۰۹۳۴	۲۴۹۹۵	۱۵۹۰۶	۴۰۹۰۱
روستایی	۹۴۳۵	۴۸۰۲۶	۱۹۳۰۷	۱۷۴۱۰	۳۶۷۱۷
جمع کل	۱۹۴۹۷	۹۸۹۶۰	۴۴۳۰۲	۳۳۳۱۶	۷۷۶۱۸



نمودار زاویه تابش آفتاب در شیروان

توزیع کارگاههای دایر کارکن برحسب کارکنان در شیروان^{۱۰۰}

کل کارگاهها	۱-۴ نفر	۵-۹ نفر	۱۰-۱۹ نفر	۲۰-۴۹ نفر	۵۰-۹۹ نفر	۱۰۰ نفر و بیشتر
۲۱۸۸	۲۰۴۱	۶۸	۴۳	۲۸	۵	۳

۹۹ - جمعیت سال ۱۳۶۵ با احتساب جمعیت دهستانهای جدید ۱۳۰۳۱۲ نفر است و مساحت شهرستان حدود

۳۹۷۸/۲ کیلومتر مربع.

۱۰۰ - آمار مشاغل سال ۶۵

نیروی کار شاغل در انواع صنایع مرد و زن (۱)

شهرستان شیروان	صنایع مواد غذایی آشامیدنی دخانیات	صنایع نساجی بوشاک چرم	صنایع چوب و محصولات چوبی	صنایع کاغذ چاپ انتشار	صنایع شیمیایی نفت ذغال سنگ	صنایع محصولات کانی غیرفلز	صنایع تولید فلزات اساسی	صنایع ماشین آلات و ابزار	متفرقه	جمع
مناطق شهری	۴۶۰	۷۰۹	۷۱	۲	۴	۲۳	۵	۲۲۰	۲	۱۴۹۶
شهر شیروان	۴۶۰	۷۰۹	۷۱	۲	۴	۲۳	۵	۲۲۰	۲	۱۴۹۶
مناطق روستایی	۵۴۰	۱۲۶۲	۱۳	۰	۰	۴	۱	۳۹	۰	۱۸۵۹
جمع	۱۰۰۰	۱۹۷۱	۸۴	۲	۴	۲۷	۶	۲۵۹	۲	۳۳۵۵

(۱) مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۶۵/ش

(۲) نیروی کار چهار دهستان قوشخانه، جریستان، اوغان و میجرانلو در این آمار محاسبه نگردیده

است.

جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب گروه عمده فعالیتها (مرد-و-زن)

جمع	فعالیتهای نااهشخص	خدمات اجتماعی: شخصی	خدمات مالی بیمه-ملکی	حمل و نقل انبارداری ارتباطات	فروش هندلاری رستوران کافه-داری	برق گاز-آب	ساختمان	صنعت	استخراج معادن	کشاورزی جنگلداری ماهگیری	شهرستان شیروان
۱۰۲۹۲	۱۵۲	۲۵۱۰	۱۰۶	۹۲۶	۹۱۸	۱۳۰	۱۶۰۰	۱۴۹۶	-	۱۴۵۴	مناطق شهری
۱۰۲۹۲	۱۵۲	۲۵۱۰	۱۰۶	۹۲۶	۹۱۸	۱۳۰	۱۶۰۰	۱۴۹۶	-	۱۴۵۴	شهر شیروان
۱۱۳۵۰	۱۱۵	۱۵۴۱	۲	۱۶۶	۱۴۳	۲۳	۶۳۷	۱۸۵۹	-	۶۸۶۴	مناطق روستایی
۲۱۶۴۲	۲۶۷	۵۰۵۱	۱۰۸	۱۰۹۲	۱۰۶۱	۱۵۳	۲۲۳۷	۳۳۵۵	-	۸۳۱۸	جمع

مانند گاریچی که به گاریچه تبدیل می شود.

لهجه و گویش شیروان دارای ۹ حرف صدادار است که ۶ تای آن آ-ا-آ-او-ای در زبان فارسی وجود دارد اما سه صدای ا-اُ-ای کوتاه خاص لهجه مردم شیروان است مانند: اوچ یعنی سه، اُچ یعنی خاموش شو، اوچ یعنی بپر، اُت یعنی علف، ایش یعنی کار و همچنین اصوات گنگی هم در واژه ها وجود دارد که معمولاً تلفظ نمی شوند مانند: میَری یعنی مگر، ینم یعنی دوباره، مین یعنی هزار، به هر حال چون بعضی از این لغات در حال حاضر به فراموشی سپرده شده و یا کمتر به کار گرفته می شود و اغلب نیز در حال فراموش شدن هستند، به منظور آشنایی نسل جوان پژوهشگر با لهجه و گویش مردم شیروان و حفظ آن به ذکر بعضی از لغات و لهجه مردم می پردازیم.

لغات و لهجه مردم شیروان*

معنی	لاتین	لغت	معنی	لاتین	لغت
مهتاب	Eyedelleq	آی دِلَق	زرنگ و مغرور	Aparti	آپارتی
نامزد	Adakhle	آدَخ لی	گرسنه	Aj	آج
بخوان	Okhe	اُخه	بازکن	Ach	آچ
یه و لورده	Azham	آذهم	جوی (جوبیار)	Arekh	آرخ
صندلی	Austel	اُسْتِل (اُسْکَل)	گلابی	Armot	آرموت
اثر	Afaqeh	آفاقه	کم	Az	آز
حقه باز- کلاهبردار	Arqa	آرَقَه	لوس	Azqen	آزقن
خطاب به مرد	Olan	اَلَن	چاپلوس	Ashmal	آشمال
شعله آتش	Alow	آلو	سیب (نخريد)	Almeh	آلمه
انگور	Oizem	اُوزم	شوهرخواهر	Aqamolla	آقاملا
گرم	Easse	ایسه	شامگاه	Aqsham	آقشام
روشن	Easheq	ایشق	پنجره	Aqeshqah	آغشقه
خواهر	Baje	باجی	بزرگ	Abei	آوی (آبی)
شلوغ- هرکی به هرکی	Baseibass	باسیباس	سوگند، قسم	And	آند
جهیزه عروس	Bashleq	باشلیق	ماه	Eye	آی

ه گویش و لهجه مردم شیروان. تالیف نگارنده سال ۱۳۵۴/ ش

لغات ولهجه مردم شیروان

معنی	لاتین	لغت	معنی	لاتین	لغت
تب کرده	Totashebdeh	توتا شیده	گوجه فرنگی	Bamador	بامادور
قوزک مچ پا	Toppoq	توپق	پدر	Babei	ببی
عروسی	Toy	توی	سطل	Badrah	بدره
آماده حاضر	Tayar	تیار	کاسه	Badiyah	بدیه
تیر چوبی	Teijeh	تیجه	انگشت	Barmaq	برماق
صاف	Tilaz	تیلاز	رختخواب	Boqband	بوقبند
انگور شغاری	Taphe	تفه (تیفی)	خواهر شوهر	Baldez	بالذر
نمد مخصوص روی اسب	Jol	جُل	مفصل	Bilay	بیلی
تکان خوردن	Jollejol	جُل جُل	گهواره	Boynech	بونیچ
ریشه	Jellah	جله	خرد شده	Pash.Pash	پاش پاش
خوشه کوچک	Jelenghe	جِلنگه	سهم	Pie	پای
کوچک و فعال	Jemmeti	جِمیتی	پرنده ای شبیه گنجشک	Petpeti	پت پتی
زرنگ - حقه باز	Julick	جُولیک	هرز رفتن آب آسیاب	Parcho	پَرچو
خار پشت	Jijikerpi	جی حی کِرپی	نفرت	Parchah	پَرچه
کفش مردانه چرمی	Charoq	چارق	پژمرده	Parmuch	پَرْمُچ
سرماي شدید	Chaqqen	چاقِن	ترشحه	Pishing	پشینگ
آبله رو	Chotor	چُتُر	تاول	Poflah	پُفله
چادر سیاه	Charsho	چَرشو	آبله-پر حرف	Pakkah	پَکّه
چاله چوله	Chalachoqer	چَله چُقر	نوعی غذای محلی	Piyo	پی او
رو برو	Chara	چَره	سنگ	Tash	تاش
لوله کتری یا آفتابه	Chornah	چُرنه	لگد	Tepesh	تیش
نوعی گیاه که با آن	cherish	چَریش	سر	Teppah	تپه
فطیر درست می کنند			نخ ابریشمی	Tereshmah	تِرشمه
چالاک	Chasban	چَسبان	ناودان	Tarnasho	تَرَنشو
زبر و خشن	Chaqa	چَقَل	شانه	Taragh	تَرَق
آبی چشم	Chaqqer	چَقَر	نوعی خوراکی	Talkhan	تلخان
گنجشک	Chemcheq	چِمچَق	تب شدید (بی تابی)	Talvasseh	تَلواسه
نشگون	Chemmeli	چِمَلی	شل و ول	Taloval	تَلوَل

لغات ولهجه مردم شیروان

معنی	لاتین	لغت	معنی	لاتین	لغت
دستمال بزرگ	Sareq	سارق	ناول کوچک	Chitnaq	چیت ناق
ریش	Saghal	ساقال	نوک. قله	Chingah	چینگه
شکم درد	Sanjeh	سانجه	چوبی بشکل	Hadjah	حاجه
معطل کردن	Sembe.so	سیمب وسو	پدر زن	Khosur	خوسور
استخوان	Semay	سیمئی	گردن بند طلا (سکه ای)	Khefti	خفتئی
استخوان ومفاصل	Semaysayeq	سیمئی ساییق	کیسه	Khaltah	خلته
آب	Su	سو	کوه- (گرم)	Daq	داغ
سُر خوردن	Suyeshmaq	سُوش ماق	آرنج	Dersse	درسمی
سیلی	Shappat	شپات	سطل جیری	Dol	دل
ترا (از آب کشیده شده)	Shefter	شِفتر	گندم نارس (شیری)	Demdel	دمدل
بی عار	Shalakhtah	شَلخته	بشقاب	Doyre	دوری (دویر)
آش	Shorvah	شوروه	نوعی شلوار محلی	Dolaq	دولاق
بُجول (قاب)	Asheq	عاشیق	دود شدید- گرد و خاک	Dollakh	دولاخ
غش کردن	Qateb	غاتب	لب	Dovagh	دواق
نفرین	Qarqesh	غارقش	شتر	Dovah	دوه
غلغلک	Qedi-Qedi	غیدی غیدی	مه	Duman	دومان
بدو (فرارکن)	Qach	قاچ	زانو	Diz	دیز
دنده قفسه سینه	Qarqa	قارقه	خستگی بیش از حد	Zallah	ذله
رو برو	Qarsheh	قارشه	بد ترکیب	Zanter	ذنتر
ابرو	Qash	قاش	فک پایین	Zavaq	ذوق
گرم	Qezqen	قرقن	کات کبود	Zemah	ذمه
دو (دویدن)	Qo	قو	طاقچه باریک	Raf	رف
حقه باز	Qaltaq	قالتاق	نخ ابریشمی	Reshmah	رشمه
مورچه	Qarenchah	قارنچه	ریگ	Rei	ری
شکمو	Qarno	قارنو	بی خرد- دیوانه	Zerramah	زرمه
درهم و برهم	Qarishmish	قاریش میش	ترش و تلخ		زغوتو
ران	Qech	قیچ	ناز. عشوه	Zeher	زهر
دست زدن (کف زدن)	Qarss	قرس	پله- پلکان	Zinapaye	زیتنه پایه

لغات و لهجه مردم شیروان

معنی	لاتین	لغت	معنی	لاتین	لغت
گیج	Kalo	کَلَبُ	محکم	Qorss	قُرُص
نوعی کفش زنانه	Komekh	کَمِخْ	لیوان	Qoreshqa	قُرُشَقَه
کوتاه	Kommekh	کَمِخْ	آبله رو	Qoter	قُطِر
استخوان لگن	Kunzova	کُنْزَوَه	سرما ریزه-شبنم	Qero	قِرَو
مردیازن بدون فرزند	Kòr-Ojaq	کور اُجاق	ترساندن	Qara.Qorkh-Eh	قَرَه قورخِه
شب	Gejah	گَجه	لاغر پر مدعا	Qozbit	قُزبیت
التماس-خواهش	Giji-Giji	گِجی گِجی	داد و بیداد-سرو صدا	Qeshqereq	قَشَقِرِیْق
مشت گره شده	Gommez	گَمَز	پر زور-گردن کلفت	Qolchomaq	قُلْچُمَاق
ناف	Gindi	گِندی	گردن کلفت	Qolder	قُلْدِر
چوپان	Govarancheh	گُوارنچی	دیگ مسی	Qeleft	قِلِفَت
آینه	Guzgei	گوزگی	در خدمت کسی بودن	Qolloq	قُلُق
خوشیدروز	Gun	گُون	یاوه گو	Qelmash	قَلماش
آفتاب	Gunash	گونی نَش	کوتاه	Qollei	قُلّی
آروغ زدن	Gayermaq	گَیَرَمَاق	شلاق	Qamcheh	قَمچِه
ضربه (سیلی)	Latmah	لَطَمَه	قاب (روپوش)	Qen	قِن
لجبار	Lachar	لَچَر	مچاله شده	Qenjer	قَنجِر
لخت و عور	Locho	لُچو	بال	Qanat	قَنَت
کفش فرسوده	Lakhah	لَخَه	نوعی کفش	Qonderah	قُنْدِرَه
کثیف	Lamash	لَمَش	پنبه	Qondah	قُنْدَه
غیر واقعی	Lanja	لَنجِه	پارچه ابریشمی	Qamiz	قَمیز
حالت تعادل	Luri	لوری	استفراغ	Qayssan	قِی سان
صندوق	Mejrah	مِجَرِه	پل	Kopreh	کُپَرِه
سینی بزرگ مسی	Majmah	مَجَمَه	میله آتش (چوب آتش)	Kasso	کَسو
کره-نوعی انگور	Maskah	مَشکِه	سوسمار-مارمولک	Kalpassah	کَلپَسَه
قرقره	Mashrah	مَشَرِه		Kerpi	کِرپی
درد آهسته	Moor- Moor	مور مور	کوتاه	Kaltah	کَلته
توالت	Maval	مَوال	صحبت بیش از حد	Kaleh-Kal	کَل کَل
مغز	Mein	مِین	سایه	Kolga	کُلگَه

لغات و لهجه مردم شیروان

معنی	لاتین	لغت	معنی	لاتین	لغت
پهلو	Yan	یان	مریض-بیمار	Nachaq	نَچاق
مشک تلم	Yayeq	یایق	جوان مرگ	Nagammarg	نَگَمَرگ
زمین	Yer	یر	هوو	Vasneh	وَسَنِه
آواز خواندن	Yerlamaq	یرَلَماق	تودماغی صحبت کردن	Vingo	وینگو
ماهی تابه	Yaqlo	یَقْلُو	خنده رو	Herrk	هَرک
مشت	Yomerdeq	یُمِرْدِق	دیگ سنگی	Harkarah	هَرکَرِه
لحاف	Yorqan	یورقَن	هاون	Havang	هَوَنگ
بی ریا	Yolokh	یولُخ	متکا	Yassdeq	یاسْدِق
گرد-کراهی	Yomereh	یُومِرِه	پهن	Yassdeh	یاسْدِه
راه	Yol	یول	سین-آشک	Yash	یاش

وکلاي مردم شیروان در مجلس شورای ملی و اسلامی

از اولین دوره مجلس شورای ملی که در ماه شعبان ۱۳۲۴ قمری رسماً گشایش یافت تا دوره بیست و یکم مردم قوچان و شیروان مشترکاً یک نماینده در مجلس داشتند که اسامی آنها به شرح زیر است.

میرزا آقابابا نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره های اول و دوم
 عبدالحسین خان سردار معظم نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره سوم
 میرزاخلیل خان فهمی نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره های چهارم، ششم، هفتم، هشتم، و نهم

سید مصطفی بهبهانی نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره پنجم^{۱۰۱}
 علی اکبر دبیر نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره دهم و یازدهم

۱۰۱- تا دوره پنجم قوچان، شیروان و درگز داری یک نماینده بودند.

محمود فتح نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم
 غلامحسین رحیمیان نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره‌های چهاردهم و پانزدهم
 منوچهر تیمورتاش نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره شانزدهم
 حسین عاملی نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره‌های هفدهم و هیجدهم
 سعید مهدوی نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره نوزدهم
 احمد مستوفی زاده نماینده مردم قوچان و شیروان در دوره بیستم

از دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی به علت کثرت جمعیت شهرستان شیروان طبق تصمیم وزارت کشور منطقه شیروان دارای یک نماینده مستقل شد. اما طبق معمول فردی^{۱۰۲} را که اصولاً نه در شیروان زندگی می‌کرد و نه آشنایی با منطقه شیروان داشت از مرکز به عنوان کاندیدای نمایندگی مجلس به مردم شیروان معرفی کردند که شیروانیها هم با معرفی کاندیداهایی با این حرکت دولت قاطعانه برخورد کردند و چون در رأی گیری بطور حتم شخص مورد نظر دولت (ماکویی پور) انتخاب نمی شد با جوسازی مصنوعی انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی در شیروان، وسیله دولت ملغی اعلام شد و اولین کرسی نمایندگی شیروان به مدت ۴ سال در مجلس خالی ماند. در انتخابات دوره بیست و دوم، دولت وقت و دیگر عوامل با توجه به تجربه تلخ دوره گذشته و پایداری مردم شیروان در برابر دولت. دوباره شخصی به نام سید کاظم مسعودی^{۱۰۳} مدیر سابق روزنامه آژنگ و کارمند اسمی کارخانه قند شیروان را به عنوان کاندیدای نمایندگی مجلس معرفی نمودند. که این حرکت باعث گردید مردم با تعجب سؤال کنند چرا؟ دولت حق مسلم و قانونی مردم را سلب می‌کند و به انتخاب نمایندگان فرمایشی اصرار دارد. به هر حال مردم شیروان، مرحوم حاج محمد اسماعیل شیروانی را نامزد نمایندگی مجلس نمودند و عده ای دیگر نیز کاندیدا شدند و مبارزات انتخاباتی در نهایت شدت انجام پذیرفت. در روز اخذ آرا که مردم اطمینان داشتند با توجه به آراء اخذ شده پیروزی حاجی شیروانی حتمی خواهد بود و آراء قراءت شده نیز حاکی از موفقیت شیروانی بود در نهایت ناباوری و تعجب با این که هنوز بعضی از صندوقهای آرا باز و شمارش نشده بود و مأمورین انتخابات و ژاندارمها در حال

۱۰۲ - مرحوم ماکویی پور

۱۰۳ - سید کاظم مسعودی اهل مشهد و ساکن تهران بود و با استفاده از نفوذ ستانور محمد علی مهدوی مالک کارخانه قند شیروان کاندیدای مجلس شده بود.

آوردن صندوقها به محل فرمانداری بودند، رادیو ایران سید کاظم مسعودی را به عنوان نماینده مردم شیروان در مجلس دوره بیست و دوم معرفی کرد. و بدین طریق مسعودی ۴ سال نماینده انتصابی شیروان شد. در بیست و سومین دوره مجلس به علت جو خفقان و دخالت بی مورد دولت مردان در سرنوشت مردم و بخصوص انتخابات. شیروانیها با بی اعتنائی با این انتخابات برخورد نمودند و حتی یک نفر حاضر به کاندیدای نمایندگی نشد و سید کاظم مسعودی به عنوان تنها نامزد نمایندگی به تعدادی آرای مصلحتی برای دومین بار به مجلس رفت.

در بیست و چهارمین دوره مجلس شورای ملی که آخرین دوره مجلس مشروطه سلطنتی نیز بود به علت آزادیهای نسبی که به مردم داده شده بود، مردم شیروان فعالانه در صحنه حاضر شدند و با مبارزه ای درخور تقدیر حاج محمود محمودیان کشاورز شیروانی را به عنوان نامزد نمایندگی مجلس معرفی و در برابر کاندیدای دولتی (سید کاظم مسعودی) به مبارزه انتخاباتی پرداختند و با این که عوامل مسعودی اطمینان کامل داشتند که باز هم او وکیل خواهد بود، اما هوشیاری مردم باعث گردید که حاج محمود محمودیان به عنوان نماینده واقعی مردم شیروان در دوره ۲۴ به مجلس راه یابد. این دوره مجلس با شروع انقلاب اسلامی در نیمه راه منحل شد ۱۰۴.

اسامی وکلای شیروان در مجلس شورای اسلامی
 سید محمد کاظم صبوری نماینده دوره اول
 سید علی عوض زاده نماینده دوره دوم
 سید علی عوض زاده نماینده دوره سوم

نگرشی کوتاه بر تاریخ گذشته و حال ادارات شیروان

فرمانداری

شیروان که در زمان صفویه مرکز حکومت ایلخانی شمال خراسان محسوب می شد ۱۰۵.

۱۰۴- اسامی نمایندگان از صدر مشروطیت تا دوره ۲۴ مجلس قانونگذاری در سال ۱۳۵۴/ش از کارگزینی مجلس شورای ملی دریافت شده است.

۱۰۵- حکیم، گنج دانش، ص ۳۷۰ و مطلع الشمس.

به مرور زمان موقعیت سیاسی خود را از دست داد، بطوری که در دوره قاجاریه مرکز تصمیم گیریه‌ها به ولایت قوچان یا بجنورد که از حکام مقتدری برخوردار بوده‌اند، منتقل گردید. در تقسیمات کشوری سال ۱۳۲۴ قمری مطابق با ۱۲۸۵ شمسی کشور به چهار ایالت و چندین ولایت تقسیم شد که خراسان یکی از چهار ایالت کشور بود^{۱۰۶}. و بر حسب اهمیت سیاسی و اداری، دارای حکامی بودند مثلاً والی برای ایالت، حاکم برای ولایت، نایب‌الحکومه برای بلوک. در این زمان شیروان مرکز میان ولایت بود «ولایت قوچان شامل بلوک سروولایت که مرکز آن قوچان، میان ولایت و شیروان که مرکز آن شهر شیروان است^{۱۰۷}» در سال ۱۳۱۶ شمسی طبق قانون تقسیمات کشوری^{۱۰۸}، ایران به ده استان و ۴۹ شهرستان تقسیم گردید، که شیروان بخش مستقل قوچان محسوب می‌شد و بخشداران اعزامی کلیه امور محوله شهر را به عهده داشتند، در سال ۱۳۳۹ شمسی بر اساس ماده قانونی که از تصویب مجلس گذشت^{۱۰۹} و استان خراسان دارای ۱۵ شهرستان و ۲۵ بخشداری گردید که شیروان از این تاریخ به شهرستان تبدیل شد^{۱۱۰} و بخشدار وقت شیروان مرحوم علی مکرم طی حکمی از طریق استانداری به عنوان اولین فرماندار شیروان منصوب گردید و به همین منظور از طرف انجمن شهر شیروان مراسمی در فرمانداری شیروان برگزار شد که مرحوم مکرم با لباس مخصوص تشریفات و حمایل و شمشیر در این مراسم شرکت کرد و طی نطقی شهرستان شدن شیروان را به مردم تبریک گفت. و از آن تاریخ به بعد بعثت موقعیت خاص شیروان از لحاظ مهاجرت، ایجاد کارخانه‌ها و ... تشکیلات سیاسی اجتماعی آن روز بروز گسترش بیشتری یافت و طبق مصوبه هیأت دولت در سال ۱۳۶۵ شمسی^{۱۱۱} چهار دهستان بزرگ از حوزه فرمانداری قوچان و تعدادی از روستاهای دهستان مایوان فاروج و چندین روستا از توابع بجنورد به حوزه فرمانداری شهرستان شیروان اضافه گردید تا وسعت شهرستان با جمعیت آن نسبت مناسبی داشته باشد.

۱۰۶ - چهار ایالت کشور عبارت بودند از: آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بنادر، خراسان و سیستان

۱۰۷ - غلامرضا ثاقب حسین پور، «مقاله تقسیمات کشوری» فصلنامه تحقیقات جغرافیائی شماره ۹، ص ۱۶۲.

۱۰۸ - قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶/ش

۱۰۹ - مصوب ۲۱ اردی بهشت سال ۱۳۳۹/ش

۱۱۰ - شیروان در زمان دولت دکتر آقبال به شهرستان تبدیل گردید.

۱۱۱ - در اجرای ماده ۲ و ۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به استناد تصویبنامه شماره ۱۱۶۰۹۶/ت ۸۵۲.

شهرداری

قبل از سازماندهی شهرداریها معمولاً حاکم یا نایب الحکومه ولایت یا بلوک که از طرف والی به این سمت انتخاب می شد با استخدام گروهی به نام «فَراش» که در رأس آن فراشباشی قرار داشت مسئولیت شهرداری را به عهده داشت.

از سال ۱۳۱۶ شمسی تا زمانی که شیروان به شهرستان تبدیل نشده بود بخشداران انتصابی معمولاً شهردار هم بودند حتی در شیروان رئیس شهربانی شهردار و رئیس فرهنگ شهردار نیز داشته ایم، یعنی با حفظ سمت مسئولیت شهرداری را نیز به عهده داشتند و در بعضی از مواقع یکی از کارمندان بخشداری یا شهرداری نیز به این سمت منصوب می گردید. البته در این زمان مهمترین اقدام شهرداران نظافت شهر و بخصوص آبیاری خیابانهای خاکی و نهال کاری و گلکاری فلکه (باغ ملی) شیروان بود^{۱۱۲}. با وسعت یافتن شهر و ازدیاد جمعیت و افزایش خدمات شهری، مردم شیروان در سال ۱۳۳۵ شمسی - که شیروان هنوز

۱۱۲ - آب پاشی خیابانهای خاکی شیروان روزانه در دو نوبت انجام می گرفت به نحوی که ابتدا آب قنات معین یا سهمیه آب شهرداری را در جوی آب حاشیه خیابانها که در فواصل مختلف گودالی نیز برای جمع آوری آب در نظر گرفته بودند، جاری می کردند سپس سُپورها (جار و کشها - رفتگران) در حالی که پاچه های شلوار را تا بالای زانو پیچیده بودند و از ظروف مخصوص آبیاری استفاده می کردند آب داخل گودالها را با گرفتن پرهیز (مطلع کردن عابرین) با قدرت تمام، در سطح سراسر خیابانها و اطراف فلکه شهر می پاشیدند که البته برای مدتی کوتاه کسبه و عابرین از شر گرد و خاک راحت بودند ولی با وزش اولین باد و تابش آفتاب باز به صورت اول در می آمد با توجه به این که در آن زمان از یخچال و موارد بهداشتی خبری نبود و کسبه معمولاً لبنیات را در معرض دید مردم و مشتریان در جلو مغازه ها قرار می دادند تصور کنید که چه لبنیاتی در اختیار مشتریان قرار می گرفت. اما فلکه شیروان که به باغ ملی معروف بود بطرز بسیار جالب و زیبایی نهال کاری و گلکاری می شد، بطوری که دور تا دور این میدان که به صورت دایره ای به قطر ۵۰ متر بود از شمشاد و بیدمشک معمولی به ارتفاع ۱/۵ متر و ضخامت یک متر محصور بود و فقط از چهار جهت اصلی برای رفت و آمد مردم راههای عبوری در نظر گرفته شده بود و حوض دایره ای شکل نسبتاً بزرگی به عمق ۱/۲۰ متر در وسط میدان واقع شده بود که از آب قنات پر می شد و بر طراوت و زیبایی میدان می افزود و به فاصله چند متر از حوض دور تا دور درختکاری و گلکاری و صندلیهای چوبی برای استراحت مردم قرار داشت و در چهار جهت فرعی آن نیز چهار گذرگاه کوچک وجود داشت که به محوطه دایره شکل کوچکتری منتهی می شد که اطراف آنها نیز درختکاری و گلکاری بود، مردم معمولاً بعد از ظهرها برای ساعتی در این تنها فلکه شهر به استراحت و گفتگو می پرداختند و تقریباً مرکز اطلاعات و اخبار و وقایع بود لازم به توضیح است که در آن ایام حتی در هر ساعت یک اتوبیل هم از اطراف فلکه عبور نمی کرد، چون جاده اصلی مشهد - تهران از طریق نیشابور و سبزوار بود از این میدان در حال حاضر فقط چندین درخت زبان گنجشک کهنسال باقی است که زنده کننده خاطرات تلخ و شیرین ایام گذشته است و شکل کلی آن بکلی تغییر یافته است. (اقتباس از کتاب دستخط میرزا برات شیروانی)

رسماً به شهرستان تبدیل نشده بود. اولین انتخابات انجمن شهر را با شور و هیجان خاصی برگزار نمودند و پس از شمارش آرا افراد زیر ۱- حاج امیر حسین خان نگهبان ۲- حاج حسین اسلامی ۳- حاج علی هوشیار ۴- مرحوم حاج علی اکبر ابراهیم پور ۵- حاج رضا قصابان به عنوان اعضای انجمن شهر انتخاب و مرحوم حاج محمد اسماعیل شیروانی را به عنوان اولین شهردار انتخابی شیروان معرفی کردند... به مرور با عبور شاهراه کناره (مشهد-تهران) از شیروان- احداث کارخانه قند- اسفالت خیابانهای شهر در سال ۱۳۴۴ شمسی و لوله کشی آب و احداث ساختمان و... در شرایط کنونی شهرداری شیروان (با جمعیت ۶۵ هزار نفر) یکی از مراکز مراجعه کنندگان و ارباب رجوع می باشد که قسمتی از وظایف آن تأمین آب آشامیدنی، اسفالت و تعریض خیابانها، نظافت معابر عمومی و پارکها، احداث خیابانهای جدید آتش نشانی، نوسازی، متوفیات، احداث پارک و اماکن تفریحات سالم و... می باشد^{۱۱۳}.

ساختمان شهرداری شیروان در خیابان امام رضا بین تربیت بدنی و پارک و کتابخانه کودک قرار دارد که مشتمل بر قسمتهای مختلف اداری، منزل مسکونی شهردار و محوطه پارک بعضی از وسایط نقلیه^{۱۱۴} است که از نظر مکان و وسعت مکفی و قابل توسعه نیز می باشد، و در قسمتهای مختلف شهر و روستای زیارت اماکن و تأسیسات دیگری نیز دارد که اهم آن عبارتند از: آتش نشانی و خدمات ایمنی در خیابان سعدی^{۱۱۵}، سه باب رختشوی خانه در شهر، نوانخانه در خیابان کمر بندی، غسالخانه و گورستان در روستای زیارت، میدان بار، باغ میوه در شهرک طالقانی، فروشگاه تعاونی، پارک جنگلی، کارخانه اسفالت در حد فاصل خانلق- شیروان، یازده دستگاه منزل مسکونی در جنب پارک جنگلی. تعداد پرسنل رسمی شهرداری شیروان ۱۲۰ نفر است که ۳۸ نفر در بخش اداری و ۸۲ نفر کارگر می باشند و علاوه بر آن در حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر کارگر فصلی دارد، آب آشامیدنی شهر از طریق ۱۱ حلقه چاه عمیق تأمین می گردد^{۱۱۶} که وسیله چهار منبع وارد شبکه می شود ۱- منبع

۱۱۳ - شهرداری شیروان در سابق وظایف توزیع سیمان، آهن، گچ و حتی دریافت وجه برق مصرفی را به عهده داشت که در حال حاضر مستقل عمل می کنند

۱۱۴ - ۱۱۵ - شهرداری شیروان در جنب کارخانه الیاف تأسیسات کامل آتش نشانی و پارک موتوری را در حال احداث می باشد.

۱۱۶ - چهار حلقه چاه عمیق نیز آماده بهره برداری است.

۵۰ مترمکعبی که در سال ۱۳۴۵ آماده بهره‌برداری شد ۲- منبع ۳۰۰ مترمکعبی در سال ۱۳۵۳ شمسی ۳- منبع ۳۵ مترمکعبی در سال ۱۳۵۷ شمسی ۴- منبع بزرگ ۱۰۰۰۰ مترمکعبی واقع در تپه‌خانلق که از سال ۱۳۶۴ شمسی آماده بهره‌برداری شدند^{۱۱۷}. درآمد کل شهرداری شیروان در سال ۱۳۶۴ شمسی بالغ بر ۴۰۷/۹۰۷/۲۴۸ ریال که به تفکیک آب ۵۱۰۳۱۸۱۳ ریال نوسازی ۲۱۱۸۸۵۸۸ ریال درآمد ۱۷۶۶۸۷۰۰۶ ریال. شهر شیروان دارای ۸۲۴۸ واحد منزل مسکونی و جمعاً ۱۲۲۰۰ سند منزل مسکونی و زمین بایر و باغ دارد و تعداد شبکه لوله کشی آب شهر ۷۲۵۰ رشته است (آمار سال ۱۳۶۵) ماشین آلات شهرداری شامل: ماشین زباله کشی بزرگ ۳ دستگاه ماشین حمل زباله نیسان ۲ دستگاه، تراکتور بیل داریک دستگاه، لودریک دستگاه، غلتک آسفالت یکد دستگاه، آمبولانس دو دستگاه ماشین آتش نشانی دو دستگاه و انواع ماشینهای خودرو سواری ۷ دستگاه.

شهربانی

سازمان پلیس در ایران دارای سوابقی بسیار قدیمی و سرآغاز آن به سال ۵۵۸ قبل از میلاد می‌رسد که از بحث ما خارج است. اما بطور کلی از ظهور اسلام به این طرف مأموران این سازمان بزرگ انتظامی در هر عهد و زمان، نامی بخصوص داشته‌اند: شرطه، شحنة، محتسب، عسس، داروغه، گزمه، قاضی الحاجات، آجودان، پاسبان و پلیس و درصد سال اخیر این سازمان به اسامی نظمیه و شهربانی نامیده شده است.

در سال ۱۳۰۸ شمسی شهربانی شیروان به نام نظمیه در خیابان مالیه کهنه شهر (آذربایجانیه‌های فعلی) با ریاست سرکار امیر نظام اسمعیل خان رسماً افتتاح گردید که پس از مدتی کوتاه سروان حیدرخان رئیس نظمیه شیروان شد. نظمیه شیروان با ۱۸ نفر پرسنل کار خود را آغاز کرد که اکثر افراد (پاسبانها) بومی بودند، لباس «اُنیفورم» اولین پاسبانان در شیروان عبارت بود از: ۱- کلاه پوستی به رنگ سیاه با نشان شیرو خورشید بزرگ ۲- فرنج نوعی سرداری مغزی دار با دگمه‌های مخصوص که فقط رئیس نظمیه کمر بند، حمایل و شمشیر می‌بست ۳- شلوار بالا گشاد و از زانو به پایین تنگ بود ۴- کفش (پوتین) و زنگال که زنگال از چرم ساخته می‌شد و از روی شلوار بر ساق پا می‌بستند^{۱۱۸}، نظمیه شیروان در

۱۱۷- ارتفاع منبع ۱۰۰۰۰ مترمکعبی از کوتاه‌ترین شبکه ۱۴۰ متر است.

۱۱۸- در ابتدا به جای زنگال از پاتابه استفاده می‌کردند (عکس شماره ۹).



از راست. مرحوم حسین خان رشیدی و مرحوم جعفرخان شجاعی دونفر از اولین پلیسهای
نظمیه (شهربانی) شیروان در سال ۱۳۰۸/ش عکس شماره ۹

زمانی که ریاست نظمیه ایران به عهده سرتیپ درگاهی بود تأسیس گردیده است. در اوایل سال ۱۳۱۰ شمسی نظمیه شیروان با نام جدید شهربانی به ساختمان جدیدالاحداث واقع در ضلع شمالی میدان اصلی شهر (میدان انقلاب فعلی) انتقال یافت و تغییراتی نیز در لباس پاسبانان به وجود آمد، از جمله کلاه پوستی به کلاه کاسکت و در

مرحله بعد کلاه معمولی (در حال حاضر هم استفاده می شود) تبدیل گردید ولی نشان کلاه کمافی السابق بزرگ بود و هرپاسبان با شماره ای که بر روی سینه نصب می کرد مشخص و شناسایی می شد و زنگال نیز مورد استفاده قرار نمی گرفت به مرور نشان کلاه پلیس کوچکتر شد و به جای شماره بزرگ فلزی، نام و نام خانوادگی پلیس بر روی جیب فرنج نصب گردید و در چندین ساله اخیر اصلاحات و تحولی اساسی در شهربانی انجام گرفته است که چهره این سازمان عظیم انتظامی را بکلی تغییر و مردمی نموده است. در حال حاضر شهربانی شیروان در ساختمان^{۱۱۹} بزرگ و مجهزی که در سال ۱۳۶۷ شمسی به اتمام رسیده است با امکانات زیر در خدمت مردم می باشند: کلانتری انتظامی، اداره راهنمایی و رانندگی، مبارزه با مواد مخدر، آگاهی، گروه تحقیق جرایم، انگشت نگاری، شرکت تعاونی مسکن و مصرف، ندامتگاه، انجمن حمایت از زندانیان، ایدئولوژی و ...

قره سوران (امنیه دولتی) یا ژاندارمری

تاریخچه قره سوران (ژاندارمری) را در شیروان می توان اولین تشکیلاتی دانست که امنیت و حفظ و حراست راهها و بدرقه گاریها و درشکه های حامل مسافرین و پست و پیام دولتی را به عهده داشته اند، با این که قره سوران در زمان ناصرالدین شاه سازماندهی شده است اما تاریخ تشکیل این سازمان در شیروان دقیقاً مشخص نیست. اما در بعضی از کتب از خدائوردی سردار توکوری به عنوان رئیس قره سوران شیروان که امنیت و حفاظت راههای شیروان به بجنورد و شیروان به قوچان را به عهده داشته نام می برند «امیر تیمور کلالی از قوام السلطنه (والی خراسان) برای خدائوردی تقاضای تأمین کرد و قوام السلطنه ضمن تأمین با ارسال یک قبضه شمشیر به خدائوردی سردار او را به عنوان رئیس قره سوران منصوب کرد»^{۱۲۰}. قره سوران متحدالشکل نبودند ولی علامت دولتی بودن آنها فقط نشان شیر و خورشیدی بود که به کلاه پوستی خود می زدند، آنها غالباً به سرداری (لباس مرسوم آن

۱۱۹ - ساختمان قدیمی شهربانی شیروان بعد از انقلاب اسلامی تخریب و ساختمان جدیدی با زیربنای بیشتر در سه طبقه در همان محل سابق احداث گردید که جا دارد در این جا از مسؤولین شهربانی که همگی با خلوص نیت به عنوان کارگر در احداث این بنا کار می کردند و همچنین از اعضای هیأت امناء و مردم شیروان (در رابطه با خود باری و کمک مالی) تشکر و سپاسگزاری گردد.

۱۲۰ - تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران

زمان) ملبس بودند و قطار و فشنک خود را زیر سرداری می بستند و رنگ سرداری، آبی روشن بود، در کنار راهها برای قره سوران برج و پناهگاه احداث می شد که مبنای پاسگاههای ژاندارمری فعلی است. قره سوران در زمان مظفرالدین شاه به امنیه کل مملکتی تغییر نام داد که هنوز هم در روستاها به ژاندارم «امنیه» می گویند البته با این که «امنیه» دارای تشکیلات منظم تری بود ولی قره سوران نیز با توجه به نوع حکومت (فئودالی) هنوز قدرت اول راهها بودند... در اواخر حکومت قاجاریه در زمانی که فرماندهی ژاندارمری خراسان به عهده کلنل محمد تقی خان پسیان بود (سال ۱۳۰۰ شمسی) و فرماندهی ژاندارمری شیروان را نایب دوم مهدی خان رفعت به عهده داشت محل گروهان در جنب گروهان ژاندارمری فعلی قرار داشت با تحریک و سفارش مستقیم قوام السلطنه که با کلنل محمد تقی خان پسیان اختلافات شدیدی داشتند، فرج الله خان نگهبان حاکم شیروان و عزیزالله خان زعفرانلو با قوای محلی خود و کمکی که از طریق سردار معزز بجنوردی به آنها می شد، گروهان ژاندارمری شیروان را خلع سلاح کردند و سپس به ژاندارمری فاروج و قیچان حمله و آن جا را نیز متصرف شدند^{۱۲۱}... پس از زلزله سال ۱۳۰۸ شمسی محل گروهان ژاندارمری شیروان به خیابان نادری محل موزائیک سازی تقوی منتقل شد که با فرماندهی سروان غلامرضا گنجی مسئولیت خلع سلاح عمومی را به مرحله اجرا درآورد در حال حاضر گروهان ژاندارمری شیروان دارای ۱۲ پاسگاه ژاندارمری در سطح شهرستان می باشد که در خدمت روستاییان وظایف محوله را انجام می دهند.

اداره مخابرات

تشکیلات مخابرات شیروان در سال ۱۳۱۷ شمسی با یک دستگاه تلفن ۱۲ شماره ای مغناطیسی تک سیم^{۱۲۲} در ضلع جنوبی میدان انقلاب آغاز به کار می کند که به مرور زمان تا پنجاه شماره توسعه می یابد و محل آن به خیابان تلفنخانه (جامی جنوبی) منتقل می شود، در سال ۱۳۴۷ شمسی تعداد مشترکین تلفن در شیروان به ۲۰۰ شماره می رسد و بالاخره تعداد مشترکین تلفن مغناطیسی در سال ۱۳۵۸ شمسی به ۶۴۱ می رسد، در سال مذکور تلفن

۱۲۱ - پس از خلع سلاح ژاندارمری قیچان، جنگ خونینی در طاس تپه های داود لی بین قوای خوانین و نیروهای ژاندارمری در گرفت که به کشته شدن کلنل محمد تقی خان پسیان منتهی گردید.

۱۲۲ - سیم دیگر تلفن به زمین اتصال پیدا می کرد.

خودکار سیار ۱۰۰۰ شماره‌ای بطور موقت در همان محل تلفنخانه سابق شروع به کار می‌نماید و در سال ۱۳۶۵ شمسی تلفن خودکار ۲۰۰۰ شماره‌ای در ساختمان بزرگی که به همین منظور احداث می‌شود و در خیابان کاشانی قرار دارد توسط وزیر پست و تلگراف و تلفن (مهندس غرضی) رسماً افتتاح می‌گردد که این دستگاه تا ۵۰۰۰ شماره قابل توسعه می‌باشد، ادارهٔ مخابرات شیروان علاوه بر تلفن خودکار ۲۰۰۰ شماره‌ای که معمولاً با ظرفیت کامل کار می‌کند دارای ۴ کابین ارتباط راه دور سکه‌ای بین شهری و ۵ کابین برقراری ارتباط راه دور توسط اپراتور در مرکز مخابرات می‌باشد و تعداد کابین‌های تلفن شهری سکه‌ای (۲ ریالی) نیز ۵ کابین است، روستاهایی که دارای ارتباط تلفنی هستند و می‌توانند به اقصاد نقاط ایران در ارتباط باشند عبارتند از: دوین، خانلق، زیارت، الله‌آباد، باغان، بزآباد، گلیان و زوارم^{۱۲۳} تعداد پرسنل مخابرات شیروان ۴۴ نفر است که ۸ نفر مسئولین تلفنخانه روستاها را که معمولاً از اهالی همان روستا به خاطر آشنایی به زبان مردم انتخاب و استخدام شده‌اند می‌بایستی به آمارپرسنل اضافه کرد^{۱۲۴}. مخابرات شیروان در قسمت تلگراف^{۱۲۵} طبق آمار ادارهٔ کل مخابرات استان در سال ۱۳۶۵ شمسی به شرح جدول زیر تلگراف مخابره شده داشته‌اند. (جدول ۱۲)

شهرستان	تلگرافهای صادره		تلگرافهای وارده		تلکس	تعداد جنتکس
	تعداد کلمه	تعداد تلگرام	تعداد کلمه	تعداد تلگرام	فارسی	فارسی
شیروان	۱۴۴۶۴	۴۶۲۸۴۸	۲۵۰۱۴	۸۰۰۴۴۸	۱	۱

۱۲۳- روستاهایی که در اولویت ارتباط تلفنی قرار دارند عبارتند از: حسین‌آباد، بیگان، توکور، رباط، نامانلو، قلعه‌حسن، کوسه، بلغان‌علیا، برزلی، اوغاز، سرانی.

۱۲۴- آمارنامهٔ خراسان، سال ۱۳۶۵، ص ۱۰۱.

۱۲۵- تاریخچهٔ تلگراف در شیروان- در اوایل سال ۱۳۰۵ شمسی با یک دستگاه مرس که در یکی از اتاقهای منزل مرحوم محمد ابراهیم خان سیاهکوثی (واقع در شهر قدیم جنب گرمابهٔ فعلی ولی عصر) کار گذاشته شد تلگرافخانهٔ شیروان به ریاست میرزا محمدخان رستمی تأسیس یافت و اولین تلگراف وسیلهٔ فرج‌الله‌خان ضعیف‌الملک (حاکم شیروان) برای قوام‌السلطنه مخابره گردید. تعداد تلگراف مخابره شده در آن زمان ۳ تا ۴ بار و در ساعات معین انجام می‌گرفت، پس از زلزلهٔ ۱۳۰۸ شیروان، تلگرافخانه به محل گردان واقع در خیابان نادری انتقال یافت که امور محوله در زیر چادر انجام می‌گرفت. و از آن‌جا به ترتیب به منزل مهدی ولی قصاب، منزل استقلو، خیابان ابن سینا، خیابان جامی شمالی و تا سال ۱۳۶۵ در محل ادارهٔ مخابرات سابق (میدان انقلاب) و بالاخره به محل مرکز تلفن خودکار شیروان در خیابان کاشانی انتقال یافت و امور محوله در این مرکز با دستگاههای مجهز و با سرعت انجام می‌پذیرد.

تعداد مراجعان از طریق اپراتور کاریر در سال ۱۳۶۵ (صادره و وارده) ۱۰۷۶۸۴ نفر بوده است. ضمناً شبکه ارتباطی تلفن شهری به صورت کابل زیرزمینی است که تا چهل هزار شماره تلفن را پاسخگو می باشد.

بهداری

تشکیلات بهداشتی بطور کلی به سه دوره تقسیم می شود: ۱- مجلس حفظ الصحة دولتی از سال ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۹ شمسی ۲- صحیه کل مملکتی از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ شمسی ۳- وزارت بهداشتی از سال ۱۳۲۰ شمسی تا کنون در شیروان (شهر قدیم) تا قبل از سال ۱۳۰۸ شمسی، دکتر یا پزشک رسمی طبابت نداشته است و دو نفر از اهالی شیروان معروف به دکتر شیخ مهدی^{۱۲۶} مجتهدی و قربان دکتر که اطلاعاتی از امور پزشکی و امراض بومی داشتند، بیماران را با داروهای محلی مداوا می کردند و کسانی که به بیماری سختی مبتلا می شدند با گاری یا کالسکه به مشهد اعزام می گردیدند، تنها داروخانه شیروان به نام دواخانه صحیه شیروان در میدان و جنب حمام کوچک شهر قدیم شیروان قرار داشت که مسؤولیت آن را مرحوم محمد ابراهیم رحمانی به عهده داشت، در اردیبهشت سال ۱۳۰۸ شمسی به علت وقوع زلزله شدید در شیروان عده ای از پزشکان صحیه کل مملکتی و شیرو خورشید سرخ از تهران و مشهد به شیروان آمدند^{۱۲۷} و مدت چند روزی به مداوای مجروحان و مصدومان زلزله پرداختند و پس از مراجعت پزشکان تنها دکتر فتحعلی خان صباح چند ماه در باغ ارمنی ها به مداوای بیماران پرداخت و پس از احداث مریضخانه شاهرضا (۱۵ خرداد فعلی) در خیابان مشهد (۱۳۱۲) دکتر صحت بخش به عنوان اولین رئیس^{۱۲۸} صحیه (بهداری) شیروان منصوب گردید و بعد از وی به ترتیب دکتر قاسمی، دکتر کامران پور و دکتر عمادالدین خواجوی مسؤولیت صحیه (بهداری) شیروان را عهده دار بوده اند. با شروع جنگ جهانی دوم که نائره آن خاک وطن ما را در بر گرفت و مردم ایزان بخصوص شهرهای مرزی از جمله شیروان را در شهریور ماه ۱۳۲۰ دچار عوارض شوم خود کرد و صحیه (بهداری) شیروان نیز روال طبیعی کار خود را از دست داد و مدتی بدون مسؤول و دکتر شد تا

۱۲۶ - دکتر شیخ مهدی دارای مجوز رسمی از طرف بهداشتی بود.

۱۲۷ - دکتر قوام نصیری، دکتر فتح علی خان صباح، دکتر منوچهری، دکتر نعمی و ...

۱۲۸ - مطلعین: دکتر قاسمی را اولین رئیس بهداشتی شیروان ذکر می کنند اما در آمار نام او دیده نمی شود.

(جدول ۱۳)

آمار پزشکان و کارکنان بهداشتی ۱۳۶۵

تعداد	شغل
۱۷ نفر	پزشک
۴ نفر	ماما
۴ نفر	پرستار
۲۳ نفر	بهداشتیار
۲۴ نفر	بهورز
۴ نفر	تکنسین آزمایشگاه
۵ نفر	تکنسین داروسازی
۳ نفر	تکنسین رادیولوژی
۳۱ نفر	بهبیار
۲۴ نفر	کمک بهیار
۶ نفر	بهداشت محیط
۱۸ نفر	کارمند اداری
۸ نفر	خدمات فنی
۱۰	مأمور به خدمت
۲۰ نفر	متفرقه
۲۰۱ نفر	جمع

داروخانه‌های شیروان - سال ۱۳۶۸ شمسی

ردیف	نام سابق	سال تأسیس	مؤسس	نام فعلی	مدیر داروخانه
۱	دواخانه صحنه	۱۲۸۵ شمسی	مرحوم محمد ابراهیم رحمانی	داروخانه اطمینان	محمود- رحمانی
۲	دواخانه رحمانی	۱۳۱۰ شمسی	مرحوم عباس رحمانی	داروخانه رحمانی	رضا- رحمانی
۳	داروخانه شاهرضا	۱۳۱۷ شمسی	دکتر رضا فرزانه	داروخانه رضا	فرامرزی- فرزانه
۴	داروخانه دکتر زیرک	۱۳۶۵ شمسی	دکتر زیرک	داروخانه دکتر زیرک	دکتر- زیرک
۵	دارویی دامی	۱۳۶۶ شمسی		دارویی دامی	

این که صحنه کل مملکتی به بهداری تغییر نام داد و دارای تشکیلات منظم تری گردید... شهرستان شیروان در موقعیت فعلی (سال ۱۳۶۵ ش) فقط دارای یک بیمارستان ۳۵ تختخوابی سازمانی به نام ۱۵ خرداد (شاهرضا سابق) است که عملاً ۶۰ تا ۶۵ بیمار در آن بستری می‌گردد «تخت مورد نیاز ۳۹۶ عدد، کمبود تخت ۳۳۱ عدد، یعنی برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت فقط نیم تخت^{۱۲۹}» و یک باب بیمارستان ۷۵ تختخوابی غیرفعال (ساختمان آن نیمه تمام است) بخشهای بیمارستان فعلی عبارتند از: بخش جراحی، بخش آزمایشگاه، بخش رادیولوژی، بخش زایشگاه، بخش مادرکودک دوبات بخش واکسیناسیون دوبات، داروخانه دوبات مبارزه با مالاریا یک باب، اورژانس یک باب، بیمه گری یک باب. تعداد درمانگاههای شهر شامل دوبات درمانگاه شماره ۴ و ۵ می باشد و در روستاهای دوین، اوغاز، توکور، زوارم و گلیان دارای درمانگاه روستایی دایر است، تعداد خانه های بهداشت روستایی ۵۳ باب است که ۲۳ خانه بهداشت فعال و بقیه غیرفعالند و اخیراً یک باب آموزشگاه بهورزی نیز تأسیس شده است تا نیاز شهرستان را از نظر بهورز تأمین نمایند. درمانگاه هلال احمر نیز که در سال ۱۳۴۶ شمسی تأسیس گردیده دارای فعالیت درمانی و دیگر خدمات پزشکی می باشد.

داروخانه های اطمینان، رحمانی و رضا در خیابان امام خمینی و داروخانه دکتر زیرک و دارویی دامی در خیابان امام رضا واقعند، تمام داروخانه ها علاوه بر مدیریت، دارای دکتر داروساز می باشند.

اداره دارایی (مالیه)

تاریخچه - مالیه ایران در گذشته به ۳ طریق از مردم مالیات اخذ می کرد ۱- مالیات ارضی یا خراج که نسبت به کشت تعیین می گردید. ۲- مالیات سرانه که از کلیه کسانی که دارای خانه و منزل بودند به اندازه دارایی و ثروت شخصی دریافت می کرد ۳- مالیات سرشماری که آن را به زبان پهلوی گزیت یا ژزیت می گفتند و از کسانی دریافت می شد که زرد شتی نبودند^{۱۳۰}.

پس از پیروزی اسلام مالیات به عنوان زکات، صدقات و جزیه پرداخت می شده

۱۲۹- آمار سازمان منطقه ای بهداری

۱۳۰- تاریخچه مالیات در ایران، ص ۳۰۱.

است،... در دوره صفویان در مورد دریافت مالیات و درآمدها اصلاحاتی به وجود آمد که حکم تخفیف مالیات شاه عباس اول و شاه سلیمان صفوی نسبت به سادات روستای سکه^{۱۳۱} شیروان نشان دهنده وضع مرتب امور مالی و دریافت مالیات از مردم در این دوره می باشد، ۱۰۱۸ قمری^{۱۳۲}.

در زمان قاجاریه بخصوص ناصرالدین شاه در اثر ازدیاد مراوده با کشورهای خارجی و اطلاع از سیستم مالیاتی ممالک اروپایی بنابر سلیقه و مناسب احتیاج آن روز کشور به وضع مالیه مملکت سروصورتی داده شد که امیرکبیر در این مورد نقش عمده ای داشت.

«در این زمان مأمورین مالیه که از طرف حاکم شیروان تعیین می شدند به عناوین مختلف از مردم مالیات می گرفتند و از آن جمله می توان به: اتاق پولی، دوداندودپولی (به تعداد دودکشهایی که از هر منزل خارج می شد)، سامان پولی^{۱۳۳}، یورنجه (یونجه) پولی، خان پولی، فراش پولی، تراشه پولی، عمه پولی، مهمان پولی (برای مهمانان حاکم)، پالیز پولی ... اشاره کرد در زمانی که امیرگونه خان حاکم شیروان بود (۱۲۸۵ قمری) او علاوه بر مالیات مذکور برای نوکران خود نیز مالیات می گرفت^{۱۳۴}».

پس از مشروطیت در زمان وزارت مالیه میرزا محمود خان ناصرالملک (۱۲۸۵ ق) با تشکیل ادارات سبعة، اداره مالیه شیروان نیز به ریاست مرحوم احمدخان مستوفی زاده در خیابان مالیه شهر قدیم شیروان رسماً تأسیس شد که استقلال کامل نداشت و حکام و خوانین محلی در امور مالیات دخالت می کردند تا این که در سال ۱۳۱۵ شمسی اداره مالیه به دارایی تغییر نام داد و در چند ساله اخیر به اداره امور اقتصادی و دارایی تبدیل گردید. جداول (۱۶ و ۱۷) میزان مالیاتهای دریافتی شیروان را از سال ۶۱ تا ۱۳۶۵ را نشان می دهد.

(جدول ۱۶)

درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۶۴	سال ۱۳۶۵	وصول ۱۲ ماهه		سال ۱۳۶۲	سال ۱۳۶۱	مرکز و وصول
		سال ۱۳۶۴	سال ۱۳۶۳			
۳۸/۹۶	۳۵۳,۳۷۴,۰۰۰	۱۸۲,۳۳۶,۰۰۰	۱۸۵,۷۸۰,۰۰۰	۱۵۸,۹۷۳,۰۰۰	۸۷,۸۹۲,۰۰۰	شیروان

۱۳۱ - روستای سکه جزو دهستان حومه از توابع شیروان است.

۱۳۲ - منبع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۵۹

۱۳۳ - سامان کلمه ای ترکی و به معنی گاه است.

۱۳۴ - نقل از کتاب دستخط تاریخ قدیم شیروان میرزا برات شیروانی.

(جدول ۱۷)

جدول مالیات دریافتی اداره امور اقتصادی و دارایی شهرستان شیروان ۱۳۶۵

ردیف	شرح	میزان مالیات
۱	عواید دولت از مالیات مشاغل و شرکتهای غیر دولتی	۸۹/۳۷۱/۸۸۵ ریال
۲	عواید دولت از مالیات ادارات دولتی	۵/۹۶۸/۸۰۷ ریال
۳	عواید دولت از مالیات غیر دولتی	۶۹/۳۷۹/۷۱۶ ریال
۴	عواید دولت از مالیات مشاغل (افراد)	۲/۲۹۱/۶۳۱ ریال
۵	عواید دولت از مالیات ارث	۳/۶۹۰/۷۹۳ ریال
۶	عواید دولت از مالیات مستغلات	۵/۶۹۵/۸۰۹ ریال
۷	عواید دولت از مالیات نقل و انتقالات	۲۶/۰۲۳/۰۳۲ ریال
۸	عواید دولت از مالیات حق تمبر	۶/۹۵۶/۳۷۲ ریال
۹	عواید دولت از مالیات حقوق پاییانی	۱۲/۳۱۳/۷۹۴ ریال
۱۰	عواید دولت از مالیات اشتراک تلفن	۹۴۹/۶۸۲ ریال
۱۱	عواید دولت از مالیات اتفاقی	۹۵۳/۹۷۶ ریال
۱۲	عواید دولت از مالیات هزینه وصول	۲۶۹/۰۳۵ ریال
۱۳	عواید دولت از مالیات بنده تبصره ۱۶ قانون بیمه	۲۲/۲۱۸/۹۹۸ ریال
۱۴	درآمدهای عمومی و خصوصی	۸۶/۸۵۳/۲۶۶ ریال
جمع کل مالیات دریافتی		۳۵۳/۴۹۰/۸۵۷ ریال

مساجد و هیأت‌های عزاداری شیروان

مسجد جامع رضوی: بنای اولیه این مسجد بعد از زلزله اردی بهشت ماه سال ۱۳۰۸ شمسی از آجر و خشت و گل و گچ و چوب طبق معمول بناهای آن دوره در محل فعلی مسجد احداث گردیده بود که ستونهای چوبی ضخیم و بخاریهای کنده ای (چوبی) و چایخانه قدیمی آن که همیشه قبل از طلوع آفتاب آماده پذیرایی با چای گرم و شیر و فطیر از نمازگزاران بود یاد آور خاطرات دوران گذشته نماز گزاران سابق و قدیمی این مسجد

می باشد که نماز جماعت را به امامت مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابراهیم واعظی اقامه می کردند.

در سال ۱۳۹۳ قمری مطابق با ۱۳۵۲ شمسی، عده ای از مردم متدین تصمیم گرفتند تا با خودیاری این بنای قدیمی را تخریب و به احداث مسجدی بزرگ و مجهز اقدام نمایند، که ضمن کسب تکلیف از حوزه علمیه قم و مشهد و آیات عظام، حضرت آیه الله میلانی اجازه تجدید بنای مسجد را دادند. لذا از بین مردم ۵ نفر به عنوان هیأت امنای مسجد برگزیده شدند و با افتتاح حسابجاری مسجد جامع در بانک ملی کمکهای بی دریغ مردم به حساب مذکور واریز و با طرح و نقشه مهندسی ساختمان مسجد آغاز گردید و پس از ۵ سال به صورت فعلی در آمد «مسجد جامع رضوی شیروان، تاریخ تجدید بنا سال ۱۳۹۳ تاریخ اتمام بنا ۱۳۹۸ هجری قمری^{۱۳۵}». مسجد جامع شیروان در مرکز شهر و ضلع شمالی میدان انقلاب واقع است که دارای یک شبستان بسیار بزرگ و محراب کاشیکاری شده می باشد که اطراف آن با سوره مبارکه «الاعلی^{۱۳۶}» مزین گردیده است و دارای دو گلدسته^{۱۳۷} نسبتاً بلند و گنبدی کوچک است، داخل شبستان مسجد در قسمتی دو طبقه است که طبقه فوقانی آن با در ورودی و خروجی جداگانه و اثره خواهران می باشد، مسجد از طرف قبله دارای ۴ در بزرگ چوبی است، اتاق خادم و دفتر مسجد در طرف غرب ساختمان و چایخانه و انبار و آشپزخانه در ضلع شمالی قرار دارد. این مسجد بزرگ فاقد کتابخانه است در طبقه زیرین دو وضوخانه مردانه و زنانه احداث شده است که جوابگوی مؤمنان و نمازگزاران و مسافران می باشد. نمای جنوبی مسجد جامع و گلدسته ها بجز قسمت انتهایی آنها کلاً کاشیکاری شده است.

مسجد توکلی (یزدی ها): این مسجد در خیابان اصلی و پر رفت و آمد شهر شیروان واقع است که در اصل مسجد بازار نیز محسوب می شود. بانی این مسجد مرحوم حاج میرزا علی توکلی است که اکثر مجالس ترحیم مردم شیروان در این مسجد برگزار می گردد و از قدیم الایام دارای نماز جماعت است. مسجد مذکور به کلیه امکانات مجهز می باشد و قبر بانی مسجد در صحن حیاط و در جلو در وضوخانه قرار دارد، در روی سنگ قبر تاریخ احداث

۱۳۵ - این تاریخ با کاشیکاری در دو گوشه نمای جنوبی مسجد نوشته شده است.

۱۳۶ - سوره ۸۷ مکیه، قرآن مجید.

بنا سال ۱۳۴۲/ش و تاریخ فوت بانی ۱۳۶۰/ش ذکر شده است.

مسجد آذربایجانیه (ترکها): این مسجد در خیابان آذریها واقع است و از مساجد قدیمی شیروان می باشد که بانی آن آذریهای مقیم شیروان هستند و در اکثر مواقع نماز جماعت در آن جا اقامه می گردد.

مسجد باب الحوائج واقع در خیابان آزادی (۲۰ متری هاشمی)

مسجد امام حسن مجتبی (ع) واقع در شهرک

مسجد مسلم ابن عقیل واقع در خیابان جهاد سازندگی

مسجد جواد الائمه واقع در خیابان خائلق و مسجد سجاد (ع) واقع در خیابان جنت

مسجد امام رضا (ع) واقع در خیابان چنگل آباد و مسجد قائمیه واقع در خیابان کاشانی «ویژه خواهران»

هیأت‌های عزاداری سرور شهیدان در شیروان

هیأت متحده ابوالفضل (امامزاده غیبی): قدیمی ترین هیأت عزاداران شیروان است که دارای دسته های سینه زن و زنجیر زن می باشد. در روزهای تاسوعا و عاشورا طبق روال سابق با تزئین شبیه ذوالجناح، کجاوه و شبیه حضرت علی اصغر و طفلان مسلم و جمعی با پوشیدن لباس عربی و گفتن «ای فرات قان آلسن ۱۳۸» به حرکت در می آیند و دارای دو علامت بزرگ و دیگر وسایل مراسم عزاداری هستند. بنای قدیمی مسجد ابوالفضل با فعالیت هیأت امنای جدید و کمکهای مردم متدین تجدید بنا و دارای کلیه امکانات می باشد (سال ۱۳۶۷/ش): این مسجد در مجاوزتیه قدیمی ارک و در جوار مقبره امامزاده غیبی واقع است. هیأت عزاداران در دهه محرم شبها مراسم عزاداری دارند و معمولاً با حلیم از عزاداران حسینی پذیرایی می نمایند و به مناسبتهای مختلف دینی نیز دسته عزاداری راه انداخته و

۱۳۷ - در این تاریخ تجدید بنا شده است زیرا بنای اولیه مسجد قدمت زیادی دارد. بر سقف مسجد اسماء حسنه خداوند، بر روی چراغهای حبابی چهار گوش نوشته شده است که دستخط حاج محمد حسین سیدی یکی از افراد متدین شیروان می باشد.

۱۳۸ - ای آب رودخانه فرات تبدیل به خون شوی.

مردم را اطعام می‌کنند. (عکس شماره ۱۰)

۲- هیأت متحدهٔ حسینه: این هیأت عزاداری از نظر قدمت دومین هیأت عزاداران شیروان محسوب می‌شود که با توجه به موقعیت محلّ که در حاشیهٔ خیابان امام واقع است در برگزاری مراسم عزاداری سرور آزادگان با نفرات بیشتر از سایر هیأتها به حرکت دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن اقدام می‌نماید. این هیأت نیز در دههٔ محرم با حلیم از عزاداران پذیرایی می‌کند و وسعت بنای مسجد و حسینهٔ آن نسبت به سایر مساجد بزرگتر و دارای امکانات مکفی است. این هیأت دارای سه علامت و دیگر وسایل عزاداری می‌باشد.

۳- هیأت متحدهٔ ابوالفضل آذریها: این هیأت فقط در روزهای تاسوعا و عاشورا از محلّ مسجد آذربایجانیه‌ها واقع در خیابان ترکها به حرکت در می‌آید و به زبان ترکی آذری نوحه سرایی می‌کنند و با دسته‌های زنجیرزن و سینه‌زن به جمع عزاداران حسینی می‌پیوندند. و معمولاً با آب گوشت از عزاداران پذیرایی می‌کنند.



مراسم عزاداری در شیروان عکس شماره ۱۰

۴- هیأت متحده مسجد جامع رضوی: این هیأت از بدو احداث شهر جدید شیروان به عزاداری و سوگواری در دهه محرم اقدام می نماید و مجهزترین مسجد شهر می باشد و در روزهای تاسوعا و عاشورا در دسته های سینه زن به حرکت در می آیند و در دهه محرم با حلیم و چلو از عزاداران پذیرایی می کنند.

۵- هیأت متحده صاحب الزمان (عج): عزاداران این هیأت در روزهای تاسوعا و عاشورا با دسته های سینه زن از محل هیأت واقع در خیابان سعدی حرکت می کنند و به جمع



سج زنی در مراسم عزاداری شیروان عکس شماره ۱۱

عزاداران می پیوندند. این هیأت نیز دارای علامت می باشد.

۶- هیأت متحده سجادیه: این هیأت عزاداری از محلّ هیأت واقع در خیابان جنت به حرکت در آمده و دارای دسته های سینه زن و علامتی بزرگ است که در چند ساله اخیر در دهه محرم با حلیم از عزاداران حسینی پذیرایی می کنند.

۷- هیأت متحده جوادالائمه: محلّ هیأت در خیابان خاتلق بعد از پل واقع است و هزینه آن از طرف مردم همان منطقه تامین می شود. در دهه محرم با حلیم از عزاداران پذیرایی می کنند و روزهای تاسوعا و عاشورا عزاداران این هیأت در دسته های سینه زن به حرکت در می آیند و دارای علامت و دیگر وسایل عزاداری هستند.

۸- هیأت متحده امام حسن مجتبی (ع): این هیأت در دسته های زنجیرزن و سینه زن از محلّ هیأت واقع در شهرک به حرکت در می آیند و دارای علامتی هستند که کلاً از تعداد زیادی فانوس ساخته شده است و در دهه محرم با حلیم از عزاداران پذیرایی می کنند.

۹- هیأت متحده مسلم بن عقیل: محلّ هیأت در حاشیه خیابان جهاد سازندگی واقع است و در روزهای تاسوعا و عاشورا، عزاداران در دسته های سینه زن به حرکت در می آیند و دارای علامت و در دهه محرم با حلیم از مردم پذیرایی می کنند.

۱۰- هیأت متحده امام رضا (ع): این هیأت عزاداری در دسته های سینه زن در روزهای تاسوعا و عاشورا واقع در چنگل آباد به حرکت در می آیند و به جمع دیگر عزاداران حسینی می پیوندند.

۱۱- هیأت عزاداران انصارالحسینی بازار: که به تازگی اعلام موجودیت کرده و از مسجد توگلی شیروان به حرکت در می آیند علاوه بر هیأت های عزاداری مذکور، روستای دوین، الله آباد، زوارم، زیارت، خاتلق، سه یک آب گنج آباد و کارخانه قند نیز دارای هیأت عزاداری در دسته های سینه زن می باشند که در روزهای تاسوعا و عاشورا اقدام به عزاداری می کنند و در مواقع مختلف به عزاداران شهر ملحق می شوند.

علماء و روحانیون شیروان

۱- حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمد مجتهد شیروانی از علمای معروف و از

همدوره‌های درسی حضرت آیه‌الله کفائی که مقدمات و ادبیات و دوره سطح کامل و درس خارج فقه را زیر نظر اساتید حوزه‌های علمیه قم و مشهد به اتمام رسانید و دارای چندین جلد کتاب دستخط در مسائل دینی می باشد^{۱۳۹}.

۲- حجة الاسلام والمسلمین حاج ملاصادق (رستگانی) استاد و مدرس مدرسه علمیه باقریه مشهد در اواخر قاجاریه بودند که ادبیات (صرف و نحو) را تدریس می نمود و در درس اخلاق و تفسیر نیز استاد بودند، ایشان اهل سولدی شیروان و فرزند ملا غلامرضا (معروف به کربلائی غلام) بودند^{۱۴۰}.

۳- حجة الاسلام والمسلمین شیخ عبدالرسول معین فرزند ملاغلامرضا از علمای برجسته شیروان که مدتی طولانی حاکم شرع و امام جماعت را در شهر قدیم شیروان عهده دار بودند و مردم را در مسائل دینی و سیاسی راهنمایی می کردند و کار قضاوت نیز به عهده ایشان بود.

۴- حجة الاسلام والمسلمین حاج غلامرضا باقری اهل الله آباد شیروان یکی از روحانیون و دانشمندان و محققان علوم اسلامی بودند که مقدمات، سطح و درس فقه و اصول را از مدرسین و اساتید برجسته حوزه علمیه مشهد و قم تلمذ نمود، او ناطقی زبردست بود و بحثهای طولانی و مهم ایشان با علمای مشهد و قم در علوم دینی زبانزد خاص و عام است.

حاج شیخ غلامرضا باقری اولین کسی بود که در شیروان محضر رسمی عقد و طلاق دایر نمودند او مورد تأیید عده‌ای از آیات عظام زمان خود بود و در شهریور ماه ۱۳۵۲/ش وفات یافت و مقبره اش در مجاور مقبره شیخ مقدم در روستای زادگاهش الله آباد شیروان قرار دارد^{۱۴۱}.

۵- حجة الاسلام والمسلمین شیخ عبدالغفور جهانی. از علمای وارسته منطقه شیروان بود که تحصیلات علمیه خودش را در نزد اساتید حوزه علمیه مشهد به اتمام رسانید و به عنوان قاضی شهر و امام جماعت شیروان در خدمت مردم بود.

او در کلیه مسائل سیاسی و اجتماعی عصر خود ذیعقیده و در بحرانها و مشکلات منطقه راهگشا و راهنمای مردم بود. او در سال ۱۳۱۸ شمسی وفات یافت و مقبره اش در گورستان

۱۳۹- حاشیه مختصرالمعالمی حاج ملاصادق، بخط الاحقر محمد علی رضوی

۱۴۰- ملاغلامرضا دارای ۵ فرزند پسر و ۵ فرزند دختر بودند که در آن دوره (۱۲۶۵/ش) همگی با سواد و اهل علم و

تقوا بودند.

۱۴۱- ایشان دو کتاب در مسائل دینی نوشته اند که هنوز به چاپ نرسیده است.

قدیمی شیروان قرار دارد ۱۴۲.

۶- حجة الاسلام والمسلمین شیخ حبیب الله روحانی فرزند حاجی آخوند از علمای نامی شیروان بود که در اواخر عمر شغل دبیری در آموزش و پرورش داشت، او از اولین معلمین شهر شیروان بود. حبیب الله روحانی مقدمات، ادبیات، سطوح عالی و درس خارج فقه را در حوزه علمیه نجف اشرف کشور عراق به اتمام رسانید و یکی از افتخاراتش که معمولاً در کلاس درس مطرح می‌کرد (نگارنده در دبیرستان رازی دانش آموز این استاد گرانقدر بود) شاگردی و تلمذ از درس حضرت آیت الله عظمی سید ابوالحسن اصفهانی بود، مشارالیه به زبان عربی کاملاً مسلط و در دبیرستانهای شیروان عربی و فقه تدریس می‌کرد، مقبره این عالم بزرگوار در گورستان قدیمی شیروان قرار دارد.

۷- شیخ حسین معین. فرزند شیخ عبدالرسول را می‌توان یکی از افراد خیر و سیاستمدار شیروان دانست که در عصر خود نفوذی عجیب در دستگاههای دولتی داشت، او تحصیلات خودش را با راهنمایی پدر عالم و دانشمندش در حوزه علمیه مشهد سپری نمود و سپس مسؤولیت کل املاک آستان قدس رضوی را در منطقه شیروان به عهده گرفت و از این طریق توانست روابطی نزدیک با نیابت تولیت و استانداران وقت خراسان داشته باشد، او منشأ خدماتی در شیروان بوده که از آن جمله می‌توان به حفر قنات و مقدمات لوله کشی شهر و گشایش خیابان عشق آباد سابق را ذکر کرد، او در فروردین ماه ۱۳۲۵/ش به علت ابتلا به سرطان معده دارفانی را وداع گفت و مقبره اش در کنار مرقد مطهر ثامن الائمه و در صحن نو قرار دارد.

۸- حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا اسدالله هاشمی فرزند حسین اهل روستای دوین شیروان یکی از علما و روحانیون معروف شیروان بود که در روستای دوین متولد شد و در همان روستا به مکتبخانه رفته و تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه مشهد (مدرسه ملا باقر) تا سطوح عالی و قوانین به اتمام رسانید و با مراجعه به زادگاهش به راهنمایی و ارشاد مردم همت گماشت، او مردی فاضل و سخنوری ممتاز بود بطوری که منابع بسیار گرا و پرسشونده ای داشت، مشارالیه از دوستان و هم دوره حاج آقا نجفی محقق و عالم ربانی اهل قوچان بودند، او علاوه بر کسوت روحانیت در کارهای خیریه و عمرانی نیز همیشه

پیشقدم بود، احداث آب انبار در روستای دوین یکی از اقدامات اوست. حاج میرزا اسدالله در سال ۱۳۲۰ رش برحمت ایزدی پیوست و مقبره اش در کنار بارگاه حضرت قاسم بن موسی بن جعفر (ع)، (معروف به آق امام) در روستای سه گنبد قرار دارد.

۹- حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابراهیم واعظی- روحانی متقی و پرهیزگار که تحصیلات دینی خود را در حوزه علمیه مشهد به اتمام رسانید و با مراجعت به شیروان و تأیید مراجع تقلید، امام جماعت مردم شیروان را به عهده گرفت، نامبرده با این که تنها روحانی مورد اعتماد مردم و از اکثر مراجع تقلید حکم دریافت وجوهات شرعی را داشت، مع الوصف دارای زندگی بسیار ساده و تا آخر عمر در منزل گلی خود واقع در خیابان نادری زندگی می کرد و در مسائل شرعی هیچ گاه مصلحت را جایگزین حق و حقیقت نمی کرد، او دارای خطی بسیار زیبا بود که نمونه قبایله های دستخط او از بهترین یاد بوهای این مرد متقی می باشد، تمام عمر خود را در عبادت و مطالعه و راهنمایی مردم گذراند و هیچگاه در جلسات رسمی و دولتی شرکت نمی کرد، تنها وسیله نقلیه این روحانی با تقوا تا آخرین روزهای زندگی، یک رأس الاغ بود که ایاب و ذهاب وی را به مساجد و مجالس دینی انجام می داد و با این که بارها پیشنهاد خرید ماشین سواری گردیده بود، اما او هیچ گاه به این کار حاضر نشده بود، در تمام مدت ۴۰ ساله امام جماعت ایشان، نماز جماعت هیچوقت تعطیل نشد و او در هر وضعیتی حتی در زمستانهای سرد شیروان برای اقامه نماز اولین فردی بود که به مسجد می آمد^{۱۴۳}. روی مسأله حجاب حساسیت خاصی داشت. او پس از عمری خدمت در روز ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۱/ش بدرود حیات گفت و جامعه روحانیت خراسان و مردم شیروان را عزادار نمود، جنازه این عالم بزرگوار با تعطیل سه روزه بازار و با شکوه و جلال خاصی تشییع و در صحن مطهر امامزاده حمزه رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

۱۰- حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد شهرستانی فرزند مرحوم حاج سید رضا مظلوم، از مؤسسين و مدرسين مدرسه علمیه آیه الله حکیم شیروان بود که در سال ۱۳۰۷ رش در روستای بُرزل آباد شیروان متولد شد و تحصیلات علوم دینی را خود در حوزه علمیه مشهد به شرح زیر به اتمام رسانیده است. ادبیات (صرف ونحو) را زیر نظر حجة الاسلام والمسلمین

۱۴۳- در روزهایی که تعداد نمازگزاران کم می شد، مرحوم واعظی در هنگام مراجعت به منزل با اعشایش به دیوار مسجد جامع می زد و می گفت خدایا تو و این خانه ات شاهد باشید که من با این کهولت سن می آیم ولی مؤمنین کمتر می آیند.

ادیب نیشابوری و دوره سطح کامل و درس خارج فقه را زیر نظر آیت الله حاج میرزا محمد مدرس یزدی و آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و دیگر اساتید حوزه گذرانید. حاج سید احمد شهرستانی علاوه بر تأسیس مدرسه علمیّه شیروان که با کمک مردم انجام گرفت در کارهای خیریه نیز پیشقدم بودند و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی منزلش مورد حمله مخالفین قرار گرفت، وی در حال حاضر امام جماعت مسجد «بهمن» واقع در خیابان گنبد سبز مشهد را به عهده دارد.

۱۱- حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالحسین تالهی اهل روستای بُرزی شیروان یکی دیگر از علمای معروف بود که بر فقه و اصول و صرف و نحو عربی تسلط ویژه‌ای داشت و طبق گواهی نامه شماره ۱۳۳۴/۴ - ۱۸۵۹۴ - ۱۳۱۳/۹/۱۰ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از عهده امتحانات فقه و اصول با درجه عالی برآمده^{۱۴۴} بود، وی از شاگردان و دوستان برجسته حاج آقا نجفی بود، او مردی متقی و پارسا و تا آخر عمر سرسختانه با بی حجابی مخالفت می‌کرد و همیشه به فرهنگیان توصیه می‌نمود که بی حجابی بزرگترین عامل انحرافات است و به همین علت کمتر در مجامع فرهنگی حضور می‌یافت، نامبرده در سال ۱۳۵۱/ش وفات یافت و مقبره‌اش در گورستان عمومی گلشور مشهد قرار دارد.

۱۲- حجة الاسلام والمسلمین حاج غلامرضا سلیمی معروف به حاجی آخوند در روستای زوارم متولد و پس از کسب تحصیلات علمی و سوابق پرهیزگاری در اندک مدتی به فردی عالم و متقی و مورد اطمینان مردم تبدیل شد بطوری که نظر او در حل و فصل اختلافات قومی و محلی مردم مورد تأیید همگان بود، او بانی حسینیه مسجد قدیمی زوارم بود و در سال ۱۳۱۲ شمسی فوت نمود و مقبره‌اش در اتاقی کنار حسینیه زوارم قرار دارد و دارای موقوفاتی نیز هست^{۱۴۵}.

۱۴۴ - کلیشه حکم را در صفحه بعد ملاحظه می‌فرمایید.

۱۴۵ - کلیشه وقفنامه حاجی آخوند.

هو المؤلف من المثلوث
 بسم الله الرحمن الرحيم
 النساك عزمه كرمه قرآنه نبي ولد رحمة جود الله
 وكيند لغو بن جبر عتقه
 المنكوحه عتقه غيرت رب فرزند پسر مراد فرقه
 وكيند لغو ابوها
 الصداق الذوق عليه العهد كيند ران
 مازاد نه قان زلفه مولا است كرمه عرض مازاد كيند ران
 زلفه مولا نه نه قان فرزند مولا نه نه قان
 بهين مسلمان نه نه مسنيه عهد مولا مولا مولا مولا مولا مولا
 طينسها مولا مولا مولا مولا مولا مولا مولا مولا مولا مولا مولا

Handwritten signature/initials.

عبدالرشید

چون در این زمانه بزرگ سوادان و بزرگان خدای عالم را می بینیم که



7

بسم الله الرحمن الرحيم

جنگ

شہزادہ

طوبی

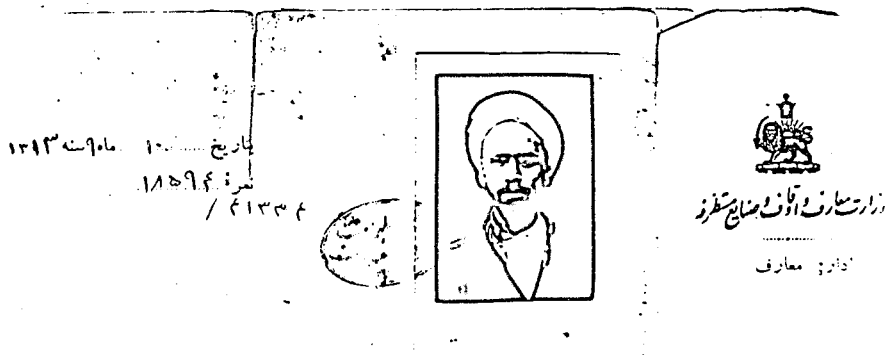
پیش رو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لك

...le i

11



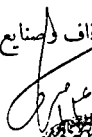
نظر بماده دریم قانون مصوبه دهم دیماه ۱۳۰۷

و نظر بماده دهم نظامنامه مصوبه هیئت وزراء عظام مورخه ۱۵ خرداد ۱۳۰۷

نظر باینکه جناب آقای قاسم میرزا...
 در تاریخ ۱۲/۳/۱۳۰۷ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 در مقام مدیر عامل...
 در تاریخ ۷/۸/۱۳۰۷ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت معارف تصدیق مینماید که سمت مدرسی در قفسه... دارا میباشد

وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه




رئیس معارف




اوضاع اقتصادی شیروان

بخش چهارم

اوضاع اقتصادی شیروان

شهرستان شیروان با توجه به موقعیت جغرافیایی نسبت به شهرستانهای بجنورد، اسفراین، قوچان و حتی درگز حالت محور و مرکزیت دارد و فاصله اش تا مشهد مرکز استان خراسان ۲۰۰ کیلومتر و از طرفی در مسیر جاده اصلی مشهد- تهران (شاهره شمال ایران) قرار گرفته است.

استعداد زمین در امر کشاورزی با چهار حوضه آبریز شیخ امیرانلو^۱، اوغاز، زوارم و گلیان و وجود مراتع گلول سرانی و تخت میرزا در امر دامداری و احداث کارخانه های بزرگ قند، الیاف (گونی بافی) و اسفنج و تاکستانهای انگور و باغهای میوه باعث شده شیروان از لحاظ اقتصادی و بازرگانی از اهمیت ویژه ای در استان خراسان برخوردار باشد، اقتصاد این شهرستان در مرحله اول بر کشاورزی و دامداری و در مرحله دوم بر باغداری و صنایع متکی است که به ترتیب به بررسی آن می پردازیم.

کشاورزی شیروان

استعداد زمینهای کشاورزی شیروان از ادوار گذشته از ویژگی خاصی برخوردار بوده است بطوری که مؤلف سفرنامه خراسان می نویسد: «اطراف شیروان تمام صحرای حاصلخیز است که از قرار معروف بذری صد الی صدوبیست دانه محصول آن می شود»^۲.

۱ - احداث سد بر روی رودخانه قلجق که مربوط به همین حوضه آبریز است یکی از ضروریتهای کشاورزان شیروان می باشد.

۲ - ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، سال ۱۲۸۴ قمری.

در گزارش عمران مقدماتی استان خراسان آمده است «شیروان از نظر کشاورزی با توجه به نوع خاک و مقدار آب موجود دارای زمینهای حاصلخیز و از لحاظ گندم و جو در این ناحیه معروف است»^۳.

کشاورزی در شیروان تا قبل از سال ۱۳۳۷/ش معمولاً به صورت سنتی انجام می‌گرفت و زمینهای زیر کشت آبی نسبت به دیم بسیار کم بود، با وجود این کشاورزان این منطقه مرغوب‌ترین نوع گندم سفید را در سطح استان تولید می‌کردند که علاوه بر مصرف داخلی، صادر نیز می‌شد. البته علت این امر را می‌توان در استعداد زمین و کشت متناوب (آیش) و استفاده از کود حیوانی و زحمت کشاورزان قدیمی دانست. اما با احداث کارخانه قند در شیروان و پیشرفت سریع صنعت کشاورزی و ورود انواع و اقسام ادوات کشاورزی مانند: تراکتور، نهرکن، کامباین، تخم‌پاش و... حفرچاههای عمیق و نیمه عمیق و آبیاری به روش باران مصنوعی و استفاده از کودهای شیمیایی یک باره تحولی عظیم در کشاورزی شیروان به عمل آمد بطوری که اکثر زمینهای این نواحی و حتی دامنه کم شیب کوهها به زمینهای مزروعی تبدیل گردید^۴. در حال حاضر کشاورزی در شیروان به صورت نیمه مکانیزه انجام می‌گیرد.

محصولات عمده کشاورزی

۱- چغندر قند: این محصول به علت احداث کارخانه قند ۴۰۰۰ تنی در شیروان و پرداخت وام و دیگر امکانات کشاورزی که در اختیار چغندر کاران قرار می‌گیرد یکی از محصولات عمده محسوب می‌شود و سطح زمینهای زیر کشت چغندر فقط در شیروان ۳۰۰۰ هکتار است^۵.

۳- منوگرافی شیروان، «اوضاع اقتصادی» ص ۲۱.

۴- این تحول در کشاورزی شیروان اثرات منفی نیز داشته است که اهم آن عبارتند از:

الف- از بین رفتن گیاهی دامنه کوهها که معمولاً به عنوان مرتع مورد استفاده دام قرار می‌گرفت.

ب- پایین رفتن سطح آبهای زیر زمینی به علت حفر بی رویه چاههای عمیق و نیمه عمیق و عدم توجه به مقدار آبدی؛

ج- خستگی و آلودگی بعضی از زمینهای کشاورزی به علت استفاده زیاد از کود شیمیایی به منظور برداشت محصول

بسیار و عدم توجه به تناوب کشت و آیش؛

د- مهاجرت روستاییان به شهر به علت مکانیزه شدن کشاورزی؛

۵- کارخانه قند شیروان به منظور تأمین چغندر مصرفی خود با کشاورزان شهرستان تربت حیدریه (جلگه رخ) پیمان

بسته و قسمتی از زمینهای شهرستان قوچان را نیز اجاره و به کشت چغندر مبادرت می‌کند.

کشت چغندر تا ده سال پیش دیگر محصولات کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده بود چغندر تحویلی در سال ۱۳۵۴/ش به کارخانه قند شیروان ۶۵۱/۹۳۹/۴۸۲ کیلوگرم بود. چون سود بهتری داشت و از نظر نیروی کارگر موقتی مشکلی برای چغندرکاران ایجاد نمی‌کرد و همین امر باعث شده بود عده‌ای از کشاورزان گندم کار به کشت چغندر مبادرت نمایند، اما به مرور زمان از شدت اولیه آن اندکی کاسته شده و چغندر تحویلی در سال ۱۳۶۴/ش ۲۱۰/۹۸۵/۰۱۱ کیلوگرم بوده است. با تمام این احوال به منظور پیشبرد و ازدیاد این محصول صنعتی در شیروان توجه دقیق به نحوه کشت، آزمایش خاک، وضع آبدی چاههای عمیق، در اختیار قرار دادن ادوات کشاورزی و تشویق اصولی چغندرکاران امری الزامی است.

۲- گندم وجو: این دومحصول مهم کشاورزی در شیروان به دو طریق سنتی و مکانیزه کشت می‌گردد که سطح زیر کشت گندم (آبی و دیم) ۱۲۵۰۰ هکتار و سطح زیر کشت جو (آبی و دیم) ۷۰۰۰ هکتار است که بیشتر آن به طریق دیم کشت می‌شود که در صورت بارش به موقع بازده و تولید گندم و جو شیروان بسیار زیاد می‌شود. البته در چند ساله اخیر با تشویق کشاورزان و اهدای جوایز به گندم کاران، محصول تولید گندم شیروان با توجه به مساحت شهرستان در سطح استان خراسان و عملکرد تولید در هکتار جزو شهرستانهای نمونه محسوب می‌شود.

بهترین نوع گندم برای کشت در منطقه شیروان با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و آب و هوا و جنس خاک، گندم قرمز معروف به گندم روسی (بزو سنایا) است که در برابر سرمای طولانی و سرد زمستان شیروان بسیار مقاوم است. جو تولیدی شیروان در سال ۱۳۶۵ رش ۴۷۵۰ تن^۶ ذکر گردیده است که معمولاً موارد استفاده داخلی دارد.

۳- کشمش: یکی دیگر از محصولات عمده شیروان کشمش است که از خشک کردن^۷

۶- آمارنامه خراسان سال ۱۳۶۵ ص ۵۸،

۷- نحوه خشک کردن کشمش در شیروان به دو طریق انجام می‌شود.

الف- شغاری (صمغ گیاهی به نام الدریک از تیره میخک): که پس از سرد شدن به صورت سنگهای سیاهی مشاهده می‌گردد. ابتدا کوبیده و در داخل دیگهای چدنی به اندازه کافی با آب مخلوط می‌شود و سپس آن را حرارت داده می‌جوشانند و انگور کشمش را در سبدهای چوبی یا حلبی ریخته و آن را برای مدتی کوتاه در داخل مایع شغار در حال جوش قرار می‌دهند و بالاخره کشمش شغار خورده را در محلی که قبلاً برای همین منظور کاهگل شده در مقابل آفتاب پهن می‌کنند تا خشک شود.

انگور کشمش به دست می‌آید، باغداران به علت سرمای طولانی زمستان شیروان میوه‌ها (موها) را زیر خاک می‌برند و با این که گمه کردن، کندن پشته‌ها و جوبه‌ها و بریدن و خشک کردن و آبیاری و دیگر کارهای مربوط به تاکستان به کارگر زیاد احتیاج دارد مع‌ذالک باغداری (تاکستان) یکی از مشاغل عمده مردم شیروان و یکی از اقلام صادراتی به خارج از کشور همین کشمش تولیدی باغداران شیروان است. انواع انگورهای این شهرستان عبارتند از: انگور کشمش، خلیلی زرد، خلیلی سیاه، عسکری، دهن‌بار، سُرخک، گل‌برطبق، لعل، مسکه، صاحبی، گلن‌برماقه، تورباش، کلیجه، قاره‌ایزم، یاقوتی، آق‌ایزم.



نحوه تبدیل انگور به کشمش و مناظری از تخته‌های کشمش باغداران شیروان عکس شماره ۱۲

ب- تیزاب: در این طریق گردی به نام کربنات دوسود و روغنی به نام استرالیایی را با مقدار معینی آب مخلوط می‌کنند و بدون استفاده از آتش کشمش را مانند طریق بالا به تیزاب زده و مقابل آفتاب پهن می‌کنند تا خشک گردد. البته فعلاً این طریق مرسوم است. (عکس شماره ۱۲)

البته اگر انگور کشمش مستقیماً در برابر آفتاب خشک شود به آفتابی معروف است که بیشتر در شیرینی سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- **حبوبات و سبزیجات:** کشت نخود، لوبیا، عدس، ماش، سیب زمینی، گوجه فرنگی و خیار با توجه به ازدیاد قیمت و سود دهی آن اخیراً در بین کشاورزان شیروان رواج فراوانی یافته است بطوری که زمینهای زیر کشت حبوبات (آبی و دیم) ۱۳۵۰ هکتار و سبزیجات ۱۲۰۰ هکتار در سال ۱۳۶۸ شمسی برآورد شده است^۸. در صورتی که کشت حبوبات و سبزیجات به روش مکانیزه انجام شود، کشاورزان این نوع محصولات قادر خواهند بود علاوه بر تأمین نیاز داخلی مقداری از آن را نیز صادر کنند. در رابطه با این محصولات هنوز یک برنامه مدون و صحیح با توجه به موقعیت زمین و نیاز جامعه پیش‌بینی نشده است بطوری که قیمت بعضی از ارقام یک باره افزایش می‌یابد و این در حالی است که محصول از دست تولید کننده واقعی آن خارج و سود سرشار به جیب دلالها و واسطه‌ها سرازیر می‌شود.

۵- **محصولات درختی شیروان:** الف. سیب؛ سیب درختی شیروان به علت آب و هوای نیمه کوهستانی و جنس خاک از مرغوبیت خاصی برخوردار است^۹ سیب تولیدی شیروان با قیمت بسیار نازل از باغداران خریداری می‌شود زیرا شیروان فاقد سردخانه است و پس از چند ماه با قیمت بسیار بالا در اختیار خریداران قرار می‌گیرد، انواع مختلف سیب شیروان عبارتند از: سیب امیری، خان آلمه، سیب خوجه، سیب جعفری، سیب لبنانی زرد و قرمز، عباسی، خوشه‌ای (مخصوص مربا) سیب ترش سیب سبز و سیب زمستانی.

ب- گردو، یکی دیگر از محصولات درختی شیروان گردو است که بیشتر در روستاهای زوارم، قلجق، گلیان، بُرزی، مشهد طوقی و دیگر قرا که در دره کوهها قرار گرفته‌اند به وجود می‌آید و یکی از صادرات عمده روستاییان است.

ج- دیگر محصولات درختی حوزه شیروان عبارتند از: گیلاس، زردآلو، آلبالو، بادام و آلوچه، ضمناً سپیدار و چوب گردو نیز یکی از صادرات شیروان می‌باشد.

۸- روستای زوارم شیروان یکی از تأمین کنندگان خیارشور در سطح استان خراسان است.

۹- آقای بهروز محبی کارشناس کشاورزی معتقد است که بطور کلی در منطقه شمال خراسان بویژه شیروان رشد و بازده سیب نوع لبنانی زرد و قرمز از تمام جهات مرغوبتر از نوع مشابه خود در کشورهای حاشیه مدیترانه است.

دامداری و دامپروری

دامداری

دامداری و دامپروری از سابق یکی از فعالیتهای عمده اقتصادی مردم این مرزوبوم را تشکیل می دهد چون مناطق جلگه ای و کوهستانی شیروان دارای مراتع^{۱۰}، دره ها و دامنه های سرسبز و باغهای متعدد می باشد که مکان مناسبی جهت تعلیف احشام دامداران است. در شیروان دامداری و دامپروری به سه طریق انجام می شود

۱- عشایر (کوچرو) ۲- دامداری سنتی بدون کوچ ۳- کشاورزان دامدار.

عشایر شیروان با / ۲۹۴۰۰۰ رأس گوسفند که به طریق کوچرو (بیلاق و قشلاق) دامداری می کنند با توجه به تعداد دام و مواد تولیدی یکی از ارکان اصلی دامداری در این شهرستان می باشند. با این که عشایر از طریق سازمان عشایری مورد حمایت قرار می گیرد اما نیازهای عمده عشایر در درجه اول تأمین علوفه و رسیدگی به مراتع اعم از قشلاق و بیلاق و در مراحل بعدی تأمین خدمات دامپزشکی و داروهای دامی برای کاهش تعداد تلفات دامها، تأمین آب در بیلاقها از طریق احیای چشمه ها و توسعه و تقویت اتحادیه های تعاونی عشایری و هموار کردن راهها در مسیر گذر عشایر می باشد^{۱۱}

دامداری سنتی بدون کوچ در شیروان به این طریق انجام می گیرد که هر دامدار روستایی با توجه به امکاناتش بین ۲۰ تا ۲۰۰ رأس گوسفند را در فصل زمستان در دامداریهایی که به همین منظور احداث شده با ذخیره علوفه دامی در خود روستا تعلیف می کنند^{۱۲} و در دیگر فصول با تعیین چوپان و تشکیل گله های بزرگ گوسفند (بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ رأس) آنها را برای چرا به دامنه ها و دره های سرسبز کوههای اطراف روستا می فرستند و در هنگام شیردهی گوسفندان در وقت معینی از روز در نزدیک روستا آنها را

۱۰- مراتع گلیل، سرانی، تخت میرزا و آرموتلی، هشت مرخ، گلیان، کیسمار، دره الاشلوو...

۱۱- نارلی، پالوزانه، پاشایولی، جرگلان، آی تمور، قزل آغاج، پسته لی، آب شیرین، قره قواخ، داد قزوین، قزلبه،

شمال مراوه تپه و...

۱۲- علوفه زمستانی دامداران شیروان شامل: کاه، بیده، تفاله چغندر و ته چر گندم و جواست.

(جدول ۱۸)

تعداد خانوار و دام و مدت ییلاق و قشلاق دامداران عشایر شیروان ۱۳۶۷/ش

ردیف	طایفه	تعداد خانوار	تعداد دام	محل ییلاق	مدت اقامت در ییلاق	قشلاق	مدت قشلاق	گذرگاهها
۱	سبیکانلو (بیچرانلو)	۴۵۰	۹۵۰۰۰	گلیل. سنجربیک	۹۰ روز		۱۸۰ روز	تکمران- غلامان
۲	جریستان	۲۰۰	۴۸۰۰۰	گلیل	۹۰ روز		۱۸۰ روز	جرگلان- مراوه چپه
۳	قوشخانه	۱۵۰	۳۰۰۰۰	سرانی- گنج خور	۹۰ روز	مراوه	۱۸۰ روز	
۴	قهرمانلو	۹۰	۳۰۰۰۰	شاه جهان	۸۰ روز	تپه	۱۸۰ روز	
۵	روتانلو	۹۰	۲۲۰۰۰	شاه جهان	۸۰ روز	مازندران	۱۸۰ روز	شاهجهان- منطقه
۶	باجوانلو	۹۵	۲۳۵۰۰	شاه جهان	۸۰ روز		۱۸۰ روز	شیروان- قره میدان
۷	قولیانلو- عمارلو	۱۰۰	۲۴۰۰۰	باغان	۸۰ روز		۱۸۰ روز	مراوه تپه
۸	هشت مرخ	۶۰	۱۴۵۰۰	شاه جهان- تکمران	۸۰ روز		۱۸۰ روز	
۹	کاوانلو	۳۰	۷۰۰۰	چاهک باغان	۶۰ روز		۱۸۰ روز	

می دوشند^{۱۳}.

کشاورزان دامدار هم که به هر حال نقشی کمتر در فعالیت دامداری دارند معمولاً تعدادی گوسفند و گاو را در بهار و تابستان و پاییز به کنار مزارع و باغهای خود می برند و ضمن باغداری و کشاورزی تعلیف آنها از علوفه موجود در باغها و کشتزارها تأمین می گردد.

گاوداری: در مورد گاوداری به دو صورت اقدام می شود، یک روش آن سنتی است یعنی هر روستایی با نگهداری چند گاو شیرده که در زمستان در طویله و در فصول دیگر سال در صحرا تعلیف می شوند شیر و دیگر لبنیات مصرفی خانواده را تأمین می کند و مازاد آن را می فروشد و روش دیگر گاوداری اصولی و با طریقه علمی است که معمولاً با سرمایه گذاری زیاد و از نژاد گاوهای خارجی مانند: هلندی، اسرائیلی و استرالیایی در دو قسمت شیری و گوشتی استفاده می شود که شیروان با چندین گاوداری مجهز در حال حاضر

۱۳ - با این که آمار دقیق تعداد دام در این روش دامداری مشخص نیست اما با اطلاعاتی که از روستاها به دست آمده است تعداد آنها بالغ بر / ۲۵۰۰۰۰ رأس گوسفند می شود.

شیر مصرفی شهر را بخوبی تأمین می نماید^{۱۴}.

مرغداری: با ورود مرغهای گوشتی و تخمی خارجی، نسل مرغ و خروس مقاوم بومی تقریباً در حال انقراض است اما در مقابل این ضایعه جبران ناپذیر در منطقه شیروان بیش از ۳۲ مؤسسه مرغداری گوشتی تأسیس شده است که ظرفیت آنها بین ۵۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ واحد می باشد که وابسته به اتحادیه مرغداران هستند که علاوه بر تأمین گوشت مرغ شهروندان مازاد آن نیز به دیگر شهرستانها صادر می گردد. علاوه بر آن در شیروان ۵۰ سالن مرغداری دیگر به صورت آزاد فعالیت دارند که طبق ضوابطی به مرغداری اقدام می نمایند. صادرات فرآورده های دامی در شیروان شامل: پشم، کره، پنیر، کرک، روغن حیوانی، کشک، پوست، روده و همچنین گوسفند زنده است.

عشایر کوچرو شیروان

عشایر که عمده ترین دامداران در منطقه شیروان محسوب می شوند و عمده تحرک

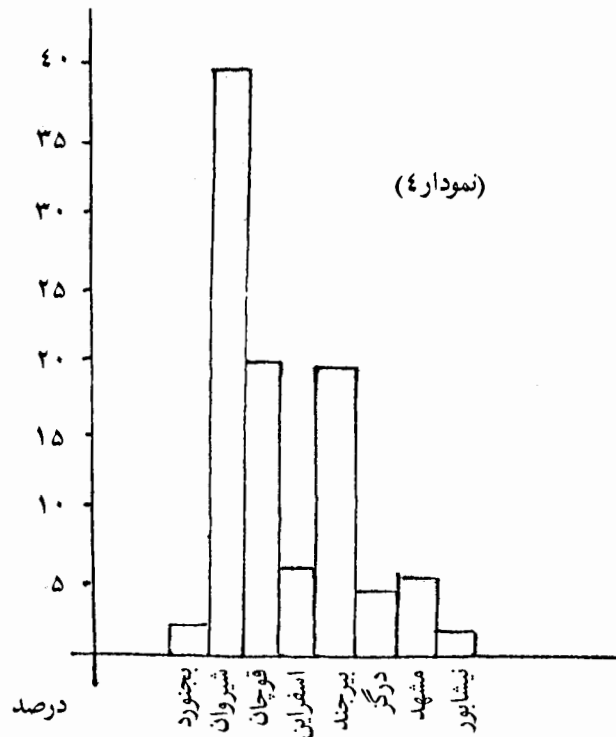
جدول (۱۹)

جدول پراکندگی عشایر در استان خراسان

شهرستان	تعداد خانوار	درصد
شیروان	۱۷۶۸	۳۹/۸
قوچان	۸۷۵	۱۹/۷
بجنورد	۱۲۰	۲/۷
اسفراین	۲۷۳	۶/۱
بیرجند	۸۵۵	۱۹/۳
درگز	۲۰۰	۴/۵
مشهد	۲۵۴	۵/۷
نیشابور	۹۲	۲/۲

۱۴ - آمار تعداد گاو: گاو تیلوسه ۸۵۰۰ رأس، گاو شیری ۱۴۰۰۰ رأس، گاوهای دیگر ۷۶۵۰ رأس.

«نمودار پراکندگی عشایر در استان خراسان»



جغرافیایی آنها از نظر ییلاق و قشلاق به مراوه تپه در ترکمن صحرا و بالعکس می باشد طبق آمار کلی از یک مرکزیت قوی در سطح استان خراسان برخوردار می باشند.

همان طور که در جدول (۱۹) و نمودار ملاحظه می شود بطور کلی حدود ۶۲/۲ درصد عشایر استان خراسان در حوزه شهرستانهای شیروان و قوچان و بجنورد به عنوان ییلاق سکونت دارند و در یک تقسیم بندی کلی حدود ۸۰/۶ درصد عشایر در خراسان شمالی و ۱۹/۳ درصد آنها در خراسان جنوبی استقرار یافته اند که شیروان و بیرجند مراکز عمده در این حوزه می باشند. عشایر حوزه شهرستان شیروان بر حسب طوایف و مناطق تقسیم بندی شده و عبارتند از: قهرمانلو، روتانلو، باچوانلو، قلیانلو، هشت مرخ، کاونلو، قهرمانلوشامیر که تمامی این طوایف کوچرو هستند و معمولاً در مراتع کوههای شاهجهان در جنوب شهر شیروان ییلاق دارند و عشایر جریستان، سبکانلو (بیچرانلو)، قوشخانه و تکمران که فقط ۱۵-۲۰ روز در

روستا می باشند و بعد از جمع آوری آذوقه به قشلاق (مراوه تپه) می روند، محل ییلاق آنها کوههای گلول، سرانی، سنجریک در شمال شهر شیروان است. کل تعداد دام عشایر حوزه شیروان / ۲۹۴۰۰۰ رأس گوسفند و بُر حدود ۷۰۰ نفر شتر و ۸۰۰۰ رأس اسب می باشد. سیستم گردش کار عشایر شیروان بدین نحو است: اول مهر حرکت از ییلاق به قشلاق. (۴۰ الی ۴۵ روز طی مسافت راه) حدود ۱۵ آبان رسیدن به قشلاق (توقف در قشلاق معمولاً ۱۸۰ روز است).

۱۰ الی ۱۵ فروردین حرکت از قشلاق به ییلاق (۴۰ الی ۴۵ روز طی مسافت راه) حدود اواخر اردیبهشت رسیدن به ییلاق (توقف در ییلاق ۸۰ الی ۹۰ روز است). عرضه دام از طرف عشایر به بازار در شیروان دارای مشخصات زیر می باشد.

۱- حداکثر عرضه دام از اواسط خرداد تا آخر تیرماه ۲- عرضه دام در قشلاق در پایین ترین حد (معمولاً عشایر در قشلاق دام نمی فروشند) ۳- عرضه بره یا گوسفند از اول تا ۱۵ فروردین به بازار قابل ملاحظه است و این نوع عرضه یک نوع فروش اجباری است و دلیل آن نیز این است که عشایر در قشلاق کمبود جو دامهای خود را بطور نسبی از ترکمنها می خرند و سر رسید زمان پرداخت دیونشان حوالی عید می باشد لذا در این موقع به فروش تعدادی از بره ها و گوسفندان خود مجبورند.

مقایسه وضع فعلی و گذشته عشایر شیروان نشان دهنده این موضوع است که این قشر تولید کننده و مقاوم تحت تأثیر مسائل مختلف، دگرگونیهای زیادی یافته است، کوچ که یکی از ضروریات اساسی عشایر می باشد در اصل حرکت و جابجایی جمعیت عشایر با بار و بُنه زندگی به دنبال گله گوسفند است که به منظور تعلیف دام از مراتع طبیعی انجام می گیرد البته این حرکت با توجه به موقعیت و شرایط طبیعی و اکولوژیکی منطقه صورت می گیرد و به بیانی دیگر کوچ برای عشایر از یکسو حرکتی است برای بقای انسان و دام و از سوی دیگر ضرورتی برای تولید و گذران معاش محسوب می شود، که فعلاً تا اندازه ای تحت تأثیر عوامل زیر قرار گرفته است.

۱- از بین رفتن قدرت خان و رئیس طایفه ۲- رواج دامداری تجاری ۱۵ ۳- از بین رفتن

۱۵- با تسهیلاتی که بانکها در اختیار دامداران و عشایر کوچرو قرار می دهند با این که این نوع وامها باعث امکانات نسبتاً مناسبی مانند: تأسیسات آب، خدمات رفاهی و بهداشتی و ... شده از طرفی باعث رواج دامداری تجاری بدون کوچرو نیز گردیده است.



توزیع عشایر در خراسان و موقعیت شیروان

یا در حال نابودی مراتع به علت ازدیاد دام و عدم ظرفیت مراتع ۴- تأمین علوفه مورد نیاز عشایر از منابع غیرمرتعی مانند چغندر قند و ته چر گندم وجود ۵- گسترش ارتباط عشایر با جوامع دیگر و گرایش به استفاده از تسهیلات خدمات رفاهی ۶- انگیزه تحصیل و کسب درآمد بیشتر در شهر در مقایسه با زندگی پر مشقت عشایری ۷- تمایل خانواده‌های عشایری با ازدواج دخترانشان با افراد غیر کوچرو. که تمام این عوامل باعث گردیده از تعداد عشایر کوچرو کاسته شده و در عوض بر جمعیت شهرنشین و روستانشین افزوده شود، بطوری که در حال حاضر ۱/۴ از جمعیت شهر شیروان را عشایر منطقه شیروان و قوچان تشکیل می‌دهند که در

محلات شهر شیروان (۲۰ متری هاشمی، جهاد، سیدآباد و چنگل آباد) اسکان یافته اند در صورتی که اقدامی در این رابطه صورت نگیرد بسیاری از قواعد و ساخت اجتماعی عشایر غیور تغییر گسترده تری خواهد یافت.

در خاتمه موارد زیر می تواند از مهاجرت عشایر کوچرو به شهر و روستا بکاهد:

- ۱- حفاظت اصولی و احیای منابع و مراتع از دست رفته یا در حال نابودی؛
- ۲- اعتلای کیفیت زندگی جوامع عشایری؛
- ۳- سرمایه گذاری اصولی زیر نظر متخصصان و کارشناسان و اعمال روشهای مناسب؛
- ۴- اصلاح تژاد دام عشایر با توجه به ساخت و زندگی عشایر و آب و هوای منطقه و مسأله کوچ؛
- ۵- تشویق و ترغیب عشایر در حفظ آداب و رسوم محلی و تسهیلات آموزشی و تحصیلی و بهداشتی؛
- ۶- حفظ اقتصاد دامداری سنتی.

صنایع و کارخانه های شیروان

شهرستان شیروان با توجه بموقعیت خاص طبیعی و قرار گرفتن در مسیر شاهراه (مشهد-تهران)، زمینهای مزروعی، نیروی کار و دیگر عوامل اقلیمی در چند ساله گذشته به یکی از مراکز عمده احداث کارخانجات بزرگ تولیدی در سطح شمال خراسان تبدیل گردیده است که مهمترین آنها عبارتند از:

کارخانه قند ۴۰۰۰ تنی شیروان

این کارخانه در سال ۱۳۳۷ شمسی توسط محمد علی مهدوی و سرمایه گذاری مردم در نزدیکی روستای بیگان در ۱۵ کیلومتری غرب شیروان و حاشیه شمالی رودخانه اترک بوسیله شرکت مولوی مونتاژ و پس از دو سال با ظرفیت اسمی ۱۱۰۰ تن مورد بهره برداری قرار گرفت. با ایجاد این کارخانه و توسعه مشاغل جنبی و تحول در امور کشاورزی، صدها خانوار شهری و روستایی در کارخانه قند و مزارع کشت چغندر قند مشغول به کار شدند (جدول ۲۰).

نوع و ساخت و ابزار و ماشین آلات کارخانه قند شیروان ابتدا توسط لهستانیها، در مرحله دوم توسط مهندسان بلژیکی و در آخرین مرحله با کارشناسان کشور آلمان غربی مونتاژ و توسعه یافت که ظرفیت اسمی آن در مراحل سه گانه بدین نحو بوده است. کارخانه قند مونتاژ لهستانیها ۱۱۰۰ تن، بلژیکیها ۲۵۰۰ تن و آلمان غربی ۴۰۰۰ تن که در حال حاضر با این ظرفیت کار می کند.

(جدول ۲۰)

مشخصات کارخانه قند شیروان

نوع اطلاع	رقم مربوط
مساحت کل کارخانه	۵۲۳۰۵۰ مترمربع
مساحت زیربنای کارخانه	۶۱۴۷۰ مترمربع
مساحت قسمت تولید	۳۱۰۸۸۵ مترمربع
مساحت زیربنای قسمت تولید	۴۲۹۶۸ مترمربع
مدت کار در سال با چغندر	۶۵ تا ۷۰ روز
مدت کار در سال با چغندر و تبدیل	۱۰۰ تا ۱۲۰ روز
تعداد کل پرسنل	۴۳۱ نفر ^{۱۶}
تعداد کارگران فصلی در دو شیفت	۹۵۰ نفر

کارخانه قند شیروان ۱۰۰۰ هکتار زمین اختصاصی دارد که در چند آیش کشت می شود، بطوری که همه ساله ۲۰۰ هکتار چغندر و ۲۰۰ هکتار جو کشت می گردد، علاوه بر آن دارای کشت صنعت و مؤسسه دامداری نیز می باشد که در حال حاضر دارای ۵۰۰۰ رأس گوسفند است^{۱۷} بیشترین تولید قند و شکر کارخانه قند شیروان از بدو تأسیس مربوط به سال ۱۳۵۳/ش است. در زیر آمار عملکرد ۱۲ ساله کارخانه قند شیروان طبق گزارشهای پایان بهره برداری برای اطلاع آمده است (جدول شماره ۱۴)

۱۶- از کل پرسنل ۲۷ نفر در بخش مالی، ۶۰ نفر در بخش اداری، ۳۱ نفر در بخش کشاورزی و ۳۱۳ نفر در بخش تولیدی به کار مشغولند.

۱۷- آمار سال ۱۳۶۵/ش - این تعداد دام به یک کاهش یافته است در سالهای قبل تا ۲۰۰۰ رأس گوسفند در این دامداری پرورش می یافت.

جدول شماره ۱۴
آمار عملکرد ۱۲ ساله کارخانه قند شیروان ۶۵-۱۳۵۴

سال	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
زان چندر تحویلی به تن	۴۸۲۹۴۰	۴۰۵۷۴۲	۳۳۵۶۸۴	۲۶۷۸۷۹	۲۰۰۹۶۱	۲۴۷۸۲۲	۱۷۷۶۱۱۴	۲۷۶۱۵۸	۱۹۷۹۰۰	۱۸۶۹۰۷	۲۱۰۹۸۵	
تولیدی به کیلوگرم	۳۰۲۵۸۱۲۰	۳۳۱۴۷۰۹۸	۱۹۳۴۳۹۴۸	۸۷۹۳۸۳۸	۱۲۸۶۰۴۴۱	۵۶۶۰۹۶۵	۸۹۵۵۴۵۰	۱۴۰۲۶۹۵۰	۱۰۴۶۱۴۳۰	۹۴۰۹۹۵۰	۱۲۳۳۵۷۰۰	۷۴۱۶۶۳۶
کر تولیدی به کیلوگرم	۳۲۴۰۱۰۵۰	۲۲۵۸۷۸۰۰	۲۵۰۵۶۳۰۰	۲۴۶۱۴۸۰۰	۲۴۷۵۴۳۰۰	۲۵۷۰۲۱۰۰	۱۶۲۵۳۳۰۰	۱۶۵۱۵۹۰۰	۱۴۷۳۲۸۰۰	۴۴۳۳۳۰۰	۱۶۸۷۷۷۰۰	۰۱۵۲۹۵۵
خلع زیر کشت سبز به هکتار	۱۶۴۹۳	۱۶۰۶۹	۱۲۷۴۲	۱۲۱۱۲	۱۳۷۱۳	۱۱۲۷۶	۷۲۸۸	۳	۹۷۰۱	۶۷۲۶	-	-
دمان با احتساب شکر استغن	۱۳/۱۵	۱۲/۰۷	۱۳/۴۶	۱۳/۸	۱۲/۸۴	۱۲/۶۴	۱۴/۲۲	۱۴/۲۴	۱۳/۵۸	۳۵/۵	-	-
انگین عیار	-	۱۷/۴۷	۱۷/۲۸	۱۸/۰۶	۳/۱۴	۱۸/۲۴	۱۸/۲۱	۳۶/۶	۱۸/۵۵	۱۷/۰۹	-	-
وسط کارگران دائم	۵۱۹ نفر	۴۶۲	۴۱۱	۴۰۹	۴۱۵	۳۳۴	۵۸۸	۴۷۲	۶۷۳	۳۵۴		
وسط کارگران موقت	۶۴۳	۵۴۵	۴۶۴	۴۸۳	۵۰۷	۲۸۶	۳۱۴	۳۶۷	۳۰۵	۲۵۹		
دمان در هکتار چندر تولیدی	۲۹/۲۸	۲۵/۲۵	-۲۶/۴۰		۲۲	۲۲	۲۴/۴۳	۲۰	۲۷/۱۸	۲۵/۷۲		

کیلو تبدیل به تن و با تقریب ۱۰۰ کیلو گرد شده است



کارخانه قند ۴۰۰۰ تنی شیروان، سال ۱۳۴۹/ش.عکس شماره ۱۳

کارخانه های اسفنج و الیاف شیروان

این کارخانه ها شامل سه کارخانه مستقل است که در مجتمعی در قسمت شرقی شهر شیروان و در حاشیه جاده شیروان- مشهد قرار دارند.

۱- شرکت تولیدی الیاف سنیتیک خراسان. سال بهره برداری ۱۳۵۳ شمسی

۲- شرکت تولیدی الیاف سنیتیک شیروان سال بهره برداری ۱۳۵۶ شمسی

۳- شرکت تولیدی اسفنج شیروان سال بهره برداری ۱۳۵۸ شمسی

این کارخانه ها در ابتدای تأسیس ۵۰٪ دولتی و ۵۰٪ خصوصی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی گلاً زیر پوشش دولت قرار گرفت، تعداد پرسنل این کارخانه ها اعم از مهندسان و تکنیسینها، کادر اداری و کارگران جمعاً ۷۴۰ نفر است، دو کارخانه الیاف (خراسان و شیروان) با سه شیفت و کارخانه اسفنج شیروان با دو شیفت کار می کنند، آمار ماشینهای این کارخانه ها عبارتند از: کارخانه الیاف خراسان دارای ۵۰ دستگاه ماشین

تولیدی، کارخانه الیاف شیروان دارای ۴۹ دستگاه ماشین تولیدی و کارخانه اسفنج دارای یکدستگاه ماشین بزرگ و چندین دستگاه ماشین بُرش و یکدستگاه کامپیوتر. مواد اولیه کارخانجات الیاف و اسفنج شیروان شامل مواد پلی پول، پلی پروپیلن، مواد رنگی الیاف و ماده T.D.I و چندین مواد دیگر پترو (نفتی) می باشد. تولیدات کارخانجات الیاف عبارتند از: کیسه پلاستیکی (گونی) در اندازه های متفاوت و لفاف و از ضایعات کارخانه برای تخت کفش در کارخانجات کفش سازی استفاده می شود، تولیدات کارخانه اسفنج شیروان نیز انواع مختلف: تشک، پستی، تشک طبی، اسباب بازی و استفاده از اسفنج در مُبل سازی و صندلیهای اتومبیل و غیره می باشد. کارخانجات الیاف و اسفنج شیروان دارای شرکت تعاونی، سرویس منظم ایاب و ذهاب برای کارگران و اخیراً خانه سازی می باشد.

نیروگاه گازی شیروان

این نیروگاه در زمینی به مساحت ۱۷۷۲۵۰ مترمربع با زیربنای ساختمانی حدود ۴۰۰۰ مترمربع و زیربنای تأسیساتی حدود ۱۳۵۰ مترمربع در کیلومتر ۲ جاده شیروان- مشهد بنا شده است، شروع احداث نیروگاه در بخش ساختمانی در سال ۱۳۵۹ شمسی و در بخش تأسیساتی سال ۱۳۶۰ می باشد، این نیروگاه دارای ۶ واحد توربین گازی است که ۴ واحد آن A. E. G و ساخت کشور آلمان فدرال و ۲ واحد آن آلستوم (Alsthom) و ساخت کشور فرانسه است واحدهای A. E. G با همکاری مهندسان شرکت A. E. G با ملیت آلمانی و یوگسلاوی و واحدهای آلستوم وسیله مهندسان و کارگران ایرانی وزارت نیرو (شرکت توانیر) نصب و راه اندازی شده است. دو واحد از چهار واحد A.E.G در سال ۱۳۶۱/ش و دو واحد دیگر در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ آماده بهره برداری شده است^{۱۹}، میدان مصرف برق تولیدی نیروگاه گازی شیروان شبکه توزیع استان خراسان می باشد. یک خط مستقیم منطقه درگز و خط دیگر منطقه شهرستان اسفراین و خط سوم شبکه عمومی استان را تغذیه می کند. سوخت مصرفی در ابتدا نفت گاز و در حال حاضر گازسوز است.

تعداد پرسنل فعلی نیروگاه ۷۸ نفر است، این نیروگاه دارای امکانات سرویس ایاب و

۱۹- قدرت اسمی هر واحد A.E.G حد اکثر ۳۲ مگاوات و قدرت نرمال آن ۲۵ مگاوات و قدرت عملی آن ۲۲ مگاوات است و قدرت عملی واحدهای آلستوم ۲۰ مگاوات است.

ذهاب- کانتین ۴۱ واحد ساختمانی و مهمانسراست و تأسیسات مجاور نیروگاه پست انتقال ۱۳۲ کیلووات می باشد که مسئولیت برق تولید شده را به شبکه توزیع دارد.

کارخانجات دیگر

کارخانه کشمش پاک کنی ۵ دستگاه، کارخانه اسفالت وزارت راه و شهرداری دو دستگاه، کارگاه شن شویی دو واحد، کارخانه یخ سازی دو واحد، کارگاه مرکزی پرورش ماهی یک واحد، کارخانه کارتن سازی، کارخانه آبمیوه گیری، کارگاه سنگبری، کارگاه تراشکاری و ریخته گری دو واحد، کارخانه ریسندگی و بافندگی، کارخانه سیمان و کارخانه آرد.

صنایع دستی

صنایع دستی هر منطقه با دیگر فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی همان منطقه ارتباط مستقیم دارد و چون شیروان یکی از مناطق عمده دامداری و عشایری و کشاورزی در سطح استان خراسان است در نتیجه صنایع دستی آن نیز از محیط زندگی آن متأثر خواهد بود. در شهرستان شیروان صنایع دستی قالیبافی، قالیچه، خرسک، گلیم بافی (پلاس) جاجیم بافی، نمدمالی، پوستین دوزی- (فقط در روستای دوین شیروان)- بافتن دستکش، جوراب، شال گردن، کلاه، پایتابه، چوخه (چوخا)، کیسه حمام، خورجین و جوال از رونق بیشتری برخوردار است. شهرستان شیروان با ۱۳۲۰ کارگاه قالیبافی (دارای پروانه عضویت قالیبافی) یکی از صادر کنندگان عمده فرش در سطح خراسان محسوب می شود که این قالیهای دستباف شیروان معمولاً توسط تجار واسطه ها خریداری و پس از پرداخت به نام قالی مشهد به دیگر نقاط صادر می گردد. (تأسیس یک کارگاه بزرگ پرداخت قالی در شیروان، در پیشرفت صنعت دستی قالیبافی نقش مهمی خواهد داشت).

پوستینه های دوین شیروان با توجه به حفظ دوخت سنتی و استفاده از مواد رنگی طبیعی و طریقه آش دادن و پرداخت و آماده کردن پوست و نقشهای قدیمی آن از مرغوبیت و معروفیت زیادی برخوردار است.

گلیم که در شیروان به آن پلاس گفته می شود یکی دیگر از صنایع دستی مردم شیروان محسوب می شود که مدتی گلیم بافی رونق خود را از دست داده بود، اما در چند ساله اخیر

با هجوم خریداران پلاس، این صنعت دستی می رود تا جایگاه قدیمی خود را به دست آورد. نمد مالی در شیروان سابقه زیادی دارد. نمد در اصل نوعی پارچه بسیار ضخیم یا فرش است که از پشم تهیه می شود و از نفوذ رطوبت و سرما بخوبی جلوگیری می کند و در انواع مختلف برای مصارف متفاوت و نقشهای الوان آماده می شود. مانند سراندازی، سرعلمی، خرلیک (خلیک) برای چوپانها، روانداز اسب و شتر، نمد کردی، چهارعنیه (چارینه). جاجیم بافی، چادر بافی (از پشم و موی بُر)، خورجین بافی، جوال بافی و کیف بافی نیز از دیگر صنایع دستی مردم منطقه شیروان می باشد.

تجارت

فعالتهای تجاری در شیروان به سه طریق انجام می گیرد.

۱- خرید مازاد تولیدات داخلی کشاورزان، دامداران، عشایر و باغداران مانند: گندم، جو، کشمش، حبوبات، پشم، روغن حیوانی، کره، پنیر و کشک که توسط ۱۶ واحد تجاری که اکثر در خیابان بیژن (معروف به خانلق کوچه) و تعدادی در خیابان سعدی که در مسیر راه ورودی روستاییان قرار دارند خریداری می شود. بعداً این محصولات توسط دیگر تجار شهرهای مشهد، سبزوار و تربت حیدریه از تجار محلی خریداری و به محل عمده فروشی در دیگر شهرستانها حمل می گردد.

۲- صدور تولیدات داخلی کارخانه های قند و الیاف و کشمش و کارگاهها، مانند الیاف مصنوعی اسفنج، کیسه (گونی پلاستیکی)، قند و شکر، کشمش، کتیرا، قالی و همچنین پوست، روده، پشم، گوسفندزنده، خیارشور، سیب درختی و سیب زمینی به دیگر شهرستانها و در مقابل خرید اجناس و ارزاق عمومی مردم توسط تجار و اصناف عمده فروش مانند: برنج، روغن نباتی، ماشین آلات کشاورزی، مصالح ساختمانی، مصنوعات برقی و مکانیکی، مواد اولیه قالی، دارو و وسایل بهداشتی و مواد غذایی و آجیل از دیگر شهرستانها.

۳- صدور کشمش به خارج از کشور، تجار محلی، کشمش باغداران را خریداری و پس از تحویل به کارخانه های کشمش پاک کنی، آنها را دوباره شسته و پاک می کنند و با دود دادن (وسیله گوگرد) و خشک کردن در کارخانه در جعبه های مخصوص بسته بندی و برای صدور به خارج از کشور آماده می کنند. در سالهای گذشته کشور شوروی یکی از خریداران عمده کشمش منطقه شیروان بود که از طریق مرز باجگیران به شوروی حمل می شد.

راهها و وسایل ارتباطی شهرستان شیروان

شیروان نسبت به شهرستانهای مجاورش از مرکزیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا با احداث جاده‌های آسفalte بین شهری مردم براحتهی و بدون فوت وقت می‌توانند با آنها ارتباط و رفت و آمد داشته باشند. جاده‌های آسفalte و پیررفت و آمد شیروان عبارتند از:

۱- جاده شیروان- مشهد ۲۰۰ کیلومتر	مدت مسافرت ۲ تا ۲/۵ ساعت
۲- جاده شیروان- بجنورد ۶۰ کیلومتر	مدت مسافرت ۵۰ دقیقه
۳- جاده شیروان- قوچان ۶۰ کیلومتر	مدت مسافرت ۵۰ دقیقه
۴- جاده شیروان- درگز ۱۸۰ کیلومتر	مدت مسافرت ۲/۵ ساعت
۵- جاده شیروان- اسفراین ۱۳۰ کیلومتر	مدت مسافرت ۲/۵ ساعت
۶- جاده شیروان- فاروج ۳۰ کیلومتر	مدت مسافرت ۲۵ دقیقه
۷- جاده شیروان- کارخانه قند ۱۵ کیلومتر	مدت مسافرت ۱۲ دقیقه
۸- جاده شیروان- زیارت ۹ کیلومتر	مدت مسافرت ۱۰ دقیقه
۹- جاده شیروان- خانلق ۳ کیلومتر	مدت مسافرت ۶ دقیقه
۱۰- جاده شیروان- امیرآباد ۶ کیلومتر	مدت مسافرت ۸ دقیقه
۱۱- جاده شیروان- برزل آباد ۱۶ کیلومتر	مدت مسافرت ۱۲ دقیقه
۱۲- جاده شیروان- رضاآباد ۱۵ کیلومتر	مدت مسافرت ۱۲ دقیقه

علاوه بر جاده‌های مذکور شهر شیروان وسیله ۸۵۰ کیلومتر راههای شوسه درجه ۱ و ۲ و ۳ با اکثر روستاها در ارتباط مداوم است که اهم آن عبارتند از:

۱- راه شوسه شیروان- دوین	۱۸ کیلومتر
۲- راه شوسه شیروان- الله آباد	۱۲ کیلومتر
۳- راه شوسه شیروان- زوارم	۲۸ کیلومتر

۲۰ کیلومتر	۴ - راه شوسه شیروان- باغان
۱۵ کیلومتر ^{۲۰}	۵ - راه شوسه شیروان- سکه
۲۴ کیلومتر	۶ - راه شوسه شیروان- گلیان
۳۷ کیلومتر	۷ - راه شوسه شیروان- شیخ امیرانلو
۴۲ کیلومتر	۸ - راه شوسه شیروان- توکور
۴۵ کیلومتر	۹ - راه شوسه شیروان- اوغاز
۲۰ کیلومتر	۱۰ - شیروان- قُلجق
۶۵ کیلومتر	۱۱ - شیروان- نامانلو
۷۲ کیلومتر	۱۲ - شیروان- رباط
۷۹ کیلومتر	۱۳ - شیروان- سرانی
۵۸ کیلومتر	۱۴ - شیروان- حلوچشمه
۴۰ کیلومتر	۱۵ - شیروان- قلعه حسن
۵۰ کیلومتر	۱۶ - شیروان- توپکانلو
۱۲ کیلومتر	۱۷ - شیروان- حسین آباد
۵۴ کیلومتر	۱۸ - شیروان- تفتازان

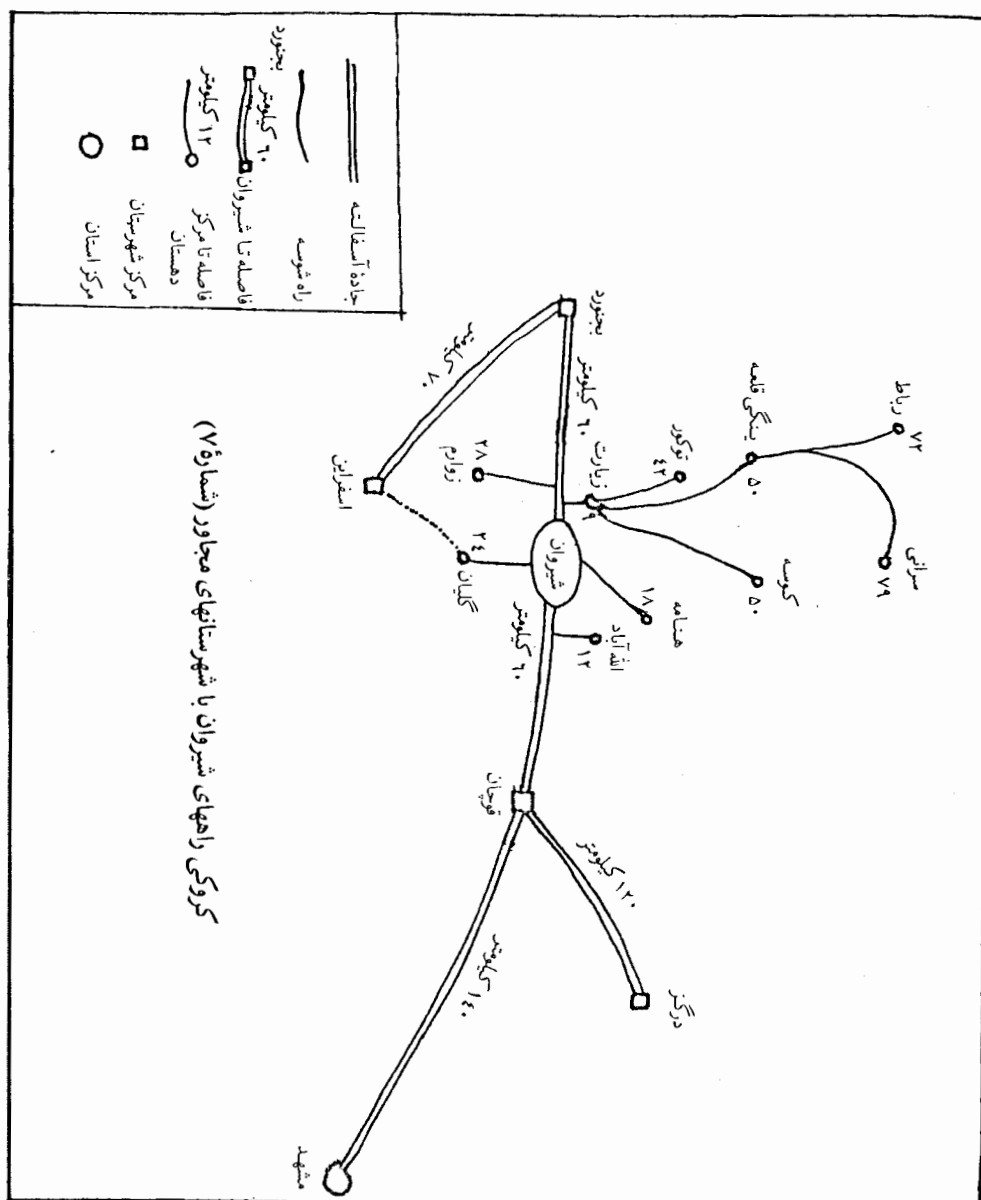
شهرستان شیروان دارای سه شرکت مسافربری است که همه روزه چندین دستگاه اتوبوس از این سه شرکت مسافران را به مقصد شهرهای مشهد و تهران و دیگر جاها به صورت رفت و برگشت حمل می‌کنند. و دو شرکت مسافربری ویژه مینی بوس داران دارد که در تمام مدت شبانه روز به فعالیت مشغولند.

تعداد ۵۰ دستگاه تاکسی نارنجی رنگ و سه دستگاه مینی بوس به نام واحد و سه واحد تاکسی تلفنی مسئولیت حمل و نقل مسافران داخل شهر را به عهده دارند.

دو واحد سندیکای کامیونداران شیروان نیز حمل و نقل بارصادراتی و وارداتی شیروان به اقضا نقاط ایران را انجام می‌دهند تعداد خودروهای سواری و وانت بارهای پلاک سفید ۱۲۴۹ دستگاه است^{۲۱}.

۲۰ - قسمتی از مسیر راه این چهار روستا آسفالت شده است

۲۱ - آمار سال ۱۳۶۵ ه. ش.



کروکی راههای شیروان با شهرستانهای مجاور (شماره ۷)

موقوفات آستان قدس رضوی در شهرستان شیروان

- ۱- مزرعه رزمغان ۱۲ سهم ونیم از ۲۰ سهم
- ۲- مزرعه تنسوان ۲ سهم از ۱۹ سهم طبق طومار عضدالملک
- ۳- کل مزرعه سکه طبق طومار عضدالملک
- ۴- مزرعه قلجق نصف از کل طبق طومار عضدالملک
- ۵- مزرعه قریه منصوران طبق طومار عضدالملک
- ۶- مزرعه حصار سرچشمه ۳ سهم از ۹ سهم طبق طومار عضدالملک
- ۷- مزرعه مهنی، خریداری آستان قدس رضوی از مرحومین رئیس التجار مهدوی و حسین هژبرقلیچی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی^{۲۲}
- ۸- دو دانگ مزرعه توکل واقع در شیروان که وسیله آقای منصور در تاریخ ۱۳۲۴/۱۱/۲۸ خورشیدی از حسین معین شیروانی برای آستان قدس رضوی خریداری شده است^{۲۳}

۲۲- محمد کاویانین، شمس الشموس، صص ۵۰۱ و ۵۰۲.

۲۳- همانجا، ص ۵۷۱؛ ردیف ۱۲۰.

آثار و بناهای تاریخی شیروان

بخش پنجم

آثار و بناهای تاریخی شیروان

مقبره امامزاده حمزه بن موسی الرضا (ع)

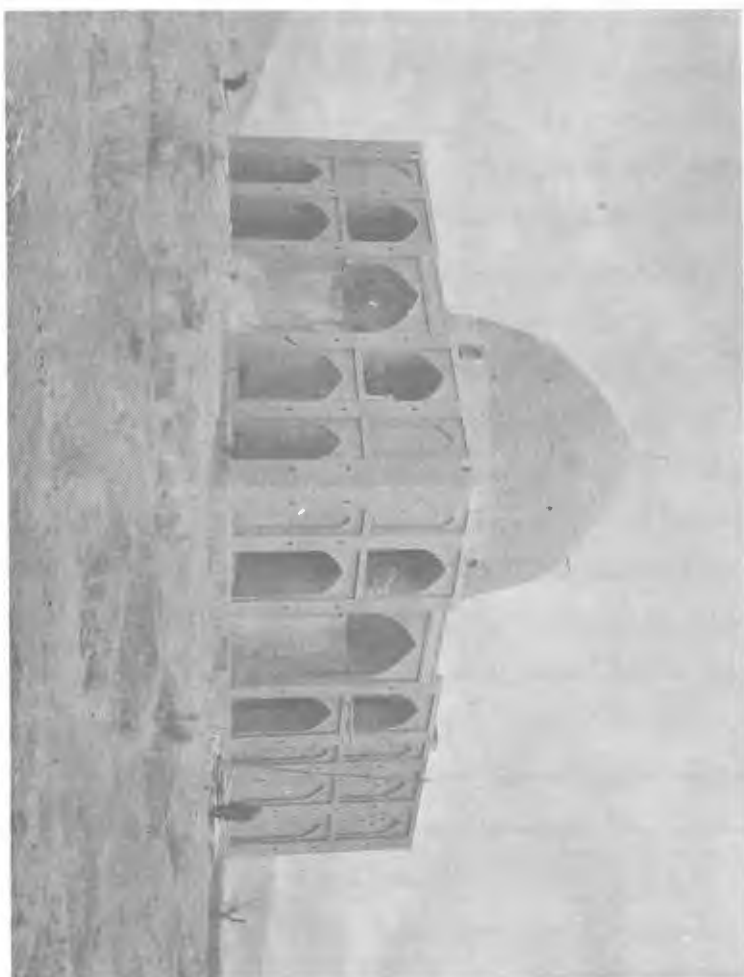
در ۶ کیلومتری شمال غربی شیروان مقبره امامزاده حمزه بن موسی الرضا (ع) معروف به حمزه رضا قرار دارد که ساختمان مقبره از آثار تاریخی و پیرارزش دوره غزنویان است و مربوط به قرن پنجم هجری قمری است. در کتاب بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران می نویسد: «بقعه امامزاده حمزه رضا علیه السلام که در یک کیلومتری شمال جاده اصلی و شش کیلومتری شیروان واقع شده است از بناهای مربوط به دوران غزنوی اواسط قرن پنجم هجری قمری بشمار میرود این بنا که از آجر ساخته شده بسیار مستحکم بوده و نمای آن شامل طاقنماهای بزرگ آجری است^۱ (عکس شماره ۱۵).

خواندمیر مؤلف حبیب السیر در ذکر اولاد امام موسی کاظم علیه السلام می نویسد: آنحضرت بیست پسر و هیجده دختر داشت که در بین اولاد ذکور نام «حمزه» نیز نوشته شده است^۲. امامزاده حمزه رضا (ع) برادر حضرت رضا علیه السلام به اتفاق برادرانش سلطان محمد عابد (ع) و زید (ع) پس از شهادت امام رضا علیه السلام با جمعی از شیعیان علیه خلیفه عباسی قیام کردند و در مشهد با گماشتگان مأمون به مبارزه برخاستند که پس از مدتی درگیری در قسمت غربی مشهد توسط عمال خلیفه به شهادت رسیدند مقبره حمزه رضا علیه السلام به صورت چهار گوش و دارای ابعاد ۱۶ متر در ضلع شمالی و جنوبی و ۲۰ متر در ضلع شرقی و غربی و گنبدی^۳ نسبتاً بلند می باشد. این بنا دارای یک ایوان بزرگ در ضلع جنوبی (قبله) و

۱ - نصرت الله مشکونی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ۱۳۴۹/ش، فرهنگ و هنر، ص ۹۱.

۲ - خواندمیر، حبیب السیر، تهران خیام، ۱۳۶۲/ش، ج ۲، ص ۸۱.

۳ - ارتفاع گنبد ۸/۵ متر است.



مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) قرن پنجم هجری قمری شیروان عکس شماره ۱۵

سه ایوان دیگر در اضلاع شرقی، غربی و شمالی است که در حال حاضر از در ایوان بزرگ ضلع جنوبی به داخل حرم (۸×۸ متر) برای زیارت و انجام فرایض دینی رفت و آمد می شود^۴. ارتفاع مقبره تا زیر گنبد ۷/۵ متر و بلندی گنبد آن حدود ۸/۵ متر است که تماماً از آجر و گچ و چوب ساخته شده و گنبد آن دولایه می باشد^۵ صندوق (ضریح) در وسط حرم به شکل مکعب مستطیل به صورت مشبک چوبی به ابعاد ۲×۳ متر و به ارتفاع ۲ متر بر روی قبر مطهر امامزاده قرار گرفته است که در ساختن این صندوق چوبی قدیمی دقت و ظرافت به کار رفته است. در ورودی صندوق (ضریح) به صورت مشبک ریز از طرف ضلع شمالی صندوق است با این که این گونه صندوقها معمولاً دارای تاریخ حک شده می باشند ولی در ضریح فوق تاریخی مشاهده نمی شود در صورتی که ضریح هم مانند بنای مقبره مربوط به دوره غزنوی باشد یکی از آثار و صنایع دستی بسیار پیرارزش خواهد بود. «امامزاده ای در زیارت شیروان مدفون است مشهور به حمزه بن موسی الرضا علیه السلام که بقعه چوبی دارد با دو سه طاق آجری این بنا در سه ضلع شرقی و غربی و شمالی دارای ایوانهای تزیینی و ایوانهایی برای استراحت زوار می باشد و بنا کلاً از آجر و گچ ساخته شده و فاقد هر گونه کتیبه یا کاشی کاری است^۶». ناصرالدین شاه می نویسد: امروز بالا دست شیروان از سمت مغرب به فاصله نیم فرسنگ سواد دهی باباغات زیادی پیدا بود^۷ اسم آن ده را گفتند زیارت است چون امامزاده در آنجا مدفون است و بقعه دارد که زیارتگاه است و به این اسم موسوم شده باغ و اشجار بسیار دارد که سواد آن دو مقابل سواد حضرت عبدالعظیم علیه السلام به نظر آمد باید جای بسیار خوبی باشد^۸.

صحن امامزاده حدود ۴ هکتار و ضلع جنوبی صحن بوسیله آجر و به صورت نیمه مشبک و قوس دار به تعداد ۹۰ عدد و در اصلی ورود به صحن دیوار کشی شده است، قسمتی از داخل صحن قبرستان است که پیکر مطهر شهیدان در قسمت شمال غربی صحن قرار دارد. دیگر اضلاع صحن امامزاده به مقبره های خصوصی اختصاص دارد. در داخل

۴ - اخیراً به علت کثرت زوار در ایوان غربی مقبره نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

۵ - فاصله دولایه گنبد بین ۸۰ تا ۱۲۰ سانتی متر است.

۶ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، س ۱۳۶۲، ص ۱۴۹.

۷ - ناصرالدین شاه مقبره حمزه رضا (ع) را با دوربین از روی کوه چخماق شیروان تماشا کرده و مطلب فوق را نگاشته است.

۸ - ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، ص ۱۱۳.

صحن پیکر پاک مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابراهیم واعظی علیه الرحمه امام جماعت شیروان و روحانی مورد تأیید مراجع تقلید قرار دارد که در تاریخ ۱۳۵۱/۶/۲۵ به رحمت ایزدی پیوسته است. امامزاده حمزه رضا (ع) دارای وقفیات زیادی است^۹ مقبره این امامزاده در ۳۷ درجه و ۲۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۷ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۰۰ متر است^{۱۰}.

مقبره امامزاده محمد رضا (ع)

مقبره امامزاده سلطان محمد رضا علیه السلام فرزند حضرت امام موسی کاظم علیه السلام طبق اسناد مربوط^{۱۲} به دوره خوارزمشاهیان است. بطوری که مؤلف مطلع الشمس می نویسد: «چون سلطان محمود خوارزم خواب دیده که امامزاده در اینجا (مشهد طرقي شیروان) مدفونست به بعضی علامات محل را معلوم کرده و این بقعه را ساخته و املاک زیاد بر آن وقف نموده و فرمان آن پادشاه و فرامین سلاطین صفویه در باب بقعه و موقوفات آن و تولیت آن موجود است^{۱۳}»... نیمفرسنگ از زوارم گذشته در طرف یسار راه بقعه معروف به مشهد سلطان محمد رضا می باشد و آن بنائست از آجر و گچ و خاک مشتمل بر ایوان و دو اطاق که در بیرون بقعه ایوانچه ها برای مسکن عابرین قرار داده اند اصل بقعه مربع متساوی الاضلاع و ارتفاع بقعه که منتهی به گنبدی می شود^{۱۴} هشت ذرع است بالای قبر صندوق چوبی مشبکی است که در سال هزار و دویست و هشتاد و چهار^{۱۵} ساخته شده و دور صندوق سلام و صلوات و اشعار چهارده معصوم منسوب به شیخ بهائی علیه الرحمه تا آخر کتیبه شده است در نزدیکی امامزاده بعضی انبار و خانه سید متولی است ... امامزاده مذکور

۹- متن وقفنامه را در صفحه بعد بخوانید.

۱۰- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، ص ۶۳۱.

۱۱- خواندمیر حبیب السیر، ج ۲، تهران، ختیم ۱۳۶۲، ص ۸۱؛ محمد (سلطان محمد رضا) یکی از فرزندان ذکور

امام موسی کاظم است که عمر هم نوشته اند.

۱۲- طبق مدارک دست خطی که در دست متولی امامزاده موجود است.

۱۳- محمد حسن خان صنع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۰

۱۴- طبق مدارک و تحقیقاتی که از طرف کارشناسان اداره اوقاف به عمل آمده است گنبد دارای سبک معماری

مغولی است.

بقول مشهور برادر حضرت امام رضا علیه السلام است^{۱۶}،

با تحقیقاتی که در مورد موقوفات این امامزاده شده و به استناد قسمتی از وقفنامه‌های موجود، این امامزاده موقوفات زیادی دارد که اخیراً اداره اوقاف شیروان سرپرستی آنها را به عهده گرفته است و مشغول ترمیم و بازسازی این بنای قدیمی است (عکس شماره ۱۵) گنبد این بنای قدیمی به سبک مغولی ساخته شده است.

مقبره تیموری شیروان

این بنای تاریخی در فاصله ۶ کیلومتری شیروان و در قسمت شمال شرقی مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) واقع شده است. بنای مقبره مربوط به دوران تیموریان (حدود سال



مقبره امامزاده محمد رضا (ع) واقع در مشهد طرقي شیروان مربوط به زمان خوارزمشاهیان و مغولان
عکس شماره ۱۵



مقبره تیموری و مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) شیروان عکس ۱۷

۷۸۵/ق) می باشد^{۱۷}. ساختمان مقبره خشتی و نمای خارجی آن هشت ضلعی است بطوری که اضلاعی که درگاه ورودی به داخل مقبره دارد در حدود ۶ متر و دیگر اضلاع ۴/۲۰ متر طول دارد. ارتفاع و عرض درهای ورودی به ترتیب ۲/۲۰ متر و ۱/۴۰ متر است. در قسمت فوقانی درها نیز نورگیرهایی به عرض درها که قسمت فوقانی آن قوسی ساخته شده است دیده می شود. ضخامت دیوارها ۱/۲۰ متر است. بنای مذکور در قسمت داخل چهار گوشه است. این مقبره دارای گنبدی است که ارتفاعش از قسمت فوقانی بنا ۲/۵ متر است ارتفاع تا زیر گنبد ۴/۲۰ متر است. مقبره تیموری متعلق به یکی از سرداران معروف امیر تیمور گورکانی می باشد که دارای سنگ قبر سیاه رنگی بود که چند سال پیش این سنگ شبانه دزدیده شد در روی سنگ خطوطی حک شده بود که به علت ساییدگی دقیقاً خوانده نمی شد اما کلمه

۱۷ - تاریخ حک شده بر روی سنگ قبر داخل مقبره.

عید خواجه تا اندازه‌ای واضحتر از بقیه خطوط بود. البته در کتب تاریخی از عید خواجه به عنوان یکی از سرداران معروف تیمور نام برده شده است. امیر تیمور که در قساوت و بیرحمی یکی از خونخواران تاریخ لقب گرفته به منظور جلب رضایت و اعتماد سرداران خود که در جنگها و خونریزیهای تیمور کشته می شدند مراسم بسیار با شکوه برپا می کرد و مقبره های عظیم و مستحکمی برای آنان می ساخت. مقبره تیموری شیروان در زیر دارای نقبهایی به طرفین است. چون تیمور در قست زیرین بناهای مربوط به دوران خود نقب می زد و در بیشتر جنگها با استفاده از نقب دشمن را از پای در می آورد. بطوری که ابن عربشاه مؤلف عجایب المقدور فی اخبار التیموری نویسد: «آن روز تیمور وقتی خاکستر خیمه های سوخته و نقش سربازان مقتول خود را دید با خود عهد کرد که جاننداری را زنده نگذارد. نقب زن ها به سرعت مشغول پیشروی به سوی حصار شهر بودند صدای طبل و کرنا دائماً بلند بود تا صدای کلنک نقب زن ها به گوش مدافعان شهر نرسد»^{۱۸}. در مورد نقب زیرین این بنای



مقبره تیموری شیروان عکس شماره ۱۸

۱۸ - ابن عربشاه، عجایب المقدور فی اخبار التیمور، ترجمه محمد علی نجاتی.

تاریخی عده‌ای از مطلعین معتقدند یکی از این نقبها تا روستای قلعه زو (۲۰ کیلومتر دورتر از بنا) امتداد داشته که آثار آن دقیقاً مشخص نمی‌شود. ولی تا فاصله ۲۰۰ متری ادامه دارد.^{۱۹} عده‌ای از محققان هم که این بنا را از نزدیک دیده‌اند معتقدند در این که بنا مربوط به دوران تیموری است شکی نیست ولی بیشتر به بناهای دوره شاهرخ میرزا فرزند تیمور شباهت دارد. ضمناً قسمت داخلی بنا گچبری و بالای سردرها دورتادور به رنگ فیروزه‌ای گچبری و کتیبه‌نویسی شده است که آثار آن بخوبی مشاهد می‌شود.^{۲۰} البته بعضی از معمرین مقبره مذکور را به شیخ تیمور نسبت می‌دهند که این مورد نمی‌تواند قابل قبول باشد زیرا طبق وقفنامه موجود به تاریخ (شهر ذیقعدة الحرام سنه ۱۰۴۵ هجری قمری که با خط بسیار زیبایی نگاشته شده. واقف املاک شخصی به نام امیر محمد شیخ تموری ولد شیخ حسن تموری از اعقاب میر درویش حسن زیارتی که متولی و خدме حضرت امامزاده حمزه رضا (ع) ذکر شده که بیش از ۲۰ نفر از بزرگان و معتمدین محلی وقت این وقفنامه با ارزش را امضاء و مهر زده‌اند. تاریخ وقفنامه نیز با تاریخ احداث بنا ۴۶۰ سال اختلاف زمان دارد. البته این احتمال وجود دارد که جنازه میر درویش حسن جد بزرگ شیخ تمور^{۲۱} را در داخل مقبره تیموری دفن کرده باشند^{۲۲}).

برج و باروی تیموری

در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال غرب شیروان در بین کوههای سربفلک کشیده مجاور روستای قلعه زو شیروان در قلعه بلندترین کوه غربی روستا که چشمه‌ای نیز از زیر همین کوه می‌جوشد آثار برج و بارو و اماکن مخروبه زیادی دیده می‌شود که هر بیننده‌ای را به اعجاب وامی‌دارد. زیرا حتی صعود به قلعه کوه و بازدید از آثار مذکور برای افراد عادی مشکل است. نگارنده به اتفاق چند نفر از داخل دره شمال غربی که به قله منتهی می‌شود

۱۹ - مرحوم حاج برات رمضان پور و مرحوم غلامرضا محمدی که از معمرین بودند در قید حیات برای نگارنده نقل کردند: در سال ۱۳۳۰/ش از محل مقبره تیموری وارد نقب زیرین گردیده و از محل «که که» فاصله ۲۰۰ متری خارج شده‌اند.

۲۰ - در بعضی از کتب از این بنا به عنوان آشیانه تیموری و کتابخانه تیموری نام برده شده است.

۲۱ - در وقفنامه تمور نوشته شده.

۲۲ - وقفنامه امام سلطان حمزه رضا (ع).

صعود کرده است و به محض مشاهده این آثار قدیمی در قلعه کوه اولین نکته سؤال برانگیز این بود که این همه مصالح چگونه و با چه امکاناتی به قلعه کوه آورده شده است. به هر حال مدت زیادی از این آثار قدیمی بطور دقیق و از زوایای مختلف بازدید و فیلم برداری گردید که ماحصل آن به شرح زیر است. این بنا شباهت زیادی به قلعه و دژ تسخیرناپذیری دارد که در چهار گوشه آن چهار برج بلند ساخته شده است که برج جنوب غربی آن هنوز بدون تغییر، و از سطح قلعه کوه ۹ متر ارتفاع دارد، باقی است و سه برج دیگر تخریب شده است. طول دیوارهای این قلعه مستحکم در حدود ۱۲۰ متر و عرض آن در قسمتهای مختلف متفاوت است و ۵۰ الی ۸۰ متر می باشد. ضخامت دیوارها در حدود ۴ متر است. برجهای کلاً از سنگ و گچ و چوب بنا گردیده و نوع چوب بکار رفته آرچه^{۲۳} است در داخل این قلعه که به برج و پل تیموری معروف است، در قسمتی آثار خانه های بزرگ شاه نشینی در وسط



قسمتی از برج و باروی تیموریان واقع در قلعه کوه قلعه زو، شیروان. عکس شماره ۱۹

۲۳ - آرچه نوعی سرو کوهی مستحکم و مقاوم در برابر رطوبت است

و خانه های دیگری نیز در اطراف احداث شده که بعضی از خانه ها بوسیله پل و تونل (نقب) به برجها ارتباط پیدا می کند. در حال حاضر پل ریزش کرده اما آثار آن و چوبهای بکار رفته بوضوح دیده می شود در قسمت شرقی این بنا آب انباری بزرگ برای تأمین آب آشامیدنی احداث گردیده که دیوارهای آن از آجر و گچ درست شده و سقف آن ضربی خورده است. در ضلع شمالی آن کوره آجرپزی مشاهده می شود. حمام این آثار تاریخی که خزینه و گلخن آن دیده می شود برای بازدید کننده بسیار عجیب است. تنوره های پخت نان دیده بانها و محل قرار گرفتن تفنگها با اندک دقت انسان را به زمان ایلخانها می برد. آثار گچبری دیوارها و نوع آجرها و مصالح بکار رفته بیشتر به آثار تیموریان شباهت دارد. از این قلعه و دژ تاریخی بر کلیه مناطق اطراف بویژه راههای ارتباطی دره ها و عبور و مرور افراد تا فواصل دور می توان مسلط بود و همه چیز را کنترل کرد^{۲۴}.

قصه ای تاریخی در روستای هُنامه شیروان

در فاصله ۱۸ کیلومتری شمال شیروان در دامنه شیب تند کوه شرقی هُنامه که مشرف به روستاست و از سطح روستا که در دره قرار گرفته و رودخانه از آن عبور می کند در حدود ۷۰ متر ارتفاع دارد، قصه ای بزرگ و تاریخی از دل کوه و از زیر خروارها سنگ و خاک به مرور زمان و طی سالیان دراز قد بر افراشته و هر سالی که می گذرد بر عظمت و بزرگی و ابهام این آثار تاریخی افزوده می شود^{۲۵}. این قصه که ابعاد واقعی آن در زیر سنگ و خاک مدفون است پس از مطالعات کامل بر روی آن می تواند نقشی مهم در مورد بعضی از شهرهای باستانی ایران که در ناحیه شمال خراسان واقع بوده و هنوز محل دقیق آنها مشخص نیست، داشته باشد و راهگشای کاوشهایی در منطقه شهرستان گردد در این آثار تاریخی که دیوارها و منازل تماماً از سنگ و گل بنا شده قسمت اعظم آن توسط مردم تخریب و کاوشهایی انجام گرفته که محل برخورد کلنگها و پتکها بر دیوارها و شکستن سنگها بخوبی محسوس است و سنگ و خاک آن در دهانه راههای ورودی انباشته است در این

۲۴- آنچه نگارنده گزارش کرده مطالبی است که هر بیننده ای می تواند گزارشگر آن باشد. اما این بی ادبی و بی احتیاجی به تحقیق و پژوهش کارشناسان درد که خوشبختانه از طرف اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی این آثار مورد مطالعه و تحقیق است.

۲۵- این آثار تاریخی توسط حفاظت آثار باستانی بطور رسمی حفاظت شده اعلام شده است.



آثار قدیمی هنامۀ شیروان عکس شماره ۲۰

حفاریها ظروف سفالین و سکه‌هایی^{۲۶} بدست آمده که اکثر توسط سود جویان با قیمت نازلی از دست روستاییان به یغما برده شده است.

نگارنده در بازدیدهای مکرر از این آثار در سطح دیوارها، آثار طاقهای متعدد و همچنین اجاقها، آخور چهار پایان، آتشدانها و کندوهای بزرگ رامشاهده کرده است. طول بعضی از راهروها (دالانها) تا ۲۵ متر امتداد داشته و در قسمتهای انتهایی که کمتر در معرض تغییرات جوی قرار گرفته است در سطرها آثار گچبری نمایان است. این روستا در سابق گبرنشین بوده چون مطلعین به آن جا گبرخانه هم می‌گویند «هَنما (هنامه) یکی از قراء قدیمی و گبرنشین بوده^{۲۷}».

۲۶ - یکی از معمرین که مقداری از وسایل مکشوفه را خریداری کرده بود با نشان دادن ظروفی مانند: تنگ آب - کاسه - پی سوز مفرغی و سکه‌های مربوط به دوره اشکانیان و سلجوقیان و ... معتقد بود که کلیۀ آثار از قصبۀ تاریخی هنامۀ کشف شده است.

۲۷ - محمد حسن خان صنیع الدوله مطلع الشمس، ص ۱۴۴.

تپه ارگ شیروان

تپه ارگ دست ریز شیروان که با شماره ثبت تاریخی ۷۰۳ در سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران مربوط به هزاره پنجم و چهارم قبل از میلاد اسلامی است^{۲۸} و در شیروان به تپه نادری معروف است^{۲۹}. این تپه در قسمت غربی شهر قدیم شیروان^{۳۰} و جنوب غربی شهر فعلی شیروان قرار دارد که ارتفاع آن ۲۵ متر و قطر تپه در حدود ۹۰ متر است با توجه به



تپه ارگ شیروان مربوط به هزاره پنجم و چهارم قبل از میلاد با شماره ثبت تاریخی ۷۰۳
عکس شماره ۲۱

۲۸ - نصرت الله مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۳۲۰.

۲۹ - این گونه تپه های دست ریز خاکی هیچ گونه ارتباطی به نادرشاه ندارد و اطلاق تپه نادری اساساً اشتباه است بلکه در اصل تپه های نارین می باشند که با روشن کردن آتش، به عنوان وسیله مخابراتی مورد استفاده قرار می گرفت.

«مؤلف»

۳۰ - کهنه شهر

قدمت و موقعیت این تپه^{۳۱} در زمان شاه سلطان حسین صفوی عمارت ایلخانی خراسان بر روی این تپه قرار داشت بطوری که در سفرنامه^{۳۲} خراسان می نویسد: «در درون قلعه در مکانی که مرتفع تر از سایر امکنه شهر است ارک بلد واقع شده است که او را نیز برج و باره محکم بوده^{۳۳}...» مدتی نیز این تپه به زندان مخصوص تبدیل می شود «رضاقلی خان (ایلخانی)، امیرگونه خان پدر خود را... در روی تپه شیروان که اتاقی و عمارتی داشته تحت المحافظه بدان مکان نقل می دهد و... پدرپیر رضا قلی خان در گوشه زندان موی سرش به روی شانه و سینه ریخته و موی چانه باعانه به هم تابیده شده بود و... آخر الامر امیر گونه خان در نتیجه فشار و مصیبت بسیار در گوشه زندان جان می سپرد و از زحمت زندگی راحت می گردد^{۳۴}». مدتی نیز از روی این تپه به عنوان میدان کشتی با چوخه استفاده می شد «روز سوم عید در حالی که عاشق ها^{۳۵} در بالای تپه می نواختند و زن و مرد دور تا دور نشسته بودند سرکارخان با اسب بالا آمد تا کشتی ها را تماشا کند... پهلوان بابا تمام حریف ها را یکی پس از دیگری به زمین زد و خان اسب قرمز خودش را به پهلوان انعام داد. پهلوان بابا با اسب لخت از تپه به خانه اش رفت و بعداً رقص شروع شد^{۳۶}...». «دورارک شیروان قبرستان بوده و آثار قبر گبری دیده شده^{۳۷}...»

قزلقلعه^{۳۷}

شهرستان شیروان دارای قزلقلعه هایی در روستاهای زیدر، زوارم، اوغاز و تفتازان است که با توجه به قدمت و موقعیت قزلقلعه معروف زیدر به شرح و علت احداث آن می پردازم. قزلقلعه زیدر در ۶۵ کیلومتری شمال شیروان و در نزدیکی مرز ایران- شوروی قرار دارد و

۳۱- شیروان که دومین شهر این ناحیه و کرسی نشین قدیم است تپه مصنوعی بزرگی دارد که به قول بلدچی ما محل سوار کردن توپهای آتشبار بوده و... ژنرال سایکس، سفرنامه، ترجمه سعادت نوری.

۳۲- سفرنامه^{۳۳} خراسان، ص ۳۳۸ (این مطلب در سال ۱۲۸۴/ق در هنگام مسافرت ناصرالدین شاه به شیروان نوشته شده است).

۳۳- رمضانعلی شاکری، اثرکنامه به نقل از تاریخ قیچان تألیف مدیرالدیوان، ص ۶۴- ۶۵.

۳۴- نوازندگان دهل و سرنا محلی را می گویند.

۳۵- براتملی شیروانی ناسخ التواریخ یا تاریخ شیروان، دستخط، ص ۱۲۸.

۳۶- مطلع الشمس، ص ۱۴۶.

۳۷- دختر قلعه یا قلعه دختران.

تاکنون نسبت به دیگر قلزقلعه‌ها وسایل عتیقه بسیاری در کاوشها از آن جا به دست آمده است. فعلاً کاملاً حفاظت می‌شود^{۳۸}. قلزقلعه برقله بلندترین کوه آن منطقه احداث گردیده^{۳۹} و فقط دارای یک راه صعب‌العبور^{۴۰} می‌باشد. که در اصل دژ محکم و آخرین پایگاه تسخیر ناپذیر محسوب می‌شد. آثار دیوارهای سنگی ضخیم و قطور، خانه‌های مخروطی، سنگی، آب‌انبار و برج و بارو و دیگر مایحتاج زندگی در گوشه و کنار قلزقلعه دیده می‌شود و بجز همان یک راه صعب‌العبور به هیچ طریق دیگری نمی‌شود بر آن جا صعود کرد و گذشته از آن شخص بر اطراف قلعه تا فاصله‌ای دور مسلط است در زمان قدیم پیش از حمله دشمن به منطقه، دختران و زنان جوان حاکم و اعیان و اشراف را به آن جا می‌بردند و هرچه زیور آلات و اجناس پربها نیز در دسترس بود به قلزقلعه حمل می‌شد^{۴۱} و با قرار دادن چندین تیر انداز ماهر در برجها از این محل امن به حراست می‌پرداختند تا از گزند و تاراج دشمن در امان باشند. وسایل عتیقه‌ای که تا به حال از این قلزقلعه کشف شده است عبارتند از: چهارگوزن شاخدار نقره‌ای که به عنوان پی‌سوز مورد استفاده قرار می‌گرفت، سکه‌های نقره قدیمی، ظروف مسی بزرگ با نقش و نگار شکارگاه، شمشیر با دسته مطلا و انواع و اقسام قمه، و چاقو که دارای نیم چرمی زرکوب و نقره کوب هستند^{۴۲}...

آثار قدیمی و بقاع متبرکه شهرستان شیروان

در این قسمت به منظور اطلاع و تحقیق بیشتر دانش پژوهان بطور فهرست وار اشاره‌ای به دیگر آثار قدیمی و بقاع متبرکه شهرستان شیروان می‌گردد.

۱- آثار شهر قدیمی و تپه و قلعه اسرار واقع در روستای مشهد طوقی شیروان^{۴۳}

۳۸- قلزقلعه زیدر توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی حفاظت می‌شود.

۳۹- از رشته کوههای کُپه داغ است.

۴۰- از تنها راه خطرناک صعود به قله و رسیدن به قلزقلعه که در بعضی از قسمتها دارای عرض نیم متری است فقط افراد ورزیده قادر به صعود هستند و در سابق دختران و زنان را با استفاده از طناب و مراقبت به قلزقلعه می‌بردند ضمناً هیچ نوع چهارپای از قبیل اسب و قاطر و الاغ نمی‌تواند به آن جا صعود کند.

۴۱- در بازدیدی که همراه با آقای شیخ عزیرالله عطاردی محقق و نویسنده بزرگوار از قلزقلعه زیدر به عمل آمد نگارنده هشت قطعه چینی شکسته در انواع مختلف از این محل پیدا کرد که واقعاً برایش تعجب‌آور بود.

۴۲- تصویر بعضی از اشیای بدست آمده از قلزقلعه را در قسمت عکسها و اسناد مشاهده کنید.

۴۳- محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۳۹.

- ۲- تپه ارک دست ریز واقع در روستای زوارم شیروان^{۴۴}
- ۳- غار پوستین دوز واقع در نزدیکی روستای لوجللی شیروان^{۴۵}
- ۴- قزلر قلعه واقع در روستای زیدر شیروان
- ۵- آثار شهر قدیمی واقع در روستای زیدر شیروان
- ۶- حسینیه حاجی آخوند واقع در روستای زوارم شیروان
- ۷- قزلر قلعه واقع در روستای تفتازان^{۴۶} شیروان
- ۸- تپه ارک واقع در داخل شهر شیروان^{۴۷}
- ۹- تپه ارک واقع در روستای دوین^{۴۸} شیروان
- ۱۰- گمرک تپه واقع در روستای برزل آباد شیروان
- ۱۱- گبرخانه شیروان واقع در ۵ کیلومتری شرق شیروان^{۴۹}*
- ۱۲- تپه خواجه ها و آثار قدیمی واقع در روستای الاشلو شیروان
- ۱۳- غار کافر قلعه واقع در روستای گلیان شیروان
- ۱۴- قدمگاه ایوب واقع در حد فاصل روستاهای سرداب- سرانی شیروان
- ۱۵- گبرخانه واقع در روستای گلیان شیروان
- ۱۶- قزلر قلعه واقع در روستای زوارم شیروان
- ۱۷- مسجد قدیمی واقع در روستای قوردانلو شیروان
- ۱۸- تپه ترمان (ترکمن) واقع در روستای چوکانلو شیروان
- ۱۹- قلعه تیموری واقع در روستای قلعه زو شیروان

۴۴- همانجا، ص ۱۳۷

۴۵- احمد معرفت، کوهها و غارهای ایران، تهران ۱۳۵۲/ش، ص

۴۶- نورالدین محمد زیدری نسوی، سیره جلال الدین، ص ۶.

۴۷- نصرت الله مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۳۲۰، بایست تاریخی ۷۰۳.

۴۸- همانجا، با ثبت تاریخی ۶۹۷، ص ۳۲۰.

۴۹- همانجا با ثبت تاریخی ۶۹۸، ص ۳۲۰.

ه- هیأت باستان شناسی دانشگاه توریلوی ایتالیا در تابستان سال ۱۳۵۶/ش تحقیقات و حفاریهایی از تپه گبرخانه شیروان به عمل آوردند که با سقوط رژیم پهلوی جلوا این کار گرفته شد. نگارنده در تاریخ ۵/۵/۵۶ این گروه محقق را در حال حفاری بر روی تپه مذکور دیدم و وقتی که با سرپرست گروه خانم روبرتا و نکوریجاردی در این مورد صحبت کردم، او گفت ما گروهی باستان شناس ایتالیایی هستیم که معمولاً محل سابق زندگی زرتشتیان را مورد مطالعه و تحقیق قرار می دهیم و این تپه نیز طبق اسناد موجود روزگاری محل زندگی زرتشتیان بوده است.

- ۲۰- آثار قصبه و غار واقع در روستای هنامه^{۵۰} شیروان
- ۲۱- مقبره بابا توکل واقع در روستای گلیان شیروان^{۵۱}
- ۲۲- مقبره خواجه سراج الدین واقع در روستای یقی باغان شیروان
- ۲۳- مقبره زکریا واقع در یکی از قلل کوههای گلیل شیروان.
- ۲۴- مقبره سعدالدین تفتازانی واقع در روستای کاکلی تفتازان شیروان^{۵۲}
- ۲۵- مقبره امامزاده عبدالرحمان واقع در روستای اسطرخی شیروان^{۵۳}
- ۲۶- مقبره امامزاده حمزه رضا واقع در روستای زیارت شیروان^{۵۴}
- ۲۷- مقبره امامزاده عبدالرضا واقع در روستای توده شیروان^{۵۵}
- ۲۸- مقبره امامزاده محمد رضا واقع در روستای مشهد طرقي شیروان^{۵۶}
- ۲۹- مقبره امامزاده عباس واقع در روستای پیوردلو^{۵۷}
- ۳۰- مقبره بابا خوشگلدی واقع در روستای خانحصار (یاسرآباد) شیروان
- ۳۱- مقبره معصومزاده قاسم الحسینی واقع در روستای مختومی بزآباد (فجرآباد) شیروان
- ۳۲- مقبره معصومزاده امام یحیی^۱ و آثار گبری و تپه قدیمی واقع در روستای منصوران شیروان^{۵۸}
- ۳۳- مقبره تیموری واقع در روستای زیارت شیروان^{۵۹}
- ۳۴- مقبره شیخ مقدم و دیوارهای قدیمی واقع در روستای الله آباد شیروان^{۶۰}
- ۳۵- مقبره بی بی حنیفه واقع در روستای سکه شیروان^{۶۱}
-
- ۵۰- محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۴.
- ۵۱- محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۳.
- ۵۲- رمضانعلی شاکری، اترکنامه، ص ۲۲۸.
- ۵۳- اداره اوقاف شیروان طبق وقفنامه
- ۵۴- ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، ص ۱۱۳ و مطلع الشمس و بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص. ۳۲۰.
- ۵۵- ۵۶- ۵۷- اداره اوقاف شیروان.
- ۵۸- نصرت الله مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۳۲۰.
- ۵۹- همانجا
- ۶۰- محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۷ و سفرنامه خراسان.
- ۶۱- همانجا، ص ۱۶۱ به نقل از ج ۲، هفت اقلیم، امین رازی.

- ۳۶- مقبره امامزاده شاهزاده عبدالله واقع در روستای فیروزه قلجق شیروان^{۶۲}
- ۳۷- مقبره بابا شیخ واقع در روستای باغ شیروان
- ۳۸- غار دامچیک واقع در نزدیکی روستای بیک شیروان
- ۳۹- یخچال واقع در کوههای امیرانلوشیروان^{۶۳}
- ۴۰- زیارتگاهی به نام تراش واقع در روستای بیک توکور شیروان
- ۴۱- زیارتگاه زبیدالله واقع در روستای بوانلوشیروان
- ۴۲- زیارتگاه عزیزالله واقع در روستای ترانلوشیروان
- ۴۳- زیارتگاه امام حاضر واقع در روستای گوگلی شیروان
- ۴۴- زیارتگاه جدسید واقع در روستای چرمه شیروان
- ۴۵- زیارتگاه جد سید واقع در روستای میلانلو علیا شیروان
- ۴۶- زیارتگاه جد سید واقع در روستای نظر علی شیروان
- ۴۷- مقبره معصومزاده زوارم واقع در روستای زوارم شیروان
- ۴۸- آثار قدیمی واقع در روستای کورکانلوه به نام مجسمه
- ۴۹- سنگ معلق چارقالدی در نزدیکی روستای گدگانلوشیروان
- ۵۰- مقبره امامزاده غیبی واقع در جنب تپه ارک شیروان
- ۵۱- بی بی حور بی بی نور واقع در جنب تپه ارک شیروان
- ۵۲- زیارتگاهی واقع در روستای شرکانلوشیروان
- ۵۳- آثار قدیمی واقع در روستای حصار و علیمحمد
- ۵۴- زیارتگاهی واقع در روستای اوغاز شیروان
- ۵۵- تپه ماسوره شیروان واقع در ۴ کیلومتری مغرب امامزاده حمزه رضا (ع)^{۶۴}
- ۵۶- تپه زیارت شیروان واقع در یک کیلومتری مغرب امامزاده حمزه رضا (ع)^{۶۵}

۶۲- طبق وقفنامه موجود متولی امامزاده عبدالله.

۶۳- این یخچال در کوههای شاه جهان واقع است.

۶۴- نصرت الله مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۳۲۰؛ با ثبت تاریخی ۷۰۵.

۶۵- همانجا

دانشمندان، عرفا، نویسندگان،
شاعران و هنرمندان

بخش ششم

دانشمندان، عرفا، نویسندگان، شاعران و هنرمندان

بابا توکل جلیانی

از مشایخ و عرفای نامی قرن چهارم هجری بود^۱ «از دوران کودکی با مطالعات کتب دینیّه و ادامه آن در محضر اساتید حوزه علمیّه نجف اشرف و تشریف به مکه معظمه مدارج علمی را طی کرد و در اندک زمانی به فردی با تقوا و مورد اعتماد عصر خود درآمد و سرآمد منجمان زمان شد... از بابا توکل به عنوان کلیددار و خادم خانه کعبه نام می‌برند^۲».

مقبره این عالم و ریاضیدان در روستای گلیان (جلیان) شیروان زیارتگاه و مورد احترام مردم منطقه است. مقبره در حال حاضر گنبد و ضریح دارد. طبق اظهار مطلعین، بابا توکل عارف و ریاضیدان، در اواخر عمر در گلیان زندگی می‌کرده و افکار و عقاید خودشان را نسبت به مسائل مختلف در محافل رسمی و علمی عصر خود، هر اندازه هم که قیود و تشریفات بر مجلس حاکم بود، بی‌پروا و با کمال صراحت ابراز می‌داشته و در رد عقاید چاپلوسان حکام در هر مقام و کسوتی بمقابله می‌پرداخته است^۳. مؤلف مطلع الشمس می‌نویسد: «جلیان شهر بزرگی بوده ... در بعضی قبایله ها و اسناد قدیمه بجنورد و مانه و سملقان حتی اسفراین را از توابع جلیان می‌نوشته‌اند، در جلیان سفلی مقبره و بقعه معتبر است معروف بمقبره بابا توکل وسعت بقعه ۶ متر در ۶ متر و ارتفاع آن تا زیر طاق ۸ ذرع، بنای بدن عمارت از سنگ و گچ بوده و قبه از آجر و صندوق چوبی منبتی داشته که در یکی از

۱ - سنه ۳۸۱ هجری قمری «سنگ قبر»

۲ - نقل از زندگینامه خطی بابا توکل.

۳ - در مورد تقوا و علم و نجوم و ریاضی بابا توکل مردم مطالب بسیاری اظهار می‌دارند که به بحث جداگانه‌ای

احتیاج دارد.

زلزل خُرد شده است صورت قبر به ارتفاع سه چارک باقیست از قرار معلوم بابا توکل از مشایخ عرفا و مرتاضین بوده، رباعی مسطور در ذیل در توصیف او در این نواحی مخصوصاً معروفست:

هم کان مروتی و هم برهانی هم دست ولایتی و هم سلطانی
مشهورتری ز آفتاب ثانی قطب دو جهان توکل جلیانی
گویند این رباعی بر در خانه کعبه اجلها الله تعالی مسطور بوده است^۴.
از تألیفات او می توان به: علم النجوم، دیوان بابا توکل، مختصر المعالی و... اشاره نمود^۵.

ابوالحسن علی بن احمد نسوی (زیدری)

از ریاضیدانان قرن چهارم هجری قمری بود که علاوه بر ریاضیات و نجوم در فلسفه و منطق و هندسه و علم پزشکی نیز تبحر داشت^۶ او متوفی به سال ۳۷۱ هجری قمری و اهل زیدر نسا می باشد.

ملا سعدالدین تفتازانی

از علما و عرفا و نویسندگان بزرگ اسلام در قرن هشتم هجری قمری بود که در ناحیه تفتازان به دنیا آمده و کتابهای متعددی در فنون ادب و هنر، فقه و اصول تالیف و تصنیف کرده که اهم آنها بدین قرار است: ارشاد الهادی در نحو، الاصباح در شرح دیباجه، المصباح در نحو، التلویح فی کشف حقایق التنقیح در اصول فقه، تهذیب المنطق و الکلام، شرح کشف زمخشری، مقاصد در کلام و حکمت، شرح شمسیه در منطق، مختصر المعانی در علوم فصاحت و بلاغت، کتاب معروف مظلوم در معانی بیان، شرح التصریف در صرف، ترکیب الجلیل در نحو، رساله الاکراه، دف النصوص و النقوص^۷...».

نگارنده به منظور آگاهی بیشتر از نحوه زندگانی و محل دفن این دانشمند بزرگ در بهار

۴ - محمد حسن خان اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، صص ۱۴۴ - ۱۴۵.

۵ - نقل از زندگی نامه خطی بابا توکل.

۶ - غربال الموسوعة

۷ - از غربال الموسوعة، ص ۵۳۶.

سال ۱۳۵۵ شمسی به منطقه تفتازان که در ۵۴ کیلومتری شمال شیروان واقع شده است رفتیم پس از مدتی پرس وجود در روستای قدیمی تفتازان و بازدید از آثار قدیمی و سنگ قبور، آثار و علائمی از سنگ قبر این عالم عارف نیافتیم. مردم خونگرم روستا هنگامی که از جریان مطلع شدند، ضمن راهنمایی اظهار داشتند، معصومزاده‌ای به نام ملاسعد در روستای کاکلی (۳ کیلومتری تفتازان) وجود دارد که دارای مقبره و سنگ نوشته نیز هست. با راهنمایی یکی از اهالی به کاکلی که در امتداد دره تفتازان قرار داشت، رفتیم، در آن جا خانه‌ای گلی و نیمه مخروبه‌ای را دیدیم که دو سنگ نوشته قدیمی به رنگ تیره در داخل خانه به صورت عمودی قرار گرفته بود و پارچه‌ای سیاه بر روی سنگها کشیده بودند، وجود شمعهای نیمه سوخته و دستمالهای گره خورده و دیگر علائم در ذهن هر تازه‌واردی مکان مقدسی را مجسم می‌کرد، با اجازه متولی پارچه را از روی سنگها برداشتیم، بر روی سنگ اصلی نوشته شده بود:

«الله. وفات المرحوم المغفور سعد بن حسام الدین بن المرحوم سعد الدین مسعود تفتازانی شب آدینه دهم محرم در تاریخ سنه ثلاث و تسع^۸ ماء» که با توجه به این سنگ نوشته و اظهار معمرین محلی، مقبره مذکور متعلق به نوه ملاسعدالدین تفتازانی دانشمند بزرگ قرن هشتم می‌باشد، البته با این قرائن و قدمت دره تفتازان و آثار قدیمی و احتمال بردن سنگ قبر ملاسعدالدین (اهالی تفتازان در این مورد تأکید زیادی داشتند) می‌توان پذیرفت که قبر این عارف نامی نیز در این جا است.

خواجه نورالدین محمد نسوی^۹ زیدری

از ادبا و نویسندگان بزرگ قرن ششم و هفتم هجری قمری بود که ریاست دیوان رسائل سلطان جلال الدین خوارزمشاه را نیز به عهده داشت، خواجه نورالدین محمد صاحب کتب تاریخی ذقیمتی مانند: تقویم البلدان، تاریخ جلالی یا سیرت جلال الدین منکبرنی و نفثة المصدور

۸ - بر روی سنگ دیگر جمله «فی عاشر محرم الحرام سنه تسع و سبعین و سبعمأ عمل استاد سعد الدین» نوشته شده

بود.

۹ - مرکز نسا طبق نوشته دیاکونوف محقق روسی و ص ۶۴ کتاب اشکانیان که توسط کریم کشاورز ترجمه شده در

۱۸ کیلومتری شمال غربی عشق آباد شوروی و در نزدیکی روستای باقر قرار دارد که در برگزیده دهستانهای شمالی فعلی شهرستان شیروان نیز بود.



سنگ قبر سعد بن حسام اللّٰه بن المرحوم سعد التّائین مسعود تفتازانی. واقع در روستای
کاکی تفتازان شیروان قرن ۸ هجری قمری عکس شماره ۲۲ و ۲۳

فی فتور زمان الصدور می باشد که در سال ۶۲۲ هجری قمری وفات یافته است. خواجه نورالدین می نویسد: «من بدین هنگام در قلعه خویش خرندر^{۱۰} بودم و آن جایگاه از امهات قلاع خراسان باشد ... آن نابکاران (مغولان) چون روزگار شیوه زشتکاری و پیشه مردم آزاری پیش گرفت و به رؤسای قرای خراسان نامه می نوشت که خود و رعایای ده حاضر آیند و تبر و تبرزین و چرخ چندانکه از لوازم حصار توانند به همراه آرند و قرای خراسان بدین هنگام باره و جامع و خندق داشت و دهخدایان توانگر بودند، اگر می پذیرفتند به وسیلت آن شهری را به محاصره می گرفت و مردم آن را در ورطه بلا می افکند و اگر تعلل می ورزیدند بر آنان می تاخت و به جرم این تقاعد خود آنان را محصور می ساخت و از جایگاه بر می انداخت و با اتباع و همراهان به تیغ می گذرانید و به هلاکت می رسانید^{۱۱}».

سعد بن حسام الدین بن سعد الدین تفتازانی

سعد بن حسام الدین. متوفی ۹۰۳ هجری قمری یکی از علمای معروف عصر خود بود که مقبره اش در روستای کاکلی شیروان مورد احترام و زیارتگاه مردم منطقه تفتازان قوشخانه می باشد «او شرح صرف و مختصر را به رشته تحریر در آورده است^{۱۲}».

میرزا محمد شیروانی

میرزا محمد فرزند میرزا حسن از نویسندگان و محققان معروف دوره صفویه بود که: حاشیه کتاب معالم الاصول را او نوشته است تاریخ فوت این دانشمند بزرگ سال ۱۰۹۸ هجری قمری می باشد و مقبره اش در مدرسه علمیه جعفریه مشهد قرار دارد. مؤلف مطلع الشمس می نویسد: «المحقق المدقق مولانا میرزا محمد بن الحسن شیروانی صاحب

۱۰ - خرندر با احتمال قوی قرن در تفتازان شیروان است که قلعه ای مستحکم و دارای برج و بارو بوده که هنوز هم آثار

آن دیده می شود. مؤلف

۱۱ - مقبره ای در اطراف روستای زیدر شیروان وجود دارد که اهالی معتقدند این مقبره متعلق به خواجه نورالدین نسوی زیدری است اما در بازدیدی که با عده ای از مطلعین از محل مقبره به عمل آوردیم، هیچ گونه سنگ نوشته و یا سندی در این رابطه مشاهده نشد بجز مقبره ای سنگی، دو خط شعر زیر منسوب به خواجه نورالدین محمد نسوی زیدری است.

خساک ره آستان ما باش مترس

رو در صف دوستان ما باش مترس

دل فارغ دار از آن، با ما باش مترس

گر جمله جهان قصد بجان تو کنند

۱۲ - فرهنگ معین، ص ۳۹۳.

حاشیه‌ی معالم الاصول از معاصرین شاه سلیمان صفوی است، برای تحصیل علوم از شیروان به اصفهان رفت و با درجه‌ی ترقی در فنون شرعی و عقلیه نایل گردید و بجز حاشیه‌ی معالم چند تعلیقه تصنیف نمود مثل حاشیه‌ی شرح حکمه العین و حاشیه‌ی شرح اشارات، و می‌گویند بر قاموس شرحی به فارسی در نهایت بسط وجودت نوشته، حدت ذهن و دقت فکر او مسلم است و در مناظره و جدل یدی طولی^۱ داشته در ۱۰۹۸ در گذشت و به جنب تربت محقق سبزواری در مدرسه جعفریه مشهد مقدس مدفون گشت لوح مزار وی به این عبارت منقور است، وفات المولی الاعظم العالم الربانی و الفاضل السبحانی قدوة المحققین اسوه اهل الیقین حجة الله علی العالمین اعلم علما زمانه و افضل فضلا عصره و اوانه مولانا میرزا محمد بن الحسن الشیروانی طهر الله رمة فی تاسع و عشرين من شهر رمضان سنه ثمان و تسعين والفاء^{۱۳}».

امیر شمس الدین محمد بن امیر نظام الدین

امیر شمس الدین یکی از امرای بزرگ زمان تیموریان بود که در پیروزیهای سلطان حسین میرزای بایقرا نقش عمده‌ای داشت او همراه پدرش امیر نظام الدین در تمام جنگها و درگیریهای محلی حتی یکبار هم شکست نداشته است، طبق گفته معمرین او از ارادتمندان و مریدان بابا توکل گلیانی عارف و عالم آزاده شیروان بود و قسمتهای زیادی از سوره‌های قرآن را حفظ بود و در جنگها و درگیریها با صدای بلند قرآن تلاوت می‌کرد^{۱۴}، مقبره امیر شمس الدین در روستای گلیان شیروان واقع است و در روی سنگ قبر او به خط ثلث زیبایی نوشته شده است «الآھم صَلَّ عَلَی مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَی وَ صَلَّ عَلَی عَلِیِّ الْمُرتَضَی وَ صَلَّ عَلَی الْحَسَنِ الرِّضَا وَ صَلَّ عَلَی الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ بِکَرْبَلَا وَ صَلَّ عَلَی زَیْنِ الْعَابِدِینِ وَ صَلَّ عَلَی مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ وَ صَلَّ عَلَی جَعْفَرِ الصَّادِقِ وَ صَلَّ عَلَی مُوسَى الْکَاسِمِ وَ صَلَّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا وَ صَلَّ عَلَی مُحَمَّدِ التَّقِیِّ وَ صَلَّ عَلَی عَلِیِّ النُّقَیِّ وَ صَلَّ عَلَی الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیِّ وَ

۱۳ - صنع الدولة، مطلع الشمس، ص ۶۸۱.

۱۴ - در زمان تیموریان به حفظ و قراءت قرآن اهمیت زیادی داده می‌شد و یکی از نیرنگها در جنگها استفاده از تلاوت قرآن بود.

۳ - این سنگ قبر که از مرمر سیاه می‌باشد در ایوان شمالی مقبره بابا توکل قرار دارد و یکی از آثار بسیار پیر ارزش است.

صَلَّ عَلَ مُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ». در وسط سنگ نوشته شده «الحکم لله تعالی»
 بیتهای زیر، در ذیل و در قسمت حاشیه سنگ نوشته شده است.

ای خاک که در دفینه گوهر داری	در سینه نهان مهر متور داری
زنهار که همچو جان عزیزش میدار	کاین جان جهانست که در بر داری
تاریخ سال نهصد و سی بود کز قضا	شد نور چشم عالمی از دیده ها نهان
شمعی که بود بزم شرف روشن از رُخش	در پیرهن کشید سرخویش ناگهان
عالیجناب میر محمد که رفت پاک	مانند قد سیان جهان جانب جنان
در آخر الزمان چو در آمد بکتم غیب	از غیب گشت ماده اش آخر الزمان

صنیع الدوله که در سال ۱۳۰۰ هجری قمری از گلیان شیروان بازدید بعمل آورده در مورد امیر شمس الدین می نویسد: «در کتب خبر و دفاتر سیر از احوال امیر ولی بیک تفحص اکید و تصفح شدید بعمل آمد تا مگر نژاد خداوند این مرد که شمس الدین محمد است بدست آید و حاصل تتبع و تفتیش آن که در حدود نهصد هجری قمری که زمان سقوط و فتور دولت آل تیمور است امیر ولی بیک نامی از امراء بزرگ ملازم رکاب سلطان حسین میرزای بایقرا بوده و در هدایت استیلا سلطان مسطور الی تغلب محمدخان به ملک خراسان خدمت های شایان نموده و از جمهور امرا مملکت خراسان به مزید شوکت و فرط ابهت امتیاز داشته همانا از مقارنه تاریخین والقباب امارت که در سنگ نقر شده وانضیاف جیلیان (گلیان) بمملکت خراسان چنین استظهار می رود که این شمس الدین محمد پسر همان سردار مشهور و امیر مذکور بوده باشد، اگر چه نقله اخبار، ولی بیک مزبور را به لقب مبارزالدین یاد می کنند و اینجا نظام الدین نوشته شده و مخصوصاً خواند میر صدرزاده از بیست موقع امیر نظام الدین ولی بیک تعبیر کرده ولی چون امثال این القاب دولتی نیست از این جهت قادح آن استظهار و استنباط نخواهد بود»^{۱۵}

شیخ رشیدالدین محمد بیدوازی

عالم ربانی شیخ رشیدالدین محمد بیدوازی یکی از عرفا و شعرای قرن هشتم و نهم هجری قمری بود. که در تقوا و علم و ادب نه تنها در منطقه شیروان بلکه در اسفراین و بجنورد

نیزی همتا بود، او دیوانی ارزشمند به نام «رشیدالدین» دارد که این دیوان خطی است و در کتابخانه مرکزی دانشگاه نگهداری می شود، مقبره این عارف عالیمقام در روستای بیدواز^{۱۶} (۳۴ کیلومتری جنوب غربی شیروان) واقع است که گنبدی بلند دارد که کلاً از سنگ و گچ و گل ساخته شده است، بنا در قسمت داخل ۸ وجهی و دیوارهای داخلی آن بطرز زیبایی گچبری شده است و سه در ورودی چوبی دارد که در اصلی آن به علت ظرافت و دقت در کنده کاری در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می شود و به جای آن در چوبی معمولی گذاشته اند و دو در دیگر که از آثار بسیار گرانبهاست در حال فرسودگی است، در قسمت داخل در در دیف با خط ثلث بسیار زیبا شجره شیخ به صورت گچبری نوشته شده است که جد این عارف بزرگ در نهایت به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می رسد، بر روی قبر او صندوقی چوبی که بطرز بسیار ظریف کنده کاری و منبت کاری شده، قرار گرفته است بر حاشیه بالایی آن اسماء حسنه با ظرافت و دقت زیادی توسط استاد محمد بن نظام کنده کاری شده است. سنه ۸۸۱ قمری. بر روی صندوق محلّ دو لوح دیده می شود که طبق اظهار عالم محلّ، دعایی بر روی آنها منقوش بوده که در سالهای گذشته ربوند^{۱۷}. (عکس شماره ۲۳)

میردرویش حسن زیارتی

او از سادات معروف روستای زیارت شیروان و از اعقاب میرزا عبدالمقدم بن میرزا جمال الدین بن شیخ نجم الدین کبری علوی حسینی بود. او از اولین خدام و متولیان امامزاده حمزه رضا علیه السلام بود که در وقفنامه امام به تاریخ شهر ذیقعد الحرام سنه ۱۰۴۵ هجری قمری ذکر شده است، تاریخ فوت میردرویش مشخص نیست اما جنازه این سید بزرگوار را در مقبره تیموری شیروان دفن نمودند. «میردرویش حسن زیارتی که اولاد مذکور متولی و خدمه و مجاور سرکار سلطان حمزه رضا (ع) می رسد ... جدّ در جدّ متولی بوده اند (نقل از وقفنامه امام).

۱۶ - روستای بیدواز در حال حاضر از توابع شهرستان اسفراین است.

۱۷ - نگارنده در معیت آقای عزیزالله عطاردی یکی از دانشمندان و محققان اسلام شناس از مقبره شیخ رشیدالدین

دیدار و از اطلاعات عمیق ایشان بهره مند شدم.



صندوق چوبی کنده کاری شده مقبره شیخ رشیدالدین محمد بیدوازی عکس شماره ۲۳

شاعران

۱- مجنون،

مرحوم رضا علی محبوب متخلص به «مجنون» فرزند حاج غلامحسن یکی از شعرای بدیهه سرای شیروان بود که اشعارش از معروفیت خاصی در منطقه خراسان برخوردار است. مجنون با این که سواد کاملی نداشته در سرودن اشعار فارسی، ترکی و حتی عربی بسیار مسلط بوده، اشعار رضا علی مجنون در کتابی به دستخط خود به نام «کلیات عشق» در ۳۸۰ صفحه جمع آوری کرده که هنوز به چاپ نرسیده است. وی در سرودن اشعار بسیار نکته سنج و واقع بین بوده زیرا علاوه بر اهل شعر و ادب که سروده های مجنون را تأیید می کنند افراد عادی نیز از شنیدن اشعار نغز این شاعر لذت می برند. کلیات عشق با توجه به تاریخی که با حروف ابجد در ابتدای کتاب توسط خود شاعر نوشته شده در سال ۱۳۱۵/ش

شروع و با فوت شاعر در سال ۱۳۲۴/ش ناتمام مانده است اینک نمونه‌هایی از اشعار او را در این جا می‌آوریم.

حسین سرور شهیدان نمونه‌ای به زبان فارسی

آن که آمد جان نثار کوی عشق	آن که شد خورش روان در جوی عشق
آن که جام عشق را بر سر کشید	آن که اندر عشق‌بازی شد شهید
آن که از احباب و یاور در گذشت	آن که از عباس و اکبر در گذشت
آن که جان بسپرده در راه خدا	تشنه لب اندر زمین نینوا
زاده زهرا امام خافقین	بی مُعین و بی مدد یعنی حسین
جان و سرداد از قفا در عشق دوست	داد خواهان را شفاعت خواه اوست
در دیار عشق شد ثابت قدم	صبر و تاب آورد بر جور و ستم
هر بلا گردید نازل تاب کرد	شد صبور و اشک چشم خوباب کرد
قلب مجنون شد ز نار غم کباب	ناله آرد نی صفت بی صبر و تاب

نفس آقاره نمونه‌ای به زبان ترکی

جذبۀ عشق منی جانب جانانه چکر	عقل لَن عشق منی هر بیری پیر یانه چکر
عقل ایستر که منی منع ایده بوایشده ولی	دلده عشقون اثری آتش سوزانه چکر
او جالوب آتش عشقیم نمی پیر درده سالوب	هر زمان آهو کمی کوه و بیابانه چکر
عقل سویی لر منه باش آگ سته تعلیم قیلوم	عشق بی تاب ایلو بدور منی میدانه چکر
پنداید عقل منه گوش ایله سن گل سوزیمه	که سنی مصلحتیم گلش رضوانه چکر
عشق چون دیک گلور جوشه گدر صبر و قرار	برق تک بیزلری بیر لعل بدخشانه چکر
نفس عمّاره ایدر وسوسه شیطان کیمی	ایتمگه حبس منی محبس زندانه چکر...

نمونه‌ای از اشعار عربی مجنون

در این فنا شده آنان که غافلند از یار

لَقَدْ عَذَابٌ سَعِيراً جَهَنَّمَ مَثْوًاهُمْ

وَيَوْمَ يَغْرُضُ مَسْطُورُ نَامَةِ أَعْمَالِ
 شونند خلق سحر رَبِّ نَجْنِي گویان
 فَطَالَ يَوْمُئِذٍ هَبْذَا وَتَقَوُّا هَمَّ
 وَنَحْنُ ذَالِكُ فَآغْفِرْ لَنَا أَنْتُمْ مِنْهُمْ
 شونند داد رسی بر تو در سحر عَنْهُمْ
 بس است زمزمه مجنون سکوت لا تنهر

۲ - قدرت الله شریفی

در شهریورماه ۱۳۱۴ شمسی در قصبه ترک از توابع شهرستان میانه آذربایجان متولد و از سن یک سالگی در شیروان ساکن و در این شهر به زندگی خود ادامه می دهد. او تحصیلات ابتدایی خود را در شیروان به اتمام رساند و در دوران دبیرستان طبق اظهار خودش به عللی که شرحش طولانی است تحصیلاتش را نیمه کاره رها کرده و به شغل آزاد روی آورده است. او در طراحی و نقاشی نیز دستی دارد.

اشعار قدرت الله شریفی در اکثر مجموعه های شعر شاعران ایران و جنگها به دفعات به چاپ رسیده است که از آن جمله می توان به «شکوفه ها و طلوع»، «باران رحمت»، «راهیان شعر نو»، «چهارده تن شعرای مذهبی خراسان» نام برد. نمونه ای از اشعار این شاعر معاصر را در این جا می آوریم

انتظار

شب است و روشنی صبح انتظار کجاست؟
 از این درنگ شب جاودانه وار دریغ
 بسیط باغ چوپامال شد ز پای خزان
 گره بکار و غم در دل است و بغض گلو
 زمانه ایست سراسر فریب و فتنه و بیم
 چه عصر غمزه ای و چه روزگار غریب
 فتاده ایم به موج بلا چو زورق خرد
 من آن پرنده زخمی در قفس محبوس
 سحر کجا و سپیده کجا و یار کجاست؟
 سپیده ای که زند سر بر این حصار کجاست
 هوای تازه کجا؟ مژده بهار کجاست
 گره گشا سرانگشت روزگار کجاست
 در این محاصره آن گرد تکسوار کجاست
 به انبساط دل آن یار غمگسار کجاست
 در این کشاکش امواج غم، کنار کجاست
 که ناله سردهد، ای وای... کوهسار کجاست

۳- محمد حسین ظهیریان (مُصلح)

او در سال ۱۳۰۶ شمسی در شیروان به دنیا آمده است و اشعاری ساده، روان و گیرا دارد که به سبب زیبایی آهنگ و فصاحت بیان شهرت دارد و اشعارش در اکثر مجلات ادبی بارها چاپ شده اما دیوان شعر مُصلح هنوز به چاپ نرسیده است. او کارگر باز نشسته کارخانه قند شیروان است. نمونه ای از اشعار این شاعر را می خوانید.

همایون طلعت

زمین از نوبهاران نیک منظر میشود کم کم
درختان را حریر گل سراپا جامه برتن شد
زآب برف و باران جویها جاریست در هرسو
زمرغان خوش الحان بافت گوشم مژده ای کامشب
چو خورشید جمالش سرزدارند نیمه شعبان
همایون طلعتی، زیبا رُخی، فرخنده مولودی
بشمعی کز عدم خواهد به بزم بیدلان آید
جمال گیتی آرایش سراز دامان نرجس زد
فروزان گوهری سراز صدف آورده چون بیرون
تو گوئی زاده اسمعیل دیگر، هاجر گیتی
بدریائی که طوفانش هزاران موج پرورده ست
شتابان سوز ظلمت میرود در کام نابودی
رخ معشوق چون شد جلوه گر از نای مشتاقان
زداورها بسی ناداوری ها دیده دانستم
بساط جور، مُصلح، میشود بر چیده از عالم
مصفا گلشن از سرو و صنوبر میشود کم کم
آلاله ز افسر گل تاج بر سر میشود کم کم
به تشبیه، آب درجو شیرو شکر میشود کم کم
گلی ظاهر بگلزار مطهر میشود کم کم
جهان از نور رخسارش متور میشود کم کم
ز پشت پرده پیدا همچو اختر میشود کم کم
قدومش را بسی پروانه بی پرمی شود کم کم
نمایان حسن یزدانی زخاورد میشود کم کم
فضای کون و امکان پر زریور میشود کم کم
منا و زمزم از بویش معطر میشود کم کم
به کشتی حیات آن نوح لنگر میشود کم کم
همای قریزدان سایه گستر میشود کم کم
نوای عشق در عالم فزون تر میشود کم کم
که فاش این داوری ها نزد داورد میشود کم کم
که خوان عدل گسترده به هر دمی شود کم کم

خوشنویسان

۱ - محمد باقر خوشنویس

مرحوم محمد باقر فرزند ملا نعمت الله یکی از خوشنویسان دوره قاجاریه بود که در روستای زوارم شیروان تولد یافت و تحصیلات خود را از مکتبخانه شروع کرد و سپس وارد حوزه علمیه مشهد گردید. با این که سال فوت این خوشنویس دقیقاً معلوم نیست. اما کتاب سیوطی را در سال ۱۲۳۰ قمری با خطی بسیار زیبا به اتمام رسانیده است.^{۱۹} صفحات این کتاب خطی به مهر شخصیت‌های دینی زمان وی ممهور است. از دیگر مراحل زندگی این روحانی خوشنویس اطلاع درستی در دست نیست ولی عده‌ای از مطلعین معتقدند او در یکی از جنگ‌های رضاقلی خان حاکم شیروان با قوای فتحعلیشاه کشته شده است.^{۲۰}

۲ - ملا محمود زوارمی

یکی از خوشنویسان ممتاز شیروان بود که در سال ۱۳۰۷ قمری یک جلد قرآن مجید را با خطی بسیار زیبا و خوانا به اتمام رسانید. این قرآن منحصربه‌فرد در حال حاضر در داخل ضریح چوبی معصومزاده قاسم الحسینی روستای بزآباد (مختومی) نگهداری می‌شود.^{۳۱}

۳ - شاهرخ خان

یکی دیگر از خوشنویسان شیروان بود که بعد از آلیارخان مین‌باشی مدتی حکومت شیروان را نیز به عهده داشت. محمد جابانی می‌نویسد: «نسخه‌ای خطی شامل ۷ برگ در

۱۹ - در آخرین صفحه کتاب دستخط سیوطی که دارای جلد چرمی است. محمد باقر می‌نویسد:

غریق رحمت ایژد کسی باد که کاتب را به الحمدی کند یاد
هرکه خواند دعا طمع دارم زآنکه من بنده گنه‌کارم

سنه ۱۱۳۰ قمری، الطلبة محمد باقر ولد ملا نعمت الله زوارمی شیروان.

۲۰ - نمونه‌ای از خط محمد باقر خوشنویس در صفحه بعد درج شده است.

۲۱ - صفحه اول و قسمتی از کناره‌های این اثر پرارزش به علت عدم توجه از بین رفته است.

۱۶ صفحه از اشعار نوائی شاعر معروف ترک زبان و مطالبی دیگر را در کاغذ پسته ای رنگ قدیمی که چون صفحات شماره ندارد معلوم نیست کلاً چند صفحه بوده است بخط شکسته ملا محمود خوشنویس و شاهرخ که در ۱۳۰۹ قمری تحریر یافته است^{۲۲}.

۴ - مرحوم حاج شیخ ابراهیم واعظی^{۲۳}

خوشنویس معاصر که نسخ خطی آیات قرآنی و قباله های او در اکثر منازل توسط علاقه مندان به قاب گرفته شده است.

۵ - قربانعلی رحیمی فرزند عبدالعلی

از خوشنویسان معاصر شیروان است که فارغ التحصیل مرکز تربیت دبیر هنرمی باشد و اکنون علاوه بر شغل دبیری در آموزش و پرورش شیروان مسئول انجمن خوشنویسان^{۲۴} این شهرستان نیز هست.

۶ - مرتضی بقالان فرزند حاج غلامرضا

یکی دیگر از خوشنویسان شیروان است که در سال ۱۳۶۱ شمسی دوره عالی خط را از مرکز انجمن خوشنویسان ایران اخذ نموده و در حال حاضر ضمن تدریس و آموزش خط در دبیرستانها، تابلونویسی نیز می کند.

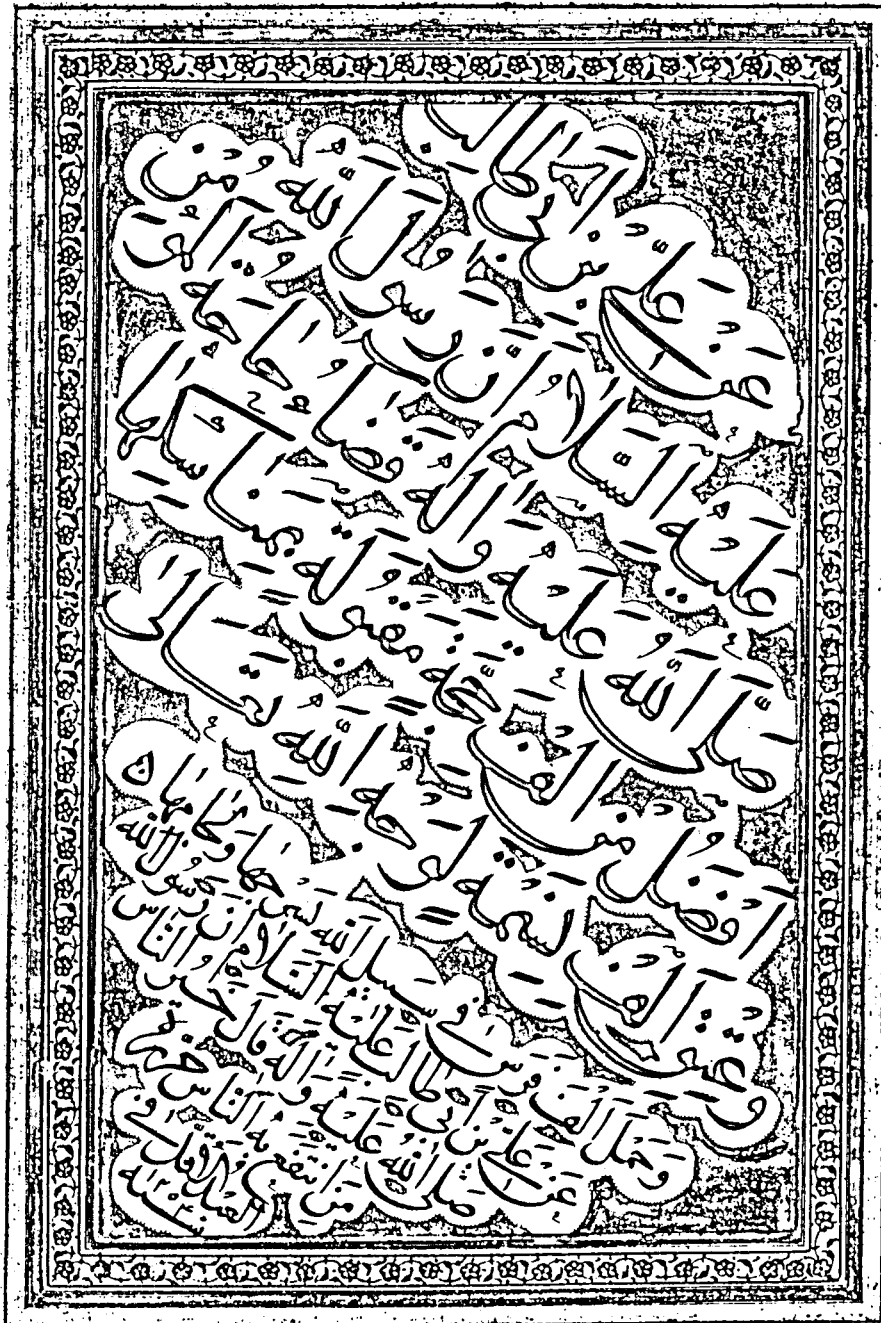
۷ - مجتبی بقالان فرزند حاج غلامرضا

متولد ۱۳۴۳ شمسی دیگر خوشنویس شهرمان است که در سال ۱۳۶۴/ش دوره عالی خط را از مرکز انجمن خوشنویسان ایران اخذ نموده است. دیگر خوشنویسان شیروان عبارتند از: حبیب قربانزاده، غلامرضا قویدل، عوض محمد محمد نژاد.

۲۲ - محمد جابانی، سرزمین و مردم قوچان، ص ۱۵۷.

۲۳ - به بخش علما و روحانیون مراجعه فرمایید.

۲۴ - انجمن خوشنویسان شیروان دارای ۷۲ نفر هنرآموز است. سال ۱۳۶۷/ش



نَوَالَيْنِ مَا نَا اِفْتِخَالِ اَيْدِلَا

وَشَرَفِي نِي اَلْمَرْغُو السَّكَا
قَامِرُ اَوْ مَضَارِعُ مِنْ كَوْعَد

طَلَعَا اِفْتِعَادَ اِثْرِ مَطْبِق

فِي اِدَانٍ وَاِمْرِدٍ وَاَذْكُرُ اِذَا بَقِي
اِحْدَقُ وَفِي كَعْدَةٍ ذَاكَ اَطْرَد

لَا تَقْطَعُ اَنْفَافِي اِيْمَانِي
وَقَدْ نَفِي اَشْرَدُ مِنْ وَرْدِ نَقْلِهِ
لَا تَقْطَعُ اَنْفَافِي اِيْمَانِي
وَقَدْ نَفِي اَشْرَدُ مِنْ وَرْدِ نَقْلِهِ
لَا تَقْطَعُ اَنْفَافِي اِيْمَانِي
وَقَدْ نَفِي اَشْرَدُ مِنْ وَرْدِ نَقْلِهِ

وَذَلَّكَ وَكَلَّ وَلَلْبَه
وَلَا كَجَسْبٍ وَلَا كَاخْصَصَةٍ

وَلَا كَهَيْلٍ وَفِي شَذَالٍ
وَفُحُودُ فَاكَ بِنَقْلٍ فَقِيلَ

وَمَا نَبِيْنِي اِنْ اَبْدَا قَدِ بَقِيْنِي
وَمَا نَبِيْنِي اِنْ اَبْدَا قَدِ بَقِيْنِي
وَمَا نَبِيْنِي اِنْ اَبْدَا قَدِ بَقِيْنِي
وَمَا نَبِيْنِي اِنْ اَبْدَا قَدِ بَقِيْنِي

مُحَوَّلَتِ مَا حَالَتَهُ فَنِي
جَزْمٌ وَشِدَّةُ الْجَزْمِ تَحْيِيرٌ فَنِي
وَمَا يَجْمَعُهُ عَنِيَتْ قَدْ كَمِلَ

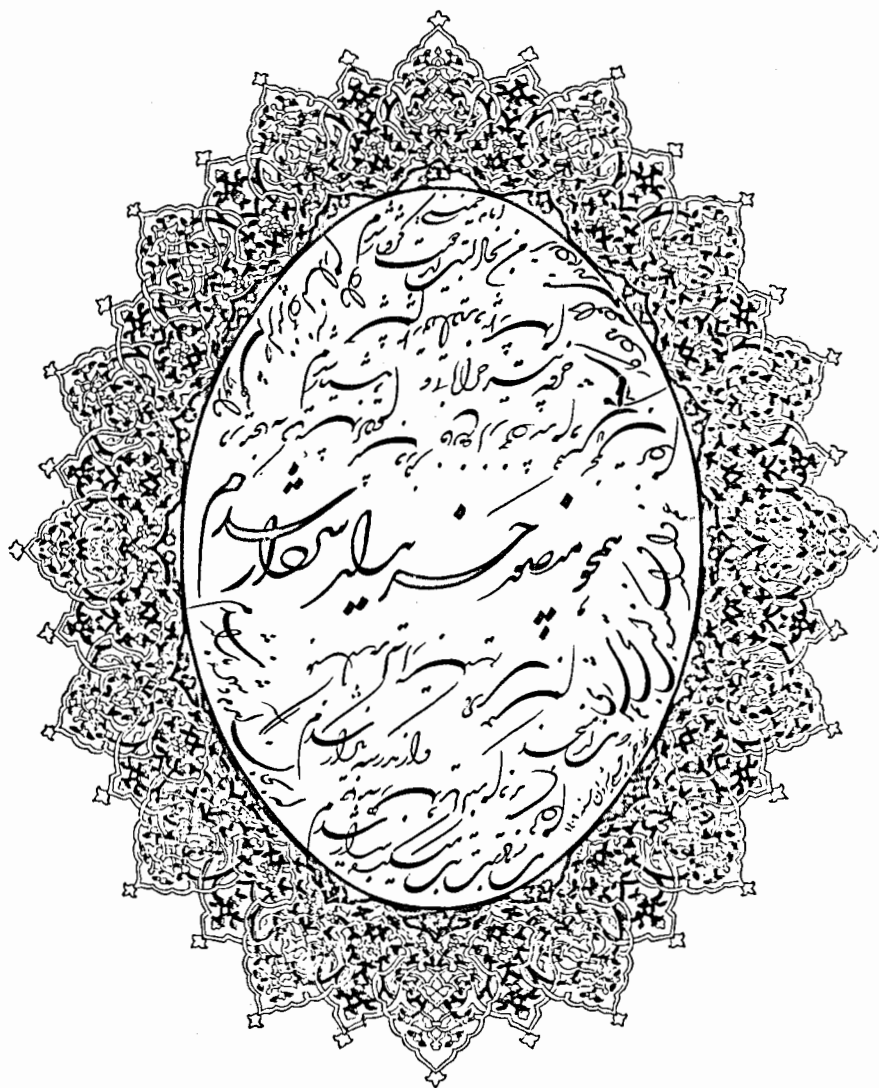
وَنَفَى اَفْعَلٌ فِي التَّحْيِي اَلْتَرَمِ
وَالْتَرَمِ اَلْاِدْعَامِ اَيْضًا فِي عِلْمِ
نَظْمًا عَلَى اَحْلِ اَلْمُهْمَاتِ اِشْتَمَلِ

البحر ١

فتوکی دستخط «محمد باقر ولد ملا نعمت الله» که کتاب سیوطی را کلاً دستخط کرده است در

سنه ۱۲۳۰ هجری قمری





نقاشان و طراحان

۱ - استاد ملا مقیم

او در سال ۱۲۹۰ قمری در شیروان درگذشته است، ۲۵ در زمان حیات یکی از نقاشان برجسته عصر خود محسوب می شد، استاد ملا مقیم دارای آثار و تابلوهای نقاشی متعددی بود که اغلب توسط علاقه مندان به هنر خریداری و از شیروان خارج گردیده است و تنها اثر مهم او یک قطعه تابلو بسیار نفیس آبرنگ در ابعاد ۵۰×۸۰ سانتی متر است که در موزه ایران باستان نگهداری می شود (صحنه ای از یک باغ انگوری). در حاشیه تابلو نوشته شده: اثر ملا مقیم نقاش معروف بلوک شیروان ایالت خراسان سنه ۱۲۸۵ هجری قمری.

۲ - مهندس حسینقلی هویدائی

اهل زوارم شیروان یکی دیگر از هنرمندان نقاش شهرمان است که بر سیاه قلم کاملاً مسلط است.

هنرمندان

آهنگسازان

- ۱ - دکتر رضا فرزانه کاکلی معروف به دکتر شاهرضا یکی از استادان و آهنگسازان معروف در رشته «دوتار» می باشد که تا به حال آهنگهای اصیل بسیاری را تنظیم کرده است که از آن جمله میتوان به آهنگ «یاندنم داغ لر» و «بنال دوتار» اشاره کرد.
- ۲ - استاد رحیم خان بخشی هنامه ای، او استاد مسلم دوتار بود که آهنگهای منحصر بفرد این هنرمند گرد شیروانی هنوز هم گهگاه از رادیوهای همسایه شمالی پخش می شود

۲۵ - بر روی سنگ قبر او این متن نوشته شده است: هذا مرقد مرحوم مغفور استاد ملا مقیم فرزند آلهیار... (خوانا نیست) سنه ۱۲۹۰ هجری قمری. طبق اظهار معمرین محلی قبر استاد در صحن حیاط دبیرستان شریعتی فعلی بوده اما سنگ قبر در گوشه ای از گورستان قدیمی شیروان قرار دارد.

معروفترین آهنگ رحیم خان «نخوشه بیمار» بود که در مرگ تنها پسرش تنظیم و نواخته بود. از دیگر نوازندگان آماتور دوتار می توان به علی شاهسون، حسین سلامتی، حسین بابازاده اشاره نمود.

بازیگران تأثر و فیلمسازان

در رشته تأثر از مرحوم محمود رضا- زارعی استاد، نمایشنامه نویس و کارگردان میتوان نام برد و در بخش فیلمسازی از محسن- میلانی فیلمساز آماتور شیروان، و از دیگر هنرمندان تأثر و سینما می توان به اسامی بازیگران هنرمند زیر اشاره کرد: خواهران: نیرومند، خرسندی، برادران: سید قاسم سیدی، علیرضا خانی پور، محمد قاسم زاده، پرویز رفیعی، حسین سعیدی، رضا عبد محمد زاده، رجب سپاهی، حسین حسین زاده، برات فرهمند، سیدخلیل موسوی، رضا یوسفی، محمد غلامزاده، برات ولی نژاد و حسن غلامزاده. علی اکبر- نطق. نوازنده و سازنده سنتور. او اکنون دارای کلاس آموزش سنتور در مشهد می باشد.

پهلوانی و ورزش

در شیروان شما کمتر کسی را سراغ خواهید داشت که با کشتی با چوخه و ورزشهای باستانی بیگانه باشد، زیرا این ورزشهای پهلوانی یکی از سنن دیرین مردم شیروان است که هنوز هم چون گذشته جایگاه ویژه ای در بین مردم دارد.

این ورزشهای اصیل برعکس سایر رشته های ورزشی که فقط یک بُعدی هستند، از دو بُعد برخوردارند. یک بُعد آن همان ورزش است مانند کشتی گرفتن، شنورفتن، میل گرفتن، چرخیدن، کباد زدن و سنگ گرفتن، اما وجه تمایز این ورزشهای پهلوانی از سایر رشته های ورزشی بُعد معنوی آن است که ارزشها را جلوه گرمی سازد. در سایر رشته های ورزشی معمولاً هدف از ورزش کردن قهرمان شدن است، اما ورزش زورخانه ای و کشتی باچوخه وسیله ای است برای هدف و جایگاهی برای پرورش صفات عالیّه انسانی و کمالات معنوی و فضایل اخلاقی، چون بر کشتی باچوخه و ورزش زورخانه: ادب، انضباط و نزاکت

اجتماعی حاکم است. پهلوان کشتی باچوخه و ورزشکار باستانی، خداپرست و بااخلاص و خدا ترس است. ایشار و مروت دارد، چشم پاک است، انصاف دارد و قلبش پاک است. عده ای معتقدند که واژه پهلوان یعنی شخصی که در کشتی کلیه حریفان خود را شکست داده و صاحب بازوبند شود در صورتی که چنین نیست چون پوریای ولی که او را افتخار ورزش ایران می دانیم به خاطر زمین خوردن از حریف خود پهلوان و پوریای ولی شده به دلیل پیروزیهایش. پهلوان کشتی باچوخه باید دارای صفات زیر باشد:

- ۱ - خدا ترس ۲ - تابع شرع ۳ - قوی تن ۴ - خوش زبان ۵ - دلاور ۶ - کامل خرد ۷ - صبور ۸ - علمی به کمال ۹ - جهد دائم ۱۰ - خلقی پسندیده ۱۱ - مستور از حرام ۱۲ - نعمتی بر دوام

معمولاً اگر توجه کنید گودهای زورخانه گاهی ۶ ضلعی و گاه ۸ ضلعی بنا می گردد و علت آنهم این است که ۶ ضلع به نشانه شش گوشه قبر سرور شهیدان بوده و گود نیز یادآور گودال قتلگاه آن بزرگوار است و در مورد گودهای ۸ ضلعی عقیده بر این است که یک ضلع آن در گود و هفت ضلع دیگر آن به نشانه هفت شهر عشق عطار است که عبارتند از: مقام توحید. طلب. عشق. معرفت. استغناء. حیرت. فنا. و در زورخانه را نیز کوتاه می سازند تا هر ورزشکار و پهلوان هنگام ورود به محل گود زورخانه خمیده از آن عبور کند و اولین درس افتادگی و فروتنی را بیاموزد و به بازوان ستبر و نیروی خود مغرور نشود.

گود زورخانه در شیروان

اولین گود زورخانه شیروان حدود ۷۰ سال قبل در خیابان بیژن (کوچه خانلق)، در محل نانوائی حاجی پور رضا (جنب سرای حاج ساعد) به همت عده ای از مردم ورزش دوست شیروان احداث شد که از معروفترین پیشکسوتان آن زمان می توان به مرحومان حجتی، فاضل، موسی^۱ میلانی نژاد، حاج علی اکبر ابراهیم پور، حاج محمد علی نوریان اشاره کرد که مرحوم فاضل و حجتی در قسمت چرخ و شنو و مرحوم حاج محمد علی نوریان در کشتی پهلوانی تبحر بیشتری داشتند.

دومین گود زورخانه شیروان در جنب اداره آمار در حاشیه خیابان سعدی تأسیس شد که پیشکسوتان معروف آن عبارت بودند از: موسی^۱ رحیمی، غلامرضا نیکنام، ابوطالب ضیائی، حاج علی اصغر معدنی و غلامرضا رضائی.



جمعی از پیشکسوتان ورزشهای باستانی گود زورخانه شیروان باتفاق پهلوان وفادار و پهلوان شورورزی پهلوانان صاحب زنگ عکس شماره ۲۴

سومین گود زورخانه در سال ۱۳۳۵/ش در روبروی حسینیه شیروان در قسمتی از منزل حاج محمود کاظمی احداث شد که افراد زیادی در این گود^{۲۶} به ورزش باستانی مشغول بودند که از پیشکسوتان معروف آن می توان به: حاج محمد ابراهیم ابراهیم پور، میرزا محمد وطنپرست، حاج محمود کاظمی و محمد علی ناظمی اشاره کرد. چهارمین گود زورخانه شیروان که در حال حاضر دایر است در سال ۱۳۶۰ شمسی در داخل سالن کشتی اداره تربیت بدنی واقع در خیابان امام رضا(ع) احداث شده که بطور منظم به کار خود ادامه می دهد و پیشکسوت آن میرزا محمد وطنپرست است. پهلوانان این گود زورخانه در سالهای ۶۶ و ۶۷ در مسابقات کشتی پهلوانی در رشته بزرگسالان به مقام نیابت پهلوانی استان خراسان و در رشته جوانان به مقام پهلوانی خراسان رسیده اند و پهلوان معروف محمد تقی

۲۶- این گود به علت تفریض کوچه حسینیه و احداث خیابان که در مسیر آن واقع بود تخریب شد.

فیاض دو سال پیایی مقام نیابت پهلوانی ایران را کسب کرده است،^{۲۷} ضمناً شهرداری شیروان مقدمات تأسیس گود زورخانه مجهزی را فراهم نموده است که بزودی شیروان و علاقه‌مندان به ورزشهای باستانی صاحب گود زورخانه دیگری خواهند بود. در خاتمه به منظور قدرشناسی از زحمت کشان این رشته ورزشی اسامی هیأت ورزشهای باستانی و کشتی پهلوانی شیروان ذکر می‌شود: محمد وطنپرست، محمد امین بدری، محمد محمدیان، حسین اشراقی، رمضانعلی نکوئی، علی حمیدی که غالباً از پیشکسوتان ورزش می‌باشند. هادی عبادتی و علی خوش اندام نیز به عنوان مُرشد در گود زورخانه ضرب می‌گیرند.

کشتی باچوخه در شیروان

این ورزش پهلوانی یکی از سنتهای دیرین مردم شیروان است. که قدمت آن می‌تواند به درازای تاریخ باشد و با یکی از سنن دینی زرتشتیان ارتباط پیدا می‌کند «کستی که زرتشتیان آن را «بنددین» نیز می‌نامیدند کمربندی است با هفتاد و دو نخ از پشم گوسفند که به دست زن موبدی بافته می‌شود، کستی که بعدها باشین گفته شده و به شکل کشتی در آمده است، کمر بند کشتی گیران را نیز می‌گفته‌اند و پهلوانان به هنگام زورآزمایی در آن می‌آویخته‌اند»^{۲۸}.

البته نه به آن دلیل که نام کشتی از آن گرفته شده است بلکه در دیگر مراسم کشتی باچوخه نیز وجوه مشترک زیادی در این رابطه دیده می‌شود. علاقه مردم شیروان به کشتی باچوخه را می‌توان در زندگی قرون گذشته آنها نیز مورد بررسی قرار داد. زیرا در ادوار گذشته شغل اکثر مردم دامداری و کشاورزی بود و بیشتر عشایر و ایلات را دامداران تشکیل می‌دادند و اصولاً حکومت‌های ملوک الطوائفی متکی بر قدرت ایلات و عشایر بود، ایلات و عشایر برای چرای دام، طبق معمول ییلاق و قشلاق داشتند و زمانی که به مراتع می‌رسیدند، اوقات فراغت خودشان را با اسب سواری، کشتی باچوخه، تیراندازی و شکار سپری

۲۷ - از دیگر پهلوانان این رشته می‌توان به اسامی: اکبر کریمزاده، محسن پسندیده، رضا شکبیا، حسن شبیری، نیکام و عیسی هنرپیشه اشاره نمود.

۴ - قدیمی‌ترین مُرشد گود زورخانه شیروان صفدر عمو نام داشته است.

۲۸ - حبیب‌الله بلور (رئیس فدراسیون و مربی سابق تیم ملی کشتی ایران) فن و بند کشتی.



بهلوان قاسمی در لباس کشتی باچوخه عکس شماره ۲۵

می‌کردند و بطور کلی بقای هر ایل یا عشیره در گذشته نه چنان دور به قدرت جوانان ایلات و عشایر متکی بود، لذا کشتی باچوخه با رگ و خون مردم این ناحیه- که یکی از عمده‌ترین مناطق عشایری و ایلاتی خراسان است- عجین شده است. بهترین تفریح سالم برای هر فرد شهری و روستایی در شیروان مشاهده مسابقات کشتی باچوخه است،^{۲۹} در جشنها و اعیاد

۲۹- جمعیت حاضر در میدانهای مسابقات کشتی باچوخه در شیروان نشان دهنده علاقه مندی مردم به این ورزش سنتی است.



پهلوان محمدتقی فیاض نایب پهلوان ایران در حال کندن حریف عکس شماره ۲۶

ملّی و مذهبی مانند: عید نوروز، عید فطر و عروسیها یکی از مراسم اصلی و مهم جشن برگزاری کشتی باچوخه است. در شیروان، روستایی نیست که پهلوانی در کشتی باچوخه نداشته باشد. نگارنده با توجه به تجربیات گذشته معتقد است اگر انجمن یا هیأتی کارکشته و فعال، متشکل از پیشکسوتان و پهلوانان سابق کشتی باچوخه این ورزش اصیل و سنتی را با همان آداب و رسوم گذشته آن در سطح شمال خراسان زیرپوشش قرار دهند، می توان علاوه بر تأمین کشتی گیران سنگین وزن، در دیگر اوزان نیز کشتی گیرانی در سطح ملّی و

جهانی تربیت کرد.

لباس کشتی‌گیران باچوخه عبارت است از: ۱- چوخه. نیم‌تنه‌ای است بدون آستر و یقه، ربع آستین و جلو باز که قد آن تا زیر باسن می‌رسد و شبیه سدره زرتشتیان دور یقه و سرآستینها را نوار محکمی قرار داده و چرخ می‌کنند تا هنگام مبارزه مقاوم باشد و دو دامن چوخه از پهلوها و قسمت پشت چوخه را از پایین به زیر کمر بند می‌برند (جنس چوخه از پشم گوسفند است) ۲- کمر بند. بر روی چوخه کمر بندی بسته می‌شود که جنس آن نیز از پشم است^{۳۰} ۳- تنبان. به شلوار کشتی‌گیران گفته می‌شود که از جنس کرباس مشکی رنگ استفاده می‌شود و هنگام کشتی پاچه آن تا بالای زانو لوله می‌شود تا به صورت دستگیر برای حریف درآید ۴- بند تنبان. نوازی است محکم از جنس پنبه و بسیار مقاوم که تنبان بوسیله آن به کمر کشتی‌گیر محکم می‌شود ۵- عرق گیر. که از زیر چوخه پوشیده می‌شود.

داوری، افت، زمان و فنون کشتی باچوخه

در سابق قضاوت کشتی باچوخه به عهده پیشکسوتان، خوانین و رؤسای ایلات بود و دولاور چوخه کار می‌بایستی در یک مبارزه سه نوبت با هم کشتی می‌گرفتند و در صورتی که کشتی‌گیری دوبار حریف را می‌انداخت، برنده بود و افت نیز زمانی اتفاق می‌افتد که با اجرای فنی قسمتی از بدن کشتی‌گیر بجز دو کف دست با زمین تماس پیدا می‌کرد. و چون زمانی در نظر گرفته نمی‌شد، لذا کشتی‌گیران می‌دانستند در صورتی که بار اول زمین بخورند در بار دوم احتمال جبران وجود دارد و براساس همین قاعده کشتی‌گیران بدون ترس و دلاورانه فنون اصیل این کشتی را بر روی حریف به کار می‌بردند و کشتیها از گیرایی خاصی برخوردار بود، اما در حال حاضر کشتی باچوخه فقط یکبار انجام می‌گیرد و افت کشتی هم زمانی است که پشت کشتی‌گیر با زمین زاویه کمتر از قائمه (۹۰ درجه) داشته یا به اصطلاح سایه بیندازد. زمان کشتی هم فعلاً ده دقیقه است که در صورت مساوی بودن ده دقیقه دیگر به زمان کشتی اضافه می‌شود.

فنون معروف کشتی باچوخه که در شیروان رایج و مجاز است عبارتند از: ۱- یانباش (نوعی لنگ) ۲- لنگ کمر ۳- لنگ سرکش ۴- لنگ دودست یکدست از وسط پا

۳۰- در مسابقات رسمی از پارچه‌ای به رنگ آبی و قرمز به عرض ۲۰ سانتی متر و طول ۲ متر استفاده می‌شود تا در هنگام امتیاز گرفتن داوران و پیشکسوتان دچار اشتباه نشوند.



از راست: پهلوان امیر منوری، پهلوان محمدتقی محمودی (رزمغان)، پهلوان جمشید لطیف و پهلوان محمدعلی زاهد تنسوان سرپرست کشتی باجوخه شیروان سال ۱۳۴۳/ش عکس شماره ۲۷

۵ - لنگ پیشرو ۶ - لنگ آرنج ۷ - لنگ مغربی ۸ - قل پیچ (دودست حریف توسط یکدست قفل می شود و سپس اجرای لنگ می گردد) ۹ - پس لنگ از داخل میچ پا ۱۰ - پس لنگ از طرفین میچ پا ۱۱ - انواع کندن ها (یک پا - دو پا و...) ۱۲ - گاوتاب ۱۳ - پلنگ شکن ۱۴ - چنارانداز ۱۵ - انواع پیچیدن ها (پای کشتی گیر به پای حریف پیچیده می شود و سپس با بلند کردن همان پا از جلوی عقب باعث افت می شود) ۱۶ - انواع تابیدن ها و...

کشتی گیران باجوخه حق استفاده از زانوبه پایین حریف را ندارند و در خاک نیز هیچ فتی اجرا نمی شود مگر آن که مبنای آن فن از سر پا باشد. کشتی گیران نسبت به مولا علی (ع) عشق و ارادت خاصی دارند و به سادات احترام ویژه ای قائلند و قبل از آغاز کشتی

وضومی گیرند و سعی می‌کنند از طرفی وارد میدان شوند که مقابل قبله باشند.^{۳۱}

شیروان بنیانگذار مسابقات رسمی کشتی باچوخه

برای اولین بار در سال ۱۳۴۱/ش در ایران کشتی باچوخه با فعالیت منوچهر لطیف استاد و مفسر کشتی و قهرمان سابق کشتی کشور- در زمانی که مرحوم استاد بلور مربی تیم ملی کشتی ایران بود، یکدوره مسابقات کشتی باچوخه در محل فعلی شهرداری که در آن زمان زمین بایری بود برگزار شد که در همین جلسه پیشکسوتان ورزش کشتی ایران مسئولان هیأت کشتی خراسان تصمیم گرفتند که این مسابقات سنتی همه ساله در روز عید فطر در یکی از شهرستانهای شمال خراسان برگزار گردد، که این تصمیم رسماً به تصویب رسید و پس از برگزاری چند دوره مسابقات، ابعاد وسیعتری پیدا کرد بطوری که مسابقات نهایی آن در جشنواره فرهنگی، هنری طوس انجام می‌گرفت و جوایزی مانند: اسب سفید، گاو، گوسفند به نفرات برتر اهدا می‌گردید که همین برنامه ریزی باعث شد پهلوانان کشتی باچوخه خطه خراسان بتوانند به تیمهای کشتی آزاد ایران راه یافته و افتخاراتی کسب نمایند. پهلوانان معروف کشتی باچوخه شیروان که در سطح کشور مطرح بودند:

۱ - مرحوم پهلوان حاج علی اصغر- خدمتگزار: این پهلوان نامی ایران که همزمان با پهلوانان معروفی چون سخدری ها، میرقوامی ها و کورپس ها و دیگر نام آوران کشتی پهلوانی ایران می زیسته است اهل روستای ورگ شیروان بود که به مولای متقیان علی (ع) عشق می ورزید او در مسابقات نهایی کشتی پهلوانی ایران در سال ۱۳۲۲ شمسی در امجدیه تهران با پهلوان میرقوامی (پهلوان پایتخت) کشتی جانانه ای می گیرد که پس از ساعتها تلاش، بعلت عدم نتیجه، کشتی توسط پیشکسوتان قطع و هر دو پهلوان را اصطلاحاً «همزور» معرفی می نمایند و ولیعهد (محمدرضا پهلوی) به هریک از پهلوانان گلدانی نقره ای هدیه می کند. (عکس شماره ۲۸)

۲ - پهلوان محمد علی- زاهد تنسوان قهرمان سنگین وزن کشتی ایران در سال ۱۳۲۸ شمسی

۳ - پهلوان عباسقلی آذری قهرمان وزن پنجم ایران و یکی از بنیانگذاران کشتی آزاد در



مرحوم بهلوان حاج علی اصغر خدمتگزار بهلوان معروف و پراوازه ایران سال ۱۳۲۵/ش
عکس شماره ۲۸



مرحوم استاد بلور سرمربی تیم کشتی ایران، پهلوان احمد وفادار، محمد خادم رئیس فدراسیون کشتی کشور، باتفاق پهلوانان کشتی باچوخه خراسان. شیروان عکس شماره ۲۹



تیم کشتی بر قدرت شیروان قهرمان چندین ساله خراسان
از راست. حسین داودی، حاج محمد رضا پوررضا، رضا همتی، علیرضا معینیان، خداوردی
حاتمی، رمضانعلی توسلی، مرحوم اکبر اختری، عباسقلی آذری، جمشید لطیف، محمد علی
زاهد. ایرج سعادتیار عکس شماره ۳۰

شیروان که او را به عنوان بهترین لنگ کار عصر خود می شناختند.

۴ - امیر منوری نایب قهرمان کشتی فرنگی ایران در وزن ۷۴ کیلوگرم

۵ - منوچهر لطیف قهرمان کشتی ایران ۶ - نصرت الله اوغازیان قهرمان کشتی خراسان

در آزاد و کشتی باچوخه ۷ - قدرت الله اوغازیان قهرمان کشتی ایران ۸ - پهلوان محمد تقی

فیاض نایب پهلوان کشتی پهلوانی ایران، قهرمان کشور، قهرمان کشتی با چوخه خراسان

۹ - احمد قاسمی پهلوان کشتی خراسان در رشته کشتی باچوخه و قهرمان جودوی ایران. دیگر

پهلوانان کشتی باچوخه عبارتند: باباپهلوان زیارتی، آخوند پهلوان الله آبادی، علی پهلوان

زیارتی، علی پهلوان زواری، پهلوان هادی جان زواری، کریم پهلوان زیارتی، عبدالحسین

پهلوان محمدزاده، قربان پهلوان جواهری، شاه حسین پهلوان حسین آبادی، حمزه پهلوان

باقری، علی پهلوان اوغازیان، میرزیارتی، رمضانعلی گلرخ، باباگفانی، محمد حسن

زارعی، علیرضا زمانی، خلیل اخباری، قنبر حسینی، ابراهیم محبوب، نصرت الله رستمی،

علی زیرک، سیدیحیی حسینی، منوچهر ایزدی، قدیر بیرژاد، توحید توحیدزاده

رمضان امانزاده

در رشته کشتی آزاد و فرنگی معروفترین کشتی گیران عبارتند از: حسین داودی،

خداوردی حق پناه، رضا ظریف، خداوردی حاتمی، یوسف حسن زاده، محمد رضا پوررضا،

رمضانعلی توسلی، رمضان شیرازی، اکبر اختری، منوچهر لطیف، جمشید لطیف، عباسقلی

آذری، محمد علی زاهد، قدرت الله و نصرت الله اوغازیان، علی مسگری، امیر بیگناه، امیر

توکلی، رحمتی، معینان، اکبر کریمزاده، پسندیده، هنر پیشه، شکبیا، آموزگار.

دیگر افتخارات ورزشی شیروان

والیبال: سال ۱۳۴۰/ش اولین تیم والیبال بطور رسمی در هفتمین دوره مسابقات

قهرمانی خراسان شرکت و به مقام سوم رسید. اعضای تیم: ۱ - عوضعلی ارجمند ۲ - مرحوم

محمود ابراهیم پور ۳ - حسین مظاهری ۴ - محمد اسماعیل مقیمی ۵ - ابراهیم توانا ۶ - علیرضا

معینان ۷ - حسن جلیلیان، مربی ایرج سعادتیار

سال ۱۳۴۷/ش مقام اول خراسان و مقام سوم کشور- بازیکنان: ابراهیم توانا،

عباسقلی نوریان، علی اکبر صداقتی، قدیر قنادان، علی اکبر ارجمند، مهدی واعظی،

هوشنگ رستگار، شهریار مقیمی، حسین اسماعیل زاده.

سال ۱۳۵۲/ش: مقام اول خانه‌های فرهنگ روستایی ایران، قهرمان استان خراسان: بازیکنان: علی اکبر صداقتی، شهریار مقیمی، مهدی واعظی، ذالفقار ذالفقاری، حسین اسماعیل زاده، هوشنگ رستگار، برات پروین، جمشید شایسته، حمید پوررضا، محمد ابراهیم اخباری، حسین راسخی. مربی: مقیمی

هندبال: سال ۱۳۴۹/ش قهرمان آموزشگاه‌های ایران بازیکنان معروف: عباسقلی نوریان، منوچهر قویدل، قنبر قنبری، جمشید شایسته، شهریار مقیمی، عباس علی زاده، علی مسگری، نظریان، دلاور، درگاهی.

دوومیدانی: سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹/ش قهرمان پرش ارتفاع (قنبر قنبری) قهرمان دوهای ۱۵۰۰ متر و ۳۰۰۰ متر استان خراسان (محمود محمودزاده)، دلاور قهرمان پرش ارتفاع.



اولین تیم والیبال شیروان که در سال ۱۳۴۰/ش به مقام سوم استان خراسان رسید. عکس



بر قدرت ترین تیم والیبال شهرستان شیروان قهرمان چندین ساله خراسان. عکس شماره ۳۲

بوکس: قهرمانان استان خراسان: علی بهجتی، محمد علی مجرب، مرحوم دریادل، نطاق.

تنیس روی میز: سال ۱۳۵۱ (قهرمان خراسان) اعضای تیم: محمد فانی، رضا دهدشتی، محمد بهجتی، صعودیان.

کوهنوردی: علیرضا خادم کوهنورد ورزیده و فنی خراسان که اهل شیروان است در سال ۱۳۶۴ شمسی به اتفاق دیگر کوهنوردان خراسانی موفق شدند که قلّه معروف آیلیم پیک (ایسلندپیک) یکی از قلل کوههای هیمالیا در کشور نپال را فتح کنند. او دارای گواهینامه درجه یک مربیگری در رشته کوهنوردی است. ضمناً اولین کوهنورد شیروانی که به قلّه دماوند صعود کرده است شادروان حاج سیدرضا رضائی آذربود که در سال ۱۳۳۵/ش بدون وسایل فنی کوهنوردی بلندترین قلّه ایران را فتح کرد.

وقایع و حوادث تاریخی شیروان

بخش هفتم

جنگ بین الملل اول و وقایع شیروان

پس از وقوع جنگ جهانی اول به سال ۱۹۱۴م در سال ۱۲۹۴ شمسی/ ۱۹۱۵ میلادی قوای روسیه تزاری وارد کلیه شهرهای مرز شمالی ایران از جمله شیروان شدند با این که ایران در زمان احمد شاه قاجار اعلام بی طرفی کرده بود ولی این تجاوز انجام گرفت و با این که هیچ گونه درگیری بین قوای محلی و متجاوزان صورت نگرفت شهر شیروان کلاً در اختیار سربازان روسی بود و اولین اثر آن قحطی و گرانی شدید بود بطوری که در پنجمین روز ورود قوای روسیه به شیروان دو نفر از اهالی شیروان به علت کمبود شدید نان جان می سپارند. میرزا براتعلی شیروانی می نویسد: «یکی از معمرین در مورد این قضیه می گفت: با آمدن قشون تزاری به شیروان در عرض چند روز آرد و گندم و حتی جو کمیاب شد با این که شخص با انصاف و خیری به نام آقا شعبان به درد دردمندان می رسید و تمام موجودی گندم و جو خودش را به طور رایگان در اختیار مردم محتاج قرار می داد اما قحطی همچنان حاکم بود و چون از طرف دولت نیز هیچ گونه کمکی نمی شد بعد از یک ماه عده زیادی حتی یک وعده غذا هم پیدا نمی کردند. او می گفت! درست ۳۲ روز از ورود قوای روسیه به شیروان می گذشت که جنازه مادری با کودک شیرخوارش را در یکی از باغهای گون بات پیدا کردند که به علت گرسنگی با وضع رقت باری جان سپرده بودند^۱». قوای روسیه پس از ۳۵ روز شهر شیروان را تخلیه و از طریق قوچان و باجگیران عقب نشینی می کنند.

واقعه لهاک خان سالار در شیروان

در تیرماه سال ۱۳۰۵ شمسی لهاک خان^۲ معروف به سالار جنگ که فرماندهی پادگان نظامی مراوه تپه را به عهده داشت علیه دولت مرکزی قد برافراشت و با قوای نظامی تحت فرمانش به قصد تسخیر شهرهای شمالی خراسان اقدام نمود و در اولین اقدام توانست قوای نظامی بجنورد را خلع سلاح کند.^۳

پس از این پیروزی در حالی که افراد نظامی لهاک خان سالار- دو نفره و مجهز به سلاح شصت تیر- بر شتران تندرو و دوکوهانه سوار بودند به قصد خلع سلاح دیگر شهرهای خراسان به سوی شیروان تاختند، در نزدیکیهای قریه رضاآباد از سوی فرج الله خان نگهبان حاکم شیروان (ضیغم الملک) عده ای از قوای مسلح محلی به فرماندهی حشمت الله خان به مقابله افراد نظامی سالار شتافتند و پس از مدتی کوتاه تیراندازی بین طرفین، چون قوای لهاک خان زیاد و مجهز به مسلسل بودند، قوای محلی عقب نشینی کردند و لهاک خان سالار با قوای نظامی و در حالی که از طرف مردم گاو و گوسفند قربانی می شد وارد شیروان می شود و در میدان ارک طی سخنان کوتاهی خود را طرفدار رعیت و مردم محروم معرفی می کند و با گشودن انبارهای غله و خواربار متمولین و تقسیم آن بین مردم، بدون هیچ گونه خونریزی به طرف قوچان حرکت می کند و طی جنگ کوتاهی در یوسف آباد وارد قوچان می شود. در همین اثنا فرج الله خان نگهبان حاکم شیروان و دیگر خوانین منطقه با همکاری جان محمد خان فرمانده لشکر شرق طبق نقشه ای پیش بینی شده تصمیم می گیرند قوای محلی خود را جمع آوری و در فرصت مناسب و در قوچان به افراد نظامی سالار حمله کنند که این عمل با کمک قوای نظامی و هواپیماهای جنگی که از مشهد به پرواز در آمده بود آغاز و با حمله چریکی قوای محلی خوانین عده ای از قشون سالار کشته و زخمی می شوند و لهاک

۲ - لهاک خان باوند از افسران تحصیل کرده لنینگراد شوروی بود و از بیدادگریهای سرتیپ جان محمدخان پسر علاءالدوله فرمانده لشکر شرق (خراسان و سیستان و بلوچستان) رنج بسیار کشیده بود و ناچار سر به شورش برداشت.

۳ - در بجنورد عده ای از سربازان دولتی به قتل رسیدند و پس از خلع سلاح، مردم ظاهرأ با سالار اعلام وفاداری کردند.

خان سالار با باقیمانده قشون از مرز شمالی خراسان به شوروی می رود. جورج لنزوسکی در این مورد می نویسد: «... روی هم رفته گپئو (سازمان اطلاعاتی عشق آباد شوروی) در تعیین و اجرای سیاست خارجی شوروی نسبت به ایران نقش عمده و مهمی بازی می کرد. در سال ۱۹۲۵ میلادی شورشی در خراسان برپا شد که یک افسر ارتش به نام سالار جنگ رهبری آن شورش را به عهده داشت و با قیام و عملیات خود فوق العاده اسباب زحمت مقامات تهران گشت گپئو بلافاصله نسبت به این شورش ابراز علاقه کرد و شعبه عشق آباد از مسکو اجازه خواست که به شورشیان کمک کند و اسلحه و مهمات و نفرت کافی به آنها برساند. زیرا به نظر (گپئو) ی عشق آباد قیام و شورش خراسان یک نهضت انقلابی عمومی بود و کمک شوروی به شورشیان نهایت ضرورت را داشت، اما مسکو به جای این که فوراً اقدام کند اتخاذ تصمیم را به تأخیر انداخت و تقاضای اطلاعات بیشتری در خصوص شورش خراسان نمود و این مسامحه و تعلل و دفع الوقت کار خود را کرد و شورشیان در نتیجه فقدان اسلحه و مهمات و قوای کمکی کافی، بسرعت از قوای دولتی ایران شکست خوردند و به کلی تارومار و پراکنده گشتند. گوا این که رئیس گپئو عشق آباد علی رغم تأخیر اقدام مقامات مرکزی روسیه خود پنجاه تن از قراولان سرحدی روسیه را با لباس مبدل و تفنگ و مسلسل و دستورها و تعلیمات لازم به کمک شورشیان فرستاده بودند ولی چون این کمک کفایت نمی نمود، نتوانست از شکست نهایی ممانعت کند»^۴ پرفسور ایوانف می نویسد: «مهمترین خیزش قیام سربازان به سال ۱۹۲۶/م در ترکمن صحرا به سرگردگی افسری به نام سالار جنگ بود، شرکت کنندگان این قیام در صدد سرنگونی رضاشاه و تشکیل حکومت جمهوری و آزادی دموکراتیک در ایران بود در جایگاه مراوده تپه در ۲۴ ژوئن ۱۹۲۶ سربازان پادگان محلی پیا خاستند. دهقانان و توده های شهری از قیام کنندگان پشتیبانی می کردند. اینان شهرهای بجنورد، شیروان و قوچان را تصرف کردند، مرتجعان از جمله نمایندگان دولت، شاه، خان ها و مالکان را به زندان انداختند، انبارهای غله دولت و مالکان را گشودند و محتوای آنها را میان بینوایان تقسیم کردند. ضمن میتینگ هایی که در بجنورد و نقاط دیگر برگزار شد قیام کنندگان از مردم خواستند تا زمین های اربابی را مصادره و میان دهقانان تقسیم کنند، ضمناً اصلاح وضع مالیات را به

مردم وعده دادند اینها هم چنین ضمن تبلیغاتشان به امپریالیست‌های انگلیسی تاختند. مأموران مرتجع شاه و فئودالها از ترس فرار را برقرار ترجیح دادند. رضاشاه نیروی را برای سرکوبی اینان فرستاد. انگلیس‌ها با در اختیار گذاشتن هواپیما، وسایل حمل و نقل موتوری، مسلسل و اسلحه و ساز و برگ دیگر به رضاشاه کمک کردند و در ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۶ م ارتش دولتی قیام خراسان را سرکوب کرده^۵.

حسین مکی می نویسد: «در شب دوم تیرماه ۱۳۰۵ شمسی در آن واحد در دو نقطه مرزهای شمالی یعنی مرز مشترک ایران با شوروی پادگان‌های مراوه‌تپه در استان خراسان و سلماس در استان آذربایجان غربی سر بشورش برداشتند، فرمانده ساخلو مراوه‌تپه سروان لهاک خان معروف به سالار جنگ از منسوبان نزدیک (گویا پسر برادر امیر مؤید سواد کوهی) بود، چون دو پسر امیر مؤید به امر سردار سپه تیرباران شده بودند. قبلاً یکی دیگر از منسوبان امیر مؤید به خونخواهی آنها در اطراف خواجه نفس گمیشان ترکمن صحرا سر بشورش برداشته و همین که در برابر قوای ارتش تاب مقاومت نیاورد به روسیه گریخته بود. لهاک خان در پی فرصت مناسب بود، در این هنگام که شدت عمل و سوء رفتار جان‌محمد خان فرمانده لشکر شرق مردم را ناراضی و وادار به عصیان می نمود و از طرفی هم حقوق سربازان پادگان مراوه‌تپه چندین ماه عقب افتاده بود و وسیله ای بدست لهاک خان داد تا افراد پادگان خود را با خود همراه کند و سر بشورش بردارد و اعلام جمهوری کند. وی نخست شهرهای بجنورد، شیروان و قوچان را تصرف کرد و قصد حمله به مشهد را داشت^۶. «جهانگیرخان سالار جنگ سواد کوهی معروف به لهاک خان که رضاشاه پسر عموهای او را کشته بود در مأموریت مراوه‌تپه افسر مسلسل بود و بر اثر سوخته شدن دو اسب از ابوابجمعی او فرمانده لشکر شرق امر کرد از لهاک خان غرامت بگیرند لهاک خان که باطناً نسبت به اوضاع عمومی آن موقع کشور و شخص رضاشاه بدبین بود و اقامت طولانی در مراوه‌تپه و تحمل آن آب و هوای مسموم و کشیدن رنج و درد گرسنگی و بیماری در دل او با حس کینه شدیدی توأم شده بود با فرمان اخذ غرامت یک دفعه از جا در رفت و با عده ای از همدستان خود از مراوه‌تپه به بجنورد آمد و آنجا پنج افسر و دو استوار را که با طغیان او مخالف بودند در میدان سرخ بجنورد تیرباران کرد و سپس بسوی شیروان و قوچان بحرکت

۵ - پرفسور ابوانف. م. س تاریخ ایران، انتشارات بوش، ص ۴۶۹.

۶ - حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۴، ص ۱۱۹.

درآمد، روحیه افراد پادگان مشهد بمجرد اطلاع ازین طغیان یک دفعه متزلزل شد و حتی خیال داشتند مشهد را تخلیه کنند و بارتفاعات شریف آباد پناه برند. ولی قوایی از مرکز فرماندهی یاورضرابی اعزام شد و بمجردی که این نیرو به مشهد رسید متجاسرین از قوچان بسمت باجگیران و سرحد روس عقب نشینی کردند و درمرز شوروی خلع سلاح شدند.^۷

منشور گرگانی می نویسد: «... برادر دیگر او موسوم به لهاک باوند معروف به سالار جنگ که در مراوه تپه بود و درجه سروانی داشت با قسمت خود علیه دولت مرکزی شورش کرد او پرچم سرخ برافراشت و جهت انتقام از شخص رضاشاه مرام نامه ای تحت اسم پاداش منتشر و وعده تقسیم املاک مزروعی را بدهقانان میداد و مسلک خود را پاداشیزم نام نهاده بود افراد ساده خود را که از بلوچها تشکیل شده بود و عده ای از اکراد اطراف را اغفال کرده رسماً اعلام جمهوری کرد و خلاصه برای گرفتن انتقام کسان خود از رضاشاه می خواست کشور را به باد دهد، البته بهانه ظاهری او نرسیدن حقوق چند ماهه افراد و در باطن خونخواهی بود دولت بمحض اطلاع علاوه بر آنکه پادگان مشهد را بجلوگیری و قلع و قمع او فرستاد یک عده از کردهای بیچرانلو را نیز تلگرافی مأموریت داد که بکمک ارتش علیه آنها بجنگند. لهاک که از مراوه تپه به شهرهای بجنورد و شیروان و قوچان حمله و آنها را اشغال کرده بود، قصد حمله به مشهد را داشت وسیله ارتش و کردهای بیچرانلو قبل از آنکه فرصت کافی برای اجرای نقشه خود داشته باشد شکست خورد و به روسیه گریخت»^۸. ژرژ آقاییگ اف راجع به قضیه سالار جنگ شرحی در کتاب گپئودر تهران نقل می کند که خلاصه آن از این قرار است: «قنسل روس در مشهد اطلاع داده بود که این انقلاب قلابی است و به تحریک انگلیس هاست. ولی از تاشکند مأمورین گ. پ. او برعکس اطلاع داده بودند که انقلاب ملی است و برنامه آن راجع به دهقانان عیناً برنامه کمونیسم است و باید کمک کرد. در مسکو مردد بودند که به کدام یک ترتیب اثر بدهند او را (آقا بیگف) از مسکو می فرستند به تاشکند که از آنجا به عشق آباد رفته و با کمک گپئو مربوطه آنجا که کاروتسکی نام داشت داخل شورشیان شده احوالات شان را مطالعه نماید. ولی کاروتسکی به او خبر می دهد که شورشیان از قوای دولتی و کردها شکست خورده اند و قصد دارند بخاک روسیه پناهنده شوند او بمسئولیت خود پنجاه نفر از افرادش را با لباس مبدل با مسلسل

۷- همانجا، ص ۱۳۰.

۸- منشور گرگانی، سیاست شوروی در ایران (زیر عنوان عکس العمل شورویها)، ص ۱۲۰.

مسلح به کمک شورشیان اعزام داشته ولی مؤثر واقع نشد. آقابیکف مأموریت داشت داخل شورشیان شده در صورتیکه مطمئن شود که انقلاب ملی است به آنها کمک کرده در مرز ایران و شوروی یک ناحیه مانند ایالت کانتن چین تشکیل دهند که در آنجا حکومت انقلابی کمونیست وجود داشته باشد. رئیس مربوطه اش خاطرنشان کرده بود که امتیازی که این ناحیه از کانتن دارد آن است که در مرز ایران و شوروی واقع شده و همیشه میتوان به آنها همه گونه کمک رساند قنصل مشهد (پرسف) را به علت اینکه چنین خطبی مرتکب شده و انقلاب را انگلیسی معرفی کرده بود احضار و بجای او کرژمینسکی را فرستادند و برای کارهای گ-پ-او در مشهد براون را فرستادند این شخص سابقاً در کشور چین کار کرده بود. کاروتسکی گفت: روسیه اشتباه جبران ناپذیری را مرتکب شده که از شورشیان پشتیبانی نکرده است. شورشیان انتظار کمک از روسیه را داشتند و در نظر آنان پرستیز مسکو دچار شکست شده و رفتار اولیای مسکو راجع به این شورش در تمام خاور تأثیر نامطلوبی کرده است. در این قضیه یک نکته جالب توجه است که چگونه مخالفین این انقلاب و شورش با مهارت تبلیغات کرده بودند و موضوع را معکوس و وارونه جلوه داده بودند که به قنصل شوروی (پرسف) هم با داشتن مأمورین اطلاعاتی مطلب مشتبه شده است و همین اشتباه کاری به دولت ایران وقت کافی داد که بتواند انقلاب را خاموش کند^۹.

لهاک خان سالار جنگ طی یک سخنرانی در شیروان می گوید: هیچ کس از شما مردم حق ندارید افراد دولتی را که خائن به مملکت هستند در منازل خود پناه دهید و اگر دیده یا شنیده شود کسی از خوانین یا خائنین دولتی را به نحوی مخفی و از آنها حمایت کرده است سزایش تیرباران است. تمام تلاش ما به خاطر شما مردم است تا از این همه رنج و ستم خان و مأمورین دولت آسوده باشید. یکی از معمرین می گفت: هنگامی که سالار و افرادش^{۱۰} در شیزوان بودند. یکی از سرکردگان قشون (فرمانده بلوچها) به گرفتن اسب حاج محمد علی میلانی مبادرت می کند و از منزل مرحوم محمد حسین صفار (جد حاجی رحیمی ها) نیز یک جفت قالیچه ترکمنی بر می دارد و آن را در زیر زین اسب مخفی می کند. موقعی که سالار

۹- حسین، مکی تاریخ بیست ساله ایران، جلد ۴، ص ۱۳۰.

۱۰- افراد نظامی سالار دارای کت مخملی سرخ، چکمه های سرخ و کلاه های پارچه ای به شکل کلاه خودهای قدیمی پوشیده بودند و هر دو نفر مسلح پشت به پشت بر یک شتر دوکوهانه سوار بودند و در دست هر نفر یک قبضه شصت تیر روسی بود. (به نقل از کربلایی کاظم فلاحتکار)

مشغول سخنرانی بوده است. اسب شروع به لگدپرانی می‌کند و قالیچه‌ها از زیرین اسب به بیرون می‌افتد که سالار با دیدن این صحنه و اطلاع از جریان واقعه بسیار ناراحت می‌شود و اسب و قالیچه‌ها را تحویل صاحبان اصلی داده و اعلام می‌کند که فرد خاطی را مجازات خواهد کرد. سالار پس از سالها زندگی در شوروی به ایران باز می‌گردد و در سال ۱۳۴۰ شمسی در اصفهان می‌میرد و در زادگاهش تنگهٔ سرخ آباد سوادکوه به خاک سپرده می‌شود.

خلع سلاح ژاندارمری شیروان و قوچان توسط فرج الله خان نگهبان

در سال ۱۳۲۹ قمری تشکیلات ژاندارمری نوین در تمامی نقاط ایران از جمله در خراسان تأسیس گردید و هدف اصلی آن کاهش قدرت خوانین و حفظ امنیت و جلوگیری از چپاول و دزدی و راهزنی در اقصی نقاط کشور بخصوص روستاها^{۱۱} بود که در ابتدا این تشکیلات مورد استقبال خوانین محلی نیز قرار گرفت.

... قره‌خان معروف به قورخویکی از سردسته نوکران فرج الله خان نگهبان حاکم شیروان بدون توجه به سازمان جدید ژاندارمری اقدام به چپاول و غارت و باصطلاح محلی سرداری می‌کرد. که این موضوع با اعتراض و شکایت روستاییان مورد پیگرد قانونی قرار گرفت و پس از مدتی قورخو از طرف ژاندارمری دستگیر و در مشهد محاکمه و به اعدام محکوم شد. زمانی که از قورخو می‌خواهند به عنوان آخرین تقاضا مطلبی بگویند، او تقاضا می‌کند اولاً من می‌خواهم برای آخرین بار آقا جان (فرج الله خان) را ببینم ثانیاً در شیروان اعدام شوم. ژاندارمری مشهد با تقاضای او موافقت می‌کند و او را کتف بسته به اتفاق یک سرگروهبان (وکیل باشی) و ۸ نفر ژاندارم مسلح، سواره روانه شیروان می‌کنند. در هنگام غروب آفتاب در نزدیکی روستای الله‌آباد قورخو از وکیل باشی تقاضا می‌کند دستهایش را باز کنند تا ادرار کند،^{۱۲} وکیل باشی با تقاضای قورخو موافقت می‌کند. قورخو پس از ادرار هنگامی که می‌خواهند دستهایش را ببندند، می‌گوید بهتر است مرا شبانه وارد شیروان کنید و حق منهم اعدام است ولی خواهش می‌کنم اگر امکان دارد دستهایم را نبندید، زیرا نه من

۱۱ - مؤسسه اطلاعات، از کورش تا پهلوی، ص ۴۴۵.

۱۲ - عده‌ای از معمرین در این رابطه معتقدند در حین سفر ده سکه مناتی به وکیل باشی رشوه داده شده است.

می توانم از دست شما فرار کنم و نه قصد این کار را دارم. وکیل باشی می گوید: قورخو دستهایت را نمی بندم اما اگر کوچکترین خطایی از تو سربزند سوراخ سوراخ خواهی شد. سپس گلنگدن اسلحه خود را بیرون می آورد و به یکی از ژاندارمها می دهد و قورخو را پشت اسب خودش سوار می کند.

قورخو در نزدیکی روستای سه یک آب^{۱۳} در یک حالت استثنایی از پشت ترک وکیل باشی بسرعت بر روی یکی از ژاندارمها می پرد و با گرفتن اسلحه، دیگر ژاندارمها و وکیل باشی را خلع سلاح می کند و از صفدر ژاندارم می خواهد که کتف ژاندارمها را ببندد و در خاتمه کتفهای صفدر ژاندارم نیز بوسیله قورخو بسته می شود. قورخو تفنگها را مخفی و وکیل باشی و ژاندارمها را به شیروان می آورد و مستقیماً به منزل فرج الله خان نگهبان می برد و جریان واقعه را بازگویی کند. فرج الله خان که سمت افتخاری سلطانی را داشت و با ژاندارمری همکاری می کرد. از عمل شجاعانه قورخو ناراحت شده و به او اعتراض می کند و حتی یک سیلی نیز به قورخو می زند. اما قورخو می گوید جناب خان این ژاندارمها به تمام خوانین توهین می کنند و حتی فحش ناموس می دهند مگر جان در برابر ناموس چه ارزشی دارد، پس غیرت ما کجاست که به خاطر دوسه سال بیشتر زندگی کردن زیر این ننگ و خفت برویم... به هر حال فرج الله خان تحت تأثیر حرفهای قورخو قرار می گیرد^{۱۴} و جویای تفنگها می شود که قورخو و برومرگان یکی از نوکران خان به محل اختفای تفنگها می روند و آنها را می آورند.

فرج الله خان نگهبان و دیگر عوامل خود که جمعاً ۴۵ نفر بودند به ژاندارمری شیروان حمله و بلافاصله آنها را خلع سلاح می کنند و با سلاح بیشتر و عده ای که از روستاها به کمک آمده بودند به ژاندارمری فاروج نیز حمله کرده و آن جا را نیز خلع سلاح می کنند و در ۲۷ محرم سال ۱۳۴۰ قمری فرج الله خان با قوای مسلح خود وارد قوچان می شود. فرماندهی (سلطانی) پادگان ژاندارمری قوچان به عهده تاج محمد خان بهادری^{۱۵} بود:

۱۳ - حقایق روستای امیرآباد و سه یک آب در فاصله ۳ کیلومتری شهر شیروان.

۱۴ - از طریق قوام السلطنه پیامی به فرج الله خان می رسد که با ژاندارمری مخالفت کند (به علت اختلاف قوام با کلنل محمد تقی خان که فرمانده ژاندارمری خراسان بود).

۱۵ - فرج الله خان نگهبان شوهر خواهر تاج محمد خان بهادری بود و در غیاب مازور محمود خان فرمانده نظامی قوچان فرماندهی پادگان را به عهده داشت.



فرج الله خان نگهبان ملقب به ضیغم الملک عکس شماره ۳۲

زمانی که او از قصد فرج الله خان مطلع می شود، با حمله به پادگان ژاندارمری قوچان مخالفت می کند، اما فرج الله خان با توجه به پیام قوام السلطنه نخست وزیر تاج محمدخان را قانع می کند و حمله آغاز می گردد، قورخو که در پیشاپیش قوای فرج الله می جنگید، پس از زد و

خوردی کوتاه با نگهبانان و ژاندارمها آنها را دستگیر و پادگان ژاندارمری را خلع سلاح می‌کنند. ملک الشعرا بهار در این مورد می‌نویسد: «در اواخر محرم سال ۱۳۴۰ قمری فرج الله خان حاکم شیروان و عزیزالله خان با قوای محلی خود و کمکی که از طرف سردار معزز بجنوردی به آنها می‌شد به قوچان حمله کرده ژاندارمها را خلع سلاح نموده قوچان را متصرف شدند»^{۱۶}. البته در این قضیه حمایت شخص قوام السلطنه نخست‌وزیر وقت از فرج الله خان مسلم است و علت آن هم دستگیری قوام در زمان استانداری خراسان بوسیله کلنل محمد تقی خان فرمانده ژاندارمری بود که او را دستگیر و به تهران می‌فرستد و پس از مدتی که نخست‌وزیر می‌شود قصد انتقام از کلنل محمد تقی خان را از این طریق به مرحله عمل در می‌آورد.

واقعه کلنل محمد تقی خان پسیان و شیروان

در ۱۷ محرم سال ۱۳۴۰ قمری فرج الله خان نگهبان با عده‌ای از نیروهای محلی ژاندارمری شیروان را که در حدود ۴۰ نفر ژاندارم داشت و فرمانده آن نایب دوم مهدی خان رفعت بود خلع سلاح و با تحریک و پشتیبانی قوام السلطنه نخست‌وزیر و همکاری قوای محلی عده‌ای از خوانین منطقه قصد کردند که ژاندارمری سازمان یافته خراسان بویژه کلنل محمد تقی پسیان فرمانده آزاده آن را متلاشی و از بین ببرند. در همین اثنا در تشکیلات ژاندارمری گناباد اتفاقی به وقوع می‌پیوندد که کلنل محمد تقی خان تلگرافی از کلنل نوذری فرمانده ژاندارمری قوچان می‌خواهد که به مشهد برود و خود عازم گناباد می‌گردد. نوذری کفالت ژاندارمری قوچان را به سلطان سید حسن خان میرفخرایی محول می‌کند و خودش طبق دستور عازم مشهد می‌شود. در همین موقع به ژاندارمری قوچان اطلاع می‌دهند که ژاندارمری شیروان خلع سلاح شده است مع ذالک میرفخرایی با عزیمت عده‌ای کمی ژاندارم (حدود ۵۰ نفر) به شیروان به مقابله نیروهای محلی فرج الله خان می‌پردازد که نیروهای محلی شیروان با توجه به آشنایی به محل بلافاصله آنها را خلع سلاح می‌کنند و

۱۶ - محمد تقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ص ۱۵۴.

چندین بار دیگر نیز نیروی ژاندارم اعزام می شود و مدت ۸ روز این جنگ و گریز ادامه می یابد که عده ای از ژاندارمها کشته می شوند تا روز ۲۶ محرم نیروهای محلی شیروان به فاروج حمله می کنند که از طرف حاجی خان تفرشی و محمدخان فرماندهان ژاندارمری فاروج که از دستورات کلنل محمد تقی خان پیروی می کردند با مقاومت شدید روبرو می شوند ولی چون نیروهای محلی فرج الله خان نگهبان زیاد بود ژاندارمها از فاروج مجبور به عقب نشینی می شوند^{۱۷}».

نیروهای محلی شیروان پس از این مبارزه به طرف قوچان حرکت می کنند. قوای ژاندارم قوچان که در ابتدا بیش از هزار نفر بود و با تمام امکانات درپادگان قوچان مستقر بودند به علت عدم توجه میرفخرایی به جنگهای محلی (چریکی) و نحوه نادرست اعزام نیرو به شیروان و کشته شدن عده ای از آنها رو به تحلیل رفته بود. از میرزا محمود صارم درگزی که دارای درجه سلطانی^{۱۸} افتخاری بود خواسته می شود که برای سرکوبی نیروهای محلی فرج الله خان اقدام کند او نیز با قوای مجهز ۲۰۰ نفری ژاندارم تحت فرمان خود به چنین کاری مبادرت نمی نماید و نیروهای خود را در قوچان مستقر می کند و تاج محمدخان بهادری هم که درجه سلطانی افتخاری داشت با قوای ۲۰۰ نفری خود درپادگان قوچان اسکان می یابد و کلاً اقدامی در برابر نیروهای فرج الله خان نگهبان انجام نمی دهند. تا این که در سحرگاه ۲۷ محرم ۱۳۴۰ قمری نیروهای محلی فرج الله خان و فرهادخان و میرزا محمود صارم درگزی پادگان ژاندارمها را دفعتاً مورد حمله و هجوم قرار می دهند. تیراندازی شدیدی بین نیروهای محلی و قوای ژاندارم در می گیرد و فرماندهان^{۱۹} ژاندارمری تازه متوجه می شوند که عده ای از فرماندهان دیگر ژاندارم به عوض دفاع در این موقعیت حساس در جهت مقابل و به نفع دشمن با قوای ژاندارم درگیرند. البته تاج محمدخان و میرفخرایی قصد مذاکره و صلح را با نیروهای محلی داشتند که در این کار موفق نشدند و چون حمله نیروهای محلی فرج الله خان نگهبان و دیگر خوانین زیاد بود در ظهر همان روز ژاندارمری قوچان تسلیم و

۱۷ - میرزا براتعلی شیروانی، ناسخ التواریخ شیروان، دستخط، ص ۳۰۵ و علی آذری-س. قیام کلنل محمد تقی خان.

۱۸ - درجه سلطانی به خوانینی اعطا می شد که ۲۰۰ نفر از افراد محلی خود را به عنوان ژاندارم معرفی و خود نیز فرماندهی آنها را به عهده داشته باشد.

۱۹ - تفرشی، محمدخان، آذرخشی، میرعلی خان، کاظمی

خلع سلاح گردید. در جریان فوق تاج محمدخان به عناوین مختلف از خونریزی بیشتر جلوگیری می‌کرد ولی منازل فرماندهان ژاندارم موافق کلنل محمدتقی خان پسیان بطور کلی غارت شد و تا ظهر روز ۲۸ محرم شهر قوچان در محاصره بود که پس از قلع و قم نیروهای ژاندارم، نیروهای محلی حرکت خود را به طرف مشهد آغاز کردند. فرماندهان ژاندارم که متواری و مخفی شده بودند وقتی که اطلاع حاصل کردند نیروهای محلی از قوچان خارج و قصد حمله به مشهد را دارند از پناهگاهها خارج و با عده‌ای از ژاندارمها به طرف مشهد رفتند، صبح ۲۹ محرم این عده با ژاندارمهای اعزامی کلنل محمدتقی خان که از مشهد برای سرکوبی قوای محلی می‌آمدند در نزدیکی قریه میرآباد به هم می‌رسند و برای طرح نقشه حمله وارد میرآباد می‌شوند. فرماندهان قوای ژاندارم در میرآباد عبارت بودند از: سلطان حسن خان، سلطان علی خان کوه سرخی، نایب مهدی خان صدوقی، قاسم خان، نایب مظفرخان و احسان آذرخشی که این آخری یعنی احسان آذرخشی با توجه به تفکرات و حرکات مشکوک عده‌ای از فرماندهان ژاندارم از رفتن به قریه میرآباد خودداری می‌کند و برای دادن گزارش مشروح جریانات و حمله قوای محلی فرج الله خان به قوچان و خلع سلاح ژاندارمری و دیگر قضایا عازم مشهد می‌شود تا حضوراً با کلنل محمدتقی خان پسیان فرمانده ژاندارمری خراسان تماس حاصل کند. آذرخشی با اسب خود به طرف مشهد می‌تازد و در بین راه در قریه سعیدآباد از قهوه‌چی محل برای رفع خستگی تقاضای چای می‌کند که در همین حال می‌بیند کلنل محمدتقی خان با درشکه وارد سعیدآباد شد و عازم سرکوبی قوای محلی خوانین منطقه است. آذرخشی بلافاصله پیش می‌رود و جریان حمله قوای محلی و خیانت عده‌ای از صاحب-منصبان ژاندارمری را بطور کامل بیان می‌کند. کلنل محمدتقی خان پسیان به آزادییک که همراهش بود، می‌گوید صاحب منصبان و افرادی که به هر نحوه به ژاندارمری خیانت کرده‌اند می‌بایستی محاکمه و به سزای اعمال خود برسند و از آذرخشی می‌پرسد، اکنون قوای ژاندارمری ما در کجا مستقر هستند. آذرخشی می‌گوید: قریه میرآباد. کلنل محمدتقی خان فوراً حرکت می‌کند و در غروب همان روز وارد میرآباد می‌شود.

قوای محلی شیروان، قوچان و درگز نیز با اطلاع از آمدن قوای ژاندارم از مشهد، روستای جعفرآباد را در فاصله ۶ کیلومتری آنها تصرف می‌کنند و آماده جنگ می‌شوند. کلنل در قریه میرآباد سلطان حسن خان میرفخرایی را احضار و ضمن بازجویی می‌گوید چرا

هنگامی که نیروی محلی شیروان به سرکردگی فرج الله خان نگهبان مسلحانه قیام کردند از ژاندارمهای مستقر در پادگان قوچان که بیش از ۱۰۰۰ نفر بودند بطور کامل و مؤثر استفاده نکردید و فقط عده کمی را برای سرکوبی فرستادید و یا وقتی که فرج الله خان با قوای محلی به طرف قوچان در حرکت بود چرا در اطراف شهرپستهای دفاعی برای جلوگیری از ورود قوای مهاجم به شهر نگماردید و اصولاً چرا در پادگان مقاومت نکردید و آخرالامر چرا مهمات و اسلحه ها را هنگام تسلیم شدن از بین نبردید که اکنون از همان اسلحه ها علیه خود ما استفاده می شود، شما می بایستی محاکمه و اعدام شوید.

جنگ نیروهای محلی فرج الله خان نگهبان با قوای ژاندارم

قبل از طلوع آفتاب دوشنبه اول صفر ۱۳۴۰ قمری مطابق با دهم میزان ۱۳۰۰ شمسی کلنل محمدتقی خان پسیان با قوای ژاندارم از قریه میرآباد با تاکتیک جنگهای منظم به طرف جعفرآباد محل نیروهای محلی شیروان و سایر خوانین حرکت می کنند، کلنل شخصاً به عنوان فرمانده و پیش قراول حمله را آغاز می کند، در ۲ کیلومتری جعفرآباد جنگ شدیدی بین طرفین آغاز می شود که کلنل محمدتقی خان با رشادت می تواند وارد باغات جعفرآباد بشود و نیروهای محلی را مجبور به عقب نشینی کند و تلفاتی نیز بر نیروهای محلی وارد می گردد کلنل محمدتقی خان که شخصاً از مسلسل استفاده می کرد قوای محلی فرج الله خان و دیگر خوانین را در حال عقب نشینی تا طاس تپه های داودلی تعقیب می کند. این جنگ و زد و خورد مسلحانه بین طرفین تا بعد از ظهر دوشنبه اول صفر بشدت ادامه می یابد و چون کلنل علاوه بر جنگهای منظم به تاکتیکهای جنگهای چریکی نیز کاملاً آشنا بود، می تواند قوای محلی را تا انتهای طاس تپه های داودلی مجبور به عقب نشینی کند و چون در این لحظه امکان پیروزی قوای ژاندارم می رفت، از طرف قوای محلی قاصدی به قوچان اعزام و تقاضای کمک فوری می کنند که نیروی کمکی سردار معزز بجنوردی به سرکردگی میرآخور که از قبل در قوچان آماده بودند روانه میدان نبرد می شوند ۲۰ و جنگ در طاس تپه های داودلی به اوج خود می رسد. در این هنگام قوای ژاندارم با کمبود مهمات مواجه می شود.

۲۰ - در جبهه نیروهای محلی افراد مسلح: فرج الله خان نگهبان، تاج محمدخان بهادری، ناصرخان، محمد حسین خان اوغازی، فرهادخان، غلامرضاخان، میرزا محمودخان صارم، محمد ابراهیم خان و سردار معزز بجنوردی شرکت داشتند.

کلنل محمدتقی خان به سلطان کاظمی می‌گوید: خیلی فوری برای آوردن مهمات به روستای میرآباد برو و کاظمی بلافاصله به میرآباد رفته و متوجه می‌شود میرفرخایی، حسن خان، علی خان کوه سرخی و مظفرخان و قاسم خان که همگی از صاحب منصبان و فرماندهان ژاندارمری بودند طی یک برنامه ریزی از پیش تعیین شده فرار را برقرار ترجیح داده‌اند و فقط سلطان میرعلینقی مانده است و فرماندهان فراری بیشتر مهمات را نیز با خود برده‌اند مع الوصف کاظمی مهمات باقی مانده را به کلنل محمدتقی خان و قوای ژاندارم می‌رساند و جنگ ادامه می‌یابد. با ادامه جنگ مهمات جنگی قوای ژاندارم رو به نقصان می‌رود و عده‌ای از ژاندارمها نیز کشته می‌شوند در این لحظه عده‌ای از فرماندهان ژاندارم از کلنل محمدتقی خان می‌خواهند که عقب‌نشینی کنند و دوباره با تجدید قوا مباردت به حمله نمایند اما چون اطراف تپه‌هایی که قوای ژاندارم در آن جا می‌جنگیدند از طرف نیروهای محلی سنگربندی شده بود کلنل محمدتقی خان می‌گوید: سرباز واقعی وطن می‌بایستی در حین حمله کشته شود نه در هنگام عقب‌نشینی. هر کدام از شما آزادید و می‌توانید عقب‌نشینی کنید. ولی من تا آخرین لحظه استقامت خواهم کرد و احتمالاً در این جنگ من و تمام افراد ژاندارم در این جا کشته خواهیم شد به هر حال اگر کسی زنده ماند پس از کشته شدنم در هنگام دفن جنازه‌ام بر روی کفن سفید من بنویسد «ایران» و سپس داخل قبر بگذارید. در همین لحظه نیروهای محلی بسرکردگی فرج‌الله خان و میرآخور ژاندارمها را بشدت از طرفین به تیر می‌بندند که پس از مدتی بجز کلنل محمدتقی خان و چند نفر ژاندارم بقیه افراد کشته و یا زخمی می‌شوند و چون صدای تیراندازی از طرف قوای ژاندارم شنیده نمی‌شود، نیروهای محلی خوانین حمله نهایی خود را با پیشروی آغاز می‌کنند که در همین لحظه گلوله‌ای هم به خود کلنل محمدتقی خان پسیان اصابت می‌کند و بی حرکت به داخل گودال کوچکی پرت می‌شود نیروهای محلی بلافاصله شروع به غارت می‌نمایند و تمام اسلحه‌ها حتی لباسهای ژاندارمها را نیز از پیکری جانشان بیرون می‌کنند و جالب این که اکثر نیروهای محلی انیفورم نظامی ژاندارمها را به تن می‌کنند و فوراً به قریه میرآباد و جعفرآباد که عده‌ای از ژاندارمها در آن جا مستقر بودند هجوم می‌برند و پس از خلع سلاح آزادبیک، ژاندارمها آنها را به طرز فجیعی می‌کشند «در حالی که خوانین مغرور از این پیروزی بر روی قالیچه‌ها بر رختخواب‌ها تکیه داده بودند عده‌ای از ژاندارمها را که به کلنل محمدتقی خان وفادار بودند در صحنه کتف بسته حاضر می‌کردند و با نشانه روی بر

پیشانی و چشم و قلب این بی‌گناهان آنها را تیرباران می‌کردند^{۲۱}». خوانین متوجه می‌شوند که در بین لباسهای غارت شده ژاندارمها، انیفورم قلیچ خان با دیگران متفاوت است. پس از بررسی کامل یقین حاصل می‌کنند که انیفورم فوق متعلق به کلنل محمدتقی خان پسیان است، چون تا آن موقع خوانین فکر می‌کردند کلنل در بین قوای ژاندارم نبوده است. فرج الله خان نگهبان حاکم شیروان به قلیچ و برات محمدبیک دستور می‌دهد که از جعفرآباد به محل طاس تپه‌های داودلی رفته و سرفردی که لباسش در تن قلیچ خان است قطع کرده و بیاورند. قلیچ خان و برات محمدبیک و چند نفر از نیروهای محلی به مکان حادثه می‌روند و سر کلنل محمدخان پسیان را که هنوز زنده بوده است قطع می‌کنند^{۲۲} و در هنگام آوردن سر بریده کلنل به جعفرآباد بین افراد اعزامی درگیری ایجاد می‌گردد و بالاخره قلیچ خان و برات محمدبیک با کشتن بقیه افراد سر بریده کلنل را به جعفرآباد می‌آورند و تحویل فرج الله خان می‌دهند و تمام خوانین باصطلاح پیروز در حالی که سر بریده کلنل در ترک اسب و داخل خورجین فرج الله خان قرار دارد به قوچان می‌آیند تا بوسیله تلگراف این خبر را به قوام السلطنه نخست وزیر وقت مخابره کنند. حسین مکی می‌نویسد: «...از متن تلگراف چنین بر می‌آید که کلنل محمدتقی خان قصد داشت اگر موفق می‌شد خراسان را از حکومت مرکزی ایران مجزا نماید و در خراسان حکومت جمهوری اعلام نماید. اینک متن تلگراف: آقای ماژور محمودخان. راپورت تلگرافی نمرة... را ملاحظه کردم. همان طوری که سابقاً هم دستور داده‌ام در راه شیروان پست بگذارید و کاملاً اقدامات و عملیات سردار بجنوردی را بتوسط قاصدین مخصوص تحت تفتیش آورید. تا بحال که کلیه امور بر وفق مراد گذشته. امیدوارم بیرق جمهوری خراسان را من بدوش بکشم، محمود^{۲۳} و اسماعیل^{۲۴} هم جناحین او را محافظت بکنند همه روزه منتظر اقدامات شما هستم. محمدتقی^{۲۵}».

ل. ک. بلوی ایران شناس و استاد دانشگاه مسکو در این مورد می‌نویسد: «...این

۲۱- نقل قول از حاجی فیلابی ساکن شیروان.

۲۲- «می‌گویند موقعی که سر کلنل محمدتقی خان را با شمشیر و در چند ضربه جدا می‌کردند در ضربت اول که هنوز جان داشت گفته بود: وطن. وطن. ایران و در ضربت دوم گفته بود: اسماعیل خان (مقصودش اسماعیل خان بهادر بود) به نقل از ص ۴۷۶ تاریخ بیست ساله ایران. حسین مکی.

۲۳ و ۲۴- ماژور محمودخان و اسماعیل خان بهادر

۲۵- حسین، مکی تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، ص ۴۸۰.

ناخشنودی عمومی مردم در روحیه افراد ارتش و ژاندارمری که در پادگان خراسان بودند بازتابید و آنها را آماده قیام کرد فرمانده این قیام کلنل محمدتقی خان پسیان بود. این شخص از اعضای حزب دمکرات ایران بشمار میرفت و هنگام جنگ جهانی اول فرماندهی یکی از یکانهای ژاندارم را که در عملیات رزمی علیه ارتش های روس و انگلیس در منطقه های قزوین، همدان و کرمانشاه شرکت داشتند به عهده داشت. به سال ۱۹۱۶ میلادی پس از اشغال کرمانشاه بوسیله ارتش تزار روس از ایران خارج شد و از راه ترکیه به آلمان رفت. به سال ۱۹۲۰ از آنجا به ایران بازگشت. او در تهران در جنبش آزادی ملی و پیکار علیه قرارداد ۱۹۱۹ میلادی انگلیس و ایران فعالانه شرکت کرد و به سال ۱۹۲۰ دولت مشیرالدوله او را بعنوان فرمانده ارتش و ژاندارمری خراسان برگماشت. در سایه داشتن روحیه ضدامپریالیستی و روابط دلسوزانه اش به نیازمندیهای سربازان، دیری نپائید که کلنل، محبوبیت و اعتبار فراوانی در میان یکانهای زیردستش و همچنین در میان توده های مردم بدست آورد. پس از انجام کودتای ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ در سوم آوریل محمدتقی خان، والی خراسان یعنی قوام السلطنه را در مشهد بازداشت کرد و او را به تهران فرستاد. هنگامی که پس از سقوط دولت ضیاء کابینه ای زیر نظر قوام السلطنه روی کار آمد، محمدتقی خان این دولت را به رسمیت نشناخت. محمدتقی عملاً اداره امور خراسان را به دست گرفت. در این هنگام کمیته ملی با او همکاری داشت. این کمیته گرایش های بورژوازی ملی روشن فکران و خرده بورژوازی شهری را باز می تاباند محمدتقی خان اقدامات رضاخان درباره تجدید سازمان ژاندارمری و الحاق آن به بریگاد قزاق را رد کرد. خواسته های سیاسی کلنل و هواخواهانش به قرار زیر بودند: آزادی- ایران از زیر یوغ انگلیسهای زورگو و اریستوکراتهای پوسیده ایرانی- برقراری قانون اساسی تازه و تشکیل یک دولت دموکرات در تهران علاوه بر این، اینان خواهان برخی رفورم های دموکراتیک در چارچوب نظام بورژوازی، پیشرفت آموزش، ایجاد بیمارستانها و غیره بودند، محمدتقی پیکاری جلدی را علیه دست نشاندهگان انگلیس ها در خراسان آغاز کرد و فرمان بازداشت بسیاری از آنها را داد کلنل و هواخواهانش خواسته هایی را مبنی بر اصلاحات کشاورزی و روستایی به میان نیاوردند، اما در برخی موارد مالکان مرتجع را بازداشت کردند... خان های بلندپایه خراسان به وسیله چریکهای مسلح زیر فرمانشان، به تحریک قوام السلطنه علیه محمدتقی خان پیا خاستند، در پائیز ۱۹۲۱ میلادی نیروهای نظامی هم از تهران به خراسان گسیل گردید و در آغاز اکتبر تقی خان

ضمن برخورد با کردها در قوچان کشته شد^{۲۶}».

سرگذشت یک سر

محمود فرخ می نویسد: «سر آن سردار معروف کلنل محمدتقی خان را به قوچان آوردند... و بعد جنازه اش را. روز شوم، روز ننگ و روز ویران کننده ترین روز بشری بود. فرج الله خان و عده ای از خوانین بدوی و خونخوار به تلگرافخانه هجوم بردند و سپس فرج الله خان از درون خورجین خود سر آن سردار را بیرون آورد و روی میز شاهزاده حسام الدین میرزا رئیس تلگرافخانه پرت کرد، شاهزاده به محض دیدن آن سرببی اختیار لرزید سرش گیج رفت حالش به هم خورد پرسید: این سر کیست؟ فرج الله خان گفت سر کلنل! اشک در چشمان آن مرد حلقه زد پرسید از من چه می خواهید؟ فرج الله خان گفت آمدم به جناب اشرف قوام السلطنه تلگراف بکنیم. به او بگویم همانطوریکه دستور فرمودید کلنل را کشته و سر او را بریدیم. اگر جناب اشرف پرسیدند. پس سر او کو؟ به او بگویند که روی میز منست. بعد عکسش را خواهیم گرفت و به خدمتشان خواهیم فرستاد شاهزاده حسام الدین میرزا ناچار در مقابل آن خونخوارگان مسلح. ماجرای شوم را تلگراف کرد و چیزی نگذشت که جناب اشرف قوام السلطنه این القاب پرطمطراق را برای جانی ترین جانیان تاریخ بشر ارسال داشت و آن القاب که برای یک مشت یاغی اجیر شده فرستاده شده بود بدین قرار است. ۱- فرج الله خان (حاکم شیروان): ضیغم الملک ۲- تاج محمد خان: سطوت الملک ۳- حبیب الله خان: ناصر لشکر ۴- ولی خان: ضیغم السلطان ۵- ابراهیم خان: مظفر الملک^{۲۷} ۶- به رئیس شهربانی مشهد هم که از زندانیان سری شش قران می گرفت و آنان را آزاد می ساخت لقب ارشد الملک داد.^{۲۸} بله. بعد صاحبان القاب. از تلگرافخانه بیرون آمدند و هریک به سویی رفتند. سر در ایوان یکی و جنازه در خانه یکی دیگر. و فردایش عکس برداری شروع شد. فرج الله خان و یا به قول قوام السلطنه ضیغم الملک سر کلنل را روی نیزه گذاشت و بعد خودش موزر بدست گرفت و مقابل سر نگهداشت و آنوقت

۲۶- ل. ک. بلوی تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، ص ۴۴۰ و ۴۴۱.

۲۷- ابراهیم خان بیشتر به مظفر السلطنه معروف است.

۲۸- به غلامرضا خان هم لقب رشید نظام و به میرزا محمود صارم درگزی هم لقب صارم الملک می دهد (به نقل از قیام کلنل محمدتقی خان پسیان- ش- علی آذری).

رویش را برگرداند به طرف دوربین تا ثبت گردد بر ورقی سپید... حکم سیاه رئیس دولت! و بعد از آنکه «اوراق افتخار» به ثبت رسید. آنگاه نمایش بزرگ آغاز شد. نمایشی آزار دهنده و ننگین، سر او را به نیزه گذاشتند و یک روز تمام در شهر گرداندند. بر سر او سنگ زدند، کاه ریختند و هر آنچه که تصویرش را بکنید. به میردرویشان سوگند که هر چه می‌کشیم حق ماست^{۲۹}». آرامگاه کلنل محمدتقی خان پسیان در مجاور آرامگاه نادرشاه افشار واقع در باغ نادری مشهد می‌باشد.



کلنل محمدتقی خان پسیان

واقعۀ خداوردی سردار

در سال ۱۲۹۸ شمسی در زمانی که قوام السلطنه استاندار خراسان بود. چوپان زاده‌ای

۲۹ - محمود فرخ، خاطرات سیاسی فرخ (معتصم السلطنه)، چاپخانه سپهر، ۱۳۴۷، صص ۱۶۴-۱۶۵

به نام خداوردی اهل روستای توکور شیروان (از طایفه پهلوانلو) به علت ظلم و ستم حاکم محلی،^{۳۰} به اتفاق برادرانش^{۳۱} بطور مسلحانه بنای مخالفت با حکومت خوانین را گذاشت و پس از مدتی مبارزه و جلب حمایت عده‌ای دیگر بطور علنی در روستاهای گلیان و ورگ ادعای حکومت دهقانی کرد و با سنگربندی در روی قلل مرتفع کوههای گلیان و ورگ و تشکیل ستاد عملیات بنای مخالفت با حکومت خراسان را نمود. چون در سالهای فوق حکومت مرکزی قدرتی نداشت با وساطت یکی از خوانین بزرگ^{۳۲} منطقه، قوام السلطنه استاندار خراسان به خداوردی سردار تأمین داد و با ارسال یک قبضه شمشیر مسئولیت و امنیت راههای شیروان به قوچان و بجنورد را به عنوان قره‌سوران به او محول کرد. اما بعداً با توجه به سلاح مدرن و ارتباط تلفنی در سنگرها مشخص شد که خداوردی سردار علاوه بر مسئولیت جدید محرومانه با روسیه در ارتباط است و قصد نهایی او حمله به شهرهای خراسان و حکومتی خودمختار از نوع دهقانی است. این حرکات خداوردی سردار در منطقه شیروان باعث نگرانی قوام السلطنه می‌شود و با فرستادن یک دسته ژاندارم ۸۰ نفری اقدام به سرکوبی خداوردی می‌کند که به علت عدم آشنایی ژاندارمها به منطقه در اولین برخورد با نیروهای خداوردی سردار با شکست مواجه می‌شوند قوام السلطنه از خوانین منطقه می‌خواهد به هر نحوی که شده خداوردی را سرکوب کنند. در پی این دستور نیروهای محلی خوانین مدت چند ماه در روستای گلیان شیروان محل استقرار خداوردی با طرفداران او زد و خورد می‌کنند که سرانجام خداوردی سردار و طرفدارانش محاصره و ناچار از طریق مرز شمالی به روسیه فرار می‌کنند. بلوی ایران‌شناس روسی می‌نویسد: «در ژوئن ۱۹۲۰ میلادی در منطقه شیروان و قوچان قیامی به سرکردگی خدایی [خداوردی سردار] که سابقاً در خدمت خان‌های کرد ایل زعفرانلو به کار چوپانی سرگرم بود در میان بینوایان آن منطقه در گرفت. این قیام علیه اشغالگران خان‌های محلی و اشغال‌گران ارتش انگلیس برپا شد، ارتش دولتی با دشواری فراوان و با کمک چریکهای زیر فرمان خان‌های مرتجع در سپتامبر ۱۹۲۰ توانست این قیام را سرکوب کند»^{۳۳}. پس از مدتی خداوردی سردار با تجهیزات جنگی از روسیه به شیروان می‌آید و

۳۰- عبدالرضا خان (شجاع الدوله چهارم) که به دستور او چند رأس از گوسفندان پدر خداوردی را برده بودند.

۳۱- خداوردی سردار دارای ۴ برادر بود.

۳۲- امیر تیمور کلای.

۳۳- ل. ک. بلوی، تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، ص ۴۴۰.

دوباره در روستای گلیان مستقر و به مخالفت با دولت مرکزی اقدام می نماید و با سودای حکومت بزرگتر به قدرتی قابل توجه در برابر دولت مبدل می گردد و طبق اظهار شاهدان عینی و معمرین برای این که قدرتش را به مردم تحمیل کند حکومت دهقانی را فراموش و به چپاول و مردم آزاری در شهرهای اطراف اقدام می کند و با آمدن نماینده ای از سوی حیدر عمواغلی به شیروان و مشاهده حرکات خداوردی سردار که کاملاً مانند یک خان و دیکتاتور عمل می کرد و ارسال گزارش، روسها از حمایت او دست بر می دارند و در همین اثنا طبق فرمان قوام السلطنه قوای محلی خوانین شیروان، بجنورد و قوچان، خداوردی سردار و افرادش را در روستای گلیان محاصره می کنند و پس از چند روز زد و خورد و کشت و کشتار، او شکست می خورد و به سمت بجنورد فرار می کند و از سردار معزز بجنوردی می خواهد که برایش تأمین بگیرد، اما نیروهای خوانین در بجنورد طی یک درگیری مسلحانه برادر خداوردی به نام حسین را با عده ای دیگر می کشند و خداوردی سردار و برادر دیگرش به نام الله وردی را دستگیر و به مشهد می فرستند^{۳۴} که در آن جا به دستور قوام السلطنه اعدام می گردد. در این رابطه جورج لنزوسکی می نویسد «استان خراسان از ماه مارس ۱۹۲۰ میلادی به بعد در معرض اعمال نفوذ شورویها قرار گرفت. البته ارتش سرخ مستقیماً به آن استان حمله نکرد بلکه سیاست استفاده از وجود یک رئیس قبیله دست نشانده و مطیع را مورد توجه قرار داد و این مرتبه قرعه بنام یکی از سران اکراد بنام خداوردی سردار (معروف به خدوسردار) افتاد و او از طرف روسها مأمور شد که در استان خراسان علیه ایران شورشی بر پا سازد و هرگاه قیام قرین توفیق گردید از ارتش سرخ دعوت کند که بکمک او بشتابد. بلوایی که در خراسان بر پا شد بدون کمک شورویها نمی توانست در آن استان جای پای خود را محکم کند زیرا اقلیت کرد در آنجا خیلی کوچک بود و اهمیت چندانی نداشت و حداکثر فعالیت آنها این بود که بصورت دستجات کوچک و نسبتاً بزرگ جاده ها و دهات را مورد حمله و تاخت و تاز قرار دهند عمر این نهضت! هم زیاد طولی نکشید، چه رفته رفته از علاقه رژیم اشتراکی عشق آباد شوروی به کنترل و اداره عملیات باند خداوردی سردار رو به کاهش بود و همچنان که این کاستی فزونی می یافت شورشیان ضعیف تر می شدند تا اینکه بالاخره قبل از فرا رسیدن سال ۱۹۲۱ میلادی بکلی مضمحل و

۳۴ - عده ای از مردم شیروان شاهد بردن خداوردی سردار و برادرش از بجنورد به مشهد بودند که دستها و پاها را در روی اسب بسته بودند و علت شکست او را اعتیاد شدید به مواد مخدر می دانستند.

نابود گردیدند^{۳۵}».

در رابطه با دستگیری و اعدام خداوردی سردار. حاج رجبعلی موسی الرضایی اهل زیارت که خودش در این وقایع یکی از شاهدان عینی بود می‌گفت: سردار معزز حاکم بجنورد پس از خاتمه جنگ و شکست خدوسردار، برای خدو (خداوردی) و ۲۸ نفر از اقوام و طرفدارانش از کلنل محمد تقی خان پسیان فرمانده ژاندارمری خراسان تأمین می‌گیرد و پس از خلع سلاح آنها را تحویل می‌دهد که قوام السلطنه خدوسردار و برادرش و چند نفر دیگر را اعدام می‌کند^{۳۶}.

پس از گذشت ۸ سال از این واقعه، ذوالفقار (معروف به زلفوسردار) نیز در سال ۱۳۰۸ شمسی به طرفداری از دهقانان علیه دولت یاغی شد و خواهان لغو انحصار تریاک بوسیله دولت بود و خود را «شاه مسافر» می‌نامید.

پرفسور ایوانف می‌نویسد: موج شورش دهقانان ایران در سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۰ میلادی ضمن رابطه با بحران اقتصادی جهانی فراگیر شد، کاهش تقاضای فرآورده‌های کشاورزی ایران در بازارهای خارجی باعث کم شدن زمین‌های زیر کشت گردید اربابان و مالکان که کوشش داشتند زیان آثار این بحران را بردوش دهقانان تحمیل کنند به اخذ عوارض بیشتر از دهقانان پرداختند و دولت هم بگونه غیرمستقیم به مالیات دهقانان افزود. این مسئله باعث بینوایی هرچه بیشتر دهقانان گردید و ناخشنودی آنها را افزایش داد. در خراسان یک جنبش پارتیزانی دهقانی به سرکردگی «زلفو» آغاز شد. او خود را پادشاه مسافر نامید و خواهان لغو انحصار تریاک بوسیله دولت بود. چون مأموران دولت محصول خشخاش را به بهای کم برآورد می‌کردند و اینگونه به دهقانان کشت تریاک ستم روا می‌داشتند^{۳۷}».

البته در اواخر سال ۱۳۰۸ شمسی زلفوسردار وسیله مأموران سرلشکر جهانبانی دستگیر و در مشهد اعدام شد.

۳۵- جورج، لنزوسکی رقابت روسیه و غرب در ایران، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳۶- با اعدام خداوردی سردار این واقعه نیز پایان می‌پذیرد اما اگر مایل باشید سنگرهای مستحکم این سردار را می‌توانید در قتل مرتفع کوههای گلیان شیروان که هنوز هم پابرجاست از نزدیک مشاهده کنید. که تماس در سنگرها در سال ۱۲۹۹/ش بوسیله تلفن انجام می‌گرفت.

۳۷- پرفسور. م. س. ایوانف، تاریخ ایران، انتشارات پویش، ۱۳۶۱، ص ۴۷۰.

جنگ جهانی دوم و شیروان

جنگ بین الملل دوم در روز نهم شهریورماه ۱۳۱۸ شمسی با حمله آلمانها به لهستان آغاز شد و در مرداد ۱۳۲۰ شمسی دولتهای انگلیس و شوروی یادداشتهایی به دولت ایران تسلیم کردند و وجود عده‌ای کارشناس آلمانی را در ایران بهانه قرار دادند و روز سوم شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی نیروهای زمینی و هوایی آنها از شمال و جنوب به ایران حمله کردند. در شبی گرم که اکثر مردم شیروان در هوای آزاد و در پشت بامها یا کنار باغها و مزارع بخواب رفته بودند، متوجه صداها و حرکات غیرعادی در اطراف شهر می‌شوند. صبح روز چهارشنبه پنجم شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی^{۳۸} هنگامی که مردم برای انجام فرایض دینی و شروع کار روزمره دیده از خواب می‌گشایند با مناظری ناخوشایند مواجه می‌شوند. چون قوای نظامی ارتش روسیه به بهانه مقابله با ستون پنجم آلمان هیتلری در ایران، با تجهیزات کامل جنگی از قبیل توپ و تانک و خودرو در خیابانهای اصلی شهر و نقاط حساس مستقر شده‌اند و طبق گفته شاهدان عینی هیچ گونه خشونت و اعمال خلاف از طرف سربازان روسی که تعدادی از آنها را زنان و دختران تشکیل می‌دادند علیه مردم انجام نمی‌گرفت و مردم نیز عکس العمل خشنی نسبت به قوای متجاوز نشان ندادند.^{۳۹} اما ادارات دولتی تخلیه گردید و به تصرف روسها درآمد و ژاندارمری و پادگان نظامی خلع سلاح شد. مرکز نیروهای ارتش سرخ در شیروان در محل گردان سابق واقع در خیابان نادری بوده است. با ورود قوای روس به شیروان و اوضاع آشفته آن زمان قیمت ارزاق عمومی بخصوص گندم و نان با سرعت ترقی می‌کند، بطور مثال نان از قرار یک من (۳/۷۵۰ کیلوگرم) دو ریال تا ۶ ریال در همان سال و در سال ۱۳۲۱ شمسی تا ۱۲ ریال افزایش می‌یابد و مردم در یک حالت اضطراب و سردرگمی به سر می‌برند، سرقت، چپاول، زورگویی و سرداری! هم طبق معمول مزید بر علت شده و مردم از چند طرف در مضیقه قرار می‌گیرند. فشار بیشتر روی افراد کم درآمد و

۳۸ - تاریخ مذکور از حاشیه کتاب معراج السعادة مرحوم حاج عباسقلی نوریان اقتباس شده است.

۳۹ - در این رابطه اطلاعیه‌ای از طرف بخشداری شیروان صادر شده بود که مردم خونسردی خودشان را حفظ کنند و عکس العملی نشان ندهند.

کارکنان دولت است. با ادامه این وضع تلفات و خسارات در کل بیشتر می شود^{۴۰}... به هر حال در پنجم شهریورماه فرمان متارکه جنگ به ارتش ایران داده می شود و روز ۲۵ شهریورماه رضاشاه از سلطنت استعفا می کند و از ایران خارج می شود. اما در شیروان برای مدتی قدرت اصلی در دست خوانین محلی بود و ناامنی و دزدی بر سراسر روستاها حاکم بود. بطوری که به علت ضعف حکومت مرکزی افرادی با تهیه چند قبضه اسلحه و جمع آوری چند نفر نوکر به نام سردار! (دزد) باعث ناامنی و چپاول و قتل و کشتار می شدند، البته این افراد هم از طرف خوانین و هم از طرف مأمورین انتظامی مورد حمایت بودند تا به مرور با تثبیت قدرت حکومت مرکزی بساط این گونه افراد برچیده شد و هفته ای نبود که چند نفر از این افراد کشته نشده و جنازه آنها در خیابانهای شهر در معرض دید مردم قرار نگیرد.

واقعه فرج بیک (فرج الله خان بیچرانلو)

فرج الله خان رئیس ایل بیچرانلو به علت مخالفت با دولت مدت طولانی در زندان و تبعید به سر می بُرد. در سال ۱۳۲۰ شمسی به علت وقوع جنگ جهانی و جو سیاسی حاکم بر ایران، فرج الله خان از محل تبعید در شهرستان گلیایگان آزاد و به شیروان آمد و سپس به زادگاهش روستای قلعه حسن رفت. او به علت ظلم و ستم رژیم گذشته در مدت زندان و تبعید همیشه در این فکر بود که به چه طریق می تواند ضربه مؤثری بر رژیم وارد سازد. لذا در زندان و تبعید با صولت السلطنه^{۴۱} آشنا می شود و طبق پیمانی با او منتظر فرصت و موقعیت مناسبی می ماند. طرح نقشه و اقدام به حمله نیز به این طریق بود که فرج الله خان بیچرانلو شهرهای شمالی خراسان مانند بجنورد و شیروان و قوچان و صولت السلطنه نیز از طریق تربت حیدریه شهرهای جنوبی خراسان و بالاخره مشهد را خلع سلاح نمایند. پس از مدتی قریب به دو ماه در سال ۱۳۲۰ شمسی صولت السلطنه با ارسال پیام و رمز (دو قبضه تفنگ برنو و ماشین دوج قرمز رنگ) برای فرج الله خان در شیروان وضع و موقعیت و نحوه حمله را

۴۰ - طبق اطلاعیه روسها در شیروان

۴۱ - محمد یوسف خان هزاره حاکم باخرز و تربت.

اعلام می‌دارد. و فرج الله خان موضوع خلع سلاح ادارات را با سران اکراد سرحدی منطقه شیروان در میان می‌گذارد و خلع سلاح ژاندارمری شیروان را اولین اقدام قرار می‌دهد و تمام سران اکراد و افرادشان که در جنگهای چریکی تسلط داشته‌اند منتظر فرمان حمله می‌شوند، قادرقلی خان یکی از سران اکراد که در آن موقع جوانی رشید و بی‌باک بود با تکیه به قدرت فرج الله خان بدون مصلحت با دیگران به تنهایی در یک موقعیت حساس و به دور از چشم مأمورین کشیک وارد ساختمان ژاندارمری شیروان واقع در خیابان نادری (گردان سابق) می‌شود و با حمله به اسلحه‌خانه و خلع سلاح ژاندارم محافظ تعداد زیادی از اسلحه‌ها را برداشته و قصد خارج شدن از ژاندارمری را می‌نماید که با ضربه شدید قنداق یکی از ژاندارمها که به سر قادرقلی خان اصابت می‌کند مضروب و بازداشت می‌شود و به اجرای نقشه‌اش موفق نمی‌گردد. دو روز بعد از این واقعه فرج الله خان بیچرانلو به منظور خلع سلاح شهر از چهار نقطه حساس وارد شیروان می‌شود. به ترتیبی که محمدتقی خان جیرستانی با عده‌ای از قوای محلی از طریق اداره آمار حدود خیابان سبزواری و محمدبیگ قهاری از طریق ارک و قدرت الله بیک از طریق رودخانه اترک (قره کال) و خان باباحسنی نیز از طریق خیابان عشق آباد سابق به فرماندهی فرج الله خان وارد شیروان می‌شوند.^{۴۲} اولین اقدام قوای فرج الله خان خلع سلاح ژاندارمری است. نیروهای انتظامی مستقر در ژاندارمری به فرماندهی سرکار سروان صدری در ابتدا با سنگربندی قصد درگیری با قوای اکراد را دارند اما چون عده ژاندارمها کم و در مقابل قوای اکراد زیاد بود، مصلحت را در عدم درگیری می‌دانند و طبق دستور سروان صدری ژاندارمری شیروان طی یک درگیری بدون کشت و کشتار خلع سلاح می‌گردد. فرج الله خان چون از خلع سلاح شیروان آسوده خاطر می‌شود با قوای سواره مسلح به طرف بجنورد حرکت می‌کند تا ادارات انتظامی آن شهر را نیز خلع سلاح نماید.^{۴۳}

در ابتدای حمله مقاومت کوتاهی از طرف نیروهای انتظامی بجنورد به فرماندهی اردشیرخان شادلو انجام می‌گیرد که نهایتاً آنها نیز خلع سلاح می‌شوند و هر روزی که

۴۲ - قبل از حمله قوای فرج الله خان به شیروان بین او و شیخ حسین معین یکی از افراد متنفذ شیروان سوء تفاهمی پیش آمده بود که در هنگام ورود قوای اکراد، مرحوم معین با درایت و دوراندیشی در خیابان عشق آباد به طرف فرج الله خان می‌رود و با روبوسی کدورت و سوء تفاهم منتفی و منزل معین مرکز عملیات قوای فرج الله خان می‌گردد.

۴۳ - در سال ۱۳۲۲/ش چون شهرهای شمالی خراسان در تصرف قوای روس بود قوای انتظامی از قدرت واقعی برخوردار نبودند.

می‌گذرد بر قدرت و تعداد افراد محلی فرج الله خان بیچرانلو افزوده می‌شود و او فرمان خلع سلاح نیروهای انتظامی قوچان را نیز صادر می‌کند و پس از خلع سلاح فاروج به نزدیک قوچان می‌رسند. در این مدت صولت السلطنه نیز شهرهای تایباد، خوف، رشخوار، تربت حیدریه را خلع سلاح می‌کند اما در دوراهی سنگ بست قوای محلی صولت از تیپ فرماندهی سرتیپ بیگلری شکست می‌خورد.

قوای چریکی فرج الله با شنیدن این خبر و به علت این که هنوز عده‌ای از قوای متجاوز روسیه در مراکز انتظامی قوچان مستقر بودند از حمله به قوچان خودداری می‌کنند و یا قادر به این کار نمی‌شوند. البته فرج الله خان و صولت السلطنه به حمایت روسها امیدوار بودند ولی آنها اعلام می‌کنند که ما توجهی به این گونه امور نداریم و بطور حتم این حرکات مورد معاملات سیاسی پشت پرده قرار نگرفته است و گرنه امکان موفقیت قوای فرج الله خان و صولت السلطنه در این حرکت بسیار محتمل بوده است. البته این واقعه در زمانی که منصور استاندار خراسان بود به وقوع پیوسته است و پس از مدتی سرتیپ نخجوان و بیگلری برای سازماندهی نیروی انتظامی شیروان که خلع سلاح شده بود به شیروان می‌آیند و با جمع‌آوری نیروهای انتظامی و تعیین فرمانده برای ژاندارمری دوباره مسئولیت امنیت شهر و قرای اطراف به عهده آنها قرار می‌گیرد.

حکام محلی شیروان

حکمرانانی که از اوایل صفویه تا اواخر پهلوی در شیروان به نام ایلخان خان و رئیس طایفه بر مردم و منطقه وسیعی از خراسان حکومت می‌کردند با مراجعه به مأخذ تاریخی به شرح زیر است:

- ۱ - شاهقلی سلطان زعفرانلو به فرمان شاه عباس در سال ۹۹۸ قمری حکومت شیروان و دیگر بلاد شمالی خراسان را از بجنورد تا رادکان مشهد به عهده داشت.^{۴۴}
- ۲ - یوسف سلطان فرزند شاهقلی سلطان در سال ۱۰۳۷ قمری^{۴۵} حکمران این نواحی بود.

۴۴ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ج ۱، چاپ سنگی تهران، ۱۳۰۱، ص ۱۵۷.

۴۵ - همانجا، ص ۱۵۷ و عالم آرای عباسی، ج ۳، ص ۱۰۸۸.

۳ - قراخان پسر مهرباب بیک به فرمان شاه سلطانحسین صفوی.^{۴۶} در این مورد مؤلف مطلع الشمس می‌نویسد: «... بنای زد و خورد را با طایفه گرائیلی گذاشتند و در اندک زمانی آنها را از محالات مزبوره خارج ساخته قراخان پسر مهرباب بیک بر این ناحیه غلبه کرد و شیروان را یورت قرار داد»^{۴۷}.

۴ - سام بیک (سام خان) پسر قراخان^{۴۸} بعد از پدرش حکومت شیروان و شهرهای شمالی خراسان را به عهده داشت که دخترش به ازدواج طهماسب قلی (نادرشاه آینده) درآمد.

۵ - محمد حسین خان پسر سام بیک^{۴۹} که طبق فرمان نادرشاه در سال ۱۱۴۸ قمری با لقب ایلخانی بر نواحی شیروان و قوچان حکومت می‌کرد.

۶ - امیرگونه خان^{۵۰} فرزند محمد حسین خان

۷ - رضاقلی خان^{۵۱} فرزند امیرگونه خان ایلخانی که در سال ۱۲۳۴ قمری به فرمان فتحعلی شاه قاجار به حکمرانی رسید. جنگهای او با محمد حسن خان سالار و حاکم مقتدر بجنورد قسمتی از تاریخ گذشته شیروان است.

۸ - شیرمحمد خان در اوایل سلطنت محمدشاه قاجار بطوری که مؤلف یکصد سند تاریخی می‌نویسد: «... در دهم ذیحجه سال ۱۲۵۰ قمری قوچان و شیروان به تصرف عساکر منصوره پادشاهی درآمد حکومتش به سردار محمدولیخان تفویض شد و در شیروان هم شیرمحمدخان حاکم شد»^{۵۲}.

۹ - سام خان فرزند رضاقلی خان^{۵۳} در سال ۱۲۵۲ قمری حکمران شیروان بود.

۱۰ - محمدعلی خان ماکوئی در سال ۱۲۶۳ قمری «محمدشاه قاجار برادرش حمزه میرزا را به حکومت خراسان فرستاد و او چون به خراسان رسید محمدعلی خان ماکوئی

۴۶ - محمد حسن خان صنع الدوله، مطلع الشمس، ج ۱، ص ۱۵۷.

۴۷ - همانجا و گنج دانش.

۴۸ - مطلع الشمس، ص ۱۵۸-۱۵۷.

۴۹ - میرخواند، روضة الصفا، ج ۱، ۱۳۳۹ ختیم، ص ۳۲۸.

۵۰ - مطلع الشمس، صنع الدوله، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۵۱ - همانجا

۵۲ - ابراهیم صفائی، یکصد سند تاریخی، ص ۲۹.

۵۳ - صنع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۵۷.

را که سرتیپی بود متهور و دلیری متنمر به حکومت بزنجر (بجنورد) الی شیروان و خوبشان مأمر فرمود^{۵۴}.

۱۱ - امیرحسین خان «بعد از سام خان امیر حسین خان برادرش ایلخان طایفه زعفرانلو و ملقب به شجاع الدوله گردیده که هم اکنون حکمران شیروان و قوچان است^{۵۵}».

۱۲ - امیرگونه خان در سال ۱۲۸۴ در زمان ناصرالدین شاه «در حوالی شیروان امیرگونه خان برادر شجاع الدوله که حاکم شیروان است با اعیان و علما و تمام خلق بلد به زیارت رکاب مبارک مشرف گشته مورد مراجع ملوکانه آمدند و حضرت شاهنشاه در باغی که مخیم سرپرده های همایونی بود شرف ورود ارزانی داشتند^{۵۶}».

۱۳ - الهیارخان مین باشی^{۵۷} در سال ۱۳۰۰ قمری «... بعد از نهار برخاسته پیاده قدری راه رفته از آب دره که میان ده (قریه زوارم شیروان) بود گذشتیم آن طرف خانه مرتضی بیک پسر مین باشی بود که از طایفه ترک هستند خود مرتضی بیک نایب زوارم است و مین باشی پدرش حاکم شیروان است^{۵۸}».

۱۴ - عبدالرضا خان شجاع الدوله در سال ۱۳۱۰ قمری در زمان مظفرالدین شاه قاجار «... بعد از فوت محمدناصرخان حاکم قوچان. عبدالرضاخان حاکم شیروان به تهران می رود و با کمک و همیاری صدراعظم میرزا علی اصغرخان امین السلطان حاکم قوچان می شود».

۱۵ - ولی خان بهادرانلو.

۱۶ - فرج الله خان نگهبان (ضیغم الملک).

۱۷ - امیرحسین خان نگهبان فرزند ضیغم الملک.

البته بجز افراد مذکور: حاجی خان سرتیپ^{۵۹}، مشیرهمایون، شاهرخ خان، سلطان قنبر آقاجان، مظفر السلطنه، تاج محمدخان بهادری^{۶۰}، سیدعزیزخان عرب، فرج الله خان بیچرانلو و علی خان بیک بیچرانلو هر یک مدت کوتاهی حاکم شیروان بودند و شاهپورخان نگهبان

۵۴ - میرخواند، روضه الصفا، جلد ۱۰، ص ۳۲۸؛ مردم شیروان هیچ گاه از محمدعلی ماکویی پیروی نکردند حتی علیه او قیام کرده و او را به قتل رساندند.

۵۵ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۵۷.

۵۶ - سفرنامه خراسان، سال ۱۲۸۴ قمری، ص ۱۴۱.

۵۷ - مین باشی یا مینگ باشی. لغتی ترکی و به معنی فرمانده هزار نفر است.

۵۸ - ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، سال ۱۳۰۰، ص ۱۰۹.

۵۹ - سند فروش سرکار باغی وسیله حاجی خان سرتیپ را در صفحه بعد مشاهده کنید



وزارت جنگ

لشکر شرق

نصرت‌اللهی زعفرانی

۱۳۳۵
۳۶۶۳

باب بقعه و اطرافه تیسکه دهه و دوشیروان دارید اینک حکومت محترم کو بهجده
کفایت تا تقاضای خود کرد و نیز به شیروان غنیمت نموده و بطریق شایسته
و سایر رفاهات و ایالتی ان ملان را فراموش کرده و از سر نو
و به جهت خود را به شیروان ایالتی نظر پنجانب را فراموش نداشتید



حکم امیرجان محمدخان فرمانده لشکر شرق ایران (خراسان و سیستان و بلوچستان) برای
نصرت‌الله خان زعفرانی در مسیر حرکت شیروان در تاریخ ۱۳۰۴/۱۲/۱۱ شمس - ۱۳۰۴
تقریباً ایالته نصرت‌الله خان زعفرانی در راه ایالتی حکومت رضاشاه برای تصرف قدرت استقامت
نماید. ایالتی زعفرانی در راه ایالتی برای از بین بردن نفوذ معنی مشاوره ایالات مدت چند سال در
دربار شاه تحت نظر بود. گمانده

(سند شماره ۵)

دیگر فرزند ضیغم‌الملک نیز مدتی در زوارم و نواحی اطراف حکمرانی می‌کرد. او در زمان محمد رضا شاه رئیس انجمن شهرستان شیروان بود. ضمناً یادآوری این نکته نیز ضروری است که پس از حکمرانی فرج‌الله خان نگهبان (ضیغم‌الملک) در شیروان از قدرت خوانین مانند دیگر نقاط کشور کاسته شده بود و آن نفوذ گذشته خود را نداشتند.^{۶۰}

لشکرکشی سرهنگ بیگلری

خلع سلاح ژاندارمری شهرهای شیروان، بجنورد و فاروج بوسیله فرج‌الله خان بیچرانلو معروف به فرج‌بیک در ۱۳۲۰ شمسی و عدم موفقیت در خلع سلاح قوچان که به علل مستقر شدن یک تیپ سرباز به فرماندهی سرتیپ نخجوان و وساطت حاج آقا نجفی عالم بزرگوار و همچنین اشغال قوچان بوسیله نیروهای نظامی روسیه و بخصوص عدم هماهنگی اقدامات محمدیوسف خان هزاره ملقب به صولت السلطنه که از طریق تربت حیدریه می‌بایستی قوای نظامی شهرها را خلع سلاح کند. فرج‌الله خان بیچرانلو ناموفق به شیروان برگشت و در روستای هنامه مستقر شد پس از چندی دولت به منظور خلع سلاح منطقه و بخصوص فرج‌الله خان سرهنگ بیگلری را با یک گردان سرباز مسلح و شش قبضه مسلسل سبک و یک قبضه مسلسل سنگین به شیروان اعزام کرد. سرهنگ بیگلری در شیروان نامه‌ای به فرج‌الله خان بیچرانلو نوشت و از او خواست تا خلع سلاح و تسلیم گردد، اما او به این کار راضی نشد، بیگلری قصد اقدام نظامی داشت ولی «منصور» استاندار وقت خراسان از این کار ممانعت کرد. به هر حال بیگلری با عده‌ای از سربازان مسلح و سرگرد شهنواز به روستاهای هنامه رفتند تا موضوع را از نزدیک به نحوی حلّ و فصل نمایند تا به زد و خورد و قتل و کشتار منجر نشود. فرج‌الله خان نیز با عده‌ای از افراد خود به استقبال سرهنگ بیگلری می‌آید و متعهد می‌شود که شخصاً اسلحه‌ها را جمع‌آوری و تحویل دهد. سرهنگ بیگلری پس از تعهد فرج‌بیک به شیروان برمی‌گردد و چند روز بعد فرج‌الله خان تعدادی اسلحه شکسته و مستعمل و غیر قابل استفاده را ارسال می‌کند که این موضوع باعث ناراحتی

۶۰ - البته عوامل خوانین به طریق دیگری در دستگاه‌های اداری نفوذ داشته‌اند.

سرهنگ بیگلری شده و سربازان را آماده می‌کند که به روستای هنامه حمله نماید، در این لحظات منطقه در رعب و وحشت فرو رفته و هر لحظه امکان درگیری و قتل و کشتار می‌رود، اما خوشبختانه با دخالت آقای رحیمیان نماینده سابق مجلس از این خونریزی جلوگیری می‌شود و پس از چند روز محاصره منطقه و دلهره و نگرانی فرج الله خان با تحویل ۲۰۰ قبضه اسلحه خلع سلاح می‌شود. سرهنگ بیگلری در خلع سلاح منطقه شیروان بیش از ۸۰۰ قبضه سلاح نیز از دیگر خوانین منطقه اخذ و تا حدودی آرامش را به نواحی شیروان باز می‌گرداند.^{۶۱}

جنگ امیرحسین خان نگهبان و علی خان بیک بیچرانلو

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ شمسی استعمار خارجی و فرصت طلبان داخلی به عناوین مختلف اختلافاتی را بین خوانین پر قدرت محلی ایجاد می‌کردند تا با تضعیف قدرت و ایجاد ناامنی در ناحیه شمال خراسان بویژه در منطقه شیروان که هریک از خوانین با تعدادی افراد مسلح ورزیده همیشه اوقات در دسرهایی برای حکومت مرکزی دولت به وجود می‌آوردند به نحوی از اتحاد و همبستگی خوانین جلوگیری کنند تا حکومت مرکزی بتواند مقاصد شوم خود را که چیزی جز حکومت خانخانی در سطح بزرگتری نبود به مرحله اجرا درآورد، برای این منظور حکومت وقت مدتی از یک خان حمایت می‌کرد و مدتی حاکم محلی دیگری را متهم به رابطه با کشوری بیگانه می‌نمود که این دسیسه‌ها و نیرنگها عامل اصلی قتل و کشتارها و جنگهای محلی در طول تاریخ حکومت‌های ملوک الطوائفی بوده است، که جنگ و درگیری امیرحسین خان نگهبان زعفرانلو حاکم شهر شیروان و علی خان بیک بیچرانلو حاکم منطقه سرحد که مرکز حکومتش در روستای هنامه قرار داشت را می‌توان آخرین دوره جنگهای محلی بین خوانین شیروان دانست. جریان واقعه بدین نحو بوده است که در سال ۱۳۲۳ شمسی به علت پاره‌ای گزارشها در منطقه شیروان سرهنگ صدقی فرمانده هنگ ژاندارمری بجنورد مأموریت می‌یابد تا به

۶۱ - برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به کتاب الحقیقة الرضویة محمد حسن ادیب هروی و خاطرات یک سرباز تألیف سرتیپ حیدرقلی بیگلری که خود عامل خلع سلاح خوانین منطقه بود مراجعه بفرمائید.

شیروان آمده و موضوع درگیری قریب الوقوع را که مردم را در رعب و وحشت فرو برده از نزدیک بررسی کند. لذا سرهنگ صدقی پس از بازدید از روستاهای شمالی شیروان و مرز ایران و شوروی وارد روستای هئنامه مرکز حکومت علی خان بیک بیچرانلومی شود و ضمن تهیه گزارش مسافرت، هنگامی که به اتفاق علی خان بیک و عده ای ژاندارم و چند نفر از افراد علی خان بیک از روستای هئنامه به سوی شیروان می آمدند، در بین راه نزدیک روستای امان آباد که معمولاً امیرحسین خان نگهبان تابستانها در آنجا زندگی می کرد و برج و دیده بانی بلندی نیز در مجاور منزل مسکونی خود ساخته بود^{۶۲}، سرهنگ صدقی یکی از ژاندارمها را می فرستد، در صورتی که خان در امان آباد باشد او را احضار تا سوء تفاهم بین او و علی خان بیک را فیصله دهد. امیرحسین خان به محض دریافت پیام سرهنگ صدقی بر اسب سوار می شود و در حدفاصل بین روستای امان آباد و خانلق در مجاور رودخانه قلجق به سرهنگ صدقی و علی خان بیک و دیگر افراد مسلح می پیوندد. در حضور سرهنگ صدقی با توجه به اختلافات قبلی بین دو خان منطقه مشاجره لفظی درمی گیرد و یکی از افراد علی خان بیک با قنداق تفنگ به طرف امیرحسین خان حمله می برد که او نیز بلافاصله با اسلحه کمری به تیراندازی به طرف علی خان بیک اقدام می کند که یکی از تیرها به قسمت بالای میچ دست چپ علی خان بیک اصابت می کند. خان بیچرانلوزخمی شده از روی زین اسب به زمین می غلطد و امیرحسین خان بلافاصله اسب را می تازد و با توجه به ورزیدگی و تمرینات خاص با استتار در جلوسینه و پهلوهای اسب از داخل رودخانه قلجق از صحنه درگیری می گریزد و با این که در هنگام فرار به طرف او تیراندازی می شود هیچ کدام از تیرها به امیرحسین خان اصابت نمی کنند. سرهنگ صدقی در این رابطه گزارشی تهیه و از علی خان بیک می خواهد اقدامی نکند تا از مشهد کسب تکلیف شود و خود نیز به مشهد می رود. اما در شیروان شایع می شود که در این درگیری علی خان بیک کشته شده و امیرحسین خان هم زخمی است.

امیرحسین خان نگهبان بلافاصله به کوههای شاه جهان و میان آباد^{۶۳} که ایلات و طوایف زعفرانلو در روستاهای آنجا زندگی می کنند می رود و از آنها تقاضای کمک می کند و آنها نیز نیروهای مسلح محلی خودشان را در اختیار خان می گذارند تا برای درگیری

۶۲ - برج و دیده بانی هنوز هم پابرجاست.

۶۳ - اسفراین

قریب الوقوع آماده شوند. از طرفی علی خان بیک هم به شیروان می آید تا شایعه مرگش تکذیب شود. او نیز از فرج الله خان بیچرانلو کمک می طلبد تا افراد مسلح خود در روستاهای شمالی شیروان را برای نبردی انتقامی در اختیار او قرار دهد...

جنگ در مرکز شهر

چند روزی از واقعه اصابت تیر به علی خان بیک نمی گذرد که دو خان محلی که هر دو از یک ایل^{۶۴} می باشند آماده نبردی خونین می شوند بطوری که تمام افراد جوان و ورزیده شهر و روستا به صورت مسلح در دو جبهه حاضر می شوند تا جنگ تمام عیار خود را آغاز کنند و مردم شهر را نیز اضطراب و دلهره خاصی در بر گرفته است. به هرحال تمام خوانین سرحدی شیروان که از علی خان بیک حمایت می کنند طی جلسه ای در روستای هنامه تصمیم می گیرند با افراد مسلح خود به شهر شیروان حمله کنند. که طبق گفته شاهدان عینی در هنگام حرکت نیروهای مسلح محلی اکراد بیش از ۲۰۰ نفر ذکر می شود. این عده در مسیر راه به روستای امان آباد محل زندگی تابستانی امیرحسین خان می رسند و با حمله به منزل مسکونی تخلیه شده او، قسمتی را تخریب و از طریق شمال شهر وارد شیروان می شوند اما طبق توصیه فرج الله خان بیچرانلو در داخل شهر هیچ گونه اقدام خصمانه ای انجام نمی دهند. در همان روز افراد مسلح امیرحسین خان نیز با حمایت خوانین اسفراین و خان زوارم و امیرمحمدخان وارد شیروان می شوند و در منزل امیرحسین خان و اطراف آن در قسمت جنوبی شهر سنگربندی می کنند و شیروان چهره یک شهر نظامی به خود می گیرد. افراد مسلح هر دو خان با بستن قطار فشنگها به دور کمر و به صورت حمایل از شانه ها و انداختن تفنگهای روسی، برنو و شصت تیر بر دوش و اسلحه کمری و دشنه بر کمر، سوار بر اسب در خیابانهای شهر رفت و آمد می کنند و با ایجاد سنگر هریک قدرت خودش را به رخ دیگری می کشد. فرج الله خان بیچرانلو که از بستگان نزدیک علی خان بیک است بیشتر در فکر تفاهم و صلح است تا به طریقی از ایجاد درگیری و قتل و کشتار جلوگیری کند اما در این کار موفق نمی شود. تا این که به علت مشاجره لفظی بین دو نفر از افراد دو خان متخاصم اولین جرقه برای درگیری زده می شود و با شلیک اولین تیر، طرفین از سنگرها و پشت بامها

شروع به تیراندازی می‌کنند. این درگیریها ساعتها به طول می‌انجامد و در همین اثنا حجی محمد پهلوان یکی از افراد ورزیده امیرحسین خان نگهبان به علت اصابت تیر بر قلبش در ابتدای خیابان جامی شمالی کشته می‌شود^{۶۵} و هر لحظه بر شدت درگیری افزوده می‌شود، کشته شدن حجی محمد و زخمی شدن عده‌ای دیگر باعث تحریک افراد مسلح امیرحسین خان شده و احتمال خونریزی زیادتری می‌رود که با صلاح‌دید خوانین سرحدی افراد مسلح علی خان بیک شهر را تخلیه و به روستاهای هنامه و «قلعه حسن» می‌روند،^{۶۶} نگرانی و وحشت همچنان بر منطقه شیروان حکمفرماست تا این که دو روز بعد از این درگیری خبر می‌رسد که افراد مسلح علی خان بیک با حمایت دیگر خوانین سرحدی قصد حمله به شهر شیروان و قتل و غارت را دارند و امیرحسین خان با توجه به قدرت خوانین سرحدی، افراد مسلح خود را آماده نبرد می‌کند، بالاخره خبر می‌رسد که قشون پیاده و سواره علی خان بیک در نزدیکیهای روستای خانلق هستند و قصد دارند از سه طریق به شهر حمله کنند. امیرحسین خان نگهبان نیز با توجه به کشته شدن حجی محمد و تحریک مردم قشونی عظیم برای این درگیری آماده می‌شود و مسیر راههای ورودی شهر را سنگر بندی می‌کند، او هنگام حرکت به میدان درگیری مقدار زیادی پول نقد به عنوان انعام و صدقه بین افراد خود تقسیم می‌کند و با عده‌ای از بهترین تیراندازان در مسیر اصلی راه یعنی باغهای بالای آسیاب در باغ کربلایی صفدر سنگر بندی می‌کند تا از هجوم به شهر جلوگیری کند. در شهر نیز شایع شده در صورت پیروزی خان بیچرانلو منازل عده‌ای از متنفذین شهر غارت خواهد شد، در طرف مقابل علی خان بیک سوار بر اسب پیشاپیش افراد مسلح خود در حالی که دست چپش باندپیچی شده است هر لحظه به شهر شیروان نزدیک می‌شود و از روستای خانلق در سه کیلومتری شهر نیز عبور می‌کند و عده‌ای از افراد ورزیده علی خان بیک از طریق چاههای قنات شیروان قصد عبور دارند تا از آن‌جا خودشان را به مظهر قنات برسانند و امیرحسین خان و افرادش را غافل گیر کنند، اما این حرکت چریکی به علت عبور افراد از داخل آب و دالانهای ارتباطی چاهها ولای شدن آب قنات لومی رود، چون یکی از افراد امیرحسین خان نگهبان که در مجاور جوی آب در داخل باغها پنهان شده بود، مشاهده می‌کند آب قنات لای می‌شود و بلافاصله جریان را در جان‌پناه

۶۵ - مرکز اصلی زد و خوردها چهارراه جامی فعلی بود.

۶۶ - مسؤولین انتظامی شهر در این رابطه هیچ گونه اقدامی نمی‌کردند.

کربلایی صفدر،^{۶۷} به امیرحسین خان اطلاع می دهد.

درگیری در دنفیره^{۶۸} (مظهر قنات)

در این لحظات افراد مسلح علی خان بیک که در فواصل دورتر از مظهر قنات (دنفیره) سنگربندی کرده بودند با نگرانی منتظر اقدامات افراد چریک داخل قنات هستند تا با اولین شلیک تیر حمله را آغاز کنند، پس از مدتی حسن حمزه کانلو اولین کسی است که از مظهر قنات بیرون می آید اما غافل از آن که لای شدن آب اقدام چریکی او و دوستانش را افشا کرده است، لذا با مشاهده حسن حمزه کانلو در دنفیره، امیرحسین خان نگهبان و امیرمحمد خان اقدام به تیراندازی می کنند و حسن حمزه کانلو مورد اصابت تیر قرار می گیرد و در دم کشته می شود هم‌رمز دیگرش رسول قلعه حسن هنگامی که جنازه خون آلود دوستش را در داخل آب دنفیره می بیند، با از جان گذشتگی و در پی انتقام برمی آید در حین تیراندازی قصد می کند که از قنات خارج شود و به دشمن حمله کند. اما او نیز مورد اصابت تیر قرار می گیرد و در داخل آب جان می بازد، در این درگیری عده ای دیگر نیز کشته و زخمی می شوند بطوری که آب قنات به رنگ سرخ درمی آید و جنگ با تیراندازی طرفین درگیر به اوج شدت خود می رسد و پس از چند ساعت درگیری و کشته و زخمی شدن عده ای بی گناه، افراد مسلح علی خان بیک اقدام به عقب نشینی می کنند تا در موقعیت دیگری اقدام تلافی جویانه خود را آغاز کنند، اما عده ای از معتمدین محلی به مشهد می روند و جریان درگیرها و قتل و کشتار را حضوراً به مقامات مسؤول گزارش و اظهار می کنند در صورتی که از طریق قوای نظامی دولت اقدامی انجام نگیرد در چند روز آینده شما شاهد قتل و کشتار جمعی دیگر از مردم شیروان خواهید بود، بالاخره استاندار به لشکر شرق مأموریت می دهد تا موضوع را پیگیری کند و اقدامات لازم را انجام دهد و نتیجه کار را گزارش نماید. که با اعزام یک گروهان ژاندارم به شیروان در مدت یک ماه خوانین محلی خلع سلاح و به درگیرها خاتمه می دهند و تا اندازه ای امنیت به منطقه برمی گردد و مردم زندگی عادی خود را از سر می گیرند.

۶۷ - در جان پناه کربلایی صفدر بجز امیرحسین خان نگهبان، امیرمحمد خان و حاج رجبعلی موسی الرضایی و حاج میرزا بزرگ امیری مقدم و ابراهیم شیرغانی عبدالآباد و عده ای دیگر نیز بودند که اکثر در قید حیات هستند و جریان واقعه را برای نگارنده بازگو کرده اند و این جان پناه مسلط بر مظهر قنات نیز بود.

۶۸ - دنفیره، (دنفیره) اصطلاحی محلی و به مظهر قنات گفته می شود.

وقایع دوران پهلوی

پس از انقراض سلسله قاجار رضاخان سردار سپه با حمایت بیگانگان قدرت را به دست گرفت و به سلطنت رسید. او در سال ۱۳۰۵ شمسی تاجگذاری می‌کند و با تظاهر به سیاست ضد استعماری نظر عده‌ای از روشنفکران، روحانیون و مردم را به طرف خود جلب می‌کند. در تیرماه سال ۱۳۰۵ شمسی پس از واقعه لهاک خان سالار جنگ در تصرف شهرهای بجنورد، شیروان و قوچان، رضا شاه برای بررسی اوضاع و سرکوب هرگونه جنبش محلی از طریق مشهد به شیروان (کهنه شهر^{۶۹}) وارد و بدون توقف به بجنورد می‌رود. در بجنورد عده‌ای از طرفداران و سربازان سالار جنگ و رئیس دارایی و یکی از وعاظ و روحانیون مخالف را دستگیر و اعدام می‌کنند^{۷۰} و پس از رفع این غائله هنگام مراجعت از بجنورد در ابتدای دروازه قدیم شهر شیروان مجاور رودخانه اترک نزدیک خوشه گاه مردم و دانش آموزان^{۷۱} از رضا شاه استقبال می‌کنند و عطاالله خان زعفرانلو خیر مقدم می‌گوید و رضا شاه در یک سخنرانی کوتاه از مردم شیروان می‌خواهد که از حکومت مرکزی اطاعت کنند و از افرادی مانند لهاک خان سالار جنگ که او را عوامل کشور روسیه معرفی می‌کند، حمایت نکنند و از فرج الله خان نگهبان حاکم شیروان می‌خواهد که خودش یا یکی از خوانین محلی را به عنوان آجودان به دربار شاه در تهران اعزام کند،^{۷۲} که پس از مدتی نصرالله خان زعفرانلو برای این منظور به تهران می‌رود البته رضا شاه نمایندگان زیادی از تمام ایلات و طوایف مقتدر ایران در تهران به عنوان آجودان مخصوص جمع می‌کرد که هدف او بیشتر ایجاد قدرت و رعب و وحشت در بین ایلات بود. رضا شاه از شیروان به روستای دوین که آن زمان در مسیر راه قرار داشت می‌رود و پس از استراحتی کوتاه در کنار چشمه پرآب سرچشمه دوین به مشهد می‌رود...

۶۹- محل مسکنی مردم شهر کهنه شیروان بود که بر اثر زلزله سال ۱۳۰۸/ش تخریب شد.

۷۰- رضا شاه در بجنورد دستور می‌دهد برای کسانی که در برابر سالار مقاومت کرده و کشته شده اند آرامگاهی به عنوان قبر شهدا بنا گردد که این کار پس از مدتی انجام می‌گیرد.

۷۱- تعداد دانش آموزان ۷۸ نفر ذکر شده است.

۷۲- این افراد بیشتر به عنوان آجودان ولی در اصل گروگان در تهران نگهداری می شدند.

رضا شاه در سال ۱۳۱۴ شمسی فرمان رفع حجاب را صادر کرد که با مقاومت شدید مردم مواجه گردید. زنان شیروان تحت هیچ شرایطی حاضر به کنار گذاشتن حجاب اسلامی خود نبودند و با این که مأمورین شهربانی و ژاندارمری شدیداً کنترل می‌کردند ولی اکثر مجالس روضه‌خوانی و مخالفت با رژیم در باغها برگزار می‌شد تا زنان با حجاب کامل اسلامی که وسیله رضا شاه ممنوع اعلام گردیده بود شرکت کنند، حتی عده‌ای از زنان شیروان ماهها از منزل مسکونی خودشان خارج نشدند. رضا شاه در اواخر حکومت خود به بسط و توسعه روابط با کشور آلمان علاقه یافت و به همین جهت مقارن آغاز جنگ دوم جهانی تعدادی از کارشناسان آلمانی در مؤسسات ایران مشغول به کار شدند متفقین از دولت ایران خواستند که کلیه کارشناسان آلمانی را اخراج نماید و پس از این اولتیماتم، نیروهای نظامی انگلیس از جنوب و نیروهای شوروی از شمال وارد خاک ایران شدند که مردم شیروان در پنجم شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی شاهد تانک‌ها و زره‌پوشها و کامیون‌های سربازان روسی در سر چهارراه‌ها و خیابانهای شیروان بودند.

متعاقب این اقدام رضا شاه را مجبور به کناره‌گیری به نفع پسرش محمد رضا شاه نمودند. در دوران سلطنت محمد رضا پهلوی که مانند پهلوی اول از حمایت بی دریغ بیگانگان برخوردار بود وقایع شگرفی در این مملکت روی داد که از جمله نهضت ملی ایران و قیام ۱۵ خرداد بود که سرانجام با پیروزی ملت مسلمان ایران به رهبری زعیم عالیقدر حضرت امام خمینی در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ رژیم پهلوی برچیده شد و جمهوری اسلامی در این مملکت برقرار گردید.

آخرین حمله ترکمنها به منطقه شیروان

در اوایل دی‌ماه سال ۱۳۲۳ شمسی با شروع زمستانی زودرس و پربرف، روستاییان زحمتکش و رنج کشیده منطقه شمال شیروان که از کار طاقت‌فرسای بیگاری برای جوانین و بکان و کدخدایان اندکی آسوده شده و طبق سنت محلی با ذبح گوسفند پروار خود و تهیه آرد مصرفی زمستان که معمولاً در کندوها نگهداری می‌شود و مقداری ماست خشک در کنار بخاریهای هیزمی و یا اجاق خانه‌های گلی و محقرشان به زندگی مشقت‌بار و مظلومانه

خود ادامه می دادند. ریزش برف های سنگین و متوالی با این که بهاری پربار را نوید می داد اما حفظ و نگهداری چهارپایان برای روستاییان بخصوص آنهایی که ذخیره غذای دامی نداشتند بسیار مشکل می نمود «درچنین شرایطی یکی از بیک های محلی از روستای هنامه شیروان با ۳۲ نفر از اکراد مسلح و سوار بر اسب برای تثبیت قدرت خود و ایل بیچرانلو بطرف قراء شمالی شیروان حرکت می کند، بیک به عنوان فرمانده به هر روستایی که می رسد در منزل کدخدا اسکان یافته و چند نفر از روستاییان با نفوذ را بلافاصله مورد استنطاق و ضرب و شتم قرار می دهد تا در همان ابتدا زهرچشمی از دیگر روستاییان بگیرد. کدخدایان نیز درچنین مواقعی با توجه به تجربه قبلی در کار خود خبره و استادند و به نسبت بضاعت مالی هر روستایی مظلوم، چند نفر از نوکران خان یا بیک، بین ساکنین روستا تقسیم می شوند و طبق معمول خان یا بیک و دیگر سرکردگان در منزل کدخدا هستند تا بنحو احسن پذیرایی شوند»^{۷۳}.

در روستای سولدی شخصی به نام محمدحسین سولدی، که با این حرکت بیک مخالفت می کرد احضار و به محض رسیدن او به ایوان منزل کدخدا (حسن بیک فرزند عابدین) او را به ستون چوبی ایوان بسته و کتک می زند تا قدرت بیک به اثبات برسد... «تا این که در صبحگاه هشتم دی ماه ۱۳۲۳ به روستای گیفان^{۷۴} که فارس زبانند می رسند و شخصی به نام سید میرزا علی اکبر در برابر قدرت نمایی «بیک» و نوکرانش که تقاضای پنجهزار تومان پول و چهار حلب روغن و دو تخته قالیچه نموده بود ایستادگی می کند و به او می گوید: این اعمال شما درست نیست و شما را به جدم قسم می دهم که از این گونه قدرت طلبی و زورگویی به یک عده روستایی دست بردارید. «بیک» که طبق سازمان ضوابط ایلگیری (ایلاتی) دخالت در امور روستاها را حق خود می دانست در پاسخ به میرزا علی اکبر می گوید: سید! در کوه و بیابان تفنگ و زور حکومت می کند و ما برای امنیت شما باین جا آمدم و تا افرادی مثل تو در روستا زندگی می کنند، این جا آسایش و امنیت نخواهد داشت... پس از دو روز استراحت در گیفان به علت ریزش شدید برف و بسته شدن راهها و تثبیت قدرت ایل بیچرانلو، در هنگام بازگشت از گیفان، مردم روستاهای مسیر راه از بیک به عنوان یک سردار پیروز استقبال می کردند و از رعب و وحشتی که ایجاد کرده بود،

۷۳ - نقل قول از زبان یکی از افراد مرحوم موسی بیک که خود در این واقعه شرکت داشت.

۷۴ - روستای گیفان در نزدیکی مرز از توابع شهرستان بجنورد است.

هدایای زیادی نیز پیشکش می‌کردند... این حرکت و قلدری به روستاییان و ترکمنها که روابط اقتصادی نزدیکی با گیفانی‌ها دارند غیرقابل تحمل می‌گردد و از طرفی نیز ترکمنها روستای گیفان را در حوزه قدرت خود می‌دانند و به منظور تحریک احساسات مردم اختلافات نژادی و قومی و زبانی را که یادگار شوم استعمار است مطرح می‌کنند.^{۷۵}

«دو روز پس از حمله بیک و افرادش به گیفان، قاضی خان ترکمن و «علی حسنقلی» گیفانی با تحریک مردم در حدود ۴۰۰ نفر ترکمن و تات^{۷۶} را مسلحانه آماده می‌کنند تا حمله انتقامی خودشان را آغاز و تا شیروان ادامه دهند. در صبح یک روز سرد زمستانی که دانه‌های برف سر و صورت روستاییان را نوازش می‌داد، ۴۰۰ ترکمن و تات مسلح، ضمن خداحافظی از زنان و فرزندان و خانواده با عزمی راسخ برای انتقام پا در رکاب زین اسبان می‌نهند تا به طریقی به حمله بیک ایل بیچرانلو پاسخ دهند. یکی از زنان ترکمن که پسر جوانش امان گلدی را برای رفتن به میدان رزم آماده می‌کرد با قربانی کردن گوسفندی سلامت او و دیگران را از خدای بزرگ مسألت می‌نمود.

دختر بچه ۸ ساله‌ای که با چکمه‌های قرمزش بسختی در برف حرکت می‌کرد، مقداری کشمش و گردو را که به دستمال ابریشمی بسته بود در خورجین پدرش قرار می‌دهد. شیرزن^{۷۷} جوانی که شالش را یاشماق^{۷۸} کرده بود با نگاهی پرمعنا نامزدش را بدرقه می‌کرد و به آهستگی می‌گریست... به هر حال با فراهم شدن مقدمات حمله، طبق دستور قاضی خان ترکمن و «علی حسنقلی» سرکردگان گروه، افراد مسلح حرکت خودشان را از منطقه غلامان^{۷۹} به روستای جعفرآباد^{۸۰} و از آنجا به روستای حسن‌آباد^{۸۱} و بالاخره به روستای رباط می‌آیند. در رباط که ترک زبان هستند و روابط قومی با ترکمنها دارند عده‌ای از جوانان به ترکمنها ملحق می‌شوند. قاضی خان اعلان می‌کند، اگر ما غیرت و مردانگی داریم می‌بایستی با این قشون تمام خوانین و بک‌های محلی اکراد را کشته و تار و مار کنیم تا دیگر هوس

۷۵ - مطرح کردن این گونه مسائل در منطقه شیروان قتل و کشتار و درگیریهای بسیاری را دربر داشته است.

۷۶ - فارس زبانها را در محل تات می‌گویند.

۷۷ - قسمتی از مطالب از زبان همان شیرزن (گل صنم) نگارش یافته است که اکنون در قید حیات است و در روستای حسن آباد زندگی می‌کند.

۷۸ - نقابی که سابقاً زنان ترک بر چهره خود می‌انداختند، در فرانسه Yachmak می‌گویند فرهنگ عمید،

ص ۱۲۷۲.

۷۹ و ۸۰ و ۸۱ - از قراء توابع شهرستان بجنورد.

این گونه زورگوییها را نمایند و به افرادش سفارش می‌کنند بیشتر غارتها در هنگام بازگشت انجام می‌گیرد. ترکمنها از رباط به طرف قوشخانه حرکت می‌کنند و در قراء مسیر راه ضمن جلب نظر روستاییان نظیر روش معمول زورگویان آنها را به اصطلاح مطیع و فرمانبردار خود می‌کنند و آن عده از مردم که با بیک و افرادش همکاری کرده‌اند چون مرگشان حتمی است از روستاهای خود فرار می‌کنند.

ترکمنها در دور روستای حلوچشمه و ینگى قلعه منزل بعضی از بزرگان ده را غارت می‌کنند و به آزار و اذیت روستاییان می‌پردازند. در این هنگام که بیک فکر می‌کرد قدرتش در منطقه تثبیت شده است از یورش مسلحانه و انتقامی بیش از ۴۰۰ نفر ترکمن مطلع می‌شود. بلافاصله با توجه به موقعیت سوق الجیشی روستای سولدی که در داخل درّه قرار دارد آن‌جا را سنگربندی می‌کند، مردم سولدی هم تا اندازه‌ای با او همکاری می‌کنند، چون مسیر اصلی عبور ترکمانان از این روستا بود.

موسی بیک عده‌ای از اکراد مسلح خود را در دهانه قوّه‌چای سولدی و گروهی تفنگدار را در سرتیغ قوز درّه^{۸۲} سولدی و افرادی را در دهانه زو^{۸۳} و بالاخره دسته‌ای را در مسیر رودخانه سولدی قرار می‌دهد و سنگربندی می‌کنند و روستا کاملاً ارتباطش با بیرون قطع می‌شود. نیروهای مسلح ترکمن نیز با اطلاع از سنگربندی اکراد با راهنمایی یکی از افراد محلی شبانه از مسیری شناسایی شده به قریه سولدی نزدیک می‌شوند. مردم مظلوم و تیره‌بخت سولدی شب را تا سپیده‌دم صبح بیدار مانده‌اند تا هم اوامر موسی بیک را اجرا کنند و هم ترس از حمله و غارت ترکمنها باعث گردیده که وسایل قیمتی خودشان را مانند قالیچه، سماور روسی، طلاجات و پولهای نقره‌ای را که معمولاً زنان روستایی به حاشیه جلیقه و عرق‌چین می‌دوزند در جاهای امنی مخفی کنند تا در حمله قریب الوقوع به تاراج نرود در ساعت ۵ صبح دوازدهم دی ماه ۱۳۲۳/ش که معمولاً هوا هنوز تاریک است با دستور قاضی خان تیراندازی شروع می‌شود و ترکمنها پس از دو ساعت تلاش از مسیری که در تیررس قوای اکراد نیست حدود ۲۰۰ نفر از ترکمنها وارد کوچه‌های روستای سولدی می‌شوند و زود خورد ادامه می‌یابد و زیان اصلی از آن مردم مظلوم سولدی می‌گردد مع ذالک در این گیرودار موسی بیک انتظار قوای کمکی اکراد دیگر و خوانین با نفوذی چون فرج الله خان و

۸۲ - درّه گردو

۸۳ - درّه

علی خان بیک را دارد تا به طریقی از این مخمصه رهایی یابد، اما بنا به عللی از طرف خوانین اکراد کمکی نمی رسد و با توجه به تیراندازیهای گروهی ترکمنها، قوای اکراد سنگرها را یکی پس از دیگری تخلیه و از قسمت شرقی سولدی که هنوز ترکمنها نتوانسته بودند آن مسیر را محاصره کنند به عقب نشینی مبادرت می کنند و فقط یک نفر از اکراد سلحشور به نام کدخداقاسم^{۸۴} هنامه ای سنگر خود را رها نمی کند و تا آخرین فشنگ به مبارزه با ترکمنها ادامه می دهد و با اتمام فشنگ باز هم پشت به دشمن نمی کند، بلکه از سنگر خارج شده و به طرف روستای سولدی می آید که با هجوم ترکمنها در نزدیک سنگر دستگیر می شود. البته این دستگیری با کمک شخصی به نام رستم که به منطقه آشنایی داشت انجام می گیرد. چون طبق گفته شاهدان عینی سنگربندی کدخداقاسم به قدری لمستادانه انجام گرفته بود که ساعتها ترکمنها را کلافه کرده بود. به هر تقدیر پس از دستگیری کدخداقاسم هنامه ای که تا آخرین رمق به مبارزه ادامه داده بود، در حالی که از بندهای چرمی چارلق او گرفته بودند در آن زمستان سرد و طاقت فرسا او را کشان کشان از روی برفها و یخهای دامنه کوهستان به منزل حسن بیک کدخدای سولدی که فعلاً مقر قاضی خان ترکمن شده است، می آورند. قاضی خان دستور می دهد لاشه نیمه جان کدخداقاسم را به چوب ببندند. یکی از شاهدان عینی می گوید: عوض وردی ترکمن از تفنگ بُرنو خود به عنوان چوب دستی استفاده و آن چنان بر فرق قاسم کوبید که خون تمام سر و صورت او را فرا گرفت و ترکمن دیگری لوله اسلحه را نیزه وار بر سینه اش می کوبید بالاخره با وساطت محمد مرگان^{۸۵} بدن نیمه جان او را بر اسب بسته و توسط دو نفر ترکمن به غلامان می فرستند تا در موقع مناسب مورد معامله قرار گیرد ترکمنها مدت سه روز در روستای سولدی در منزل کدخدا و دیگر افراد به سورچرانی و حیف و میل مشغول می شوند اما از اذیت و آزار و بخصوص اعمال منافی عفت به علت آشنایی قاضی خان با شیخ حسین معین خودداری می کنند و نقشه حمله به روستاهای دیگر و شهر را طراحی می کنند.

در این مدت خوانین با نفوذ محلی نظیر فرج الله خان بیچرانلو معروف به فرج بیک و

۸۴ - کدخداقاسم در این رابطه به نگارنده می گوید: حفظ ناموس و جلوگیری از غارت دشمن، بیشتر از جانش ارزش دارد. او به نکته ظریف دیگری نیز اشاره داشت. در این درگیری دو برادر تنی یکی به نام محمد مرگان از ترکمنها و دیگری به نام خوجه مرگان از اکراد حمایت می کردند و به اصطلاح هر دو تک تیرانداز دو گروه متخاصم بودند. مؤلف

۸۵ - مرگان یعنی شکارچی.

علی خان بیک و موسی بیک و دیگر سردمداران چون اوضاع را آشفته می‌بینند بلافاصله نیروهای مسلح خود را جمع‌آوری و شبانه به طرف سولدی حرکت می‌کنند، و در روستاهای توکور، لوجل، قولانلو و... مستقر و گردنه شیخ حسن را نیز سنگربندی می‌نمایند، قوای ترکمن نیز روز ۱۶ دی ماه به سوی شیروان آماده حرکت است و از فعل و انفعالات و مستقر شدن قوای خوانین گُرد بی خبر می‌باشند، هنگامی که قوای ترکمنها از روستای سولدی اندکی فاصله می‌گیرند فرج‌الله خان با سه نفر از اکراد با عبور از گذرگاههای خطرناک و صعب‌العبور خودشان را به نزدیکی سولدی می‌رسانند و در کوه قجر برجی که مشرف به راه سولدی است سنگر می‌گیرند و به محض رسیدن قوای ترکمن به آن‌جا شروع به تیراندازی می‌کنند و با این حرکت چریکی در اصل راه برگشت ترکمنها به سولدی را می‌بندند، ترکمنها که هیچ‌گاه انتظار این حمله ناگهانی را نداشتند مسیر خود را منحرف و با مشکلات زیاد و زخمی شدن عده‌ای از صحنه درگیری می‌گریزند تا از مسیر ینگی قلعه به حرکت خود ادامه دهند. مجدداً فرج‌الله خان و خوجه مرگان با شجاعت خودشان را بر بالای چشمه سلطان‌شاه می‌رسانند و تقاطع راه ینگی قلعه و سولدی را نیز می‌بندند و به تیراندازی مبادرت می‌کنند. این حرکات، قوای ترکمنها را سراسیمه می‌کند و آنها فکر می‌کنند که قشون زیادی از اکراد منطقه را به محاصره درآورده‌اند،^{۸۵} لذا تصمیم می‌گیرند از طرف زمینهای موسوم به «سالانمه‌زار» عقب‌نشینی کنند که هدف نهایی فرج‌الله خان نیز همین بود، زیرا قوای اصلی اکراد به سرپرستی قدرت‌الله بیک و آقاخان از قبل در این مسیر سنگر گرفته بودند تا کار ترکمنها را یکسره کنند، با شروع تیراندازی اکراد، ترکمنها نیز سنگربندی می‌کنند و درگیری به اوج خود می‌رسد و افراد زیادی بخصوص از مهاجمان ترک زخمی و کشته می‌شوند.^{۸۶} در این محل چون تعداد ترکمنها زیاد و قدرت‌الله بیک نیز بدون توجه به مهمات سرگرم تیراندازی

۸۶ - حاج مهدی. زاهدی یکی از معتمدین که شخصاً ناظر این درگیریها بود. می‌گوید: زمانی که ترکمنها قصد حمله از سولدی به شیروان را داشتند طبق آشنایی قبلی با یکی از آنها به نام ملا شاهجهان از اهالی «سوخ‌سو» غلامان، از او سؤال کردم. چرا شما به این کار مبادرت می‌کنید شاهجهان با تحویل اسلحه‌اش به من، خورجین خودش را گشود و گفت، می‌بینی در خورجین من جز یک چادرشب و یک حوله چیز دیگری نیست، در حالی که خورجین دیگران پر از اجناس غارت شده است و من این دو تکه پارچه را به این منظور از منزل با خودم آوردم که اگر احیاناً کشته شدم مرا در آنها پیچیده و به روستای زادگاهم «سوخ‌سو» حمل کنند و اصولاً با این درگیریها مخالفم. چون نتیجه آن فقر و بدبختی ما روستاییان و ثروت‌اندوزی خوانین و سرکردگان است اما به علت ترس از خان بطور ناخواسته در این درگیریها شرکت کردم. «آری. تا زمانی که ترس و مظلومیت بر جامعه حاکم باشد، ظلم و زورگویی نیز خواهد بود»

بود، در یک لحظه متوجه می شود که مهمات جنگی در شرف اتمام است و هرآینه امکان کشته شدن تمام افراد می رود لذا خودش با تک تیراندازی به طرف دشمن، آنها را مشغول داشته و باباخان با از جان گذشتگی و آشنایی به کوهستان از سنگر خارج می شود و خود را به دیگر اکراد می رساند و بلافاصله موسی بیک و عده ای نیروی تازه نفس و مهمات به سنگر اصلی می رسد و جنگ ادامه می یابد. در این درگیری با این که عده اکراد مسلح کمتر از ترکمنها بود، ولی اقدامات چریکی فرج الله خان و قدرت الله بیک و موسی بیک و آقاخان و خوجه مرگان باعث می شود ترکمنها از طریق کوه تاتار به کلاته و از آن جا به توپکانلو عقب نشینی کنند. نیروهای اکراد نیز در روستاهای توکور، لوجلی و قویلانلو منتظر فرصت هستند. قدرت الله بیک و آقاخان و رجبعلی لوجلی با عده ای از اکراد در صبح هفدهم دی ماه قصد بستن دهانه دره توپکانلورا می نمایند ولی غافل از تاکتیک ترکمنها که در مسیر راه سنگربندی کرده اند دفعه‌ای زیر رگبار آنها قرار می گیرند که قدرت الله بیک بلافاصله خودش را از روی اسب به زمین پرت می کند و به دیگران نیز دستور سنگربندی می دهد و حتی دورأس از اسبها را نیز به طرف ترکمنها می فرستد تا کاملاً آنها را اغفال کند که اکراد مورد اصابت تیر قرار گرفته اند. لذا پس از مدتی ترکمنها با احتیاط از سنگرها خارج می شوند تا از نتیجه کار مطلع شوند که تیراندازی شدید اکراد باعث کشته شدن عده دیگری می گردد و در همین اثنا فرج الله خان بیچرانلو نیز با افراد مسلح خودش به محل درگیری می رسد و نیروهای ترکمن مجبور می شوند با جمع آوری کشته ها و زخمیهای خود عقب نشینی کنند که البته این عقب نشینی با جنگ طرفین از مسیر سردارآباد به تخته شیرگاه و قلعه علی محمد و از آن جا تا رباط و گیفان، جعفرآباد، حسن آباد و بالاخره غلامان ادامه می یابد و سرانجام پس از چند روز قتل و کشتار ترکمنها در محاصره قرار می گیرند و ۱۵ نفر از آنها دستگیر و تحویل ژاندارمری شیروان می گردند اما نیروهای اکراد در روستاهای زیدر و حلوچشمه باقی می ماندند تا در صورتی که از جانب ترکمنها متقابلاً حمله دیگری انجام گیرد پاسخگو باشند، اتفاقاً در نیمه شب ۱۸ دیماه در روستای زیدر به علت سوء تفاهمی تیراندازی در می گیرد که فرج الله خان، علی خان بیک، موسی بیک، قدرت الله بیک، باباخان هم قسم می شوند تمام قوای ترکمن را تا مرز کوه «مسنو» در گیفان و نوار مرزی ایران- شوروی تارومار نمایند که پس از پیگیری موضوع مشخص می شود تیراندازها توسط نیروهای خودی بوده است... به هر حال در این لحظات حساس دولت وقت از خواب خرگوشی بیدار می شود و

از جانب هنگ ژاندارمری خراسان دو نفر افسر، سرهنگ جلالی و سروان منوچهری به اتفاق حاج ملا محمد زاهدی و حسن اسلامی از شیروان به عنوان میانجی با عده ای ژاندارم به منطقه می روند و ضمن بررسی اوضاع و صحبت با خوانین و سرکردگان اکراد و ترکمانها طرفین را به صلح و آشتی راضی می کنند که خوشبختانه این اقدام به جنگ چندین ساله طرفین خاتمه می دهد و این دو ایل و طایفه بزرگ و سلحشور در نهایت برادری و مساوات با هم زندگی می کنند. البته در اوایل انقلاب سوء تفاهمی در مورد چراگاه دامداران بین برادران ترکمن و کردهای چادر نشین (عشایر) در منطقه مراوه تپه به وجود آمد که با مشورت و آگاهی طرفین بلافاصله فیصله یافت.

انقلاب اسلامی و شیروان

در اوایل سال ۱۳۵۶ شمسی رادیوها و دیگر رسانه های گروهی بیگانه و جرایدی که به صورت مخفی در ایران منتشر می شدند خبرها و اطلاعاتی حاکی از یک نوع تحولات اساسی در نظام حکومتی ایران را نوید می دادند و تفاسیری گنگ و مبهم از اوضاع سیاسی ایران داشتند که در شیروان هر کس با توجه به اطلاعات شخصی و سطح سواد و معلومات این گزارشها و خبرها را به نحوی تجزیه و تحلیل می کرد تا این که در ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ به دنبال چاپ مقاله ای توهین آمیز به ساحت مقدس امام در روزنامه اطلاعات، تظاهراتی از طرف طلاب حوزه علمیه در شهر قم برگزار و شعارهایی علیه رژیم شاه داده شد که عده زیادی به شهادت رسیدند. هنگامی که این خبر در شیروان پخش شد تا اندازه ای باعث خشم مردم گردید. تا این که قیام مردم تبریز در ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۶ که مصادف با چهلمین روز شهادت قم بود، درسی بزرگ و آموزنده برای مردم متدین شیروان گردید تا موضوع را پیگیری و جلسات مخفی و سری داشته باشند. در ۱۰ فروردین ماه ۱۳۵۷ نیز برای بزرگداشت اربعین شهادت تبریز تظاهراتی در شهرهای بزرگ ایران از جمله مشهد برگزار شد که عده ای از فرهنگیان و مردم شیروان با اطلاع قبلی در این تظاهرات ضد رژیم شرکت و اعلام همبستگی کردند. با شروع ماه مبارک رمضان گهگاه مطالبی توسط بعضی از علما و دبیران در مورد نهضت امام خمینی و جنایات رژیم شاه در مجالس دینی و دبیرستانها گفته می شد و تا اندازه ای مردم با

تحولات مملکتی آشناتر می شدند اعتصابات، اعتراضات و تظاهرات مردم در اقصانقاط مملکت نسبت به سابق ابعاد گسترده تری می یافت و پیامهای حضرت امام نیز پخش می شد، اما هنوز هیچ گونه حرکت علنی و تظاهرات از طرف مردم شیروان صورت نگرفته بود. تظاهرات خونین مردم اصفهان در مردادماه ۵۷ و فاجعه سینمارکس آبادان در ۲۹ مردادماه ۵۷ و واقعه جمعه سیاه در ۱۷ شهریورماه ۵۷ و بحثهای نمایشی نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا و تظاهرات پی در پی مردم در دیگر شهرهای بزرگ باعث آگاهی و رشد فکری مردم گردید و با اینکه مردم شیروان از طرف ساواک و دیگر عوامل بشدت مورد کنترل بودند، مع ذالک آمادگی نسبی برای تظاهرات علنی را پیدا کرده بودند. با گشایش مدارس و دبیرستانهای شیروان در مهرماه ۵۷ و هجرت تاریخ ساز امام از بغداد به پاریس که در روز جمعه ۱۴ مهرماه ۵۷ انجام پذیرفت، اولین تظاهرات مردم شیروان با حضور یازده نفر از معلمین و حدود ۱۰۰ نفر دانش آموز پسر در روز ۲۰ مهرماه ۵۷ به صورت علنی و در محاصره مأموران مسلح و دو دستگاه تیربار آغاز شد که پس از عبور از خیابان جامی جنوبی (خیابان تلفنخانه) و خیابان پهلوی سابق در مقابل بانک صادرات میدان شهر اجتماع کردند و دو نفر از معلمین در مخالفت با رژیم شاه مطالبی ایراد و قطعنامه ای در هشت ماده قرائت کردند.^{۸۷} شعار این روز: الله اکبر، خمینی رهبر- نهضت ما حسینی است، رهبر ما خمینی است، بود. روز بعد ۲۱ مهرماه ۵۷ دومین تظاهرات شیروان با عده بیشتری برگزار و دبیرستانها به عنوان اعتراض تعطیل شد تا روز ۲۴ مهرماه که تظاهرات نسبتاً بزرگی به مناسبت فاجعه کرمان توسط مردم شیروان برگزار شد.^{۸۸} شعار مردم در روز ۲۴ مهرماه: مسجد کرمان را، کتاب قرآن را، شاه به آتش کشید- تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست. در اوایل آبانماه ۵۷ با اعلامیه حضرت امام. روز ۴ آبان، روز عزای ملی اعلام گردید و مردم به عنوان اعتراض از تزئین سردر مغازه ها خودداری کردند حتی چند مغازه ای نیز پرچم سیاه برافراشتند که این حرکت در شهرهای بزرگ با ابعاد وسیع تری انجام پذیرفت و ضربه ای مهلک بر پایه های رژیم پهلوی زد.

در ۱۴ آذرماه ۵۷ طرفداران شاه طبق برنامه قبلی و به خاطر رعب و وحشت مردم به منزل

۸۷- در هنگام سخنرانی، فرماندار و عده ای از مسئولین شهر نیز طبق دستور قبلی شرکت داشتند.

۸۸- در ۲۳/۷/۵۷ عوامل شاه به مسجد جامع کرمان حمله و عده ای را شهید و مجروح و قرآنها و کتب دینی را

سوزانده بودند.

مسکونی حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا شهرستانی سرپرست مدرسه علمیه حضرت آیه الله حکیم شیروان حمله کردند و بطور کلی خانه ایشان را ویران و اثاث منزل را نابود نمودند در این درگیری عده ای بسختی مجروح شدند افراد سرشناسی که در منزل حاج آقا شهرستانی حضور داشتند عبارت بودند از: حجة الاسلام والمسلمین سید محمد علی فقیهی شیرازی از وعاظ قم. حجة الاسلام عبداللهی از وعاظ مشهد. حجة الاسلام حاج عبدالله کریمزاده دبیر دبیرستانهای شیروان. سید کاظم صبوری (که در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مردم شیروان انتخاب شد) سید هاشم و سید محمد شهرستانی، سید علی اکبر طاهری، میرزا حسین طاهری، محمدرضا احسنی، ابوالقاسم احسنی و حاج رجبعلی الهی و گروه بسیاری از قشرهای مختلف مردم. این درگیری با دخالت مأمورین انتظامی و سربازهای اعزامی به داخل منزل و شلیک تیرهای هوایی و شایعه کشته شدن حاج آقا شهرستانی که مجروح شده بودند خاتمه پذیرفت. در روز ۱۶ آذرماه ۵۷ طی تظاهرات خونینی در دانشگاه تهران عده ای از دانشجویان شهید و رئیس دانشگاه تهران از سمت خود استعفا داد و این موضوع باعث شد دولت شریف امامی (دولت آشتی ملی) سقوط کند و ارتشبد از هاری نخست وزیر گردد. مردم شیروان طبق اطلاعیه حضرت امام در شب اول محرم به همراه تمامی ملت ایران در ساعت ۹ شب بر پشت بامها رفته و تکبیر گفتند و بالاخره روز تاسوعای حسینی سال ۱۳۹۹ قمری با تظاهراتی گسترده که دربرگیرنده احاد مردم شیروان بود پس از راهپیمایی در خیابانهای شهر در مقابل مسجد جامع و شهربانی شیروان اجتماع نمودند و یکی از روحانیون (حجة الاسلام صدقی) مشغول ایراد سخنرانی و برملا کردن فجایع رژیم پهلوی بود که ناگهان عده ای از طرفداران شاه (چماقداران) به مردم تظاهر کننده حمله کردند که در این درگیری عده ای زخمی و مضروب شدند. در این جریان برای جلوگیری از درگیریهای بیشتر مأمورین شهربانی و ژاندارمری با شلیک تیر هوایی از درگیری شدید جلوگیری کردند. در همین اثنا دولت نظامی ارتشبد از هاری نیز نتوانست کاری انجام دهد و شاهپور بختیار، ظاهراً یکی از مخالفین رژیم شاه به عنوان نخست وزیر معرفی شد.^{۸۹}

... به هرحال تظاهرات مردم شیروان تحت عناوین مختلف در شیروان ادامه داشت و

۸۹- در آذرماه عده ای از مردم به سرکردگی سلطان رضایی معروف به شلطان تظاهراتی را به عنوان طرفداری از قانون اساسی ایران در شیروان برپا نمودند که دیگر هیچ گونه تأثیر روانی و اثر منفی بر روی مردم نداشت و اکثر شرکت کنندگان تطمیع شده در این تظاهرات شرکت کرده بودند.

بخصوص روزی که حجة الاسلام والمسلمین شهید هاشمی نژاد در شیروان سخنرانی داشتند تظاهرات وسیعی برگزار شد. تا این که محمدرضا پهلوی پس از ۳۷ سال حکومت در روز ۲۴ دیماه ۵۷ از ایران خارج شد و با خروج شاه مجسمه های او را در شهرهای ایران پایین کشیدند و در ۲۹ دیماه ۵۷ (۴ روز بعد از فرار شاه) در روز اربعین سرور شهیدان سال ۱۳۹۹ قمری راهپیمایی عظیم و بزرگی در شیروان انجام گرفت که در پایان راهپیمایی طی قطعنامه ای حکومت پهلوی غیرقانونی و مردم خواهان حکومت اسلامی به رهبری زعیم عالیقدر حضرت امام خمینی شدند و با ورود حضرت امام در روز ۱۲ بهمن ماه ۵۷ طومار نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در هم پیچید و در ۲۲ بهمن ۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی، در زباله دان تاریخ دفن گردید.

اولین شهدای شیروان

در ۲۵ دیماه ۱۳۵۷ شمسی تظاهرات و راهپیمایی بزرگی در شیروان برگزار شد که بیشتر آنها را معلمان و دانشجویان و جوانان دبیرستانی تشکیل می دادند. این راهپیمایی در خاتمه به درگیری خونینی تبدیل گشت. زیرا طبق اطلاعات واصله بنا بود عده ای از طرفداران به اصطلاح قانون اساسی (چماقداران) در بعدازظهر و شب همین روز از منزل سلطان رضایی (بعد از پیروزی انقلاب سلطان رضایی در یکی از بازارهای مشهد دستگیر و پس از محاکمه تیرباران شد) سر دسته شاه دوستان، دست به اقدامات خرابکارانه بزنند و عده ای از نیروهای انقلابی را دستگیر کنند. لذا پس از راهپیمایی با سخنرانی یکی از برادران عده ای از طریق خیابان دانش و عده ای دیگر نیز از طریق خیابان کمربندی و سلمان فارسی به سوی منزل سرکرده چماقداران حمله کردند تا ستاد ضدانقلاب را به تصرف در آورند.^{۹۰} با نزدیک شدن نیروهای انقلابی به منزل سلطان در اولین چهارراه خیابان دانش درگیری با پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف آغاز و منزل مجاور سلطو (سلطان) به آتش کشیده شد و تیراندازی از طرف ضدانقلاب آغاز گردید. در همین اثنا مأمورین شهربانی و ژاندارمری نیز وارد صحنه شدند تا به طریقی از کشت و کشتار ظاهراً جلوگیری کنند، اما درگیری به یک مبارزه مسلحانه و جنگ تمام عیار مبدل شده بود و از هرسو صدای صفیر

۹۰ - عده ای از انقلابیون از بالای ساختمان بلند و نیمه تمام بیمارستان ۷۵ تخته خوابی، مسلحانه جریان را زیر نظر

گلوله شنیده می شد. در این درگیری که ساعتها بطول انجامید شهید رمضانعلی خوشقامت از ناحیه قلب مورد اصابت تیر قرار گرفت و به عنوان اولین شهید انقلاب در شهر شیروان به خیل شهیدان انقلاب پیوست و بیش از ۲۵ نفر مجروح و مضروب شدند که پس از انتقال به بیمارستان شیروان به علت وخامت حالشان به مشهد اعزام گردیدند که پس از چند روز شهید علی تقویان نیز که از ناحیه زیر شکم مورد اصابت تیر قرار گرفته بود پس از عمل جراحی به عنوان دومین شهید شیروان تقدیم انقلاب اسلامی شد و دیگران نیز با عمل جراحی و مداوا حالشان بهبود یافت. از طرفداران سلطاننیز یکنفر به نام عزیزالله مقدسی به قتل رسید. البته انگیزه دیگر این درگیری، آزار و اذیت و مورد ضرب و شتم قرار دادن مردم از طرف عوامل سلطوبه دستور ساواک بود که از آن جمله می توان حمله به منزل سید محمد کاظم صبوری، شکستن در و پنجره مردم و حمله به مغازه ها و... را نام برد.

نماز جمعه شیروان

پس از استقرار حکومت جمهوری اسلامی برای اقامه نماز جمعه در شیروان، بنا به تقاضای مردم متدین این شهر حجة الاسلام والمسلمین حاج مهدی مجیدی از طرف دفتر حضرت امام به عنوان اولین امام جمعه شیروان معرفی شدند، که ایشان نماز جمعه را معمولاً در خیابان سعدی (خرمشهر) بعد از گروهان ژاندارمری و یا در مسجد جامع و اطراف میدان انقلاب اقامه می نمودند و مردم نیز فعالانه در این نماز عبادی، سیاسی شرکت می کردند. پس از حاج آقا مجیدی که پست دیگری به ایشان محول شد حجة الاسلام والمسلمین حاج محمد اسماعیل شوشتری از طرف دفتر حضرت امام به عنوان نماینده امام و امام جمعه شیروان منصوب گردید که ایشان نیز پس از مدتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی از شهرستان قوچان کاندیدا و با اکثریت آرا به نمایندگی دومین دوره مجلس برگزیده شد.^۵ تا این که بنا به درخواست مکرر مردم شیروان حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا سید حسین حسینی از سال ۱۳۶۲ شمسی از طرف دفتر حضرت امام رسماً به نمایندگی امام و امام جمعه شهرستان شیروان منصوب شد.

در زمان امامت جمعه ایشان با توجه به سخنرانیهای ارشادی و خطبه های گیرا و پرمحتوای نامبرده در مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی و همچنین علاقه ایشان به احداث

۵ حجة الاسلام والمسلمین شوشتری که در حال حاضر وزیر دادگستری می باشند.



میعاد گاه عشق (نماز جمعه شیروان) عکس شماره ۳۳

جایگاه نماز جمعه^{۹۱} در شیروان با کمک مردم حزب الله، مراسم عبادی، سیاسی نماز جمعه از ابعاد وسیعتری برخوردار است. حاج آقا حسینی معمولاً امامت نمازهای یومیه را در یکی از مساجد جامع رضوی یا توکلی اقامه می‌کند و بارها در جبهه‌های جنگ تحمیلی نیز با دیگر رزمندگان شیروانی شرکت داشته است.

... البته در مورد انقلاب اسلامی و وقایع شیروان اگر کسی خواسته باشد «روزشمار انقلاب در شیروان» را بنویسد، خود احتیاج به کتاب جداگانه‌ای دارد.

تسخیر و تخلیه شهربانی شیروان

صبح روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ شهربانی شیروان توسط نیروهای انقلابی خلع سلاح و

۹۱ - میعادگاه بزرگ نماز جمعه شیروان در خیابان امام رضا (ع) و در محل سابق میدان فوتبال احداث گردیده است که در نوع خود بسیار مجهز و بی نظیر می باشد.



مسجد جامع رضوی شیروان عکس شماره ۳۴

تخلیه شد، در این اقدام انقلابی هیچ گونه درگیری بین مردم و پلیس به وجود نیامد و تمام افسران و درجه داران شهربانی با تحویل سلاحهای خود به نیروهای انقلابی، اعلام همبستگی نیز نمودند و کلیه پرسنل شهربانی به پادگان نظامی بجنورد تحویل شد. در جریان پیروزی انقلاب اسلامی هیچ کدام از افراد پلیس مستقیماً بر روی مردم اسلحه نکشیدند و حتی عده ای از پرسنل شهربانی شیروان قبل از پیروزی با نیروهای انقلابی همکاریهای لازم را داشتند و پس از تشکیل کمیته های انقلابی نیز شاهد فعالیتهای مأمورین شهربانی شیروان بوده ایم.

تشکیل کمیته انقلاب و دستگیری مخالفان.

پس از تسخیر مرکز پلیس شیروان. کمیته انقلاب اسلامی در محل شهربانی تشکیل شد که عده‌ای از مردم بویژه جوانان، اداره این کمیته را به عهده داشتند و در اوایل، برنامه کار بدین نحو بود که از هر خیابان و محله افرادی تعیین می شدند و کسانی که دارای وسیله نقلیه بودند نیز بنوبت به کمیته می آمدند تا شبها برای جلوگیری از حرکات احتمالی مخالفین که قصد چپاول و رعب و وحشت را داشتند در خیابانها پاسداری و کشیک دهند. کمیته انقلاب علاوه بر موارد فوق در دستگیری مخالفین نقش عمده‌ای داشت، بطوری که مخالفین را دستگیر و پس از بازجویی تحویل دادگاه انقلاب بجنورد می کرد که این بازداشتها شامل رؤسای شهربانی و ژاندارمری^۱ و سروان حاجبی و عده‌ای از چماقداران و سلطنت طلبان بود که تمامی آنها پس از محاکمه و مدتی زندانی شدن به علت عدم قتل و کشتار آزاد شدند. کارکرد کمیته انقلاب اسلامی در شیروان کلاً موفقیت آمیز بود زیرا در اوایل انقلاب توانست از هرج و مرج و درگیریهای قومی و دزدیها و... که معمولاً در این گونه موارد از افراد معلوم الحال سر می زند، جلوگیری نماید تا این که کمیته ها طبق ضوابط معینی بخوبی جای خود را در انقلاب گشودند و به مرور نهادهای جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، دادگاه انقلاب، بسیج سپاه و دیگر ارگانهای انقلابی تشکیل شدند.

جنگ تحمیلی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی ملت و انقلاب اسلامی بارها شاهد توطئه هایی از طرف عوامل استکبار جهانی بوده که تمامی آنها با رهبریهای داهیانۀ بنیانگذار جمهوری اسلامی، با ناکامی و شکست مواجه شدند. از تمام این توطئه ها و نقشه های شوم استعمار، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از بعد وسیعتری برخوردار بود. صدام رئیس حکومت عراق در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ شمسی به دستور مستقیم ابرقدرتها. به ارتش تا دندان مسلح خود فرمان داد از زمین و هوا و دریا وارد خاک مقدس کشورمان شوند و جنگی ناخواسته را بر ملتی انقلابی تحمیل نمایند. اما با شروع جنگ مردم شیروان همگام با دیگر اقشار ملت ایران فعالانه به جبهه های حق علیه باطل شتافتند و با ایثار جان و مال در این جنگ نابرابر شرکت نمودند که بهترین

دلیل آن شهادت حدود ۴۷۰^{۹۲} نفر از بهترین و عزیزترین مردم این شهرستان است که جان خودشان را در راه اسلام و میهن فدا نمودند، مردم شهید پرور شیروان حتی در یکروز (۱۳۶۵/۱۱/۲) شاهد تشییع جنازه پیکر پاک ۳۱ شهید گلگون کفن انقلاب اسلامی نیز بوده اند^{۹۳} و یا در کاروان اعزامی به جبهه تحت نام مقدس «محمدرسول الله» شیروان بیشترین تعداد رزمنده را به جبهه اعزام نمود.^{۹۴}

به هر حال این جنگ تحمیلی پس از هشت سال^{۹۵} مقاومت و ایثار ملت خداجوی ایران در ساعت ۶/۵ صبح ۲۹ مردادماه سال ۱۳۶۷ شمسی طبق قرارداد ۵۹۸۵ سازمان ملل متحد با آتش بس طرفین خاتمه پذیرفت.

۹۲- آمار فوق براساس تعداد قبور شهدا در شهر و روستاها محاسبه شده است.

۹۳- اسامی شهدای مورخه ۶۵/۱۱/۲- محمد رضا دوست- محمد ابراهیم سلیمی- محمد صادق سلیمی- محمد رضا قلی زاده- انوشیروان رضایی فاضل- حسین محمودی- سید مهدی سعیدی- حسن قویدل- علی اصغر شفیعی- رضا سلیمانی- قربان محمد برافراز- علی پیرزاده- عقیل بهرام نیا- علی حمیدی- محمد ابراهیم بابا زاده- علیرضا قدرتی- احیاء حسنی- احمد خاقانی- سید حسن سرور- هادی نوروزی- محمد رضا شعبانی- حاجی علی جهانی- نجیب الله محمدیان- محمد رضا امانی- جواد صبوری- نادر محمدی- عبدالعلی حسن زاده- علی اکبر درگاهی- موسی رحیم زاده- حسن رعنائی- محمد ابراهیم میرزایی

۹۴- در این اعزام بزرگ فقط از آموزش و پرورش شیروان ۵۰ نفر دبیر و آموزگار و ۷۰۰ نفر دانش آموز رزمنده شرکت داشتند.

۹۵- (۹۵ ماه یا ۲۸۹۰ روز)

آداب و رسوم محلی مردم شیروان

بخش هشتم

آداب و رسوم محلی مردم شیروان

در جهان امروز، فرهنگ و آداب و رسوم بسرعت در حال تحوّل است. مبانی علمی و برنامه‌های آموزشی پیوسته رو به تغییر و دگرگونی می‌باشد، دانشمندان و علما هر روز نظریه‌های جدیدی در موضوعات مختلف به جوامع بشری عرضه می‌دارند که بر افکار و عقاید مردم اثر می‌گذارد. بطوری‌که بر اثر تحول فرهنگی، آداب و سنن اجتماعی اهمیت اولیه خود را از دست داده و در پاره‌ای از موارد رسوم تازه‌ای جایگزین آنها شده است. در روزگار گذشته بین اقوام و ملل مختلف، آداب و رسوم و عقاید متفاوتی وجود داشته که قسمتی از آنها در موقعیت زمانی و مکانی و براساس نیازهای اقتصادی، مصالح اجتماعی و شؤون خانوادگی قابل توجیه و تحلیل می‌باشد، اما بعضی از آنها چیزی جز عادات جاهلانه و اعتقادات خرافی نبوده است به هر حال مردم شیروان نیز دارای آداب و رسوم خاصی می‌باشند که به مواردی از آن فهرست وار اشاره می‌شود.

کوزه شکستن: پس از مراسم چهارشنبه سوری، برای رفع بلا در یک کوزه سفالی مقداری نمک به علامت شورچشمی و مقداری زغال به علامت سیاه‌بختی و یک سکه پول به علامت تنگدستی انداخته و افراد خانواده تک‌تک کوزه را دور سر می‌چرخانند و نفر آخر کوزه را به پشت بام می‌برد و آن را به پایین پرتاب می‌کند و به این طریق معتقدند سیاه‌بختی، شورچشمی و تنگدستی را در سال نو از خانه و کاشانه خود دور ساخته‌اند.

بخت‌گشایی: اگر دختر دم‌بختی خواستگاری نداشت به طرق مختلف بخت‌گشایی می‌شود تا به خانه شوهر برود که به دو نمونه آن اشاره می‌شود. در روز ۱۳ فروردین به باغات چلو و دامنه کوه «آغز قاپوق‌لی» می‌رفتند و در موقعیت مناسبی دختر دم‌بخت بر بالای یکی از صخره‌های تشکیل دهنده سر شیر سنگی که از چند قطعه سنگ بزرگ، که در حدود سه تا

چهار متر بلندتر از سطح دامنه کوه قرار گرفته اند، می رفت. و نیت می کرد اگر انشاءالله تا سال آینده به خانه شوهر رفته به نام حضرت رقیه عده ای از مستمندان را اطعام نمایم. و سپس ساکت و آرام منتظر می ماند تا مردی که معمولاً یکی از وابستگانش بود، او را به اصطلاح از دهان شیر نجات دهد. مرد هم که با این مراسم آشنایی داشت، دختر را کمک می کرد تا از روی صخره پایین بیاید در این لحظه دختر با شوق و ذوق تمام به میان خانواده می آمد و اطمینان داشت تا سال آینده شوهر خوبی نصیبش خواهد شد.^۱

بخت گشایی در قره قازان: دختران دم بخت به اتفاق خانواده در روزهای جمعه به منظور گردش و هواخوری به اطراف چشمه قره قازان (در ۵ کیلومتری شهر) می رفتند و پس از صرف نهار، دختران ظاهراً برای کوهنوردی و در اصل برای بخت گشایی به کوه مجاور چشمه قره قازان به نام «اوج قارداش» صعود می کردند و هنگامی که به مقبره معصومه ای^۲ در قلّه کوه می رسیدند با اقامه دو رکعت نماز و گره زدن نخ بر دیوار سنگی معصومه، نیت قلبی خودشان را از خداوند مسألت می کردند و آجیلی را که قبلاً تهیه کرده بودند بین همراهان تقسیم می کردند و معتقد بودند بزودی به خانه بخت خواهند رفت. بجز بخت گشایی عده ای از زنان نازا نیز با بستن گهواره های کوچک که آدمکی نیز در داخل آن قرار گرفته است، از خداوند طلب اولاد می نمایند.^۳

البته در شیروان بجز دو مورد فوق به روشهای دیگری نیز بخت گشایی می گردد که عبارتند از:

بخت گشایی بوسیله روشن کردن شمع در مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) که دختر حتماً می بایستی پیاده و بدون کفش از منزل تا حرم امامزاده را طی کند. بخت گشایی بوسیله بستن نخ سفید به دو انگشت شست، بخت گشایی بوسیله بستن قفل به گوشه چادر، بخت گشایی بوسیله بیرون کردن دختر از خانه و تعقیب او با چوب نیمسوز، و بالاخره بخت گشایی بوسیله درآوردن اشیا از سوراخ گنجینه مراد امامزاده یحیی در فاصله ۱۰ کیلومتری شهر شیروان.

۱ - این مراسم توسط کربلائی گوهر زن ۷۵ ساله ای در ۱۳/۱/۴۹ برای نگارنده نقل شد که طبق اظهار خودش به همین طریق بخت گشایی شده بود.

۲ - عده ای معتقدند که مدفن یکی از نوادگان حضرت امام موسی کاظم (ع) در آن است.

۳ - در حال حاضر نیز گهواره های کوچک بسیاری در این محل دیده می شود.

سیزده بدر: شیروانیها معمولاً روز ۱۳ فروردین را نحس می دانند و سعی می کنند به طریقی از منزل خارج شده و در دشت و صحرا و در میان سبزه زارهای طبیعت به تفریح و گردش دسته جمعی پردازند، در روز ۱۳ مراسم رقص چوب دسته جمعی، سرودهای محلی تاب بازی، زنجیره بازی، هُلکَئِده^۴ و دیگر بازیهای محلی در هوای آزاد برگزار می شود و دختران دم بخت نیز دور از چشم بزرگتران رو به قبله نشسته و سبزه گره می زنند، روز سیزده نهار بطور دسته جمعی صرف می شود و آنچه آجیل و شیرینی از ایام عید نوروز باقیمانده در این روز صرف می شود و سبزی های سفره عید نیز که معمولاً از رشد دانه عدس که بطرز زیبایی پرورش داده اند از منزل خارج می شود.

مراسم خواستگاری و ازدواج در شیروان

مردم شیروان ازدواج را مانند تمام مسلمانان و ایرانیان یک وظیفه دینی و مذهبی و اجتماعی می دانند و معتقدند هنگامی که پسر یا دختر به سن بلوغ رسید با تهیه مقدمات کار می بایستی ازدواج نمایند که این مراسم زیبا و عرفانی به ترتیب زیر انجام می گیرد.

۱- خواستگاری: برای خواستگاری مادر پسر و چند نفر از زنان عاقله به منزل دختر مورد نظر می روند و مادر دختر از طرز برخورد مهمانها، حدس می زند که برای خواستگاری آمده اند و از دخترش می خواهد که برای مهمانها چایی و میوه و شیرینی بیاورد هنگامی که دختر وارد خانه می شود، مادر پسر ماشا الله گویان دختر را می بوسد و اگر اخلاق و رفتار و شکل و شمایل دختر مورد پسند بود، علناً به خانواده دختر اظهار می کنند که برای خواستگاری دخترتان آمدم. و معمولاً در قدیم می گفتند: خدمت رسیدیم ببینیم پسر ما را به غلامی قبول می کنید یا نه؟ خانواده دختر نیز در صورت موافقت^۵ در جواب می گفتند: «البته به آقایی می پذیریم قدمش به روی چشم ما» سپس طرفین موقع مناسبی را معین می کردند تا مردهای خانواده داماد (پدر. عمو. دایی) برای «بله برون» یا بله گویان به منزل دختر بروند و درباره مقدار مهریه، جهیزیه، لوازم سرعقد، شیربها، نحوه برگزاری جشن و... با هم صحبت کنند که این مراسم را سابقاً ایستماق و فعلاً شب جواب می گویند. عده ای از مطلعین به این مراسم «کفش پا کنی» نیز می گویند، گویا در قدیم در چنین شبی بردن کفش برای دختر به عنوان

۴- هُلکَئِده- یکی از بازیهای اصیل محلی شیروان است که ترکیبی از پرشهای طول و سه گام می باشد.

۵- در صورت عدم موافقت یا تحقیق بیشتر جواب را به بعد موکول می کردند.

نشان یکی از سنتها بوده است.

۲- لوازم سرعقد: طبق توافق و قرارداد در شب جواب معین شده است و دو خانواده پسر و دختر با صلاحدید یکدیگر لوازم سرعقد را خریداری و قبل از تشکیل مراسم عقد کنان کلیه لوازم به منزل دختر فرستاده می شود^۶ که معمولاً شامل: یک جلد کلام الله مجید- یکسری آینه و شمعدان- لباس کامل سرعقد- حلقه انگشتری- یکسری طلاجات (با توجه به توافق طرفین) و معمولاً یک رأس گوسفند و مخارج آشپزخانه است.

۳- مجلس عقد کنان: چند ساعت قبل از مراسم عقد، عروس را به آرایشگاه می برند^۷ که در سابق به آن نخه کردن یا بنداندازی عروس می گفتند،^۸ در هنگام نخ انداختن صورت عروس، ابتدا مادر عروس و مادر داماد هریک مویی از پیشانی عروس با موچین می کنند و به جای آن یک سکه طلا (اشرفی) یا نقره ای می چسبانند که معمولاً انعام آرایشگر است در حین آرایش عروس، زنان دیگر اسپند در آتش می ریزند و با زدن دایره شادی و رقص و پایکوبی می کنند.

اگر در اثنای بند انداختن نخ آرایشگر تصادفاً پاره شود زنان شیروانی می گویند: داماد دلش برای عروس می سوزد. اگر نخ در پشت لب عروس پاره شود، می گویند: عروس از زبان مادر شوهر خود رنج فراوان خواهد برد!... به هر حال وقتی که کار آرایش خاتمه یافت. مدتی قبل از خواندن صیغه عقد، در اتاقی که قبلاً تزئین شده عروس را در محل مناسبی می نشانند و سفره عقد را نیز در مقابل او پهن می کنند، در روی سفره عقد یک آینه به علامت نیکبختی، شمعدانی و لاله به علامت روشنی و طول عمر، تخم مرغ به علامت این که عروس حتماً اولاددار شود، سینی عاطل و باطل به علامت دفع جادو و چشم زخم پنیر و سبزی برای دفع هوو، عسل برای سلامتی و شیرین کردن دهان عروس و داماد، نان به علامت برکت، آب به علامت صفا و خرمی، شیرینی و نقل و نبات به علامت شیرین کامی، گردو به علامت این که فرزند اول عروس، پسر باشد و بالاخره کلام الله مجید برای فضیلت مجلس که حتماً می بایستی در صدر سفره قرار بگیرد.

سپس عاقد با اجازه وارد اتاق می شود و در حضور مدعوین نظر عروس را در مورد ازدواج

۶- تمام مخارج به عهده داماد است بجز حلقه نامزدی پسر که از طرف خانواده عروس خریداری می شود.

۷- سابقاً آرایشگر به منزل عروس می آمد.

۸- قبل از آرایش عروس، لباس سفید عروسی را به نشانه سفیدبختی و خوشبختی می پوشد.

با پسر مورد نظر از خود می خواهد. عروس معمولاً در مرتبه اول و دوم از جواب دادن امتناع می ورزد تا به اصطلاح نگویند عروس «دستپاچه» است و در مرتبه سوم عروس با گفتن بله. یا با اجازه پدر و مادر و بزرگتران بله. همگی کف می زنند و شادی می کنند و در همین هنگام داماد هم طی مراسمی با سلام و صلوات وارد اتاق می شود و در کنار زوجه اش قرار می گیرد. به هر حال وقتی که عاقد جواب بله را از عروس دریافت داشت^۹ در اتاق دیگری مردان دو خانواده جمعند، مشغول خواندن صیغه عقد می شود. اما اتاق عروس صفای دیگری دارد! چند زن سفیدبخت^{۱۰} از اقوام پیش می آیند و پارچه ای سفید بالای سر عروس و داماد نگه می دارند و زنی دو تکه کله قند را بالای پارچه به هم می ساید و زن دیگری با سوزنی که نخ هفت رنگ دارد مرتباً در پارچه سفید کوک می زند و می گوید: می بندم و می بندم. ^{۱۱} بقیه دسته جمعی جواب می دهند: چی رو. می گوید: زبان مادر شوهر را... و به ترتیب زبان خواهر شوهر و مادر زن و بقیه هم دوخته می شود. پس از مراسم فوق حلقه های نامزدی رد و بدل می گردد و غسل نیز خورده می شود و اقوام و دوستان عروس و اخیراً از طرف داماد به تازه عروس و داماد هدایایی داده می شود که در روستاها بیشتر پول نقد رایج است و جشن با صرف نهار یا شام پایان می پذیرد. داماد معمولاً شام را با عروس صرف می کند و هنگام خواب ظاهراً به منزل خودش می رود ولی دوباره شبانه پیش همسرش برمی گردد و از آن روز به بعد تا موقع بردن عروس به خانه داماد، او هر چند گاه یکبار در ظاهر به عنوان احوالپرسی و دیدار از خانواده عروس اما در اصل برای نامزدبازی به خانه عروس می رود و هر دفعه هدیه ای هر چند کوچک برای عروس می برد.

۴ - جهیزیه عروس: پس از گذشت مدتی از دوران نامزدی و قبل از آن که عروس رسماً به خانه شوهرش برود خانواده عروس و داماد به فکر تهیه جهیزیه می افتند و معمولاً تا حدامکان لوازم و وسایل اولیه زندگی را خریداری و آماده می کنند و پس از مشورت، موقع

۹ - در زمستان سال ۱۳۴۵/ش در مراسم عقد کنان دختر خانمی در یکی از روستاهای هشترطوالش گیلان، هنگامی که عاقد در مرتبه اول نظر عروس را در مورد ازدواج خواست. او با صدای بلند گفت. بله. مین نوه بله. (بله. هزار بار بله) که این موضوع باعث شادی مدعوین گردید و پدر داماد (مشهدی شکرالله) بلافاصله یک رأس گاو نر که در شالیزارهای شمال فوق العاده ارزشمند بود به عنوان پیشکش به عروس داد و در حالی که عروسش را در آغوش گرفته بود از نگارنده خواست تا قرارداد هدیه یک جریب زمین را هم به نام عروسش (علم تاج خانم) بنویسم.

۱۰ - سفیدبخت به افرادی گفته می شود که هوو نداشته و از زندگی نسبتاً مرفهی برخوردار باشند.

۱۱ - می دوزم می دوزم هم می گویند.

مناسبی را برای مراسم جشن خانه شوهر رفتن عروس انتخاب و با دعوت از اقوام و دوستان جشن دیگری برپا می شود که سابقاً این جشن در سه روز متوالی انجام می گرفت و دارای مراسم بسیار جالب و دیدنی بود که اشاره ای کوتاه به بعضی از آنها می شود.

۵ - حنا بندان: حنا بندان به دو طریق انجام می گیرد در منزل و در حمام که در این جا حنا بندان در منزل مورد نظر است. در ظرفی بزرگ به اندازه مصرف حنای عروس و مدعوین آماده می شود، سپس یکی از اقوام نزدیک تصمیم می گیرد دست و پای عروس را حنا ببندد. در این لحظه عروس از بستن حنا به نحوی خودداری می کند. مادر داماد بلافاصله با هدیه یک جفت گوشواره یا سکه طلا و یا پول نقد به عروس او را به اصطلاح به حنا بستن راضی می کند. این مراسم با آهنگ محلی ویژه ای که توسط هنرمندان محلی و بوسیله قوشمه یا کمانچه و یا دوتار نواخته می شود به اجرا در می آید و یک نفر نیز شعر زیر را می خواند:

عروس حنا می بنده، به دست و پا می بنده، اگر حنا نباشد، آب طلا می بنده...

در روستاها روز اول جشن، مدعوین صبح زود در حالی که هدایا را خوانچه کرده و روی سر گرفته اند با صدای دهل و سُرنا به طرف منزل داماد می روند و حاملان خوانچه ها معمولاً دختران جوان و دم بخت هر خانواده است که با بهترین و زیباترین لباسهای محلی به این کار مبادرت می کنند.

۶ - حمام بردن داماد: داماد را پیاده و دسته جمعی به حمام عمومی می برند و نوازندگان در پیشاپیش جمعیت دعوت شده می نوازند رقص دسته جمعی چوب نیز در این مراسم متداول است. مدعوین همگی به اتفاق داماد وارد حمام می شوند و بلافاصله کیسه کش، داماد را شستشوداده و بقیه نیز دوش می گیرند و داماد در حالی که اسپند برایش دود کرده اند با احترامات خاصی لباس می پوشد و دوباره مسیر حمام تا منزل را در حالی که نوازندگان بهترین آهنگ های خود را عرضه می کنند طی می کند در نزدیکیهای منزل داماد، پدر و مادر داماد بر سر و روی فرزندشان نقل و سکه می ریزند و داماد در میان صلوات حاضرین وارد خانه می شود.^{۱۱}

۷ - سلطان دامادی: پس از آوردن داماد از حمام به منزل و مدتی استراحت، او را «سلطان» می کنند، یعنی چند نفر از معتمدین محل داماد را لباس نومی پوشانند و خود نیز در

۱۱ - این مراسم فعلاً در شهر کمتر انجام می شود.

طرفین داماد می‌نشینند و با انتخاب دو نفر به عنوان فراش، اقوام و دوستان و دیگر مدعوین به دستور معتمدین و توسط فراشها به حضور داماد (سلطان) آورده می‌شوند و با رأی معتمدین هریک را به فراخور حالش جریمه نقدی می‌کنند که البته جمع‌آوری پول به طریقه سلطان دامادی برای افراد کم‌بضاعت، کمک بسیار نیکویی در اوایل زندگی زوج جوان است تا قسمتی از هزینه‌ها را تأمین نمایند.

۸ - عروس بُردن: پس از اینکه جهیزیه عروس با وضع خاصی در خوانچه‌ها به منزل داماد آورده شد، معمولاً پس از صرف شام مدعوین طرف داماد دسته‌جمعی به سوی منزل عروس حرکت می‌کنند و در آن‌جا از طرف خانواده عروس پذیرایی مختصری می‌شوند تا مراسم خداحافظی که با گریه نیز توأم است انجام گرفته و عروس آماده گردد. البته مادر عروس یا یکی از زنان عاقله در خلوت تعلیمات خاصی را به عروس می‌دهند تا در هنگام ورود به خانه داماد و حجله طبق آن عمل نماید. بعد کمر عروس توسط پسر بچه‌ای با پارچه سفیدی بسته می‌شود^{۱۲} و در حالی که دو طرفش را برادران یا خواهران و یا دائیها گرفته‌اند او را از اتاق بیرون می‌آورند و در همین لحظه داماد نیز به اتفاق ساقدوشها به طرف عروس می‌آید و دست همسر جوانش را می‌گیرد و او را به سوی ماشین سواری از قبل تزیین شده راهنمایی می‌کند،^{۱۳} در هنگام خروج حاضرین از منزل پدر عروس، یک قطعه از وسایل خانه توسط یکی از بستگان داماد ربوده می‌شود که معتقدند عقل عروس را برده‌اند، عروس و داماد در میان هلله و شادی و صدای سازهای محلی در شهر با ماشینهای سواری و در روستا با اسب و پیاده به طرف منزل داماد می‌روند.

۹ - انار زدن یا سیب زدن: در حدفاصل بین خانه عروس و داماد در محل مناسبی داماد ابتدا قسمتی از کله‌قند را دور سر عروس می‌چرخاند و به عروس می‌دهد و در حالی که عروس روی به قبله ایستاده است و مدعوین هم آماده گرفتن انار یا سیب می‌باشند، داماد چند عدد سیب یا انار را از روی سر عروس بین مدعوین پرتاب می‌کند، که در گرفتن انار و سیب صحنه‌های جالب و گاه مضحکی اتفاق می‌افتد. در هنگام ورود زوج جوان به منزل نوگوسفندی ذبح می‌شود و در نخستین قدم عروس سعی می‌کند که پایش را بر روی پای داماد بگذارد چون معتقدند با این کار زن بر شوهرش مسلط خواهد شد! سپس داماد در میان

۱۲ - معمولاً داخل پارچه مقداری نان به علامت برکت و مقداری نمک و یکعدد قاشق قرار می‌دهند.

۱۳ - در روستاها داماد حق ندارد در این مراسم وارد منزل عروس شود و در بین راه به عروس ملحق می‌گردد.

فریادهای شادی بخش، عروس را در آغوش می‌گیرد و سه دور او را می‌چرخاند و بر روی صندلی می‌نشانند. و مرد دیگری از محارم عروس، داماد را بغل کرده و او را هم پس از سه دور چرخاندن در کنار عروس می‌نشانند.

۱۰ - رونمایی یا پا اندازی: پس از شربت خوردن عروس و داماد، پدر داماد وارد اتاق می‌شود و با هدیه سکه یا ملک عروس خودش را رونمایی می‌کند (تور صورت عروس برداشته می‌شود) در سابق پدر داماد قرآنی را به دست راست و آینه‌ای را به دست چپ می‌گرفت و قرآن و آینه را به صورت عروس نزدیک می‌کرد و عروس با بوسیدن و احترام به قرآن و نگاه کردن در آینه رونمایی می‌شد.

غذاها و آشهای نذری مردم شیروان

أماج گُماج: این غذای نذری به نام حضرت ام البنین مادر گرامی حضرت ابوالفضل العباس داده می‌شود و مناسبت آن برآورده شدن حاجتی مانند: شفای بیمار، سلامت مسافر، ادای قرض و آزادی از زندان و... می‌باشد و نحوه ادای نذر و انداختن سفره أماج گُماج در شیروان بدین گونه است.^{۱۴} خانمی که نذر دارد به اتفاق چند نفر از آشنایان در عصر روز دوشنبه (شب سه شنبه) ظرفی در دست گرفته و در ۷ خانه از همسایگان را به صدا درمی‌آوردند^{۱۵} و در مورد نذر صحبت می‌کند و از هریک مقداری آرد، روغن، حبوبات، ادویه و سایر مواد لازم را برای پختن آش أماج و نان گُماج می‌گیرد و آنها را روی سفره سفید و تمیزی که قبلاً در اتاق پهن شده، قرار می‌دهد و یک چراغ هم روشن می‌کند و تا صبح هیچ کس به آن اتاق قدم نمی‌گذارد.

صبح روز سه شنبه در هنگام طلوع آفتاب هفت عدد شمع هم روشن می‌کنند و یک زن کاملاً متدین و عاقله وارد اتاق می‌شود و دو رکعت نماز به نیت حضرت ابوالفضل العباس و دو رکعت دیگر هم به نیت حضرت ام البنین می‌خواند و دعا می‌کند. سپس زنی که خود ادای نذر کرده با چند نفر دیگر وارد اتاق می‌شوند و معمولاً علامت پنجه دست یا مهر و یا تسبیح

۱۴ - این نذر مخصوص خواهران است.

۱۵ - اگر نام همسایگان فاطمه باشد کامل تر است.

را روی آرد مشاهده می‌کنند، که معتقدند اثر پنجه یا مُهر یا تسبیح حضرت ام‌الینین است و نذر قبول شده و حاجتشان برآورده خواهد شد،^{۱۶} بعداً آردها را خمیر می‌کنند و خمیر را معمولاً روی ساچ (چدنی سینی مانند و گرد که روی آتش قرار می‌گیرد) به صورت نان فطیر آماده می‌کنند و مواد دیگری نیز به عنوان چاشنی به آن اضافه می‌کنند که اصطلاحاً کُماج می‌گویند و مقداری از آرد را نیز با آب و روغن و کمی زعفران مخلوط می‌کنند و به صورت دانه‌های کوچکی درمی‌آوردند که به آنها نیز اُماج می‌گویند. هنگامی که اُماج آماده شد، مقداری آب در دیگی بزرگ می‌ریزند و پس از جوش آمدن آب، مواد آماده شده که شامل: نخود، عدس، لوبیا، تره، جعفری، برگ چغندر، گشنیز و ادویه است به ترتیب توسط آشپز در دیگ ریخته می‌شود و اُماج‌ها نیز بر محتویات دیگر اضافه می‌گردد، و آشپز با شاخه درخت (بجای کفگیر) آن را به هم می‌زند و پس از مدتی اصطلاحاً دیگر اُماج را در دم می‌گذارند تا آماده شود، هنگام ظهر سفره چیده می‌شود. بطوری که فطیر کُماج را قطعه قطعه کرده و با آجیل و کشمش مخلوط می‌کنند و روی سفره می‌گذارند و شمعها هم روشن می‌شود. نکته جالب این که ظرف بزرگی را از اُماج پر کرده و آن را هم در گوشه‌ای از سفره قرار می‌دهند و در کنار این ظرف بزرگ یک بشقاب خالی و یک قاشق نیز قرار می‌گیرد آنگاه مهمانان که قبلاً دعوت شده‌اند از اتاق دیگری وارد می‌شوند و دور سفره اُماج کماج با خلوص نیت می‌نشینند، در این هنگام دختر نابالغی که اسمش حتماً می‌بایستی فاطمه باشد روبه قبله در کنار سفره می‌نشیند، بطوری که ظرف پُر از اُماج و بشقاب خالی و قاشق در جلوی قرار گرفته است. روضه‌خوان که حتماً می‌بایستی زن باشد، پس از خواندن روضه ام‌الینین، هفت آیه از سوره مبارکه «یس» را نیز قرائت می‌کند که حاضرین نیز هفت بار دسته‌جمعی می‌گویند: السّلام علیک یا امیرالمؤمنین. و در همین اثنا دختر نیز با خواندن هر آیه اُماج را در ظرفها می‌ریزد.^{۱۷} در این موقع هریک از مدعوین اگر آرزو حاجت و یا نذری داشته باشند در حین خوردن اُماج در دل نیت می‌کنند و در صورتی که حاجتشان برآورده شود، آنها نیز به این کار اقدام نمایند. آش اُماج کُماج را مردان نباید بخورند و هر مردی که عمداً به این کار اقدام کند معتقدند که اتفاق ناگواری برای او رخ خواهد داد، زنان حامله نیز نمی‌توانند از

۱۶ - در این مورد با اکثر افرادی که نذر اُماج کُماج داده‌اند صحبت شده، همگی معتقدند آثار را بوضوح مشاهده کرده‌اند.

۱۷ - با خواندن ۷ آیه، اُماج ۷ بار جابجا می‌شود.

این آش بخورند. البته این سفره نذری اگر طبق سنت انجام شود مخارج اندکی دارد اما در حال حاضر این مراسم دینی با تشریفات بسیار و هزینه زیادی انجام می‌گیرد.

آجیل مشکل گشا: نذر آجیل مشکل گشا که بین زنان رایج است بدین گونه ادا می‌شود که صاحب نذر برای برآورده شدن حاجت خود، معادل سه سکه رایج، نخود برشته و کشمش و گردو خریده و به منزل می‌برد و آنها را روی سفره یا دستمالی پهن می‌کند و با چند نفر از اعضای خانواده دور سفره می‌نشینند و پوست و آشغال آجیلها را می‌گیرند و در ضمن قصه مخصوص آجیل مشکل گشا معروف به «پیرمرد خارکن» نیز تعریف می‌شود، سپس پوسته‌ها و آشغال آجیل را معمولاً به آب جاری می‌ریزند و آجیل مشکل گشا را در سه نوبت بین مردم تقسیم می‌کنند. از آجیل مشکل گشا برای تمام گرفتاریها بخصوص: برای رفع نازایی، بخت گشایی دفع هوو و از بین رفتن اختلافات زن و شوهر استفاده می‌گردد و این آجیل به عنوان نذریشتر در شبهای جمعه و در اطراف مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) و یا امامزاده غیبی شیروان تقسیم می‌شود.

سفره حضرت رقیه: این سفره نذری در سه نوبت و شبهای جمعه^{۱۸} و در کنار بارگاه امامزاده حمزه رضا (ع) انداخته می‌شود و در سر سفره یک عدد نان (فطیر) و دو عدد شمع و مقداری سنبله گندم و خرما الزامی است و روضه حضرت رقیه نیز حتماً می‌بایستی خوانده شود (در این سفره نذری تغییرات زیادی مشاهده می‌شود).

سفره بی بی حورببی بی نور: این نذر بجز در ماههای محرم و صفر در بقیه ایام سال ادا می‌شود و غذای آن نوعی آش محلی است و حضور مردان در سر سفره و خوردن آش برای آنها ممنوع است.

سفره حضرت ابوالفضل (ع): این نذر محلی که در روز چهارشنبه داده می‌شود، مخارج بیشتری نسبت به نذرهای دیگر محلی دارد، چون در سر سفره: آش رشته، شله زرد، حلوا، آجیل و شمع الزامی و بقیه غذاها مستحب است و خواندن روضه حضرت ابوالفضل واجب می‌باشد.

عقیقه: عقیقه نذری است که ادای آن بر هر پدر و مادر در صورت داشتن امکانات مالی شرعاً واجب است. این نذر شرعی در بین شیروانیها بسیار متداول می‌باشد. در این نذر

۱۸ - عده ای از مطلعین شبهای دوشنبه را مخصوص این نذر ذکر می‌کردند.

گوسفندی کاملاً سالم را با خواندن دعای عقیقه ذبح می‌کنند. اما نباید استخوانهای گوسفند را شکست، زیرا استخوانها را از گوشت جدا می‌کنند و سپس آنها را در پارچه‌ای سفید پیچیده و در زیر درخت یا گورستان دفن می‌کنند و گوشت آن معمولاً آبگوشت درست می‌شود و مدعوین که غالباً اقوام و خویشان هستند پس از خواندن روضه توسط عالم محل، به مصرف می‌رسد. از گوشت عقیقه پدر و مادر و همچنین پدر بزرگ و مادر بزرگ عقیقه شونده حق خوردن ندارند. این نذر برای جلوگیری از مرگهای معلق انجام می‌شود.

سَمَنو: سمنو علاوه بر این که برای نذرین مردم تقسیم می‌شود، یکی از غذاهای ملی و قدیمی ما ایرانیان نیز هست. برای تهیه سمنو در شیروان مقداری گندم را خیس می‌کنند و دو سه روزی گندمها را در پارچه‌ای پیچیده و در محل نسبتاً گرم و مناسبی نگه می‌دارند تا گندمها نیش (جوانه) بزنند و بعد آنها را در یک سینی بزرگ و یا مجمعه مسی پهن کرده و مقابل نور خورشید قرار می‌دهند تا ۱۰-۱۵ سانتی متر رشد کند، بعد ساقه‌های نورسته و سبز را سه بار غسل می‌دهند^{۱۹} و آن را روی سنگ صاف بزرگی با کارد خُرد می‌کنند در این موقع زنانی که حاجت یا نذری دارند نیت می‌کنند و کاردی روی ساقه‌های گندم می‌کشند و از خداوند مراد می‌طلبند. سپس ساقه‌های گندم و مقداری از ریشه‌ها، در هاونی بزرگ کوبیده می‌شود تا شیره آن گرفته شود. شیره گندم را با مقداری آرد و آب مخلوط کرده و در دیگ بزرگی آن را می‌جوشانند و مرتباً محتویات داخل دیگ را به هم می‌زنند و صلوات می‌فرستند تا هنگامی که مایع درون دیگ سفت شود و این عمل سه بار با اضافه کردن آب تکرار می‌شود. در مرحله آخر که سمنو طبق رأی آشپز به اصطلاح می‌رسد. سینی پر از آتشی را روی سر دیگ قرار می‌دهند و سمنو را چند ساعتی در دم می‌گذارند، در این موقع دوازده عدد شمع به اسم دوازده امام دور تا دور دیگ سمنو روشن می‌کنند و صاحب نذر به اتفاق زنانی که مراد طلبیده‌اند در اطراف دیگ سمنو حاضر می‌شوند و دو رکعت نماز حاجت می‌خوانند و صلوات گویان در دیگ را بر می‌دارند که در این هنگام سمنو آماده مصرف و تقسیم است. در موقع برداشتن سر دیگ غالباً جوشها و فرورفتگیها و برجستگیهایی بر سطح سمنو دیده می‌شود که زنان معتقدند اثر تسبیح و دست حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و حاجت و نذر حتماً برآورده خواهد شد، در لحظه باز کردن سر دیگ سمنو، مردها حق ندارند

۱۹- این عمل بدین لحاظ انجام می‌گیرد که اگر چشم ناپاکی آنها را دیده پاک شود.

در محل حاضر شوند ولی خوردن سمنوبرای مردان آزاد است.

مراسم خَلْتَه گلدی

یکی از مراسم بسیار قدیمی که اکنون در شهر کمتر به مرحله اجرا درمی آید اما در روستاها بیشتر مرسوم است. «خلته گلدی» می باشد که معنی آن به فارسی «کیسه آمد» می شود. این سنت دیرین، سابق درین تمام خانواده ها بخصوص اقوام و خویشان رایج بود و شب قبل از تحویل سال نو (عید نوروز) انجام می گرفت. به نحوی که در ابتدای شب، شخصی که قصد خلته گلدی را داشت، با کیسه ای که نخی هم به آن محکم بسته شده بود، بدون این که کسی متوجه شود به پشت بام اقوام و خویشان و دوستان می رفت و کیسه را معمولاً در جلو پنجره یا محلی که صاحب خانه متوجه گردد، می آویخت و با تغییر صدا فریاد می زد خلته گلدی، خلته گلدی. صاحب خانه هم که با این سنت قدیمی آشنا بود، با قراردادن مقداری شیرینی یا گردو، کشمش، آجیل، فطیر و... در داخل کیسه به اصطلاح انعام او را می پرداخت. البته اگر صاحب خانه به نحوی متوجه می شد که شخص مورد نظر یکی از بستگان نزدیک و بخصوص تازه داماد^{۲۰} خانواده است، آن وقت دیگر کیسه ارسالی حتماً با سکه طلا یا اجناس پرارزش پرمی شد. از این سنت در زمانهای قدیم بطور غیرمستقیم برای خواستگاری نیز استفاده می شد. این مراسم در سابق به عنوان یک سرگرمی همگانی مورد توجه بود ولی امروزه با ایجاد ساختمانهای بلند امکان آن در شهرها مقدور نیست اما به هر حال یادآوری و ضبط آن در خاطره ها خالی از لطف نخواهد بود.

چمچه خَلَه گَلَب دِه

این مراسم در مواقع خشکسالی و بخصوص در عدم بارش بهاری در شیروان به مرحله اجرا درمی آید بطوریکه آدمکی ساخته می شود و یا شخصی را به گونه ای گرم می کنند که گویا از تشنگی در حال تلف شدن است و چند نفر از بانیان خیر نیز با او حرکت کرده و به در منازل و مغازه ها می روند و چند نفر کودک هم دسته جمعی و هم صدا می گویند: «چمچه خَلَه گَلَب دِه، إِلَه خَمیر دِه قَالِب دِه» مردم نیز با پرداخت پول و ریختن

۲۰ - در صورت داماد بودن گویا از قبل رمز این موضوع به اطلاع می رسید!

مقداری آب بر سر و روی «چمچه» او را به اصطلاح یاری می دهند. در خاتمه با وجوه جمع آوری شده یک رأس گاویا شتر خریداری می شود و آن را دور شهر می گردانند و سپس قربانی کرده و گوشتش را بین مستمندان تقسیم می کنند و معتقدند خداوند بزودی باران رحمتش را نازل می نماید.

دیگر معتقدات مردم

۱. آب علامت روشنایی است. ۲. پشت سر مسافر باید یک کاسه آب روی زمین پاشید تا به سلامت برگردد. ۳. هرکس بخواهد در حمام آب بخورد باید کف دست چپ خودش را روی سرش بگذارد. ۴. ایستاده آب خوردن باعث زردی رنگ صورت می شود. ۵. اگر دست کسی به کاسه آب بخورد و آب بریزد، شادی و برکت به آن خانه روی خواهد آورد. ۶. اگر آب هنگام ریختن روی زمین صدا کند مهمان خواهد آمد. ۷. اگر گربه دست و روی خودش را به اصطلاح بشوید مهمان می آید. ۸. هرکس روی گربه آب بریزد پشت دستش زگیل درمی آورد. ۹. اگر خروس در داخل اتاق نشیمن آواز بخواند! نشانه خوش خبری است. ۱۰. اگر کفشها روی هم بیفتند صاحبش به سفر خواهد رفت. ۱۱. اگر کسی اسب در خواب ببیند به مرادش خواهد رسید. ۱۲. اگر کف دست راست کسی بخارد پول نصیبش خواهد شد. ۱۳. اگر کف دست چپ کسی بخارد کتک خواهد خورد. ۱۴. اگر از روی بچه شیرخوار عبور کنند، بچه دیر زبان باز می کند و دیر راه می افتد. ۱۵. بچه اگر مادرش را ببوسد عمرش زیاد می شود. ۱۶. اگر الاغ نشسته عرعر کند صاحبش خواهد مُرد. ۱۷. اگر کسی مرده خواب ببیند نامه یا خبر خوش به او می رسد. ۱۸. اگر در شب چهارشنبه مرده دفن کنند یک لنگ کفش میت را نیز در کنارش قرار می دهند. ۱۹. هرکس شب زیاد در آینه نگاه کند مجنون می شود (کراهِت دارد). ۲۰. پس از غروب آفتاب اگر کسی از همسایه اش نمک بخواهد می بایستی به جای نمک کلمه طعام بگوید در غیر این صورت نمک نخواهند داد ...

طب سنتی مردم شیروان

شیروانیها برای امراض مختلف با توجه به خواص گیاهان دارویی و تجربه قبلی در این مورد، گیاهان خاصی را تجویز می کنند.

- ۱- ترشا (ترش کردن): برای رفع ترشا در حدود دو مثقال برگ گل سرخ و یک مثقال گشنیز و یک مثقال زیره سیاه و یک مثقال زیره سبز و دو مثقال تباشیر و هشت نخود تخم خیار را در سرکه می پروارند و سحرناشتا می خورند.^{۲۱}
- ۲- اسهال: برای قطع اسهال ریشه آنوخ (کاکوتی) و نعناع یا پونه صحرائی را دم می کنند و می خورند.
- ۳- خارش بدن: مقداری ماست گاو و جوش شیرین و سدر را به هم می آمیزند و در حمام به تن خود می مالند.
- ۴- ترک پاشنه پا: مقداری عدس در سرکه می جوشانند و مایع جوشیده را روی ترکها می مالند.
- ۵- چشم درد: مقداری شاهدانه و ریشه مرجان و زاج سفید را می کوبند و با آبغوره و سفیداب مخلوط کرده و با میل به چشم می کشند.
- ۶- سردرد: برای سردرد اندکی ترنجبین در آب جوش می خیسانند و می خورند و قدری از آن را نیز به پیشانی و شقیقه ها می مالند.
- ۷- کمر درد: مقداری زیره و گل بابونه را می کوبند و با زرده تخم مرغ مخلوط کرده به کمر می بندند.
- ۸- گوش درد: دود سیگار یا تنباکورا در سوراخ گوش طفل فوت می کنند.
- ۹- زنبورزدگی: مقدار کمی تریاک یا شیره تریاک را در آب حل کرده و به محل نیش زدگی می مالند از سرکه نیز استفاده می شود.
- ۱۰- سستی کمر: به مدت ۴۰ روز دو عدد زرده تخم مرغ و قدری معجون به او می خورانند.
- ۱۱- سرماخوردگی و تب: بوسیله استکان انداختن به پشت بیمار رفع می شود.
- ۱۲- دل درد: مقداری قسنی (کاسنی) و درمنه ترکی و زیره در آب حل کرده و به مریض می دهند.
- ۱۳- بوی دوا (آی باشه): اگر با پخش گلوی طفل معالجه نشد،^{۲۲} از دارویی به نام جنک (دوا) که به پیشانی و ناف و کام طفل مالیده می شود، آی باشه رفع می گردد. در این

۲۱- مطالب این صفحه بیشتر از اطلاعات عطار قدیمی شهرمان مرحوم حاج آقا توکلی استفاده شده است.

۲۲- این عمل با انگشت انجام می گیرد.

هنگام اگر طفل شیرخوار دیگری که استخوانش آمادگی دارد با آن طفل روبرو شود بلافاصله مبتلا می شود و اسهال و استفراغ شدیدی می گیرد و مرگ او حتمی است. تنها راه معالجه آن داغ کردن پیشانی و استفاده از داروی معروف «جنک» است.

۱۴- سُرَفه کردن: به محلی در پشت کوه قراول چنگه به نام «اُی سِرْمه پیره» می روند.

«اسامی امراض به چهار زبان»

فارسی	انگلیسی	تلفظ	ترکی	کردی
۱ سُرَخک	Measles	می زلس.	قزل جه.	سوروک.
۲ تب لرز	Shiver-And-Fever.	شیر-آند-فیور	ایستمه (فرشه)	قزومه.
۳ آبله	Smallpox.	إسمال پاکس.	چی چی	خوری
۴ حصبه	Typhoid-Fever.	تیفوئید فیور.	دمانه (قاره نچاق)	نخوشه رش.
۵ دُمَل	Abscess.	آبسس	چیوان.	کونیر.
۶ روده پیچ	Colic	کولیک.	توخ چِم	قولنج
۷ صرع	Epilepsy	ابی لپسی.	جسته.	ژخاچو (عش)
۸ سیاه سرفه	Pertussis.	پرتوسیس.	گوی اونی سِرْمه.	گُخ کِه رش.
۹ گُل مژه	Style.	استایل.	گَزِگِلنه.	بوکه چاوان.
۱۰ وِیار	Pregnancy-Pica	پرکنانسی پیکا	پرک له ماق	وَنیران
۱۱ گَهِیر	Urticaria	انتری کیریا.	خَتِر	خِین ته وِری
۱۲ سنکوپ	Infarction	انفارکشن.	سَکته.	سَکته.
۱۳ سیاه زخم	Anthrax.	انتراکس.	یامان یاره.	برینه رش
۱۴ اسهال	Diarrhea	دیاره	ایاق آسته	دلش.
۱۵ مخملک	Rubella	روبیلا.	گُل افشان	سُرَخجه
۱۶ آبله مرغان	Chickenpox	چیکن پاکس.	آبله مرغان	میخ که گُت
۱۷ جذام	Leprosy	لِپْرُسی.	خوره	خوره
۱۸ نفخ	Flatulent.	فلوتولنت	ساتل جم (دَم)	نفق (دَم)
۱۹ سرطان	Cancer.	کانسر	اینچه درد.	دَرِد بی دَرُمان
۲۰ متورم شدن سر و صورت	Oedema of Face and head	اِدِم آف فیس آند هِد	گَله پَرْتُم	پرچفتیه

ردیف	فارسی	انگلیسی	تلفظ	ترکی	کردی
۲۱	امراض پوستی.	Dermatitis	درماتیت.	خُشگه	خُشگه.
۲۲	زگیل	Corn.	کورن	سینگر	بالوگ.
۲۳	زائو	Puerpera	پیور پرا	زاج	زاج
۲۴	تب خال.	Herpes- Simplex.	هیر پس سیمپکس	تونخال	تونخل
۲۵	تورم و درد شدید در مفاصل	Arthritis	آترایتیس.	پی	پی
۲۶	تُرشا	Heart-Burn	هارت بارن	تُرشاق	تُرش
۲۷	تب	Hyperpyrexia	هیپر پیر کشیا.	ایستمه (توتاشه)	قِرمه (قِزدرمه)
۲۸	کبود شدن استخوان	Gangre of-Bone	گنگری آف بون (غانقرایا)	قِل چنج.	هستی رَش.
۲۹	بوی دوا. (نوعی) اسهال و استفراغ شدید	Diarrhea. And-E -Kardan	دیاره. آند. ئی - کاردان	دوا ایسه	بینه دوی بیستیه
۳۰	زکام (متورم شدن گلو)	Zacame.	زکام	بُغاز گلّ ماق. (دُن قوز باشه)	گوری هاتیه
۳۱	سالک.	Sâlek.	سالک	ئیل یاره	سالک.
۳۲	پوده	Pûda	پوده	گووس.	گووس.
۳۳	استفراغ	E- Kardan	ئی- کاردان	قِی سان (قِی تَرمه)	صرف (غشیان)
۳۴	سرفه کردن			اُکسیر ماق	کوخیان
۳۵	سرفه کردن (حساسیت)	Allergie	آلرژی	کوخذ کوخذ	کُرک (کوت کین)
۳۶	گیج گذری	Hystery	هیستری.	کم هوش	کُنگ.
۳۷	حساسیت ماهانه	Allergie	آلرژی	آی باشه	سَره هیو
۳۸	مالاریا	Malaria	مالاریا.	تب نویه	قِزدرمه.
۳۹	دیفتری	Diphtherie	دیفتری	خنق	گوری هاتیه.
۴۰	گریپ	Influenza	آنفلوانزا	سُوخ دیمه	
۴۱	طاعون	Yersin. (Plague)	یرسن.	مرگه	مرگی
۴۲	سیل.	Salle. (Tuberculosis)	سیل.	گَن مینن قان گله	

ضرب المثلها:

- ۱- دِزَسْتَه باخ بِزَنه آل، آنه سِنَه باخ قِزَنه آل «اَوَّل تحقیق بعد اقدام»^{۲۳}
- ۲- هِیچ اُت بَتوت دُی «هیچ آتشی بدون دود نیست»
- ۳- بِلَه بیر قازَنَه بِلَه بیر چغندر «هرکه بامش بیش برفش بیشتر»
- ۴- بُو، آت، بُو، دُونَه قِیتر مَس «مقایسه توانایی و ناتوانی»
- ۵- تا شَمال گَلَمَسَن، شُخَه تِر پِن مِیدَه «تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها»
- ۶- تقاص قِیامتَه قالمِیدَه «دنیا دار مکافات است»
- ۷- قازان هَر گَر گِیَه دی دِه، اوزین قاره «مشابه طعنه سیر به پیاز»
- ۸- تُرش قاتِقین، تَغارَنن، معلوم دِه «سالی که نکوست از بهارش پیداست»
- ۹- خَلقِ ایلان چاخَه مَنه کَلِپَسَه «مردم را مار می زند، مرا سوسمار» «بدشانسی»
- ۱۰- آقازین یوخ لِقَه- بی بی نین شوخ لِقَه «بی پولی شوهر، شوخی زن»
- ۱۱- درد چِکَن طیبب اوله «درد کش، پزشک می شود»
- ۱۲- آتاسِه طوَرَدَه، یاتَه. اوغله کاروانسرا قِمت ایه «پدرش در تویره می خوابه، پسرش کاروانسرا قیمت می کنه»
- ۱۳- یورقَنیه گوره ایا قیه اوزالت. «به اندازه لحافت، پایت را دراز کن»
- ۱۴- دُشی مُهره یرَدَه قالمِیدَه «مهره سوراخ شده در زمین نمی ماند»
- ۱۵- چاقَه بایمِیدَه، نوه مغز بایم «بچه بادام است، نوه مغز بادام»
- ۱۶- یخ ین اوستنده توز آختره «روی یخ دنبال گرد و خاک است.»
- ۱۷- داغ، داغَه یِتیشِیمِیدَه، آیم، آیمه یِتِشَه «کوه به کوه نمی رسد. آدم به آدم می رسد»
- ۱۸- عقل یا شَدَه دُلِیدَه، باشدِیه «عقل باسن نیست، با فکر است»
- ۱۹- یاغ، یاغَه دامه، یارمه سِر داغ سِر قَالَه. مشابه «پول، پول می آره، بی پول بی پول تر»
- ۲۰- قِل قَمچِیه قوت دِ «یک رشته مو هم کمکی به تقویت شلاق است»

۲۳- این ضرب المثل بیشتر در هنگام خواستگاری و ازدواج مورد استفاده قرار می گیرد.

- ۲۱ - جُوچه قلبرینگ آستنده قالمس، گینگش لقه بیرچخر
 ۲۲ - قونشینگ پیس اولده کؤچ قورتار، دیشینگ آغریه چک قورتار «همسایه ات بد بود، کوچ کن و خلاص شو، دندانن درد کرد بکش و خلاص شو»

انواع نانها و غذاهای محلی

- ۱ - قَتْلَه: آرد را خمیر کرده و آن را ورقه ورقه می کنند و لابلای آن را روغن و زعفران و ادویه می زنند و آن را در تنور می پزند.
- ۲ - چَلْپَه: خمیر را نازک کرده و آن را در داخل روغن داغ قرار می دهند تا خوب سرخ شده و آماده شود.
- ۳ - آگنجه: با قرار دادن سبزیهای محلی و پیاز سرخ شده در داخل خمیر آن را در روغن سرخ می کنند.
- ۴ - شیرمال: آرد را با شیر خمیر می کنند و با کشیدن مقداری روغن با زعفران بر روی آن در تنور قرار می دهند تا آماده شود.
- ۵ - ساج نونه: نوعی نان محلی نسبتاً نازک که روی ساج^{۲۴} می پزند و دارای انواع مختلف است.
- ۶ - فطیر: این نان محلی انواع مختلف دارد که بهترین نوع آن با کره و به نام «فطیر مسکه» مورد استفاده قرار می گیرد.
- ۷ - قاق: آرد را با روغن و شکر و ادویه به خمیر تبدیل می کنند و آن را در تنور می پزند، قاق به علت خشک بودن مدت زیادی نگهداری می شود.
- ۸ - چریش لی فطیر: آرد را با آب و چریش^{۲۵} خرد شده خمیر می کنند و آن را در تنور می پزند.
- ۹ - چَرْلِق لی فطیر: آرد را با آب و جزلق (تکه های کوچک دنبه گوسفند که روغن آن قبلاً گرفته شده است) خمیر می کنند و آن را می پزند.
- ۱۰ - کلوچه برنجی: آرد برنج را با شکر و آب خمیر می کنند و آن را در قطعات کوچک می پزند.

۲۴ - از جنس چدن است (سل)

۲۵ - نوعی گیاه محلی خودرو کوهستانی.

- ۱۱ - چُزمه: نوعی نان محلی نازک است که در داخل روغن سرخ می شود.
- ۱۲ - قوتاب (قطاب): داخل خمیر را با انواع سبزیها و گوشت کوبیده پر می کنند و سپس آن را داخل روغن سرخ می نمایند.
- ۱۳ - یخنه پلو: چلوبه اضافه گوشت آب پز که در داخل برنج قرار می گیرد (ته چین).
- ۱۴ - آبگوشت: شامل. گوشت، نخود، لوبیا، سیب زمینی، که آبگوشت آن به صورت ترید و گوشت و دیگر مخلفات آن به صورت کوبیده خورده می شود.
- ۱۵ - سِسمِه: شامل آرد و شیرۀ انگور است که آب و ادویه به آن اضافه می شود البته ابتدا آرد را در روغن تف می دهند.
- ۱۶ - دُیمه دَنی: گندم را نیمه کوبیده کرده و آن را در آب می جوشانند و سپس در دم می گذارند و با اضافه کردن مقداری آرد، روغن و ماست می خورند.
- ۱۷ - قَیش: از رشته های نازک و پهن خشک شده خمیر گندم، ماست و عدس و روغن درست می شود.
- ۱۸ - گِچِه (کاجی): شامل آرد، آب و روغن است.
- ۱۹ - نون قاتق: پیاز را در روغن سرخ می کنند و ماست را به صورت دوغ، چوب شیرین و گردوی کوبیده شده را بر آن می افزایند و پس از مدتی جوشیدن ترید کرده و می خورند.
- ۲۰ - پی او: پیاز را در روغن سرخ می کنند و با اضافه کردن مقداری عدس و ادویه و آب و احیاناً چند عدد تخم مرغ و با ریز کردن نان در آن خورده می شود.
- ۲۱ - دَرشو گرم: شامل آرد، شیرۀ انگور، ادویه و روغن می باشد که مانند سمسِمه درست می شود.
- ۲۲ - آش رشته: حبوبات و انواع سبزیها را آماده می کنند و سپس با اضافه کردن رشته آن را طبخ می نمایند.
- ۲۳ - یارمه: یکی از آشهای معروف محلی است که با گندم ریز شده و سبزی درست می شود که با اضافه کردن دوغ آن را می خورند.
- ۲۴ - مَسْدُوه: با حبوبات و سبزیهای محلی مخصوصاً گیاه گزلی با مقداری برنج پخته می شود و با اضافه کردن دوغ آن را می خورند.
- ۲۵ - فرنی: از شیر و آرد برنج درست می شود.
- ۲۶ - شیرۀ داغ: روغن حیوانی را داغ می کنند و شیرۀ انگور را داخل آن می ریزند و با

ریز کردن نان در داخل آن می‌خورند.

۲۷- تلخان: گندم را روی ساج (سل) برشته می‌کنند و آن را در هاون نیمه خرد می‌کنند و با اضافه کردن مغز دانه خربزه و کنجد و شیرۀ انگور، این محتویات را مالش می‌دهند تا غذای پرانرژی تلخان آماده شود.

۲۸- آش قلّیه: پس از آماده شدن آش رشته که با دوغ سیردار مخلوط است، روی آن قیمة می‌ریزند و می‌خورند.

کفش و لباسهای متداول در سابق

۱- پوستین ۲- گلّجه پوستین ۳- جبّه (آله جه) ۴- چوخه ۵- یل ۶- نظامی (نوعی شلوار) ۷- دون ۸- شیلوار (شلیته) ۹- کاراس (پیرهن) ۱۰- که وّن (چارقد) ۱۱- چَرشود و لاق ۱۲- شال ۱۳- قزاقی (نوعی پیرهن) ۱۴- پالتو ۱۵- نیم تنه ۱۶- چاروق ۱۷- پاتابه ۱۸- عرق چین ۱۹- کلاه نم‌دی ۲۰- گُمخ (نوعی کفش) ۲۱- فُنْدِرِه (نوعی کفش) ۲۲- اُتری (نوعی کفش) ۲۳- گیوه ۲۴- زنگال ۲۵- کلاه پوستی

بازیهای محلی

بیشتر این بازیهای محلی علاوه بر تفریحات سالم و مفرّج بودن آنها باعث آمادگی و ورزیدگی بدن نیز می‌باشد که فقط به ذکر اسامی آنها بسنده می‌کنیم.

۱- هُولَئِدِه (مشابه پرشهای طول و ارتفاع) ۲- زنجیره ۳- رها رها ۴- پیشته پیشته ۵- آله چومبه ۶- کِبِدی کِبِدی ۷- چَلّی ۸- بای (تاب بازی) ۹- اوصولولی ۱۰- تسمه تسمه ۱۱- قره گُردم ۱۲- اُستا زنجیرباف ۱۳- گوز بافَلَنْدِه ۱۴- فُلاق چکمه ۱۵- گرگم به هوا ۱۶- گل گل ۱۷- نون نون (لانه شیطان) ۱۸- پارا ۱۹- کلاس کلاس ۲۰- رقص چوب ۲۱- اُپشتک ۲۲- دوز ۲۳- مَزلاق ۲۴- لَپَر ۲۵- مَلّا مَلّا ۲۶- زوو ۲۷- دونقوز، دونقوز ۲۸- دستمال دستمال ۲۹- دو... د ۳۰- کچه کچه

سازهای محلی

۱- قُشمه: از دونی استخوانی که کنار یکدیگر قرار گرفته اند و مانند نی سوراخهایی دارند درست شده است.

- ۲ - دوتار: از دو رشته سیم که ۱۱ تا ۱۳ پرده دارد تشکیل می‌شود و با انگشتان می‌نوازند.
- ۳ - دُهل: شبیه طبل بزرگی است که معمولاً به گردن می‌آویزند و با دو چوب که یکی ضخیم‌تر از دیگری است در دو جهت نواخته می‌شود.
- ۴ - سُرنا: مانند شیپوری است به طول تقریبی ۳۵ سانتی متر که صدای فوق‌العاده بلند و رسا دارد از دهل و سُرنا در مراسم برگزاری کشتی باچوخه، استفاده می‌شود و در جشنها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۵ - کمانچه: از چهار سیم و پرده‌های مشخص درست شده که با آرشه نواخته می‌شود.
- ۶ - دایره: پوست نازکی را بر چوبی دایره‌ای شکل می‌کشند و بیشتر در جشنها و عیدگاه‌های سابق مورد استفاده قرار می‌گرفت.
- ۷ - موزقان: این ساز در سابق بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت اما در حال حاضر برای اکثر مردم ناشناخته است.
- ۸ - نی: لوله‌ای به طول تقریبی نیم متر، که از چوب یا آهن می‌سازند و بیشتر مورد استفاده چوپانان در هنگام چرای گوسفند و آب‌خوران دام قرار می‌گیرد.

بخشی‌های شیروان

در شیروان به نوازندگان حرفه‌ای «دوتار» اصطلاحاً «بخشی» می‌گویند. این نوازندگان محلی معمولاً در صدر مجلس می‌نشینند و به عنوان مقدمه حتماً اشعاری از سروده‌های^{۲۶} شاعر معروف ترک‌زبان «نوائی» را همراه با نوای عرفانی دوتار می‌خوانند. سپس به درخواست حاضرین، بخشی یکی از داستانهای، کرم اصلی خان، جیران، شاه‌بهرام، جعفرقلی، سردار و... را همراه با آهنگ مخصوص دوتار توصیف و نقادی می‌کند. که هنوز هم این مراسم طبق روال سابق خود اجرا می‌گردد. معروفترین بخشی‌های قدیم شیروان عبارتند از مرحوم بابانظر بخشی خیرآبادی، مرحوم علی بخشی جیریستانی، مرحوم عزیزبخشی هنامه‌ای، مرحوم حاجی محمد بخشی سرحدی، شیخ حسن بخشی زیارتی، همراه بخشی گلیانی، سلطان‌رضا بخشی گلیانی و خانواده گل افروزی‌ها. در قسمت عاشق‌ها گروه عطا عاشق از دیگر گروهها معروف‌تر بودند.

۲۶ - بیشتر اشعار نوائی در شأن و منزلت والای حضرت محمد (ص) سروده شده است

نظری بر جغرافیای روستایی شیروان

بخش نهم

موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان شیروان^۱

رتبه	نام آبادی	عرض جغرافیایی		طول جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا
		درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۱	آلخاص	۴۳	۳۷	۵۷	۵۷	۱۷۳۰
۲	آق قلعه	۴۵	۳۷	۴۹	۵۷	۱۶۲۰
۳	اسطرخچی	۱۱	۳۷	۵۱	۵۷	۱۷۰۰
۴	الله آباد بالا	۲۵	۳۷	۰۱	۵۸	۱۱۴۰
۵	الله آباد پایین	۲۴	۳۷	۰۱	۵۸	۱۱۲۰
۶	امان آباد	۲۷	۳۷	۵۷	۵۷	۱۱۶۰
۷	امیر آباد	۲۳	۳۷	۰۰	۵۸	۱۱۰۵
۸	امیرانلو	۰۸	۳۷	۵۳	۵۷	۱۹۰۰
۹	اوغاز تازه	۳۱	۳۷	۱۱	۵۸	۱۶۱۰
۱۰	الاشلو	۳۲	۳۷	۱۱	۵۸	۱۶۵۰
۱۱	امیرخان	۴۵	۳۷	۴۶	۵۷	۱۵۷۰
۱۲	باغان	۲۷	۳۷	۰۳	۵۸	۱۲۴۰
۱۳	بدکانلو	۲۱	۳۷	۵۵	۵۷	۱۱۳۰
۱۴	برج	۳۶	۳۷	۵۹	۵۷	۱۵۷۰
۱۵	برزو	۳۵	۳۷	۵۵	۵۷	۱۴۰۰
۱۶	برزلی	۱۳	۳۷	۴۷	۵۷	۱۷۶۰

۱- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور.

موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان شیروان

رتبه	نام آبادی	عرض جغرافیایی		طول جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا
		درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۱۷	بزآباد	۱۹	۳۷	۴۵	۵۷	۱۲۸۰
۱۸	بلقان علیا	۰۹	۳۷	۵۵	۵۷	۱۸۰۰
۱۹	بلقان سفلی	۰۹	۳۷	۵۴	۵۷	۱۷۰۰
۲۰	بیک توکور	۴۰	۳۷	۴۴	۵۷	۱۴۴۰
۲۱	بیک سوار	۳۰	۳۷	۴۴	۵۷	۱۳۷۰
۲۲	بیگان	۲۷	۳۷	۴۵	۵۷	۱۰۸۰
۲۳	بیره	۳۹	۳۷	۳۲	۵۷	۱۲۵۰
۲۴	بیک	۳۶	۳۷	۵۳	۵۷	۱۵۶۰
۲۵	باغ	۴۶	۳۷	۴۷	۵۷	۱۶۰۰
۲۶	برزل آباد	۱۹	۳۷	۰۷	۵۸	۱۱۳۱
۲۷	باداملق	۱۸	۳۷	۴۰	۵۷	۱۵۴۰
۲۸	برزلان علیا	۴۷	۳۷	۳۸	۵۷	۱۳۶۰
۲۹	برزلان سفلی	۴۷	۳۷	۳۸	۵۷	۱۳۴۰
۳۰	یوانلو	۳۲	۳۷	۱۱	۵۸	۱۶۸۰
۳۱	بی بهره	۳۱	۳۷	۰۷	۵۸	۱۵۲۵
۳۲	پیر شهید	۲۱	۳۷	۵۶	۵۷	۱۱۲۰
۳۳	پوستین دوز	۳۸	۳۷	۵۱	۵۷	۱۶۳۰
۳۴	پالکانلوبالا	۴۱	۳۷	۵۳	۵۷	۱۶۶۰
۳۵	پالکانلوپایین	۴۱	۳۷	۵۵	۵۷	۱۶۰۰
۳۶	پیره	۴۶	۳۷	۳۸	۵۷	۱۳۲۰
۳۷	تاراقچی	۲۱	۳۷	۵۳	۵۷	۱۲۴۰
۳۸	ترک	۳۷	۳۷	۳۹	۵۷	۱۴۳۰
۳۹	تسوان	۲۱	۳۷	۳۷	۵۷	۱۱۴۰
۴۰	توده	۲۴	۳۷	۴۵	۵۷	۱۰۷۵
۴۱	توکور	۳۸	۳۷	۴۷	۵۷	۱۴۳۰
۴۲	توپکانلو	۳۴	۳۷	۴۱	۵۷	۱۴۰۰

موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان شیروان

ردیف	نام آبادی	عرض جغرافیایی		طول جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا
		درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۴۳	تخت	۴۱	۳۷	۰۱	۵۸	۱۶۳۷
۴۴	ترانلو	۳۵	۳۷	۱۰	۵۸	۱۷۸۵
۴۵	تفتازان	۴۵	۳۷	۴۹	۵۷	۱۵۷۰
۴۶	جنگاه	۴۵	۳۷	۳۵	۵۷	۱۲۲۵
۴۷	چلو	۲۲	۳۷	۵۵	۵۷	۱۱۲۰
۴۸	چوکانلو	۳۳	۳۷	۴۴	۵۷	۱۴۱۰
۴۹	چشمه دوزان	۳۹	۳۷	۳۷	۵۷	۱۲۸۰
۵۰	چورچوری	۴۹	۳۷	۳۵	۵۷	۱۶۰۰
۵۱	حسین آباد	۲۴	۳۷	۴۹	۵۷	۱۰۶۰
۵۲	حسین آباد	۳۵	۳۷	۵۰	۵۷	۱۳۹۵
۵۳	حصار پهلوان لو	۱۴	۳۷	۵۳	۵۷	۱۳۶۰
۵۴	حصار	۱۸	۳۷	۰۱	۵۸	۱۱۶۰
۵۵	حصار	۰۷	۳۷	۱۲	۵۸	۱۳۶۰
۵۶	حصار دوین	۲۰	۳۷	۰۲	۵۸	۱۱۹۰
۵۷	حلوا چشمه	۳۸	۳۷	۴۰	۵۷	۱۳۵۰
۵۸	حمام	۴۱	۳۷	۴۷	۵۸	۱۶۶۰
۵۹	حمزه کانلو	۳۰	۳۷	۲۰	۵۸	۱۸۸۰
۶۰	خانلق	۲۵	۳۷	۵۶	۵۷	۱۱۴۰
۶۱	خانحصار	۲۴	۳۷	۰۷	۵۸	۱۲۸۰
۶۲	خطاب	۳۰	۳۷	۴۴	۵۷	۱۳۶۰
۶۳	خرم آباد	۲۰	۳۷	۰۶	۵۸	۱۱۱۲
۶۴	جلآجلو	۳۷	۳۷	۰۲	۵۸	۱۵۴۵
۶۵	خیرآباد ^۲	۵۱	۳۷	۵۰	۵۷	۲۰۴۰
۶۶	دوین	۰۸	۳۷	۰۳	۵۸	۱۱۴۲
۶۷	دده خان	۴۷	۳۷	۴۵	۵۷	۱۵۳۰
۶۸	دربالا	۱۲	۳۷	۵۳	۵۷	۱۴۳۰

موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان شیروان

ارتفاع از سطح دریا	طول جغرافیایی		عرض جغرافیایی		نام آبادی	ردیف
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه		
۱۵۰۰	۵۸	۰۱	۳۷	۳۸	دوآب	۶۹
۱۲۰۰	۵۷	۵۴	۳۷	۱۹	رزمقان	۷۰
۱۰۱۰	۵۷	۴۴	۳۷	۲۶	رضاآباد	۷۱
۱۶۸۰	۵۷	۴۲	۳۷	۵۴	رباط	۷۲
۱۶۵۰	۵۸	۰۳	۳۷	۰۷	رشوانلو	۷۳
۱۳۰۰	۵۷	۴۴	۳۷	۱۹	زوارم	۷۴
۱۱۳۰	۵۷	۵۳	۳۷	۲۷	زیارت	۷۵
۱۱۰۰	۵۷	۵۳	۳۷	۲۶	زیارت	۷۶
۱۵۵۰	۵۸	۰۸	۳۷	۳۱	زُرتانلو	۷۷
۱۴۹۵	۵۷	۴۶	۳۷	۴۴	زو	۷۸
۱۷۷۰	۵۷	۴۶	۳۷	۵۱	زیدر	۷۹
۱۳۴۰	۵۷	۳۴	۳۷	۴۰	سردارآباد	۸۰
۱۲۶۰	۵۸	۰۹	۳۷	۲۲	سمار	۸۱
۱۱۱۰	۵۷	۵۶	۳۷	۲۴	سه یک آب	۸۲
۱۳۶۰	۵۷	۳۷	۳۷	۳۵	سرخ زو	۸۳
۱۲۰۵	۵۸	۳۷	۳۷	۱۷	سرچشمه	۸۴
۱۲۲۰	۵۸	۰۵	۳۷	۳۴	سکه	۸۵
۱۴۸۰	۵۷	۵۶	۳۷	۴۸	سرانی	۸۶
۱۷۸۰	۵۷	۵۳	۳۷	۴۹	سرداب	۸۷
۱۶۰۰	۵۷	۴۸	۳۷	۴۲	سولدی	۸۸
۱۳۴۰	۵۷	۳۳	۳۷	۴۷	سنجد	۸۹
۱۶۷۵	۵۸	۰۰	۳۷	۴۲	سیل سپرانلولا	۹۰
۱۶۶۳	۵۸	۰۱	۳۷	۴۱	سیل سپرانلویائین	۹۱
۱۴۷۰	۵۷	۵۸	۳۷	۳۸	شیخ امیرانلو	۹۲
۱۴۵۰	۵۷	۵۸	۳۷	۳۷	شیخ امیرانلو	۹۳
۱۴۷۰	۵۸	۰۷	۳۷	۲۶	شکرانلو	۹۴

موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان شیروان

ردیف	نام آبادی	عرض جغرافیایی		طول جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا
		دقیقه	درجه	دقیقه	درجه	
۹۵	شورک خرابه	۲۷	۳۷	۰۶	۵۸	۱۱۵۰
۹۶	شورک	۲۲	۳۷	۴۱	۵۷	۱۲۰۰
۹۷	شورک زیارت	۳۰	۳۷	۴۹	۵۷	۱۲۸۰
۹۸	شکرانلو بالا	۲۹	۳۷	۰۷	۵۸	۱۷۵۰
۹۹	شکرانلو پایین	۲۹	۳۷	۱۲	۵۸	۱۷۰۰
۱۰۰	شرکانلو	۳۷	۳۷	۰۳	۵۸	۱۵۶۷
۱۰۱	شوق آباد	۱۷	۳۷	۰۷	۵۸	۱۱۶۷
۱۰۲	شناقی بالا	۵۰	۳۷	۴۳	۵۷	۱۵۳۰
۱۰۳	شناقی پائین	۴۷	۳۷	۳۶	۵۷	۱۳۵۰
۱۰۴	عبدآباد	۲۳	۳۷	۴۴	۵۷	۱۱۱۰
۱۰۵	علیخان قلعه	۳۶	۳۷	۴۰	۵۷	۱۳۰۰
۱۰۶	علی محمد	۴۵	۳۷	۳۷	۵۷	۱۲۶۰
۱۰۷	فیروزآباد	۲۴	۳۷	۴۷	۵۷	۱۰۵۰
۱۰۸	فیروزه	۳۲	۳۷	۵۸	۵۷	۱۲۶۰
۱۰۹	فیض آباد	۱۷	۳۷	۰۸	۵۸	۱۱۵۰
۱۱۰	قره باغ	۰۲	۳۷	۰۲	۵۸	۱۱۷۵
۱۱۱	قلعه زو	۳۰	۳۷	۴۸	۵۷	۱۳۰۰
۱۱۲	قلعه محمد علیخان	۲۸	۳۷	۵۷	۵۷	۱۱۸۵
۱۱۳	قلعه چه	۲۸	۳۷	۰۰	۵۸	۱۲۴۱
۱۱۴	قلجق	۳۱	۳۷	۵۸	۵۷	۱۲۶۰
۱۱۵	قلجق کوچک	۳۰	۳۷	۵۸	۵۷	۱۲۳۰
۱۱۶	قولانلو بالا	۳۶	۳۷	۴۸	۵۷	۱۴۲۰
۱۱۷	قولانلو پائین	۳۶	۳۷	۵۸	۵۷	۱۴۰۰
۱۱۸	قوینانلو سنگ چین	۱۶	۳۷	۵۱	۵۷	۱۴۰۰
۱۱۹	قوینانلو بامیر	۱۷	۳۷	۴۷	۵۷	۱۵۰۰
۱۲۰	قوینانلو خادمی	۱۶	۳۷	۴۹	۵۷	۱۵۶۵

موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان شیروان

ردیف	نام آبادی	عرض جغرافیایی		طول جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا
		درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۱۲۱	قلعه بیک	۳۶	۳۷	۰۸	۵۸	۱۷۰۰
۱۲۲	قلعه حسن	۳۷	۳۷	۰۷	۵۸	۱۶۷۵
۱۲۳	قلهک بالا	۴۷	۳۷	۴۴	۵۷	۱۵۱۰
۱۲۴	قلهک پایین	۴۷	۳۷	۴۳	۵۷	۱۴۷۰
۱۲۵	قل حصار	۲۱	۳۷	۴۰	۵۷	۱۲۴۰
۱۲۶	قوری دربند	۳۶	۳۷	۳۶	۵۷	۱۲۰۰
۱۲۷	قنبر	۴۵	۳۷	۵۵	۵۷	۱۷۴۵
۱۲۸	کلاته هندی	۲۴	۳۷	۰۳	۵۸	۱۱۴۱
۱۲۹	کلاته سید علی	۱۸	۳۷	۰۴	۵۸	۱۱۵۸
۱۳۰	کلاته شفتی	۲۵	۳۷	۰۴	۵۸	۱۲۲۷
۱۳۱	کلاته یزدان	۲۵	۳۷	۰۰	۵۸	۱۱۴۲
۱۳۲	کلاته آق مزرعه	۲۳	۳۷	۰۳	۵۸	۱۱۲۰
۱۳۳	کلاته توپکانلو	۳۵	۳۷	۴۱	۵۷	۱۳۲۰
۱۳۴	کاکلی	۴۵	۳۷	۵۱	۵۷	۱۷۰۰
۱۳۵	کلاته حسین آباد	۱۷	۳۷	۰۲	۵۸	۱۱۵۸
۱۳۶	کورکانلو بالا	۴۲	۳۷	۵۷	۵۷	۱۶۶۰
۱۳۷	کورکانلو پایین	۳۷	۳۷	۰۰	۵۸	۱۵۰۰
۱۳۸	کلاته بالی	۳۴	۳۷	۱۱	۵۸	۱۹۱۰
۱۳۹	کلاته نظر علی	۴۳	۳۷	۰۰	۵۸	۱۷۱۰
۱۴۰	کلاته نظر محمد	۴۲	۳۷	۵۵	۵۷	۱۷۰۰
۱۴۱	گلیان	۱۴	۳۷	۵۴	۵۷	۱۳۴۰
۱۴۲	گنج آباد	۱۹	۳۷	۰۲	۵۸	۱۱۴۰
۱۴۳	گره زو	۲۳	۳۷	۵۳	۵۷	۱۰۹۰
۱۴۴	گدوگانلو	۳۱	۳۷	۰۴	۵۸	۱۴۶۰
۱۴۵	لوجلی	۳۶	۳۷	۵۱	۵۷	۱۵۰۰
۱۴۶	مرغزار	۲۵	۳۷	۰۹	۵۸	۱۴۵۰

موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان شیروان

ردیف	نام آبادی	عرض جغرافیایی		طول جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا
		دقیقه	درجه	دقیقه	درجه	
۱۴۷	ملآباقر	۱۶	۳۷	۵۵	۵۷	۱۲۷۰
۱۴۸	مهرآباد	۲۴	۳۷	۰۲	۵۸	۱۱۳۵
۱۴۹	مرز	۳۱	۳۷	۴۱	۵۷	۱۶۵۰
۱۵۰	محمدآباد	۱۸	۳۷	۰۲	۵۸	۱۱۴۰
۱۵۱	مشهد طرقي بالا	۱۸	۳۷	۴۸	۵۷	۱۳۲۰
۱۵۲	مشهد طرفی پایین	۱۹	۳۷	۰۲	۵۸	۱۱۴۰
۱۵۳	محمددوراندلو	۳۷	۳۷	۰۴	۵۸	۱۶۰۰
۱۵۴	ملوانلو	۴۲	۳۷	۰۰	۵۸	۱۷۲۵
۱۵۵	میلانلو بالا	۴۲	۳۷	۰۲	۵۸	۱۷۱۰
۱۵۶	میلانلو پایین	۴۰	۳۷	۰۱	۵۸	۱۶۱۰
۱۵۷	نامانلو	۴۰	۳۷	۰۵	۵۸	۱۸۱۵
۱۵۸	نقدو	۳۷	۳۷	۰۶	۵۸	۱۶۳۲
۱۵۹	ورگ	۱۸	۳۷	۵۶	۵۷	۱۲۰۰
۱۶۰	ورقی	۲۲	۳۷	۴۵	۵۷	۱۱۶۰
۱۶۱	هنامه	۳۰	۳۷	۰۱	۵۸	۱۳۴۰
۱۶۲	ینگی قلعه بالا	۴۵	۳۷	۴۳	۵۷	۱۴۰۰
۱۶۳	ینگی قلعه پایین	۴۵	۳۷	۴۲	۵۷	۱۳۷۰

روستای آلخاس ALKHASS

روستای آلخاس در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به کوههای آلخاس و گنج خور و روستاهای سرانی و سرداب و از جنوب به روستای کورکانلو علیا و از شرق به روستای ملوانلو و از غرب به روستای کوسه محدود می‌گردد. آلخاس دارای ۹۳ خانواده و ۵۵۴ نفر جمعیت است که مردمش به زبان گُردی کرمانجی تکلم می‌کنند. این

روستا آب و هوای سرد کوهستانی دارد و به علت عبور رودخانه‌ای که از کنار آن بسیار پرآب و دارای سردرختی فراوان است و یکی از مناطق ییلاقی دهستان جیرستان شیروان محسوب می‌گردد. کوههای آلخاس در سابق پوشیده از جنگل بود که به مرور زمان موقعیت خود را از دست داده است، شغل مردم دامداری و کشاورزی است، دامداران، ییلاقشان کوههای گلیل و آلخاس و قشلاق آنها معمولاً نارلی مراوه‌تپه در ترکمن صحراست و ۶ گله بزرگ گوسفند دارند. کوههای گلیل که روزگاری یکی از بهترین مراتع شمال شیروان بود، امروزه به علت چرای بیش از حد و شیار دامنه‌های تند و تبدیل آنها به زمین زراعی موقعیت سابق خود را کم‌کم از دست داده است در کوههای بلند آلخاس انواع گیاهان خودروی طبی مانند: آنوخ (کاکوتی)، سیب‌تالک (سیوچه)، بابونه گون یک‌پایه، شویشک، زردآلو کوهی، شقایق وحشی، زرشک، کاسنی، هلیز می‌روید. محصولات عمده آلخاس عبارتند از: فرآورده‌های دامی، گندم، جو، زردآلو، آلوچه و سردرختی. آداب و رسوم اصیل کرمانجی در بین مردم این روستا تا اندازه‌ای حفظ شده است، بطوری‌که زنان کرد آلخاس غالباً از شیلوار کاراس، که‌ون (Kavn-) و تیک (Tatik) و گله و عرقچین استفاده می‌کنند و زینت آلاتشان به همان روش سنتی است و کمتر لباسهای به اصطلاح شهری که هیچ‌گونه هماهنگی با مشاغل روستایی ندارد می‌پوشند حتی مردها نیز از دستمال ابریشمی به عنوان کلاه و دستمال سر استفاده می‌کنند. امکانات روستای آلخاس در حال حاضر شامل: راه شوسه و خاکی سرویس ایاب و ذهاب (نامنظم)، دبستان، لوله کشی آب، مسجد، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده است. و صنایع دستی آن: قالیبافی، دستکش، جوراب، شال‌گردن، کلاه و پاتابه می‌باشد.

روستای استخری ESTAKHRI

روستای استخری در ۲۸ کیلومتری جنوب شیروان واقع است که از شمال با روستاهای گلیان و حصار پهلوانلو و از جنوب با روستای امیرانلو و اسفراین و از غرب و شمال غربی با

روستای برزلی و از شرق با روستای بلقان در ارتباط می باشد. این روستا دارای ۲۲۳ خانوار و ۱۰۹۹ نفر جمعیت است^۴ و مردمش به زبان ترکی تکلم می کنند و جزو دهستان گلیان است.

استخری روستایی کوهستانی است که در درّه ای نسبتاً ژرف قرار دارد که امتداد آن جنوب به شمال شرقی می باشد و رودخانه ای از وسط دره و روستا می گذرد. سرچشمه رودخانه در نزدیکی روستاست که دارای بیست اینچ آب است و از چندین چشمه بزرگ و کوچک تشکیل یافته است که پس از طی مسافتی کوتاه به آبخاری زیبا و بلند تبدیل می گردد. آب از ارتفاع بیش از ۲۰ متر به ته دره سرازیر می شود. آبخار استخری که بلندترین آبخار منطقه شیروان است، هنگامی که آب از این ارتفاع بلند و از بین درختان بزرگ و تنومند سپیدار و وید و گردو ریزش می کند به علت برخورد با موانع سنگی به صورت ابر سفیدی در می آید که منظره بسیار جالب و دیدنی را به وجود می آورد. این آبخار در روستا به شارشار معروف است. بر بالای آبخار آسیای آبی قدیم و مخروبه ای قرار دارد و دودامنه شرقی و غربی دره استخری را درختان انبوهی فرا گرفته است که بیشتر حالت جنگل را دارد. اطراف آبخاریکی از مناطق ییلاقی و بسیار سرد در تابستان است در فاصله ۴۰ متری شرق آبخار غار کوچکی وجود دارد که استلاکیتها و استلاگمیت های آن تشکیل شده است و با توجه به نوع سنگهای استخری که معمولاً آهکی می باشد مطالعه این غار به افراد فنی و متخصص احتیاج دارد.

مردم استخری از ترکهای قارشی قزی ماورالنهر می باشند^۵ که در زمان نادرشاه در نقل و انتقالات اقوام به این نواحی کوچانده شدند و قدمت روستا نیز با توجه به قبرستان قدیمی آن موضوع فوق را تأیید می کند. در کوههای استخری انواع گیاهان خودر و طبی مانند: ساری گل، کما، گون، کاسنی، زیره، شقایق، درمنه ترکی، سیب کوهی دیده می شود و محصولات عمده آن عبارتند از: گردو، کشمش، سیب زمینی، گندم، جو (به صورت دیم) و مقداری میوه درختی. در حدفاصل سرچشمه و آبخار استخری تک درختی کهن و تنومند از نوع سرو کوهی وجود دارد که محیط ساقه آن در حدود ۵ متر می باشد و دارای شاخ و برگ زیاد است و سن آن به ۶۰۰ سال می رسد. در وسط روستا مقبره امامزاده ای قرار دارد که به

۴ - آمار فرمانداری شیروان، سال ۱۳۶۵.

۵ - صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۱.

روایت اهالی نام مبارکش شاهزاده عبدالرحمان (ع) فرزند امام سجاد علیه السلام می باشد که فوق العاده مورد احترام و اعتقاد اهالی است که دارای ضریح چوبی می باشد و اخیراً نیز با خودیاری مردم و زیر نظر اداره اوقاف شیروان مقبره تجدید بنا گردیده است.

روستای استخری در حدود ۴ گله گوسفند دارد، لباس روستاییان معمولی و مردها معمولاً محاسن دارند و زنهای پیر چارقد سر می کنند و پیراهنی می پوشند که قسمتی از شلیته نسبتاً کوتاه و پرچین را می پوشانند و شلوار سیاه رنگی نیز به پا دارند و زینت آلات خود را به جلیقه خود می آویزند.^۶ مردم استخری بسیار پرکار و زحمتکش و شیرین زبان می باشند و در حال حاضر دارای امکانات: راه، دبستان، مسجد، حمام، لوله کشی آب، آسیاب، خانه بهداشت صندوق پست، شرکت تعاونی و شورای ده است و صنایع دستی آن قالیبافی است.

روستای اَلاشلو OLASHLUE

این روستا در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از طرف شمال به روستای بوانلو و از طرف غرب به روستای حمزه کائلو و از طرف شرق و جنوب شرقی به روستای اوغاز محدود می گردد و جزء دهستان سیفکائلو است. الاشلو دارای ۴۹ خانوار و ۲۳۴ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کردی کرمانجی تکلم می کنند. در مورد وجه تسمیه الاشلو می توان به نوشته چلبی در سفرنامه اش استناد کرد که معتقد است مردم الاشلو از کردستان کشور ترکیه و منطقه سیواس به محل فعلی آمده اند و الاشلو نام سابق روستای خود را بر آبادی فعلی نهاده اند. الاشلو از قراء معدودی است که آثار و شواهد بسیاری دال بر قدمت آن دارد. از جمله در حفاریهایی که توسط محققین و همچنین خود روستاییان در گوشه و کنار این روستای قدیمی انجام گرفته، اشیای عتیقه و ظروف سفالی و مسی و سکه های بسیاری کشف گردیده و غاری نیز که بیشتر مسکونی به نظر می رسد این موضوع را تأیید می کند که البته به تحقیق و بررسی بیشتری نیازمند است. خود مردم الاشلو از نظر نژادی کُرد و از ایل سیفکائلو هستند که مردمانی بسیار متفکر و منطقی و اکثر باسوادند. دآمداری

۶- این نوع لباس در سابق در بیشتر جاها مرسوم بوده است.

یکی از مشاغل عمده مردم الاشلو است که به صورت نیمه کوچ انجام می‌گیرد، مراتع و چراگاه دامداران معمولاً دره آلاش و آرموتلی و کاله‌واس و شیطانلی است و در زمستان نیز بیشتر در منطقه نارلی مراوه تپه قشلاق می‌کنند و مشاغل دیگر روستاییان کشاورزی و باغداری است. محصولات عمده روستا: سیب درختی، سیب زمینی، زردآلو، گندم و جو (معمولاً به صورت دیم) و فرآورده‌های دامی می‌باشد.

مردم الاشلو علاوه بر اطلاعات نسبتاً وسیع در مسائل اجتماعی و اقتصادی، در کارهای خیر نیز پیش‌گام هستند و از آن جمله می‌توان به افرادی چون مرحوم حاج نایعلی جعفری الاشلو و مرحوم سلطانعلی جعفری اعضای سابق انجمن شهر شیروان اشاره کرد که حاجی نایعلی به اتفاق میرزا بخشدار سابق و نویسنده و محقق فعلی و مرحوم حاج محمدعلی نوریان رئیس انجمن شهر و حاجی علی ابراهیم‌زاده در خریداری و احداث کارخانه برق^۷ در شیروان نقش عمده‌ای داشته‌اند و همچنین مرحوم سلطانعلی جعفری به اتفاق دیگر همکاران در احداث غسالخانه مجهز و گورستان بزرگ زیارت و دیگر کارهای عمرانی و خدماتی منشأ خدمات بسیاری بوده‌اند، امکانات روستا در حال حاضر شامل: دبستان، مسجد، راه شوسه، سرویس (ایاب و ذهاب) آسیاب و یکرشته قنات است.

روستای الله‌آباد علیا ALLAH-ABAD OLYA

روستای الله‌آباد در فاصله ۱۲ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به روستای باغان و از جنوب به امیرآباد و از شرق به رحیم‌آباد و مهرآباد و از غرب به شیروان محدود است. نام قدیم این روستا کلاهون بود و در سابق از موقعیت و جمعیت بیشتری برخوردار بود. الله‌آباد مرکز حکومت و فرمانروایی اللهوردی خان عموی شجاع‌الدوله نیز بوده است و خرابه‌های قریه نشان می‌دهد که اطراف آن دارای برج و بارو بود.

درباره اهالی اولیه الله‌آباد مطلعین می‌گویند: اهالی مهنه^۸ در زمان شاه طهماسب صفوی از امر دولت ایران سرپیچی می‌کنند که به دستور دولت مرکزی یک عده از مهنه‌ای‌ها

۷- کارخانه برق واقع در خیابان سابق نادری.

۸- مهنه اکنون در خاک شوروی قرار دارد.

را به شهرهای خیه و بخارا و عده‌ای دیگر را در خیرآباد و گلخندان و دسته سوم را به سه روستای بزرگ کلاهون،^۹ نجف‌آباد و فاروج می‌کوچانند، در الله‌آباد مقبره شیخ مقدم قرار دارد که بیشتر معروف به شیخ الله‌آباد است و مردم ناحیه شمال خراسان بویژه زنان معتقدند که باعث شفای بیماریهای غش (صرع) و عصبی و نازایی می‌گردد. بطوری‌که در شبهای چهارشنبه هر هفته عده زیادی از مردم شهرستانهای مجاور و قراء اطراف برای شفا و نذرو نیاز به شیخ مقدم متوسل و به زیارت مقبره او به الله‌آباد می‌آیند. و طی مراسم مخصوص و خواندن دعای توسل توسط خادم حرم، طلب حاجت و آمرزش می‌نمایند.

مقبره شیخ مقدم دارای گنبد بزرگی است که اخیراً کلاً ترمیم و تعمیر شده، در کنار این مقبره مسجد بزرگی با تأسیسات کامل احداث گردیده است. دیوارهای بسیار ضخیم صحن شیخ مقدم در سمت جنوب هنوز همان دیوارهای قدیمی و گلی هستند که آخورهایی برای چهارپایان زائرین در سراسر آن مشاهده می‌گردد. در ضلع شرقی مقبره شیخ مقدم، قبر شادروان مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامرضا باقری یکی از روحانیون برجسته شیروان قرار دارد که در شهریورماه ۱۳۵۲ شمسی بدرود حیات گفته است. مؤلف مطلع الشمس می‌نویسد: «از قرای معتبر شیروان الله‌آباد است که چهارصد خانواده سکنه و باغات زیاد دارد و در وسط قلعه الله‌آباد، بقعه ایست که معروف به شیخ مقدم می‌باشد، ابتدا اسم الله‌آباد، کلاهون بود، چون الله وردی خان به تجدید عمارت آن پرداخته آن را الله‌آباد نام داده است»^{۱۰}. الله‌آباد دارای ۲۰۸ خانوار و ۱۱۵۷ نفر جمعیت است که به زبان ترکی محلی صحبت می‌کنند. در گورستان قدیمی الله‌آباد سنگ قبری معروف به «داش تمبرگ» وجود دارد که تاریخ فوت آن مشخص نیست ولی مردم معتقدند که قدمت آن به ۳۵۰ سال قبل می‌رسد. آبیاری مزارع بوسیله قنات‌ها و چاههای عمیق انجام می‌گیرد و نوع تقسیم زمین و آب برحسب جفت گاوی و سیر است که هرچهل سیر مساوی ۲۴ ساعت می‌شود قناتهای دایر عبارتند از: قنات سیف‌قلی، قنات احمدآباد، قنات جویبار و دو قنات بایر کلاته ترکها و منجق لی. محصولات عمده روستا: گندم، جو، چغندر قند و کشمش است.

الله‌آباد با توجه به نزدیکی به شهر و جاده شیروان-مشهد و قرار گرفتن در مسیر راه روستای باغان با این که عده‌ای به شهر کوچ کرده‌اند مع ذلک در چند ساله اخیر پیشرفت

۹- الله‌آباد فعلی شیروان

۱۰- صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۰.

محسوسی داشته است.

حاج شیخ ملا محمد صادق معروف به آخوند پهلوان یکی از پهلوانان نامی منطقه و همچنین مرحوم علی پهلوان اوغازیان و پهلوان حاج حمزه باقری اهل روستای الله آباد هستند. در حال حاضر این روستا دارای امکانات: راه شوسه، دبستان، مدرسه راهنمایی، لوله کشی آب، مسجد، حمام، خانه بهداشت، مرکز خدمات درمانی، شبکه برق، آسیاب است و صنایع دستی آن شامل قالیبافی، خرسک می باشد. میانگین درصد باسوادان روستا نیز نسبتاً بالاست.^{۱۱}

روستای امیرآباد AMIR-ABAD

روستای امیرآباد در فاصله ۵ کیلومتری شرق شیروان و در حاشیه جاده شیروان- مشهد قرار دارد که از طرف شمال به روستای الله آباد و از جنوب به جاده آسفالتی و زمینهای مزروعی دوین و از شرق به آق سلخ و مهرآباد و الله آباد سفلا و از غرب به زمینهای سه یک آب محدود می گردد. این روستا دارای ۶۳ خانوار و ۳۰۹ نفر جمعیت است و مردمش به زبانهای محلی فارسی، ترکی و کردی تکلم می کنند. قریه امیرآباد در سال ۱۲۹۵ قمری مطابق با سال ۱۲۵۴ شمسی توسط امیرحسین خان زعفرانلو حاکم شیروان در زمان قاجاریه به صورت آبادی درآمده است بطوری که ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به شیروان می نویسد: «در روز شنبه ۲۹ رمضان ۱۳۰۰ قمری ساعت از دسته رفته سوار کالسکه شده رانیدیم. راه کالسکه همه جا خوب و صاف و بی سنگ ولی گرد و خاک و گرم بود. یک فرسنگ که راه رفتیم، مزرعه کوچکی در سر راه دیده شد معروف به امیرآباد که چهارپنج سال است امیرحسین خان آباد کرده است هفت، هشت خانوار دارد اسطخری هم دارد که دور آن اشجار پید است و

۱۱ - در مورد شجره شیخ مقدم که در روستای الله آباد مدفون است تنها مدرکی که تا به حال از این عالم و عارف و شیخ بزرگوار به دست آمده دست خطی در حاشیه کتاب خطی «گمنامان تاریخ» صفحه ۳۱۱ می باشد که او را چنین معرفی می کند. «مقبره شیخ مقدم که در قلعه کلاهن شیروان قرار دارد به احتمال یقین شیخ محمد بن محمد ملقب به شیخ مقدم از علما و فقهاء مشهور می باشد که در سنه ۳۴۷ هجری قمری متولد و تألیفات بسیاری داشته است از جمله «الاختصاص» و در سال ۴۲۴ در خراسان وفات یافته است والله اعلم».

آبی دارد که زراعت می‌کنند در محاذی امیرآباد از سمت دست چپ نیز دهی پیداست که معروف به الله‌آباد است^{۱۲}». سادات روستای امیرآباد از گیفان به این روستا مهاجرت کرده‌اند و جد سادات امیرآبادی‌ها فردی به نام مرحوم حاج سیدمحمد بوده است. راه قدیم شیروان به مشهد هم از کنار این روستا می‌گذشت. در قریه امیرآباد قناتی وجود دارد که در حدود ۴ اینچ آبدهی دارد و آب مزروعی کشاورزان معمولاً بوسیله چاههای عمیق تأمین می‌گردد و دارای ۱۴ جفت گاوی زمین کشاورزی است. در مورد کوههای اطراف امیرآباد که امروزه کاملاً بدون پوشش گیاهی است معمرین روستا معتقدند که در سابق دارای درختان سرو کوهی بوده و نمونه‌ای از آن درختان آرچه قطع و به عنوان ستون و تیرچوبی هنوز هم در منازل و خانه‌های گلی و قدیمی روستا دیده می‌شود. محصولات عمده آن: گندم و جو چغندر قند و کشمش است و عده‌ای از اهالی نیز دامدارند امکانات روستای امیرآباد در حال حاضر شامل: جاده، سرویس منظم ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، حمام، شبکه برق، لوله کشی آب و شورای ده است و راه پررفت و آمد الله‌آباد نیز اخیراً از مرکز این روستا می‌گذرد. ۱۳ در سال ۱۳۶۶ شمسی یک حلقه چاه عمیق در تپه امیرآباد حفر گردید که با آبدهی ۲۰ اینچ آب بزودی به شبکه آب شیروان وصل خواهد شد.

روستای امیرانلو AMIRANLUE

این روستا در فاصله ۴۴ کیلومتری جنوب شیروان واقع است که از شمال به روستای بلقان سفلا و از جنوب به کوههای شاهجهان و از شرق به روستای هشت‌مرخ و از غرب به روستای استخری محدود می‌شود دارای ۱۷ خانوار و ۵۹ نفر جمعیت است که فقط سه نفر سواد خواندن و نوشتن دارند. امیرانلو در سابق جمعیت زیادی داشت ولی به علت عدم امکانات، روستاییان به دیگر آبادیها و شهر کوچ کردند و عده باقیمانده در روستا در اصل دامداران عشایر هستند که به علت مراتع سرسبز دامنه‌های شاهجهان در حدود ۵۰۰۰ رأس گوسفند را در اوایل بهار برای چرا و تعلیف دام در آن جا نگهداری می‌کنند. امیرانلو دارای راه

۱۲ - ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، ص ۱۱۳.

۱۳ - احتمالاً مرکز دهستان حومه از روستای الله‌آباد به روستای امیرآباد تغییر خواهد یافت.

خاکی مالرو است و دیگر امکانات آن فقط لوله کشی آب می باشد و مقدار کمی نیز گندم و جو در این روستا کشت می شود. مردم امیرانلوه به زبان کردی تکلم می کنند و از نظر نژاد از طایفه میلانلو و از ایل زعفرانلو می باشند و روستا جزء دهستان گلیان است.

روستای امیرخان AMIR-KHAN

این روستا در فاصله ۵۴ کیلومتری شمال غرب شیروان قرار دارد که از شمال به روستای ددخان و از جنوب به روستای زو و از شرق به روستای باغ و از غرب به روستای ینگه قلعه علیا محدود است. و جزء دهستان قوشخانه شیروان می باشد. این آبادی دارای ۹ خانوار و ۵۴ نفر جمعیت است که به زبان ترکی صحبت می کنند، شغل عمده مردم به علت وجود دره های سرسبز و مراتع دامداری می باشد. دامداران این روستا به صورت نیمه کوچ از اوایل بهار در اطراف روستا و کوه های گنج خوریلاق می کنند و زمستان را در مراوه تپه و قشلاق پادشاه یولی اسکان می یابند. از دامداران بزرگ این روستا که روزگاری بیشترین بزرگترین گله ها را داشت می توان از مرحوم حاج سعادتقلی سعادت مند نام برد که تمام مراتع کوه گنج خور و چشمه های آن درید قدرت و مالکیت او بود. امیرخان دارای دره های: سردو دره سیه، قشلاق دره، سلیمان دره، دره ججو، دره حلقه کمر، قلای یولی، دره اسکندر، شریل دره، گنگ دره، دره قره یاقاچ، قوزه دره، دوستن دره سیه، کنار دره، اورته دره، پله قاری، کاریز دره و النگ اوشکی که دارای چشمه ای کوچک است می باشد و همچنین چشمه کاریز و کال ده که چشمه و ایساق چشمه در حوزه این روستاست. در دره های سرسبز امیرخان انواع گیاهان خودرو مانند: هلیز، سیب تالک، قارچ، تریاک فاروق، قسنی و زرشک و آنوخ مشاهده می شود و بر همین اساس کره دامداران امیرخان در بهار و روغن حیوانی آن از مرغوبیت و طعم مطبوعی برخوردار است. این آبادی توسط شخصی به نام امیرخان به روستا تبدیل شده است که امیریه نیز گفته می شود و فاقد هرگونه امکانات رفاهی است.

روستای اوغاز تازه OQAZ-TAZEH

این روستا در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال شرق شیروان واقع است که از شمال به روستای الاشلو و از جنوب به روستای چپانلو و شکرانلو و از شرق به روستای اوغاز کهنه و از غرب به روستای زُرتانلو محدود می‌گردد. دارای ۱۸۴ خانوار و ۷۹۴ نفر جمعیت است و به زبان کردی کرمانجی و ترکی محلی تکلم می‌کنند و جزء دهستان سیکانلو شیروان است. اوغاز تازه پس از زلزله‌ای که در سال ۱۳۰۸ هجری قمری در آن منطقه حادث شد به وجود آمد. بین دو روستای اوغاز کهنه و تازه ده مخروبه‌ای وجود دارد که به بیگلر معروف است و از آثار بجا مانده آن مشخص است که بیگلر می‌بایستی روستایی بسیار قدیمی باشد. مطلعین محلی در مورد نژاد و مهاجرت اهالی معتقدند گُردها که در اکثریت هستند از شام به این منطقه آمده‌اند بطوری‌که ترک زبانان روستا به آنها «شام دن گلان» می‌گویند و ترکها از طریق ترکیه به نیشابور و از آنجا به اوغاز مهاجرت کرده‌اند. رودخانه اوغاز از کنار این روستا می‌گذرد و کوههای قنبر و دره خوجم قلی در حوزه این روستا قرار دارد، مردم ده بیشتر دامدار و کشاورز و باغدار هستند و محصولات عمده آن عبارت است از: سیب درختی، سیب زمینی، حبوبات، گندم و جو و فراورده‌های دامی و آب زراعی روستا به وسیله رودخانه و قنات تأمین می‌گردد. درصد باسوادان در روستا نسبتاً بالاست و مردم با مسائل روز از نظر اجتماعی و اقتصادی آشنایی دارند.

در گورستان بیگلر اوغاز مقبره اراز محمد دلاور اوغازی قرار دارد که سال فوتش ۱۳۰۱ هجری قمری ذکر شده است و یکی از اوغازی‌ها معتقد بود که پس از زلزله اوغاز تازه توسط محمد بیگ احداث گردیده است و در این اواخر مرکز خان نشین ایل سیفکانلو بود. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مدرسه راهنمایی، مسجد، لوله کشی آب آشامیدنی، آسیاب، مرکز بهداشت، حمام، شورای ده، شرکت تعاونی و صنایع دستی آن قالیبافی، گلیم بافی و خرسک است.

روستای اوغاز کهنه OQAZ-KOHNEH

روستای اوغاز کهنه در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به کوههای گنه و کلاته بالی و از جنوب به کوه کیسمار و روستای چپانلو و از شرق به کوههای کل داغ و زو و از غرب به تازه اوغاز محدود می‌گردد. این روستا دارای ۱۸۶ خانوار و ۸۰۷ نفر جمعیت است که به زبان ترکی محلی تکلم می‌کنند و جزء دهستان سیبکانلو شیروان است.

روستای اوغاز کهنه یکی از قرای قدیمی شیروان است که قدمت آن به ۶۰۰ سال می‌رسد و بنای اولیه آن وسیله ازبکان بنیانگذاری شده است. عده‌ای از معمرین روستا معتقدند که ترک زبانها مردم اولیه روستا از سرولایت نیشابور به این محل آمده‌اند و کردها از ایل سیفکانلوی کرمانج چمشگزک می‌باشند. اوغاز کهنه از مناطق سرسبز و باصفای شیروان است که چشمه سارهای پرآب و سرد آن در تابستانها بر زیبایی آن می‌افزاید. مردم اوغاز کهنه بیشتر به کار کشاورزی و باغداری و گله داری اشتغال دارند. کوههای معروف آن عبارت است از: کیسمار، یا کیومار و دره‌های حاصل از فرسایش آبهای جاری آن معروف به سوله زو^{۱۴} و قره زو^{۱۵} می‌باشد. در قلعه کوه کیسمار محلی به نام قزلرقلعه وجود دارد که آثار خانه‌های مخروطی و حوض آب و تکه‌های ظروف سفالی و چینی و مسی در آن مشاهده می‌گردد که این قزلرقلعه‌ها معمولاً در قلعه کوه احداث می‌شد و دارای راهی صعب العبور بود و سابقاً قبل از حملات دشمن و درگیریها، دختران و زنان جوان را به آنجا منتقل می‌کردند و چند نفر از بهترین و ورزیده‌ترین تیراندازان را نیز در اطراف قزلرقلعه قراول می‌گذاشتند تا از هجوم دشمن در امان باشند، البته اجناس قیمتی مانند طلاجات و زیورآلات را نیز به آنجا منتقل می‌کردند. این محل در اوغاز کهنه به گنج صلصل نیز معروف است. مردم اوغاز کهنه از نظر تحصیلات و آگاهی اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند و دلیل آن هم افتتاح اولین مدرسه ذکور در سال ۱۳۰۸ شمسی در این روستاست که آن را می‌توان به

۱۴ - دره آبی (پرآب)

۱۵ - دره خشک

حساب آگاهی مردم این دیار دانست. در اوغاز کهنه درخت گردویی کهن سال وجود دارد که به «قانه قوز^{۱۶}» معروف است و قدمت آن به بیش از ۵۰۰ سال می رسد و سه درخت کهنسال مرغ (سرو کوهی) نیز دارد. معصومزاده ای در روستا مورد احترام و اعتقاد مردم است که آتش نذری آن یارمه یکی از آشپزهای محلی منطقه است که با گندم و گیاهان خوراکی خودرو کوهستانی درست می شود و با اضافه کردن دوغ تلمی خورده می شود، اکثر زنان برای شفای بیماران و رفع گرفتاریها به آن جا متوسل می شوند.

آراز محمد یا اُرس محمد که در زمان ناصرالدین شاه از یگانه دلاوران و زورمندان منطقه بود پسر شاه محمد و نوه محبت خان اوغازی معروف به مییخان است که از طرف پدری اوغازی و از طرف مادر ترکمن بوده است، اوغاز کهنه در سابق خان نشین و مرکز ایل سیفکانلو بود. محصولات عمده اوغاز کهنه بیشتر سردرختی مانند: سیب درختی، زردآلو، سیب زمینی و حبوبات و گندم و جو است و صنایع دستی آن قالیبافی، گلیم بافی، نمداپی می باشد که از ظرافت خاصی برخوردار است. گله داری و دامداری در سالهای اخیر از موقعیت بهتری برخوردار و شغل عمده مردم این روستاست.

در مورد وجه تسمیه اوغاز کهنه توحیدی می نویسد: «اوغاز از اوغور گرفته شده و اوغور طایفه ای از تراکمه بودند که درگیریهای زیادی در منطقه سیفکانلو داشته اند و هنگامی که مادرها می خواستند بچه ها را بترسانند می گفتند اوغوز گلدی که به مرور به اوغاز تغییر شکل یافته است». البته در این مورد یکی از مطلعین روستا معتقد بود که مردم اصلی اوغاز از ترکیه به سرولات نیشابور و از آن جا به اوغاز مهاجرت کرده اند و نام سابق روستای خود را که آب خاز (آب غاز) بوده بر این ناحیه نهاده و به مرور به اوغاز تبدیل گردیده است.

به هر حال اوغاز کهنه از مناظر طبیعی بسیاری برخوردار است که می توان به آرموتلی سرسبز در دامنه شمالی کوه کیسمار و دو چشمه معروف بگان و فاطمه خانم و همچنین مراتع طبیعی آن اشاره نمود. این روستا دارای امکانات: راه شوسه سرویس منظم ایاب و ذهاب با مینی بوس و کامیون، دبستان، مسجد، مدرسه راهنمایی تحصیلی، خیرات، آسیاب، مرکز خدمات درمانی، خانه بهداشت، پست، لوله کشی آب، شورای ده، شرکت تعاونی و حمام می باشد.

روستای باداملق BADAMLEQ

روستای باداملق در فاصله ۳۲ کیلومتری جنوب غربی شیروان واقع است که از شمال به روستای قزل حصار و از جنوب به کلاته سهراب و کوه تخت میرزا و از شرق به روستای زوارم و از غرب به روستای اسفیدان بجنورد محدود است. باداملق ۱۷۲ خانوار و ۱۰۰۸ نفر جمعیت دارد که به زبان کردی تکلم می‌کنند. این روستا جزء دهستان زوارم شیروان است و مردمش از ایل کرمانج ایزانلومی باشند. از وسط روستا رودخانه‌ای فصلی و کم‌آب می‌گذرد و شغل عمده آنها دامداری می‌باشد. کوههای تخت میرزا، غیب کوه شاه ولایت، نمازگاه، شیرخانه، شاه‌چیل، تورشیلی و کرکولی و چشمه‌های کربلایی کاظم و سرچشمه، پروژ، بیپره، نستحانی و شاه‌ولایت در حوزه منطقه باداملق قرار دارد. محصولات عمده آنها: فراورده‌های دامی، گندم و جو (دیم) و کشمش است از نظر صنایع دستی باداملق دارای چندین کارگاه قالیبافی است که انواع قالی به دست هنرمندان این روستا بافته و معمولاً در مشهد پرداخت می‌شود و به عنوان قالی مشهد به فروش می‌رسد که از مرغوبیت ویژه‌ای برخوردار است.

کوه تخت میرزا با پوشش گیاهی مناسب (مرتعی) و چشمه‌سارهای فراوان یکی از ییلاقهای جنوبی دامداران عشایر محسوب می‌شود که دارای شکار نیز هست. در کوههای باداملق انواع گیاهان خودرو طبی مانند: قسنی، کاکوتی، پونه، چریش، شقایق وحشی، درمان ترکی، سیب تالک، گون، کمای، پوپک، سامی و ترخ می‌روید. هوای ییلاق تخت میرزا در تابستانها مفرح و شبها نیز کاملاً سرد است. امکانات باداملق در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، لوله کشی آب از سرچشمه، شرکت تعاونی و شورای ده است. مطلعین در مورد نام روستا معتقدند که ابتدا محل فعلی روستا بادام‌زار بوده و قدمت آن به ۴۰۰ سال می‌رسد و دارای ۴ برج و حصار بوده که در حال حاضر آثاری از آنها دیده نمی‌شود.

روستای باغ BAQ

این روستا در فاصله ۵۵ کیلومتری شمال غرب شیروان قرار دارد که بین روستاهای تفتازان، امیرخان، ده‌ده‌خان و کوههای کنج خور محدود است. این روستا دارای ۹۲ خانوار و ۴۹۴ نفر جمعیت می‌باشد که به زبان ترکی محلی تکلم می‌کنند و جزء دهستان قوشخانه شیروان است. وجه تسمیه آن بدین علت است که محل فعلی روستا ابتدا باغ بزرگی بوده که با توجه به موقعیت مناسب زمین به مرور به روستا تبدیل گردیده، آب مزروعی روستای باغ که در دره تفتازان قرار دارد بوسیله رودخانه و سرچشمه و کورچشمه و آب مصرفی دامداران بوسیله چشمه‌های آلملی بالا و پایین و چشمه ترنولی و چشمه دیم‌پوخه تأمین می‌شود. بین روستای امیرخان و روستای باغ دوتپه قدیمی وجود دارد که اشیای عتیقه زیادی از نوع مفرغ و مس و چینی در کاشیهای محلی از آن‌جا به دست آمده است. محل زیارتی مردم معصومزاده‌ای به نام شیخ باباست که مورد اعتقاد و احترام اهالی می‌باشد و عده‌ای معتقدند که لشکریان صوفیان محلی، درید قدرت باباشیخ می‌باشد. این مقبره دارای صندوق چوبی بدون کنده کاری و سنگ نوشته است و اخیراً عده‌ای از مردم قصد تجدید بنای مقبره شیخ بابا را دارند. مردم روستا بیشتر دامدارند تا کشاورز و در حدود ۲۰۰۰ رأس گوسفند در مراتع اطراف و خود روستا نگهداری می‌شود و عده‌ای از دامداران در زمستان به قشلاق مراوه‌تپه در ترکمن صحرا می‌روند. محصولات عمده آن: فراورده‌های دامی و گندم و جو است و صنایع دستی آن: قالیبافی، گلیم‌بافی، نم‌بافی، کلاه، دستکش، جوراب و شال گردن پشمی می‌باشد. کوههای آلملی، دیم‌پوخه، ترنولی، کنج خور، قره‌قوشلی و دره‌های سرسبز و پرعلف آمارلی (عمارلی)، حتم‌قلی، گندلی، میرزاقلی، دوشلی داش و گندره در حوزه این روستا قرار دارد.

امکانات روستای باغ در حال حاضر: راه خاکی، سرویس نامنظم، دبستان، حمام، لوله کشی آب، مسجد و شورای ده است. و دارای مردمی خونگرم و مهماننواز هستند.

روستای باغان BAQAN

روستای باغان یا بغن در فاصله ۲۰ کیلومتری شمال شرقی شیروان واقع است که از شمال با آبادی یقی و کوه چاهک و از جنوب با الله آباد (کلاهون) و از شرق با روستای سگه و از طرف غرب با روستای قلعه چه و قلندرآباد در ارتباط است. این روستا دارای ۱۷۸ خانوار و ۹۱۰ نفر جمعیت است که به زبان ترکی محلی تکلم می کنند. باغان از تعدادی آبادی به اسامی یقی، قره باغ، کلاته، عباس آباد و باغان مرکز روستا، تشکیل شده است که بجز باغان که مسکونی است در دیگر آبادیها فقط در فصل بهار و تابستان و پاییز عده ای از باغداران برای برداشت محصول موقتاً به آن جا کوچ می کنند در آبادی یقی دیوارهای بسیار قطور و آثار برج و بارو و محل دو آسیاب قدیمی مشاهده می شود که نشان دهنده قدمت این آبادی است. مؤلف عالم آرای عباسی از روستای باغان ذکر کرده و آن را به صورت (به غن) نوشته و ادامه داده که مهدی نامی از مردم چکنه مدتی در باغان زندگی کرده است که اراز محمد مرد شجاع و جسور و دلاور معروف منطقه خراسان و ترکمن صحرا از اولاد همین مهدی بوده است و یا صنع الدوله می نویسد: «کوه طرف شمال شیروان معروف به کوه یقی است که قرای سگه و بغن که در اصل باغانست و قریه یقی در زیر این کوه می باشد»^{۱۷}. محل آبادی یقی به تقریر اهالی در سابق زرتشتی نشین بوده است. کوه یقی (چاهک) باغان که در قسمت شمال روستا قرار دارد در قدیم جنگل بوده است که به علت عدم توجه و قطع بی رویه اشجار امروزه فقط درختچه هایی به صورت پراکنده در سراسر این کوه بیلاقی مشاهده می گردد. در این کوه بیلاق عشایر چادر نشین نیز هست انواع گیاهان خودرو طبی مانند: درمنه ترکی (تولکی)، پوپک، پونه، ساری گل، آنوخ می روید. و دارای چشمه سارهایی به اسامی سویت لی، چاهک (چک)، راو، پلورخور، حاتم خان و کندر است که در تابستانها تشنگی و عطش عشایر کوچرو را با آبهای سرد و گوارا برطرف می سازد. در باغان و نزدیکی یقی معصومزاده ای وجود دارد به نام خواجه سراج الدین^{۱۸} که

۱۷ - صنع الدوله، مطلع الشمس، ۱۳۰۰ قمری.

۱۸ - خواجه سراج الدین دارای وقفنامه ای است که قسمتی از موقوفات در آن مشخص است.

مردم در ماه محرم و در روزهای تاسوعا و عاشورا مراسم سوگواری و نذر و نیاز خودشان را در کنار مقبره‌اش برگزار می‌کنند. این معصومزاده دارای صندوق چوبی و گنبدی گلی است. زمینهای روستای باغان به علت فراوانی شن و ماسه در بافت آهکی خاک به استثنای اطراف کلاته که گچی است. برای کشت درختان میوه مناسب و بازدهی سیب درختی آن با توجه به نوع خاک بسیار خوب است. محصولات عمده آن: گندم، جو، چغندر، حبوبات، گردو، زردآلو و کشمش است. و صنایع دستی آن قالیبافی و بافت جوراب و کلاه و دستکش و شال گردن کرکی و پشمی می‌باشد، عده‌ای از مردم نیز دامدارند، باغانی‌ها افرادی با استعداد و زرنک و میانگین با سوادان در این روستا بالاست. و امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، دبستان، مدرسه راهنمایی، شبکه برق، لوله کشی آب، پاسگاه ژاندارمری، مسجد و حسینیه، حمام، خانه بهداشت، آسیاب، مرکز خدمات، تلفن، پست، شرکتهای تعاونی و شورای ده می‌باشد. این روستا قبلاً مرکز دهستان بود که در تقسیمات جدید جزء دهستان حومه قرار گرفته است. در خاتمه اشاره‌ای به آبادیها و قناتهای متعدد باغان که یکی از گردشگاههای شیروان محسوب می‌شود، می‌گردد.

۱- آبادی و قنات یقی: این قنات اخیراً لایروبی و ترمیم گردیده است و دارای آبی زیاد و بسیار گوارا و بدون املاح می‌باشد که از قسمت زیرین دامنه کوه معروف یقی جاری شده و باعث سرسبزی و طراوت آبادی یقی که دارای باغهای ییلاقی و درختان بزرگ گردو است می‌گردد.

۲- آبادی و قنات قره‌باغ: که متشکل از دو قنات قره‌باغ و حسنه‌باغ است و درختان کهن سال سرو که در محل به سرولر معروف است در تعطیلات عید نوروز و دیگر اعیاد مذهبی میعادگاه کشتی گیران با چوخه قرای شیروان می‌باشد و به علت سرسبزی درختان سرو در تمام طول سال به قره‌باغ (سیاه‌باغ) معروف شده است.

۳- آبادی و قنات باغان: که مرکز مسکونی روستاست و مظهر قنات آن به مرکز قریه منتهی می‌شود و سپس آب این قنات وارد استخری بزرگ و طبیعی که اطراف آن را درختان بید و توت فرا گرفته می‌گردد که این منظره بر زیبایی روستا می‌افزاید آب قنات مذکور از قسمت انتهایی استخر خارج و برای آبیاری مزارع و باغهای جنوبی روستا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- آبادی عباس‌آباد: که قبلاً مسکونی بود ولی به علت ریزش قنات مردم به مرکز

روستا کوچ کردند و اخیراً دوباره قنات فوق احیا شده است. از آبادی و قناتهای دیگر باغان می توان به آبادی و قنات رحیم آباد و کلاته اشاره کرد که در کلاته علاوه بر قنات ولی و قنات آلماو چشمه سارهای فصلی نیز وجود دارد.

روستای برج BORJ

این روستا در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به رودخانه شیخ امیرانلو و از جنوب به کوههای پتله گاه و از شرق به کورکانلو سفلی و از غرب به روستای برزو محدود می شود. این روستا دارای ۱۲ خانوار و ۶۲ نفر جمعیت است که به زبان کُردی کرمانجی تکلم می کنند. برج جزء دهستان تکمران شیروان است و وجه تسمیه آن به دلیل برجی بزرگ بود که توسط ذوالفقار نامی در روستا احداث شده بود تا در حملات دشمن مورد استفاده قرار گیرد مردم برج از ایل سیفکانلو هستند. رودخانه فصلی و کم آب از ده می گذرد و در روستا سردرختی وجود ندارد. مشاغل عمده مردم دامداری و کشاورزی است که کشاورزی به صورت دیم و دامداری آنها سنتی می باشد. در قسمت غرب روستای برج چندین درخت کهنسال سرو کوهی وجود دارد که به درختان عزیز معروفند و ضمن این که قطع آنها را جایز نمی دانند مورد احترام و اعتقاد اهالی نیز هست و زنان و دختران روستا با بستن نخ و پارچه حاجت خود را از درختان عزیز خواسته و نذر و نیاز خودشان را در زیر این درختان انجام می دهند، امکانات روستا شامل دبستان و مسجد است.

روستای برزل آباد BORZOL-ABAD

این روستا در فاصله ۱۶ کیلومتری شرق شیروان قرار دارد که از شمال به گمرک تپه و از جنوب به روستای دوبین و از شرق به روستاهای فیض آباد و رضا آباد و از غرب به روستای خرم آباد محدود است، این روستا دارای ۱۶۵ خانوار و ۷۵۳ نفر جمعیت است که به زبان فارسی تکلم می کنند و جزء دهستان حومه شیروان می باشد. از نظر وجه تسمیه، بُرزل به مرد

ستبر^{۱۹} معنی شده که احتمالاً این قریه در ابتدا توسط فردی پر قدرت و پرزور و پهلوان، آباد گردیده است.

برزل آباد به علت قرار گرفتن در مسیر جاده کناره (شیروان- مشهد) در چند ساله اخیر توسعه بسیاری یافته و بروسعت و جمعیت آن افزوده شده است این روستا را می توان قریه کوره پزها نیز نام نهاد زیرا با داشتن چندین کوره آجر پزی دستی و یک واحد کوره آجر پزی فشاری با تأسیسات کامل مکانیکی و علمی یکی از مشاغل عمده روستاییان تولید آجر است که به شیروان و قوچان صادر می شود. تپه ای دست ریز در شمال روستا واقع است که دارای ثبت تاریخی به شماره ۶۹۹ بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران می باشد که مربوط به هزاره قبل از میلاد است^{۲۰} که در محل اصطلاحاً گمرک تپه گفته می شود که کاوشهایی نیز بر روی آن انجام گرفته و اشیایی نیز به دست آمده است و طبق اظهار مطلعین چند نفری نیز در این رابطه جان خود را از دست داده اند این تپه دست ریز سابقاً دارای برج و بارو و بطور کلی ارک بلد بود و مرکز حکومت محلی محسوب می شد.

از علمای معروف این روستا می توان از مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدرضا مظلوم نام برد که مردی باتقوا و پرهیزگار بود و در سال ۱۳۵۲ شمسی به رحمت ایزدی پیوست و مقبره اش در گورستان قدیمی قوچان است.

محصولات عمده برزل آباد: گندم، جو، چغندر قند و کشمش و فرآورده های دامی است این روستا دارای ۲ گله گوسفند است به صورت سنتی و در محل نگهداری می شود. امکانات روستا شامل: جاده آسفalte، سرویس منظم ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، حمام، آسیاب، خانه بهداشت، تلفن، برق، لوله کشی آب، پست، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای بُرْزلی BORZLI

برزلی در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی شیروان واقع است که حدود آن از شمال با

۱۹- دکتر علی اکبر، نفیسی فرهنگ نفیسی، ج ۱، کتابفروشی خیام، تهران ۱۳۴۳، ص ۵۷۴.

۲۰- نصرت الله، مشکوتی بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، سال ۱۳۴۹، فرهنگ هنر، ص ۹۱.

روستاهای گلیان و خادمی و از جنوب با روستای سرخ قلعه و از طرف شرق با روستای استخری و از طرف غرب با روستای تبریان ارتباط پیدا می‌کند. این روستا ۱۹۳ خانوار و ۸۸۹ نفر جمعیت دارد که به زبان فارسی صحبت می‌کنند و جزء دهستان گلیان است. روستای برزلی در قدیم دارای برج و بارو بود که اکثر تخریب و به منازل مسکونی تبدیل گردیده است، از نظر آثار قدیمی نرسیده به روستا سنگری بزرگ بر روی یکی از ارتفاعات دیده می‌شود که حوض سنگی نیز در مجاور آن واقع است و قدمت آن به ۳۰۰ سال می‌رسد و در حملات دشمن و اختلافات قومی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. و در دامنه کوه مشرف به برزلی بنایی سنگی وجود دارد که در بین اهالی به کارگاه حضرت فاطمه معروف است و مورد اعتقاد و احترام برزلی‌هاست البته بردن سنگهای چند تنی به آن ارتفاع و چوبهای کار گذاشته شده در ساختمان بنا واقعاً اعجاب‌انگیز است ضمن این که عده‌ای از اهالی روستا، بنای مذکور را به پهلوانی قدرتمند و آزاده و مؤمن به نام برزو نسبت می‌دادند که پس از احداث نام کارگاه حضرت فاطمه (ع) بر آن نهاده و راز و نیازها و دعا‌های پهلوان در آن جا انجام می‌گرفته است و نام روستا برزلی نیز منسوب از نام این پهلوان واقعی «برزو» می‌باشد. روستای برزلی در امتداد دره شمالی- جنوبی و دامنه کوه قرار گرفته و با توجه به چشمه‌های کاریز، شش دره، سرخانی و سیب‌دارلی و موقعیت خاص جغرافیایی، روستایی کوهستانی و پردرخت و سبز و خرم است. منازل و خانه‌های روستاییان در طرفین دره قرار گرفته و محصولات عمده آن: گردو، زردآلو، سیب‌زمینی می‌باشد. دامداری نیز شغل دوم مردم است مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج عبدالحسین تألهی یکی از علمای معروف شیروان اهل این روستا بود که در ۱۳۵۱/۱۰/۹ شمسی به رحمت ایزدی پیوست و مقبره‌اش در گورستان عمومی گلشور مشهد قرار دارد.

امکانات روستای برزلی در حال حاضر شامل: دبستان ۲ باب، مسجد، حسینیه کربلایی محمد، حمام، سرویس رفت و آمد، راه شوسه، لوله کشی آب، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده می‌باشد. مردم برزلی افرادی فعال و زحمتکش و متدین هستند.

روستای برزو BORZU

روستای برزو در فاصله ۳۷ کیلومتری شمال شیروان واقع است از شمال با آسیاب شیخ امیرانلو و از جنوب با قلجق و از شرق با روستای برج ذوالفقار و از غرب با روستای تخته سو در ارتباط می باشد برزو دارای ۲۵ خانوار و ۱۵۵ نفر جمعیت است که ۵۱ نفر آن با سوادند و به زبان کردی کرمانجی تکلم می کنند. این روستا جزء دهستان تکمران است برزو روستایی نسبتاً سرسبز و پردرخت می باشد شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی است و دارای ۲۰۰۰ رأس گوسفند می باشند. محصولات عمده آنها: فرآورده های دامی، گندم و جو است و صنایع دستی آن قالی بافی و گلیم بافی و امکانات روستا شامل: راه خاکی، دبستان، مسجد و شورای ده می باشد. برزو در اصل بیرزو یعنی یک درّه بود.

روستای بزآباد BOZ-ABAD

روستای بزآباد در فاصله ۲۸ کیلومتری جنوب غربی شیروان و دامنه کم شیبی به طرف درّه زوارم قرار گرفته است که از شمال با روستای حسین آباد و گرزو و از جنوب با زوارم از شرق با مشهد طرقي و از غرب نیز با زوارم در ارتباط می باشد. این روستا ۲۵۲ خانوار و ۱۲۴۶ نفر جمعیت دارد و مردم آن به زبان کردی تکلم می کنند و جزء دهستان زوارم است.

وجه تسمیه: «در زمان خوارزمشاهیان یکی از فرزندان محمود پادشاه خوارزم به نام مختومقلی خوارزمی که ترک زبان بوده است خواب نما می شود و قبر معصومزاده و آب فراوانی را در محل فعلی مختومی بزآباد مشاهده می نماید و با علائم مخصوص با عده ای از افراد دیگر از خوارزم به محل مذکور در بزآباد می آید و پس از تطبیق علائم به کندن زمینی خشک برای یافتن قبر و آب زیرزمینی مبادرت می نماید که پس از چند متر کندن زمین، ابتدا به آب زیرزمینی فوق العاده زیادی برخورد می کنند که برای جاری شدنش احتیاج به

جوی آبی که از سطح زمین حدود ۵ تا ۶ متر گودتر باشد، احداث می شود.^{۲۱} که هنوز هم در حدود ۸ اینچ آب از آن جاری است. سپس کاوش برای یافتن قبر عالم بزرگوار ادامه می یابد که پس از چند روز قبری سنگی در فاصله اندکی از آب زیرزمینی مشاهده می گردد که معروف به معصومزاده قاسم الحسینی (ع)^{۲۲} می باشد. و مقبره ای نیز احداث می شود. مختموقلی و افرادش پس از فراغت از کار می گویند «بزآباد إله دگ» یعنی ما آباد کردیم و آن جا بزآباد نام می گیرد که به مرور به بُزآباد^{۲۳} تبدیل می گردد و محل معصومزاده و چشمه، معروف به مختومی است».

معصومزاده مذکور اخیراً از طرف مردم و اداره اوقاف شیروان تجدید بنا و بازسازی شده است که دارای گنبد و صندوق چوبی است، در داخل ضریح معصومزاده قرآنی خطی و بسیار نفیس که در زمان قاجاریه نوشته شده قرار دارد.

روستای بزآباد از سه طریق با مرکز شهرستان ارتباط دارد که یکی از طریق مسیر روستای زوارم و دیگری از طریق روستای مشهد طرقي و سومین مسیر، راه مالرو و قدیمی از بین کوهها و از کنار چیل معصوم خانم و گرزومی باشد. شغل عمده مردم کشاورزی و دامداری است که دامداری آن به صورت سنتی و بدون کوچ انجام می گیرد. و محصولات آن عبارت است از: گندم و جو، گردو و فراورده های دامی و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی است که قالیهای این روستا بسیار مرغوب است.

امکانات روستای بزآباد یا فجرآباد فعلی در حال حاضر شامل: راه شوسه، دبستان، لوله کشی آب، تلفن، مسجد، پُست، سرویس ایاب و ذهاب، شرکت تعاونی، خانه بهداشت، برق و شورای ده است.

مراسم سنتی در مختومی بزآباد: در فصل تابستان و قبل از شروع برداشت محصول انگور و تبدیل آن به کشمش مردم شیروان طی مراسم خاصی در روزهای چهارشنبه سه هفته متوالی برای برآورده شدن حاجات و ادای نذرها و شفای بیماران جلدی به مختومی می روند تا ضمن زیارت مقبره مطهر معصومزاده قاسم الحسینی و آب تنی در استخر مخصوص که در

۲۱ - در حال حاضر هرچه شیب آب تندتر باشد مقدار آن نیز افزایش می یابد و محل سرچشمه آن نیز کاملاً مشخص

نیست.

۲۲ - از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام.

۲۳ - اخیراً نام روستا به فجرآباد تغییر یافته است.

مجاور مقبره قرار دارد به خواسته های قلبی خود برسند. در چنین روزهایی مردم شهر و روستا با انواع وسائل نقلیه مانند: اتومبیل سواری، وانت، گاری اسبی، موتورسیکلت، دوچرخه، اسب و قاطر و الاغ خودشان را به مختومی می رسانند. و در اطراف استخرسنگی و ایوان و اطراف معصومزاده و باغهای مجاور در زیر درختان بزرگ و کهنسال گردو و چنار^{۲۴} به صورت دسته جمعی و در دسته های مختلف به استراحت می پردازند. سپس مراسم زیارت و آب تنی در آب شفا بخش مختومی و ادای نذر ها که معمولاً شامل آش های نذری، فطیر، آجیل و اقامه نماز است انجام می گیرد. دیگر مراسم جالب آن برگزاری مسابقه کشتی با چوخه بین پهلوانان منتخب روستاهاست که زن و مرد بطور دسته جمعی به تماشای آن می نشینند و پهلوان کشتی جوایز نقدی زیادی از طرف مردم دریافت می کند.

پس از صرف نهار رقص های دسته جمعی چوب که ریشه حماسی و دلاوری دارد با نوای قشمه و دهل و سرنا بین دو گروه مردان و زنان انجام می شود که یکی دیگر از دیدنی های این روز می باشد. ضمناً بازار دستفروشان و دوره گران هم در این مراسم بسیار گرم است که شباهت عجیبی به بازار های روز شمال دارد. مردم معتقدند با توجه به ترکیبات آب چشمه که به دلیل وجود مقبره این بزرگوار در این محل می باشد امراض جلدی را بلافاصله شفا می دهد که این کار نیز مراسم خاصی به نام «جُمَاق برگردان^{۲۵}» دارد. در چند ساله اخیر به علت هجوم بیش از حد مردم استخر را در چند نوبت مردانه- زنانه می کنند تا تمام مشتاقان بتوانند از آب شفا بخش آن استفاده نمایند و عصر قبل از غروب آفتاب مردم به مرور آن جا را ترک و به سوی قراء و شهر حرکت می کنند.

روستای بلقان علیا BOLQAN-OLYA

این روستا در فاصله ۳۳ کیلومتری جنوب شیروان واقع است و از شمال به روستاهای گرماب و حصار پهلوانلو، از جنوب به روستای امیرانلو و اسفراین، از شرق به روستاهای قوچان و از غرب به بلقان سفلی و استخری (اسطرخی) محدود می شود و دارای ۱۴۲ خانوار و

۲۴- احتمال به یقین عمر چنارهای اطراف استخر با پیدایش معصومزاده و آب یکی خواهد بود.

۲۵- مقداری از گل داخل استخر را برداشته و به تنه چنار کهنسال حاشیه استخر مختومی می چسبانند.

۷۳۳ نفر جمعیت است. مردمش به زبان کردی صحبت می‌کنند و جزء دهستان گلیان است بلقان^{۲۶} در فرهنگ نفیسی، کلمه‌ای پارسی، مأخوذ از مغلی، به قسمی از راسوی سیاه معنی شده است که راسوی سیاه حیوانی مفید و در نزد مصریهای قدیم مقدس بوده است^{۲۷}. این روستا بسیار سرسبز و پردرخت و دارای مردمی متدین و واقع بین می باشد. محصولات عمده آن: گردو، زردآلو، نخود، سیب زمینی و گندم و جواست و صنایع دستی آن قالیبافی گلیم بافی و دستکش و شال گردن پشمی و کرکی است. دامداری در این روستا به دو طریق انجام می‌گیرد. طریقه اول طبق معمول داشتن تعدادی گوسفند و احتمالاً چند رأس گاو شیرده است که هر روستایی لبنیات مصرفی خود را تأمین می‌کند و مازاد آن را می‌فروشد و طریقه دوم دامداران عشایری هستند که از اوایل بهار در کوههای اطراف بلقان ییلاق می‌کنند و مراتع نسبتاً خوب کوههای مجاور روستا و شاهجهان را برای تعلیف دام انتخاب می‌کنند و قشلاق را به ترکمن صحرا می‌روند. در اطراف این روستا معادنی مانند گچ و نمک و بعضی از فلزات شناسایی شده که هنوز بازدهی و مقدار آن در حال تحقیق و رسماً اعلام نشده است.

این روستای سرسبز دارای چشمه سارهای فراوانی است که معروفترین آنها عبارت است از: کانی مرگی، کانی سرچاوی، کانی کاغذی، کانی کوک (کبک) و کانی جعفر شفتی که فردی به اسم جعفر در نزدیکی این چشمه به علت برق زدگی سوخته است. در کوههای مرتعی بلقان انواع و اقسام گیاهان خودرو طبی می‌روید که: آنوخ، سیوجه، قسنی، تریاک فاروق، بابونه، گون یکپایه، علف گربه، شویشک و چریش و درمنه ترکی آن معروفتر است. این روستا در حال حاضر دارای امکانات: راه شوسه، دبستان، مسجد، آسیاب، خانه بهداشت، سرویس ایاب و ذهاب، لوله کشی آب از چشمه مرگی و شورای ده است. روستای بلقان سفلا نیز در فاصله‌ای نزدیک و در غرب این روستا قرار دارد که دارای ۵۵ خانوار و ۲۱۰ نفر جمعیت است و به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان گلیان است و از ایل قهرمانلو هستند. کوههای: کاریز و نظر و چشمه‌های هروش، سرچاوه و گر در حوزه این روستا قرار دارد. امکانات آن شامل: مدرسه، حمام، لوله کشی آب، مسجد و شورای ده است.

۲۶ - بلقان هم با «ق» و با هم با «غ» نوشته می‌شود.

۲۷ - فرهنگ نفیسی، ج ۱، ص ۶۳۸.

روستای بوانلو BOWANLUE

این روستا در فاصله ۴۱ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به بیچرانلو و از جنوب به روستای الاشلو و از شرق به کوه بروژ و از غرب به روستای حمزه کانلو محدود می‌گردد. بوانلو دارای ۲۰۳ خانوار و ۹۳۸ نفر جمعیت است که به زبان کردی کرمانجی صحبت می‌کنند و روستا جزء دهستان سیکانلو می‌باشد.

در مورد وجه تسمیه آن مطلعین معتقدند چون این طایفه از مردان و زنان قوی هیکل و قد بلند و زورمند ایل سیفکانلو بودند به «بوت» شهرت داشتند که به مرور زمان به بوانلو و سپس بوانلو تغییر یافته است و عده‌ای را عقیده بر این است که احتمالاً بوان تحریف شده باوان یکی از عشایر سلماس آذربایجان باشد که پسوند «لو» به آن اضافه شده است و به بوانلو تبدیل گردیده و در معنا بوانلو به چادر نشین نیز معنی شده است. بوانلویی‌ها در زمان صفویه از سلماس به این منطقه کوچانیده شده‌اند. این روستا از نظر طبیعی در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارد و بسیار سرسبز و پر درخت است. مشاغل عمده مردم دامداری، کشاورزی و باغداری می‌باشد. محصولات آن شامل: فراورده‌های دامی، سیب درختی و زمینی، گردو و گندم و جو است. بوانلوها دارای ۱۲ گله گوسفندند که ییلاقشان کوهها و مزرعه گلول و زکریا و دره بردر و اطراف بوانلوست و معمولاً در مراوه تپه ترکمن صحرا و در قره قواخ، نارلی و ابوساری قشلاق می‌کنند.

بر بالای کوه بروژ مقبره معصوم زاده‌ای به نام زیدالله قرار دارد که مورد احترام و اعتقاد مردم است. از کوههای سرسبز محلی علاوه بر «بروژ» کوه کولک و دره چاویه نیز در حوزه این روستا قرار دارد. یکی از سنتهای قدیمی در این روستا که هنوز هم گهگاه انجام می‌گیرد عبور دختران دم‌بخت و زنان نازا از محلی دالان مانند در کوه بروژ است که با خلوص نیت و سلام و صلوات و نذر و نیاز همراه است که عده‌ای معتقدند پس از برگزاری مراسم دختران بزودی به خانه بخت می‌روند و زنان متأهل نیز باردار خواهند شد. مردم بوانلو افرادی معاشرتی، مهماننواز و مطلع و در صد باسوادان اهالی بویژه در سطح دانشگاه بالاست. حتی استاد دانشگاه نیز دارند. لباس کردی زنان بوانلو که اصالت آن بخوبی حفظ شده است از

پیراهنی بلند و حاشیه‌دار که قسمتی از شلیته را می‌پوشاند و شیلوارپرچین و تاب بلند و جلیقه‌ای که روی پیراهن می‌پوشند و شال (که وان) بزرگ سفید یا گلداز که به سر کرده و جلودهان را می‌گیرند، همراه با زیور و آلات سنتی که بر حاشیه لباسها و عرقچین به طرز بسیار زیبایی می‌آویزند تشکیل می‌شود. این روستای ییلاقی با مردان و زنان قدبلند و آگاه در حال حاضر دارای امکانات: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، لوله کشی آب، مسجد، آسیاب، خانه بهداشت و شورای ده است.

روستای بی‌بهره (بیواره) BE-BAHREH

روستای بیواره در فاصله ۳۲ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به پتله‌گاه و از جنوب به کوه قنبر و از شرق به زورتانلو و از غرب به روستای گدوکانلو محدود می‌گردد. این روستا دارای ۱۲۱ خانوار و ۵۸۳ نفر است که به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان سیفکانلو شیروان است. مردمش از ایل کرمانج بیچرانلو می‌باشند که از منطقه کردنشین شمال شام (سوریه) به این منطقه کوچانیده شده‌اند و به شامی یا شامالی نیز معروفند.^{۲۸} روستای بیواره در کناره رودخانه اوغاز قرار گرفته است و کوههای اطراف این روستا عبارتند از: کوه قنبر، کوه کولک و زاوشغل عمده مردم دامداری و کشاورزی است و محصولات آن: فرآورده‌های دامی، گندم و جو و انواع سردرختی و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم‌بافی می‌باشد. مردم بی‌بهره با توجه به خصوصیات ایل کرمانج بیچرانلو (سیوک) افرادی شجاع، دلیر و جنگجو بودند که در درگیریهای قومی در گذشته نقش فعالی داشته‌اند و در جنگ با ترکمانان همیشه موفقیت از آن دلاوران کرد بیواره‌ای بود. در کوههای بیواره انواع گیاهان خودرو طبی مانند: آنوخ، سیب‌تالک، قارچ خوراکی، کنگر، میندک، کاسنی، چریش، ساری‌گل، شقایق و... می‌روید. امکانات روستا شامل: راه شوسه، سرویس، دبستان، مسجد، آسیاب، حمام، لوله کشی آب و خانه بهداشت است.

۲۸ - عده‌ای از مردم بیواره اظهار می‌داشتند ما از ایل سیوکی (سیفکانلو) هستیم.

روستای بیره زینل بیگ BIREH-ZEINAL-BEEK

این روستا در فاصله ۵۵ کیلومتری شمال غربی شیروان واقع است که از شمال به روستای سنجد و از جنوب به روستای برج و از شرق به روستای چشمه دوزان و از طرف غرب به یک شاخ محدود می‌گردد. این روستا ۴۶ خانوار و ۲۱۹ نفر جمعیت دارد و مردمش به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان تکمران شیروان است.

شغل اصلی مردم دامداری و در حدود ۱۷۰۰ رأس گوسفند و ۱۱۰ رأس گاو و گوساله دارند و محصولات عمده آنها: بعد از تولیدات دامی. گندم و جو و حبوبات است. این روستا طبق گفته اهالی محل توسط شخصی به نام زینل بیگ برای اولین بار به عنوان گوم (محل نگهداری گوسفندان) انتخاب می‌شود که به مرور زندگی کوچرو به یکجانشینی و بالاخره به روستای بیره زینل بیگ تبدیل می‌گردد. کردهای بیره زینل بیگ از ایل سیوکانلومی باشند و سنت لباس پوشیدن محلی خود را نیز حفظ کرده‌اند.

این روستا دارای امکانات: راه شوسه، دبستان، مسجد، آسیاب، خانه بهداشت و شورای ده است.

روستای بیک BEEK

روستای بیک در فاصله ۳۰ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از شمال به روستای گوگلی و از جنوب به کلاته شفتیک زیارت و از شرق به روستاهای تخته سو و برزو، و از طرف غرب به روستای لوجلی محدود می‌گردد. این روستا ۹۶ خانوار و ۵۱۲ نفر جمعیت دارد که به زبان کردی تکلم می‌کنند. مردم روستای بیک از مهاجرین رشوانلو هستند و آقا سیار (سوار) و محبت دو نفری می‌باشند که محل فعلی را به عنوان روستا برگزیده و آباد کرده‌اند. و در مورد وجه تسمیه روستا نیز مطلعین معتقدند در محل فعلی ابتدا یک درخت بید و چشمه کوچکی وجود داشته که به مرور کلمه بید به بیک تبدیل شده است. این روستا از

قرای نسبتاً تازه شکل گرفته شیروان است زیرا هیچ گونه آثار قدیمی در آن مشاهده نمی‌گردد. بیگ به علت کمبود آب تقریباً بدون سردرختی است و فقط چندین اصله درخت در داخل روستا مشاهده می‌شود و باغ آپونوری هم که در غرب روستا قرار دارد با توجه به کاریزی کم آب درخت زیاد ندارد. در داخل بیگ چند چشمه بسیار کوچک وجود دارد که آبدهی همه آنها به ۳ اینچ نمی‌رسد مانند: کانی ککو، هزار، کینی، البته در قسمت شمال شرقی بیگ چشمه‌ای به نام یان بولاغ وجود دارد که در مالکیت شیخ امیری هاست. در جنوب این روستا غاری قرار دارد که به دامچی معروف است بطوری‌که پس از طی مسافتی در حدود ۱۵ متر در دل کوه به قسمت دامچی می‌رسد که آب در آن عمق چکه می‌کند و آب بسیار سردی دارد ارتفاع تقریبی دامچی ۱/۸۰ متر است. روستایان معتقدند آب دامچی برای رفع آبله گوسفندان شفا بخش می‌باشد و نحوه بردن آب دامچی بدین گونه است که چوپان گله آب را از داخل غار با سطلی بیرون می‌آورد و آن را در بین گله گوسفند می‌پاشد و گوسفندان بهبود می‌یابند. البته بعد از این که آب را از دامچی برداشت نمی‌بایستی تا محل گله گوسفند ظرف آب را به زمین بگذارد کوه صمد نیز در حوزه این روستا قرار دارد. دامداری شغل اصلی مردم بیگ می‌باشد که به دو طریق کوچرو و دامداری ثابت، در حدود ۶۰۰۰ رأس گوسفند را در بر می‌گیرد در این روستا ۲۰۰ رأس گاو و گوساله نیز نگهداری می‌شود. محصولات عمده روستا: فراورده‌های دامی و گندم و جو و نخود و عدس که تماماً به صورت دیم کشت می‌شود. امکانات فعلی بیگ نیز شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد، حمام، خانه بهداشت، پست و شورای ده است.

روستای بیگان BEIGAN

این روستا در فاصله ۱۵ کیلومتری غرب شیروان و در نزدیکی جاده کناره مشهد-تهران قرار گرفته است که از طرف شمال با روستاهای شوریک و قلعه زو و از جنوب با روستای رضاآباد و کارخانه قند شیروان و از شرق با روستاهای منصوران و زیارت و از طرف غرب با روستاهای شهرستان بجنورد در ارتباط می‌باشد. این روستا دارای ۱۳۸ خانوار و ۷۲۹ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان زیارت است. بیگان

در دامنه کم شیب کوهی قرار دارد که زمینهای مزروعی آن وسیله قناتی پرآب و چاههای عمیق آبیاری می شود. کارخانه قند شیروان در زمینهای این روستا احداث شده است. جاده سابق شیروان- بجنورد از مرکز این روستا می گذشت. از نظر وضع اقتصادی، مردم دارای فعالیت زراعی، باغداری و دامداری می باشند. محصولات عمده روستا: گندم و جو، چغندر قند و کشمش و مقداری سردرختی است. این روستا دارای محلّ زیارتی می باشد که دارای شجرنامه موثق نیست. صنایع دستی آن قالیبافی است و به علت نزدیکی به کارخانه قند و جاده آسفalte و ارتباط سریع با شهر در سالهای اخیر پیشرفت محسوسی داشته است. با توجه به شیب کوههای شمالی بیگان و وجود چشمه های کوچک در آن اگر حفر چندین چاه عمیق با اسلوب فنی در این منطقه انجام گیرد آبدهی آن زیاد خواهد بود. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه آسفalte، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، حمام، شبکه برق، تلفن، لوله کشی آب آشامیدنی، شورای ده و شرکت تعاونی است.

پالکانلو سفلا (پالین) PALKANLUE-PAEN

این روستا در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از شمال به روستای کوسه و از جنوب به روستای گوگلی و از شرق به کوههای گچ و از غرب به روستای پالکانلو علیا محدود است. پالکانلو دارای ۶۹ خانوار و ۳۶۷ نفر جمعیت دارد و به زبان کردی کرمانجی تکلم می کنند و جزء دهستان جریستان شیروان است. روستا در داخل درّه قرار دارد و نسبتاً پردرخت و سرسبز و دارای چشمه ساری متفاوت است. در قدیم الایام محلّ روستا جنگلی پردرخت از نوع سرو کوهی بود که به علت مهاجرت عده ای از کردان ایل پالکانلو که از درگز به آن جا آمده اند. محلّ فعلی را با اسکان خود به روستا تبدیل کرده اند و به مرور با قطع اشجار از درختان آن بطرز محسوسی کاسته شده است.

پالکانلوای ها به علت یورشهایی که از طرف ازبکان و ترکمنها انجام می گرفت صدمات زیادی دیده اند ولی پایدردی و استقامت آنها باعث بقای این طایفه اصیل گرد گردیده است. مشاغل عمده مردم کشاورزی و دامداری است و محصولات تولیدی آنها: نخود، عدس و دیگر حبوبات، یونجه، زردآلو، گندم و جو (بیشتر دیمی) و سردرختی و فرآورده های

دامی می باشد صنایع دستی آن نیز گلیم بافی و جاجیم بافی است. دره های سرسبز داش دره، دره حصار، دره کالز، دره گیچ و دره خانعلی و همچنین چشمه های آب سرد: قره گل، آقاجان، سید محمد، نارگل، بازرگان، داش دره و تمرخان در کوه در حوزه این روستا قرار دارد امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد، لوله کشی آب، پست، شورای ده و شرکت تعاونی است.

در غرب این روستا و به فاصله دو کیلومتری آن روستای پالکانلو بالا واقع شده است که از شمال به کلاته نظر محمد از جنوب به روستای گوگلی و کوه امام حاضر و از شرق به پالکانلو پایین و از غرب به روستای سولدی محدود می گردد این روستا ۵۰ خانوار و ۲۲۴ نفر جمعیت دارد و به زبان کردی صحبت می کنند. شغل مردم دامداری و کشاورزی است چشمه های معروف آن عبارت است از: کانی سگ چله، کانی سه دار، کانی کاریز، کانی گنیز، پالکانلو بالا جزء دهستان جریستان شیروان است.

روستای پیر شهید PIR-SHAHID

روستای پیر شهید در فاصله ۵ کیلومتری جنوب شرقی شیروان واقع است که از طرف شمال با شیروان و از جنوب با روستای ورگ و رزمغان و از شرق با روستای دوبین و از غرب با روستاهای گرزو و چلو و تنسوان در ارتباط می باشد این روستا به علت نزدیکی با شهر در چند ساله اخیر ترقی محسوسی داشته است. دارای ۱۴۵ خانوار و ۸۸۶ نفر جمعیت است که به زبان کردی و ترکی تکلم می کنند. پیر شهید جزء دهستان گلیان شیروان است. مردم پیر شهید از سه طایفه قره تپه ای، تبکانلویی و شاه ولایتی هستند که به دلیل وجود مقبره پیری عالیمقام که به خاطر دفاع از حق و حقیقت به شهادت رسیده و همان جا مرکزیت یافته است و نام روستا نیز منسوب به همین پیر شهید می باشد.

شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده آن: گندم و جو، چغندر قند و کشمش می باشد. آب زراعی آنها وسیله چشمه «قرخ قیز» و چاه های عمیق و نیمه عمیق تأمین می گردد. پیر شهید آثار قدیمی ندارد. اما کلاته مخروبه تبکانلو قدمت بیشتری را نشان می دهد که به تحقیق و بررسی مفصلی محتاج است. درصد باسوادان

متوسط و از لباسهای محلی کمتر استفاده می‌کنند، امکانات فعلی روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، درمانگاه، خانه بهداشت، مهدکودک، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای پیرودانلو PIR-VADANLUE

این روستا در فاصله ۴۱ کیلومتری شمال شرقی شیروان واقع است که از طرف شمال به نامانلو و از طرف جنوب به پتله گاه و از شرق به قلعه بیک و از غرب به قلعه حسن محدود می‌گردد. پیرودانلو دارای ۴۱ خانوار و ۱۹۵ نفر جمعیت است. که به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند و جزء دهستان سیکانلو شیروان است. مردم پیرودانلو از ایل بیچرانلو محسوب می‌شوند و شغل عمده مردم دامداری و کشاورزی است. در این روستا مقبره امامزاده عباس علیه السلام قرار دارد که طبق شجره نامه موجود در اداره اوقاف از فرزندان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام می‌باشد که مورد اعتقاد و اعتماد مردم است و اخیراً مقبره آن بزرگوار در دست تجدید بنا و بازسازی است. امکانات روستا شامل: راه خاکی، مسجد، دبستان، آسیاب، لوله کشی آب و شورای ده است.

روستای تبریان TABARIAN

این روستا در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب غربی شیروان واقع است که از شمال به قوینانلو و زوارم و از جنوب به سرخ قلعه و از شرق به روستای برزلی و از غرب به کلاته گنداب و کوه تخت میرزا محدود می‌گردد. این روستا دارای ۱۱۷ خانوار و ۵۶۰ نفر جمعیت است و مردمش به زبان کردی صحبت می‌کنند، تبریان جزء دهستان گلیان است. شغل اصلی مردم با توجه به موقعیت مکان و نزدیکی به کوههای تخت میرزا و شاهجهان و مرتعی بودن آنها دامداری است. که گروهی از دامداران ییلاق و قشلاق دارند. محصولات عمده روستا: فرآورده های دامی، گندم و جو و حبوبات است، صنایع دستی آن قالیبافی می‌باشد.

طبق آمار سال ۶۵ در این روستا فقط ۷۳ نفر سواد خواندن و نوشتن را دارند که نسبت به جمعیت روستا کم است. آب آشامیدنی روستا وسیله چشمه زوبالا و پایین تأمین می شود. کوههای گنداب، سرمالی، مودان و دره های: ناله دوزان و ناله تخت و ناله زرشک در حوزه این روستا قرار دارد. در کوههای این روستا گیاهان: آنوخ، زرشک، پونه، ساری گل، درمنه، شقایق و قارچ که خاصیت دارویی و خوراکی دارند می روید. امکانات این روستا شامل: راه خاکی، دبستان، مسجد و لوله کشی آب آشامیدنی و شورای ده است.

روستای تفتازان TAFTAZAN

روستای قدیمی تفتازان در فاصله ۵۴ کیلومتری شمال غربی شیروان واقع است که از شمال به روستای باغ و از جنوب به روستای سولدی و از شرق به آق قلعه و از غرب به روستای زو محدود می گردد. این روستا ۶۶ خانوار و ۳۸۱ نفر جمعیت دارد و مردمش به زبان ترکی تکلم می کنند. تفتازان جزء دهستان قوشخانه شیروان است. این روستا که باقیمانده آبادی بزرگی از توابع ایالت نساء قدیم محسوب می شود و در سابق از وسعت و اهمیت زیادیتری برخوردار بود.^{۲۹} این روستا در بین کوههای بلندی قرار دارد که دور تا دور آن را فرا گرفته است که معروفترین آنها عبارتند از کوه گنج خور، کوه سلسلان، و از وسط روستا رودخانه ای کم آب عبور می کند دره های: آلملی دره، حسن دره، اوچ آلموت، کاته دره، قپسوده، و قرن دره که در روبروی قرن دره (خرنדרه) کوهی بلند قرار دارد که در سابق قلعه ای بر روی آن احداث شده بود که معروف به یامان قلعه بود و دارای برج و بارو نیز بود. چون در حال حاضر نیز آثاری از بناهای قدیمی و یک درخت مرغ (سرو کوهی) و دو قبر قدیمی در آن مشاهده می گردد و با توجه به سفالهایی که در این منطقه وجود دارد و خط سیر آن نیز مشخص است گویا در سابق آب چشمه دره به یامان قلعه برده می شد. البته از این مکانها به عنوان قزلرقلعه نیز استفاده می شد. ملا سعدالدین تفتازانی یکی از علمای بزرگ اسلام اهل همین تفتازان است این دانشمند معروف شیروانی کتابهای بسیاری تألیف کرده

۲۹ - از ابتدای دره که روستای زو در آن جا واقع است تا روستای قپزا را در قدیم تفتازان می گفتند.

است که کتاب مظلوم او در معانی بیان و بدیع که توسط میرعلی اصغر بن آقا میرابوالقاسم بیاری استنساخ گردیده است از معروفیت بیشتری برخوردار است ملا سعدالدین تفتازانی که یکی از خیابانهای بزرگ شهر شیروان به اسم او نامگذاری شده در سال ۷۹۲ قمری وفات یافته است. مسافرتی که در سال ۱۳۵۶/ش به منطقه تفتازان داشتم در کاکلی واقع در ۴ کیلومتری تفتازان در داخل اتاقی معروف به امام سعد،^{۳۰} بر روی سنگ قبری نوشته شده بود: الله. هوالباقی. وفات المرحوم المغفور سعد بن حسام الدین بن المرحوم سعد الدین مسعود تفتازانی شب آدینه دهم ماه محرم در سنه ثلاث و تسع ماء که با توجه به این سنگ نوشته نامبرده نوه ملا سعدالدین تفتازانی می باشد. البته در گورستان بسیار قدیمی این روستای تاریخی سنگ قبور زیادی وجود دارد که قدمت آن را ثابت می کند. شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری است که ۴۸۰۰ رأس گوسفند را به صورت نیمه کوچ نگهداری می کنند و محصولات عمده تفتازان شامل: گندم و جو و حبوبات به دو صورت آبی و دیم و انواع سردرختی است. در قشلاق تفتازان درخت کهنسالی از نوع سرو کوهی وجود دارد که به عزیزآرچه معروف است و سن درخت به ۱۰۰۰ سال می رسد. و مورد اعتقاد اهالی می باشد بطوری که بر شاخه های عزیزآرچه تعداد زیادی نخ (بند) برای گشایش نیازهای مردم بسته شده و عده ای نیز نذورات خود را در زیر درخت عزیزآرچه طی مراسم خاصی انجام می دهند. امکانات فعلی روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، مسجد، دبستان، لوله کشی آب آشامیدنی از چشمه لوجلی و از طریق قرنדרه، خانه بهداشت و شرکت تعاونی و شورای ده است (عکس شماره ۳۶).

روستای تنسوان TANSVAN

روستای تنسوان در فاصله ۷ کیلومتری جنوب شیروان واقع است که از طرف شمال با روستای پیرشهید و از جنوب با روستای رزمقان و ورگ و از شرق با روستای دوین و از غرب با روستای ورگ در ارتباط می باشد. این روستا دارای ۷۱ خانوار و ۳۵۴ نفر جمعیت است و

۳۰ - ملا سعد هم می گفتند.

مردمش به زبان کردی و ترکی تکلم می‌کنند. بنای روستای تنسوان توسط کردن طایفه سويدانلو که از شاه‌ولایت غرب دوین به این محل آمده و در کنار چشمه معروف و پرآب «قرخ‌قز» اسکان یافته‌اند، بنیانگذاری شده است و به مرور زمان عده‌ای نیز از حصاربدکانلو به تنسوان مهاجرت کرده‌اند. صنیع الدوله می‌نویسد: «... پس از ربع فرسخ در طرف یمین راه قریه تنسوانست که پنج شش سنگ آب از چشمه دارد و قلیل آبی هم از رودخانه جلیان به تنسوان آمده بجانب شیروان می‌رود. صد خانوار از ایل سويدانلو در تنسوان اماکن ییلاقی و قشلاقی دارند»^{۳۱}.

ناصرالدین شاه در سفر دوم خود در سال ۱۳۰۰ قمری به شیروان که از طریق زوارم و گلیان به شیروان آمده است می‌نویسد: «... داخل جاده شیروان که شده و قدری رانیدیم دست راست دهی دیده شد که اسمش تناس‌وان است، چشمه آبی دارد که فاضل آبش به شیروان می‌رود و بعضی از ایلات سويدانلو هم در حوالی همین ده چادر زده منزل دارند و همه صاحب اغنام و احشام هستند»^{۳۲}. با توجه به نوشته ناصرالدین شاه و صنیع الدوله روستای تنسوان در گذشته از موقعیت بهتر و جمعیت زیادتری برخوردار بوده است. چشمه معروف قرخ‌قز که طبق نوشته مؤلف مطلع الشمس ۶ سنگ آب داشته است در حال حاضر فقط یک سنگ آب دارد که دارای املاح معدنی و اندکی نیز گرم است و آب آشامیدنی روستا و قسمتی از آب مزروعی و باغهای روستا را تأمین می‌کند. در مورد وجه تسمیه این چشمه مطلعین معتقدند در سابق این چشمه دارای ماهیهایی بوده که در قسمت سر آنها رشته‌هایی طلایی نظیر زلف دختران وجود داشته و تعداد آنها نیز چهل عدد بوده است و به همین دلیل این چشمه به قرخ‌قز یا چهل دختر معروف است. این روستا دارای سه واحد مرغداری و یک گله گوسفند می‌باشد و تقسیم زمین و آب به صورت «من» است. محصولات عمده آن عبارتند از: کشمش، زردآلو، گندم و جو و حبوبات و امکانات روستا شامل: راه شوسه، دبستان، لوله کشی آب، حمام، مسجد و شورای ده است.

۳۱- صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۳.

۳۲- ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، سال ۱۳۰۰ ق.

روستای توپکانلو TOPKANLUE

این روستا در فاصله ۳۶ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به کلاته توپکانلو و از جنوب به روستای ترک و از شرق به روستای چوکانلو و از غرب به علیخان قلعه محدود می‌گردد. این روستا دارای ۱۳۳ خانوار و ۷۳۱ نفر جمعیت است که ۲۳۵ نفر آن باسوادند و به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند و از ایل گُرد توپکانلوی چمشگزک می‌باشند و روستا جزء دهستان تکمران است. توپکانلوهایی یکی از ایلات اصیل کرمانج منطقه شیروان محسوب می‌شوند که در زمان شاه عباس اول به شمال خراسان مهاجرت کرده‌اند بطوری‌که لهجه و لغات و سنت واقعی اکراد را می‌توان در بین این ایل معروف یافت. یکی از ویژگیهای مشخص این ایل خود کفایی تدارکات است که معمولاً وابستگی کمتری ایجاد می‌کند. دامداران توپکانلو در کوههای شمالی شیروان و نواحی اوغازیلاق می‌کنند و زمستانها را در مراوه‌تپه قشلاق دارند. کوههای: کمر اشکر، کمر بُز و چشمه سنگ انداز در حوزه این روستا قرار دارند محصولات عمده روستا شامل: فراورده‌های دامی، گندم و جو و کشمش است. زنان و مردان کرمانج توپکانلو در پوشیدن لباس محلی کردی نیز سنت دیرینه را به نحو کامل حفظ کرده‌اند. مردان معمولاً لباس زمستانی خود را از پارچه پشمی دستباف چوخه ۳۳ که به دست هنرمندان زن گُرد بافته می‌شود، می‌دوزند. زنان نیز با پوشیدن پیراهن بلند حاشیه دار و شیلوار بلند پرچین و تاب که قسمتی از آن با پیراهن پوشیده می‌شود ویل (جلیقه) که زیورآلاتی نیز معمولاً به آن دوخته شده و شال بزرگ به رنگ سفید و یا الوان ریشه دار، حُسن ابتکار و سلیقه خود را به اثبات می‌رسانند. در تیرماه ۵۸ نگارنده در یکی از مراتع منطقه شمال شیروان در کنار چشمه سنگ انداز با چند نفر از دامداران کوچرو صحبتی در مورد علت از بین رفتن مراتع داشتیم که یکی از دامداران توپکان معتقد بود: به دلیل به زیر کشت رفتن بعضی از مراتع سابق و قطع بی رویه اشجار و عدم توجه مسئولین در این چند سال بهترین مراتع ما از بین رفته است و اگر وضع به همین منوال ادامه یابد خطری

بزرگ دامداری منطقه را تهدید می‌کند. البته یکی دیگر از عوامل مهم از بین رفتن مراتع در گذشته عدم استفاده از ماشین چرخ شیر بوده است که سالانه هزاران تن چوب با قطع اشجار برای گرم کردن شیر و تبدیل آن به ماست و تلم زدن و تبدیل آن به کره و روغن به عنوان سوخت از بین می‌رفت که خوشبختانه امروزه کمتر از این روش استفاده می‌شود و استفاده از انواع تفاله چغندر و علفچر قسمتی از کمبود مراتع را تأمین می‌کند. امکانات توپکانلودر حال حاضر شامل: دبستان، راه، مسجد، حمام، سرویس ایاب و ذهاب، مرکز بهداشت، آسیاب، لوله کشی آب آشامیدنی، شرکت تعاونی و شورای ده است. صنایع دستی آن قالیبافی، گلیم بافی، بافت پارچه‌های چوخه و چادر سیاه، جوراب، دستکش، کلاه و شال گردن و پاتابه پشمی و گرگی می‌باشد.

روستای توده TUDEH

این روستا در ۱۸ کیلومتری جنوب غربی شیروان قرار دارد که از شمال با کارخانه قند و رودخانه اترک و از جنوب به روستای عبدالآباد و از شرق به روستای حسین آباد و از غرب به روستای رضا آباد محدود می‌گردد. توده دارای ۲۰۹ خانوار و ۱۰۵۴ نفر جمعیت است و مردمش اکثر به زبان کردی تکلم می‌کنند. در جنوب روستا محلی به نام کهنه قلعه دیده می‌شود که نمی‌تواند قدمت تاریخی داشته باشد و در قسمت شمال شرقی روستا نیز تپه‌ای وجود دارد معروف به آق تپه که در خاکبرداری از این تپه آثار و اشیای قدیمی کشف شده است که احتمالاً محل مخفی کردن اشیای قیمتی در اختلاف و درگیریهای قومی بوده است و اخیراً از طرف حفاظت آثار باستانی، محافظت و از خاکبرداری آق تپه جلوگیری به عمل آمده است. آب کشاورزی روستاییان وسیله رودخانه زوارم که یکی از حوضه‌های آبریز شیروان می‌باشد تأمین می‌شود و آب آشامیدنی و مصرفی روستا نیز از چشمه سنجیک که در حدود ۳ اینچ آب دارد تأمین می‌گردد. مقبره امامزاده عبدالرضا^{۳۴} علیه السلام که در مکان ۳۵

۳۴ - امامزاده عبدالرضا(ع) فرزند امام موسی کاظم علیه السلام است که مورد تأیید اداره اوقاف نیز می‌باشد.

۳۵ - عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۲۴ دقیقه، طول جغرافیایی ۵۷ درجه و ۴۵ دقیقه، ارتفاع از سطح دریا ۱۰۷۰ متر

«دکتر پاپلی یزدی، فرهنگ آبادیها.»

بلندی در مجاور روستا قرار دارد زیارتگاه مردم است و در روزهای تاسوعا و عاشورا مردم برای عزاداری به آن جا می روند و اخیراً نیز بنای مقبره از طرف مردم و اداره اوقاف تجدید بنا گردیده است که دارای گنبد و ضریح می باشد. شغل مردم توده کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده آن: چغندر قند، گندم، جو، کشمش است. این روستا دارای چندین کارگاه قالیبافی می باشد و فرآورده های دامی خودشان را همه روزه در شهر توزیع می کنند. بین روستای توده و عبدالآباد، دره ای سرسبز و پردرخت قرار دارد که آب رودخانه زوارم پس از مشروب کردن مزارع عبدالآباد، از این دره به روستای توده می رسد. در کوه های توده انواع گیاهان خودرو که خاصیت دارویی دارند می روید. و به علت نزدیکی به کارخانه قند در چند ساله اخیر ترقی محسوسی داشته است و ۲۵ خانوار از ایل خاوری نیز که به زبان فارسی صحبت می کنند به این روستا مهاجرت کرده و در آنجا اسکان یافته اند و به امور کشاورزی و دامداری مشغولند. روستای توده در حال حاضر دارای امکانات: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، لوله کشی آب، برق، مسجد، حمام، آسیاب، شرکت تعاونی، خانه بهداشت و شورای ده است.

روستای توکور TUKOR

روستای توکور در فاصله ۳۲ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است که از طرف شمال با روستای سولدی و از جنوب با روستاهای چوکانلو، قولانلو و کوه های زمانگ و از شرق با روستاهای لوجلی و قولانلو و از طرف غرب با سردارآباد و چشمه دوزان ارتباط دارد. توکور دارای ۱۳۷ خانوار و ۷۷۳ نفر جمعیت است که به زبان کردی تکلم می کنند. این روستا مرکز دهستان تکمران است. وجه تسمیه آن: نام محل فعلی روستا، ابتدا به علت موقعیت مکان ته کوه بوده است که به مرور به تا کوه و سپس به تا کور و در نهایت به توکور تبدیل گردیده است. مردم روستا بیشتر دامدار هستند، بطوری که در این روستا ۸ گله گوسفند ۶۰۰ تا ۷۰۰ تایی نگهداری می شود. محصولات مهم توکور: فرآورده های دامی، گندم و جو و صنایع دستی آن قالیبافی است. خداید سردار که در سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ شمسی مدتی منطقه را ناامن و با قوای دولتی می جنگید اهل روستای توکور و از ایل پهلوانلو بود.

تقسیم زمین در توکور به صورت «من» و زمینهای مزروعی آن کلاً دیم می باشد. آب مصرفی روستاییان از چشمه است و چشمه های موجود در روستا عبارت است از: کانی چشمه، کورچشمه، چشمه مرتضی، چشمه بهادر، چشمه گور و چشمه بیوک و در قشلاق نیز یک رشته قنات به نام بیگ وجود دارد. مردم توکور افرادی بسیار زحمتکش و دارای خلق و خوی آرام و متین و مطلع می باشند و سطح باسوادان روستا بالاست. امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی، مسجد، پاسگاه ژاندارمری، لوله کشی آب آشامیدنی، پست، مرکز خدمات درمانی، خانه بهداشت، شرکت تعاونی و شورای ده است.

(بذر) تخم گندم روسی که در منطقه به کل معروف است توسط حاج ابراهیم رضائی از اهالی توکور از طریق مرز شوروی برای اولین بار به منطقه توکور شیروان آورده شده که جریان آن را از زبان آورنده آن می خوانید. در عتفوان جوانی که در روستا کشاورزی می کردم سالی با تهیه مقداری گندم از یکی از روستاهای مرزی و کشت آن، در هنگام درو که معمولاً در آن زمان با داس انجام می گرفت متوجه شدم که مقداری از گندمها فاقد تیغه در سنبله هستند. این موضوع نظرم را جلب کرد و به جمع آوری اختصاصی آنها مبادرت کردم و چون فاقد تیغه بود نام «کل» بر آن نهاده و در سال بعد آنها را جداگانه کشت کردم و با کشت متوالی آن مقدار آن زیاد و بذر دیگری از گندم که تا آن زمان در منطقه کشت نمی شد به دست آمد که امروزه یکی از بهترین و مرغوبترین نوع بذر گندم در تمام منطقه شیروان محسوب می شود. و در برابر سرما مقاومت زیادی دارد.

روستای جنگاه JANGAH

این روستا در فاصله ۶۰ کیلومتری شمال غربی شیروان قرار دارد که از شمال با روستای شناقی سفلا و از جنوب با کوههای دهستان تکمران و از شرق با روستای علیمحمد و از غرب با روستاهای بجنورد در ارتباط است. جنگاه دارای ۴۱ خانوار و ۲۳۱ نفر جمعیت می باشد که به زبانهای کردی کرمانجی و ترکی صحبت می کنند. این روستا جزء دهستان قوشخانه شیروان است.

سابقاً در اطراف این روستا برج و باروهای بسیار مستحکم وجود داشته، چون از زمان مهاجرت طوایف و ایلات گُرد و ترک به منطقه شمال خراسان در زمان صفویه، این آبادی در حد فاصل دو قدرت محلی یعنی حکومت خان مقتدر بجنورد و حکومت حاکم پرقدرت شیروان واقع شده بود و گذشته از آن حد و مرزی بین دلیرمردان ترکمن و افراد شجاع و مبارز قوشخانه محسوب می شد و معمولاً ابتدای درگیریهای سابق قومی و ایلی و نژادی در این محل انجام می شد. و به همین علت به جنگاه معروف گردیده است. از کنار این روستا که شاهد مصائب و قتل و کشتارهای بسیاری بوده است رودخانه کم آب قوشخانه از شرق به غرب در جریان است که در نهایت به حوزه فرمانداری بجنورد وارد می شود.

مردم جنگاه که دشواریهای بسیاری در زمان ایلخانها و خوانین محلی تحمل کرده اند در حال حاضر افرادی بسیار زحمتکش، مهربان و خوش برخورد و صبور و مهماننوازند. لباس محلی زنان روستایی دورافتادی جنگاه شیلوار و پیراهنی است که قسمتی از شیلوار وسیله پیراهن پوشیده می شود و روسری بزرگی را یا شماق می کنند. اقتصاد روستا بر دامداری و کشاورزی متکی است و محصولات عمده آن: گندم، جو، حبوبات و فراورده های دامی و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی و نمدمالی می باشد. کوههای اطراف جنگاه نسبتاً سرسبز و دارای پوشش گیاهی نیمه بیابانی است که محل ییلاق دامداران می باشد و دارای انواع گیاهان خودرو که دارای خاصیت دارویی نیز هستند می باشد. امکانات روستا در حال حاضر: راه خاکی، دبستان و شورای ده است.

چارقالدی CHAR-QALDI

این آبادی که در گذشته سکنه زیادی داشته است در فاصله ۲۳ کیلومتری شمال غرب شیروان قرار دارد که از شمال با خرسکانلو^{۳۶} و از جنوب با کوه چاهک و گرمه دره، و از شرق با گدوکانلو^{۳۷} و از غرب با چشمه آتر (آتره) در ارتباط است. این آبادی جزء دهستان سبیکانلو و در سابق محل صدور ویزا به کشور شوروی بود که امور گمرکی توسط شخصی به

۳۶- پسکوه نام جدید خرسکانلو است که از طرف فرمانداری پیشنهاد و مورد تصویب قرار گرفته است.

۳۷- زیر کوه نام جدید گدوکانلو است که از طرف فرمانداری پیشنهاد و مورد تصویب قرار گرفته است.

نام میرزا علی محمد تذکرة ای انجام می‌گرفت. در آبادی سنگی نیمه معلق به نام سنگ حضرت خضر وجود دارد که در وسط دره قرار گرفته و همچنین چشمه آتر را گرامی داشته و به آنها معتقدند.

چشمه‌های: میرصاد، آتره و دره‌های گرمه، اتره و کوههای قزلان در حوزه این آبادی قرار دارد. محصولات عمده این آبادی: گندم، جو، زردآلو، سیب، گلابی، آلوچه، چغندر قند و سیب زمینی و حبوبات است.

روستای چپانلو CHAPPANLUE

این روستا در فاصله ۴۴ کیلومتری شمال شرق شیروان قرار دارد که از شمال به روستای اوغاز و از جنوب به روستای شکرانلو و از شرق به کوه کیسمار و از غرب به کوه قنبر محدود است که دارای ۶۴ خانوار و ۳۱۶ نفر جمعیت است. مردم چپانلو به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند و از ایل سیفکانلو هستند. این روستا جزء دهستان سیفکانلو شیروان می‌باشد.

وجه تسمیه: نام سابق این روستا بهارلق^{۳۸} بوده که قبل از مهاجرت کردان به شمال خراسان در زمان صفویه روستایی بزرگ و آباد بوده است و معمولاً به عنوان بهارلق یعنی ییلاق و محل استراحت خوانین محلی بود اما پس از استقرار اکراد و بیرون راندن ازبکان در سال ۱۲۴۸ قمری هنگامی که حاکم مقتدر شیروان و منطقه شمال خراسان، رضاقلی خان از دستور دولت مرکزی (قاجاریه) سرپیچی می‌کند و حکومت مستقلی برای خود تشکیل می‌دهد. شهر شیروان (کهنه شهر) توسط عباس میرزا نایب السلطنه محاصره و به توپ بسته می‌شود. در همین اثنا طایفه گُم کیل^{۳۹} از ایل کرمانج سیفکانلو که در روستای بهارلق زندگی می‌کردند با احساس خطر، اطراف بهارلق را حصارکشی کرده و به تعمیر و ترمیم برجها و باروها مبادرت می‌نمایند و چون این کار با سرعت و عجله انجام می‌گیرد. دروازه ورودی بهارلق را در هنگام نصب به عوض این که به داخل روستا گشوده شود اشتباهاً

برعکس نصب می‌کنند که به بیرون قلعه گشوده می‌شود و... دشمن نیز با توجه به موقعیت دروازه بهارلق، در اولین حمله آن را می‌گشاید... از آن زمان به تقریر مطلعین نام بهارلق، به مرور منسوخ و نام چپه یا چپان و یا چپانلو به آن اطلاق می‌گردد، نگارنده در مسافرت‌های مکرر به چپانلو، این آبادی را یکی از محدود قراء منطقه شیروان از نظر طبیعی و اجتماعی می‌دانم. بطوری‌که قبرستان قدیمی و وسعت آن، آسیاب قدیمی کنار سرچشمه، باغ ارمنی‌ها آثار بازار و میدان خرید و فروش دام به نام ایشک بازاری و دیگر آثاری که در گوشه و کنار این روستا دیده می‌شود جملگی دلیلی بر قدمت و سابقه تاریخی چپانلو یا بهارلق می‌باشد. و از نظر اجتماعی از سواد و بهره‌هوشی بالایی برخوردارند. البته تحقیق در مورد آداب و سنن، نژاد و تیره و زبان و آب و هوا و دیگر سوابق تاریخی این روستا به وقت و زمان بیشتری نیازمند است در همین جا به دانشجویان و دانش پژوهان توصیه می‌کنم که: در صورت امکان و با توجه به رشته تحصیلی خود موارد فوق را به عنوان کار تحقیقی یا رساله دانشگاهی مورد توجه قرار دهند. کوه‌های چپانلو عبارت است از: کمر کیسمار، کمر کاریز، کمر آق، کمر قره‌قوش و کمر قمه که با توجه به آب و هوای منطقه بسیار سرسبز و دارای گیاهان طبی و خوراکی: هَلِز، سیب تالک، آنوخ، چریش، پونه، گون، شقایق، زرگ (زرشک)، سامی، درمنه ترکی، ترخ، قسنی، کاج و لاله و مرتعی مناسب برای چرای دام می‌باشد. دره‌های: ناله آوه، ناله آلنگ، ناله قره‌قوش، ناله اُزدک، ناله نوروزیک و چشمه‌های، کانی کاریز، کانی ازوالیان، کانی شور، کانی عبدالعلی و سرچشمه در حوزه این روستا قرار دارد. شغل عمده مردم دامداری است و در زمینه کشاورزی و باغداری نیز فعالیت دارند، محصولات اصلی آن: فراورده‌های دامی، گندم، جو، سیب زمینی، سیب درختی، گردو، زردآلو و گوجه درختی است و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم‌بافی و بافت دستکش، جوراب، کلاه و شال گردن پشمی و کرکی می‌باشد. مردم چپانلو افرادی آگاه به امور سیاسی و اجتماعی می‌باشند و از نظر دارا بودن مشاغل دولتی و اقتصادی سرآمد دیگر اکراد منطقه شیروان هستند. بخش باجگیران که یکی از مراکز مهم دادوستد ایران- شوروی می‌باشد توسط چپانلوئی‌ها بنا گردیده است.

زنان کرد چپانلو اصالت پوشاک سنتی خود را نیز بخوبی حفظ کرده‌اند بطوری‌که لباس زنان کرد شامل پیراهن بلند به نام کاراس که قسمتی از شیلوار (شلیته) پرچین و بلند را می‌پوشاند و «که ون» بزرگ و یل (کت) است. یکی از روستاییان در کنار چشمه‌ای با

نشان دادن اثر پای اسبی بر روی تخته سنگ، معتقد بود که اثر فوق جای پای دُلُذ است! که معمولاً از این گونه اعتقادات در اکثر روستاها وجود دارد و نمی تواند صحیح باشد. امکانات چپانلو در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، لوله کشی آب آشامیدنی، برق، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای چشمه دوزان^{۴۰} CHESHMEH- DUZAN

این روستا در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال غربی شیروان قرار دارد که از شمال با بیره زینل بیگ و روستاهای قوشخانه و از جنوب با روستای سرخ زو و از طرف شرق با روستای توکور و از طرف غرب با روستای سردارآباد در ارتباط می باشد چشمه دوزان دارای ۶۱ خانوار و ۲۲۰ نفر جمعیت است که از این عده ۵۸ نفر سواد خواندن و نوشتن دارند و به زبان کردی صحبت می کنند، این روستا جزء دهستان تکمران شیروان است. مردمش بیشتر دامدارند و در حدود ۹۰۰ رأس گوسفند دارند، محصولات عمده آن: فراورده های دامی، گندم و جو و حبوبات است، امکانات روستا نیز شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده است.

روستای چوکانلو CHOKANLUE

این روستا در فاصله ۴۸ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است و از شمال به روستای توکور و کوه پروژ و از جنوب به روستای خطاب و کوه بران و قلعه زو و از شرق به زمینهای زیارت و از غرب به روستای توپکانلو محدود می گردد و جزء دهستان تکمران شیروان است. این روستا دارای ۱۰۷ خانوار و ۶۰۰ نفر جمعیت است که ۲۰۶ نفر آنها باسوادند و به زبان کردی تکلم می کنند. چوکانلوه از ایل کرمانج زعفرانلو و مردمی بسیار

۴۰ - چشمه گلاب نیز گفته می شود.

زحمتکش و مهماننواز می باشند. از نظر اقتصادی به علت کمبود آب، دارای کشاورزی پویا نیست ولی گندم و جو و خربزه و هندوانه را معمولاً به صورت دیم کشت می کنند قسمتی از زمینهای روستا که دارای خاک قرمز رنگ است، آلیه سوز و قسمتی که خاک سفید رنگ دارد آلیه گور گفته می شود. شغل اصلی مردم چوکانلو دامداری است که در حدود ۲۰۰۰ رأس گوسفند و ۱۵۰ رأس گاو و گوساله را در مراتع اطراف و روستا نگهداری می کنند. دامداری و فرآورده های دامی مهمترین منبع درآمد مردم است. آب آشامیدنی مردم وسیله آب چشمه کوچکی به نام کانی چوکان تأمین می شود و کانی تخته بیره و کانی نوال رشک در حوزه این روستا قرار دارد.

کوههای اطراف چوکانلو و دره های سرسبز آن در فصل بهاری یکی از مناطق دیدنی کوهنوردان است که چشمه های کوچک موقتی و گلهای شقایق آن به انسان طراوت و شادابی می بخشد. یکی دیگر از خصوصیات مردم این روستا داشتن چشمه هایی آبی رنگ و پوستی سفید و لطیف است که تقریباً دربرگیرنده اکثریت مردم مهربان این روستاست. در منطقه چوکانلو انواع گیاهان خودرو طبی و خوراکی مانند: قسنی، آنوخ، هَلِز، زرشک، کنگر، سیب تالک، مندک و شقایق می روید. امکانات چوکانلو در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس نامنظم ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، آسیاب، لوله کشی آب، خانه بهداشت و شورای ده است.

روستای حسین آباد HOSSEIN-ABAD

روستای حسین آباد در فاصله ۱۲ کیلومتری غرب شیروان واقع است که از شمال به جاده اصلی شیروان- بجنورد و زمینهای مزروعی زیارت و از جنوب به روستاهای ورقي، شیرآباد و مشهد طرقي و از شرق به روستای گرزو و از غرب به کارخانه قند و زمینهای بیگان و توده محدود می شود، این روستا دارای ۳۴۴ خانوار و ۱۷۹۵ نفر جمعیت است که به زبان ترکی و کردی تکلم می کنند. روستای حسین آباد که در حاشیه جنوبی رودخانه اترک و مجاور کارخانه قند شیروان و نزدیک جاده کناره قرار گرفته است، پس از احداث پل بزرگی بر روی رودخانه اترک در سال ۱۳۵۶/ش در نزدیکی این روستا که ارتباط روستاهای

دهستان زوارم از این طریق انجام می‌گیرد در چند ساله اخیر از پیشرفت محسوسی در تمام زمینه‌ها برخوردار بوده است. بطوری‌که اکثر زمینهای مزروعی آن زیر کشت مکانیزه کشاورزی چغندر قند و غلات قرار گرفته و بر جمعیت و وسعت روستا افزوده شده است. در کوههای جنوبی حسین آباد و نزدیک روستا آثار قریه‌ای مخروبه معروف به قشلاق وجود دارد که هنوز دیوارهای ضخیم و قبور قدیمی و قنات کم آب آن مشاهده می‌گردد و با توجه به وسعت زمین و گورستان آن می‌توان حدس زد که در قدیم الایام محلّ مسکونی بزرگ و آبادی بوده است. به گفته اهالی از محل قشلاق اشیای عتیقه مسی و مفرغی و بخصوص چینیهای سبزرنگ بسیاری بدست آمده و در ضلع شرقی همین قسمت نیز سنگری بزرگ معروف به سنگر سردار دیده می‌شود. از دیگر آثار قدیمی این روستا مسجد عمارلو است که در شمال غربی حسین آباد به صورت مخروبه است.

آب کشاورزی این روستا از طریق چشمه معروف قره‌قازان و چاههای عمیق تأمین می‌گردد. تنها آموزشگاه شبانه‌روزی راهنمایی تحصیلی شیروان در ساختمان مناسبی در این روستا قرار دارد که بیش از ۱۲۰ دانش‌آموز روستایی را بطور شبانه‌روزی زیر پوشش دارد شغل عمده مردم کشاورزی و دامداری است و محصولات تولیدی آن شامل: چغندر قند، گندم، جو، فراورده‌های دامی بخصوص شیر که قسمتی از شیر مصرفی شهروندان را تأمین می‌کند و گوشت مرغ است و دارای چندین کارگاه قالیبافی می‌باشد. حسین آباد که در ابتدای راه روستاهای بسیاری قرار دارد دارای امکانات: راه آسفالت و شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب با چندین دستگاه مینی بوس، دبستان، مدرسه راهنمایی، لوله کشی آب، برق، مسجد، حمام، خانه بهداشت، تلفن، پست، مؤسسه‌های مرغداری و دامداری و کشاورزی مکانیزه می‌باشند یکی از گردشگاههای سابق مردم شیروان چشمه و استخر قره‌قازان و کوههای اوچ قارداش حسین آباد بود که امروزه موقعیت خودش را از دست داده است. چشمه قره‌قازان که در دامنه سه کوه هم ارتفاع و نسبتاً بلند قرار دارد در حدود ۱۰ اینچ آب دارد که پس از جمع شدن در استخر بزرگ و پیر از ماهی قره‌قازان که در سابق محلّ شنا نیز بوده است به طرف زمینهای مزروعی حسین آباد جاری می‌شود علاوه بر چشمه اصلی در قسمت جنوبی و متصل به استخر نیز سابقاً چشمه‌های متعددی وجود داشت که بسیار پر آب بودند ولی در چند ساله اخیر به علت افت و ته نشین شدن آبهای سطحی از میزان آبدهی آن کم شده است. در قلّه یکی از کوههای معروف اوچ قارداش مقبره‌ای با سنگ و بدون سقف

احداث شده است که طبق اظهار اهالی مقبره معصومزاده می باشد که مورد احترام و اعتقاد مردم است و عده ای برای بخت گشایی، و شفای سرفه و درخواست اولاد طی مراسم خاصی به آن جا صعود می کنند و باصطلاح به معصومزاده متوسل می شوند.

روستای حصار دوین HESSAR-DEVIN

این روستا در فاصله ۲۴ کیلومتری جنوب شرق شیروان واقع است که از شمال به دوین و از جنوب به روستای سرچشمه و از شرق به کلاته حسین آباد و از غرب به زمینهای مزروعی ورگ محدود می شود. این روستا دارای ۱۳۴ خانوار و ۵۸۲ نفر جمعیت است که ۳۲۶ نفر از آنها سواد خواندن و نوشتن و بالا تر دارند. حصاری ها به زبان کردی صحبت می کنند و جزء دهستان حومه شیروان است. از نظر اقتصادی در سه قسمت زراعت، باغداری و دامداری فعالیت دارند و در چند ساله اخیر جمعیت روستا رشد سریعی داشته است محصولات عمده حصار دوین: گندم، جو، کشمش و فراورده های دامی می باشد و صنایع دستی آن نیز قالیبافی و گلیم بافی است. چشمه آب این روستا یکی از سالم ترین و گواراترین آبهای منطقه شیروان محسوب می شود و نام روستا هم منسوب به همین چشمه پرآب و جوشان است. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب، دبستان، مدرسه راهنمایی، حمام، مسجد، مرکز بهداشت، برق، پست، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای حلواچشمه HALVA-CHESHMEH

روستای حلواچشمه در فاصله ۵۸ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است که از شمال به روستای شناقی علیا و رباط و از جنوب به بیره قوشخانه و از شرق به قلعهک سفلا و از غرب به روستای بُرزلان علیا محدود می گردد. این روستا ۸۷ خانوار و ۴۵۲ نفر جمعیت دارد و جزء دهستان قوشخانه شیروان است و مردمش به زبان ترکی تکلم می کنند روستای حلواچشمه از

قرای قدیمی منطقه قوشخانه است که قدمت آن به قبل از زمان صفویه می‌رسد. در مورد وجه تسمیه آن دو نظریه وجود دارد یکی این که چون آب یکی از چشمه‌های ده دارای آب گوارا و بدون املاح بوده است و معمولاً در محل به این گونه آبها اصطلاحاً آب شیرین می‌گویند در نتیجه شیرینی آب را به حلوا تشبیه کرده و نام روستا را منسوب به این چشمه می‌دانند دوم این که چون در زمان سابق در مراسم عروسی بجای شیرینی بیشتر از حلوا استفاده می‌کردند گویا شتری در یکی از مراسم با بار حلوا به داخل چشمه می‌افتد و به حلواچشمه معروف می‌گردد.

مردم حلواچشمه از ایل رشوانلو و قراچورلو و تارخچی ساوجبلاغ می‌باشند که از طریق غرب و عشق‌آباد به حلواچشمه مهاجرت کرده‌اند. این روستا در سابق خان‌نشین و دارای چهار برج بوده و اطراف روستا حصار داشته است که آثار آن هنوز هم دیده می‌شود. جنگهای خونین حکام محلی حلواچشمه با قوای نادرشاه، ازبکان و ترکمنها و رشادتهای آنها بطور مشروح در کتاب عالم‌آرای نادری ذکر شده است از اعقاب خوانین و حکام محلی سابق فقط حاج روشن خان کریمزاده در قید حیات می‌باشند. حسن خان پدر روشن خان در زمان فتحعلیشاه قاجار در جنگ با سپاه شاهزاده محمدرضا دلاوریهای بسیار نموده بود. حسن خان دارای نیزه دوشاخ بود که معمولاً به افرادی خاص و خوانین با نفوذ اعطا می‌شد. برجهای حلواچشمه به اسامی: شرف‌خان، جعفرخان، نقدو خان و صفدرخان معروف است که عده‌ای معتقدند نقدو خان پس از خرابی زیدر قدیم به آن جا مهاجرت و (زیدر فعلی) را احداث کرده و در آن جا اسکان یافته است. حلواچشمه دارای چشمه سارهای: آق‌مزار، سرچشمه، و قزه‌چشمه می‌باشد و کوههای: اولاشلی، باداملی، کرکولی و دره‌های: آی‌اولدران، هرده، دده‌خانلی در حوزه این روستا قرار دارد. مقبره‌ای نیز به نام سیدخواجه^{۴۱} در روستا مورد اعتقاد مردم است. سرو کوهی بزرگ شرق روستا هم با بستن پارچه و نخ بر شاخ و برگش مورد توجه می‌باشد. در مجاورت روستا، تپه‌ای قرار دارد معروف به قلعه‌چق که سابقاً مسکونی و محل اختفای اشیای قیمتی بوده چون در حفاریهایی که انجام گرفته اشیاء و ظروف قدیمی بسیاری به دست آمده است. حلواچشمه یکرشته قنات نیز دارد. شغل

۴۱ - در مورد مقبره سیدخواجه حلواچشمه می‌بایستی تحقیق بیشتری انجام گیرد. چون احتمالاً مقبره مذکور می‌تواند

قبر خواجه نورالدین محمد نسوی زیدری نیز باشد. خواجه نورالدین محمد زیدری ادیب و رئیس دیوان رسائل سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه بود.

اصلی مردم دامداری و کشاورزی است دامداران به صورت کوچرو به این کار مبادرت می‌کنند و قشلاق آنها مراوه تپه ترکمن صحرا می‌باشد. محصولات عمده روستا شامل: فراورده‌های دامی، گندم، جو، نخود و سیب و گلابی و زردآلو و سپیدار و بید است تعداد دام این روستا به بیش از ۳۵۰۰ رأس گوسفند و ۳۰۰ رأس گاو و گوساله است امکانات روستا در حال حاضر عبارت است از: راه شوسه، دبستان، پاسگاه ژاندارمری، حمام، مسجد، لوله کشی آب آشامیدنی، خانه بهداشت، سرویس ایاب و ذهاب، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده.

روستای خانحصار^{۴۲} KHANHESSAR

روستای خانحصار در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال شرق شیروان قرار دارد که از شمال به مزرعه مرغزار و از جنوب به زمینهای موقوفه آستان قدس رضوی و از شرق با زمینهای مزروعی قوچان و از غرب با روستای سکه ارتباط پیدا می‌کند. این روستا دارای ۶۱ خانوار و ۳۴۱ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کردی تکلم می‌کنند. و جزء دهستان حومه شیروان است. از وسط خانحصار رودخانه ای کم آب می‌گذرد.

وجه تسمیه: در سابق اگر دور تا دور آبادی بزرگی دیوار کشیده می‌شد به حصار خان یا حصار بزرگ معروف می‌شد که روستای فعلی نیز به این طریق نامگذاری شده است که به مرور زمان حصار خان به خانحصار تبدیل گردیده است. در مجاور خانحصار تپه ای وجود دارد به نام تپه شاه که در خاکبرداریهای محلی و حفاریهایی که انجام شده ظروف سفالین بسیاری به دست آمده است که روزگاری آنجا محل سکونت و یا محل اختفای اشیا در حملات دشمن بوده است. ظروف مکشوفه شباهت زیادی به ظروف دوره سلجوقیان دارد در قسمت جنوبی روستا معصومزاده ای وجود دارد معروف به «بابا خوشگلدی» و با این که شجره نامه ندارد اما مورد احترام و اعتقاد مردم است. در روستای خانحصار دو رشته قنات وجود دارد که یکرشته آن دارای سه اینچ آب و در داخل روستا جریان دارد و دیگر قنات

۴۲ - نام جدید روستا «یاسرآباد = yasser-Abad» است.

بابا خوشگلدی می باشد که آب مزروعی روستاییان را تأمین می نماید. اهالی روستا کشاورز و دامدار هستند و محصولات عمده آن شامل: گندم، جو، کشمش، زردآلو و گردو است. و دارای دو دستگاه کوچک قالیبافی می باشد. امکانات خانحصاریا یاسرآباد جدید در حال حاضر عبارت است از: راه، سرویس ایاب و ذهاب وسیله مینی بوس، دبستان، حمام، مسجد، شرکت تعاونی و شورای ده، در مسافرتی که به اتفاق دو نفر از مهندسین به این روستا داشتیم کارشناسان در بازدید از قنات آبادی، اعتقاد داشتند با توجه به شیب کوهها و حفر صحیح قنات، در صورتی که قنات لایروبی و دال گذاری (طاق گذاری) شود آبدهی بیش از ۸ اینچ آب را دارد.

روستای خانلق KHANLOGH

روستای خانلق در فاصله ۳ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از طرف شمال و غرب با زمینهای روستای زیارت و از طرف شرق با رودخانه قلجق (چایلق) و روستای سه یک آب و از طرف جنوب با شهر شیروان ارتباط دارد و اولین روستای شهرستان شیروان است که به علت قرار گرفتن کارخانه اسفالت در مجاور این روستا دارای راه آسفالت شده و در چند سال آینده با توسعه خانه سازی و رشد جمعیت به سیدآباد (زیباشهر) یکی از محلات شهری، شیروان متصل خواهد شد خانلق ۴۵۰ خانوار و ۲۳۷۸ نفر جمعیت دارد که مردم بومی آن جا به زبان ترکی تکلم می کنند ولی مهاجران بعدی مانند خاورها به زبان فارسی و عده ای هم کردی صحبت می کنند.

وجه تسمیه: احداث و بنای روستای فعلی در زمان نادرشاه بوده است. زیرا هنگامی که نادرشاه افشار در رقابت با شاه طهماسب صفوی بر سر ازدواج با دختر زیباروی سام بیک حاکم شیروان، پس از درگیریها و قتل و کشتارهای فراوان گوی سبقت را می برد، ضمن خواستگاری عده ای از ایلچیان و خوانین خود را به شیران که محل زندگی دختر سام بیک بود می فرستد تا عروس را طی مراسمی به مشهد ببرند. ایلچیان طی مراسم عروسیهای زمان سابق مدت چند روزی در محل فعلی روستا که در حفاصل باغ رضوان محل ییلاقی حاکم شیروان و شهر قرار دارد به جشن و پایکوبی می پردازند که از طرف محمد حسین خان

شجاع الدوله برادر عروس به عده ای از بزرگان ایلات و طوایف شیروان، حکم و لقب «خان» می دهد و این محلّ به خانلق معروف می گردد که به زبان ترکی (خان + لق) یعنی مکانی که عده ای به عنوان خان برگزیده شده اند و به مرور به روستا تبدیل شده است. و در حال حاضر یکی از بزرگترین روستاهای شیروان می باشد.

در داخل روستا آثار متبرکه و قدیمی وجود ندارد اما در حذفاصل روستا و شهر در محلی که کارخانه اسفالت شهرداری و منبع بزرگ آب آشامیدنی شهر قرار دارد. تپه ای خاکی معروف به تپه استاد قربان موجود است که آثار و ابنیه قدیمی مشاهده می شود که در گذشته مسکونی بوده است و در حفاریهایی که بر روی تپه مذکور انجام شده است اشیای قدیمی نیز به دست آمده است و در حین خاکبرداری به منظور احداث منبع آب هم قبور قدیمی بسیاری در عمق ۲ تا ۳ متری مشاهده می شد که این قبور شبیه به قبور زرتشتی بود و بطور حتم در ادوار گذشته محلّ فعلی منبع آب بزرگ شیروان مسکونی و جزء شهر بوده است.

روستای خانلق در شرایط فعلی با تعریض خیابان اصلی و احداث فلکه ای کوچک از تمام امکانات شهری برخوردار است که از آن جمله می توان به: راه آسفالت، ۲ باب دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی، لوله کشی آب آشامیدنی، برق، مسجد، حمام، پست، تلفن، سرویس منظم ایاب و ذهاب با چهار دستگاه اتوبوس و مینی بوس، خانه بهداشت، چندین باب مغازه، مرکز شرکت تعاونی و شورای ده اشاره کرد. در سالهای اخیر به علت امکانات رفاهی و نزدیکی به شهر عده ای از طوایف گُرد، بلوچ و خاوری به خانلق مهاجرت کرده اند و بیشتر در غرب روستا که امکان گسترش بیشتری دارد به خانه سازی مبادرت نموده و سکنا گزیده اند. در روستای خانلق تعداد ۷ مؤسسه مرغداری بزرگ احداث گردیده که از این لحاظ مقام اول را دارد و قسمت اعظم گوشت مصرفی شهروندان از این طریق تأمین می شود. محصولات عمده روستا: کشمش، گندم و جو و دارای یکدستگاه کارگاه قالببافی می باشد و در حدود ۸۰۰ رأس گوسفند نیز در روستا نگهداری می شود. قنات میرک آباد خانلق یکی از قناتهای قدیمی در مالکیت کشاورزان این روستا می باشد که $\frac{1}{3}$ آن موقوفه است یعنی در هر ۱۲ شبانه روز ۴ شبانه روز آن مربوط به اوقاف شیروان است. در قسمت جنوبی روستا و حاشیه رودخانه چایلق که دارای یکی از معادن بزرگ شن و ماسه می باشد دو کارگاه بزرگ شن شویی با تمام امکانات نصب گردیده که شن و ماسه کارخانه های اسفالت وزارت راه و شهرداری و مصرف شهر را بخوبی تأمین می نماید. اخیراً

نیز شهرداری شیروان اطراف منبع آب شهر را به فضای سبز تبدیل کرده است.

روستای خرسکانلو «پسکوه» KHERSSKANLUE

این روستا در فاصله ۲۴ کیلومتری شمال شرق شیروان واقع است که از طرف شمال به کوههای پتله گاه و از جنوب به روستاهای گدوگانلو (زیرکوه) و چارقالدی و زمینهای روستای قدیمی ذاکرانلو و از شرق به دامنه کوه کولک و از غرب به کوههای منتهی به برج ذوالفقار محدود می‌گردد. این روستا که جدیداً به پسکوه نامگذاری شده دارای ۳۸ خانوار و ۱۷۷ نفر جمعیت است که به زبان کردی کرمانجی صحبت می‌کنند و جزء دهستان سبیکانلو شیروان است. خرسکانلوها، از ایل سیفکانلو هستند و اقتصاد روستا متکی بر دامداری و کشاورزی است. دامداری این روستا به طریقه نیمه کوچ انجام می‌شود. بیلاق آنها کوههای اطراف روستا و قشلاقشان در پسکوه ترکمن صحراست. محصولات عمده آن: فراورده‌های دامی گندم و جو و امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه خاکی، دبستان و مسجد می‌باشد.

روستای خلّاجلو KHALLAJLUE

این روستا در فاصله ۴۲ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به روستای نامانلو و از جنوب به کوه پتله گاه و از شرق به روستای شرکانلو و از غرب به روستای دوآب محدود می‌گردد. خلّاجلو دارای ۶۸ خانوار و ۳۱۴ نفر جمعیت است که به زبان کردی کرمانجی صحبت می‌کنند، این روستا جزء دهستان سبیکانلو شیروان است. طایفه خلّاجان از ایل کرمانج بیچرانلو هستند که از طریق کشور سوریه به غرب ایران و سپس به شمال خراسان مهاجرت کرده‌اند. کوههای مرز قلعه و قشلاق و درّه‌های: ناله عمارلو، ناله ملاحسین، ناله جان تیمور، ناله قرق و ناله آرچه پیغمبر در حوزه این روستا قرار دارد. آب مصرفی روستاییان بوسیله رودخانه و چشمه‌های: کانی بل بل لوک، کانی حصار، کانی یاخان و کانی باباخان تأمین می‌گردد. در قسمت شرق خلّاجلو قلعه‌ای مخروبه قرار دارد که

در یکی از زلزله‌ها ویران شده و به کهنه قلعه معروف است که قدمت زیادی ندارد. روستا دارای زیارتگاهی نیز است که مورد اعتقاد مردم می‌باشد. اقتصاد روستا متکی بر دامداری و کشاورزی است و محصولات عمده آن: فراورده‌های دامی، گندم، جو، نخود و سیب زمینی است و صنایع دستی آن قالیبافی و خرسک است. امکانات خلاجلو در حال حاضر شامل: راه شوسه سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد و شورای ده است.

روستای خیرآباد KHEIR-ABAD

این روستا در فاصله ۶۸ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از شمال به مرز مشترک ایران و شوروی و کوه معروف هشتاد گاو و از جنوب به کوه کنج خور و از شرق به کلاته زمان و از غرب به روستای زیدرو و نوار مرزی محدود می‌گردد. خیرآباد دارای ۱۰۲ خانوار و ۴۹۸ نفر جمعیت است که به زبان ترکی تکلم می‌کنند. خیرآباد از قرای بسیار مرتفع و قدیمی شیروان است در سابق به عنوان گمرک بین ایران و شوروی امور محوله را انجام می‌داد و دارای برج و بارو و حصار مستحکم بود که در حال حاضر آثاری از این بناها دیده می‌شود کوههای اطراف روستا پوشیده از مراتع مناسب و درختان سرو کوهی به صورت تنک است که از میزان درختان آن به نحو محسوسی کاسته شده است. مردم خیرآباد اصولاً دامدار هستند چون در این روستا بیش از ۱۰۰۰۰ رأس گوسفند به صورت کوچرو و نیمه کوچ نگهداری می‌شود. ییلاق دامداران کوههای اطراف خیرآباد بخصوص کنج خور است و قشلاق آنها در اطراف پالوزانه و کوههای ته لو در ترکمن صحرا می‌باشد.

مردم آگاه، مهربان و زحمتکش خیرآباد در طول تاریخ حماسه‌های فراوانی آفریده‌اند که مهمترین آنها دفاع شیرزنان خیرآبادی در حمله ترکمنها در زمان ناصرالدین شاه بوده است. هنگامی که در غیاب مردان خیرآباد، زنان با حمله ترکمنها مواجه می‌شوند، بلافاصله با بستن دروازه‌های قدیمی روستا از بالای برجها و حصار اطراف قلعه با ریختن آب جوش به سر و روی دشمن و به دست گرفتن شمشیر و تفنگ به دفاع می‌پردازند. یکی از معمرین روستا می‌گفت پدرم که در این واقعه نوجوانی ۱۰-۱۲ ساله بود تعریف می‌کرد. حتی در این حمله نابرابر ۵ نفر از ترکمنها که توانسته بودند از حصار قلعه بالا بیایند قبل از هرگونه اقدامی

کشته می شوند. بطوری که سر کشته شدگان به داخل قلعه و بدن بدون سر به خارج قلعه پرت می گردد. در این واقعه با این که نقش اصلی را زنان خیرآبادی بازی می کردند ۱۲ نفر مرد نیز به آنها کمک می رساندند. این جنگ و گریز دو روز ادامه می یابد تا از طرف حاکم شیروان به حاجی خان بیک یکی از خوانین پرقدرت قوشخانه خبر می رسد که خیرآباد در محاصره دشمن قرار گرفته است که حاجی خان بیک با قشونی ورزیده به خیرآباد عزیمت می کند که در این درگیری اکثر ترکمنها مقتول و اسیر می شوند.

محصولات عمده خیرآباد: فرآورده های دامی و گندم و جو و عدس و نخود است که معمولاً به صورت دیم کشت می شود. این روستا دارای ۳ چشمه به اسامی: چشمه گنج خور، سرچشمه و چشمه داخل روستاست. چشمه گنج خور که در کوه قرار دارد و آب فوق العاده سردی نیز دارد. به روستا لوله کشی شده است که بیشتر تأمین کننده آب مصرفی دامهاست.

امکانات خیرآباد در حال حاضر شامل: راه خاکی، دبستان، حمام، مسجد، لوله کشی آب آشامیدنی، پاسگاه ژاندارمری، خانه بهداشت، شرکت تعاونی و شورای ده است. خیرآباد جزء دهستان قوشخانه است.

روستای دده خان DADAH-KHAN

دده خان در فاصله ۵۴ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است که از شمال به کوه گنج خور و از جنوب به روستای امیرخان و از شرق به روستای باغ و از غرب به روستای قلعهک محدود است. این روستا دارای ۴۱ خانوار و ۲۸۲ نفر جمعیت است که به زبان کردی و ترکی صحبت می کنند. دده خان جزء دهستان قوشخانه شیروان است. کوهها و دره های اطراف روستا سرسبز و مرتعی مناسب برای دام است. در نزدیکی روستا مقبره ای معروف به معصوم زاده قاسم (ع) وجود دارد که زیارتگاه مردم است. اقتصاد روستا بیشتر بر دامداری متکی است، بطوری که در این آبادی ۶ گله گوسفند وجود دارد که ییلاقشان مراتع کوههای گنج خور و قشلاق آنها مراوه تپه ترکمن صحراست. چشمه های: ایده، قلعه، سرچشمه و دره های: نظر محمد، گنک دره، ایده بزرگ و کوچک و آق آرچه لی که دارای چشمه نیز

هست در حوزه دده خان قرار دارد.

زنان روستا بیشتر از لباس محلی استفاده می‌کنند و محصولات عمده آن: فرآورده‌های دامی، گندم و جو، حبوبات، آلو، زردآلو، گردو و سردرختی است و صنایع دستی آن قالیبافی، دستکش، کلاه، جوراب و شال گردن پشمی و کرکی می‌باشد. امکانات روستا در حال حاضر شامل: دبستان، مسجد، راه، سرویس ایاب و ذهاب، لوله کشی آب و شورای ده است. اخیراً نام روستا به حجت آباد تغییر یافته است و عمده‌ای از روستاییان نیز نام قاسم آباد را مناسب می‌دانند که هنوز هیچ کدام از اسامی جدید جا نیفتاده است و بیشتر به دده خان مشهور است.

روستای دواب DOAB

روستای دواب در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به رودخانه جریستان و کوه قره‌غاز و روستای رشوانلو و از جنوب به ترخان و دامنه کوه پتله‌گاه و از شرق به روستای خلجلو و درختان اُرس و از غرب به آسیای حیدرعلی و روستای قوردانلو محدود می‌گردد. این روستا دارای ۶۱ خانوار و ۲۹۲ نفر جمعیت است که به زبان گُردی کرمانجی تکلم می‌کنند. و از ایل بیچرانلو هستند و روستا جزء دهستان سیبکانلو شیروان است. روستای مذکور چون در حدفاصل دو رودخانه جریستان و ترخان قرار گرفته به دواب معروف است و با توجه به موقعیت مکان روستایی پرآب و سرسبز و پردرخت می‌باشد و در سابق دارای چندین آسیاب آبی بود که قسمت اعظم گندم منطقه را به آرد تبدیل می‌کرد.

بین روستای دواب و خلجلو آثار کورهای شدادی مشاهده می‌شود که نشان دهنده قدمت این دو روستاست روستاییان دواب بیشتر دامدار و کشاورزند و محصولات عمده آن: فرآورده‌های دامی، زردآلو، آلوچه، سیب، سیب زمینی، سپیدار، چنار و گندم و جو می‌باشد. دامداری به صورت سنتی انجام می‌گیرد و معمولاً ییلاق و قشلاق و کوچ‌رو نیستند. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه خاکی، سرویس رفت و برگشت، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده است.

روستای دولو DOLO

این روستا در فاصله ۴۶ کیلومتری شمال شرق شیروان قرار دارد که از شمال به قره داغ و از جنوب به پتله گاه و از شرق به روستای نقدو و از غرب به روستای ولو محدود است. دولو دارای ۳۴ خانوار و ۱۶۸ نفر جمعیت است که به زبان کردی تکلم می‌کنند و از ایل بیجرانلو می‌باشند. روستا جزء دهستان سبکانلو است و توسط شخصی به نام دولت، آباد و به روستا تبدیل گردیده و از کنارش رودخانه‌ای می‌گذرد. در نزدیکی دولو تعدادی درخت سرو کوهی وجود دارد که به درختان عزیز معروفند و اهالی قطع آنها را جایز نمی‌دانند و مورد احترام و اعتقاد نیز هست. این روستا دارای دو دره به اسامی: ناله خنزیر و قوره دره است. اقتصاد روستا بر کشاورزی و دامداری متکی می‌باشد و محصولات عمده آن: فراورده‌های دامی، گندم، جو و سیب‌زمینی و حبوبات و امکانات روستا شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد و شورای ده است.

روستای دوین DEVIN

دوین در فاصله ۱۸ کیلومتری جنوب شرقی شیروان واقع است که از طرف شمال به جاده آسفاته شیروان- مشهد و رودخانه اترک و از جنوب به روستای سرچشمه و از شرق به روستای فیض آباد و برزل آباد و از غرب به روستای ورگ محدود می‌گردد. روستای دوین که سابقاً مرکز دهستان بود، دارای ۴۸۲ خانوار و ۲۵۲۶ نفر جمعیت است. دوین در حال حاضر جزء دهستان حومه شیروان محسوب می‌شود و یکی از قرای قدیمی و معتبر و تاریخی می‌باشد. تپه گبرخانه شیروان با شماره ثبت تاریخی ۶۹۸ در سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران مربوط به زمان اشکانیان و ساسانیان در یک کیلومتری شمال غربی دهکده دوین شیروان واقع است.^{۴۳} که محل زندگی زرتشتیان در ادوار گذشته بوده که بارها توسط

۴۳ - نصرت الله، مشکوتی. بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران.

مردم و محققان مورد حفاری قرار گرفته و آثار عتیقه‌ای مانند ظروف سفالی و سکه‌های مسی نیز کشف شده است و همچنین دوین تپه با شماره ثبت تاریخی ۶۹۷ در سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران واقع در ۱۵ کیلومتری شهر شیروان و داخل دهکده دوین از تپه‌های دست‌ریز مربوط به هزاره اول قبل از میلاد^{۴۴} است.

صنیع الدوله می‌نویسد: قلعه دوین صدوپنجاه خانوار سکنه دارد. آبش از چشمه و تپه مصنوعی در این دهکده است قریب باستداره واقعه و قدری کوچکتر از تل مصنوعی شیروان و بالای تل دوین مثل تل شیروان مسطح است و دور آن مسطحه چند سال قبل دیواری کشیده‌اند.^{۴۵}

مقدسی نویسنده معروف معتقد است، دوینی‌های جنوب شرقی شیروان خراسان باید از ایل بزرگ شادلو باشند تا زعفرانلو. بتلیسی در شرفنامه می‌نویسد: جد ملوک (پادشاهان و سلاطین) مصر شادی بن مروان، را دوینی ذکر می‌کند که مردم دوین شیروان بر اثر جنگهای متعدد به شیروان آمده و به پاس و یادبود رادمردیها و پایداریها، دوین فعلی را بنا کرده‌اند. و یا... دیوین یا دوین از قلاع معتبر کردهای شادیلو در جنوب قفقاز بود، بعدها بر اثر حملات پی در پی عثمانیها ویران شد و سپس به قریه «کرنی چغرسعد» اشتها ریافت.^{۴۶}

اما دوینی‌ها با توجه به قدمت روستا و مدارک خطی به زبان ترکی مربوط به قبل از صفویه از بومیان اصیل منطقه شیروان بوده‌اند و از قدیم الایام به زبان ترکی تکلم می‌کرده‌اند و لهجه آذری آن کاملاً مشخص است. دوین در سابق از آبادیهای گنج‌آباد، حصار دوین، سرچشمه و محمدآباد و خود دوین تشکیل می‌شد که امروزه هریک به عنوان روستایی مستقل شده‌اند. در زمان قاجاریه دوین مرکز نایب‌الحکومه شیروان بود، بطوری‌که طبق حکم ایلخانی، آقاشعبان مرد سیاستمدار و آگاه مدت سه سال حکومت دوین و محالات اطراف را به عهده داشت که محل حکمرانی او ارک دوین ذکر شده است. شغل عمده مردم دوین کشاورزی و دامداری است و آب مزروعی روستا وسیله یکرشته چشمه پرآب و دو قنات دایر به اسامی قنات سیدعلی و قنات حسین‌خان که رمضان‌بیک هم گفته می‌شود و چندین حلقه چاه عمیق تأمین می‌گردد. روستای بزرگ دوین یکی از مراکز تولیدی گندم و جو و

۴۴ - همانجا

۴۵ - صنیع الدوله، مطلع الشمس

۴۶ - بتلیسی، شرفنامه، ص ۳۸.

چغندر قند منطقه شیروان است و شیر مصرفی عده‌ای از شهروندان را نیز تأمین می‌کنند. صنایع دستی این روستا پوستین دوزی است که از شهرت و مرغوبیت ویژه‌ای در سطح خراسان برخوردار می‌باشد و دارای چندین کارگاه قالیبافی نیز هست. درصد باسوادان دوین بخصوص در تحصیلات عالی بالاست و اصولاً مردمی آگاه و روشنفکر می‌باشند. امکانات دوین در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب، ۲ باب دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی، درمانگاه، مرکز خدمات درمانی، مهد کودک، لوله کشی آب، برق، ۲ باب مسجد، بانک ملت، حمام، خانه بهداشت، پست، تلفن، آسیاب، شرکت تعاونی روستایی و شورای ده است. دوین دارای معادن آهک و گچ نیز هست و شبیه خوانی (تعزیه خوانی) در روز عاشورای سرور شهیدان با رونق بسیار و ابعاد وسیعی انجام می‌گیرد، بطوری‌که از شهر و قرای اطراف، حتی دوینی‌های شهرهای تهران و مشهد در روز عاشورا خود را به این روستا می‌رسانند تا با شرکت در سوگواری سرور آزادگان شاهد برگزاری تعزیه خوانی سنتی دوینی‌ها باشند.^{۴۷}

روستای رباط ROBAT

روستای رباط در فاصله ۷۲ کیلومتری شمال غربی شیروان واقع است که از شمال به مرز ایران- شوروی و از جنوب به روستای حلواچشمه و از شرق به روستای زیدرو و از غرب به روستای حسن آباد بجنورد محدود می‌گردد. این روستای بزرگ دارای ۲۳۷ خانوار و ۱۳۵۴ نفر جمعیت است که مردمش به زبان ترکی تکلم می‌کنند. رباط از آبادیهای قدیمی شیروان و جزء دهستان قوشخانه است که قدمت آن به زمان صفویه می‌رسد و وجه تسمیه آن به دلیل بنای رباط شاه عباسی بوده که معمولاً در زمان صفویه در اطراف قصبات پرجمعیت و یا قریه‌هایی که از نظر سوق الجیشی دارای اهمیت بوده، احداث می‌شده است. اما در حال حاضر به علت وسعت روستا هیچ گونه اثری از این رباط‌ها دیده نمی‌شود. روستای رباط از

۴۷ - مطالعه و بررسی وقایع روستای دوین خود احتیاج به کتاب جداگانه‌ای دارد که این بر عهده دانش پژوهان دوینی است. فرضاً یاقوت حموی در صفحه ۱۱۲ معجم البلدان می‌نویسد: دوین ایضا من قری استوا من اعمال نیسابور- مؤلف.

محدود روستاهایی است که اصول شهرسازی آن رعایت شده است. در سابق راه پررفت و آمد «آق‌یول^{۴۸}» و «آت‌یول^{۴۹}» که راههای ارتباطی قوشخانه با گرماب و فیروزه بود از این روستا عبور می‌کرد که طبق قرارداد آخال در سال ۱۲۹۹ هجری قمری و خیانت‌های میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک و امیرنظام و ارفع‌الدوله در تعیین مرز خراسان ایران و ناحیه آخال، روستای گرماب به تصرف روسیه درآمد که عده‌ای از مردم گرماب پس از واگذاری زمینهای آبا و اجدادی به روستای رباط مهاجرت کردند. در قسمت شمالی رباط در کنار مرز بقعه‌ای به نام سیدناصر قرار دارد که مورد احترام و اعتقاد مردم است. رباط دارای یک خیابان ۳۰ متری می‌باشد که در حاشیه آن مغازه‌هایی وجود دارد و برق کشی نیز شده است. محصولات عمده رباط: گندم، جو، نخود و عدس است و دامداری نیز با توجه به مرتعی بودن منطقه یکی دیگر از مشاغل اصلی اهالی است صنایع دستی آن نیز قالیبافی می‌باشد. امکانات روستا در حال حاضر شامل: دبستان، مدرسه راهنمایی، گروهان ژاندارمری، لوله کشی آب، درمانگاه و خدمات درمانی، مسجد، آسیاب، خانه بهداشت، تلفن، برق، دفترپست، راه شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب، شرکت تعاونی مصرف و شورای ده است. مردم رباط افرادی آگاه به مسائل اجتماعی و مهماننوازند.

روستای رزمقان RAZMAGHAN

روستای رزمقان در ۱۲ کیلومتری جنوب شیروان واقع است که از شمال به روستای تنسوان و از جنوب به روستای ملابآقرو گلیان و از شرق به روستای ورگ و از غرب به روستای مشهد طرقي محدود می‌گردد. این روستا ۱۸۸ خانوار و ۹۶۰ نفر جمعیت دارد و مردمش به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان گلیان است. رزمقان یکی از قرای قدیمی شیروان می‌باشد که سابقاً اطراف روستا دارای برج و بارو بوده که آثار دیوارهای ضخیم آن هنوز هم دیده می‌شود. ۱۲ سهم و نیم از بیست سهم مزرعه رزمقان موقوفه آستان قدس رضوی است.

۴۸ - راه سفید

۴۹ - راه اسب

ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به شیروان در ۲۸ رمضان سال ۱۳۰۰ قمری هنگامی که به نزدیکیهای این روستا می‌رسد. می‌نویسد «... رسیدیم به رزمغان که وقف بر حضرت رضا علیه السلام است. ایلات سویدانلوی زعفرانلو در این ده و صحرای محوطه آن منزل و سیاه‌چادر دارند که زمستان و تابستان را توی چادر می‌نشیند. فصل ییلاق را در همین صحرا بسر می‌برند، در ده هیچ منزل نمی‌کنند، خانوار و سکنه این ده کم بود تقریباً بقدر سی خانوار رعیت داشت^{۵۰}».

مؤلف مطلع الشمس می‌نویسد: «اما رزمقان که بدان اشاره نمودیم بعقیده اهالی در اصل رزم مکان^{۵۱} بوده یعنی جای رزم و در هر حال این قریه بیست خانوار سکنه دارد و خط راه از اینجا بطرف شمال منحرف می‌گردد^{۵۲}».

آب کشاورزی مردم از طریق رودخانه گلیان و آب آشامیدنی آنها از چشمه گلابی تأمین می‌شود. اقتصاد روستا متکی بر کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده آن عبارتند از: فراورده‌های دامی گندم و جو و کشمش و چغندر قند و صنایع دستی روستا و قالیبافی می‌باشد. قطعه زمین مزروعی وسیعی در نزدیکی روستا واقع است، معروف به «بیجه‌خونی» که در این محل یکی از یاران وفادار امامزاده سلطان محمد رضا (ع) به نام علمدار به شهادت رسیده است و اهالی معتقدند بیجه‌خونی در هنگام بیجه‌بخش به هر کشاورز رزمقانی اصابت کند می‌بایستی گوسفندی را قربانی نماید و بعداً اقدام به کشت کند. امکانات روستا در حال حاضر شامل: دبستان، مسجد، لوله کشی آب، حمام، خانه بهداشت، پست، تلفن، شرکت تعاونی و شورای ده است. طبق گفته مطلعین اطراف رزمقان در سابق از پوشش گیاهی خوبی برخوردار بود که به علت چرای بیش از حد دام امروزه به صورت پوشش نیمه بیابانی درآمده است.

۵۰- ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان.

۵۱- به تقریر اهالی چون محل فعلی روستا در مسیر سه‌آبادی بزرگ یعنی گلیان مرکز حکومت پایین ولایت و مشهد طوقی که یکی از قراء قدیمی منطقه است و شهر قدیم شیروان قرار گرفته بود. معمولاً محل زد و خورد و قتل و کشتار قوای محلی و قومی حکام و خوانین محلی بود و در این محل رزمی خونین بین قوای سلطان محمود خوارزمی و قوای محلی منطقه شیروان نیز به وقوع پیوسته است که با وساطت نظام الدین محمد سردار نامی سلطان محمود فیصله یافته و از آن زمان این محل به رزمگاه معروف می‌شود که به مرور به رزمقاه و بالاخره رزمقان تبدیل می‌گردد.

۵۲- صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۳.

روستای رشوانلو RASHVANLUE

این روستا در فاصله ۴۴ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از شمال به دره جریستان و از جنوب به کوههای روستای دوآب و از شرق به کوههای قره‌غاز و از غرب به کوه گچ محدود می‌شود. این روستا دارای ۵۳ خانوار و ۲۵۲ نفر جمعیت است که به زبان گُردی کرمانجی تکلم می‌کنند و از ایل رشوانلو هستند. روستای رشوانلو جزء دهستان سیبکانلو شیروان است. ایل رشوانلو در دوره ایلخانی و ملوک الطوایفی یکی از ایلات مبارزو جنگجوی منطقه شمال خراسان بود بطوری‌که در روضه‌الصفاء از دلیرمردان رشوانلو در مقابله با قوای نادرشاه مطالب مفصلی نگاشته شده است. امروزه عده زیادی از مردم که از ایل رشوانلو هستند و در مناطق دیگری اسکان یافته‌اند تحت تأثیر محیط به زبان ترکی صحبت می‌کنند از کنار روستای رشوانلو رودخانه‌ای می‌گذرد که در مجاور روستای دوآب با اضافه شدن رودخانه بیچرانلو به طرف منطقه شیخ امیرانلو جاری می‌شود. در روستا آثار قدیمی مشاهده نمی‌شود. اقتصاد این روستا بر دامداری و کشاورزی متکی است و محصولات عمده آن: گردو، زردآلو، گندم و جو و فراورده‌های دامی است و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی می‌باشد. امکانات روستا شامل: راه خاکی، دبستان و مسجد و شورای ده است.

روستای رضاآباد غربی REZA-ABAD- QARBI

این روستا در فاصله ۲۱ کیلومتری شرق شیروان واقع است و از طرف شمال با زمینهای هرده و از طرف جنوب با روستای فیض‌آباد و از شرق با روستای برگرو و از غرب با برزل‌آباد ارتباط دارد. رضاآباد غربی دارای ۱۰۲ خانوار و ۴۸۳ نفر جمعیت است که به زبانهای محلی ترکی، کردی و فارسی صحبت می‌کنند. این روستا جزء دهستان حومه شیروان است. املاک این روستا کلاً جزء موقوفات آستان قدس رضوی می‌باشد و وجه تسمیه آن نیز منسوب از نام مبارک ثامن الائمه حضرت رضا علیه السلام است. شغل اصلی عمده مردم

کشاورزی و دامداری است و دارای دو گله گوسفند و آبیاری مزارع وسیله آب چند حلقه چاه عمیق تأمین می‌گردد. البته قبلاً این آبادی دارای یکرشته قنات پرآب بود که فعلاً مخروبه است. محصولات عمده آن: گندم و جو و امکانات روستا شامل، راه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، لوله کشی آب و شورای ده است و به علت قرار گرفتن در نزدیکی جاده شیروان- مشهد در چند ساله اخیر جمعیت آن افزایش یافته است.

روستای زو ZOW

این روستا در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به روستای امیرخان و از جنوب به روستای سولدی و از شرق به روستای تفتازان و از غرب به روستای ینگلی قلعه محدود می‌گردد که دارای ۴۲ خانوار و ۲۵۳ نفر جمعیت است و به زبان ترکی تکلم می‌کنند و جزء دهستان قوشخانه شیروان است. این روستا در ابتدای دره‌ای قرار دارد که رودخانه‌ای از وسط آن می‌گذرد و نسبتاً سرسبز و پر درخت است. در اطراف روستای زو آثار و ابنیه قدیمی بسیاری دیده می‌شود که قدمت این روستا را می‌رساند که از آن جمله می‌توان آثار برجها و باروها و دیوارهای قطور مخروبه را در ارتفاعات ذکر کرد. روستای زو سابقاً از موقعیت و وسعت بیشتری برخوردار بوده است. کوههای اطراف روستا بخصوص کوه سلسلان و آلمه‌سار که شهرت بیشتر دارند زنده کننده خاطرات تلخ و شیرین و درگیریهای محلی و پیروزی و شکست مردم این روستا می‌باشد. دره‌های شارشاری، کرکولی، جلی، گندلی و دره برگی سی در حوزه این روستا قرار دارد. کوهها و دره‌های روستای زو که سابقاً جنگل بوده از این حالت خارج شده و به مرتع تبدیل گردیده است و از پوشش گیاهی مناسبی برخوردار است البته درختان سرو کوهی نیز به صورت تنک مشاهده می‌گردد. اقتصاد روستا بر دامداری و کشاورزی متکی است و دامداران از روش نیمه کوچ استفاده می‌کنند و عده‌ای بسیار کم با دامهایشان به قشلاق ترکمن صحرا می‌روند. محصولات عمده آن: گندم، جو، حبوبات و مقداری سردرختی است و صنایع دستی آن قالیبافی، گلیم‌بافی، کلاه، جوراب، دستکش و شال گردن پشمی و کرکی می‌باشد. امکانات روستا در حال حاضر شامل نراه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده است.

روستای زوارم ZOERAM

این روستا در فاصله ۲۸ کیلومتری جنوب غربی شیروان واقع است که از طرف شمال به روستاهای شیرآباد، ورقی و از طرف جنوب به روستاهای مشهد طرقي و قوینالو و از شرق به روستای بزآباد و از غرب به روستاهای قزل حصار و باداملق محدود می‌گردد. زوارم ۳۹۴ خانوار و ۱۹۸۴ نفر جمعیت دارد که مردمش به زبان ترکی تکلم می‌کنند. این روستا مرکز دهستان زوارم است. زوارم که معنی آن دره بهشت است و سابقاً «دوالدیرم»^{۵۳} نام داشت یکی از قرای قدیمی و تاریخی منطقه شیروان می‌باشد. زوارم یکی از حوضه‌های آبریز منطقه شیروان است که رودخانه پراب زوارم از آنجا سرچشمه می‌گیرد شاید برای خوانندگان جالب باشد که در این روستا بیش از ۸۰ چشمه بزرگ وجود دارد. زوارم در بین دره‌ای ژرف و طویل و سرسبز و پر درخت و با مناظر دیدنی فراوان یکی از مناطق بکرو بیلاقی در سطح شمال خراسان است.

صنیع الدوله می‌نویسد: «... اما زوارم که به معنی دره ارم است دهکده ایست معتبر که از غربیه و بومی چهارصد خانوار سکنه دارد. بومی‌ها ترک قمری و از قارشی قزی مرو آمده‌اند و اصلاً ترکمن می‌باشند، دو باب مسجد یک حمام و دو کاروانسرای قافله‌انداز در این آبادی است. در میان آن تپه ایست مصنوعی که در قدیم بالای آن قلعه بود و آثار آن الآن موجود است. آب اینجا از چشمه سار است و... ارتفاع زوارم مثل تهران است و هوای آن در کمال خوبی است از زوارم که عزیمت شیروان نمائید خط راه از مغرب به مشرق و فیما بین دو کوه است که اغلب از هزار ذرع الی دوهزار ذرع فاصله بین جبلین می‌باشد»^{۵۴}.

زیباییهای زوارم در سال ۱۳۰۰ قمری ناصرالدین شاه قاجار را نیز مجذوب خود کرده است بطوریکه در سفرنامه اش می‌نویسد «زوارم دهیست بسیار معتبر دارای سیصد خانوار رعیت و باغات بسیار دارد. رودخانه‌ای از دره زوارم جاریست که تمام زراعت و محصول این ده از این آب سیراب می‌شود... برای تماشای ده زوارم شجاع الدوله و ابراهیم خان نایب

۵۳- بایست بگشیم.

۵۴- صنیع الدوله، مطلع الشمس، سال ۱۳۰۰ قمری.

جلو افتاده بودند. نیم فرسنگی که رانیدیم به اول بوستان و باغات زوارم افتادیم. باغات و بوستانهای زیاد دارد، بقدر چهار پنج سنگ آب از ده جاری است، باغاتش انواع اشجار دارد بخصوص درخت های گردو که خیلی بزرگ و قویست اما باغاتش مثل جنگل است. همه جا از سایه درخت می رفتیم تا رسیدیم به آبادی و عمارت. ده آبادی معتبری دارد. شجاع الدوله در دست چپ باغی^{۵۵} را نشان داد که چشمه دارد. پیاده شده داخل باغ شدیم باغ پردرختی بود حوض آب صافی داشت که چشمه از میان همان می جوشید ماهی سیاه زیادی داشت. آفتاب گردان زدند نهار خوردیم. بعد از نهار برخاسته پیاده قدری راه رفته از آب دره که میان ده بود گذشتیم. آن طرف خانه مرتضی بیک پسر مین باشی بود که طایفه ترک هستند. خود مرتضی بیک نایب زوارم است و مین باشی پدرش حاکم شیروان است. خانه باروچی بود و مثل همان باغی که نهار خوردیم چشمه آب ماهی داری وسط حیاطش داشت. قدری ایستاده تماشا کرده بعد سوار شده رانیدیم بطرف بالای ده از آبادی خارج شده هرچه رفتیم آب و باغات و درختان باصفا و سبزه زارهای خوب بود، کم کم این دره تنگ می شود و در طرفین کوههای سخت سنگی ارتفاع هم میرسانند... خیلی تماشا داشت آخر باغات در دهنه تنگه توی سبزه زاری که بعضی اشجار هم داشت فرمودیم آفتاب گردان زدند. مرتضی بیک قلعه بیکی عرض می کرد از این دره به قدر نیم فرسنگی که بالا میرود آبشاریست^{۵۶} و اشجار هم دارد. از همین تنگه که بالا می رود به تخت میرزا میرسد و از آنجا به روئین ده اسفراین راه است اینجاها میوه جات خوب از قبیل شاه توت و انگور و سیب قرمز بسیار ممتاز و فندق و غیره دارد. میرزا محمدخان پیشخدمت تا آبشاری که مرتضی بیک عرض می کرد رفته و برگشته بود. عرض می کرد راهش بد است. خلاصه این ده خیلی ده معتبریست. عصر مراجعت کرده همه جا از سر کوه رفتیم بمنزل^{۵۷}».

از آثار تاریخی این روستا می توان به تپه دست ریزارک و قزلرقلعه اشاره کرد و همچنین محلات معروف روستا که عبارتند از: حصار محله، آشاقه محله، قوشلی محله،

۵۵ - به عقیده نگارنده می بایستی باغ مذکور همان باغ معروف مرحوم شاهپورخان نگهبان باشد. اما ورثه مرحوم مجیدخان حمیدی با تحقیقاتی که در این مورد انجام داده اند معتقدند، منظور ناصرالدین شاه باغ چهار حوض حمیدی هاست.

۵۶ - منظور شاه چشمه معروف اوج دوشی یا آبشار راه میم لی کمی بالاتر از یخدان می باشد.

۵۷ - ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، سال ۱۳۰۰، ص ۱۰۷-۱۰۹.

پایین ده، آخودخانه که در حال حاضر مسکونی هستند. زوارم در زمان سابق خان نشین و مرکز حکمرانی بود که از حکام و خوانین معروف آن می توان به اسامی: آلهیارخان مین باشی که درجه سرتیپی داشت و فرمانده هزار نفر قشون بود و شاهرخ که این دو حاکم شیروان نیز بودند و مرتضی بیک و بالاخره شاهپورخان نگهبان که منزل ییلاقی او در حاشیه شرقی رودخانه زوارم هنوز هم پابرجاست. باغ و منزل مسکونی شاهپورخان که بسیار دیدنی است. دارای چشمه و حوضی سنگی در وسط باغ می باشد که در حدود ۸ اینچ آب از داخل حوض می جوشد و ماهی زیادی دارد. و در قسمت شمالی باغ چشمه دیگری وجود دارد که سابقاً از داخل آشپزخانه خان عبور می کرد این چشمه نیز در حدود ۶ اینچ آب دارد. در حال حاضر آشپزخانه خان مخروبه است اما ساختمان قدیمی و حوض بزرگ سنگی و چشمه ها همچنان پابرجا و جوشان می باشد. قسمت غربی باغ خیابان کشی و در حاشیه آن انواع درختان گل کاشته شده و باغ پر از اشجار بخصوص درختان گردو، سپیدار، گیلان و آلبالو است و قسمت شرقی باغ نیز دارای درختان گردو و میوه است. و قراولخانه نیز بر بالای در بزرگ ورودی قرار دارد.

اقتصاد این روستا به ترتیب به باغداری، کشاورزی و دامداری متکی است. محصولات عمده آن: گیلان، خیار، گردو، کشمش، زردآلو، گندم، جو، بادام و چوب سپیدار می باشد. اما در تولید گیلان و خیار و تهیه خیارشور و گردو در حال حاضر زوارم به یکی از مراکز عمده این محصولات در سطح شمال خراسان تبدیل شده است. صنایع دستی آن قالیبافی می باشد که بیش از ۱۲ کارگاه قالیبافی دارد نوع قالیهای تولیدی زوارم از مرغوبیت خاصی برخوردار است.

درة زوارم که در حدود ۲۵ کیلومتر امتداد می یابد از النگ زارها، چشمه سارها، کوههای سربلک کشیده و دره های پرآب به وجود آمده است که علاوه بر مرتعی بودن آنها انواع و اقسام گیاهان طبی و خوراکی خود را به وفور می توان در منطقه ییلاقی جمع آوری کرد که مهمترین آنها عبارتند از: قسنی (کاسنی) گون، کمای، زیره، پونه، درمنه ترکی، پوپک، ساری گل، شقایق، کاکوتی، سیب کوهی، زردآلو کوهی، ترخ، گزنه، و چریش. با توجه به تنوع گیاهان طبی عرق چهل گیاه تهیه شده در این روستا از معروفیت ویژه ای برخوردار است. معروفترین مناطق دیدنی درة زوارم نیز عبارت است از:

۱- اوچ دوشی: شامل سه چشمه در کنار یکدیگر می باشد که از دامنه کوه خارج و

به طرف درّه سرازیر می شود. آب چشمه ها از اوایل بهار تا اواخر تابستان زیاد ولی تا فصل بارندگی زمستان اندکی از میزان آبدهی آن کاسته می شود.

۲- یخدان و آبشار: این مناظر طبیعی در حد فاصل دو درّه شخری و میم لی قرار دارد و از زیر کوه معروف یخدان که در گذشته به عنوان سنگر نیز مورد استفاده قرار می گرفت چشمه ای به نام یخدان می جوشد که طبق آزمایش حاصله از آن یکی از بهترین آبهای آشامیدنی ایران محسوب می شود.^{۵۸} روبروی همین چشمه در دامنه کوه چشمه کوچک دیگری به نام دامچی وجود دارد.

۳- شخری: مکان ییلاقی مردم زوارم است که دارای انواع اشجار و باغهای بزرگ گردو می باشد. راه ۱۵ کیلومتری شخری با داشتن گذرگاههای صعب العبور- چون تماماً از داخل درّه های پرآب و سبز و خرم می گذرد- بسیار باصفا و دیدنی است. شخری دارای چندین چشمه پرآب است که در سابق محل ییلاقی خوانین بود و آثار برج و باروها و خانه های مخروبه بسیاری در آن جا مشاهده می گردد. در تابستانها عده ای از مردم شیروان و دیگر شهرهای خراسان برای کوهپیمایی و استفاده از آب و هوای این ییلاق چند روزی را در آن جا استراحت می کنند.

۴- میم لی: یکی دیگر از درّه های پرآب و سرسبز زوارم است که دارای باغها، چشمه های متعدد و النگ زارهای فراوان می باشد که اگر این درّه را ادامه دهید به زلزله خانه و چقرالنگ و بالاخره تخت میرزا در کوههای شاهجهان می رسد.

۵- چقرالنگ: دارای دو چشمه معروف قاینارچشمه و قرمزچشمه و منطقه ای خوش آب و هوا و مرتعی می باشد. از دیگر مناظر طبیعی زوارم می توان به باداملر، آمریان، قوره دره، داش آتر، عزیزچنار، گوی سویت، غار عقیل، باغ خان، باغ چهارحوض، قوتورچشمه دارای آب معدنی اشاره داشت.

در روستای زوارم زیارتگاهی به نام امامزاده وجود دارد که دارای گنبد و بارگاه و صندوق (ضریح) است که مورد احترام و اعتقاد مردم می باشد و معمولاً شبهای جمعه به زیارت می روند و در آن جا شمع و چراغ روشن می کنند. در کنار این زیارتگاه، حسینیه زوارم که بانی آن مرحوم حاجی آخوند (حاج غلامرضا سلیمی) می باشد قرار دارد که دارای

۲۴ جفت در کنده کاری شده از چوب گردو است و مقبره بانی حسینه که روبه ویرانی است در مجاور حسینه قرار گرفته است. زوارم با توجه به سوابق تاریخی و قدمت آن از شخصیت‌های علمی و هنری نیز برخوردار بوده است که از آن جمله می‌توان به نام «المجنون» شاعر و محمد باقر خوشنویس خطاط دوره قاجاریه اشاره نمود.

زوارمی‌ها افرادی مقاوم و بسیار فعالند، بطوری‌که بدون استفاده از امکانات مکانیکی و ماشینی و فقط با نیروی اراده و زحمت بسیار اکثر دامنه کوه‌ها را با خرد کردن و جمع‌آوری سنگ‌های درشت، مسطح و تبدیل به زمینهای کشاورزی و بخصوص کشت خیار، گیلاس و گردو کرده‌اند. با این که سطح سواد در این روستا نسبتاً بالاست، مع ذلک مردم به سنتهای قدیمی معتقدند و زنان بیشتر از لباس محلی استفاده می‌کنند و یا مراسم سنتی سیزده بدر را با شکوه بیشتری برگزار می‌نمایند و در اولین روز عید نوروز، ابتدا به دیدار افرادی که عزیزی از خانواده خودشان را از دست داده‌اند می‌روند. و اکثر در مراسم مختومی نیز شرکت می‌کنند. برگزاری کشتی باچوخه نیز در روز سیزده از دیگر سنتهای مرسوم در زوارم است که از پهلوانان سابق این روستا می‌توان از مرحوم پهلوان هادی جان نام برد که به روایت اهالی از پهلوانان نیرومند منطقه شیروان محسوب می‌شد. روستای زوارم در حال حاضر دارای امکانات: راه شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب با ۴ دستگاه مینی بوس، ۲ باب دبستان، مدرسه راهنمایی، لوله کشی آب، برق، مرکز خدمات درمانی، خانه بهداشت، بانک تجارت، تلفن، دفتر پست، درمانگاه، مرکز شرکت تعاونی روستایی، غسالخانه، حمام، نانوايي و بیش از ۲۶ باب مغازه، مسجد، حسینه و شورای ده است.

روستای زورتانلو ZORTANLUE

زورتانلو در فاصله ۳۴ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به کوه کولک و از جنوب به کوه قنبر و از شرق به روستای تازه‌اوغاز و از غرب به روستای بی‌بهره محدود می‌گردد. و جزء دهستان سیبکانلو شیروان است. این روستا دارای ۸۱ خانوار و ۳۹۱ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کُردی صحبت می‌کنند و خود نیز از ایل سیفکانلو می‌باشند زورتانلو در کنار رودخانه اوغاز قرار دارد و سابقاً محل روستا جنگل و از نوع سرو

کوهی بوده است، بطوری که آثار جنگل در محل به وضوح مشاهده می شود و در حال حاضر نیز زورتانلو سرسبز و پر درخت است. در مورد وجه تسمیه روستا معمرین محلی معتقدند چون این ایل از افرادی پر قدرت و زورمند تشکیل می شد و در برخورد های قومی کمتر مورد هجوم قرار می گرفت به این صفت معروف بود و نام روستا نیز منسوب به ایل زورتانلو است. در قسمت شمال و جنوب زورتانلو دو دره به اسامی ناله چاقه و ناله سالخان وجود دارد که بسیار سرسبز و دارای انواع گیاهان طبّی و خوراکی است. چشمه های کانی قلپ، کانی سلخان، کانی ناله، کانی شیگودلو، کانی راه، کانی قچک و گرو. و همچنین دره های کورتان، زای پلنگ، تیکان دره و قلل مرزقل و شیگودلو و قلپ در حوزه این روستا قرار دارد. مشاغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری و محصولات عمده آن: گندم، جو، گردو، زردآلو و فراورده های دامی و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی است. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده است.

روستای زیارت ZIARAT

این روستا مرکز دهستان بزرگ زیارت است که در فاصله ۹ کیلومتری شمال غربی شیروان قرار دارد و از شمال به روستای محمد علیخان و زمینهای تکمران و از جنوب به جاده آسفalte شیروان- بجنورد و از شرق به روستای خانلق و شیروان و از غرب به روستای منصوران محدود می گردد. جمعیت این روستا ۷۵۳ خانوار و ۳۹۲۰ نفر است که به زبان ترکی محلی تکلم می کنند. روستای زیارت از ۹ حصان: پولادخان، حاجی برات، میرسعادتقلی، حصارکال، حصاریکه قوش، حصار کربلائی محمد رحیم، کهنه قلعه، شجاع خان و طالب خان تشکیل گردیده است. این روستا به علت واقع شدن مرقده مطهر امامزاده حمزه بن موسی الرضا علیه السلام در این مکان که زیارتگاه مردم می باشد، به زیارت موسوم شده است.

مؤلف ناسخ التواریخ می نویسد: ... جعفرقلیخان حاکم بجنورد و حسن خان سالار که در مقابل شاه قاجار قد علم کرده و علناً به مبارزه پرداخته بودند. وقتی که مشاهده کردند سام خان

حاکم مقتدر شیروان و ایلخان بزرگ با قشون دولتی حسام السلطنه همکاری می نماید همین موضوع را مستمسک قراردادده. جعفرقلیخان برادر خودش حیدرقلیخان را برای این که زهر چشمی به سام خان حاکم شیروان نشان دهد با عده زیادی از سواران جنگی ترکمن و شادلو روانه حمله به شیروان می کند، اما چون در شیروان با مقاومت مواجه می شوند به روستای بزرگ زیارت حمله می برند. در این جنگ خونین مردم قریه زیارت شیروان با عده ای بسیار اندک تا آخرین رمق بمبارزه می پردازند و حتی زنان نیز قهرمانانه وارد این نبرد نابرابر می شوند با این که قوای حیدرقلیخان از نفرات بیشتر و امکانات جنگی کاملتر برخوردار بود مدت دو روز این جنگ و گریز با شدت ادامه داشته و از طرفین درگیر عده ای کشته می شوند که آخر الامر با تخریب برجها و حصار اطراف قلعه زیارت. که هنوز هم آثار آن دیده می شود حدود دویست نفر از مبارزین این روستا را اسیر می کنند که بلافاصله با اقدامات حاکم شیروان اسرا آزاد و با دخالت حسام السلطنه جعفرقلیخان و حیدرقلیخان به دارالخلافه تهران میروند و این عصیان خاتمه می پذیرد^{۵۹}.

صنیع الدوله می نویسد: «قلعه زیارت، قلعه ایست معمور مشتمل بر چند حصار یعنی قلعه کوچک که هریک پنجاه شصت خانوار سکنه دارد. امامزاده ای در زیارت مدفون است مشهور به حمزه بن موسی الرضا علیه السلام که بقعه ای چوبی دارد با دو سه طاق آجری، زیارت هزار و پانصد الی دو هزار باغ دارد و مسافت آن تا شهر نیم فرسخ و مابین شمال و مغرب واقع است^{۶۰}».

ناصرالدین شاه در سفر دوم خودش به شیروان می نویسد: ...امروز در بالادست شیروان از سمت مغرب به فاصله نیم فرسنگ سواد دهی با باغات زیادی پیدا بود و اسم آن ده را گفتند زیارت است. چون امامزاده در آنجا مدفون است و بقعه دارد که زیارتگاه است. باغ و اشجار بسیاری دارد که سواد آن دو مقابل سواد حضرت عبدالعظیم علیه السلام بنظر آمد باید جای بسیار خوبی باشد^{۶۱}». روستای زیارت دومین قریه شهرستان شیروان بود که دارای جاده آسفalte گردیده و به علت نزدیکی به شهر یکی از محدود روستاهای مهاجرپذیر شیروان

۵۹- ناسخ التواریخ. جلد سوم. تاریخ قاجار، چاپ سنگی، وقایع سال ۱۲۶۴ قمری، ص ۵۳۰.

۶۰- صنیع الدوله، مطلع الشمس، سال ۱۳۰۰ قمری

۶۱- ناصرالدین شاه، سفرنامه خراسان، لازم به توضیح است که ناصرالدین شاه این مطالب را در عین تماشا با دوربین از روی کوه چخماق شیروان نوشته است.

محسوب می شود. آب مزروعی این روستا از طریق رودخانه قلچق و چندین حلقه چاه عمیق که اخیراً حفر شده تأمین می گردد. نوع و جنس خاک زمینهای مزروعی زیارت طبق نظریه کارشناسان برای کشاورزی و احداث باغهای بسیار مستعد است ولی کمبود آب یکی از مشکلات عمده کشاورزان و باغداران زیارت می باشد. مشاغل اصلی مردم به ترتیب کشاورزی، باغداری و دامداری است محصولات عمده این روستا شامل: چغندر قند، گندم، جو، کشمش، حبوبات، خربزه و هندوانه می باشد و دارای چندین کارگاه قالببافی است که صنایع دستی آن تولید قالیهای مرغوب می باشد که به دست هنرمندان زیارتی بافته می شود. اخیراً خیابانی وسیع و طویل از مجاور صحن امامزاده در امتداد شمالی- جنوبی تا انتهای روستا احداث گردیده که بر زیبایی آن افزوده شده است.

در مورد قدمت مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) نصرت الله مشکوتی می نویسد: «بقعه امامزاده حمزه رضا علیه السلام که در یک کیلومتری شمال جاده اصلی و شش کیلومتری شیروان واقع شده است. از بناهای مربوط بدوران غزنوی اواسط قرن پنجم هجری قمری بشمار می رود. این بنا که از آجر ساخته شده بسیار مستحکم بوده و نمای آن شامل طاقنماهای بزرگ آجری است»^{۶۲}. از دیگر آثار تاریخی موجود در این روستا مقبره تیموری می باشد که در ضلع شمال شرقی بقعه امامزاده واقع است و از نظر قدمت و نوع گنبد و وجوه بنا و گچبری از اهمیت خاصی برخوردار است که قبر عیدخواجه یکی از سرداران معروف امیر تیمور گورکانی که در جنگ اسفراین کشته شده درون آن قرار دارد و طبق وقفنامه امامزاده قبر خادم امامزاده نیز در داخل این بنای تاریخی قرار گرفته است که در حال حاضر آثاری از آنها مشاهده نمی شود. بهشت حمزه رضا و مزار شهدای اسلام هم در داخل صحن امامزاده قرار دارد که شبهای جمعه صدها نفر از مردم شهر و قرا برای زیارت مرقد مطهر حمزه رضا (ع) و تجدید میثاق با شهیدان و عزیزان بخاک خفته به این روستا می آیند. امکانات این روستا در حال حاضر شامل: جاده آسفالت، سرویس منظم ایاب و ذهاب، ۳ باب دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی، مهد کودک، کودکان، لوله کشی آب، برق، مسجد و حسینیه، دوباب حمام، خانه بهداشت، درمانگاه، تلفن، پست، باشگاه ورزشی، غسالخانه مجهز، مرکز شرکت تعاونی، پایگاه بسیج و شورای ده است.

مراسم برگزاری روز عید سعید فطر عکس شماره ۳۹ و مسابقه کشتی باچوخه از قدیم الایام یکی از سنتهای مردم شیروان در جوار مرقد مطهر امامزاده حمزه رضا (ع) می باشد که همه ساله با شکوه فراوان و جمعیت ده هزار نفری انجام می گیرد. بطوری که چند روز قبل از عید فطر مردم آماده می شوند تا با اعلام شرعی عید فطر از اقصاد نقاط شهر و روستاها هرچه زودتر خودشان را به کنار مرقد مطهر امامزاده برسانند تا پس از برگزاری نماز عید سعید فطر و شرکت در دیگر برنامه های دیدنی این روز از نزدیک شاهد پیکار پهلوانان کشتی باچوخه دیار خود با دیگر پهلوانان شهرستانهای شمال خراسان باشند. نام زیارت که یکی از قراء پهلوان خیز شیروان است برای هر علاقه مندی به کشتی باچوخه کاملاً آشناست. زیرا برگزاری مراسم عید فطر و کشتی باچوخه دارای تاریخ مدون ۲۰۰ ساله است. ۶۳ در این جا لازم است به اسامی کشتی گیرانی که چه در گذشته و چه در حال حاضر از این روستا برخاسته و در سطح کشور و خراسان مطرح بوده اند اشاره ای بشود:

- ۱ - بابا پهلوان زیارتی از کشتی گیران دوره قاجاریه که مقام پهلوانی را تا پایان زندگی بدون باخت به حریفی در اختیار داشت.
- ۲ - پهلوان عباسقلی آذری.
- ۳ - پهلوان قربان جواهری.
- ۴ - پهلوان سید عظیم میر.
- ۵ - پهلوان محمد تقی فیاض.

روستای زیدر ZIDAR

روستای زیدر در فاصله ۶۲ کیلومتری شمال شهرستان شیروان واقع است که از طرف شمال با مرز مشترک ایران- شوروی و از طرف جنوب با روستای قلهدک و از طرف شرق با روستای خیرآباد و از طرف غرب با روستای رباط در ارتباط می باشد این روستا دارای ۱۷۹ خانوار و ۷۹۴ نفر جمعیت است که مردمش به زبان ترکی صحبت می کنند زیدر جزء

دهستان قوشخانه شیروان است. زیدریکی از آبادیهای ایالت نساء خراسان قدیم بود که آثار خرابه های آن شهر در ۲ کیلومتری غرب روستای فعلی زیدر مشاهده می گردد و زیدر فعلی بعداً احداث شده است. یکی دیگر از دلایل قدمت زیدر وجود قزلقلعه حفاظت شده در نزدیکی زیدر قدیم است که بنایی مستحکم و ذری نفوذناپذیر از سنگ و آجر و ساروج می باشد که بر قلعه صعب العبورترین کوه منطقه زیدر احداث گردیده است. این نوع قزلقلعه ها معمولاً در کنار آبادیهای بزرگ احداث می شد و در حملات دشمن بخصوص در زمان خوارزمشاهیان، مغولان و تیموریان و ازبکان مورد استفاده قرار می گرفت بطوری که دختران و زنان جوان و زیورآلات و اشیای قیمتی را قبل از حمله به آن جا منتقل می کردند و چند نفر از تیراندازان ماهر را نیز در سنگرگاههای اطراف قزلقلعه می گماشتند تا این ذر مستحکم غیرقابل تسخیر برای دشمن باشد. این مکان بارها مورد کاوش قرار گرفته و اشیای عتیقه و پیرارزش بسیاری کشف شده است. نگارنده در مسافرتی به زیدر با اجازه مسئولین از قزلقلعه تاریخی آن بازدید کردم، که احداث چنین بنایی در قلعه کوه که فقط دارای یک راه صعب العبور و خطرناک بود با امکانات آن زمان واقعاً حیرت انگیز است. روستای زیدر زادگاه خواجه نورالدین محمد زیدری نسوی رئیس دیوان رسایل سلطان جلال الدین خوارزمشاه صاحب کتاب سیره جلال الدین می باشد. (عکس شماره ۴۶)

کوهها و دره های زیدر سابقاً پوشیده از جنگل سرو کوهی بود که به علت قطع بی رویه اشجار به صورت تُنُک و پوشش گیاهی نیمه مرتع درآمده است. کوههای گُنُج خور، قرخ بول و نوار مرزی و دره قوره زود در حوزه این روستا قرار دارد. این روستا دارای دو چشمه است که چشمه خادم آن لوله کشی شده و از چشمه قدیمی نیز آب مصرفی دامها تأمین می گردد. اقتصاد روستا متکی بر دامداری و کشاورزی است و در حدود ۵۰۰۰ هزار گوسفند در این روستا به صورت نیمه کوچ نگهداری می شود که قشلاقشان مراوه تپه ترکمن صحراست. محصولات عمده روستا عبارتند از: فراورده های دامی، گندم و جو و حبوبات و در دامنه کوه و محل کاریز سابق روستا که مخروبه است مقبره ای وجود دارد که مورد اعتقاد مردم می باشد. امکانات روستای زیدر شامل: راه خاکی، دبستان، مسجد، لوله کشی آب، پایگاه بسیج، پاسگاه ژاندارمری، حمام، شرکت تعاونی، آسیاب و شورای ده است. (عکس شماره ۴۷)

روستای زیندانلو ZINADANLUE

این روستا در فاصله ۶۰ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به مزرعه و کوه گلیل و از جنوب به کوه قره داغ و از شرق به روستای نامانلو و از غرب به روستای کالتمانلو محدود است. زیندانلو دارای ۴۰ خانوار و ۲۵۰ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کُردی کرمانجی تکلم می‌کنند. این روستا جزء دهستان جیرستان شیروان است در مورد وجه تسمیه زیندانلو مطلعین محلی معتقدند: پس از زلزله‌ای که باعث ویرانی روستاهای منطقه جیرستان می‌شود یکی از اهالی نامانلو به نام «زینل» روستای مذکور را بنیانگذاری می‌کند که به مرور به زیندانلو تبدیل می‌گردد. اما احتمال این که عده‌ای از اکراد از روستای زینه دینان کردستان عراق به این منطقه مهاجرت کرده و نام منطقه سابق را بر این آبادی نهاده باشند به یقین نزدیکتر است.

زیندانلویکی از روستاهای مرتفع شیروان است که بیشتر اوقات سال دارای آب و هوای سرد و زمستانی است. کوههای قره داغ و قسمتی از کوه و مزرعه گلیل و دره‌های ناله خان و قوره درّه و چشمه «سوسه گل» در حوزه این روستا قرار دارد. شغل اصلی مردم دامداری است که ییلاقشان مراتع سرسبز کوههای گلیل و قشلاقشان مراوه تپه ترکمن صحرا و مراتع پسته لی، آی تمور، مهمان تایمه‌س، و ناله قیمیش می‌باشد که به صورت کوچرو به دامداری مبادرت می‌کنند محصولات عمده زیندانلو: فراورده‌های دامی و گندم و جو و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی است.

کردان زیندانلو را عده‌ای از ایل بیجرانلو و عده‌ای دیگر از ایل کیکانلو می‌دانند. زیندانلوها در جنگ بین قوای ملک محمود سیستانی و کردان خراسان در اواخر دوره صفویه و در زمان شاه طهماسب شجاعت و دلوریهای بسیاری از خود ابراز نموده‌اند^{۶۴} امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه که در زمستانها به علت ریزش برف مسدود می‌شود، سرویس ایاب و ذهاب نامنظم، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده است.

روستای سرانی SARRANI

روستای سرانی در فاصله ۷۹ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از طرف شمال به مرز مشترک ایران- شوروی و دره پرآب و پردرخت و ییلاقی فیروزه^{۶۵} و از طرف جنوب به کوه مرتفع مسگر و روستاهای کاکلی و قیز و از طرف شرق به گل بزرگ و کوه تنبل و از طرف غرب به روستای سرداب محدود می‌گردد. سرانی دارای ۷۹ خانوار و ۳۶۹ نفر جمعیت است که به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند. این روستا جزء دهستان قوشخانه است. روستای سرانی در داخل دره‌ای ژرف که امتداد آن شرقی- غربی می‌باشد قرار گرفته و منازل مسکونی برهم مطابق هستند یعنی صحن حیاط منزلی معمولاً پشت بام منزل دیگریست. از قسمت پایین دامنه کوه مسگر که در جنوب شرقی روستا قرار دارد چشمه پرآبی معروف به چشمه آسیاب می‌جوشد که بیش از ۱۵ اینچ آبدهی دارد و در مجاور آن آسیابی از قدیم الایام احداث شده است که هنوز هم با روش سنتی و با استفاده از آب چشمه کار می‌کند. در مورد وجه تسمیه روستا معمرین محلی معتقد بودند: سرانی در اصل سرهانی بوده که به زبان کردی «سررا آورد» می‌شود و گویا سربریده شده فردی را در این محل به حضور سرداری می‌آورند که بعدها به مرور زمان به علت آب زیاد و موقعیت مناسب به آبادی و روستا تبدیل شده و نام سرانی بر آن نهاده می‌شود اما نگارنده معتقد است نام این محل ابتدا سرآبی بوده که به مرور به سرانی تغییر یافته است. روستای سرانی از محدوده قرای شیروان است که هنوز موقعیت جنگلی بودن خودش را از دست نداده و سرسبز و پردرخت می‌باشد. شغل اصلی مردم دامداری است و در حدود ۷۰۰۰ رأس گوسفند به صورت کوچرو در این روستا نگهداری می‌شود که ییلاق آنها کوههای اطراف سرانی و تنبل و قشلاقشان مراوه تپه ترکمن صحراست. محصولات عمده روستا عبارتند از: فراورده‌های دامی، گندم و جو، سیب زمینی، گردو و دیگر سردرختها. در ۲ کیلومتری غرب روستا در بین درختان بزرگ و قدیمی سرو کوهی محلی به نام قدمگاه ایوب وجود دارد که زیارتگاه

۶۵ - این دره به اضافه شهر فیروزه طبق قرارداد ننگین آخال به شوروی واگذار شده است.

مردم است. محلّ زیارتگاه تخته سنگی به طول دو متر و عرض و ارتفاع یک متر است که درختی نیز در کنار تخته سنگ دیده می شود که مردم بر آن پارچه و نخ می بندند. و چشمه ای با آب فوق العاده سرد و گوارا هم در نزدیکی قدمگاه وجود دارد. این محلّ که در دامنه کوه نسبتاً بلندی قرار گرفته دارای درختان انبوه سرو کوهی است که کهنسالترین آنها در حدود ۵ متر قطر دارد. گل معروف سرانی که یکی از بهترین مراتع منطقه محسوب می شود با چشمه ای به نام شم دل یکی دیگر از مناظر طبیعی و دیدنی سرانی است. اما قلّه کوه تنبل محلّ اصلی ییلاق دامداران چادر نشین که در تابستان نیز از دودکش بخاریهای هیزمی آنها دود برمی خیزد و چشمه آب سرد آن و گله های گوسفند پراکنده در بین مراتع از همه دیدنی تر است. البته صعود به کوه جنگلی تنبل از عهده افراد عادی خارج است زیرا علاوه بر ارتفاع زیاد دارای شیبهای تندی نیز هست. به همین دلیل هر خانواده در این روستا صاحب یک تا چند رأس قاطر است تا هنگام کوچ به ییلاق باروبنه آنها را حمل کند. از ارتفاعات شمالی کوه تنبل: شهر عشق آباد، فیروزه، پاسگاه چورنی و چشمه سیاه مانسور روسیه بخوبی دیده می شود. مردم سرانی بسیار مهماننواز و افرادی سالم، قد بلند، مطلع و آگاه و آشنا با مسائل روز می باشند و سنت لباس پوشیدن بخصوص در بین زنان بخوبی حفظ شده است و از نقاط بسیار جالب این که در روستا معتاد وجود ندارد. ویژگی دیگر مردم این روستا تسلط به شکار حیوانات بخصوص قوچ می باشد لازم به توضیح است که سرانی یکی از شکارگاههای طبیعی و معروف منطقه شیروان است. و معمولاً هر خانواده ای یک دو تارزن ماهر دارد که آهنگها و سرودهای اصیل سنتی را با استادی می نوازند. امکانات سرانی در حال حاضر شامل: راه خاکی، دبستان، پاسگاه ژاندارمری، آسیاب موتوری و آبی، شرکت تعاونی و شورای ده است. (عکس شماره ۴۱)

روستای سرچشمه دوین SAR-CHESHMEH

این روستا در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به روستای حصار دوین و از جنوب و شرق با زمینهای مزروعی قوچان و از غرب به ورگ محدود می گردد. سرچشمه دارای ۱۱۷ خانوار و ۵۴۷ نفر جمعیت دارد که ۲۷۶ نفر آنها سواد

خواندن و نوشتن دارند و به زبان کردی صحبت می‌کنند. روستای سرچشمه جزء دهستان حومه شیروان است از قسمت جنوبی روستا رودخانه‌ای عبور می‌کند که زاینده است یعنی دارای چشمه سارهای کوچکی می‌باشد که در نهایت ۸ اینچ آب دارد و به منظور تأمین آب مزروعی و باغهای سرچشمه، سدی بر آن احداث شده است. از نظر اقتصادی در قسمت‌های کشاورزی، دامداری و باغداری فعالیت دارند. محصولات عمده آن: گندم، جو، چغندر قند، کشمش و تولیدات دامی می‌باشد. امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، حمام، مسجد، برق، لوله کشی آب، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای سرخ‌زو SORKH-ZOW

این روستا در فاصله ۵۲ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است که از شمال به روستای چشمه دوزان (گلاب) و از جنوب به روستای ترک و از شرق به روستای علیخان قلعه (مهدی‌آباد) و از غرب به روستای قوری دربند محدود است. این روستا دارای ۶۷ خانوار و ۳۳۷ نفر جمعیت است که از این عده ۱۴۶ نفر باسوادند و به زبان کردی تکلم می‌کنند. سرخ‌زو، در معنا دره قرمز است و علت آن هم واقع شدن این روستا در ابتدای دره‌ای که صخره‌ها و خاک و زمینهای آن به علت ترکیبات شیمیایی اندکی سرخ‌رنگ است به سرخ‌زو معروف گردیده است. این روستا جزء دهستان تکمران می‌باشد و از ایل کرمانج زاخوران (زعفرانلو) هستند که در زمان صفویه به منطقه تکمران کوچانیده شده‌اند. سرخ‌زوابها، بیشتر دامدار محسوب می‌شوند بطوری‌که در این روستا ۱۸۰۰ رأس گوسفند و ۲۰۰ رأس گاو گوساله نگهداری می‌شود. کوههای اطراف سرخ‌زو در فصل بهار پوشیده از گیاه و سرسبز است. محصولات عمده آن: فرآورده‌های دامی، گندم، جو و حبوبات معمولاً به صورت دیم و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم‌بافی می‌باشد. آثار قدیمی در روستا دیده نمی‌شود و امکانات روستا شامل: راه خاکی، دبستان، مسجد، لوله کشی آب، حمام و شورای ده است.

روستای سرداب SARDAB

این روستا در فاصله ۷۵ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد. که از شمال به مرز مشترک ایران- شوروی و زمینهای مزروعی هشتاد گاو و از جنوب به کوه گنج خور و مسگر و از شرق به روستای سرانی و از غرب به کلاته زمان و خیرآباد محدود می‌گردد. این روستای مرزی شیروان دارای ۸۵ خانوار و ۴۵۲ نفر جمعیت است که به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان قوشخانه است. وجه تسمیه آبادی به علت سردی فوق العاده زیاد آب این روستا بویژه کانی النگ است. دامداران کوچرو سرداب با توجه به موقعیت روستا، در مقایسه با دیگر روستاهای مجاور، تعداد بیشتری دام دارند. بطوری‌که سرداب، ۱۲ گله گوسفند و در حدود ۹۰۰۰ رأس دام دارد. ییلاق دامداران کوههای مرزی ایران، مسگر و دامنه‌های سرسبز اطراف روستاست و قشلاقشان مراوه تپه می‌باشد. محصولات عمده روستا: فرآورده‌های دامی و مقداری نیز گندم و جو است. محل زیارتگاه و نذر و نیاز مردم قدمگاه ایوب در حدفاصل سرداب و سرانی است. آثار و ابنیه قدیمی در روستا مشاهده نمی‌شود درّه‌های: ناله سیوان، ناله قروین، ناله قوزان و کلاته قچیک، قرمتو و تیلار در حوزه این روستا قرار دارد. لباس زنان روستایی از نوع کرمانجی با پیراهن بلند و دارای حاشیه و شلیته بلند و پرچین و شال یا روسری بزرگی که معمولاً یا شماق می‌کنند. زن روستایی در این لباس سنتی که البته هزینه زیادی دارد بسیار باوقار و سنگین جلوه می‌نماید. چون علاوه بر حجاب کامل، مسائل بهداشتی نیز رعایت شده است. در کوههای جنگلی سرداب انواع درختان سرو کوهی، آرچه، کرکو، زرشک، قسنی، هلز، آنوخ، سیب تالک، قارچ، شقایق، به وفور دیده می‌شود. این روستا در سابق پهلوانی به نام عید محمد زال نیز داشته است. امکانات روستا در حال حاضر: راه خاکی که در زمستان برای مدتی عبور و مرور قطع می‌شود، دبستان، رودخانه‌ای که از کنار روستا می‌گذرد، لوله کشی آب، مسجد و شورای ده است. (عکس شماره ۴۵)

روستای سردارآباد SARDAR-ABAD

این روستا در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال غربی شیروان واقع است که از شمال به قره‌چنگ و روستای علی‌محمد قوشخانه و از جنوب به روستای بیره‌زینل‌بیگ و از شرق به روستای چشمه‌دوزان و از غرب به یک‌ه‌شاخ محدود می‌گردد. سردارآباد دارای ۵۵ خانوار و ۲۵۱ نفر جمعیت است که به زبان کردی صحبت می‌کنند نام سابق این آبادی «یردوقدی» بود که در تاخت و تاز ترکمنها، خراب و روستای فعلی با فاصله کمتری از یردوقدی توسط سرداری خیرخواه و مردم دوست احداث شده است. سردارآباد که فعلاً به ظفرآباد تغییر نام داده جزء دهستان تکمران است. محصولات عمده آن: گندم، جو، نخود، عدس، خربزه، هندوانه و لوبیا و دامداری آن به صورت سنتی و بدون کوچ می‌باشد. صنایع دستی آن نیز قالیبافی است مردم سردارآباد سنت بسیار خوب «یاور» که به زبان کردی «هاوار» می‌گویند هرگز فراموش نکرده و در مواقع لزوم بطور دسته‌جمعی به کمک یکدیگر می‌روند. در کوههای سردارآباد گیاهان خودر و طبیبی و خوراکی: آنوخ، قسنی، مره‌مخت، شوسک، چرم‌گیاه و گل‌چقر فراوانی رشد می‌کند و بازیهای محلی مرسوم در روستا شامل شوچلی، ارنگ‌ارنگ، چرچوب می‌باشد. رفت و آمد سردارآبادیها معمولاً از طریق روستاهای بجنورد انجام می‌گیرد و امکانات فعلی آن شامل: راه خاکی، دبستان، مسجد و شورای ده است.

روستای سکه SOKEH

روستای سکه در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی شیروان واقع است که از طرف شمال با توکلی شکرانلو و کوه چاهک و از جنوب با زمینهای مزرعی حاشیه جاده شیروان-مشهد و از طرف غرب با روستای الله‌آباد و از طرف شرق با روستای خانحصار (یا سرآباد) در ارتباط می‌باشد. این روستا دارای ۱۴۵ خانوار و ۶۷۵ نفر جمعیت است که به زبان ترکی تکلم می‌کنند. سکه جزء دهستان حومه شیروان است. بیشتر مردم سکه را سادات متدین تشکیل

می دهند و چند خانواری نیز از بلوچهای سبزواری در این قریه سکنا دارند. کل مزرعه سکه طبق طومار عضدالملک از موقوفات آستان قدس رضوی است. آب زراعی روستاییان بوسیله سه قنات و چاه عمیق و رودخانه تأمین می گردد.

وجه تسمیه: مطلعین روستا معتقدند که در تپه دست ریز مجاور روستا وسایل و اشیای بسیاری که نشان دهنده ابزار و آلات و دستگاه ضرب سکه بوده کشف گردیده که این محل را سکه پری نام نهاده اند که به مرور به سکه تغییر یافته و محل مسکونی گردیده است روستای سکه شیروان یکی از قرای قدیمی میباشد که دارای تاریخی مدون است. بطوری که مؤلف کتاب هفت اقلیم و مطلع الشمس می نویسد: «در قریه سکه شیروان ساداتی از دوره صفویه و حتی چهارصد سال قبل از آن سکنا داشته اند که طبق شجره نامه موجود جدشان به سید بزرگوار و عالم بزرگ شیخ نجم الدین کبری می رسد و از آن عالیمقام به امامزاده علی اصغر علی بن الحسین علیه السلام می پیوندند. پادشاهان صفویه نسبت به سلسله سادات سکه شیروان ارادت و احترام خاصی مبذول می داشتند. بطوری که مالیات سه کلاته طاهرآباد و جمال آباد و بی بی حنیفه را بخاطر سادات سکه تخفیف می دادند که در اینجا عین فرمان شاه سلیمان صفوی که به میرزا محمد شریف داده است نوشته می شود «بسم الله تعالی شأنه العزیز- فرمان اقدس همایون شاهنشاهی شد آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان عظمت و جلالت دستگاهان شهامت و مناعت اکتناهان مجدت و نجدت همراهان مقربان اعلیحضرت خاقان و والیان خراسان به التفات بلانهایات شاهنشاهی مفتخر و سرافراز بوده، بدانند که شجرة السیاده میرزا محمد شریف بن میرزا علینقی العلوی الحسینی ساکن سکه ملحوظ و مقبول نظر مبارک اقدس شاهنشاهی گردید که در باب ملک موروثی آن که عبارت از ۴ سهم از مدار ۸ سهم قنات طاهرآباد و ۴ سهم از مدار ۸ سهم قنات جمال آباد و ۳ سهم از مدار ۶ سهم قنات بی بی حنیفه که واقع در توابع صفحه ملک خبوشان خراسان می باشد همگی و تمامی را از مصدر عنایت شاهنشاهی فرمان قضا توأمان تخفیفی ابدی برقراری التفات فرمودیم، البته عالیجاهات مستوفیان ممالک خراسان مضامین مرحمت مشحون رقم قضا توأمان را در دفاتر خلودیه خود ثبت و ضبط نموده و سهامات قنات ثلاثه مرقومه را من سنة الحال الی سنوات الاستقبال از اخراجات نقد و جنس دیوان اقدس شاهنشاهی خارج و معاف دانسته و هر آن کسی که از حکم محکم شاهنشاهی تخلف و انحراف نموده باشند به لعنت اقدس سبحانی و نفرین رسول رب العالمین و ائمه طاهرین گرفتار گردیده باشند و از

عنايات و كرامات خيرالناصرين هرسلطاني از سلاطين من بعد الايام كه در سرير ملك رفعت ايران فرمانفرماي حكمران گرديده باشند لازم و واجب است براي رضامندي خداوند و براي حق شفاعت جناب اشرف المرسلين و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين رقم تخفيفي بر اولاد نتايج ائمه سلاله الاطياب والانجاب التفات و مرحمت فرمايند. في غره شهر رجب المرجب ۱۱۱۶ قمری. سجع مهر الحكمة لله. ۶۶» شيخ نجم الدين كبرى كه در اين فرمان جد سادات سكه ذكر شده يكي از مشاهير بزرگ قرن ششم و هفتم است. طبق وقفنامه ديگري كه در سال ۸۲۰ هجري قمری تحرير شده در قسمت چهارم مي نويسد: چهارم قنات نجم آبادي كه تعداد زوج (ناخوانا) در محلي معروف به سكه نزديك شيروان و دور از شهر خبوشان، سرچشمه اين قنات از شمال قلعه سكه جاري است و آب در اراضي فلات و در مجاورت تپه در سمت قبله جريان دارد و در شمال آن بي بي حنيفه و آق سلق مي باشند و قنات بابا خوشگدي در مشرق آن قرار دارد ۶۷». اقتصاد اين روستا بر كشاورزي و دامداري متكي است و محصولات عمده آن عبارتند از: گندم و جو، چغندر قند و كشمش و صنايع دستی آن قابلبافي مي باشد. زيارتگاه مردم مقبره اي مشهور به بي بي حنيفه (ع) است كه مورد احترام و اعتقاد اهالي است. امكانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرويس ايباب و ذهاب، دبستان، مدرسه راهنمايي، مسجد، حمام، آسياب، لوله كشي آب، شركت تعاوني و شوراي ده است.

روستای سنجد SENJED

اين روستا در فاصله ۶۵ كيلومتری شمال غرب شيروان واقع است. كه از طرف شمال به چورچوري ۶۸ و اوغاز و از طرف جنوب به كوههاي آشاقه داغ و جنگاه و از طرف شرق به روستاي شناقي سفلا و از طرف غرب به كلاته رحيميان و ايزمان ۶۹ محدود مي گردد. سنجد

۶۶ - صنع الدولة، مطلع الشمس، سال ۱۳۰۱/ق. ص ۱۴۸-۱۶۳.

۶۷ - وقف موجود در اداره اوقاف شهرستان شيروان.

68-Chur - Churi

۶۹ - ايزمان عليا و ايزمان سفلا تا سال ۱۳۶۶/ شمسي در حوزه فرمانداري شيروان قرار داشتند كه طبق تصويب هيأت دولت اخيراً در حوزه فرمانداري بجنورد قرار دارد.

دارای ۱۴۳ خانوار و ۷۹۱ نفر جمعیت است که ۳۰۱ نفر سواد خواندن و نوشتن و بالا تر را دارند و به زبان ترکی صحبت می‌کنند. این روستا جزء دهستان قوشخانه است. از قسمت شرق روستا رودخانه‌ای که از دامنه کوه‌های چورچوری سرچشمه می‌گیرد در جهت جنوب جریان دارد که سپس با رودخانه کم‌آبی که از طرف کلاته رحیمیان می‌آید یکی شده و به رودخانه قوشخانه می‌پیوندد و به طرف بجنورد جریان می‌یابد. سنجد از قرای بزرگ و سرسبز و پردرخت قوشخانه است که مناظری زیبا و آب و هوایی ییلاقی دارد و از مراتع طبیعی نسبتاً خوبی برخوردار است. مردم سنجد که با لهجه شیرین ترکی تکلم می‌کنند از ترکان قمری قارشی قیزی مرو هستند که قبل از افشاریه به این منطقه آمدند و زندگی یکجانشینی را برگزیدند. در کوه‌های سرسبز اطراف سنجد که روزگاری جنگل بوده در فصل بهار انواع و اقسام گیاهان خودرو طبی و خوراکی می‌روید که مهمترین آنها: آنوخ (کاکوتی)، قسنی، پونه، درمنه ترکی، گون یکپایه، کما، هلز، ساری گل، شقایق، زرشک، گل گاوزبان، زیره کوهی، چرمه گیاه، بابونه، قارچ خوراکی، کنگر، سیب کوهی و انواع گیاهان اساس دار و خوشبو است که برای چهل گیاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. اطراف روستا در سابق دارای حصار و برج و بارو بود که آثار آن هنوز هم دیده می‌شود. سنجد چون در حذفاصل دو حکومت محلی سابق یعنی شیروان و بجنورد قرار داشت. طبق اظهار معمرین، همیشه مورد تاخت و تاز طرفین بود. مقامت سنجدیه در اواخر دوره قاجار در برابر قوای سردار بجنوردی و ترکمنها زبانزد مردم منطقه است. مردم روستا دامدار و کشاورزند. ییلاق دامداران، کوه‌های اطراف سنجد بخصوص دره امام است و قشلاقشان معمولاً آی تمر ترکمن صحراست. و در حدود ۶ گله بزرگ گوسفند در این روستا نگهداری می‌شود. محصولات عمده آن: فراورده‌های دامی، گندم و جو (بصورت دیم)، حبوبات، زردآلو، آلوچه، گردو، چنار و سپیدار است. آب آشامیدنی روستا بوسیله لوله کشی از طریق چشمه ییلاق تأمین می‌گردد.

کوه‌های: ژاژق لی، ییلاق و دره امام و دره پیر و مناطق توکل، سپیداردره، قره‌ایده، توفه گل محمد، گُردیوله، بی توفه، لنگرتوفه، قارقشلاق، دوقوزقرلان، آرتق‌بای، قواخ‌ایدره در حوزه سنجد قرار دارد. دره‌های سپیدار و قره‌ایده دارای چشمه هستند. این روستا دو محل زیارتی و مورد احترام دارد. یکی مقبره معروف به بش قارداش (پنج برادر) که در دره امام قرار دارد و معمولاً شبهای جمعه به آن جا رفته و نذر و نیاز می‌کنند و دیگری محل گورستان قدیمی

در درهٔ پیر که تعدادی درخت سرو کوهی نیز دارد. لباس مردان معمولی ولی زنان ترک سنجیدی از شیلوار بلند و پیراهن گلداری که قسمتی از شیلوار را می پوشاند و شال که آن را یاشماق می کنند یعنی جلو دهان و بینی خود را با روسری می پوشانند که از نظر بهداشتی با توجه به گرد و خاک روستا و شیردوشی و حجاب بسیار مناسب است. و ازیل و گُت و دیگر زیورآلات مرسوم نیز استفاده می کنند. احترام به بزرگتران کاملاً رعایت می شود. صنایع دستی روستا: قالیبافی، گلیم بافی، کلاه، جوراب، دستکش و شال پشمی و کرکی است. اماکنات روستا در حال حاضر شامل: راه خاکی، دبستان، مسجد، آسیاب، لوله کشی آب، خانه بهداشت، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای سولدی SOLDI

سولدی در فاصلهٔ ۴۲ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به روستاهای زو و تفتازان و از جنوب به روستای لوجلی تکمران و از شرق به روستاهای کلاته نظر و پالکانلو و از غرب به دهستان تکمران محدود می گردد. این روستا دارای ۱۹۷ خانوار و ۱۱۵۶ نفر جمعیت دارد که به زبان ترکی تکلم می کنند و جزء دهستان قوشخانهٔ شیروان است.

روستای سولدی چون در حدفاصل دهستانهای تکمران، جریستان، شیخ امیرانلو و قوشخانه قرار گرفته، از قدیم الایام از موقعیت خاصی هم از نظر قدمت و هم از نظر درگیری قومی و محلی، برخوردار بوده است. آثار برج و باروهای قدیمی در نزدیکی روستای فعلی بخصوص کاروانسرا و برجهای خراب که ضخامت دیوارهای حصار آن متجاوز از یک متر می شود و وسعت زیاد روستا نشان دهندهٔ قدمت و وسعت این آبادی در سابق بوده است.^{۷۰} نژاد مردم سولدی شیروان به خاندان برمکیان می رسد. بطوری که پس از سقوط برامکه عده ای از سولدی ها مبارزهٔ شدیدی را با هارون الرشید آغاز می کنند و پس از مدت زیادی جنگ و ستیز حتی حکومت قسمتی از نواحی کردستان ترکیه را نیز به اختیار خود درمی آورند تا این که در زمان شاه عباس صفوی به منطقهٔ شمال خراسان کوچانیده می شوند و با توجه به

۷۰- مطالعه دقیق و بررسی کامل روستای سولدی و زوایای تاریخی آن را به دانش پژوهان این آبادی توصیه می کنم.

موقعیت فعلی آبادی سولدی و شغل اصلی خودشان که دامداری بوده است، در حاشیه رودخانه اسکان می‌یابند و نام «سودلی» یکی از اجداد و رهبران خود را بر محل مذکور می‌نهند که به مرور به سولدی تبدیل می‌گردد.^{۷۱} شغل اصلی مردم سولدی دامداری و کشاورزی است. در این روستا ۵۰۰۰ رأس گوسفند در ۷ گله و در حدود ۲۷۰ رأس گاو و گوساله نگهداری می‌شود. محصولات عمده آن شامل: فراورده‌های دامی، گندم، جو، حبوبات و سردرختی و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم‌بافی است.

از نظر موقعیت طبیعی چون سولدی در حاشیه رودخانه و داخل دره قرار دارد بسیار سرسبز و باصفاست. رودخانه سولدی از دهنه ییلاق کوه شیخ حسن و چندین حوضه آبریز کوچک سرچشمه می‌گیرد و در سابق منطقه سولدی جنگل بوده است. چون در دامنه کوهها درختان آرچه به صورت منفرد وجود دارد. و آثار اشجار قطع شده نیز این موضوع را تأیید می‌کند. کوههای: شیخ حسن، قره داغ، قوره قوز، آلمه سار، و دره‌های: گداغلی، ییلاق، گلی دزه، قوزدره، و قوره چای و چشمه‌های: سلطان چای، شکر، شبان سویه، و گداغلی در حوزه این روستا قرار دارد. سولدی در سابق مدتی خان نشین و مرکز حکومت محلی بود و از زد و خوردها و جنگهای قومی و قبیله‌ای بین ترکمنها و کردها خاطرات تلخ و شیرین فراوان دارد. مردم سولدی با توجه به سوابق گذشته خود، افرادی آگاه، اهل علم و مطالعه بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به اسامی رستگانی‌ها، معین‌ها و زاهدی‌ها اشاره نمود. امکانات فعلی سولدی شامل: راه شومسه، سرویس ایاب و ذهاب، حمام، مسجد، دبستان، مدرسه راهنمایی، آسیاب، لوله کشی آب، پست، خانه بهداشت، چندین مغازه شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای سیل سپرانلو SEIL-SEPERANLUE

سیل سپرانلو^{۷۲} از دو آبادی علیا و سفلا که در فاصله یک کیلومتری یکدیگر قرار دارند تشکیل شده است که به عنوان دو روستای مستقل می‌باشند. این دو آبادی در فاصله

۷۱ - اطلاعات محلی.

۷۲ - سیر سپرانلو هم نوشته می‌شود.

۵۵ کیلومتری شمال شیروان واقع شده‌اند که جزء دهستان جریستان شیروان هستند و به زبان گُردی کرمانجی تکلم می‌کنند. سیل سپرانلو علیا از شمال به روستاهای ملوانلو و کورکانلو علیا و از جنوب به سیل سپرانلو سفلا و از شرق به میلانلو علیا و از غرب به روستای کوسه محدود می‌گردد و سیر سپرانلو سفلا نیز بین روستاهای کوسه، تخت، میلانلو و سیر سپرانلو علیا محدود است. سیل سپرانلو علیا ۲۲۸ نفر و سیل سپرانلو سفلا ۱۴۹ نفر جمعیت دارد. وجه تسمیه و تژاد سیل سپرانلوها بدین شرح است که طایفه سیل سپرانلو از ایل کرمانج سیفکانلومی باشند که در زمان صفویه از طرفداران پروپا قرص و طراز اول شاه عباس بودند و طبق نوشته مؤلف عالم آرای عباسی^{۷۳} در جنگی که بین قوای شاه عباس و قوای رومیان در می‌گیرد. اجداد همین طایفه که مردمی بسیار سلحشور و شجاع و بی باک بودند در پیشاپیش قشون شاه عباس قرار می‌گیرند و در یک حمله سریع و به عنوان پیشمرگان، لشکر رومیان را تار و مار کرده و به پیروزی بزرگی می‌رمنند، شاه عباس اول که خود شخصاً شاهد این پیروزی و موفقیت عظیم بوده است. می‌گوید: «سیل تک سپوردلر» یعنی اگراد دشمن را مانند سیل جارو کردند و از آن تاریخ به آنها سیل سپور می‌گویند. بطوری که بزرگان سیل سپرانلو در دوره صفویه از نفوذ و قدرت فوق العاده‌ای برخوردار بودند که از آن جمله می‌توان از امیر خلیل سلطان سیل سپور در زمان شاه عباس و امیرالامرائی کبلعلی خان سیل سپرانلو بیگلربیگی و حاکم مشهد و قورچی باشی زمان شاه سلیمان صفوی نام برد که اسم ایشان در کتیبه‌ای که در سال ۱۰۹۱ هجری قمری بر سردر کاروانسرای شاهوردی بیک نصب شده بود دیده می‌شود.^{۷۴} سیل سپرانلو در کنار رودخانه کم آبی قرار دارد که نسبتاً سبز و خرم است. کوههای: دوزسنگ، جاما و درّه سویتلی در حوزه این دو آبادی می‌باشند. شغل عمده مردم دامداری و کشاورزی است. ییلاق دامداران کوههای اطراف روستا و گلیل و ناله باغ و ناله کچیک و ناله جاجق لی و قشلاق آنها ترکمن صحرای مازندران است.

محصولات تولیدی سیل سپرانلو: فراآورده‌های دامی، گندم، جو (به صورت دیم) زردآلو، گلابی، سپیدار و حبوبات است امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، آسیاب، حمام، شرکت تعاونی و شورای ده است. در کوهها و دره‌های سرسبز این دو آبادی در فصل بهار انواع گیاهان خودر و طبّی و خوراکی

۷۳- عالم آرای عباسی، ص ۱۰۸۶.

۷۴- مطلع الشمس، ج ۲، ص ۲۶۳.

مانند:

کاکوتی، مندک، کنگر، سیب تالک، شقایق، گون، درمنه و هَلز می روید.

روستای شرکانلو SHARKANLUE

این روستا در فاصله ۴۸ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به روستای نامانلو و کالتمانلو و از جنوب به کوه پتله گاه و چشمه مرزو از شرق به روستای محمد دورانلو و ولو و از غرب به روستای خلأجلو محدود می گردد. این روستا دارای ۴۱ خانوار و ۲۱۰ نفر جمعیت است که به زبان کرمانجی تکلم می کنند و از ایل بیچرانلو (کیکانلو) می باشند و شرکانلو جزء دهستان سیکانلو است. شغل اصلی مردم دامداری و محصولات عمده آن: فراورده های دامی، گندم، جو، سیب زمینی و سیب درختی و زردآلو می باشد. از مجاور روستا رودخانه ای فصلی عبور می کند که حوضه آبرگیر آن کوه های زیلان و سنجربیک است. این رودخانه پس از سرچشمه در مسیر دره از وسط یا مجاور روستاهای بیچرانلو: کلاته بالی، ترانلو، قلعه بیک پیروردلو، قلعه حسن، نقدو، دولو، ولو، محمد دورانلو، شرکانلو و خلأجلو عبور می کند و در روستای دوآب به دیگر رودخانه ای که از منطقه جیرستان سرچشمه می گیرد، می پیوندد. ییلاق دامداران، کوه های اطراف روستا و گلول و قشلاق آنها، مراوه تپه است. چشمه های: کانی کیفچه، ترنالی، بی دوله و کانی مرز در حوزه شرکانلو قرار دارد. کوه های اطراف این روستا در سابق مرتع و جنگل بوده است که به علت چرای بی رویه دام و قطع اشجار و تبدیل آن به مزارع کشاورزی، اکثر کوه ها لخت و قابلیت مرتعی بودن خود را از دست داده اند. امکانات شرکانلو در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، حمام، مرکز شرکت تعاونی روستایی بیچرانلو و شورای ده است.

روستای شکرانلو^{۷۵} SHOKRANLUE

این روستا در فاصله ۴۷ کیلومتری شمال شرق شیروان قرار دارد که از شمال با روستای تازه‌اوغاز و چپانلو و از جنوب با روستای قلعه صفا و قوچ قلعه و از شرق با کوه کیسمار و از غرب با کوههای قنبر و حاتم خان ارتباط دارد. شکرانلو دارای ۴۳ خانوار و ۲۲۰ نفر جمعیت است که به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان سیکانلو شیروان می‌باشد. شکرانلوها یکی از عشیره‌های مهم و اصیل ایل سیفکانلو هستند که از کردستان ترکیه به ناحیه شمالی خراسان مهاجرت کرده‌اند. امین زکی می‌نویسد: محلّ اولیه عشیره شکرانلو در کردستان ترکیه و ناحیه مُش (Mosh) ذکر کرده‌اند.^{۷۶} نام روستا سابقاً ازدک بود که بعداً نام طایفه شکرانلو را بر آن نهاده‌اند. کوههای: قنبر، حاتم خان، قاضی و دره‌های: قوره دره، گربه دیره و ناله آق و ناله قامیش و همچنین چشمه‌های قنبر در کوه قنبر با آبی سرد و گوارا و مناظری زیبا و دیدنی و کانی سوگدلی و کانی حاتم خان در حوزه روستای شکرانلو قرار دارند. در کوهها و دامنه‌های سرسبز این روستا انواع گیاهان خودرو و طبی مانند: کاکوتی، زِرک (زرشک)، سیب تالک، مندک، گون، پوپک، هِلَز، قارچ خوراکی، کنگر، شقایق می‌روید. شغل مردم دامداری و کشاورزی است و محصولات عمده آن: فراآورده‌های دامی، گندم، جو و سیب زمینی می‌باشد. مردم شکرانلو افرادی مطلع و آگاه و اهل مطالعه هستند و عده‌ای از آنها فارغ التحصیل مدارس عالی و دارای مشاغل مهم فرهنگی و اجتماعی و اداری می‌باشند. در شکرانلو آثار قدیمی بوضوح دیده نمی‌شود اما با توجه به ظروف مسی و سفالی که گهگاه در گوشه و کنار این روستا پیدا شده است قدمت شکرانلو را به زمان قبل از ازبکان می‌رساند و احتمالاً نام محلّ آبادی اُزبک بوده که به مرور به ازدک تبدیل یافته است طبق گفته معمرین روستا دور قلعه شکرانلو در سابق حصارکشی و دارای برج و بارو بوده است. در محلّی معروف به راه شیخ اثر جای پا دیده می‌شود که عده‌ای معتقدند یکی از مردان حق به این جا آمده و شخصی را که مزاحم مردم بوده از بین

۷۵- نام سابق روستا اُزدک (Ozdag) بود.

۷۶- زکی. امین، کورد و کوردستان، ص ۳۶۶.

برده است که معمولاً شبهای جمعه مردم برای نذر و نیاز به آنجا می روند. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، لوله کشی آب، آسیاب و شورای ده است.

روستای شناقی علیا SHANAQI-OLYA

این روستا در ۶۰ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است که از شمال به روستای زیدر و از جنوب به روستای قلھک و حلواچشمه و از شرق به کوه گنج خور و از غرب به روستای رباط محدود می گردد شناقی علیا دارای ۳۲ خانوار و ۱۳۱ نفر جمعیت است که به زبان ترکی صحبت می کنند. شناقی علیا به علت کمبود آب سردرختی ندارد و شغل اصلی مردم دامداری است. در این روستا ۲۵۰۰ رأس گوسفند نگهداری می شود و محصولات عمده آن: فراورده های دامی، گندم و جو و حبوبات به صورت دیم است. در نزدیک روستا تپه ای وجود دارد که به علت ترکیبات شیمیایی خاک آن سیاه رنگ است و به آن قره تپه می گویند و دره های: دواریاتاقه، دره داغ، دره حقو و دره چنارک در حوزه این روستا قرار دارد. چشمه کوچکی در روستا وجود دارد که آب آشامیدنی مردم را تأمین می کند در کوهها و دره های شناقی و در بین مزارع تعدادی درخت سرو کوهی مشاهده می شود که نشان دهنده جنگلی بودن منطقه در سابق بوده است که متأسفانه در حال انقراض کامل است. شناقی جزیره دهستان قوشخانه و امکانات فعلی روستا شامل: دبستان، مسجد، لوله کشی، راه خاکی، و شورای ده است.

روستای شناقی سفلا که بین روستاهای سنجد، جنگاه، برزولان و چورچوری محدود است دارای ۸۶ خانوار و ۴۹۱ نفر جمعیت است و مردمش به زبان ترکی تکلم می کنند. این روستا در فاصله ۶۴ کیلومتری شمال غرب شیروان قرار دارد و نسبت به شناقی بالا از جمعیت بیشتر و امکانات بهتری برخوردار است و اقتصاد آن بردامداری و کشاورزی متکی می باشد. ییلاق دامداران کنوھها و دره های اطراف روستا و قشلاق آنها در ترکمن صحراست.

روستای شوق آباد SHOQ-ABAD

شوق آباد در فاصله ۲۲ کیلومتری شرق شیروان واقع است که از شمال به روستای فیض آباد و از جنوب به روستای سه گنبد و از شرق به فاروج و از غرب به دوین محدود می‌گردد. این روستا دارای ۲۱ خانوار و ۱۰۸ نفر جمعیت است که مردمش به زبانهای کردی، ترکی و فارسی صحبت می‌کنند و جزء دهستان حومه شیروان است. کردهای کرمانج از طایفه خمارتاش زوباران و ترکها از شهر کهنه قوچان به شوق آباد کوچ کرده و اسکان یافته‌اند فارسها نیز مهاجرند. این روستا توسط مرحوم دکتر مؤید قریشی احیا گردیده و دارای دو چاه عمیق است که آب مصرفی زمینهای مزروعی را تأمین می‌کند. محصولات عمده آن: گندم، جو و چغندر قند است و تعداد دامها در روستا ۷۰۰ رأس هستند که به صورت سنتی نگهداری می‌شوند. شوق آباد فاقد مدرسه است.

شیخ امیرانلو SHIKH- AMIRANLU

شیخ امیرانلو در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که دربرگیرنده آبادیها و روستاهای چالکانلو، فاضل، قوردانلو علیا و سفلاست. قوردانلو نسبت به دیگر آبادیها از جمعیت بیشتری برخوردار است. شیخ امیر^{۷۷} از طرف شمال به کوه گچ و دوله دانلو و از جنوب به روستای برزو و از شرق به پتله گاه و دوا آب و از غرب به روستای گوگلی محدود می‌گردد. جمعیت قوردانلو علیا و سفلا ۵۳۷ نفر، فاضل ۹۴ نفر و چالکانلو ۱۷۰ نفر است که تماماً به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند. این آبادیها در داخل دره قرار گرفته‌اند و رودخانه‌های پرآبی از کوههای شمشیرگر، گنج خور و گلول به نام رود دوا آب و رود کوسه از

۷۷ - شیخ امیرانلو سابقاً یکی از دهستانهای شهرستان شیروان بود که شامل روستاهای: خدر، قوردانلو علیا، قوردانلو سفلا، برزو دوله دانلو، برج، گوگلی، بیک، چالکانلو، فاضل، تخته سو و آسیاب شیخ امیرانلو می‌شد که در تقسیمات جدید جزء دهستان تکمران شیروان محسوب می‌شود.

مجاور یا وسط این آبادیها عبور می‌کند و همچنین چشمه سارهای: گراو و چلکان (چهل چشمه) دره شیخ امیر را بسیار سرسبز و پردرخت نموده است. ضمن این که این منطقه یکی از حوضه های آبریز مهم ناحیه شیروان می باشد و اخیراً مقدمات سدّی نیز در محلّ فراهم شده است. مردم شیخ امیر از نژاد اصیل ایل چمشگزک هستند و وجه تسمیه آن هم به دلیل این که امیر شیخ حسن مدتی ایلخانی اکراد چمشگزک را به عهده داشته، این ایل منسوب به نام «امیر شیخ» می باشد، در مورد جد شیخ امیرانلویی ها می نویسد: در زمان شاه اسماعیل صفوی، حاجی رستم بیگ شیخ امیرانلونه امیر شیخ حسن و فرزند سهراب بیگ در جنگهای متعددی که نموده- موفقیت و پیروزیهای بسیاری کسب کرده است... یا پیر حسین بیگ شیخ امیرانلو در جنگی که با نورعلی خلیفه سردار نامی شاه اسمعیل صفوی داشته، سر نورعلی خلیفه را از بدن جدا کرده و حکومت اکراد را در منطقه تثبیت کرده است^{۷۸} و در زمان قاجاریه و اوایل حکومت پهلوی نیز رؤسای بزرگ ایلات شمال خراسان مانند: شجاع الدوله ها حکام مقتدر قوچان، ضیغم الملک ها حاکمان شیروان و مظفر السلطنه ها حکام اسفراین همگی اهل شیخ امیرانلو بودند. مشاغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی است. بیلاق دامداران دره های سرسبز امان الله، یان بلاغ، و گچ در اطراف روستا و قشلاق آنها نارلی ترکمن صحراست. پوشش گیاهی شیخ امیر دارای درختان سرو کوهی به صورت پراکنده و مرتع دامی و انواع گیاهان خودرو طبّی و خوراکی مانند: کاکوتی، هَلَز، سیوتالک، شویشک، سامی، زرشک، گون یکپایه، شقایق، درمنه ترکی، کنگر، قارچ خوراکی و چریش است. محصولات عمده آن شامل: فراورده های دامی، گندم و جو، حبوبات و سردرختی و صنایع دستی آن قالیبافی می باشند. مردم شیخ امیرانلو افرادی فعال و زحمتکش و متدین هستند. این روستا در حال حاضر دارای امکانات: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، حمام، مسجد، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده می باشد. علی رزم آراء خواننده و نوازنده اصیل سرودهای محلی رادیو مشهد هم اهل شیخ امیرانلو است.

روستای شیرآباد SHIR-ABAD

این روستا در جنوب غربی شیروان واقع است که بین روستاهای زوارم، عبدآباد، توده و ورقی محدود است که دارای ۲۴ خانوار و ۱۱۷ نفر جمعیت است و از آبادیهای جدیدالاحداث است که در چند ساله اخیر توسط شخصی به نام شیرمحمد بنیانگذاری شده است و به زبان کردی صحبت می‌کنند. شیرآباد جزء دهستان زوارم است و ۲۰ کیلومتر با شهر فاصله دارد. آب مزروعی شیرآباد بوسیله رودخانه زوارم تأمین می‌گردد و شغل مردم کشاورزی و دامداری است. محصولات عمده آن: گندم و جو، چغندر قند و کشمش و صنایع دستی آن قالیبافی می‌باشد. در کنار راه عبوری شیرآباد چشمه کوچکی وجود دارد که آب آشامیدنی مردم را تأمین می‌کند و خرابه‌های آسیاب آبی نیز در هنگام ورود به روستا مشاهده می‌گردد. امکانات روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، برق، آسیاب و شورای ده است.

روستای عبدآباد ABD-ABAD

روستای عبدآباد در فاصله ۲۲ کیلومتری جنوب غربی شیروان واقع است که از طرف شمال به روستای توده و از طرف جنوب به روستای شیرآباد و کلاته بندار زوارم و از شرق به روستای حسین‌آباد و از غرب به روستای شوریک محدود می‌شود این روستا ۱۹۹ خانوار و ۱۰۴۹ نفر جمعیت دارد و مردمش به زبان ترکی تکلم می‌کنند. عبدآباد جزء دهستان زوارم است. روستای عبدآباد در گذشته خان‌نشین بوده و شاه‌رخ خان و فرخ خان در این روستا حکمرانی داشتند. در داخل زو و مجاور باغ شاه‌رخ خان آثار و ابنیه قدیمی مشاهده می‌گردد که اهالی آن را گبرخانه می‌گویند و قدمت آن به سالهای خیلی قبل می‌رسد و در کنار همین خرابه‌های باقیمانده آثار قبرستان قدیمی بزرگی وجود دارد که نشان می‌دهد در روزگاران سابق، عبدآباد، آبادی بزرگی بوده است و بخصوص این روستا دارای باغ باصفایی به نام

چهارباغ یا باغ ملی نیز بود که در حال حاضر زیبایی و سبز و خرمی سابق خود را از دست داده است. در عبدالآباد علاوه بر اهالی بومی که به زبان ترکی صحبت می‌کنند. طوایفی از دهستان شیخ امیرانلو و میلانلو و غیره نیز به مرور به این روستا مهاجرت کرده و با خرید زمین در آن جا اسکان یافته‌اند.

تقسیم زمین در عبدالآباد به صورت «من» انجام می‌گیرد و آب مزروعی کشاورزان از رودخانه زوارم و چاه عمیق تأمین می‌گردد البته روستای عبدالآباد دارای چندین چشمه کوچک نیز هست و آب آشامیدنی مردم از چشمه شخلی تأمین می‌گردد.

محصولات عمده عبدالآباد شامل: گندم، جو، کشمش، گردو، بادام و فراورده‌های دامی و صنایع دستی آن قالیافی است. در این روستا قبری هست که گویا مرد عالمی به نام شیخ پیر در آن جا دفن است و مورد احترام اهالی است. مرحوم ابراهیم بیک معروف به ابراهیم بلشویک مرد رک گو و با نفوذ که مدتی نیز در شوروی زندگی کرده بود از چهره‌های شاخص این روستا بود که در وقایع خداوردی سردار و جنگ امیرحسین خان و علی خان بیگ بیچرانلو و نیز نقشی داشته است. محمد یمین بخشی معروف که اشعار ترکی را با صدای بسیار گیرایی با نوای دل انگیز دوتار می‌آمیخت نیز اهل همین روستا بود. امکانات عبدالآباد در شرایط فعلی شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، پاسگاه ژاندارمری، آسیاب، لوله کشی آب، مسجد، حمام، پست، تلفن، خانه بهداشت و شورای ده است.

روستای علیخان قلعه (مهدی آباد) ALI-KHAN- QALEH

روستای علیخان قلعه در فاصله ۴۶ کیلومتری شمال غرب شیروان قرار دارد که بین روستاهای توپکانلو، سرخ‌زو، ترک و زمینهای مزروعی بجنورد محدود است. علیخان قلعه دارای ۸۳ خانوار و ۳۳۶ نفر جمعیت است و به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند، این روستا جزء دهستان تکمران است. وجه تسمیه آن به علت اسکان دامدار عمده‌ای به نام علیخان بوده است که دامداری کوچ‌رو را در این محل به مرور زمان به نیمه کوچ‌رو تبدیل کرده است. روستای علیخان قلعه در دامنه کم شیب کوهی واقع است که رودخانه کم‌آبی از شرق آن عبور می‌کند. سابقاً دور قلعه حصارکشی و دارای ۸ برج بزرگ بود که در حملات

ترکمنها و اختلافات قومی، مردم در این برجها سنگربندی می‌کردند و به دفاع از روستا می‌پرداختند. در نامگذاری جدید، اسم «مهدی‌آباد» را بر این روستا نهادند. علیخان قلعه‌ایها معتقدند که ساکنان روستا از پنج طایفه: شهبزاری، آبدلی (عابدلی)، طالبی، قره‌خانی و جانیکی تشکیل شده‌اند که از مناطق سبزوار، بجنورد، قوشخانه و گلیان به این جا آمده‌اند. شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی است و تعداد ۲۵۰۰ رأس گوسفند در این روستا نگهداری می‌شود. طبق گفتهٔ دامداران سابقاً این روستا دارای ۱۲ گله گوسفند بود که به علت عدم توجه و از بین رفتن مراتع از تعداد دامها کاسته شده است. محصولات عمدهٔ آن شامل: فراورده‌های دامی، گندم، جو، حبوبات، منداب و صنایع دستی آن قالیافی، خرسک و پلاس می‌باشد. در منطقهٔ این روستا گیاهان خودرو: قسنی، گل گاوزبان، تتران، آتوخ، سیب کوهی، چریش، زرشک، هلز، قلخان و چرمه گیاه می‌روید. غار آهکی کوچکی هم به نام مصطفی در نزدیکی مهدی‌آباد جدید وجود دارد که نسبتاً جوان بوده و هنوز قندیل‌های آن بخوبی مشخص نیست. این روستا دارای زیارتگاهی بر بالای کوه مجاور روستاست که این معصومزاده دارای صندوق چوبی است و مردم نذرو نیاز خودشان را در آن جا انجام می‌دهند و معمولاً در روز عید فطر به آن جا می‌روند. با توجه به احداث کارخانهٔ سیمان در نزدیکی این روستا، در سالهای آتی می‌بایستی شاهد رشد سریع این روستا بود. امکانات فعلی مهدی‌آباد شامل: راه خاکی، مسجد، دبستان، لوله کشی آب و شورای ده است.

روستای فیروزه FIRUZEH

روستای فیروزه در فاصلهٔ ۲۱ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به برج ذوالفقار و از جنوب به حصار موسی بیک و از شرق به روستای هنامه و از غرب به روستای قلجق محدود می‌گردد. این روستا دارای ۳۵ خانوار و ۱۹۵ نفر جمعیت است که مردمش به زبان ترکی تکلم می‌کنند که پس از تحویل قصبهٔ ییلاقی و زیبای فیروزه توسط ناصرالدین شاه به روسها، عده‌ای از آنها به ایران آمدند و روستای فعلی را به نام فیروزه در کنار رودخانهٔ قلجق بنا نهادند.

نحوه تحویل خیانتبار دره ییلاقی و قصبه بزرگ فیروزه به روسها که هم اکنون در شمال روستای سرانی، قلب هر بیننده وطن دوستی را می آزارد، بدین طریق بوده است که پس از قراردادهای گلستان و ترکمنچای، در سال ۱۲۹۹ هجری قمری قرارداد دیگری به نام آخال بین ایران و شوروی منعقد شد که به موجب آن شهرهای بزرگ سمرقند، بخارا، تاشکند، خیه، نساء، عشق آباد، و ایبورد و... به روسها واگذار شد و قصبه بزرگ فیروزه برای ایران باقی ماند. اما مجدداً در سال ۱۳۱۱ قمری باز هم به علت خیانت محمد صادق خان امیر نظام با دریافت چهل هزار منات و ارفع الدوله با دریافت شصت هزار منات رشوه فیروزه تحویل روسها می شود و در عوض روستای مخروبه حصار که در زمان فتحعلیشاه قاجار به روسها واگذار شده بود به ایران پس گردانده می شود.

شغل عمده مردم کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده این روستا شامل: گندم و جو، چغندر قند، گردو، زردآلو و فراآورده های دامی است. در کوههای اطراف فیروزه انواع فسیلهای دوکفه ای و آمونیت و گیاهان خودرو طبی کاکوتی، قسنی، شقایق، مندک، درمنه ترکی، سیب کوهی، ساری گل، هلز وجود دارد.

زیارتگاه مردم فیروزه شاهزاده عبدالله (ع) است که دارای مقبره و گنبد آجری و صندوق چوبی می باشد. مردم فیروزه افرادی زحمتکش، خوش برخورد و مهماننوازند و در چندساله اخیر به همت مردم آنجا روستا پیشرفت محسوسی داشته است. امکانات روستا در حال حاضر شامل راه شوسه، دبستان، مسجد و شورای ده است.

روستای فیض آباد FEIZ-ABAD

این روستا در فاصله ۲۱ کیلومتری شرق شیروان قرار دارد که از شمال به روستای رضا آباد و از جنوب به روستای شوق آباد و از شرق به فاروج و از غرب به روستای برزل آباد محدود است. فیض آباد دارای ۷۲ خانوار و ۳۴۴ نفر جمعیت است که معمولاً به زبان فارسی صحبت می کنند و جزء دهستان حومه شیروان است. فیض آباد با توجه به آثار برج و بارو و حصار قدیمی دور قلعه می تواند قدمت زیادی داشته باشد اما تاریخ بنای فیض آباد بروشنی معلوم نیست. این روستا چون در کنار جاده شیروان- مشهد واقع شده در سالهای اخیر

پیشرفت زیادی داشته است. محصولات عمده آن: گندم، جو و چغندر قند است که وسیلهٔ ۵ حلقه چاه عمیق آبیاری و در حدود ۲۵۰۰ رأس گوسفند در این روستا نگهداری می‌شود. امکانات این روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، لوله کشی آب و شورای ده است.

روستای قُپَز QOPPOZ

این روستا در فاصلهٔ ۵۸ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از طرف شمال کوه‌های آلخا و مسگر و از جنوب به کوه قره‌داغ و از شرق به کلاتهٔ نظرعلی و از غرب به روستای کاکلی محدود می‌گردد. قُپَز دارای ۷۴ خانوار و ۳۸۹ نفر جمعیت است که به زبان کردی تکلم می‌کنند. این روستا جزء دهستان قوشخانه است و از ایل رشوانلومی باشد که از کردستان ترکیه ابتدا به اطراف تهران و قزوین و سپس به قوشخانه مهاجرت کرده‌اند. روستای قُپَز در انتهای درهٔ قدیمی تفتازان واقع است که در روزگاران گذشته، کل این دره بسیار آباد و یکی از مراکز عمدهٔ تصمیم‌گیری‌های حکومت محلی بود. در شمال قُپَز کوه بلند مسگر با درختان سرو کوهی و گیاهان خودرو و مرتعی مناسب برای دامداران منطقه است که قلّهٔ آن با ارتفاع ۲۸۷۰ متریکی از بلندترین کوه‌های منطقهٔ شمالی شیروان محسوب می‌شود و دیگر کوه‌های قُپَز عبارت است از: شریف‌بیک و قره‌داغ و دره‌های: ایمانوردی و بيله (بیره) نیز در حوزهٔ این روستا قرار دارد. شغل عمدهٔ مردم دامداری است و با توجه به مراتع اطراف روستا، ییلاق مناسبی برای دامداران می‌باشد. محصولات عمدهٔ آن شامل: فرآورده‌های دامی، گندم و جو (به صورت دیم) و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم‌بافی است. در روستا مقبرهٔ معصومه‌زاده‌ای مشهور به سلطان ابراهیم وجود دارد که به تقریر اهالی از نوادگان امام رضا علیه السلام است که اهالی برای نذر و نیاز به این زیارتگاه متوسل می‌شوند. روستای قُپَز چون نسبت به شیروان فاصلهٔ زیاد دارد و معمولاً به علت نامناسب بودن راه ایاب و ذهاب کمتری انجام می‌گیرد. لذا سنت‌های اصیل و آداب و رسوم محلی مانند: مهماننوازی، احترام به بزرگان و بویژه احترام نوعرسان با یاشماق کردن و حرف زدن با پدرشوهر هنوز هم کاملاً رعایت می‌شود. نگارنده در مسافرتی که در اردیبهشت ماه

۶۲ به قیز داشتم خود شاهد احترام نوعروسی به پدرشوهر بودم که پدرشوهر از نحوه برخورد عروستش بسیار راضی بود. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه خاکی، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده است.

روستای قزل حصار QEZEL-HESSAR

این روستا در ۲۸ کیلومتری جنوب غربی شیروان قرار دارد که بین روستاهای شوریک عبدالآباد، باداملق، زوارم و روستاهای بجنورد محدود است. قزل حصار دارای ۳۱ خانوار و ۱۶۹ نفر جمعیت است که با زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان زوارم است و مردم قزل حصار از ایل معروف کرمانج ایزانلو هستند. این روستا به علت داشتن زمینهای مستعد برای کشاورزی به قزل حصار معروف و اما از نظر آب زراعی در مضیقه است و فقط دارای قناتی کم آب می باشد. شغل عمده مردم دامداری است و گندم و جو معمولاً به صورت دیم کشت می گردد. قزل حصارها گرچه از نظر تعداد جمعیت نسبت به سایر قراء از امکانات کمتری برخوردارند ولی این روستای کوچک دارای مردمی آگاه و مطلع و در استقامت و پایداری زبانزد می باشند. که از آن جمله می توان به اسامی مرحوم کربلایی شاه حسن و کربلایی بابا محمد اشاره کرد که در زمان حکومتهای محلی در برابر خوانین بجنورد و شیروان استقامت می کردند و با رشادت و رهبری روستاییان به هیچ کدام از خوانین باج نمی دادند. امروزه هنگامی که از معمرین قزل حصار در این مورد سؤال می کنی، ضمن درود به روان پاک این دو کربلایی مبارزه و استقامت این دورا بخصوص در برابر نوکران امیر محمدخان می ستایند. امکانات فعلی روستا شامل: راه خاکی و شورای ده است. این روستا نیز فاقد دبستان می باشد.

روستای قلیچ GHOLJOGH

روستای قلیچ در فاصله ۲۰ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به

روستاهای برج و برزو و از جنوب به محمد علی خان و از شرق به هنامه و از غرب به مزرعه گاز و زیارت محدود می‌گردد. این روستا ۶۱ خانوار و ۳۲۷ نفر جمعیت دارد که به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان زیارت است. وجه تسمیه: قلچق لغتی ترکی است که از «قُل + چق» تشکیل یافته است قُل یعنی بازو و چق یا جق و یا چخ یعنی «در رفتن» که لغت مرکب قلچق «در رفتن بازو» می‌شود که طبق اسناد دستخط شهادت معصومزاده تقی الهادی (ع) معروف به شاهزاده عبدالله که در نزدیکی قلچق به دست مسلم فراری به شهادت رسیده به علت درآوردن بازو یا قطع بازوی معصومزاده بوده است. که این محل را قلچق گفته اند که امروزه دارای مقبره و گنبد و بارگاه و مورد احترام و اعتقاد اهالی است.^{۷۹}

روستای قلچق از سه حصار: قلچق، سلطان تاجر و فیروزه تشکیل می‌شود که در حال حاضر فیروزه روستایی مستقل و سلطان تاجر که همان حصار موسی بیک باشد مخروبه است. روستای قلچق در دره‌ای سرسبز و پردرخت که رودخانه پرآب قلچق نیز از آن جریان دارد قرار گرفته است. سرچشمه رودخانه قلچق که یکی از حوضه‌های آبریز مهم شیروان می‌باشد از کوه‌های شیخ امیرانلو، سنجریک و تپله گاه است.

مؤلف مطلع الشمس می‌نویسد: یکی دیگر از قراء شیروان قلچق است که آن نیز میان دره واقع و رودخانه از آن جاری شده یک ثلث آب آن در جنب شیروان در زمینی موسوم به سه یک آب، کار و مصرف زراعت میرسد و دو سهم از آن آب به قلعه زیارت می‌رود^{۸۰}. شغل عمده مردم قلچق کشاورزی، دامداری و باغداری است و محصولات اصلی آن: گندم، جو، چغندر قند، سیب زمینی، گردو، کشمش، انواع میوه‌ها، و فراورده‌های دامی می‌باشد. کوه‌ها و دره‌های سرسبز قلچق با النگ زارهای طبیعی و چشمه سارهای کوچک دارای انواع و اقسام گیاهان خودرو طبی و خوراکی و صنعتی مانند: کاکوتی، قسنی، سامی، قارچ، گون، سیب تالک، ساری گل، پونه، شاه توت، شقایق وحشی و زیره کوهی است. تقسیم زمین در روستا معمولاً به صورت لنگ و تعداد دامهای آن ۸۵۰ رأس گوسفند است. حوضه آبریز این منطقه و دره پرآب و ژرف و تنگ آن بهترین موقعیت را برای بستن سد ایجاب

۷۹ - در کتب دیاربکریه و شرفنامه از آبادی به نام گلجوک و قلچوق نام برده شده که از روستاهای کشور ترکیه ذکر گردیده که احتمالاً در نقل و انتقالات تاریخی زمان صفویه به این محل آمده و نام آبادی سابق خود را بر این محل نهاده‌اند. و با به علت زیاد بودن گل در این محل به گلچق معروف بوده که به مرور قلچق شده است «قلچق = گل زیاد».

۸۰ - صنع الدوله، مطلع الشمس، سال ۱۳۰۰، ص ۱۴۴.

کرده که از ابتدای حکومت پهلوی مطالعات و تحقیقاتی نیز انجام گرفته است که پرونده موجود در وزارت آب و برق سابق و سازمان برنامه دلیل این مدعا می باشد و با این که احداث این سد بر روی رودخانه قلجق صدها هکتار از زمینهای مرغوب دیم این منطقه را زیر کشت آبی قرار می دهد و از میلیونها متر مکعب آب هدر رفته جلوگیری به عمل می آید و واقعاً امری بسیار ضروری و حیاتی می باشد مع ذلک تا کنون اقدامی اساسی در این مورد انجام نگرفته است.^{۸۱}

امکانات فعلی روستای قلجق شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد، آسیاب، حمام، لوله کشی آب، خانه بهداشت، شرکت تعاونی و شورای ده است و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی می باشد.

موقعیت جغرافیایی مقبره شاهزاده عبدالله: عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۳۱ دقیقه. طول جغرافیایی ۵۷ درجه و ۵۸ دقیقه ارتفاع از سطح دریا ۱۲۶۰ متر است.^{۸۲}.

روستای قلعه بیک QALEH-BEIG

این روستا در فاصله ۴۲ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به کوههای سنجر بیک و از جنوب به روستای ترانلو و از شرق به کوههای کولک و از غرب به روستاهای پیرو دانلو و قلعه حسن محدود است. قلعه بیک دارای ۱۲۳ خانوار و ۵۹۷ نفر

۸۱- نگارنده در سال ۱۳۵۴/ش در ملاقاتی که با چند نفر از همشهریان در تهران با وزیر آب و برق وقت داشتیم. هنگامی که در مورد نتیجه تحقیقات و علت عدم احداث سد قلجق از وزیر سؤال کردیم. او گفت. احتمال احداث سد بزرگ که دارای تأسیسات برق رسانی و توربین و پرورش ماهی و... که قبلاً مورد نظر بود. بسیار ضعیف و بهتر است بگویم امکان پذیر نیست. چون هزینه آن خیلی زیاد می شود و برای دولت مقدور نیست!

در جواب وزیر. هنگامی که نقش مهم اقتصادی سد و این که هزینه بررسی و تحقیق پنجاه ساله آن گویا بیش از هزینه بستن سد گردیده و مردم شیروان آن را یکی از ضروریتهای می دانند بیان شد آقای وزیر با تغییر خاصی گفتند: این مربوط به سیاست دولت است و در برنامه های عمرانی آینده در این مورد تصمیم نهایی اتخاذ خواهد شد.

به هرحال احداث این سد تحولی اساسی را در امور کشاورزی و اقتصادی منطقه خواهد داشت که امیدواریم روزی به مرحله عمل درآید «مؤلف»

۸۲- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی. فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، ص ۶۳.

جمعیت است که به زبان کردی صحبت می‌کنند و از ایل کرمانج بیچرانلو هستند. قلعه بیک جزء دهستان سیبکانلو است ساکنان روستا از طوایف مختلفی تشکیل شده‌اند که معروفترین آنها: تایانلویی‌ها، کالاج‌ها و شامالی‌ها هستند. از کنار روستا دو رودخانه یکی کال قشلاق که فصلی و کم‌آب است و دیگری به نام رودخانه ترانلو عبور می‌کند که به طرف شیخ امیرانلو جریان می‌یابد. شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی است. بیلاق دامداران کوههای گلیل، جنگل آق کمر، سنجریک و کولک و دامنه‌های پتله‌گاه است و قشلاق آنها معمولاً هفت‌چال، گوگلان و نارلی مراوه‌تپه در ترکمن صحراست. محصولات عمده روستا: فرآورده‌های دامی، زردآلو، سیب، گندم و جو، حبوبات، سیب زمینی و مقداری سردرختی است. و در کوههای منطقه قلعه بیک انواع گیاهان طبیعی خودر و طبی و خوراکی مانند: آتوخ، سیب تالک (سیوچه)، بابونه، گون یک‌پایه، شویشک، زردآلو کوهی، شقایق وحشی، مندک، زرشک و هلتز می‌روید قلعه بیک دو محل مقدس دارد. یکی زیارتگاهی به نام جد سید در گورستان کالاج‌ها و دیگری مقبره‌ای بنام سکینه صوفی که در منطقه تایانلوها قرار دارد. اهالی روستا تا اندازه‌ای آداب و رسوم و استفاده از لباس محلی کرمانجی را با تمام ویژگیهای خوب و اصیل آن حفظ کرده‌اند. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، پاسگاه ژاندارمری، مسجد، لوله کشی آب، حمام، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای قلعه حسن QALEH-HASSAN

این روستا در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال شرقی شیروان واقع است که از طرف شمال به روستای نامانلو و از طرف جنوب به کوه پتله‌گاه و از طرف شرق به روستاهای پیرودانلو و قلعه بیک و از طرف غرب به روستای نقدو محدود می‌گردد. قلعه حسن دارای ۱۰۷ خانوار و ۵۱۴ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند و جزء دهستان سیبکانلو است روستا توسط شخصی به نام «حسن خان شامی» بنیانگذاری شده است و به همین علت به قلعه حسن معروف است. مردم قلعه حسن از ایل بیچرانلو هستند و چون اجدادشان از منطقه شمال سوریه به خراسان مهاجرت کرده‌اند به شامالی یا شاملونیز

معروف می باشند. کوههای: پتله گاه، آق کمر و قره داغ و دره های: ناله داش خانه، ناله باوه، ناله بید، ناله نی یرک و کلاته در حوزه این روستا قرار دارد. شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی است. ییلاق دامداران مراتع اطراف روستا و مزرعه گلیل و قشلاقشان مراوه تپه ترکمن صحراست. محصولات عمده آن: فرآورده های دامی گندم، جو، سیب زمینی و حبوبات و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی می باشد.

قلعه حسن در سابق خان نشین بود بطوری که رئیس ایل بیچرانلو در تابستانها مقر حکومت را به آن جا منتقل می کرد و زمستانها نیز در روستای هنامه حکم می راند. از خوانین معروف ایل بیچرانلو به ترتیب می توان از حسن خان، مصرخان، کریم خان، فرج الله خان و بالاخره علی خان بیک بیچرانلو نام برد. توحیدی می نویسد: در اواخر سلطنت احمدشاه کردان بیچرانلو به ویژه فرج بیک بسیاری از افسران و ژنرالهای روس را بقتل رساندند. روسها که از جنگهای چریکی بیچرانلوها و تلفات افسران خود به ستوه آمده بودند از راه نیرنگ و فریب مانند دولت مستقلی بیچرانلوها را به رسمیت شناخته با آنها به دادوستد و ملایمت پرداختند^{۸۳}.

امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، حمام، آسیاب، پست، مسجد، لوله کشی آب، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای قلعهچه GHALEHCHE

قلعهچه در فاصله ۱۲ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از شمال به روستای هنامه و از جنوب به روستای امان آباد و قلندرآباد و از شرق به روستای باغان و از غرب به روستای محمد علیخان و قلچق محدود می گردد. این روستا دارای ۹۸ خانوار و ۴۹۸ نفر جمعیت است و مردمش به زبان گوردی و ترکی تکلم می کنند و جزء دهستان سبکانلو است. قلعهچه از سه محله کلاته، قلعهچه و محمدآباد تشکیل یافته که توسط قلندرآبادها^{۸۴} که

۸۳- کلیم الله توحیدی، حرکت تاریخی کرد به خراسان، ج ۱، ص ۴۹۰.

۸۴- شجره قلندرآبادها که همگی از خوانین و حکمرانان محلی شیروان بودند به شرح زیر است. حسن خان پدر قلندربیک، قلندربیک پدر نامدارخان، نامدارخان پدر امان الله خان. امان الله خان پدر اسدالله خان اسدالله خان پدر فرج الله خان، فرج الله خان پدر حاج امیر حسین خان نگهبان زعفرانلو و شاهپورخان نگهبان است.

اصلاً زواری می‌هستند و به زبان ترکی صحبت می‌کنند آباد و تبدیل به روستا شده است. در اطراف روستای قلعه‌چه در سابق چهار برج بلند وجود داشت که فعلاً اثری از آنها دیده نمی‌شود. شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده آن: گندم، جو، چغندر قند، کشمش و فراورده‌های دامی و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم‌بافی می‌باشد. در کنار مسجد قلعه‌چه در داخل اتاق، سنگی وجود دارد که اثر قسمتی از پای انسان بر روی آن مشخص است که مورد اعتقاد اهالی است. و مظهر قنات کلاته که در حدود ۵ اینچ آب دارد در مرکز روستاست. آب مزروعی کشاورزان بیشتر از طریق چاههای عمیق و رودخانه تأمین می‌شود. کلاته نصرالله زعفرانلویکی از خوانین سابق نیز در حوزه این روستا قرار دارد. امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، حمام، لوله کشی آب، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای قلعه‌زو GHALAH.ZU

روستای قلعه‌زو در فاصله ۲۴ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است که از شمال با روستای چوکانلو و از جنوب با روستای بیگان و از شرق با روستای شورک و منصوران و از غرب با روستای شهید نجات و خطاب در ارتباط می‌باشد. این روستا ۲۱ خانوار و ۱۱۲ نفر جمعیت دارد که به زبان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان زیارت است. قلعه‌زو یعنی روستایی که در دره قرار دارد و محل فعلی روستا نیز در شیب ملایم دامنه کوه واقع است. روستای قلعه‌زو شیروان سابقاً شاه‌نشین و محل حکمرانی امرای تیموریان بوده است. قلعه بزرگ و مخروبه تیموری در قلعه کوه و در ضلع غربی روستای قلعه‌زو قرار دارد که آثار برجها، سنگرها و پل و دیگر ابنیه آن بخوبی مشاهده می‌گردد. طول این دژ مستحکم در حدود ۱۲۰ متر و عرض آن در قسمتهای مختلف قلعه متفاوت و بین ۶۰ تا ۸۰ متر است. در چهار گوشه آن برجهای بلندی احداث شده که یکی از این برجها هنوز هم استوار و پابرجاست. بلندی این برج از سطح قلعه کوه در حدود ۹ متر است. این برج که گلاً از سنگ، گچ، گل و چوب ساخته شده در گذشته بوسیله چوبهای ضخیم آرنج به قسمتهای دیگر ارتباط می‌یافت که فعلاً بعضی از قسمتهای آن ریزش کرده ولی محل اتصال چوبها دیده می‌شود. قلعه

تیموری که مسافتی در حدود بیش از ۷۰۰۰ متر مربع را در قلعه صعب العبور در برمی گیرد. شامل آثار خانه های شاه نشینی، آب انبار، کوره، تنور، حمام و انبار و غیره که نظر هر بیننده ای را به خود جلب کرده و به تعجب و ا می دارد. موضوع بسیار جالب و سؤال برانگیز، بردن آب و مصالح و احداث این امکانات دفاعی در قلعه کوه می باشد. از قسمت زیرین همان کوهی که قلعه تیموری بر قلعه آن بناء شده است چشمه ای در ارتفاع ۴ متری دره می جوشد که طبق آزمایش یکی از بهترین آبهای آشامیدنی منطقه شیروان است و چون آب از عمق زیادی سرچشمه می گیرد اندکی گرم است. آب این چشمه با هزینه ای بسیار به روستای قلعه زولوله کشی شده ولی چون مالکیت این چشمه طبق سند متعلق به اهالی روستای زیارت است از مصرف آن جلوگیری شده است. در کنار این چشمه و در بین صخره های کوه حوضی به صورت طبیعی قرار دارد که با قرار دادن دوش، آب چشمه از بالا داخل حوض می ریزد و به محل استحمام اهالی در تابستان تبدیل گردیده است. در قلعه زو چشمه های کوچک دیگری نیز در بین دره های سرسبز این منطقه دیده می شود که دارای آبی بسیار سرد و گوارا هستند و آبدی آنها به میزان بارندگی سالانه بستگی دارد. قلعه زویکی از شکارگاههای منطقه شیروان نیز محسوب می شود که دارای انواع بز کوهی و میش است.

شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی و محصولات عمده آن: فرآورده های دامی و گندم و جوبه صورت کشت دیم می باشد تعداد ۵۰۰ رأس گوسفند و ۱۱۰ رأس گاو و گوساله در این روستا به صورت سنتی نگهداری می شود و صنایع دستی آن منحصر به یک کارگاه قالیبافی است. با این که خود روستا بدون درخت و کاملاً خشک است اما در کوههای اطراف آن گیاهان خودرو طبیعی زیادی مانند: قسنی، آنوخ، زرشک (در داخل دره غربی قلعه تیموری) سیب کوهی، مندک، گون که از آن کتیرا می گیرند، گل پوپک و... می روید. ضمناً منطقه قلعه زویکی از مناطق تپسیک و بکر برای مطالعه و تحقیق زمین شناسی و فسیل می باشد. در طرف شمال روستا و کنار راه عبوری مقبره ای مخروبه قرار دارد که طبق گفته اهالی معروف به شیخ بابا و مورد اعتقاد مردم آن جا است. امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، دبستان، لوله کشی آب، مسجد و شورای ده است.

روستای قلّهک سفلا QOLHAK-SOFLA

این روستا در فاصله ۵۸ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است و از طرف شمال به روستای شناقی علیا و از جنوب به ینگه قلعه پایین و از شرق به قلّهک علیا و از غرب به روستای حلواچشمه محدود می‌گردد. که جزء دهستان قوشخانه شیروان است و مردمش به زبان ترکی تکلم می‌کنند. این روستا دارای ۶۲ خانوار و ۲۹۴ نفر جمعیت است. آب آشامیدنی مردم از قره چشمه لوله کشی و تأمین می‌گردد. کوههای: کورکورلی، کوه مؤمن، دوآلدوران، قرون چناق، قُرت باغره و درّه های عاشقلی، اوش دره و آخاجلی درّه. در حوزه این روستا قرار دارد. درخت چنار بزرگی در نزدیکی کوه یکه دام وجود دارد که معمولاً زنان نذر و نیاز خود را در آن جا انجام می دهند در بهار سال ۵۸ در زیر درخت مورد احترام اهالی، هنگامی که انگیزه این کار را پرسیدم شیرزنی روستایی با لباس محلی و یاشماق کرده گفت: از قدیم الایام بزرگان ما در زیر این درخت عزیز هر چه نذر و نیاز می‌کرده اند مورد اجابت قرار می‌گرفت و امروز نیز این سنت قدیمی ادامه دارد. محصولات عمده این روستا: فراآورده های دامی، گندم و جو، عدس و نخود است و در حدود ۸۰۰ رأس گوسفند در این روستا نگهداری می شود. امکانات روستا نیز شامل: راه خاکی، لوله کشی آب، دبستان، آسیاب و شورای ده است و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی می باشد. قلّهک بالا نیز دارای ۶۹ خانوار و ۳۷۵ نفر جمعیت است که در بین روستاهای شناقی بالا، حجت آباد، قلّهک پایین و باغ محدود است و به زبان ترکی صحبت می‌کنند.

روستای قولانلو QOLANLUE

دو روستای قولانلو علیا و سفلا در مجاور یکدیگر و به فاصله ۳۰ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است که روستای قولانلو علیا از شمال به روستای سولدی و از جنوب به جاده تکمران و از شرق به روستای لوجللی و از غرب به روستای توکور محدود است و قولانلو سفلا

نیز از شمال به توکور از جنوب به کلاته معین (جعفری) و از شرق به لوجلی و از غرب با زمینهای شوریک زیارت ارتباط دارد. قولانلو علیا دارای ۶۰ خانوار و ۳۴۰ نفر جمعیت است که ۱۴۶ نفر از آنها باسواداند و قولانلو سفلا نیز دارای ۷۶ خانوار و ۳۷۸ نفر جمعیت است که ۲۱۶ نفر از آنها سواد خواندن و نوشتن و بالا تر را دارند. هردو روستا جزء دهستان تکمران است و مردمش به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند. مردم قولانلو از نظر نژادی یکی از تیره‌های ایل میلانلو می‌باشند و عده‌ای نیز از ایل بیچرانلو و سیوکانلو هستند. شغل اصلی مردم قولانلو دامداری است و طبق آمار هردو آبادی ۳۵۰۰ رأس گوسفند و ۲۵۰ رأس گاو و گوساله دارند. محصولات عمده روستا: فراورده‌های دامی، گندم، جو، نخود و عدس است که معمولاً به صورت دیم کشت می‌گردد. مقداری نیز سردرختی مانند سیب و کشمش دارند. بیلاق دامداران کوههای اطراف روستا و قشلاقشان مراوه تپه ترکمن صحراست که به صورت نیمه کوچرو دامداری می‌کنند. صنایع دستی مردم قالیبافی و گلیم‌بافی است. کوههای: بیان قره و ناله سوسه، ناله رشکان و ناله علی خان در حوزه این روستا قرار دارد و وجود درختان مرغ بطور پراکنده در بین دره‌ها و کوهها نشان‌دهنده وجود جنگلی بودن منطقه قولانلو در سابق است. در محلی به نام «بیالی» که عده‌ای معتقدند یکی از مردان حق برای وضو گرفتن به نحوی از آن جا آبی درآورده است و اکنون در حدفاصل روستا و کوه واقع است مورد اعتقاد مردم می‌باشد که معمولاً در روزهای عید نوروز برای نذر و نیاز به بیالی می‌روند. لباس محلی هردو روستا سنتی است و دارای امکانات: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، لوله کشی آب از چشمه قوز، آسیاب، حمام، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای کاکلی KAKOLI

این روستا در فاصله ۵۷ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال با کلاته زمان و سرداب و از جنوب با روستای سولدی و از شرق با روستای قُپَز و از غرب با روستای آق قلعه در ارتباط می‌باشد. کاکلی دارای ۶۸ خانوار و ۳۳۹ نفر جمعیت است و مردمش به زبان کردی و ترکی تکلم می‌کنند. این روستا در دره معروف تفتازان یکی از مناطق قدیم

شیروان و پس از روستاهای زو، تفتازان و آق قلعه قرار دارد. جزء دهستان قوشخانه شیروان است.

مقبره سعد بن حسام الدین یکی از علمای بزرگ که نوه ملا سعد الدین تفتازانی است در کاکلی قرار دارد که دارای سنگ نوشته ای به شرح زیر است:

الله. وفات المرحوم المغفور سعد بن حسام الدین بن المرحوم سعد الدین مسعود تفتازانی شب آدینه دهم محرم در تاریخ سنه ثلاث و تسع ماء.

روستای کاکلی نیز از قراء قدیمی محسوب می شود زیرا از تپه معروف به «پشت بورج» در نزدیکی روستا تا به حال آثار عتیقه زیاد به خصوص ظروف سفالی و مسی زیادی کشف گردیده است. شغل اصلی روستاییان دامداری و کشاورزی است که دامداران از روش نیمه کوچرو استفاده می کنند. محصولات عمده روستا گندم و جو و حبوبات و فراورده های دامی است. در این روستا چشمه سارهای بسیاری وجود دارد که نام بعضی از آنها بوکه بکله، ملا محمد، تیجرو قویلخه است و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی است. و دارای امکانات: راه خاکی که معمولاً در زمستان مسدود می شود دبستان، مسجد و شورای ده است.

روستای کالتمانلو KALTMANLUE

کالتمانلو در فاصله ۵۴ کیلومتری شمال شرق شیروان قرار دارد که از طرف شمال به زیندانلو و از طرف جنوب خلّاجلو و از شرق به نامانلو و از غرب به میلانلو سفلا و چرمه محدود می گردد. این روستا دارای ۲۹ خانوار و ۹۴ نفر جمعیت است که به زبان کردی کرمانجی تکلم می کنند و جزء دهستان جریستان است. مردم کالتمانلو از ایل بیجرانلو می باشند و شغل اصلی آنها دامداری است. بطوری که این روستای کوچک دارای ۱۰ گله گوسفند است که به روش کوچرو دامداری می کنند ییلاق دامداران کوهها و دامنه های سرسبز شمالی بخصوص مزرعه نوار مرزی گلیل و قشلاقشان نارلی و هفت چال مراوه تپه در ترکمن صحراست. آثار قدیمی در کالتمانلو مشاهده نمی شود. محصولات عمده آن: فراورده های دامی و مقداری گندم و جو و حبوبات است و صنایع دستی آن: چادر بافی،

خرسک، و بافت چوخه و پارچه لباسهای محلی است در مورد وجه تسمیه روستا نیز مردم معتقدند چون این روستا توسط افراد قلدر و پرزوری به وجود آمده و معمولاً در برابر زورگویان سرتسلیم فرود نمی آوردند به قالتمان‌ها معروف شده‌اند که به مرور پسوند «لو» نیز به آن اضافه شده است امکانات روستا شامل: راه، سرویس، دبستان، حمام و شورای ده می باشد. در سابق بین کالتمانلو و آبادی چرمه تشکیلات گمرکی ایران- شوروی قرار داشت که دارای برج و بارو و حصار بود و امور گمرکی را انجام می داد که آثار آن هنوز هم مشاهده می گردد. چرمه در حال حاضر به عنوان یک روستای مستقل دارای ۱۹ خانوار و ۷۸ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کردی صحبت می کنند و از ایل بیچرانلو هستند و بین روستاهای میلانلو، تخت قالتمانلو و زیندانلو محدود بوده، شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی و جزء دهستان جریستان است.

روستای کلاته نظرعلی KALATEH. NAZARALI

کلاته نظرعلی در فاصله ۵۴ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به کوههای آلخاس و سرداب و سرانی و از جنوب به روستای پالکانلو علیا و از شرق به روستای کوسه و از غرب به کلاته نظر محمد محدود می گردد. کلاته نظرعلی دارای ۱۱۴ خانوار و ۵۱۲ نفر جمعیت است و مردمش به زبان کردی کرمانجی تکلم می کنند. و جزء دهستان جریستان شیروان است از کنار روستا رودخانه ای می گذرد که آب مزروعی کشاورزان را تأمین می کند. شغل عمده مردم دامداری و کشاورزی است و محصولات عمده آن: فرآورده های دامی، گندم و جو، حبوبات، آلوچه و زردآلوی می باشد. کوهها و دره های شمالی نظرعلی دارای مراتع و چراگاههای مناسبی برای دام می باشد که اگر به نحو اصولی و علمی مورد استفاده تعلیف دامی قرار گیرد می تواند تأمین کننده کامل علوفه ییلاقی دامداران منطقه باشد. دامداری در این روستا به روش کوچرو انجام می شود و قشلاق دامداران مراوه تپه ترکمن صحراست. کلاته نظرعلی با توجه به آثار قدیمی و برج و بارو یکی از اولین آبادیهایی بوده است که در زمان صفویه ایجاد شده است. محلی به نام قدمگاه عبدالرحمان زیارتگاه و مورد اعتقاد اهالی است که معمولاً نذر و نیاز در آن محل انجام

می‌گیرد و در روستا درخت قطور و کهنسالی از نوع چنار وجود دارد که قدمتش به ۱۰۰۰ سال می‌رسد.

مردم روستا، سنت لباس پوشیدن محلی را بخوبی حفظ کرده‌اند و زنان اکثر از لباس کردی استفاده می‌کنند. صنایع دستی آن: قالیبافی، گلیم‌بافی و پلاس‌بافی است. امکانات فعلی روستا شامل: راه خاکی، دبستان، مسجد، خانه بهداشت، آسیاب، پست، سرویس نامنظم، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای کلاته نظر محمد KALATEH- NAZAR- MOHAMMAD

این روستا در فاصله ۵۴ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از طرف شمال به کوه‌های قُز و از جنوب به روستای پالکانلو علیا و از شرق به روستای کلاته نظر علی و از غرب به روستای سولدی محدود می‌گردد. کلاته نظر محمد دارای ۷۸ خانوار و ۳۹۱ نفر جمعیت است و جزء دهستان جیرستان شیروان است. مردم کلاته نظر محمد به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند و از ایل سیفکانلو هستند. در اطراف این روستا کوه‌های گنج‌خور و قره‌داغ قرار دارد که دارای دره‌های سرسبز و مرتعی: دره قشلاق، دره گنبدلی و دره‌النگ‌زار می‌باشد که علوفه دام عشایر کوچرو این روستا را بخوبی تأمین می‌کند و در زمستان معمولاً دامداران عمده برای قشلاق به مراوه‌تپه می‌روند. در روستا آثار قدیمی دیده نمی‌شود و طبق اظهار معمرین این آبادی توسط نظر محمد یکی از دامداران بزرگ بنیانگذاری و به مرور به روستا تبدیل گردیده است. مردم کلاته نظر محمد بیشتر دامدار هستند تا کشاورز و محصولات عمده آن: فراورده‌های دامی، گندم و جو است. صنایع دستی آن قالیبافی و بافت پارچه‌های اخیل محلی و دستکش و جوراب پشمی و کرکی می‌باشد. در کوه‌های نظر محمد انواع درختان سرو کوهی به صورت تنک دیده می‌شود که در سابق جنگل بوده است. دامنه کوه‌های نظر محمد یکی از بهترین مناطق رشد گیاهان خودرو طبیبی و خوراکی است. امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، حمام، مسجد، لوله کشی آب، آسیاب و شورای ده است.

کلاته هندی KALATEH-HENDI

این روستا در فاصله ۲۲ کیلومتری شمال شرق شیروان قرار دارد که از شمال به الله آباد و از جنوب به آق سلخ و از غرب به مهرآباد و از شرق به روستای سکه محدود می‌گردد. کلاته هندی ۲۴ خانوار و ۱۲۱ نفر جمعیت دارد و بجز یک خانواده بقیه به زبان کردی صحبت می‌کنند و جزء دهستان حومه شیروان است. سابق جاده شوسه شیروان به قوچان از کنار این روستا می‌گذشت و معمولاً استقبال از حجاج و کربلاییهای قدیمی شهر در کلاته هندی و مهرآباد انجام می‌گرفت. این روستا دارای دو قنات دایر است که هر دو رشته آن در استخر بزرگ ذخیره می‌شود و مورد استفاده کشاورزان و باغداران قرار می‌گیرد. محصولات عمده آن: گندم و جو، کشمش، نخود و عدس و یک گله گوسفند و صنایع دستی آن قالیبافی است. امکانات روستا شامل: راه و دبستان است.

روستای کورکانلو علیا KORKANLUE-OLYA

این روستا در ۶۸ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که بین روستاهای کوسه، سیل سپرانلو، ملوانلو، الخاص و پالکانلو محدود است و دارای ۴۴ خانوار و ۲۲۸ نفر جمعیت است و به زیان کردی تکلم می‌کنند و جزء دهستان جیرستان است شغل مردم کشاورزی و دامداری و محصولات عمده آن: گندم و جو و فرآورده های دامی می باشد و صنایع دستی آن قالیبافی است امکانات روستا شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد، لوله کشی آب و شورای ده است.

روستای کورکانلو سفلا KORKANLUE-SOFLA

کورکانلو سفلا در فاصله ۳۷ کیلومتری شمال شرق شیروان واقع است که از طرف

شمال با روستاهای دوآب و خلوجل و از جنوب با کوه پتله گاه و از شرق با محمد دورانلو و قلعه حسن و از غرب با روستای خدر در ارتباط می باشد. این روستا دارای ۲۷ خانوار و ۱۳۱ نفر جمعیت است و شخص ملّا و عالمی این آبادی را به روستا تبدیل کرده است. کوه نزدیک روستا به گچ معروف است و دره های معروف آن عبارت است از: گلخور، برجاق قلی، آرچم لی و کلاته. در نزدیکی کورکانلو سفلا درخت کهنسالی از نوع سرو کوهی که در محلّ اُرسی می گویند و طبق تقریر اهالی بیش از هزار سال سن دارد قرار گرفته که مورد اعتقاد و احترام مردم است و آن را عزیز می دارند و چهارشنبه ها برای نذرو نیاز به کنار این درخت می روند. شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی است و امکانات روستا شامل: راه، دبستان و شورای ده است.

روستای کوسه KUSSEH

روستای کوسه در ۵۰ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از طرف شمال به کوه آخاص و از طرف جنوب به روستاهای کورکانلو علیا و پالکانلو و از طرف شرق به روستای آخاص و از طرف غرب به کلاته نظرعلی محدود می گردد. این روستا ۱۵۸ خانوار و ۷۸۱ نفر جمعیت دارد که مردمش به زبان ترکی تکلم می کنند. کوسه مرکز دهستان جیرستان شیروان است. مردم معتقدند قریّه کوسه توسط عده ای از مردم ترک زبان سرولایت نیشابور آباد و به روستا تبدیل گردیده است و چون در اطراف آن، آبادی و روستای دیگری در اوایل کار وجود نداشته نام کوسه بر آن نهاده اند.

با توجه به بنای اولیه این روستا که سابقاً دارای برج و بارو نیز بوده است. کوسه یکی از قراء قدیمی شیروان محسوب می شود که قدمت آن حداقل به قبل از خوارزمشاهیان می رسد. در روستا محلّی به نام قدمگاه توفه وجود دارد که مورد احترام و اعتقاد و زیارتگاه مردم می باشد. شغل اصلی مردم کشاورزی، دامداری و باغداری است. ییلاق دامداران کوهها و درّه های سرسبز اطراف روستا و قشلاقشان مراوه تپّه ترکمن صحراست و محصولات عمده روستاییان شامل: گندم، جو، فراورده های دامی، سیب، زردآلو، سپیدار و بید می باشد. صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی و نمدمالی است و زنان هنرمند کوسه ای در

بافت دستکش، جوراب، کلاه و شال گردن بسیار ماهرند. کوههای نوکسان و نوساز و دره‌های: اوزون دره، پالیز دره و داملردره در حوزه این روستا قرار دارد. از کوسه رودخانه ای عبور می‌کند که حوزه آبریز آن از کوههای آلخا، مسگر، گنج خور است. امکانات فعلی روستای کوسه شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد، لوله کشی آب، سرویس ایاب و ذهاب، تلفن، خانه بهداشت، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای گدوکانلو GADUKANLUE

این روستا در ۲۳ کیلومتری شمال شرق شیروان قرار دارد که از شمال به خرسکانلو (پسکوه) و از جنوب به کوه قنبر و از شرق به روستای بی بهره و از غرب به رحیم آباد هنامه محدود است. گدوکانلو دارای ۶۹ خانوار و ۳۴۱ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کردی تکلم می‌کنند و از ایل سیفکانلو می‌باشند. نام این روستا اخیراً به «زیرکوه» تغییر یافته است و جزء دهستان سیفکانلو شیروان است. در مورد وجه تسمیه آبادی در فرهنگ لغات گدوک به «راه میان دو کوه، گردنه و گُتل»^{۸۵} و یا «گردنه کوه و جایی از کوه که برف در آن جمع شود» معنی شده است که با توجه به موقعیت این روستا و اضافه شدن پسوند ترکی «انلو» به مرور گدوکانلو گفته شده که نام بامسمایی می‌باشد. البته عده ای از روستاییان نیز معتقدند که چون ایل سیفکانلو از ایل کیکانلو منشعب شده است نام آبادی ابتدا کیکانلو بوده که به مرور گدوکانلو گردیده است.

شغل اصلی مردم دامداری و بیلاق آنها مراتع اطراف روستا و کوههای اوغاز است و قشلاق دامداران عمده مراوه تپه ترکمن صحراست محصولات تولیدی مردم: فراآورده های دامی، گندم و جو، سیب زمینی، گردو، سیب درختی و گوجه درختی، خیار و هندوانه است. آب آشامیدنی مردم از چشمه سجیل تأمین می‌شود و روستا نسبتاً سرسبز و پر درخت و رودخانه ای نیز از مجاور آن می‌گذرد. کوههای لمرگاز، پتله گاه و ناله قاره و چشمه های عطر، نرسی و سجیل در حوزه روستای زیرکوه قرار دارد. امکانات فعلی روستا شامل: دبستان، راه، مسجد، آسیاب، سرویس ایاب و ذهاب، لوله کشی آب، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای گرزو GEREH-ZU

روستای گرزو در ۴ کیلومتری جنوب غربی شیروان واقع است که از شمال با زمینهای مزروعی شیروان و زیارت و از جنوب با روستای بزآباد و از شرق با محله گونبات و زمینهای کشاورزی شیروان و چلو و از غرب قره‌قازان و روستای حسین‌آباد ارتباط دارد. این روستا دارای ۵۹ خانوار و ۲۹۵ نفر جمعیت است که به زبان کردی و ترکی تکلم می‌کنند. و جزء دهستان زیارت است. گرزو در دامنه کم شیب کوههای جنوبی شیروان و در کنار رودخانه اترک و در دهانه دره قرار گرفته است، به اصطلاح گره‌ای در دهانه زو می باشد و در اصل گره زو بوده که به مرور به گرزو تغییر یافته است. روستای گرزو فاقد قنات و چشمه است و آب مزروعی آن از طریق چشمه قرخ قز روستای تنسوان و رودخانه اترک و چاههای عمیق تأمین می‌گردد. شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده آن: گندم، جو، و چغندر قند و فرآورده‌های دامی و صنایع دستی آن قالیبافی است. این روستا تا چند سال پیش جمعیت کمی داشت ولی به علت نزدیکی به شهر و بالا رفتن هزینه مسکن و زندگی شهر در سالهای اخیر عده‌ای به آنجا مهاجرت و اسکان یافته‌اند و بر جمعیت روستا نیز افزوده شده است. امکانات فعلی روستای گرزو شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد، برق، پست، شرکت تعاونی و شورای ده است و اخیراً با حفر چاه عمیق قصد لوله کشی آب آشامیدنی را دارند که یکی از ضرورتهاست.

روستای گرماب GARMAB

گرماب در فاصله ۳۶ کیلومتری جنوب شیروان قرار دارد که از شمال به روستای حصار پهلوانلو و گلیان و از جنوب به روستای بلقان و از شرق به روستاهای قوچان و از غرب به زمینهای مزروعی برزلی محدود می‌گردد. این روستا دارای ۴۹ خانوار و ۲۴۷ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کردی صحبت می‌کنند. گرماب جزء دهستان گلیان است.

گرماب که گاه قشلاق نیز گفته می شود فاقد راه ماشین رو تا روستاست و از حصار پهلوانلو در حدود ۵ کیلومتر را می بایستی با موتورسیکلت یا چهارپایان و یا پیاده طی کرد. آب مزروعی گرماب از سرچشمه اصلی رودخانه گلیان که از حوضه آبریز کوههای بلقان اسطرخی تشکیل می گردد. تأمین می شود. و شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی است و محصولات عمده آن: گندم و جو، گردو، زردآلو، حبوبات و کشمش و فرآورده های دامی است و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی می باشد.

روستای گرماب با توجه به موقعیت آب و هوا و چندین چشمه از جمله: کانی زنده خانه، کانی مره، کانی بش قُل و کانی کربلایی حیدرو حاصلخیزی خاک در صورتی که دارای راه و دو، سه حلقه چاه عمیق گردد بزودی می تواند جمعیت زیادی را به روستا جلب نماید. طبق اسناد قدیمی دست خط این روستا توسط عده ای از ترکها آباد گردیده است که به علت نبودن راه و مشکل ایاب و ذهاب از روستا مهاجرت کرده اند. امکانات فعلی گرماب شامل: دبستان، مسجد، لوله کشی آب آشامیدنی از طریق چشمه زنده خانه، حمام و شورای ده است.

روستای گلیان GELYAN

گلیان در فاصله ۲۳ کیلومتری جنوب شیروان واقع است که از طرف شمال به روستای ملا باقر و از طرف جنوب به روستای استخری و بلقان و از شرق به زمینهای مزروعی قوچان و از غرب به روستای بُرزلی محدود می گردد. این روستا دارای ۲۵۹ خانوار و ۱۱۹۴ نفر جمعیت است. و مردمش به زبان فارسی تکلم می کنند. این روستا مرکز دهستان گلیان نیز هست.

روستای گلیان یکی از قراء بسیار قدیمی شیروان است که روزگاری مرکز حکومت پایین ولایت بوده است. مؤلف مطلع الشمس می نویسد: جلیان (گلیان) از اماکن معتبره مشهوره بوده لزوماً در این محلّ ذکر از آن باید نمود. پوشیده نباشد که جیلان مغرب گلیان و از اعمال شیروان است و در دره سختی واقع شده که معقل و محکمه طبیعی با استحکامیست، یمین و یسار دره که طرف مشرق و مغرب می باشد جبال شامخه سنگی

است و بخط عمود مشابه دیواری که از یک تخته سنگ ساخته باشند بلند شده. انسان بلکه هیچ حیوانی جز پرند نمی تواند از دو طرف کوه بالا رود.

سمت جنوب این دره قلعه چهاربرجی بنا کرده اند و معروف به قلعه موسی خان است. این قلعه دهنه را که از سمت کوه و اسفراین می آمده حفظ و نگهبانی میکرد. بالای دو کوه مشرق و مغرب از هر طرف بفاصله هزار الی هزار و پانصد ذرع سه برج ساخته شده، دهنه طرف شمال این دره که منتهای باغاتست معلوم نیست که به چه واسطه محفوظ بوده قلعه داشته یا سنگری بسته است. شاید اسباب حراستی داشته و بمرور آثار آن محو و نابود شده، ممکن بتفحص چیزی بدست آید. منتهای این دره پانصد ذرع و منتهای طول تا به دهنه که انتهای مزارع و باغاتست ربع فرسخ می باشد و دارای دو آبادیست یکی از آن دو آبادی در انتهای جنوب در زیر قلعه موسی خانست و اگراد پهلوانلو که یکی از قبایل زعفرانلومی باشند در آن سکنی دارند و تقریباً پنجاه خانوارند. در اغلب خانه های آنها چشمه های کوچک است که آب صاف گوارا دارد. آبادی دیگر بفاصله پانصد قدم و در طرف شمال دره است و زیاده از صد خانوار سکنه دارد و یک حمام دایر و دو مسجد و تکیه و یک مدرسه^{۸۶} در این آبادی هست اهالی و سکنه اینجا فارسند، این دو آبادی موسوم به جلیانست بعبارت آخری یکی جلیان علیا و دیگری جلیان سفلا می باشد آب رودخانه که از جلیان جاریست و بطرف شیروان روان می باشد و زرمغان را سیراب می سازد منبعش قریه اصطخریست که مسافت آن تا جلیان یک فرسخ است. تمام آب رودخانه جلیان در اواسط تابستان ده سنگ است. گلیان شهر بزرگی بوده و هفت حمام داشته و آثاری از آن حمام ها باقیست در بعضی از قباله ها و اسناد قدیمه بجنورد و مانه و سملقان و حتی اسفراین را از توابع جلیان می نوشته اند. در جلیان سفلا مقبره و بقعه معتبریست معروف بمقبره باباتوکل، وسعت بقعه شش متر در شش متر و ارتفاع آن تا زیر طاق هشت ذرع بنا بدین عمارت از سنگ و گچ بوده و قبه از آجر و صندوق چوبی منبتی داشته که در یکی از زلزله خرد شده است. صورت قبر به ارتفاع سه چارک باقیست. از قرار معلوم باباتوکل از مشایخ عرفا و مرتاضین بوده رباعی سطور در ذیل توصیف او در این نواحی مخصوصاً معروفست.

هم کان مروتنی و هم برهانی هم دست ولایتی و هم سلطانی

۸۶- در سال ۱۳۰۰ قمری گلیان دارای مدرسه علمیه بوده است.

مشهورتری زآفتاب ثانی قطب دو جهان توکل جلیانی
 در شمال قبر باباتوکل، امیر شمس الدین محمد بن امیر نظام الدین ولی بیک مدفون بوده،
 سنگ قبر او را اهالی از زیر آوار قبّه بقعه خرابه بیرون آورده شسته و پاک کرده بر مزار قبر
 باباتوکل نصب کرده اند. سنگ مزبور، مرمر سیاه به رنگ شبه و شکلاً^{۸۷} مربع مستطیل و طول
 آن کمتر از یک ذرع و عرض نیم ذرع و یک سطح فوقانی و چهار سطح اطراف و چهار سطح
 دامنه دارد و میانش مجوفست و در حجاری و نقاری وجودت خط نهایت ممتاز است در
 پهلوی مغرب سنگ و پهلوی طرف مشرق این کتیبه نوشته شده است: هذا المرقد میرزاده
 المرحوم المبرور الواصلی جوار الله الملك الصمد شمس الملة والدین محمد بن عالیجناب
 امارت ماب شجاعت اقتدار امیر نظام الدین ولی بیک طول عمره. و در ذیل آن نوشته شده:
 ای خاک که در دفینه گوهر داری در سینه نهان مهر منور داری
 زنهار که همچو جان عزیزش می دار کاینجان جهانست که در برداری
 سنه ۹۳۰ قمری

اشعار ذیل نیز در حاشیه دامنه سنگ مسطور است.

تاریخ سال نهصد و سی بود کز قضا شد نور چشم عالمی از دیده ها پنهان
 شمسی که بود بزم شرف روشن از رخسار در پیرهن کشید سرخویش ناگهان^{۸۷}
 اقتصاد گلکان در مرحله اول بر کشاورزی و باغداری و در مرحله دوم بر دامداری متکی
 است و محصولات عمده آن: گندم و جو و کشمش و پیاز و سیب زمینی و گردو است و
 اخیراً یک مؤسسه پرورش ماهی قزل آلا نیز در آنجا تأسیس گردیده که قسمتی از گوشت
 مصرفی مردم شهر و روستا را تأمین می کند. صنایع دستی آن نیز قالیبافی و گلیم بافی که در
 چندین کارگاه به دست هنرمندان گلکانی آماده و برای پرداخت و کارهای نهایی به مشهد
 صادر می گردد. گلکان از محدود قراء شهرستان شیروان است که می توان با قاطعیت اعلام
 کرد که معتاد به مواد مخدر ندارد و تعداد سیگاریهای روستا کمتر از ۲۰ نفرند^{۸۸} در صورتی که
 این روستا مرکز دهستان و دارای جاده ارتباطی و سرویس منظم ایاب و ذهاب با شهر است.
 مردم گلکان افرادی متدین، مؤمن و بسیار زحمتکش هستند و درصد باسوادان نیز بالا است.

۸۷ - منبع الدوله، مطلع الشمس، صص ۱۴۰-۱۴۲.

۸۸ - پیشنهاد می شود در رابطه با عدم اعتیاد مردم این روستا به مواد مخدر که از روستاهای منحصراً منطقه است از
 طرف کارشناسان مربوط تحقیقات علمی انجام پذیرد تا در برنامه ریزیهای آینده متمرکز گردد «مؤلف»

روستای گلیان با توجه به مناظر زیبای طبیعی و چشمه سارهای فراوان و رودخانه خروشان و باغهای پردرخت و آلتنگ زارهایش یکی از مناطق ییلاقی و گردشگاههای دیدنی شیروان محسوب می شود.

روستای تاریخی و دیدنی گلیان حتی در سال ۱۳۰۰ قمری شاه قاجار را نیز مجذوب خود کرده است بطوری که ناصرالدین شاه می نویسد: «روز جمعه ۲۶ رمضان در مراجعت از ده زوارم بعضی از بلد‌ها عرض کردند، دهی است در پشت همین کوه زوارم موسوم به گیلارد (گلیان) که ده بسیار باصفای پرآب خویست و از اینجا تا آنجا دو فرسخ و از آنجا هم تا منزل شیروان دو فرسخ که روی هم رفته یکفرسنگ از راه معمولی دورتر است و این یکفرسنگ دوری راه به عبور از این ده باصفا ارزش دارد... ده گیلارد (گلیان) توی دره در بغله کوهی واقعست. دو قلعه بالای ده را از قدیم ساخته اند. یکی اینطرف دره و دیگری آنطرف. بسیار قلعه های محکم. بزرگ کهنه ایست. از توی ده عبور کردیم معبر از وسط ده است از خانه های ده گذشته داخل رودخانه شدیم که از وسط دره می گذرد و بقدر هفت، هشت سنگ آب سرد گوارایی دارد که از چشمه های متعدد ترکیب شده است. باغ خوبی هم بود که زمینش همه چمن و انواع اشجار داشت آفتاب گردان زدند نهار خوردیم... ۵/۵ به غروب مانده سوار شده از توی رودخانه همه جا سرازیر از سایه درختها گذشتیم. درختهای گردوی بسیار بزرگ دارد مسافت زیادی طی کرده تا به آخر دره رسیدیم»^{۸۸}.

گلیان در سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۲۹۹ شمسی مرکز عملیات خدوسردار بود او در ابتدای مخالفتش با دولت مرکزی ایران که از طرف روسها حمایت می شد اهداف حکومت دهقانی داشت اما به مرور از مسیر اصلی فعالیت خود منحرف شده بود. حسین مکی می نویسد: «۲۴ حمل ۱۳۰۰ هجری تلگرافی از خراسان به هیئت دولت رسید که خداوردی (خدوسردار) و همراهان وی اخیراً در صفحه خراسان پیدا شده و شروع به یاغیگری کرده اند. از طرف کلنل محمدتقی خان قوای کافی بصوب قلعه گلیان که محل آنها بود اعزام شد و پس از رسیدن قوا به آنجا بین طرفین جنگ سختی درگرفت که بالنتیجه در اثر پایداری و شجاعت نظامیان قلعه بتصرف قوای دولتی درآمد و خداوردی و همراهانش شکست خورده و فرار کردند. ولی در نتیجه اقدامات رئیس ژاندارمری کلنل محمدتقی خان و حاکم نظامی

خراسان برای دستگیری و قلع و قمع خداوردی پس از یک جنگ دیگر قوای خدوسردار بکلی مضمحل و درهم شکست و خداوردی شخصاً به بجنورد ورود و تسلیم حاکم آنجا شد^{۸۹}».

جورج لنزوسکی می نویسد: «خدوسردار از عوامل روسها بوده است...»^{۹۰} به هر حال اگر در حال حاضر هم مایل به دیدار از این روستای باصفا باشید هنوز هم قسمتی از سنگرهای مستحکم خدوسردار را در قلل مرتفع کوهها خواهید دید که در آن زمان بوسیله تلفن از سنگرها با یکدیگر تماس می گرفتند. گلیان در حال حاضر دارای امکانات: راه شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب، برق، مرکز خدمات درمانی، خانه بهداشت، ۲ باب دبستان، مدرسه راهنمایی، مهد کودک، تلفن، پست، بانک، پاسگاه ژاندارمری، ۳ باب مسجد، ۲ باب حمام، مرکز شرکت تعاونی، نانوائی، قصابی و چندین مغازه، آسیاب و شورای ده می باشد. زیارتگاه اهالی مقبره باباتوکل گلیانی است که مورد اعتقاد مردم است و از دیگر آثار تاریخی این روستا می توان به غار کافرقلعه و گبرخانه اشاره نمود که هر دو در سابق مسکونی و اشیای عتیقه زیادی از آنها کشف گردیده است.

روستای گنج آباد GANJ-ABAD

این روستا در ۱۶ کیلومتری جنوب شرقی شیروان واقع است که از شمال به جاده آسفalte و زمینهای مزروعی دوین و از جنوب به روستای دوین و از شرق به زمینهای مزروعی قوچان و از غرب زمینهای مزروعی سه یک آب و شوریک محدود می گردد. گنج آباد متصل به روستای بزرگ دوین است و سابقاً جزیی از این روستا بود که به علت گسترش زیاد و کثرت جمعیت در حال حاضر خود روستایی مستقل است. گنج آباد دارای ۲۹۵ خانوار و ۱۵۲۶ نفر جمعیت است که به زبان ترکی تکلم می کنند و جزء دهستان حومه شیروان است. این محل چون در کنار آبادی بسیار قدیمی گبرخانه مربوط به زمان اشکانیان^{۹۱} و ساسانیان

۸۹- حسین مکی؛ تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، ص ۳۳۳.

۹۰- جورج لنزوسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران.

۹۱- نصرت الله مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، با شماره ثبت تاریخی ۶۹۸.

قرار دارد و در کاوشهای محلی اشیاء و وسایل عتیقه زیادی از این محل کشف شده است به گنج آباد معروف گردیده است. در چند ساله اخیر عده ای از اکراد ایل قهرمانلو به این روستا مهاجرت کرده و در آنجا سکنا گزیده اند و معمولاً شغل دامداری سابق را به صورت نیمه کوچرو ادامه می دهند. اکراد قهرمانلویکی از ایلات چمشگزک است که در زمان صفویه به شمال خراسان کوچانیده شده و نقشی مهم در مسائل سیاسی و اجتماعی گذشته داشته اند که از آن جمله می توان به نام بهرام بیک قهرمانلو فرمانده لشکر شاه اسماعیل صفوی اشاره کرد. لباس محلی زنان قهرمانلو با دیگر اکراد منطقه شیروان اندکی متفاوت است بطوری که پیراهن معروف به کاراس آنها قسمتی از شیلوار را می پوشاند و شیلوار نیز کوتاه و بسیار پرچین است و اندازه آن تا روی زانوست. روسری (که ون) نیز یاشماق می کنند و یل نیز از روی پیراهن می پوشند که معمولاً زیورآلات را از یل می آویزند. و بطور کلی قهرمانلوها افرادی شیک پوش و تمیز و اجتماعی هستند. در مورد نژاد ایل قهرمانلو که عمده دامدار و عشایرند و از لحاظ لباس و چهره نیز اندک تفاوتی با دیگر اکراد دارند، عده ای از محققان معتقدند که قهرمانلوها ترک نژاد بودند و زبان کردی آنها تحت تأثیر محیط بوده است. اما دکتر محمد حسین پاپلی یزدی استاد دانشگاه فردوسی که در این رابطه تحقیقات علمی باارزشی دارد، ایل قهرمانلو را گُرد می شمارد و علت نام ترکی بر روی این ایل را از نام «قرامان» یکی از امرای ترک می داند.^{۹۲} شغل اصلی مردم گنج آباد کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده آن: گندم، جو، چغندر قند، کشمش و فراورده های دامی است. در ماه محرم و روز عاشورا در گنج آباد و محمد آباد مراسم شبیه خوانی برگزار می شود که معمولاً عده ای از مردم شهر و قرای اطراف در این مراسم سنتی شرکت می کنند. امکانات روستای گنج آباد در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب، دبستان، حمام، مسجد، آسیاب، خانه بهداشت، لوله کشی آب، حسینی، تلفن، برق، شرکت تعاونی و شورای ده است.

۹۲ - با استفاده از مقاله دکتر پاپلی در مورد اکراد شمال خراسان در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

فردوسی شماره ۳ و ۴.

روستای گوگلی GOGLI

روستای گوگلی در فاصله ۳۵ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال به کوه امام حاضر و پالکانلوی سفلا و از جنوب به روستای بیک و از شرق به شیخ امیرانلو و از غرب به روستای لوجلی محدود می شود. این روستا ۶۲ خانوار و ۳۳۷ نفر جمعیت دارد که ۱۴۷ نفر آن سواد خواندن و نوشتن و بالا تر را دارند. مردم گوگلی به زبان کردی تکلم می کنند و جزء دهستان تکمران است. در شمال روستای گوگلی کوه معروف امام حاضر قرار دارد که مقبره امام حاضر نیز در قلعه آن واقع است که مورد اعتقاد و احترام و زیارتگاه مردم می باشد و یک درخت سرو کوهی نیز در کنار این مقبره وجود دارد که نخ و بند بسیاری به آن گره زده شده است. گوگلی که در اصل «گویی-گلی» یعنی گودال سبز معنی می شود روستایی سرسبز و پردرخت است. شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی و باغداری است. در این روستا ۱۵۰۰ رأس گوسفند و ۸۰ رأس گاو و گوساله نگهداری می شود که ییلاق دامداران کوههای اطراف روستا و قشلاقشان ترکمن صحراست و از روش دامداری نیمه کوچرو استفاده می کنند از نظر تژادی از ایل کرمانج سیفکانلو هستند و محصولات عمده آن: فراورده های دامی، گندم و جو، گردو، زردآلو و سیب است و صنایع دستی آن: قالیبافی، گلیم بافی، دستکش و جوراب و کلاه و شال گردن پشمی و کردی می باشد. امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، دبستان، حمام، آسیاب، لوله کشی آب در دست اقدام، شرکت تعاونی و شورای ده است.

روستای لوجلی LUJALI

این روستا در فاصله ۳۲ کیلومتری شمال غربی شیروان واقع است که از شمال با روستاهای سولدی و پالکانلوعلیا و از جنوب با کلاته حسین آباد (جعفری) و کلاته شفتیک زیارت و از شرق با روستای بیگ و گوگلی و از غرب با روستای قولانلو در ارتباط است. لوجلی دارای ۱۰۸ خانوار و ۵۴۵ نفر جمعیت است و مردمش به زبان کردی کرمانجی تکلم

می‌کنند و جزء دهستان تکمران است مردم لوجلی از ایل بیچرانلو هستند که از کیکانلویی‌ها منشعب شده و از طریق سوریه به خراسان کوچانیده شده‌اند.

در مورد وجه تسمیه آبادی، مطلعین روستا معتقدند که قبل از تشکیل روستا در محلّ فوق چندین اصله درخت لوجی (آلوچه) و یک چشمه کوچک وجود داشته که به مرور دامداران در اطراف آن اسکان یافته و آن‌جا به «لوجی» معروف گشته که به لوجلی تبدیل گردیده است. این روستا دارای دو کاریز (قنات) است که کاریز بالا در حدود ۴ اینچ و کاریز پایین ۳ اینچ آبدهی دارد. البته کاریزهای مذکور مانند قناتهای مرسوم دیگر طول زیادی ندارند و بیشتر به چشمه‌هایی شبیه هستند که به روش کانال کنی آب را به سطح زمین آورده‌اند و یک رشته چشمه کوچک نیز که دارای آبی با املاح زیاد است در این روستا وجود دارد. شغل عمده مردم دامداری و کشاورزی است. ییلاق دامداران مراتع اطراف روستا و مزرعه گلول است و قشلاقشان در مراوه تپه ترکمن صحراست و بیشتر از روش نیمه کوچرو استفاده می‌شود. این روستا در حدود ۵۰۰۰ رأس گوسفند و ۱۵۰ رأس گاو و گوساله دارد و محصولات عمده آن: گندم، جو، نخود، عدس، حبوبات و فراورده‌های دامی و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم‌بافی است. کشت معمولاً به صورت دیم انجام می‌گیرد. امکانات لوجلی در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، حمام، مسجد، آسیاب، خانه بهداشت، پست، شرکت تعاونی و شورای ده است. لوجلی اخیراً به مرکز بخش سرحد شهرستان شیروان تبدیل گردیده است. (عکس شماره ۴۳)

روستای محمد دورانلو MOHAMMAD.DORANLUE

این روستا در فاصله ۴۷ کیلومتری شمال شرقی شیروان واقع است که از شمال به کوههای جریستان و از جنوب به کوه پتله گاه و از شرق به قلعه و آلو و از غرب به شرکانلو و خلاجلو محدود می‌گردد. محمد دورانلو دارای ۳۰ خانوار و ۱۴۵ نفر جمعیت است که به زبان کرمانجی تکلم می‌کنند و از ایل بیچرانلو هستند. این روستا جزء دهستان سبیکانلو شیروان است و چون در کنار رودخانه بیچرانلو قرار دارد از قراء سرسبز و پردرخت محسوب می‌شود. اقتصاد آن بر دامداری و کشاورزی متکی است محصولات عمده روستا: گندم، جو،

زردآلو، سیب، گلابی، آلوچه، سیب زمینی، حبوبات و فرآورده‌های دامی و صنایع دستی آن گلیم بافی است. در کوههای محمد دورانلو انواع گیاهان خودرو مانند: زیره کوهی، کاکوتی، سیب تالک، سامی، مندک، زرشک، شقایق می‌روید که بعضی خاصیت دارویی دارد در این روستا محلی به نام «اجاق داغ» وجود دارد که سابقاً کودکان بخصوص شیرخواران را برای رفع اسهال و استفراغ و معالجه قطعی آنها به آنجا می‌بردند و پیشانی مریض را با سیمی که در اجاق گذاخته شده بود با اصطلاح داغ می‌کردند البته هنوز برخی به آن اعتقاد دارند. امکانات این روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد و شورای ده می‌باشد. در این روستا سابقاً آسیابی آبی وجود داشت که فعلاً از آن استفاده نمی‌شود. ییلاق دامداران کوههای اطراف روستا و مزرعه گلیل و قشلاق آنها در نارلی، آی‌تمور و پاشایولی مراوده‌تپه است.

روستای محمد علی خان MOHAMMAD ALI KHAN

این روستا در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از شمال به روستای قلچق و از جنوب به روستای امان‌آباد و از شرق به قلعه‌چه و کلاته نصرالله زعفرانلو و از غرب به زمینهای زیارت محدود می‌شود. این روستا دارای ۳۱ خانوار و ۱۵۴ نفر جمعیت است که مردمش به زبان کردی تکلم می‌کنند. و روستا جزء دهستان زیارت شیروان است. روستا توسط یکی از خوانین محلی به نام محمد علی بنیانگذاری و آباد گردیده است آب کشاورزی آنها از طریق رودخانه قلچق و چاههای عمیق تأمین می‌گردد و شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری و باغداری است. محصولات عمده این روستا: گندم، جو، چغندر قند، کشمش و مقداری سردرختی است. این روستا اخیراً به محمدآباد تغییر نام پیدا کرده و امکانات آن شامل: راه شوسه، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده است.

مشهد طرقي MASHHAD-TARQI

روستای مشهد طرقي در فاصله ۲۴ کیلومتری جنوب غربی شیروان قرار دارد که خود

شامل دو روستای مستقل علیا و سفلاست. این دو آبادی که در کنار یکدیگر واقعند از طرف شمال با روستاهای گرزو و حسین آباد و شیروان و از طرف جنوب با سنگ چین و قوینانلو و از شرق با روستای زرمغان و از طرف غرب با روستاهای بزآباد و زوارم در ارتباط می باشند. مشهد طرقي علیا دارای ۱۴۲ خانوار و ۷۱۱ نفر جمعیت و مشهد طرقي سفلا نیز دارای ۱۱۷ خانوار و ۵۸۴ نفر جمعیت است. مردم هردو روستا به زبان فارسی تکلم می کنند و جزء دهستان گلیان می باشند. مشهد طرقي از قراء قدیمی شیروان محسوب می شود و چون سابقاً راه مشهد از کنار این روستا می گذشت به این نام معروف شده است صنیع الدوله می نویسد: «شهر یا قصبه خرابی که در بالای سر مشهد طرقي شیروان دیده می شود کمتر از بجنورد نبوده و طوری خراب شده که می توان گفت زیاده از دویست سیصد سالست که روبه انهدام گذاشته و چیزی که باقیست. بقعه و آثار مختصریست از دیوارهای آبادی که از بیواتاست یا از حصار شهر بالای سر این شهر. در طرف شمال شرقی بالای تپه و روی ماهور قلعه ایست که بنای آن پیروی حالت پستی و بلندی تپه و ماهور شده. لهذا شکل معینی ندارد. وسعت این قلعه تقریباً مساوی است با دوهزار و پانصد ذرع مضروبی و زمین آن مسطح نیست و به همان حالت پستی و بلندی که داشته باقی است. دیوار قلعه در اواسط کمتر از نیم ذرع بلندی حالیه آنست. در بروج خشت بکار رفته است. در وسط قلعه دیواری از مشرق به مغرب کشیده شده و فعلاً مثل سایر دیوارها باقی است در بنای این دیوار نیز وضع سطح زمین را پیروی کرده اند. آثار حصارخانه شهر با سنگ آن که در زیر خاکست الآن موجود می باشد که اصطلاح قدیم آنرا حراس می گویند. آثار حمام نیز موجود است. این آبادی که موسوم به مشهد طرقي بوده در زمان نادرشاه هفتصد خانواده بومی و بعضی خانوار غرابا داشته. آثار قنات خراب هم دیده می شود که یک پشته چاه آن در قلعه مزبوره واقع است و هفت رشته قنات در اینجا بوده و چهار پنج درخت قراآغاج در طرف غربی بقعه مشهد طرقي موجود است»^{۹۳}. با توجه به نوشته صنیع الدوله و شواهد تاریخی دیگر و تقریر اهالی. نادرشاه یکی از مأمورین مالیاتی خود را به شهر مشهد طرقي که ۴۰۰۰ نفر جمعیت داشته، می فرستد و او نیز مالیات بسیار سنگینی را به روستاییان تحمیل می کند که با مخالفت مردم مواجه می گردد. این گزارش به نادر می رسد و او فرمان می دهد تمام اهالی شهر مشهد طرقي را به محله

سرخ در عشق آباد تبعید کنند و اموال مردم نیز غارت می شود. در نتیجه این تبعید هنوز هم عده ای از نسل مشهد طرقي ها در آن جا زندگی می کنند و محله سرخ به نام مشهد طرقي نیز معروف است و عده ای نیز بعداً به محل فعلی روستای مشهد طرقي می آیند و ساکن می شوند. روستای مشهد طرقي از قراء سرسبز و پردرخت شیروان محسوب می شود که مردمی خونگرم و خوش ذوق و زحمتکش دارد. شغل اصلی مردم کشاورزی، دامداری و باغداری است. آب زراعتی روستا بوسیله رودخانه و قناتها و کاریزها و چشمه های بُریون، خونی و چندین چشمه دیگر تأمین می گردد. تورسار، خانه آه نقی و زومشهد طرقي در حوزه این روستا قرار دارد محصولات عمده روستا شامل: گندم و جو، کشمش، گردو، بادام و انواع سردرختی دیگر است و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی است. زومشهد طرقي یکی از مناطق بکر و طبیعی برای مطالعات پوشش گیاهی و فسیل شناسی می باشد. زیارتگاه مردم مشهد طرقي و قراء اطراف مقبره امامزاده سلطان محمدرضا (ع) در نزدیکی مشهد طرقي می باشد که ایشان فرزند حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است^{۹۴} و طبق اسناد مربوطه و ثبت تاریخی، ساختمان اولیه بنا مربوط به زمان خوارزمشاهیان و گنبد دارای طرح مغولی است. در این مورد مؤلف مطلع الشمس می نویسد: «چون سلطان محمود خوارزمی خواب دیده که امامزاده در اینجا مدفونست به بعضی علامات محل را معلوم کرده و این بقعه را ساخته و املاک زیاد بر آن وقف نموده و فرمان آن پادشاه و فرامین سلاطین صفویه در باب بقعه و موقوفات آن و تولیت آن موجود است»^{۹۵}... «نیم فرسنگ از زوارم گذشته در طرف یسار راه بقعه معروف به مشهد سلطان محمدرضا (ع) می باشد و آن بنائی است از آجر و گچ و خاک مشتمل بر ایوان و دو اطاق که در بیرون بقعه ایوانچه ها برای مسکن عابریین قرار داده اند. اصل بقعه مربع متساوی الاضلاع و ارتفاع بقعه که به گنبدی منتهی می شود هشت ذرع است. بالای قبر صندوق چوبی مشبکی است که در سال ۱۲۸۴ قمری ساخته شده و دور صندوق سلام و صلوات و اشعاری در مدح چهارده معصوم علیهم السلام منسوب به شیخ بهائی علیه الرحمة تا آخر کتیبه شده است. امامزاده مذکور به قول مشهور برادر حضرت امام رضا علیه السلام است.^{۹۶} در مورد آمدن سلطان محمود

۹۴- حبیب السیر، محمد یکی از فرزندان ذکور امام موسی کاظم است که عمر هم نوشته اند.

۹۵- صنع الدوله محمد حسن خان، مطلع الشمس، سال ۱۳۰۰ ص ۱۳۹.

۹۶- همانجا، ص ۱۴۰.

خوارزمی به شهر مشهد طرقي در وقفنامه دستخط نوشته اند: پس از مشخص شدن محل دفن امامزاده، سلطان محمود به افرادش دستور می دهد محل را خاکبرداری کنند. در یکی از شبها در خواب دستوری به سلطان می رسد تحت این عنوان «مأموریت تو از لحاظ کردن تمام است، مشغول ساختمان شوید تا زمانی که سید محمد نامی از نجف اشرف تشریف آورد و در چاه را باز کند» پس از گذشت چند هفته شخصی از سادات علوی مراجعه و می گوید من مأمورم سر چاه را باز کنم. سپس به محل می رود و سر چاه را باز می کند و مقداری اشیاء و علائم که شامل: کتابچه، شجره نامه و چند قطعه سنگ مرمر و سرعلم برنجی پنجه می شد را با خود بیرون می آورد... و ساختمان مقبره احداث می گردد. البته این بنا بر اثر زلزله آسیب دیده و دوباره تجدید بنا شده است و در سالهای اخیر نیز بجز گنبد تاریخی آن بقیه قسمتهای آن برای بار سوم تجدید بنا گردیده است. خادم فعلی امامزاده هم خود را از نسل همان سید محمد، اولین خادم امامزاده می داند و دیگر سادات روستای مشهد طرقي نیز معتقدند همگی از اولاد همان سید می باشند. در کنار مقبره امامزاده محمدرضا (ع) تپه ای وجود دارد که به تقریر اهالی دست ریز و محل نصب چادرهای سلطان محمود بوده است که دست ریز بودن آن از طرف اداره کل باستان شناسی مورد تأیید قرار گرفته و از کاوش و خاکبرداری آن جلوگیری شده است. طبق وقفنامه موجود در اداره اوقاف به نام «خواجه نجم الدین» که اعقاب این عالم بزرگوار در روستای سگه شیروان زندگی می کنند. محل دفن پیکر پاک یکی از اولاد ذکور امام حسن مجتبی علیه السلام به نام امامزاده عبدالرحمان (ع) نیز در منطقه مشهد طرقي قرار دارد و دارای موقوفات می باشد. مردم شیروان و بخصوص مشهد طرقي در روزهای تاسوعا و عاشورا بطور دسته جمعی برای برگزاری مراسم شهادت سرور شهیدان به کنار مقبره مطهر امامزاده محمدرضا (ع) می روند و فرایض دینی و مذهبی خود را انجام می دهند و در روزهای ۱۳ و ۱۴ فروردین ماه مراسم برگزاری کشتی باچوخه و دیگر آداب و سنن دیدنی در آنجا انجام می گیرد.

امکانات روستای مشهد طرقي در شرایط فعلی شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، ۲ باب دبستان، ۲ باب مسجد، ۲ باب حمام، خانه بهداشت، مدرسه راهنمایی، آسیاب، برق، لوله کشی آب، نانوايي، چندین مغازه خواربارفروشی، شرکت تعاونی و شورای ده است. (عکس شماره ۳۷ و ۳۸)

روستای ملا باقر (MOLLA.BAQER)

ملا باقر در فاصله ۱۸ کیلومتری جنوب شیروان واقع است که از طرف شمال با روستاهای ورگ و رزمغان و از طرف جنوب با روستای گلیان و از شرق با ورگ و از غرب با سنگ چین و مشهد طرقي ارتباط دارد. این روستا دارای ۱۷۴ خانوار و ۹۲۹ نفر جمعیت است و مردمش به زبان فارسی و کردی تکلم می کنند. از تشکیل این روستا بیش از ۶۰ سال نمی گذرد اما به علت موقعیت خاص طبیعی آن رشد بسیار سریعی داشته است. این روستا توسط یکنفر دامدار عمده به نام ملا باقر بنیانگذاری شده است و اولین طایفه ای که به این روستا مهاجرت کرده اند از حصار پهلوانلو گلیان بودند و به مرور عده ای از گلیانیها و دیگر طوایف به ملا باقر کوچ کرده و اسکان یافته اند. آب کشاورزی این روستا از طریق رودخانه پراب گلیان تأمین می گردد و شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده آن: گندم و جو و زردآلو و سردرختی می باشد و صنایع دستی آن به دو کارگاه قالیبافی اختصاص دارد تقسیم زمین به صورت سرکار است و امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، لوله کشی آب آشامیدنی، برق، تلفن، خانه بهداشت، آسیاب، شرکت تعاونی و شورای ده است. دره سرسبز و پردرخت ملا باقر که رودخانه گلیان نیز از آن جریان دارد گورستان عظیمی از انواع فسیلهای دوکفه ای و آمونیت و... است.

روستای ملوانلو MALYANLUE

این روستا در فاصله ۵۶ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد که از شمال به گلیل و از جنوب به روستای سیل سپرانلو بالا و از شرق به روستای میلانلو علیا و از غرب به آلاخا و کورکانلو علیا محدود می گردد. ملوانلو دارای ۷۸ خانوار و ۳۵۸ نفر جمعیت است که به زبان کردی صحبت می کنند و روستا جزء دهستان جریستان است. مردم روستا دامدار و

کشاورزند. ییلاق دامداران مزرعه گلیل و قشلاق آنها مراوه تپه ترکمن صحراست. محصولات عمده آن: فراورده های دامی، گندم و جو و حبوبات و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی می باشد. آداب و رسوم ایللی و عشایری در این روستا هنوز بخوبی حفظ شده است. کوه و دره ای به نام پدنه در نزدیکی ملوانلو وجود دارد که اصطلاح ترکی آن پونه است و مرتعی مناسب برای تعلیف گوسفندان می باشد که دارای انواع و اقسام گیاهان خودرو و طبّی و خوراکی است. امکانات روستا شامل: راه، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده است. راه این روستا در زمستان به علت ریزش برفهای سنگین معمولاً برای مدتی مسدود می شود.

روستای منصوران MANSURAN

منصوران در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال غربی شیروان واقع است که از طرف شمال با کلاته سیفقلی و دلبرچه و از جنوب با زمینهای مزروعی زیارت و از شرق با روستای زیارت و از غرب شهرک مسکونی شورک و بیگان ارتباط دارد. این روستا دارای ۳۸ خانوار و ۲۲۳ نفر جمعیت است که به زبان فارسی تکلم می کنند، مردم منصوران از ایل خاوری هستند که از طریق افغانستان به ایران آمده و در کل منطقه خراسان پخش شده اند که مرکز اصلی آن در شیروان دو روستای سه یک آب و منصوران است. کل مزرعه منصوران طبق طومار عضدالملک موقوفه آستان قدس رضوی است. و جریان وقف مزرعه نیز به تقریر اهالی به شرح زیر است: مالک مزرعه منصوران شخصی به نام منصورآقا و از اعقاب میردرویش حسن زیارتی بوده که در هنگام مراجعت از کربلا در نزدیکی مقبره مطهر حمزه رضا (ع) کل مزرعه منصوران را که ملک شخصی اوست وقف ثامن الائمه حضرت امام رضا علیه السلام نماید. خوشبختانه این عمل به لحاظ نیت قلبی و حادثه ای که در جریان راه رفتن ایجاد می شود انجام می گیرد و میرزا حسین می خواهد که ملک را وقف امام رضا (ع) نماید و جریان واقعه را نیز مشروحاً بیان می کند که بعدها طومار رسمی توسط عضدالملک تنظیم می گردد. آب مزرعه منصوران از طریق رودخانه قلجق و به نسبت $\frac{1}{3}$ در مدار معین نیز کلاً وقف است.

در ۲ کیلومتری غرب منصوران مقبره معصومزاده‌ای به نام «امام یحیی» قرار دارد که مورد اعتقاد و احترام و زیارتگاه مردم شهر و روستا می‌باشد. مقبره امام یحیی دارای صندوق چوبی است و بنای آن شامل گنبدی نسبتاً بزرگ سبزرنگ است که ارتفاع آن از سطح زمین ۱۰ متر و از انتهای ساختمان ۵ متر می‌شود در اطراف حرم امام یحیی چندین خانه و آشپزخانه و در صحن حیاط آب انباری برای اسکان زوار این معصومزاده احداث شده است و صحن حیاط در قسمت جنوبی نیز گلاً درختکاری گردیده است و نوع درختان از انواع توت می‌باشد. (عکس شماره ۴۰) در ورودی بزرگ معصومزاده طبق بعضی از روایات از طرف شمال و روی به مقبره معصومزاده زکریا (ع) در قتل یکی از کوههای گلپل نامانلو می‌باشد. در داخل حرم امام یحیی در قسمت شمالی مقبره سوراخی است که از زمانهای قدیم در همان محل وجود داشته و عده‌ای از زوار ضمن نیت و نذر، دست خود را تا بازو درون آن فرو می‌برند که گهگاه اشیایی نیز از آن به دست می‌آید! در اطراف مقبره، آثار دیوارهای ضخیم قدیمی و برج و بارو و بویژه قبور زرتشتیان دیده می‌شود که نشان‌دهنده قدمت این محل می‌باشد. تپه ماسوره شیروان (منصوران) با شماره ثبت تاریخی مربوط به هزاره قبل از میلاد اسلامی^{۹۷} نیز در نزدیکی منصوران قرار دارد. در مورد محل مسکونی مخروبه نزدیک منصوران مطالب زیادی ابراز می‌شود و با توجه به وسعت گورستان و حصارکشی آن عده‌ای از معمرین معتقدند محل اولیه شهر شیروان احتمالاً در این مکان بوده است که نمی‌تواند موقت باشد زیرا این اماکن مخروبه به روستا بیشتر شباهت دارد تا شهر. مردم روستا اکثر کشاورزند و فقط عده کمی دامداری می‌کنند و محصولات عمده آن: گندم و جو و چغندر قند است. منازل مسکونی مردم در ابتدا طبق سنت ایل خاوری به صورت گنبدی احداث می‌شد که هنوز هم در گوشه و کنار روستا مشاهده می‌شود. اما در چند ساله اخیر منصوران توسعه و ترقی زیادی داشته است و با احداث خیابانی عریض در مسیر شرق به غرب در حاشیه آن منازل مسکونی جدیدی بنا کرده‌اند که اکثراً با آجر و تیر آهن است. امکانات فعلی روستا شامل: راه آسفالت که فقط ۳ کیلومتر آن شنی است، دبستان، مسجد، لوله کشی آب، برق و شورای ده و صنایع دستی آن قالیبافی می‌باشد.

۹۷ - مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، شماره ثبت تاریخی ۷۰۵ در سازمان ملی حفاظت آثار

باستانی ایران.

روستای میلانلو علیا MILANLUE-OLYA

میلانلو علیا در ۵۶ کیلومتری شمال شرقی شیروان واقع است که از شمال به کوههای مرتفع و مرتعی گلیل و از جنوب به روستاهای تخت و چرمه و از شرق به روستای زیندانلو و از غرب به روستای ملوانلو محدود می‌شود. این روستا دارای ۷۴ خانوار و ۳۹۱ نفر جمعیت است که به زبان اصیل کردی کرمانجی تکلم می‌کنند و جزء دهستان جریستان است و از ایل میلانلو زعفرانلو هستند. میلانلوها مردمی شجاع و مبارزند بطوری که دفاع آنها از مرز و بوم خودشان در برابر سربازان روسی هنوز هم زبانزد خاص و عام است مردم ده بیشتر دامدارند. ییلاق دامداران مزرعه گلول و قشلاقشان ترکمن صحراست. محصولات عمده آن نیز فراورده‌های دامی، گندم و جو و حبوبات و سردرختی است و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی می‌باشد. امکانات روستا شامل: راه، دبستان، لوله کشی آب، مسجد، آسیاب، خانه بهداشت، پاسگاه ژاندارمری، شرکت تعاونی و شورای ده است.

میلانلو سفلا نیز بین آبادیهای تخت، چرمه، قالمانلو و آسیاب جبار قرار دارد. دارای ۱۶ خانوار و ۸۴ نفر جمعیت است آنها نیز به زبان کردی صحبت می‌کنند و روستا جزء دهستان جریستان است. شغل اصلی مردم میلانلو سفلا نیز دامداری می‌باشد آب زراعی مردم از رودخانه جریستان تأمین می‌گردد و محصولات عمده آن: فراورده‌های دامی و گندم و جو است.

روستای نامانلو NAMANLUE

روستای نامانلو در فاصله ۶۵ کیلومتری شمال شیروان قرار دارد و یکی از قراء مرتفع است که از شمال به کوههای زکریا و گلیل و مرز ایران- شوروی و از جنوب به کوه کلاه‌فرنگی و بیچرانلو و از شرق به کوههای آق کمر و از غرب به روستای زیندانلو محدود می‌شود. این روستا دارای ۱۹۸ خانوار و ۱۱۲۸ نفر جمعیت است که به زبان کردی تکلم

می‌کنند نامانلو جزء دهستان جریستان است. کوههای سرسبز و مراتع گلیل که دارای انواع درختان سرو کوهی از نوع داوت‌پیاله، مرخ، کرکو و آرچه و چشمه‌سارهای بزرگ و کوچک می‌باشد. منطقه نامانلو و گلیل را به یکی از مناطق ییلاقی و مرتعی معروف شمال خراسان تبدیل نموده که همه ساله دامداران عشایر شیروان در فصل بهار و تابستان با برپا کردن چادرها گوسفندان خود را برای تعلیف به مزرعه گلیل می‌آورند.

روستای نامانلویه علت موقعیت خاص طبیعی و چشمه‌های پرآب: سرچشمه، کانی سیدها، کانی لوجه و کانی بران سرسبز و پردرخت است. عده‌ای از مطلعین روستا معتقدند که در حدود ۳۰۰ سال پیش چهار برادر از اکراد غرب ایران به این منطقه مهاجرت و روستاهای نامانلو و زیندانلو را بنیانگذاری کردند. در حال حاضر نیز روستا از چهار طایفه تشکیل شده است. البته عده‌ای نیز عقیده دارند اکراد از طریق راز و درگز و سلوم به این روستا مهاجرت نموده‌اند. نژاد نامانلویی‌ها یکی از تیره‌های اصلی کرمانج زعفرانو است. روستای کنونی نامانلو بعد از حمله ترکمنها احداث شده است چون سابقاً نامانی‌ها در «شه‌واته» نزدیک قرچغه زندگی می‌کردند که ترکمنها آن‌جا را به آتش کشیده‌اند و در این حمله غافلگیرانه شه‌واته بکلی سوخته و از بین رفته است. البته نامانلویی‌ها انتقام این چپاولگری را به نحو احسن از ترکمنها گرفته‌اند. جریان این درگیری بدین گونه بوده که در حدود ۲۰۰ سال پیش عده‌ای از نامانلویی‌ها در زاوی خویینی (دره خونی) مشغول قطع درختان جنگلی سرو کوهی بودند که ترکمنها غفلتاً به آنها حمله می‌کنند و ۵ نفر نامانی را بطرز فجیعی به قتل می‌رسانند. این موضوع آتش قصاص و انتقام را در قلب اکراد شعله‌ور می‌سازد و پس از مدتی پیگیری در داخل جنگلهای گلیل عده‌ای از ترکمنها دستگیر و به انتقام خون ۵ نفر از اکراد نامانلو ۵ نفر از ترکمنها را در زاوه خویینی در آتش می‌سوزانند و بقیه افراد را آزاد می‌کنند تا درس عبرتی باشد برای دیگران و سنگی را نیز به صورت عمودی در همان محل قرار می‌دهند و آن‌جا را با اصطلاح مرز گرد- ترکمن تعیین می‌کنند تا دیگر به حریم یکدیگر تجاوز نکنند.

در نامانلو درختانی به نام کرکو وجود دارد که دارای شیرۀ قرمز رنگ است که معمولاً پس از قطع شاخه‌ها این شیرۀ رنگی شبیه خون جاری می‌شود که به علت نوع خاک و ترکیبات شیمیایی آن است و به همین علت مردم درختان کرکو را عزیز می‌دارند و قطع آن را جایز نمی‌دانند. اقتصاد مردم این روستا بر دامداری و کشاورزی و باغداری متکی است که

ییلاق دامداران مزرعه گلیل و قشلاقشان نارلی مراوه تپه ترکمن صحراست و نوع دامداری آن کوچرو عشایری می باشد. محصولات عمده نامانلو عبارتند از: گندم، جو، حبوبات، زردآلو، آلوچه، سیب، یونجه زار، سپیدار و بید و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی است. دره های: شواته، زاوه زلفو، ناله خداوردی، زاوه هرچه، زاوه بند، ناله رش، در حوزة این روستا قرار دارد. اهالی نامانلو با توجه به بعد مسافت روستا از شهر، اصالت و سُنتهای نیکوی گذشته را حفظ کرده اند در صد باسوادان نیز بالاست. منطقه نامانلو و بخصوص گلول دارای انواع حیوانات وحشی و بویژه انواع قوچ است که یکی از شکارگاههای شیروان محسوب می شود. مقبره امامزاده زکریا (ع) محل زیارتگاه مردم است که در حدفاصل نامانلو و مزرعه گلول در قله صعب العبور یکی از ارتفاعات قرار گرفته و دارای گنبد سبزرنگ و بارگاه است. مردم نامانلو و قراء اطراف و عده زیادی از مردم شیروان در یکی از روزهای تابستان که معمولاً توسط معتمدین محلی اعلام می شود پیاده و دسته دسته به سوی قله کوه زکریا به حرکت در می آیند و پس از طی مسافتی طولانی و توانفرسا که حدود بیش از یکصد گردنه کوچک عبور می کنند به قله صعود کرده و در کنار مقبره زکریا (ع) هیر طایفه گوسفندی قربانی می کنند و به راز و نیاز با خدای خود و زیارت و سوگواری عمومی می پردازند. البته طبق روایت قدیمی، گنبد در محلی که سر بریده شده امامزاده زکریا (ع) قرار دارد احداث شده است بدن آن بزرگوار در فاصله نزدیکی از محل گنبد قرار گرفته که آن جا نیز مشخص و مورد اعتقاد و احترام اهالی است. در چند ساله اخیر مسئولین شهر نیز در این مراسم بزرگ مذهبی شرکت می کنند در هنگام برگشت انبوه جمعیت از زکریا نامزدهای جوان از طرف اقوام و خویشان مورد تعقیب قرار می گیرند و در صورتی که نتوانند بسرعت از کوه پایین بیایند. گرفتار و جریمه آن خرید شیرینی و میوه است که نامزد جوان بلافاصله به این کار مبادرت می کنند. علاوه بر زیارتگاه زکریا (ع) محل دیگری نیز به نام سنگ آلا دولت مورد اعتقاد و احترام مردم نامانلو است که گویا آلا دولت یکی از مردان متقی و پارسا بوده که بر روی سنگ مذکور عبادت حق تعالی را می نموده است. امکانات فعلی نامانلو شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، پاسگاه ژاندارمری، پایگاه بسیج، پاسگاه شکاربانی، آسیاب، ۲ باب مسجد، لوله کشی آب، حمام، شرکت تعاونی و شورای ده است.

مزرعه بزرگ گلول نامانلو که ییلاق دامداران ایلات و طوایف: بیچرانلو، نامانلو، تاوانلو، شاملو و... می باشد یکی از مراتع عمده جنگلی محسوب می شود که دره ها و

چشمه های: زوقر، چاه خلیفه، چشمه قالتمان، چاه علی، چشمه حسین خان، چشمه شوی (چوب)، گل میان، کاره محمود، کمره خانعلی، زاوه خویینی، دخره دوان صندوق، بروژه طالع، زاوه عَلم، برف اندیل، اورته تپه، گنگ دره، چپه زو، زاوه نی ری، زاوه بران، بارقه استاد شرف خان، تخته دوقستکان، زاوه بزَن بر، کانی شوین (چوپان). دره زوقر آب فراوان و آبشار کوچکی نیز دارد. از طرف سازمان عشایر شیروان برای تأمین آب مصرفی دامها، امکانات ذخیره سازی آب و برداشت سریع آن وسیلهٔ تانکرها احداث گردیده است. اما در چندین سالهٔ اخیر به علت عدم توجه مسئولین مرتع گلول کلاً شیار و گندم و جو کشت گردیده است و مرتع در شرف تبدیل به پوشش گیاهی نیمه بیابانی می باشد. که برای جلوگیری از تخریب مرتع گلیل موارد ذیل الزامی است.

- ۱- از هجوم بی رویهٔ عشایر به مزرعهٔ گلیل به نحوی منطقی جلوگیری شود.
 - ۲- از کشت گندم و جو در محدودهٔ مراتع جلوگیری شود.
 - ۳- با تأمین سوخت عشایر از قطع درختان سرو کوهی ممانعت به عمل آید.
 - ۴- مزارع گندم و جو دوباره به مرتع تبدیل شود (با کشت گیاهان مرتعی).
 - ۵- از چرای بیش از حد که باعث از بین رفتن ریشهٔ گیاه می شود جلوگیری گردد.
 - ۶- مراتع بالمناصفه بین دامداران عشایر تقسیم شود و حفظ و نگهداری آن به عهدهٔ خود عشایر باشد. (با حمایت دستگاههای ذیربط)
- در غیر این صورت بعد از چند سال مرتعی و مزرعهٔ طبیعی به نام گلول وجود نخواهد داشت.

روستای نقدو NAQDO

این روستا در فاصلهٔ ۴۵ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال با روستای نامانلو و از جنوب با کوههای پتله گاه و از شرق با روستای قلعه حسن و از غرب با روستای دولو ارتباط دارد. مردم نقدو به زبان کردی کرمانجی تکلم می کنند و از ایل بیچرانلو هستند. این روستا دارای ۴۲ خانوار و ۲۱۹ نفر جمعیت است و جزء دهستان سبیکانلو شیروان است.

نقدو را معمرین محلی باقیماندهٔ قصبهٔ آباد و پرجمعیت «دیار» می دانند که در سابق

دژی محکم و غیرقابل تسخیر بوده که بوسیله زلزله خراب شده است و دلیل آن را آثار سفالها و کاشیهای باقیمانده در محل تپه ای که سابقاً بلندترین قسمت آبادی دیاربود ذکر می کنند. نقدو دارای درّه های: ناله ترکان، ناله امام، زای هرچ و زای آوه و چشمه های: کانی قلعه، کانی کورحسن و قنات سیلاوی نزه می باشد. این روستا در کنار رودخانه واقع است و مردمش بیشتر دامدارند، دامداران نقدو ۷ گله گوسفند دارند^{۹۸} که ییلاق آنها کوهها و مزرعه گلیل و قشلاقشان نارلی مراوه تپه است. در کوهها و دامنه های سرسبز اطراف این روستا انواع گیاهان خودرو طبی و خوراکی مانند: قارچ کوهی، زرشک، سیوتالک، گیوژا، گل پیوک، گل گاوزبان، قسنی، شویشک، قانجرک و سلمه می روید. محصولات عمده این روستا: فرآورده های دامی، گندم، جو، نخود، عدس، باقلا، سیب زمینی و مقداری سردرختی است و صنایع دستی آن قالببافی می باشد. زیارتگاهی دارند که فعلاً مخروبه و آن را به برادر سید جمال نسبت می دهند که مورد احترام و اعتقاد اهالی است. امکانات روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، آسیاب و شورای ده می باشد.

روستای ورقی VARAQI

این روستا در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شیروان قرار دارد که از شمال با حسین آباد و عبدالآباد و از جنوب با زوارم و از غرب با شیرآباد و از شرق با رودخانه زوارم و بزآباد ارتباط دارد. ورقی دارای ۶۲ خانوار و ۳۳۴ نفر جمعیت است که به زبان کردی تکلم می کنند و جزء دهستان زوارم است. آب زراعی کشاورزان از رودخانه پرباب زوارم تأمین می گردد و شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری است و محصولات عمده آن: گندم، جو، کشمش و فرآورده های دامی می باشد و صنایع دستی آن قالببافی و گلیم بافی است. امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس منظم ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، حمام، آسیاب، برق، لوله کشی آب و شورای ده است.

۹۸ - بطور متوسط هر گله ۸۰۰ رأس گوسفند دارد.

روستای ورگ VARG

روستای ورگ در فاصله ۱۱ کیلومتری جنوب شیروان قرار دارد که از طرف شمال به روستای تنسوان و پیرشهید و از طرف جنوب به روستای ملا باقر و گلیان و از طرف شرق به روستای دوین و حصار و از غرب به روستای رزمغان محدود می‌گردد. ورگ دارای ۱۳۱ خانوار و ۶۵۹ نفر جمعیت است که به زبان کردی و فارسی تکلم می‌کنند و جزء دهستان گلیان است.

وجه تسمیه: در این محل نوعی گیاه خاردار می‌روید که از تیره گیاهان «اولتیموم پرسیکوم» است که گل‌های زرد مایل به بنفش دارد و در زبان ترکی محلی به «پیشی درناق» معروف است و اگر در جهت عکس رشد گیاه به دست و پا گیر کند ایجاد خراشیدگی شدید می‌کند و به فارسی نیز ورگ می‌گویند. چون از این گیاه در محل روستا بسیاری روید لذا محل آبادی را سابقاً ورگ می‌گفتند که پس از تبدیل آن به روستا، ورگ گفته شده است و عده‌ای معتقدند که نام اولیه آبادی برگ یعنی محکم یا سنگرگاه بوده که به مرور تبدیل به ورگ شده است. در روستای ورگ آثاری از برج و باروهای قدیمی مشاهده می‌گردد که مردم به زبان معمولی به آن گاوخانه می‌گویند که صحیح آن گبرخانه است. این آثار مخروبه حدود ۸ تا ۱۰ متر از سطح زمین ارتفاع دارد و شکل آن مدور و شبیه تلی میان تهی می‌باشد که علائم حفاریهایی بر گوشه و کنار آن مشاهده می‌شود و طبق اظهار مطلعین اشیای عتیقه و خمره‌های بزرگی از کاوشهای این محل کشف شده است. در قسمتی از روستا و در دامنه کوه خانه‌های قدیمی مخروبه سنگرمانندی وجود دارد که کلاً از سنگ بنا گردیده و چون این روستا یکی از مراکز عمده عملیات خدوسردار بود احتمالاً این سنگرها متعلق به اوست. مردم روستای ورگ از طوایف مختلفی تشکیل شده‌اند بطوری‌که اولین طایفه‌ای که در این محل سکنا گزیده طایفه باشکانلوا بوده‌اند که از منطقه درگزه دهستان تکمران و از آن جا به ورگ آمدند و پس از مدتی عده‌ای از اکبراد رستم آباد فاروج که مرحوم پهلوان حاج علی اصغر خدمتگزار پهلوان معروف ایران هم از آن طایفه بود به ورگ کوچ کردند و عده‌ای نیز از طوایف قربان‌گرد، بلوچها و یزدیها نیز به مرور در این روستا اسکان یافته‌اند. البته مهاجرت

اجباری این افراد به ورگ بسیار شنیدنی است. به نحوی که در حدود ۱۲۰ سال قبل حاکم قوچان و شیروان به نام شجاع الدوله، رعیت بینوا را می‌گرفت و با زندانی کردن و کتک و فحاشی و به اصرار زیاد ۴ سهم از مزرعه ورگ را به نام یکی از آنها ثبت می‌کرد و بلاجبار نیز از هر نفر ۱۰۰ تومان دریافت می‌نمود و زمینی که بجز گیاه خاردار ورگ گیاه دیگری در آن نمی‌روئید به رعیت واگذار می‌شد و در مقابل عجز و ناتوانی آنها، می‌گفت شما امروز از این عمل من ناراحتید ولی روزی خواهد رسید که هم افراد زمین دار و هم کسانی که بدون زمینند افسوس خواهند خورد. که این جملات در آن زمان برای رعیت نامفهوم بود. اتفاقاً در حال حاضر که این زمینها ارزش زیادی یافته‌اند. زمین دارها افسوس می‌خورند که چرا حاکم وقت (شجاع الدوله) زمین بیشتری به آنها واگذار نکرده و بی زمین‌ها نیز می‌گویند کاش پدران ما هم مورد این غضب حاکم قرار می‌گرفت تا ما هم اکنون صاحب زمین بودیم. آب کشاورزی روستای ورگ از طریق رودخانه گلیان و چاههای عمیق تأمین می‌گردد و قنات قدیمی روستا هم مخروبه است. این روستا دارای دو کوه محلی به نام چخماق و گوهر بلند است و تقسیم زمین و آب به صورت لنگ، سهم و سرکار می‌باشد که کل زمینهای آن ۱۱ سرکار و هر سرکار ۱۶ سهم است و معمولاً در مقابل یک هکتار زمین آبی سه هکتار زمین دیم دارند. محصولات عمده آن: گندم، جو، چغندر قند، کشمش، حبوبات، زردآلو و دانه‌های روغنی است شغل اصلی مردم کشاورزی است و عده کمی نیز دامدارند. اخیراً خیابان جدیدی نیز در ابتدای ورود به روستا احداث شده که عده‌ای از مردم در حاشیه آن خانه‌سازی کرده‌اند. امکانات فعلی روستا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، لوله کشی آب، مسجد، آسیاب، خانه بهداشت، پُست، تلفن، شرکت تعاونی و شورای ده است و صنایع دستی آن قالیبافی و نجاری است. در خاتمه بجا خواهد بود که یادی از پهلوان سابق کشتی ایران مرحوم حاج علی اصغر خدمتگزار که روزگاری پشت قوی‌ترین پهلوانان ایران را به خاک می‌رساند، گردد که در تاریخ ۵۶/۸/۹ شمسی به رحمت ایزدی پیوسته است و قبرش در گورستان عمومی ورگ قرار دارد.

روستای هنامه HONAMEH

روستای هنامه در ۱۸ کیلومتری شمال شیروان واقع است که از شمال با ذاکرانلو و از جنوب با غارهای هنامه و باغان و از شرق با گدوگانلو و درّه اوغاز و از غرب با قلعه چه و قلجق ارتباط دارد. این روستا دارای ۱۳۸ خانوار و ۶۴۸ نفر جمعیت است که اکثر با زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند و فقط طایفه پولادیها ترکی صحبت می‌کنند که این عده در اصل از زوارم به قلندرآباد و از آن جا به هنامه مهاجرت کرده‌اند. هنامه مرکز دهستان بزرگ سیبکانلو شیروان است. این روستا از سه حصار «خان، زمانگ و همبر» تشکیل یافته که رودخانه نسبتاً پرآبی از وسط آن عبور می‌کند سرچشمه رودخانه هنامه کوههای سرسبز آرموتلی اوغاز، کوه قنبر و کوه پتله گاه و سنجریگ است.

روستای هنامه یکی از قراء تاریخی شیروان است که قدمت آن به زمان زرتشتیان می‌رسد. مؤلف مطلع الشمس می‌نویسد: «هناما یکی از قراء قدیمی و گبرنشین بوده، این قریه در درّه واقع و رودخانه از آن جاریست که آب آن از بالاسر قلندرآباد جریان یافته بکار زراعت می‌رود»^{۹۹}. یا اسکندربیک منشی می‌نویسد: زاکورانلو که اکنون مردمش به شیروان کوچیده‌اند در بالای تپه‌ای در شمال هونامه قرار دارد علی بیگ زاکوری در سال ۱۰۱۵ قمری در جنگ داغستان به یاری شاه عباس صفوی رسید^{۱۰۰}. در کوههای جنوب شرقی منتهی به هنامه آثار شهر یا قصبه‌ای بزرگ از زیر خاک و سنگ به علت فرسایش کوه قد برافراشته که نظر هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. این آثار قدیمی دارای طاقهای متعدد و خانه‌های مسکونی و کندوها، آخور چهار پایان، آتشدانها و کوچه پس کوچه‌های زیادی است که هنوز قسمت اعظم آن در زیر و داخل کوه قرار دارد. طول بعضی از دالانها و راهروها به بیش از ۲۰ متر می‌رسد و در قسمتهای انتهایی این آثار تاریخی که کمتر مورد فرسایش قرار گرفته، آثار گچبری نیز مشاهده می‌گردد. در قسمت شمال هنامه نیز آثار معادن شدادی و کوره‌های قدیمی و سنگها و آجرهای ذوب شده بخصوص در نزدیکی چشمه ترناب

۹۹ - محمد حسن خان صنیع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۴۴.

۱۰۰ - اسکندربیک منشی، عالم آرای عباسی، ص ۷۳۸.

بخوبی نمایان است. مقبره قدیمی «اورته شیخ» و درختهای کهنسال اُرس در این محلّ جملگی قدمت و تاریخی بودن روستای هنامه را گواهی می دهند.

در مورد وجه تسمیه این آبادی بزرگ عده ای از مطلعین معتقدند در زمان سلجوقیان عده ای از مردم در این محلّ به خمره های بزرگی که مخصوص تهیه شراب بوده است برخورد می کنند و چون آنها را خالی می یابند. می گویند هنامه که به ترکی می شود کومی؟ یا کجاست می. که این مورد نمی تواند موثق باشد. چون سابقه هنامه بسیار قدیمتر از عصر سلجوقیان است. هنامه در زبان زرتشتی به خوشنام، محل پاک و مقدس نیز معنی می شود.^{۱۱}

روستای هنامه در سابق حکومت نشین بود در زمستانها مرکز حکمرانی فرج الله خان بیچرانلو و علی خان بیک رئیس ایل بیچرانلو و موسی بیک بود. آب کشاورزی این روستا از طریق رودخانه هنامه و یکرشته قنات و چاههای عمیق چشمه عطری تأمین می شود. تقسیم زمین و آب به صورت لنگ است. یعنی هر لنگ سه هکتار و ۱/۵ ساعت آب دارد و هر ۱۶ لنگ یک شبانه روز می شود که کل زمینهای مزروعی آن ۹۷۲ هکتار و ۱۴ شبانه روز آب است. شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری است ییلاق دامداران کوههای سنجربیک و گلیل و قشلاقشان معمولاً نارلی، پاشایولی و آی تمور ترکمن صحراست.

محصولات عمده روستا: فراورده های دامی، گندم، جو، کشمش، سیب، گلابی و گردو و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی است. مردم هنامه از ایل بیچرانلو هستند که از اکراد منطقه کردنشین شمال کشور سوریه در زمان صفویه به ایران کوچانیده شدند، امکانات روستا در حال حاضر شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، مسجد، حمام، لوله کشی آب از چشمه اورته شیخ، خانه بهداشت، پست، شرکت تعاونی، آسیاب و شورای ده است.

در روزهای عید نوروز و مواقع فراغت از کار مردم هنامه در محلی به نام بیری، جایگاه دوشیدن گوسفندان، مراسم سنتی کشتی باجوچه را با نوای دهل و سُرنا برگزار می کنند که از پهلوانان قدیمی این روستا می توان از آقارضا پهلوان، نجف علی پهلوان و محمدولی پهلوان نام بُرد و در مراسم جشن عروسی هنوز رقص حماسی چوب که نوعی تمرین دفاع و ورزیدگی

بدن است بطرز هنرمندانه ای اجرا می‌گردد. در پایان از نام پراوازه محمد رحیم بهادرنی معروف به رحیم خان بخشی که اهل این روستا بود نمی‌توان بی تفاوت گذشت. او استاد مسلم دوتار بود و همگان او را به عنوان استاد بی همتا قبول داشتند. ضمناً رمضان عاشق فرزند حسین علی نیز در سُرنا (بیق) مهارت داشت.

روستای ینگه قلعه علیا YENGEH.QALAH. OLYA

این روستا در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال غرب شیروان واقع است که از شمال به روستاهای دده خان و قلهک و از جنوب به روستای سولدی و شیرگاه و از شرق به روستای زو و امیرخان و از غرب به روستای ینگه قلعه سفلا محدود می‌گردد. ینگه قلعه علیا مرکز دهستان قوشخانه شیروان است.^{۱۰۲} این روستا دارای ۱۳۲ خانوار و ۷۷۲ نفر جمعیت است که به زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند. مردم ینگه قلعه علیا از ایلات کرمانج رشوانلو و باشقانلو هستند که اگرادی سلحشور و مبارزند. جنگ خونین این ایلات با قوای نادر شاه زبازند خاص و عام منطقه است. ینگه قلعه علیا در دو طرف حاشیه رودخانه قوشخانه قرار دارد که با توجه به موقعیت طبیعی و آب و هوا و چشمه سارها روستایی سرسبز و پردرخت می‌باشد. آثار قدیمی در این روستا مشاهده نمی‌شود. اما آثار سنگرهای مخروبه سرداران سابق در کله و بش قارداش نشان دهنده مبارزات پیگیر مردم روستا با مهاجمان است که تا سال ۱۳۲۳ شمسی به صورت پراکنده ادامه داشته است. ینگه قلعه علیا در چندین ساله اخیر بخصوص پس از تأسیس مرکز خدمات کشاورزی دهستان قوشخانه از طرف جهاد سازندگی در این روستا ترقی محسوس و چشمگیری داشته است.

کوههای معروف ینگه قلعه علیا عبارت است از: شیرگاه، بش قارداش، داغ قلعه و بلند قاخ و درّه‌های: ناله چراغعلی، ناله گله خور، ناله امام، ناله خوجه و النگ زار مرتعی نزدیک روستا در حوزه ینگه قلعه قرار دارد. که بطور کلی ییلاق مناسبی برای دامداران محسوب می‌گردد. شغل اصلی مردم دامداری و کشاورزی است. تعداد گوسفندان این روستا

۱۰۲ - روستای رباط در سابق مرکز قوشخانه بود.

۳۵۰۰ رأس و گاو و گوساله موجود ۲۵۰ رأس است. قشلاق دامداران مراوه تپه ترکمن صحراست. محصولات عمده آن: فرآورده های دامی، گندم، جو، سیب زمینی، چغندر قند، سیب درختی و زردآلو است. در دره امام مقبره معصومزاده ای قرار دارد که مورد احترام و اعتقاد اهالی می باشد و در روز سیزده فروردین به آن جا رفته و نذر و نیاز می نمایند. صنایع دستی آن شامل: قالیبافی و گلیم بافی است. چشمه های: داغ کلت، آلمه سار نیز در حوزه این روستاست امکانات فعلی ینگه قلعه علیا شامل: راه شوسه، سرویس ایاب و ذهاب، دبستان، حمام، مسجد، مرکز خدمات کشاورزی، آسیاب، خانه بهداشت، لوله کشی آب آشامیدنی، درمانگاه، شرکت تعاونی و شورای ده است. در فاصله یک کیلومتری این روستا، ینگه قلعه سفلا قرار دارد که از شمال به روستای قلّهک و از جنوب به کوه شیرگاه و از شرق به ینگه قلعه علیا و از غرب به روستای حصار قوشخانه محدود می گردد که دارای ۳۸ خانوار و ۱۷۵ نفر جمعیت است و به زبان ترکی تکلم می کنند.



در خاتمه بخش نظری به جغرافیای روستایی، نظری اجمالی برویژگیهای عمومی روستاهای شیروان داریم.

اکثر روستاهای شهرستان شیروان به استثنای تعداد اندکی به علت وجود آب به صورت چشمه در محل و نزدیکی به مراتع بنیانگذاری شدند که غالباً دارای برج و بارو به منظور جلوگیری از هجومها و اختلافات قومی بوده اند. نوع زندگی اقتصادی در روستاها بر دو گونه است. تعدادی دارای شغل اصلی دامداری و گروهی دارای شغل اصلی کشاورزی می باشند. منازل مسکونی روستاییان بیشتر از گل و خشت و چوب و گچ ساخته شده است و این ساختار در روستاهایی که از شیروان (مرکز شهر) فاصله بیشتری دارند کاملاً محسوس است. در نوع لباس روستاهای نزدیک شهر تغییرات عمده ای ایجاد شده است اما روستاهای دیگر هنوز لباس سنتی خودشان را بخوبی حفظ کرده اند (بویژه زنان). مردان و زنان کهنسال و با تجربه و سادات از احترام ویژه ای برخوردارند.

امکاناتی که در روستاها انجام گرفته است چون به صورت موضعی و بدون مطالعه دقیق انجام شده در مواردی نه تنها موفق نبوده و باعث جذب روستایی نشده بلکه عاملی نیز

برای مهاجرت گردیده است.^{۱۰۳}

اکثر روستاهای شیروان بجز تعداد کمی دارای سرویس ایاب و ذهاب با اتوبوس، مینی بوس، وانت بار و موتورسیکلت هستند مگر در زمستانها که روستاهای مرزی شیروان به علت نامناسب بودن راه و بارش برفهای سنگین برای مدتی مسدود و عبور و مرور وسائط نقلیه قطع می شود.

به هر حال چون شیروان یکی از مهاجر پذیرترین شهرهای خراسان است و این مهاجرت اکثر از طریق هجوم روستاییان تولید کننده انجام می گیرد موارد زیر به منظور جلوگیری پیشنهاد می گردد.

- ۱- ایجاد تجهیزات لازم در روستا: آموزشی، بهداشتی، رفاهی
 - ۲- ایجاد صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی و دامی با توجه به موقعیت و نوع محصولات.
 - ۳- حمایت از قیمت محصولات کشاورزی و دامی روستاییان
 - ۴- اعطای وامهای کم بهره برای کارهای تولیدی
 - ۵- معافیت مالیاتی در مورد حقوق کارمندان و کارکنان در روستا
 - ۶- ایجاد «مسکن روستاسازی» و ضوابط خاصی برای «مسکن شهرسازی»
 - ۷- احیای مراتع در حال فرسایش دامداران و تأمین سوخت زمستانی روستاییان به منظور جلوگیری از قطع درختان.
 - ۸- سدسازی به منظور جلوگیری از هدر رفتن سیلابهای زمستانی و به زیر کشت آبی بردن زمینهای دیم.
 - ۹- اصلاح نژاد دامداران و بالابردن کیفیت و کمیت محصولات کشاورزی
 - ۱۰- تشویق روستاییان به حفظ آداب و رسوم محلی و حفظ اقتصاد سنتی.
- امیدوار است با اتخاذ تصمیمات مطالعه شده و علمی و عملی در مورد روستاییان، این قشر محروم و تولید کننده باعلاقه مندی در روستا مانده و همچنان به تولید خود برای اعتلای کشور کوشا باشد.

۱۰۳- راه سازی، بدون ایجاد دیگر امکانات در روستا باعث شد ارتباط روستایی بخصوص نسل جوان را با شهر زیاد کند و با توجه به جاذبه های کاذب شهر مانند مشاغل کاذب و درآمد بیشتر و امکانات رفاهی بیشتر، روستایی در شهر ساکن گردد.

فرجام سخن

اکنون که به فضل و یاری خداوند متعال به پایان کتاب رسیدیم، بر خود واجب می‌دانم از همکاری دوستان و همشهریان که در گردآوری بعضی از مطالب کتاب نقش داشته‌اند، آرزوی موفقیت، سلامتی و پیروزی نمایم و چون تصمیم دارم دو جلد کتاب دیگر تحت عنوان ۱- آداب و رسوم مردم شمال خراسان ۲- «باینو» که دربرگیرنده وقایع و داستانهای مستند تاریخی می‌باشد را انشاءالله با کمک شما خوانندگان دانش‌پژوه و تنی چند از اساتید دانشگاه آماده چاپ کنم. لذا تقاضا دارم در صورتی که عکس، سند، دستخط و یا مطالبی در این رابطه دارید ارسال بفرمایند.

متشکرم. مقیمی

نشانی: شیروان. خیابان امام رضا (ع) پلاک ۲۷۲ گلدپستی ۹۴۶۱۷ تلفن ۲۶۹۷

فهرستها

- ۱- مآخذ و منابع
- ۲- فهرست عکسها، اسناد و نقشه ها
- ۳- فهرست راهنما

مآخذ و منابع مورد استفاده

- ۱- آنشکده آذر، لطفعلی بیک آذربیکدلی، به تصحیح دکتر سادات ناصری، ۱۱۷۴ ه.ق.
- ۲- آمارگیری روستایی جهاد سازندگی استان خراسان، ۱۳۶۰
- ۳- آمارنامه استان خراسان، سازمان برنامه و بودجه (معاونت آمار و اطلاعات) چاپ مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵
- ۴- آمارنامه استان خراسان، ۱۳۶۵
- ۵- اترکنامه، رمضانعلی شاکری، تهران امیرکبیر، ۱۳۶۵
- ۶- احسن التواریخ، حسن بیک روملو، ۹۶۵ ه.ق
- ۷- اشکانیان، م-م- دیاکونوف، ترجمه کشاورز، تهران، انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱۳۴۴ ه.ق
- ۸- اقتصاد گرگان و گنبد و دشت، منصور گرگانی، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۵۰
- ۹- ایران وقضیه ایرانی، جورج گُرن، ترجمه وحید مازندرانی، تهران نشر کتاب، ۱۳۴۹
- ۱۰- ایران دردوره سلطنت قاجار، علی اصغر شمیم، ۱۳۴۲
- ۱۱- اوستا (کتاب مذهبی زرتشتیان)، زرتشت، قرن هفتم ق.م
- ۱۲- برهان قاطع، محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان، تهران، ۱۳۴۱
- ۱۳- بناهای تاریخی خراسان، علی اصغر مقری، مشهد، اداره کل فرهنگ و هنر، ۱۳۵۹
- ۱۴- بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، نصرت الله مشکوتی، فرهنگ و هنر، ۱۳۴۹
- ۱۵- پارتیها یا پهلویان قدیم (تاریخ سیاسی)، تهران، انتشارات دانشسرای عالی شماره ۴۶، ۱۳۵۰
- ۱۶- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، سعید نفیسی، تهران، مطبوعاتی شرق، ۱۳۳۵
- ۱۷- تاریخ اجتماعی قاجار، عبدالله مستوفی
- ۱۸- تاریخ جهانگشای تاریخی، میرزا مهدی خان استرآبادی، ۱۱۶۰ ه.ق

- ۱۹- تاریخ ایران (از زمان باستان تا امروز)، ا.آ. گرانوسکی- م.آ. داندامایو- گ.آ. کاشلنکو- پروفسور ای. پ. پتروشفسکی- پروفسور م. س. ایوانف- ل. ک. بلوی (گروه دانشمندان ایران شناس دانشگاههای مسکو و لنین گراد)، ترجمه کیخسرو کشاورزی تهران انتشارات پویش، ۱۳۵۹
- ۲۰- تاریخ ایران قدیم، حسن پیرنیا، مشیرالدوله، ۱۳۱۱
- ۲۱- تاریخ الکامل، ابن الاثیر علی بن محمد، ده جلد، تهران، ۱۳۴۴
- ۲۲- تاریخ باستانی ایران، میخائیل میخایلوویچ، دیاکونوف، ۱۹۰۷ م.
- ۲۳- تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، ۷ جلدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸
- ۲۴- تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، مشهد، انتشارات دانشگاه، ۱۳۵۰
- ۲۵- تاریخ خراسان، محمدعلی سجادی
- ۲۶- تاریخ سیاسی پارت اشکانیان، دوبوازیلسون، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲
- ۲۷- تاریخ مغول، عباس اقبال آشتیانی
- ۲۸- تاریخ غزنویان، قاضی منهاج الدین جوزجانی، قرن ۷ ه. ق
- ۲۹- تاریخ قزلباشان
- ۳۰- تاریخ گیتی گشا، محمد صادق موسوی، قرن ۱۲ ه. ق
- ۳۱- تاریخ مختصر احزاب سیاسی، محمدتقی بهار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵
- ۳۲- تاریخ مفصل مشروطیت ایران، عباس اسکندری، ۱۳۲۲
- ۳۳- تحفة الآفاق در جغرافیا، مهدیقلی هدایت، ۱۳۱۷
- ۳۴- تذکره جغرافیای تاریخی ایران، استاد وبارتولد، ترجمه حمزه سردادور، تهران، ۱۳۰۸
- ۳۵- جغرافیا، حسین گل گلاب، ۱۳۱۰
- ۳۶- جغرافیای تاریخی خراسان (مشهد طوس)، سیدمحمد کاظم امام، تهران، انتشارات ملک، ۱۳۵۳
- ۳۷- جغرافیای کشاورزی ایران، تقی بهرامی، تهران، دانشگاه، ۱۳۳۳
- ۳۸- جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، تهران، ۱۳۱۰
- ۳۹- جنگ جهانی دوم، محمد امیر موثق
- ۴۰- چنگیزخان، پروگرس، مسکو، شوروی
- ۴۱- حدیقة الرضویه، محمدحسن ادیب هروی، مشهد، ۱۳۶۷
- ۴۲- حبیب السیر، غیاث الدین محمود خواندمیر، ۴ جلدی، تهران، ختام، ۱۳۶۲
- ۴۳- حرکت تاریخی کرد بخراسان، کلیم الله توخدی، ج ۱ و ۲، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۴
- ۴۴- حیات یحیی «در تاریخ قاجاریه»، میرزا یحیی دولت آبادی،
- ۴۵- خاطرات یک سرباز، سرهنگ حیدرقلی بیگلری، تهران، ارتش، ۱۳۵۰

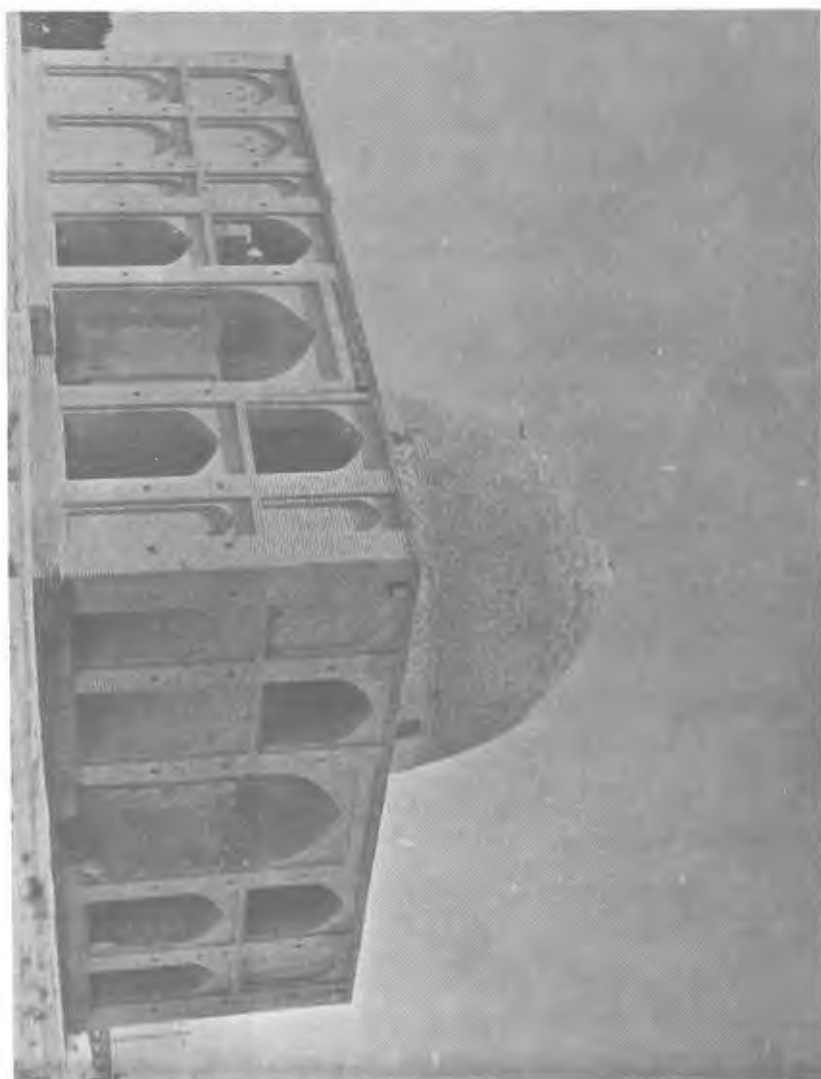
- ۴۶- خاطرات سیاسی فرخ، محمود فرخ (معتصم السلطنه)، تهران، سپهر، ۱۳۴۷
- ۴۷- خاطرات و اسناد حسین قلی خان مافی، نظام السلطنه مافی، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲
- ۴۸- خواجه تاجدار، ژان گوره فرانسوی، ۲ جلدی،
- ۴۹- دامپروری، دکتر تقی بهرامی، ۱۳۳۴
- ۵۰- دانشمندان نامی اسلامی، سید محمود خیری، ۱۳۳۷
- ۵۱- دایرة المعارف انگلیسی، چاپ بریتانیا،
- ۵۲- درالتيجان فی تاریخ بنی الاشکان، محمد حسن بن حاجب الدوله علی مقدم، اعتماد السلطنه، تهران، ۱۳۰۸
- ۵۳- ده سال در عدليه، احمد کسروی، ۱۳۲۳
- ۵۴- ده نفر قزلباش، حسین مسرور (سخن یار)، ۱۳۲۶
- ۵۵- دایرة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، تهران، ۱۳۴۵
- ۵۶- دو قرن سکوت، عبدالحسین زرین کوب، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴
- ۵۷- ذخائر انقلاب شماره ۲، مقاله «گذر از کوچ نشینی به رمة گردانی»، دکتر محمدحسین پایلی یزدی، ۱۳۶۷
- ۵۸- راحة الصدور وآية السرور «تاریخ سلجوقیان»، ابوبکر محمد راوندی، ۵۵۹ هـ. ق
- ۵۹- راههای ایران، تهران، گیتاشناسی،
- ۶۰- راهنمای عهد و عهدنامه های تاریخی ایران، وحید مازندرانی، ۱۳۴۱
- ۶۱- رضاشاه کبیر، آموزش و پرورش استان یزد، ۱۳۵۶ (۲۵۳۶)
- ۶۲- رقابت روسیه و غرب در ایران، جورج لنزوسکی، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶ (۲۵۳۶)
- ۶۳- روضة الصفا، محمد بن خاوندشاه (میرخواند)، قرن نهم هـ. ق
- ۶۴- روزنامه خاطرات، محمد حسن خان، اعتماد السلطنه، تهران، ۱۳۰۰ هـ. ق
- ۶۵- زندگانی حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع)، حسین عمادزاده اصفهانی، تهران، طبع کتاب، ۱۳۳۵
- ۶۶- سفرنامه خراسان، علی نقی بن اسمعیل، تهران، ۱۲۸۴ هـ. ق
- ۶۷- سفرنامه خراسان، ناصرالدین شاه قاجار، زیر نظر دکتر ایرج افشار، ۱۳۵۴
- ۶۸- سفرنامه ناصرالدین شاه بخراسان، محمد حسن خان بن حاجب الدوله علی مقدم، اعتماد السلطنه، تهران، ۱۳۰۰ هـ. ق
- ۶۹- سفرنامه سرپرسی سایکس، ترجمه سعادت نوری، انتشارات لوحه، تهران، ۱۳۶۳
- ۷۰- سرزمین و مردم قوچان، محمد جابانی، مشهد، انتشارات اطلس، ۱۳۶۳
- ۷۱- سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت الله روشنی، مشهد، انتشارات توس،

- ۷۲- سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۵۷
- ۷۳- سیره جلال‌الدین منکبرنی (تاریخ جلالی)، نورالدین محمد نسوی زیدری، ترجمه ناصح، تهران، علمی، ۱۳۴۴
- ۷۴- شاهنشاهنامه، حبیب‌الله نوبخت، ۱۳۰۵
- ۷۵- شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، تهران، زوار، ۱۳۴۷
- ۷۶- شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)، امیرشمس‌الدین بدلیسی با مقدمه محمد عباسی،
- ۷۷- شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس، محمد احتشام کاوینیان، ۱۳۵۴
- ۷۸- شاه‌طهماسب صفوی، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، تهران، علمی، ۱۳۵۰
- ۷۹- ظفرنامه، حمدالله مستوفی، قرن هشتم ه. ق
- ۸۰- ظفرنامه (در تاریخ سلطنت تیمور)، شرف‌الدین علی یزدی، ۲ جلدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶ ه. ق
- ۸۱- عالم‌آرای عباسی (در تاریخ صفویه)، اسکندربیک منشی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴
- ۸۲- عجائب‌المقدور فی نوائب‌التیمور، ترجمه: محمدعلی نجاتی، قرن نهم ه. ق
- ۸۳- عیون اخبارالرضا، ابن بابویه، قرن چهارم ه. ق
- ۸۴- فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، مشهد، چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۷
- ۸۵- فرهنگ جغرافیای ایران، حسینعلی رزم‌آرا، ۱۳۲۸
- ۸۶- فرهنگ جغرافیا و تاریخ، حسن عمید، تهران انتشارات جاویدان، ۱۳۴۶
- ۸۷- فرهنگ روستایی، دکتر تقی بهرامی، ۱۳۰۶
- ۸۸- فرهنگ عمید، حسن عمید، ۲ جلدی
- ۸۹- فرهنگ لغات عامیانه، سیدمحمدعلی جمال‌زاده، ۱۳۴۲
- ۹۰- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، ۶ جلدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰
- ۹۱- فرهنگ نفیسی، دکتر علی اکبر نفیسی، ۵ جلدی، تهران، ختام، ۱۳۴۳
- ۹۲- فرهنگ جهانگیری، میرجمال‌الدین حسین، ۲ جلدی، مشهد، دانشگاه، ۱۳۵۹
- ۹۳- فصلنامه تحقیقات جغرافیائی (مجله علمی پژوهشی گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی)، مدیرمسئول: دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، ناشر، معاونت فرهنگی، شماره ۱-۹
- ۹۴- قانون مسعودی در نجوم و جغرافیا، ابوریحان بیرونی، ۴۲۷ ه. ق
- ۹۵- قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان، ش- علی آذری، تهران، صفی‌علیشاه،

- ۹۶- کریم خان زند، دکتر عبدالحسین نوائی، ۱۳۴۴
- ۹۷- کلیات عشق، المجنون شیروانی، ۱۳۲۴
- ۹۸- کوهها و غارهای ایران، احمد معرفت، تهران، معرفت، ۱۳۵۲
- ۹۹- گنج دانش، محمد تقی خان بن محمد هادیخان (حکیم)، ۱۳۰۵
- ۱۰۰- گیتاشناسی کشورها، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۶۲
- ۱۰۱- گوهرنامه، خواجهی کرمانی، قرن ششم ه.ق
- ۱۰۲- گیا (راهنمای گیاهی)، دکتر حسین گل گلاب، تهران، بوذرجمهری، (۲۵۳۶) ۱۳۵۶
- ۱۰۳- گیاه شناسی کاربردی برای رشته های کشاورزی و منابع طبیعی، دکتر محمد طباطبائی،
- ۱۰۴- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۲ و ۱۳۲۵
- ۱۰۵- مرآت البلدان، محمد حسن خان، اعتماد السلطنه، ۳ جلدی، تهران، ۱۲۹۷ ه.ق
- ۱۰۶- مبنای محیط زیست، کنت وات ترجمه عبدالحسین وهاب زاده،
- ۱۰۷- مطلع السعدین (در تاریخ مغول)، ملا عبد الرزاق بن اسحق سمرقندی، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران، ظهوری، ۱۳۵۳
- ۱۰۸- مطلع الشمس، محمد حسن خان صنیع الدوله، تهران، دارالترجمه همایونی، ۱۳۰۰ ه.ق
- ۱۰۹- معجم البلدان، شهاب الدین یاقوت حموی،
- ۱۱۰- منتظم ناصری، محمد حسن خان صنیع الدوله، تهران، ۱۳۰۱ ه.ق
- ۱۱۱- منتخب التواریخ (تاریخ ائمه و خلفا)، حاج ملا هاشم خراسانی، ۱۳۴۹
- ۱۱۲- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد شماره ۴-۱ مقاله «مختصری درباره کوچ نشینان کرد شمال خراسان» و «چرخ شیریک تحول تکنیکی»، دکتر محمد حسین پاپلی یزدی.
- ۱۱۳- مجمع التواریخ، احمد فصیحی خوافی، ۳ جلدی، به اهتمام محمود فرخ، مشهد، باستان، ۱۳۴۲
- ۱۱۴- مشهد طوس (جغرافیای تاریخی خراسان)، محمد کاظم امام، تهران، ملک، ۱۳۴۸
- ۱۱۵- نادر پسر شمشیر، نورالله لارودی، ۱۳۱۹
- ۱۱۶- نزهة القلوب «تاریخ و جغرافی»، حمدالله مستوفی، تهران، نشر کتاب، ۱۳۶۲
- ۱۱۷- نادرنامه، محمد حسین قدوسی، مشهد، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹
- ۱۱۸- ناسخ التواریخ، میرزا محمد تقی سپهر، ۱۲۷۳ ه.ق
- ۱۱۹- ناسخ التواریخ (تاریخ قدیم شیروان) خطی، میرزا براتعلی شیروانی، ۱۳۰۲ ه.ق
- ۱۲۰- نامه عالم آرای نادری، محمد کاظم مروی، ۱۹۶۰ م.
- ۱۲۱- واژه نامه طببری، دکتر صادق کیا، ۱۳۲۷
- ۱۲۲- هفت اقلیم، احمد امین رازی، ۱۰۲۸ ه.ق
- ۱۲۳- یعقوب لیث صفار، دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، ۱۳۴۳

عکسها و اسناد

مقبره امامزاده حسن و رضا (ع) شیروان (قرن پنجم هجری)





مقبرهٔ تیموری شیروان عکس شمارهٔ ۳۵



درهٔ تفتازان که در روزگاران گذشته شهری بزرگ و آباد در آن قرار داشته و در حال حاضر آثار آن در گوشه و کنار این دره دیده می‌شود. تفتازان زادگاه دانشمند بزرگ ملاّسعدالدین تفتازانی است. عکس شمارهٔ ۳۶



عکس شمارهٔ ۳۷



آثار شهری تاریخی در شمال روستای مشهد طرقي با دیوار و حصارهای ضخیم و برج و باروهای متعدد که دیوارهای منازل مسکونی و حتی خانه‌ها و ارک بلد و مسیر خیابان و کوچه بوضوح در آن مشاهده می‌گردد.

نگارنده در بازدیدی که از آثار قدیمی و مخروبه این شهر تاریخی در مورخه ۲۴ اردی بهشت ماه ۱۳۵۶ شمسی به عمل آوردم، در حین تحقیق به قسمتی که احتمال خانه یا زیرزمین را داشت به اتفاق همراهان خاکبرداری کردیم و فقط پس از ۴۰ سانتی متر خاکبرداری با ریزش خاک به اطاقی ۳/۵ متر در ۴ متر رسیدیم که بجز تکه‌های سفالین چیز دیگری مشاهده نگردید. خادم امامزاده سلطان محمد رضا (ع) اظهار می‌داشت در تحقیقات متعددی که در این محل انجام گرفته هنوز اشیایی سالم و با ارزش به دست نیامده و طبق گفته بزرگتران و معمرین گویا ساکنان شهر فوق را کلاً طی یک مهاجرت اجباری قبل از دوره نادرشاه کوچ داده‌اند. به هر حال آثار باقیمانده شهر که در مطلع الشمس نیز به آن اشاره شده است به تحقیق و بررسی علمی دیگری نیازمند است تا واقعیتها بهتر مشخص گردد. عکس شماره ۳۸



مراسم عید سعید فطر در کنار مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) عید فطر ۱۳۵۶ عکس شماره ۳۹



مقبره امامزاده امام یحیی تاریخ احداث بنا مشخص نیست. عکس شماره ۴۰



(دژۀ) زومعروف فیروزه و باغات روستای سرانی شیروان عکس شماره ۴۱



روستای زیدر عکس شماره ۴۲



روستای لوجلی مرکز بخش سرحد عکس شماره ۴۳



«آفتابه لگن» که سابق قبل از صرف غذا در مجالس مورد استفاده قرار می گرفت و مدعوین دستهای خود را با آب ولرم می شستند و غذا صرف می کردند. عکس شماره ۴۴



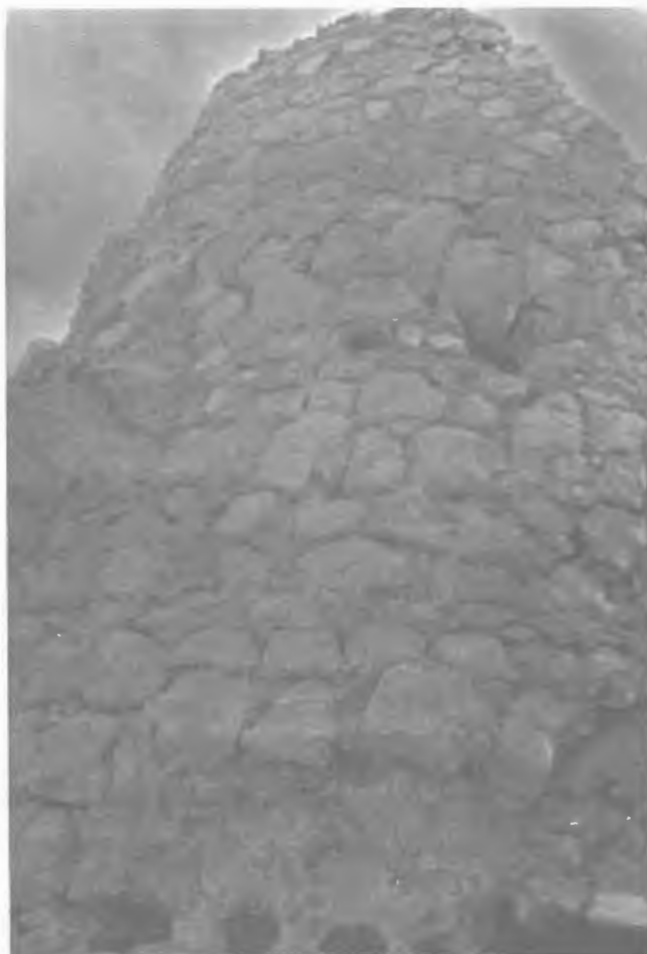
روستای سرداب عکس شماره ۴۵



قلزقلعه زیدرشیروان عکس شماره ۴۶



دبهٔ روغن. ساخت مرحوم استاد غلوهنرمند شیروانی مربوط به دورهٔ قاجاریه عکس شمارهٔ ۴۷



یکی از برجهای تیموری در قلعه کوه قلعه زوشیروان عکس شماره ۸۴



مراسم زکریا در قلل کوه امامزاده زکریا (ع) نامانلو عکس شماره ۴۹



آبشار بلند روستای اسطرخی شیروان عکس شماره ۵۰



گل سرانی شیروان (منطقه جنگلی)



آثار برجها و حصار قلعه قدیمی موسی خان در روستای حصار پهلوانلو گلپایگان عکس شماره ۵۱



برجهای تیموریان در قلعه زوشیروان عکس شماره ۵۲



خانه‌های مسکونی در قلّه کوه قلعه زو شیروان مربوط به دوره تیموریان عکس شماره ۵۳



شبه ذوالجناح. مراسم عزاداری روز عاشورا در شیروان عکس شماره ۵۴



شبيه ذوالجناح (روز عاشورا - شيروان) عكس شماره ٥٥



تپه ارک شيروان عكس شماره ٥٦



پل ارتباطی مدخل شهر که بر روی رودخانه قلچق (چابلق) احداث شده است عکس شماره ۵۷



نمای جنوبی مسجد جامع شیروان عکس شماره ۵۸



محراب مسجد جامع شیروان عکس شماره ۵۹



مرحوم آقا شعبان بیدقی یکی از نیکوکاران شیروان عکس شماره ۶۰



مقبره امامزاده یحیی (ع) عکس شماره ۶۱



پرورش ماهی قزل آلا در روستای ییلاقی گلپایه شیروان عکس شماره ۶۲



کتیبه‌ای فلزی مربوط به سال ۱۲۷۱ هجری قمری مربوط به حرم امامزاده محمدرضا (ع) شیروان
عکس شماره ۶۳



پهلوان محمدتقی فیاض نایب پهلوان ایران عکس شماره ۶۴



صحنه ای از مسابقات کشتی با چوچه عکس شماره ۶۵



مرحوم پهلوان حاج علی اصغر خدمتگزار عکس شماره ۶۶



مناظر کشت چغندر قند به روش باران مصنوعی، شیروان سال ۶۵



نمای جنوبی مقبره امامزاده حمزه رضا شیروان



مراغه گلیل شیروان



روستای خانحصار زمستان ۱۳۶۰ عکس شماره ۶۷



میدان قدس شیروان عکس شماره ۶۸



جان پناه کوهنوردان واقع در کوه قراول چنگه شیروان عکس شماره ۶۹



آثار مکشوفه از روستای بُلقان شیروان عکس شماره ۷۰



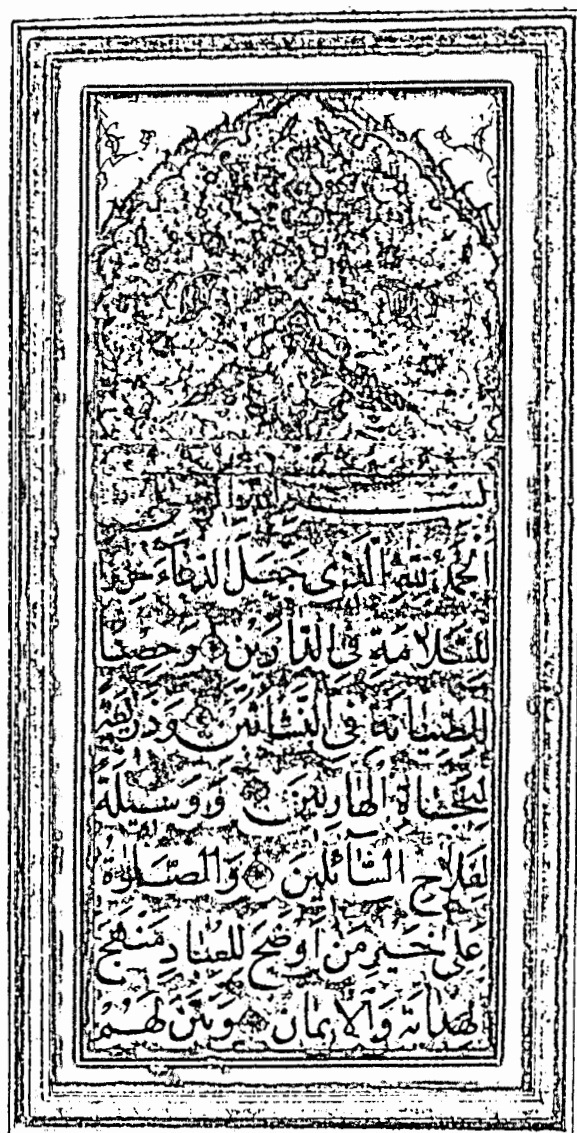
آثار مکشوفه از روستای هنامه شیروان عکس شماره ۷۱



آثار مکشوفه از روستای زیدرو از محل قیزلرقلعه عکس شماره ۷۲

[illegible]

کتاب آتشکدهٔ آذربیکدلی دستخط مربوط به دورهٔ صفویه که بر روی کاغذ روغنی با حاشیهٔ و تزیین آب طلا میباشد در ابعاد ۱۶ × ۲۶ با تشرک از حاجی بیانی.



نویسنده خط: ملا نعمت الله مربوط به دوره قاجاریه

۱۹۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

نشد در آینه

بعضی صفتوه جانبی صحتی که سلام تا حجاج سید صمد

نشد در آینه

مجاز و مآدینه از طرف حقیر در حجاب در برابر ائمه معصومین صلوات الله علیهم این

نشد در آینه

بین علماء و امامیه و عنوان ائمه معصومین و فقه و جرحه و تریه و از کتب و کلمات و کلمات

نشد در آینه

و مذهب الایمان و صرف در برابر مقبره و رفیع و ائمه معصومین بکرامت ائمه اسلام و صرف و کلمات

نشد در آینه

حرفان و امامیه و حقیقت دین بین اسلام است در آینه و کلمات و کلمات

نشد در آینه

و صیال و قرین و خیر و صیال و جرحه و امامیه و امامیه و امامیه و امامیه

نشد در آینه

و صیال و قرین و خیر و صیال و جرحه و امامیه و امامیه و امامیه و امامیه

نشد در آینه

و صیال و قرین و خیر و صیال و جرحه و امامیه و امامیه و امامیه و امامیه

نشد در آینه

و صیال و قرین و خیر و صیال و جرحه و امامیه و امامیه و امامیه و امامیه

نشد در آینه

و صیال و قرین و خیر و صیال و جرحه و امامیه و امامیه و امامیه و امامیه

نشد در آینه

و صیال و قرین و خیر و صیال و جرحه و امامیه و امامیه و امامیه و امامیه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین و صل علی علی خیر خلقه و شریف بنو فخر و
 الطاهر بن الطاهر و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین و قیام الیم و کون
 بسم الله مستطاب مرجع حکام مدوۃ الامام فخر السید رحیم بن
 شریف و دست مائده از طرف بنیام فخر بنذر لصد
 مرجع سید که در زمان غمت منوط منظر فقیه مع الشرائع و اول
 حاکم شریع گرد است و بی نذر در اخذ و جود شریعت بسم مبارک
 امام علیه التحیه و السلام که بر همه مؤمنین قریب شیروان و لولیع است
 که منشأ از ارجوف و مصارف لایحه خودشان و دولت و ملت و ملت
 حجت حفظ حمزه علیه تحیت شریف برابر بنیام فخر بنذر
 و قیام السید بنیام فخر بنذر و ابیاحسان و خیر افعال دارند
 و ان شاء الله در هر حال مراعات تعوی و حیاط را خواهد نمود
 علیه و علی کافه خزانة المؤمنین و حجت لایحه و کافه و کافه و کافه

لا اله الا الله
 محمد بنی



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وفضل صلواته ورحمته على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

والعفة الدائمة على أعدائهم أجمعين اليمين اليمين / اما بعد انما جانب خطب / عدم عا داله

تمت السلام كما سيرة اله سهرت في از این جانب مجازنه در قصه باور / نسبه

بکشف جهات موضوعیه و حکمیه لم بدققه و نیز مجازنه در قصه و حقه / ع

از اخلاص و نظم و مجهول الی کذا و همچنین مجازنه در قصه سیم بر اقام / عدم عیبه

در تکرار ثقت را تعریف و در دشت و دیگر ارباب این جانب بیخاف افاض / نسبه

و اوصیه بمرامات و در حدیث فیه است و السلام علیه و آله و سلم / ع

المصطفی

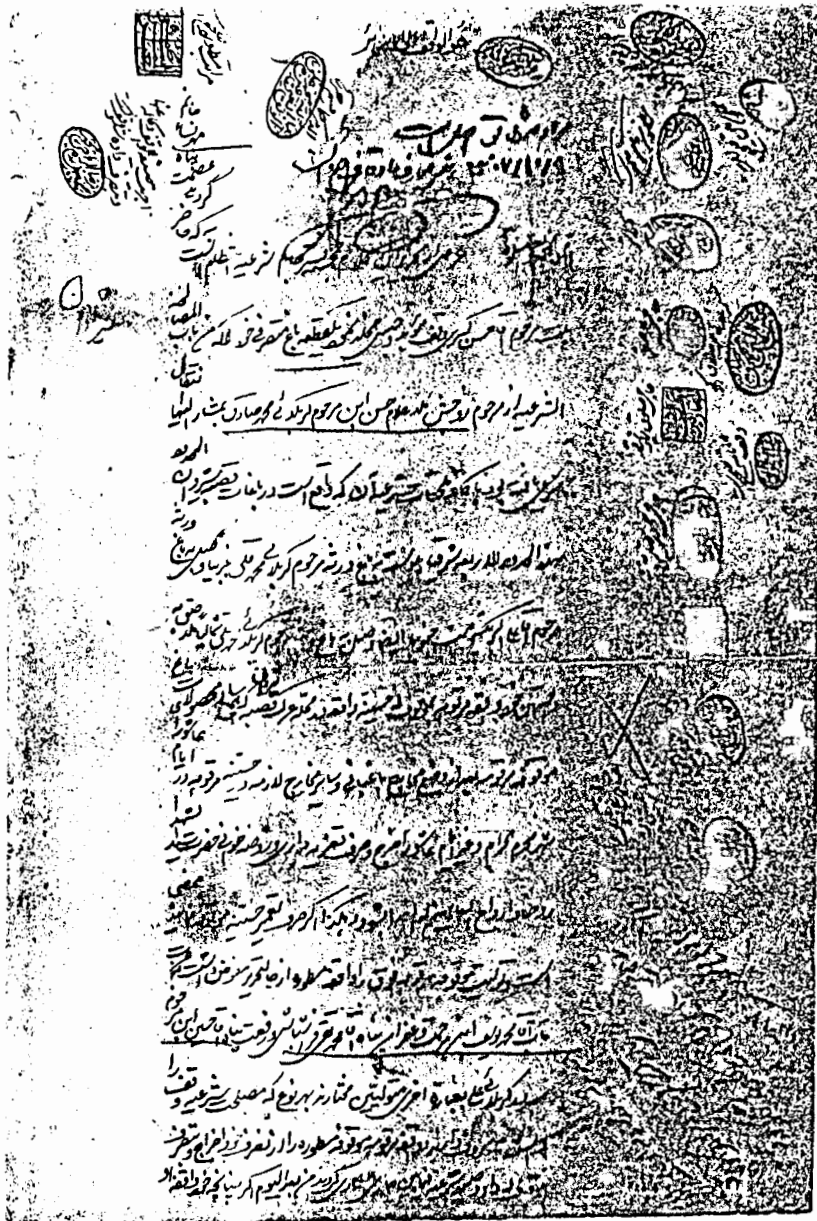
الحکم



۱۳۸۲

۱۳۰۲

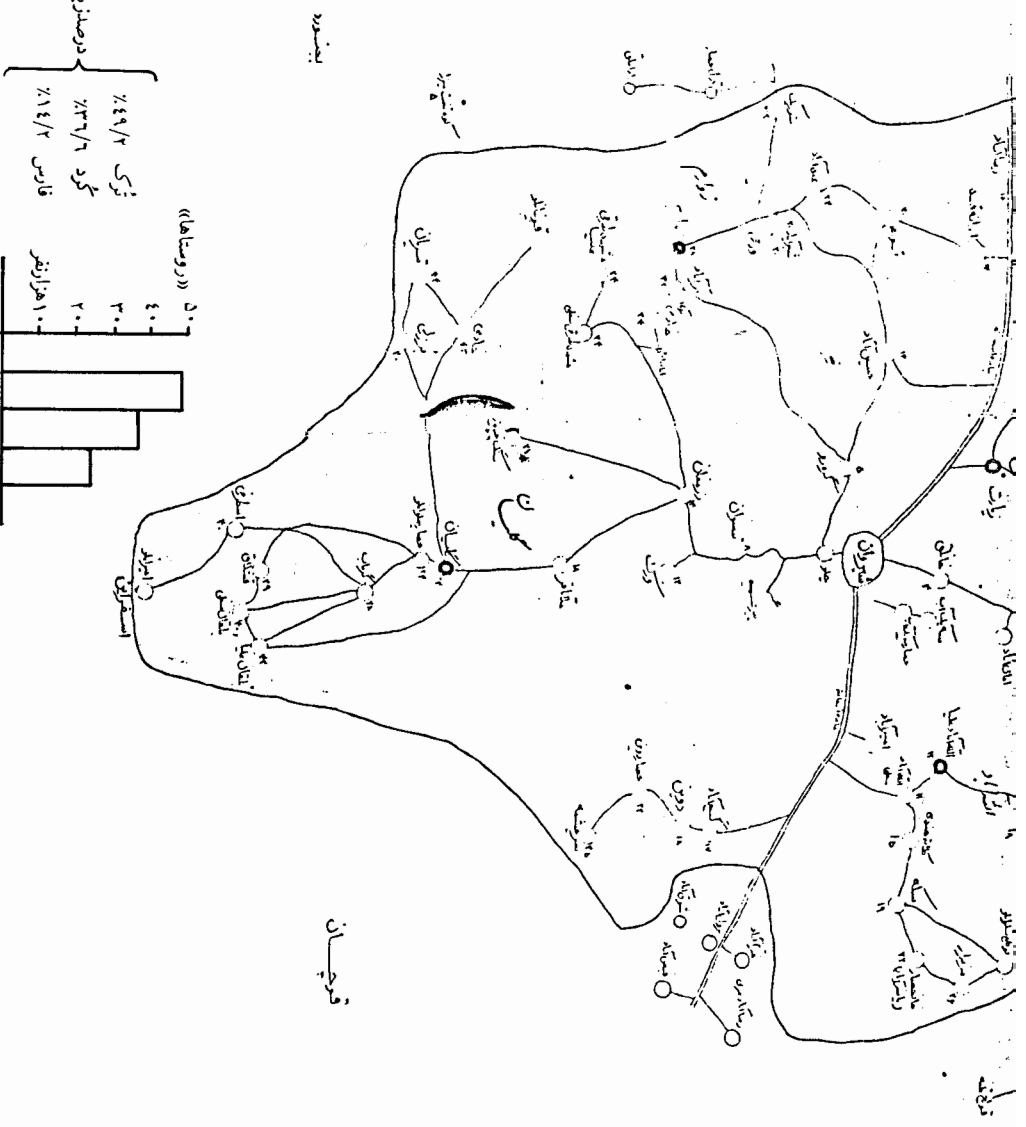
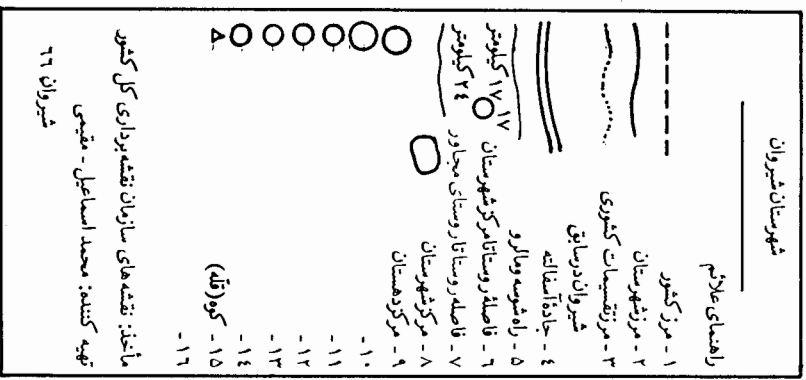
حکم حضرت آیه الله طباطبائی



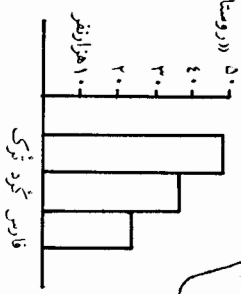
وقفنامه بانو مهرنساء خانم یک قطعه باغ بزرگ.

موارد مصرف: ایام شهر محرم الحرام و غیره ایام عاشورا خرج و مصرف تعزیه داری و روضه خوانی حضرت سیدالشهدا حسینیه

[illegible]



نسبت امارت به شهرستان



[illegible]

وقفنامه استاد محمد باقر خیاط ابن غلام خواجه قلی. موارد مصرف: برای تعزیه حضرت گلگون کفن صحرائ کربلا در مسجد ارگ شیروان (امامزاده حسین)

فهرست اعلام (اشخاص، ایلات، مکانها)

آستان قدس رضوی ۱۱، ۱۶، ۲۳۳، ۴۱۱،	آ
۴۴۱، ۴۲۳، ۴۲۱	آب تلخ (تشکیلات رسوبی) ۸۰، ۸۲
آستوانه - آستانه ۲۴، ۲۶، ۳۴	آبدراز (تشکیلات رسوبی) ۸۰، ۸۳
آغا محمد خان (قاجار) ۵۰	آبشار اسطرخی ۹۹، ۳۶۸، ۵۱۹
آغز قاپوق لی ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۶، ۱۲۴،	آپازت - آپارتنی ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۳۵
۳۳۸	آتامیر (تشکیلات رسوبی) ۸۰، ۸۲، ۸۶
آقاخان ۳۲۵، ۳۲۶	آتشکده ۲۶
آق سلخ ۳۷۲، ۴۴۲، ۴۶۹	آت یول ۴۲۱
آقا شعبان بیدقی (خانباشی) ۱۵۲، ۲۸۴،	آخال ۴۰، ۴۱، ۴۲۱، ۴۵۴
۴۱۹	آخوند پهلوان ۲۷۷، ۳۷۲
آق قلعه ۳۶۰، ۳۹۶، ۴۶۶	آذربایجانی (آذری) ۴۴، ۶۲، ۱۳۴، ۱۳۶،
آق کمر ۴۶۱، ۴۸۸	۴۱۹، ۳۸۹
آق یول ۴۲۱	آذرخشی احسان ۲۹۵
آلاداغ ۱۸، ۱۹، ۷۲، ۷۸	آذری، عباسقلی ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۴۳۳
آلپ ۸۵	آرچه (سرو کوهی) ۲۳۷، ۳۷۳، ۳۷۷،
الخاص ۷۴، ۳۶۰، ۳۶۶، ۳۵۶، ۴۶۷، ۴۸۵،	۴۹۶، ۳۹۷، ۳۹۳
آلملی دره ۳۹۶	آرموتلی ۳۷۰، ۳۷۷
آلمه سار ۴۴۵	آریا - آریائی ۳۵، ۱۳۳، ۱۳۴
آمونیت ۷۵، ۸۲، ۸۶، ۴۸۵	آریائی، دکتر علی اصغر ۷۱، ۱۳۶
آنتی سیکلون ۱۹، ۹۶	آساک - آساک ۲۶، ۲۷، ۳۴

- آی تمور (تشکیلات رسوبی) ۴۳۵
آیش (نوعی باد) ۹۶، ۲۰
- الف**
اثوسن ۸۰
ابراهیم پور، علی اکبر ۱۷۹، ۲۶۹
ابوساری ۳۸۹
ابیورد (باورد) ۴۵، ۴۰، ۴۵۵
اتحاد جماهیر شوروی (روسیه) ۱۸، ۲۸۴،
۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۳۰۲، ۳۰۳
۳۰۵، ۳۰۷، ۳۲۰، ۴۰۵
اترک ۱۹، ۲۵، ۲۶، ۳۱۶، ۴۰۰، ۴۰۷
احمد شاه (قاجار) ۲۸۴
أرته شیخ ۴۹۶
أرس (سرو کوهی) ۲۰، ۲۳۷، ۳۷۷، ۳۹۷،
۴۹۶
آرشک (آشک) ۳۴
آرغیان ۲۷
آرمنی (آرامنه) ۳۲، ۴۰۵
أزبکان ۴۰، ۴۵، ۴۰۴، ۴۱۰
أزدک - ازبک ۴۴۸
استرآباد (گرگان) ۴۹، ۵۰
استرابون ۲۵، ۱۳۱
استوا ۲۴، ۲۷
اسطرخی (استخری) ۹۹، ۱۰۲، ۲۴۴،
۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۳، ۵۱۹
اسفراین (میان آباد) ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۲۷،
۳۰، ۳۸، ۳۹، ۵۶، ۶۳، ۱۳۷
- ۵۱۹، ۳۷۳، ۳۶۷، ۲۱۱
اسلامی، حسین ۱۷۹
اسلامی، حسن ۳۲۷
اسلند پیک (آیلم پیک) ۲۸۱
اشراقی، حسین ۲۷۱
اشکانیان ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۴۱۸، ۴۷۷
اعتماد السلطنه ۲۵، ۳۰، ۶۲
افغان ۵۱، ۷۳
اگزوریرا ۸۳
ألاشلو ۳۶۹، ۳۷۵، ۳۸۹
الله آباد ۱۰۵، ۳۷۰، ۴۴۱
الله اکبر (کوه) ۷۹
الیگوسن ۷۵، ۸۰، ۸۵
امام رضا علیه السلام ۱۳، ۳۷، ۴۹، ۵۰،
۴۲۲، ۴۲۸
امامزاده حمزه رضا (ع) ۳۶، ۱۹۷، ۲۲۸،
۲۳۶، ۲۴۵، ۲۵۵، ۴۳۰، ۵۰۹
۵۱۲
امامزاده محمد رضا (ع) ۳۷، ۵۸، ۲۲۹،
۴۲۲، ۴۸۳، ۵۱۱
امامزاده عباس (ع) ۳۹۵
امامزاده عبدالرضا (ع) ۴۰۰
امامزاده غیبی ۶۵، ۱۹۱، ۲۴۵
امامزاده یحیی ۲۴۴، ۳۳۹، ۴۸۷، ۵۱۳
امام موسی کاظم علیه السلام ۴۰۰
امان آباد ۴۸۱
امتیّه (ژاندارمری) ۱۸۲، ۱۸۳
امیرآباد ۳۷۲، ۳۷۳

- امیر تیمور ۳۹، ۲۳۴، ۴۳۲
 امیر حسین خان (شجاع الدوله) ۳۰، ۵۹،
 ۶۱، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۷۲، ۴۱۳،
 ۴۹۴، ۴۲۵
 امیرخان ۳۷۴
 امیر خلیل سلطان ۳۰۸
 امیر شمس الدین محمد ۲۵۳، ۲۵۴، ۴۷۵
 امیر شیخ زاهد طارمی ۳۰
 امیر گونه خان (امیر گناخان) ۳۰، ۴۴، ۵۰،
 ۵۷، ۲۴۱، ۳۰۹، ۳۱۰
 افدرا کوراس ۲۶
 اوچ قارداس ۷۴، ۸۹، ۳۳۹، ۴۰۸
 اوریتولین ۸۱
 اوغاز ۷۶، ۹۸، ۲۴۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷،
 ۴۲۹، ۴۴۸
 ایتالیا (ایتالیائی) ۲۴۵
 ایزدور خارا کسی ۲۴، ۳۴
- ب
 بابا پهلوان ۲۴۱، ۲۷۷، ۴۳۳
 بابا توکل گلیانی (جلیانی) ۹۹، ۲۴۸،
 ۲۴۹، ۲۵۳، ۴۷۴، ۴۷۵
 بابا خوشگلدی ۲۴۴، ۴۱۱، ۴۴۲
 باداملق ۳۶۱، ۳۷۸، ۴۲۵، ۴۵۷
 بار تولد ۴۰، ۱۳۳
 بازالت (بازالتی) ۷۲، ۸۲
 باغ (روستا) ۲۴۴، ۳۷۴، ۳۷۹، ۳۹۶، ۳۸۱
 باغان - بغن ۳۵، ۷۶، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۰، ۳۸۱،
 ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۸۹، ۳۹۵، ۴۱۴
- باغ رضوان ۷۶
 باقری شیخ غلامرضا ۱۹۵، ۳۷۱
 باینو ۵۰۰
 بتلیسی ۴۱۹
 بجنورد ۱۳، ۱۷، ۲۴، ۲۷، ۳۴، ۴۱، ۵۵،
 ۱۳۲، ۱۳۷، ۴۷۴
 بخارا ۴۵۵
 بخش سرحد شیروان ۱۰۶، ۳۱۷، ۴۸۰
 بخشی (نوازنده دوتار) ۳۵۸
 بدری محمد امین ۲۷۱
 براتمحمد
 برج ذوالفقار ۳۸۲، ۳۸۵، ۴۱۴، ۴۵۴
 برج و باروی تیموری ۲۳۶، ۲۳۷، ۵۱۷
 بُرزل آباد ۳۸۲، ۳۸۳، ۴۱۸، ۴۲۳، ۴۲۵
 بُرزلی ۳۶۰، ۳۶۸، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۷۲
 برمکیان ۴۴۴
 بزآباد ۵۸، ۳۸۵، ۴۵۵
 بقلان، مرتضی (مجتبی) ۲۶۱
 بلقان ۹۲، ۱۸۴، ۳۶۸، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۷۳
 بلور، حبیب الله ۲۷۱، ۲۷۹
 بلوی. ل-ک ۲۹۸، ۳۰۲
 بوانلو ۸۹، ۲۴۵، ۳۶۹، ۳۸۹
 بهادری، تاج محمد خان ۳۰۰
 بهارلق ۴۰۴، ۴۰۵
 بهرام بیک قهرمانلو ۴۷۸
 بیجه خونی ۴۲۲
 بیچرانلو (ایل) ۲۱۲، ۲۸۸، ۳۰۶، ۳۱۶،
 ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۸۹، ۳۹۵، ۴۱۴

- ۴۷۶، ۳۰۱
پکتن (دوکفه ای) ۸۳
پلیتوسن ۸۱، ۸۲
پولی بی یوس ۲۵، ۳۴
پهلوانلو ۹۹، ۱۳۵، ۳۰۲، ۴۰۱، ۴۷۴
پهلوی ۱۸۶، ۲۷۶، ۲۹۰، ۳۰۸، ۳۱۹
۳۲۰، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۴۵۱
۴۵۹
پهلوی، رضا شاه ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۱۹
۳۲۰
پهلوی، محمد رضا شاه ۳۲۰، ۳۲۹، ۳۳۰
پیر شهید ۳۹۴، ۴۹۳
پیرودانلو ۳۹۵، ۴۴۷، ۴۶۰، ۴۸۵
- ت
تألهی، شیخ عبدالحسین ۱۹۷، ۳۸۴
تات - تازیک - تاجیک
تاج محمدخان (سطوت الملک) ۲۹۲
۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۰
تاسوعا ۳۸۱، ۴۰۱، ۴۸۴
تبریان ۳۸۴، ۳۹۵
تَبْکانلو ۳۹۴
تَبّه برزل آباد
تَبّه زیارت ۲۴۵
تَبّه شاه
تَبّه گبرخانه ۲۵
تَبّه ماسوره (منصوران) ۲۴۵، ۴۸۷
تَبّه نارین - نادری (ارک) ۲۴، ۲۸، ۳۱
- ۴۱۸، ۴۶۰، ۴۸۸
بیچرانلو، علی خان بیک ۱۶۱، ۳۱۰، ۳۱۴
۳۱۷، ۴۶۱، ۴۹۶
بیچرانلو، فرج الله خان (فرج بگ) ۳۰۶
۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۲۳
۳۲۵، ۴۶۱، ۴۹۶
بیره زینل بیک ۳۹۱، ۴۰۶، ۴۴۰
بیگان ۷۷، ۳۶۱، ۳۹۲، ۴۰۷، ۴۸۲
بیگلری ۳۰۸، ۳۱۳
بیواره (بی بهره) ۳۹۰، ۴۲۹
- پ
پاپلی یزدی، دکتر محمد حسین ۱۵، ۱۳۵
۱۴۹، ۲۳۱، ۴۵۹، ۴۷۸
- پاداش ۲۸۸
پارت - پارتیک ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۳۵
۱۳۱
پاکستان ۹۶
پالکانلو ۳۶۱، ۳۹۳، ۴۴۴، ۴۶۷، ۴۶۸
۴۶۹، ۴۷۰
پالوزانه ۲۰۹، ۴۱۵
پتله گاه ۷۴، ۷۶، ۹۴، ۳۸۲، ۴۶۰
پرثوه ۲۶
پرورش ماهی ۹۴
پسته لی ۴۳۵
پسکوه ۴۰۳، ۴۱۴
پسیان، کنل محمد تقی خان ۱۸۳، ۲۹۳
۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰

- ۴۵، ۴۹، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۵
 تنک
 تخت (روستا) ۴۸۸، ۴۴۶
 تخت میرزا (بیلاق) ۶۰، ۷۴، ۷۸، ۲۰۴
 ۳۷۸، ۳۹۵، ۴۲۶، ۴۲۸
 تُرانلو ۲۴۵، ۳۶۳
 تربت جام ۱۴، ۱۷
 تربت حیدریه ۱۷، ۵۲، ۱۴۱، ۳۰۶
 ترخان (دره) ۴۱۷
 ترشیری (ترسیری) ۸۳
 تُرک قارشی قیزی ۱۳۴، ۱۳۶، ۳۶۸، ۴۲۵، ۴۴۳
 ترکمن - ترکمنها ۴۳، ۵۶، ۱۳۵، ۲۱۳، ۳۲۵، ۳۲۷، ۴۱۰، ۴۲۵
 ترکمن صحرا ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۶۷، ۳۷۹، ۳۸۸، ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۲۴، ۴۳۵، ۴۶۱، ۴۹۰
 تریاس ۸۱، ۸۶
 تفتازان (روستا) ۳۵، ۳۸، ۲۲۳، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۰، ۳۷۹، ۳۹۶، ۴۲۴، ۴۶۵، ۵۱۰
 تفتازانی، سعدبن حسام الدین ۲۵۰، ۲۵۲
 ۴۶۶
 تفتازانی، ملا سعدالدین ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰
 ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۶۶، ۵۱۰
 تکمران ۱۰۴، ۲۱۲، ۴۰۲، ۴۳۰، ۴۳۸
 ۴۴۹، ۴۶۵، ۴۷۹
 تنسوان ۲۲۵، ۳۹۴، ۳۹۷
 توپکانلو ۲۲۳، ۳۹۹، ۴۰۶، ۴۵۳
 توحتی، کلیم الله ۴۸، ۳۷۷، ۵۰۳
 توده ۷۷، ۲۴۴، ۴۰۰، ۴۵۲
 توکلی ۴۴۰
 توکور ۱۰۴، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۶۴
 تهران ۱۳، ۲۸۶، ۴۳۱
 تیرداد ۲۴
 تیرگان (تشکیلات رسوبی) ۸۰، ۸۲
 تیمورتاش ۱۷۵
 تیموریان ۱۳۴، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۵۳، ۴۳۴
 ج
 جابانی، محمد ۲۶۱، ۵۰۴
 جعفرقلی خان ۵۵، ۴۳۰، ۴۳۱
 جعفری، سلطانعلی ۳۷۰
 جعفری، نایبعلی ۳۷۰
 جلالی، میرزا علی اصغر ۱۵۲، ۱۵۵
 جلیان (گلیان) ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۳۹، ۹۲، ۹۹، ۳۰۲
 جنگاه ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۴۲، ۴۴۹
 جنگل سرانی ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۹
 جنگل گلیل ۴۸۹
 جوین ۷۴
 جیرستان ۱۰۶، ۲۱۲، ۳۹۳، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۶۷
 چ
 چارقالدی ۴۰۳، ۴۱۴

- چالکانلو ۴۵۰، ۴۵۱
 چاهک (کوه) ۷۴، ۳۸۰، ۴۴۰
 چپانلو ۳۷۵، ۳۷۶، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۴۸
 چرخ شیر ۵۰۶
 چُرمه ۲۴۵، ۴۶۶، ۴۸۸
 چشمه اوچ دوشی ۶۰، ۴۲۶، ۴۲۷
 چشمه چاهک ۳۸۰
 چشمه خان ۴۲۷
 چشمه دوزان ۳۹۱، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۳۸، ۴۴۰
 چُقَر اُلنگ ۴۲۸
 چَلو ۲۱، ۱۲۴، ۳۹۴، ۴۷۲
 چَمشگَزک (ایل) ۲۷، ۴۱، ۴۴، ۱۳۳، ۳۱۶، ۴۵۱، ۴۷۴، ۴۷۸
 چناران ۱۷، ۲۷
 چنگیز - چنگیز خان مغول ۳۸
 چورچوری ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۹
 چوکانسلو ۸۳، ۲۴۳، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۶۲
 چهارباغ ۴۵۳
 چهارشنبه سوری ۳۳۸
 چهل چشمه ۴۵۱
 چهل کمانه ۸۳
- ح
 حاتمی نژاد، دکتر حسین ۱۲، ۱۶
 حاجی آخوند ۲۴۳، ۴۲۸
 حاجی آقا بزرگ ۳۱۸
 حاجی خان بیک ۴۱۶
- حاجی شرو (شیر محمد مقیمی) ۱۲۱
 حاجی ملا عبدالله ۱۵۱
 حسام السلطنه ۵۶، ۴۳۱
 حسنی، خان بابا ۳۲۶
 حسینی سید حسین (امام جمعه) ۱۶۰، ۱۶۱، ۳۳۱، ۳۳۲
 حصارچه ۱۲۴، ۱۲۶
 حصار دوین ۴۰۹، ۴۱۹
 حصار قوشخانه ۲۴۵، ۴۹۸
 حصار موسی بیک ۱۱۴
 حکومت دهقانی ۳۳
 حَمّام (روستا) ۶۷، ۱۲۰، ۳۶۳
 حمزه کانلو ۳۶۹، ۳۸۹
 حمزه کانلو، حسن ۳۱۸ -
 حمیدی، علی ۲۷۱
 حمیدی، مجیدخان ۵۹، ۴۲۶
 حلوا چشمه ۳۹، ۴۰، ۲۲۳، ۳۶۳، ۴۰۹، ۴۲۰، ۴۶۴
 حومه (دهستان) ۳۸۲، ۴۱۱، ۴۳۸، ۴۴۰
- خ
 خادم ۲۷۹
 خانحصار (یا سرآباد) ۴۱۱، ۴۴۰
 خاللق (خالق آباد) ۷۷، ۳۱۷، ۴۱۲، ۴۳۰
 خبوشان ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۸، ۴۵، ۴۴۲
 خداوردی سروار (خندو سردار) ۱۸۲، ۳۰۲، ۳۰۴، ۴۰۱، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۹۳
 خدمتگزار، علی اصغر ۲۸۶، ۲۸۸، ۴۹۳، ۴۹۴

- خراسان ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۶، ۳۶، ۳۷، ۴۶، ۴۴
- خرسکانلو (پسکوه) ۴۰۳، ۴۱۴، ۴۷۱
- خرم آباد ۱۱۱
- خرنادر (قرندر) ← قرن دره ۳۸، ۳۹۶
- خزر (دریا) ۲۴، ۷۰، ۹۳، ۹۶
- خلأجلو ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۴۷، ۴۷۰، ۴۸۰
- خلیج حسینقلی ۹۳
- خلیلی، عبدالله ۶۰
- خمینی (امام) ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹
- خواجه سراج الدین ۳۸۰
- خوارمشاه، سلطان محمد ۳۷، ۳۸
- خوارزمشاهیان (خوارزمی) ۳۷، ۱۳۴، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۷۰
- خوارزمی، سلطان محمود ۳۷، ۲۳۱، ۴۸۳
- خوشه گاه ۳۱، ۱۲۹
- خیرآباد ۳۶۳، ۳۷۱، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۳۳، ۴۳۹
- د
- داد قزوین (قشلاق) ۲۰۹
- داریوش ۲۶، ۳۱، ۱۳۱
- داش تیمریک ۳۷۱
- داهی ۲۵
- دده خان ۳۷۴، ۳۷۹، ۴۱۶
- درگز (درنجر) ۱۴، ۱۷، ۲۵، ۲۸، ۴۷، ۷۵
- ۱۳۲، ۱۳۷، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۲۶
- درة خونی ۴۸۹
- دکتر فرزانه - رضا (شاهرضا) ۱۸۷، ۲۶۷
- دمقره (دنفره) ۳۱۸
- دوآب ۳۶۲، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۷۰
- دوآلدورم ۴۲۵
- دوبواز - نیلسون ۲۶
- دولان (نوعی باد) ۲۰، ۹۷
- دولو ۴۱۸، ۴۴۷، ۴۹۱
- دولومیت ۷۸، ۸۱، ۸۷
- دوین ۲۴، ۲۷، ۳۷۲، ۴۱۸
- دوین تپه شیروان ۴۱۹
- دیاربکر ۴۵۱
- دیاربکر ۴۵۱
- دیا کونف ۱۶، ۲۶
- ذ
- ذاکرانلو ۴۱۴، ۴۹۵
- ذوالفوز (زلفو) ۳۰۴، ۴۹۰
- ر
- رادکان ۳۸، ۷۶
- رباط ۱۸۴، ۳۲۲، ۳۲۶، ۴۰۹، ۴۲۰، ۴۳۳
- رُبرتار نیکوری جاردی ۲۴۵
- رحمانی فضلی، دکتر عبدالرضا ۱۱، ۱۲
- ۱۳۶، ۱۵
- رحیمیان، غلامحسین ۱۷۵
- رزمقان ۳۷، ۵۸، ۶۱، ۳۹۴، ۳۹۷، ۴۲۱

- رستگانی، ملا صادق ۱۹۵
 رشوانلو ۴۱۰، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۵۶، ۴۹۷
 رضاآباد ۷۷، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۵۵
 رضاآباد غربی ۴۲۳
 رضاقلی ایلخانی ۲۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۳۰۹
 روحانی حبیب الله ۱۹۶
 رودخانه اترک ۱۹، ۶۵، ۷۲، ۸۱، ۹۳، ۹۷
 ۱۳۱، ۳۱۹، ۴۰۰، ۴۰۷
 رودخانه زوارم ۵۹، ۹۴، ۴۰۱، ۴۲۷، ۴۹۲
 رودخانه قلجق ۹۳، ۴۵۴
 رودخانه قوشخانه ۹۴، ۹۷
 رودخانه گلیان ۹۴، ۴۷۳
 رودخانه هنامه ۹۳
 روسیه (شوروی) ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸، ۳۰۲
 ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۲۰، ۴۰۵، ۴۱۵
 ۴۳۳
 رینگولا ۸۱، ۸۳، ۴۸۵
- ژ
 ژا. ژق. لی ۴۴۳
 ژان گوره فرانسوی ۵۰
 ژرژ آقا بیکف ۲۸۸، ۲۸۹
 ژنرال سایکس. سرپرسی ۵۰۴
 ژوراسیک ۷۱، ۷۵، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۸۶
- س
 سادات ۴۳، ۴۵، ۶۱، ۲۷۵، ۴۴۱
- ز
 زاخارانلو ۴۵
 زاگرس (کوه) ۷۵، ۸۵
 زاهد، محمد علی ۲۷۶، ۲۷۹
 زرتشتیان ۱۵، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۴۵، ۲۷۱
 ۲۱۳، ۴۱۸
 زعفرانلو (ایل) ۲۷، ۴۴، ۶۱، ۶۳، ۱۳۳
 ۳۱۹، ۳۷۲، ۳۷۴، ۴۰۶، ۴۱۹
 ۴۷۴

ساسانیان ۲۵، ۲۷، ۴۱۸، ۴۷۷	سعادت‌مند، حاج سعادتقلی ۳۷۴
سالار، حسن خان ۵۵، ۶۲، ۶۵، ۳۰۹	سعیدی رضوانی، دکتر عباس ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۴۳۰
سامانیان ۳۶	سلجوقیان ۲۰، ۳۷، ۱۳۴
سام بیک (سامخان) ۴۶، ۴۹، ۵۷، ۶۳	سلطان تاجر ۵۸
سازوار ۱۴، ۱۷، ۳۹	سلطان حسن خان ۲۹۳، ۲۹۷
ساختری، ابوالقاسم ۲۸۶	سلطان مسعود غزنوی ۳۷
سرانی ۸۸، ۹۱، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۱۳، ۴۳۶	سملجان (سملقان) ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۴، ۲۴۸
سرپرسی سایکس ۵۰۴	سنجد (روستا) ۴۴۲، ۴۴۳
سرتیپ ماکوئی، محمد علی خان ۵۵	سنجر بیک (کوه) ۱۷۴، ۲۱۳، ۴۴۷، ۴۴۹
سرچشمه (روستا) ۴۰۹، ۴۳۷	سنگ آلا دولت ۹۰
سرچشمه (تشکیلات روسی) ۸۰، ۸۲	سنگانه ۸۰، ۸۲
سرحد (بخش مستقل) ۱۰۶، ۳۱۷، ۴۸۰	سوخ سو ۳۲۵
سرخ زو ۴۰۶، ۴۳۸، ۴۵۳	سوریه ۳۹۰
سرخس ۱۷، ۵۱	سولدی ۳۵، ۳۷، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۹۶، ۴۰۱
سرداب ۸۸، ۹۳، ۴۳۹، ۴۶۵، ۴۶۷، ۵۱۵	سولدی محمد حسین ۳۲۱
سردار آباد ۳۲۶، ۴۰۶، ۴۴۰	سه یک آب (روستا) ۷۷، ۹۴، ۱۲۹، ۲۹۱
سردار سپه ۳۱۹	سیاه کوه ۷۴
سردار معزز ۱۷۴، ۱۸۳، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۳	سیل سپرانلو ۴۴۵، ۴۴۶
۳۰۴	سیکانلو - سیفکانلو - سیوکانلو ۱۰۵
سرکار باغه (باغی) ۶۵	۱۰۶، ۲۱۲، ۳۶۹، ۳۷۵، ۳۸۹
سروان منوچهری ۳۲۷	۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۵، ۴۰۳، ۴۱۴
سرو کوهی ۲۰، ۸۸، ۴۳۴	۴۲۹، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۹
سرهنگ جلالی ۳۲۷	
سطوت الملک ۳۰۰	

- ۳۱۰، ۳۰۲
- شجاع السلطنه ۵۲، ۵۳
- شکرانلو ۸۹، ۴۱۴، ۴۴۷، ۴۸۰
- شریفی، قدرت الله ۲۵۸
- شکرانلو ۲۴۵، ۳۷۵، ۴۰۴، ۴۴۰، ۴۸۴، ۴۶۰
- شقایق وحشی ۴۶۰
- شلمان ۸۹
- شمشاد ۸۹
- شناسی ۳۸۴، ۴۰۲، ۴۰۹، ۴۴۲، ۴۴۹، ۴۶۴
- شورک (شوریک) ۱۹، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۶۵
- شورورزی، یعقوبعلی ۲۷۰
- شوروی ۱۸، ۷۲، ۷۴، ۷۹، ۱۰۵، ۱۳۴
- شوریچه (تشکیلات رسوبی) ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۷
- شوشتری، شیخ محمد اسماعیل ۳۳۱
- شوق آباد ۴۵۵
- شهرستانی، سید احمد ۱۱۹، ۱۹۷، ۳۲۹
- شهسواری ۴۵۴
- شه واته ۴۸۹، ۴۹۰
- شیخ امیر ۱۰۴، ۲۰۴، ۲۲۳، ۳۶۲، ۳۸۲
- ۴۵۱، ۴۷۹، ۴۲۳، ۳۸۵
- شیخ بهائی ۲۳۱، ۴۸۳
- شیخ تموری (تیموری) ۲۳۶
- شیخ رشید الدین محمد بیدوازی ۲۵۴، ۲۵۶
- شیخ عبدالعظیم ۱۵۲
- شیخ غفور جهانی ۱۹۵
- شادلو ۲۷، ۲۸، ۴۱، ۶۴، ۱۳۳، ۳۰۷، ۴۱۹
- شادلو، حیدرقلی خان ۵۶، ۶۴، ۴۳۱
- شادلو، خسرو خان ۳۰۷
- شادی بن مروان ۴۱۹
- شاکری رمضانعلی ۳۰، ۳۴، ۳۹، ۱۳۴، ۲۴۱
- شام دن گلان ۳۷۵
- شاه اسماعیل صفوی ۱۳۴، ۴۵۱
- شاهجهان (کوه) ۱۸، ۷۱، ۹۹، ۲۴۵، ۴۲۸، ۳۷۳، ۳۱۵
- شاهرخ خان ۲۶۰، ۳۱۰، ۴۲۷، ۴۵۲
- شاهرخ میرزا ۵۰، ۲۳۶
- شاهزاده عبدالرحمن ۳۶۹
- شاهزاده عبدالله ۲۴۴، ۴۵۵، ۴۵۸
- شاه سلطان حسین ۴۱، ۲۴۱، ۳۰۹
- شاه سلیمان صفوی ۴۳، ۴۴۶
- شاه طهماسب صفوی ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۳۷۰
- ۴۳۵، ۴۱۲
- شاه عباس اول (کبیر) ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۵
- ۴۱۳، ۳۰۸، ۳۹۹، ۴۴۴، ۴۴۶
- شاه قلی سلطان ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۳۰۸
- شاه ولایتی ۳۹۴، ۳۹۸
- شجاع الدوله، امیر حسین خان ۳۰، ۵۹
- ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۷۲، ۴۱۳
- ۴۹۴، ۴۲۵
- شجاع الدوله، عبدالرضا خان ۵۷، ۱۲۰

- شیخ مقدم ۲۴۴، ۳۷۱، ۳۷۲
 شیخ نجم الدین کبری ۴۱، ۴۴۱، ۴۴۲
 شیرآباد ۹۴، ۴۲۵، ۴۵۲
 شیرگاه ۴۹۷
 شیر محمد خان ۳۰۹
 شیروانی محمد اسماعیل ۱۷۵، ۱۷۹
 شیل ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۶
- ظ
 ظهیریان، محمد حسین ۲۵۹
- ع
 عاشورا ۳۸۱، ۴۰۱، ۴۲۰، ۴۸۴
 عاملی جواد ۱۷۵
 عبد آباد ۵۸، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۵۲، ۴۵۳
 عبدالرضا خان (شجاع الدوله) ۵۷، ۱۲۰
 ۳۰۲
 عثمان ۲۷
 عراق ۳۳۴
 عزت الدوله ۵۷
 عزیزالله خان زعفرانلو ۱۸۳، ۲۹۳
 عشایر ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۷۱
 ۳۲۷، ۴۶۸، ۴۸۹
 عشق آباد ۲۸۶، ۲۸۸، ۳۰۳، ۳۰۷، ۴۳۷
 ۴۵۵، ۴۸۳
- عطاردی، شیخ عزیزالله ۲۴۲
 علی بیک زاخوری ۴۵
 علی خان بیک بیچرانلو ۱۶۱، ۳۱۰، ۳۱۴
 ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴، ۴۶۱، ۴۹۶
 علی خان قلعه ۳۹۹، ۴۵۲
 علی محمد ۴۰۲
 عمارلو ۲۷، ۴۰۸
 عوض زاده سید علی ۱۷۶
 عوض وردی خان ۳۲۴
- ص
 صارم درگزری (صارم الملک) ۲۹۶، ۳۰۰
 صبور، سید محمد کاظم ۱۷۶، ۳۲۹، ۳۳۱
 صفار، محمد حسین ۲۸۹
 صفویان ۳۱، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۱۳۴، ۲۵۲
 ۳۰۸، ۴۰۳
 صنیع الدوله، محمد حسن خان ۲۸، ۲۹، ۳۰
 صولت السلطنه (محمد یوسف هزاره) ۳۰۶
 ۳۰۸، ۳۱۳
- ض
 ضیغم السلطان ۳۰۰
 ضیغم الملک، فرج الله خان نگهبان ۱۸۳
 ۱۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۳، ۳۱۰
 ۴۵۱
- ط
 طالش (تالش) ۹۷، ۲۰۹، ۲۱۲، ۳۴۲
 طبیس ۱۷، ۵۰
 طوس (توس) ۲۵، ۲۷، ۳۸

فیروزه شوروی ۵۷، ۴۲۱، ۴۳۶، ۴۵۵،

۵۱۳

فیض آباد ۳۸۲، ۴۱۸، ۴۲۳، ۴۵۰، ۴۵۵

ق

قاجار (قاجاریه) ۵۰، ۱۸۳، ۲۶۰، ۳۱۵،

۴۰۴، ۴۱۹، ۴۲۹، ۴۳۳

قادرقلی خان ۳۰۷

قارشی قیزی (طایفه ترک) ۱۳۶، ۳۶۸،

۴۲۵، ۴۴۳

قالتمانلو ۴۳۵، ۴۴۷، ۴۶۶، ۴۶۸

قاین ۱۴

قیز ۳۹۹، ۴۳۶، ۴۵۶، ۴۶۵

قدرت الله بیک ۳۲۵، ۳۲۶ -

قدمگاه ایوب ۲۴۳، ۴۳۷، ۴۳۹

قدمگاه عبدالرحمن ۴۶۷

قره تپه ای ۳۹۴

قراول چنگه ۲۰، ۷۴، ۸۱، ۱۲۴

قرچه داغی (داداش صبور) ۱۵۳، ۱۵۵

قرمز کال ۷۶

قره باغ ۷۷، ۳۸۰، ۳۸۱

قره چغه ۴۸۹

قره چورلو ۲۷، ۱۳۳، ۴۱۰

قره خان (قُرخو) ۲۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۹

قره داغ ۷۰، ۴۱۸، ۴۳۵، ۴۴۵

قره سوران ← امنیه ← ژاندارمری ۱۸۲،

۱۸۳

قره قازان ۳۳۹، ۴۰۸، ۴۷۲

غ

غار استخری (اسطرخی) ۱۰۲

غار اُلاشلو ۳۶۹

غار پوستین دوز (لوجللی) ۱۰۰، ۲۴۳

غار دامچی ۲۴۵، ۳۹۲

غار مصطفی ۴۵۴

غزنوی - غزنویان ۳۶، ۳۷، ۲۲۸، ۴۳۲

ف

فارسی (زبان) ۴۲۳، ۴۵۰، ۴۵۵، ۴۷۳،

۴۸۲، ۴۸۵، ۴۹۳

فاروج ۸۱، ۹۳، ۱۸۳، ۲۲۲، ۲۹۱، ۲۹۴،

۲۹۴، ۳۷۱، ۴۵۰

فاضل (روستا) ۴۵۰

فاطمه خانم (چشمه) ۹۸

فتحعلی شاه قاجار ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۱۰،

۴۵۵

فرج الله خان بیچرانلو ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۰،

۳۱۳، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۶

۴۶۱، ۴۹۶

فرهنگ (آموزش و پرورش) ۱۵۱

فلاحکار، کربلانی کاظم ۲۸۹

فهیمی موسی بیک ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۵،

۳۲۶، ۴۹۶

فیاض، محمدتقی ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۷،

۴۳۳

فیروزه (روستا) ۲۴۴، ۳۶۴، ۴۵۴، ۴۵۸

- قره قواخ ۳۸۹
قره کال ۱۳۱، ۷۶
قرل حصار ۳۷۸، ۴۲۵، ۴۵۷
قرلر قلعه ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۷۶، ۳۹۶
۴۲۶، ۴۳۵، ۵۱۵
قشلاق ۱۳۲، ۲۰۹، ۲۱۳، ۳۷۹
قلجق ۷۶، ۸۹، ۳۸۵، ۴۵۷
قلعه بیک ۴۵۹
قلعه حسن ۲۲۳، ۴۴۷، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۷۰
قلعه حسن، رسول ۱۸۴
قلعه زو ۷۴، ۲۳۶، ۳۹۲، ۴۶۲
قُلهک ۳۶۵، ۴۰۹، ۴۱۶، ۴۳۳، ۴۴۹
۴۶۴، ۴۹۷
قلیچ خان ۲۹۸
قم ۳۲۷
قنبر - قمو (کوه) ۷۴، ۹۳، ۳۹۰، ۴۰۴
۴۴۸، ۴۲۹
قوام السلطنه، احمد ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۹۲
۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۴، ۲۹۸
قوچ ۴۹۰
قوچان ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۴۱، ۴۷
۲۰۴، ۲۲۲، ۲۸۷، ۳۸۳
قوچ قلعه ۴۴۸
قوردانلو ۴۵۰
قوشخانه ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۶، ۲۱۲، ۲۵۲
۳۷۴، ۳۷۹، ۳۹۶، ۴۰۲، ۴۱۶
۴۳۶
قوری دربند ۱۰۹
- قولانلو ۴۱۰، ۴۶۴، ۴۷۹
قهرمانلو ۲۱۲، ۴۷۸
- ک
- کارخانه اسفنج شیروان ۳۱، ۱۲۱، ۱۲۹
۱۴۶، ۲۱۸
کارخانه الیاف خراسان ۳۱، ۱۲۱، ۱۲۹
۱۴۶، ۲۱۸
کارخانه الیاف شیروان ۳۱، ۱۲۱، ۱۲۹
۱۴۶، ۲۱۸
کارخانه قند شیروان ۳۱، ۷۷، ۹۳، ۱۴۶
۲۱۵، ۳۹۳
کاروتسکی ۲۸۸
کاظم خان خلیج ۶۴
کاکلی ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۱، ۴۳۶، ۴۶۵
کالتمانلو ۴۳۵، ۴۴۷، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۸۸
کاوانلو ۲۷، ۲۸، ۴۱
کپه داغ (کپت داغ) ۱۸، ۱۹، ۷۰، ۷۴
۷۵، ۷۸، ۸۰، ۸۵، ۲۴۲
گُرد ۴۴، ۱۳۴، ۳۰۳، ۳۲۴، ۳۲۷
کرمانج (کرمانجی) ۱۳۶، ۳۶۶، ۳۶۷
۳۷۵، ۳۸۲، ۴۱۴، ۴۳۸
کرتاسه ۷۱، ۷۵، ۸۰، ۸۳، ۸۶
کشتی با چوخه ۲۴۱، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳
۲۷۶، ۲۷۷، ۴۳۳، ۴۸۴، ۴۹۶
کشتی پهلوانی ۲۷۱
کشف رود ۲۶، ۷۲، ۸۶، ۸۷
کلات ۲۸، ۴۵

- کلاته ۴۶۱، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۸۶
 کلاته نظر علی ۴۵۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰
 کلاته نظر محمد ۳۹۶، ۴۶۷، ۴۶۸
 کلالی، امیر تیمور ۱۸۲
 کلاهون ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۰
 گم کیل ۴۰۴
 کنگلومرا ۸۰، ۸۶
 کوران داغ ۷۰
 کورکانلو ۲۴۵، ۳۶۶، ۳۸۲، ۴۴۶، ۴۶۹، ۴۸۵
 کوروش ۲۶، ۲۹۰
 کوسه (روستا) ۱۰۴، ۱۸۴، ۳۹۳، ۴۴۶، ۴۷۰، ۴۶۹، ۴۷۰
 کوشانیان ۱۶، ۲۶
 کوه الله اکبر ۷۹
 کوه جغتای ۷۴
 کوه چاهک ۷۴، ۳۸۰، ۴۴۰
 کوه میسینو ۳۲۶
 کوه مؤمن ۴۶۴
 کویر نمک ۷۴
 کهنه شهر شیروان ۳۱، ۶۵، ۱۰۶، ۱۲۷
 ۱۸۱، ۱۵۱
 که که ۲۳۶
 که - ون ۳۹۰، ۴۷۸
 کیسمار ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۰۴، ۴۴۸
 کیمیائی، رمضانعلی خان ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵
 گدوگانلو ۲۴۵، ۳۶۵، ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۱۴
 ۴۷۱، ۴۹۵
 گرایلی ← گرائیلی ← گرائیت ایلی ۲۸
 ۴۱، ۱۳۳، ۱۳۴
 گردوی خونی ۳۷۸
 گرگان (استرآباد) ۵۰
 گرماب ۳۸۷، ۴۲۱، ۴۷۲
 گروه زو ← گرزو ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۷۲
 گلیان ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۶۰، ۷۶، ۹۲، ۹۹
 ۲۴۸، ۳۰۲، ۴۷۳، ۴۷۶
 گلیل ← گولیل ← گولول ۱۸، ۷۴، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۹۸، ۲۰۴، ۲۱۳، ۳۶۷
 ۳۸۹، ۴۸۸
 گمرک ۲۴۳، ۳۸۱، ۴۸۵
 گناباد ۱۴، ۱۷
 گنج آباد ۴۱۹، ۴۷۷، ۴۷۸
 گورکانیان (گورکانی) ۳۹
 گوگلان ۶۰
 گوگلسی ۲۴۵، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۵۰، ۴۷۹
 گون بات ۳۱، ۱۲۹، ۴۷۲
 گیفان ۷۲، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۷۳
 گیلان ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۳۹، ۶۰، ۷۶، ۹۲
 ۹۹
 ل
 ل. ک. بلوی ۲۹۸، ۳۰۲
 لرد گوزن ۳۰، ۴۴
 گ
 گبرنشین (زرتشت) ۲۳۹، ۲۴۳

- لنینگراد ۲۸۵
لوجلّی، رجبعلی ۳۲۶
لوجلّی (مرکز بخش سرحد شیروان) ۱۰۵، ۳۶۵، ۳۹۱، ۴۰۱، ۴۳۴، ۴۶۴، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۱۴
لهاک خان سالار ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۱۹
- م
ماژور محمود خان ۱۵۲، ۲۹۱، ۲۹۸
ماکوئی پور ۱۷۵
مانه ۲۴۸
مجتهد شیروانی، میرزا محمد ۱۹۴
مجنون شیروانی (شاعر) ۲۵۶، ۴۲۹
محمد آباد ۴۱۹
محمد زاده عبدالحسین ۲۷۷
محمد علیقان ۴۳۰، ۴۸۱
محمدیان - محمد ۲۷۱
محمودیان - حاج محمود ۱۷۶
محلّه سرخ ۴۸۲
مختومقلی خوارزمی ۳۸۵
مدرسه علمیه ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۳۲۹
مراوه تسیّه ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۲۷، ۳۷۴، ۴۱۱، ۴۳۵
مرتّع ← مراتع ۲۰۹، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۸۹
مرگان - خوجه ۳۲۴، ۳۲۵
مرگان - محمد ۳۲۴
مستوفی، حمدالله ۵۰۶
- مسجد جامع ۶۶، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۸۹، ۱۹۳، ۳۳۲، ۳۳۳
مسعودی، سید کاظم، ۱۷۵، ۱۷۶
مشیرالدوله ۵۰۳
مشکوتی، نصرت الله ۲۴
مشکور، دکتر محمد جواد ۲۵، ۱۳۱
مشهد ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۳۱، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۶۴، ۲۱۱، ۲۲۲، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۳، ۳۲۷، ۳۸۶
مشهد طرقی ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۴۶، ۵۸، ۱۳۵
۲۳۱، ۴۲۱، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۴، ۵۱۱
مظفرالدین شاه قاجار ۳۱۰
مظفر السلطنه ۳۰۰، ۳۱۰، ۴۵۱
معدن سنگ آهک ۹۲
معدن شن و ماسه ۹۲
معدن شتادی ۹۲، ۴۹۵
معدن گچ ۴۲
معین، شیخ حسین ۱۹۶، ۲۲۵، ۳۰۷
مغول - مغولان ۳۶، ۳۸، ۱۳۳، ۲۳۳
۲۵۲، ۴۳۴
مقبره امامزاده حمزه رضا (ع) ۳۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۴، ۳۳۹، ۴۳۲، ۵۰۹، ۵۱۲
مقبره بابا شیخ ۳۷۹
مقبره تیموری (عید خواجه) ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۴۳۲، ۵۰۸
مقبره امامزاده عباس (ع) ۲۴۴
مقبره امامزاده عبدالرحمن (ع) ۲۴۴

مقبره امامزاده عبدالرضا (ع) ۲۴۴
مقبره امامزاده قاسم الحسینی (ع) ۲۴۴، ۲۶۰، ۳۸۶
مقبره امامزاده محمّد رضا (ع) ۳۷، ۲۳۱، ۲۴۴، ۴۸۲، ۴۸۴
مقدسی ۴۱۹
مکتب الزهرا (ع) ۱۶۱
مکی حسین ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۸
محمّد باقر (خوشنویس) ۲۶۰، ۴۲۹
ملا غلامرضا ۱۵۱
ملا محمّد زاهدی ۳۲۷
ملوانلو ۳۶۶، ۴۴۶، ۴۶۹، ۴۸۵، ۴۸۸
منصوران ۲۴، ۷۷، ۴۳۰، ۴۸۶، ۴۷۷
منوری، امیر ۲۷۵، ۲۷۷
موسی بیک ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۶، ۴۵۴، ۴۹۶
مهنی (مهنه) ۴۰، ۳۷۰
میترداد (مهرداد) ۲۴
میر آخور ۲۹۷
میردرویش حسن زیارتی ۲۵۵، ۴۸۶
میرفخرانی ۲۹۳
میرزا براتعلی شیروانی ۳۱، ۴۶، ۱۸۸، ۱۹۶، ۲۹۴
میرزا بزرگ امیری مقدم ۳۱۸
میرزا فضل الله ۵۳
میرزا محمّد شیروانی ۲۵۲
میرزا یادگار محمّد ۳۰، ۳۹
میلانلو ۶۳، ۲۴۵، ۳۶۶، ۳۷۴، ۴۴۶، ۴۶۵، ۴۸۵، ۴۸۸

مین باشی. الهیارخان ۵۹، ۲۶۰، ۳۱۰، ۴۲۶، ۴۲۷
ن
نادرشاه افشار (نادرقلی) ۴۵، ۴۷، ۴۹
نارلی (قشلاق) ۳۸۹، ۴۶۰
نارین (محل روشن شدن) ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۴۵، ۲۴۰
ناصرالدین شاه ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۶
ناصرالدین ۱۸۲، ۲۳۰، ۳۱۰، ۳۷۲، ۳۷۷
ناصرلشکر، حبیب الله خان ۳۰۰
نامانلو ۹۸، ۱۸۴، ۲۲۳، ۳۶۶، ۳۹۵، ۴۱۴
ناهیدی، علی ۱۶۰، ۱۶۱
نجم الدین کبری ۴۱، ۴۸۴
نفرین ۶۳
نسا (نسوی) ۱۶، ۲۶، ۲۷، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۳۴، ۴۵۵
نسوی - ابوالحسن علی ابن احمد ۲۴۹
نظمیه - شهربانی ۱۸۰، ۱۸۱
نقدو ۴۱۸، ۴۴۷، ۴۶۰، ۴۹۱
نگهبان، امیر حسین خان ۱۵۹، ۱۷۹، ۳۱۴
نگهبان، شاهپور خان ۵۹، ۳۱۰، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۶۱
نگهبان، فرج الله خان (ضیغم الملک)

- هزار مسجد ۱۹، ۷۲، ۷۴، ۷۸، ۸۰
 هشتاد گاو ۴۱۹، ۴۳۹
 هشتمرخ ۱۹، ۷۱، ۳۷۳
 هفت چال ۴۶۰
 هلز ۳۶۷، ۳۷۴، ۴۰۷، ۴۴۸
 همایت ۸۳
 هنامه ← هونامه ۲۴، ۲۷، ۳۵، ۴۵، ۷۷
 ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۳، ۳۱۳، ۴۵۴، ۴۹۵
 هوشیار، علی ۱۷۹
 هولوسن ۸۱
- و
- واعظی، شیخ ابراهیم ۱۹۷، ۲۶۱
 ورقی ۹۴، ۳۶۶، ۴۰۷، ۴۲۵، ۴۵۲، ۴۹۲
 ورک ۳۷، ۳۰۲، ۳۶۶، ۳۹۴، ۳۹۷، ۴۰۹، ۴۲۱، ۴۹۳
 وطنپرست، میرزا محمد ۲۷۰، ۲۷۱
 وفادار، احمد (پهلوان ایران) ۲۷۹
 وقف نامه ۴۴۲، ۴۸۴، ۴۸۶
 ولو ← ولو (روستا) ۴۱۸، ۴۴۷، ۴۸۰
- ه
- هارون الرشید ۲۴۴
 هرات ۴۰
- یاسر آباد ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۴۰
 یاقوت حموی ۱۳۲
 یزدان وردی خان ۵۶، ۶۵
 یقی ← یقین ۳۸۰، ۳۸۱
 ینگه قلعه ← ینگگی قلعه ۱۰۵، ۳۲۵، ۳۶۶، ۳۷۴، ۴۲۴، ۴۹۷
 یونه چری (کوشانیان) ۱۶، ۲۶، ۱۷۹
 ییلاق ۹۸، ۹۹، ۱۳۲، ۲۰۹، ۲۱۳، ۴۳۷



